مقدس نبوی و اهل بیت و صلوات الله علیهم که اشرف مکونات و زبده ممکنات و نتیجه
امکانی و کمالات و استعدادات کنجایش داشته باشد و ایشان مجمع است ایشان
جمیع فیوض و رحمتها بند و هر فیضی و رحمتی اول برایشان فایض میکردد و بطفیل ایشان بسوا دیگر
دیگر سرایت میکند در خور استعدادات ایشان چنانچه نعمت ایجاد که اول نعمتها است اول برایشان
فایض کردید و بعد از آن بر دیگران چنانچه فرمود اَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ نُورِی و همچنین معنی
نبوت اول از برای آنجناب حاصل شد و برکت او بر دیگران رسید چنانچه فرمود که کُنْتُ نَبِیًّا
وَآدَمُ بَیْنَ الْمَاءِ وَالطِّینِ یعنی من پیغمبر بودیم و آدم در میان آب و گل بود و فرمود که ما یم
آخران سابقان که بعد از همه ظاهر شدیم و پیش از همه جمیع کمالات داشتیم و اینست معنی شفاعت
کبری که از روز اول تا ابد الآباد جمیع خیرات و کمالات بوسیله ایشان بجمیع خلق فایض کردیده و میکردد
و اینست سر صلوات برایشان که در جمیع مطالب باید اول برایشان صلوات فرستاد و بعد از آن
حاجت خود را طلبید تا بر آورده شود زیرا که یکعلت نارواکی حاجت عدم قابلیت است پس
چون صلوات فرستاد و برای آن مادة قابل رحمت طلبید مانعی نیست در حق آنحضرت و اهل
بیتش مستجاب میشود و همین که آب بر سر چشمه آمد هر کس در خور قابلیت از سر چشمها بهره میرسد در خور
راهی که بآن سر دار دکسی باشد که نهر عظیم از ولایت و اخلاص و توسل از آن منبع خیرات و سعادات بسوی
کند باشد از هر رحمتی که بآنجا میرسد در خور آن نهر و کنجایش آن بهره میبرد و کسی که چون جنیعه داشته
باشد همان قدر حصه میباید پس معلوم شد که انتفاع انبیا و مقربان از انوار مقدسه ایشان زیاده
از دیگرانست و منت نعمت ایشان بر پیغمبران و اوصیا و دوستان خدا زیاده بر عوام الناس است
و در حدیث معتبر منقولست که رسول خدا فرمود که حق تعالی فرا کرفت میثاق از ذریه آدم

مقدس نبوی اهل بیت او و صلوات الله علیهم که اشرف مکونات و زبده ممکنات و نهایت نتیجه
امکانی از کمالات و استعدادات گنجایش داشته باشد مرایشان مجمع است ایشان دهنده
جمیع فیوض و رحمتها یند و هر فیضی و رحمتی اول برایشان فایض میگردد و بطفیل ایشان بمواد قابله
دیگر سرایت میکند در خور استعدادات ایشان چنانچه نعمت ایجاد که اول نعمتها است اول برا
فایض گردید و بعد از آن بر دیگران چنانچه فرمود اَوَّلُ مَا خَلَقَ اللّٰهُ نُورِی و همچنین معنی
نبوت اول از برای آنجناب حاصل شد و ببرکت او بر دیگران رسید چنانچه فرمود که کُنْتُ نَبِیًّا
وَآدَمُ بَیْنَ الْمَاءِ وَالطِّینِ یعنی من پیغمبر بودم و آدم در میان آب و گل بود و فرمود که ما ئیم
آخران سابقان که بعد از همه ظاهر شدیم و پیش از همه جمیع کمالات داشتیم و اینست معنی شفاعت
کبری که از روز اول تا ابد لا باد جمیع خیرات و کمالات بوسیله ایشان بجمیع خلق فایض گردیده و میگردد
و اینست سر صلوات برایشان که در جمیع مطالب باید اول برایشان صلوات فرستاد و بعد از آن
حاجت خود را طلبید تا بر آورده شود زیرا که یکعلت نارو ائی حاجت عدم قابلیت است پس
چون صلوات فرستاد و برای آن ماده ها قابل رحمت طلبید مانعی نیست در حق آنحضرت و اهل
بیتش مستجاب میشود و همین که آب بر سر چشمه آمد هر کس در خور قابلیت از سر چشمها بهره میرسد در خور
راهی که بآن سر دارد کسی باشد که نهر عظیم از ولایت و اخلاص و توسل از آن منبع خیرات و سعادات بسوی
کند باشد از هر رحمتی که بآنجا میرسد در خور آن نهر و گنجایش آن بهره میبرد و کسی که چون ضعیف داشته
باشد همان قدر حصه مییابد پس معلوم شد که انتفاع انبیا و مقربان از انوار مقدسه ایشان زیاده
از دیگرانست و منت نعمت ایشان بر پیغمبران و اوصیا و دوستان خدا زیاده بر عوام الناس است
و در حدیث معتبر منقولست که رسول خدا فرمود که حق تعالی فرا گرفت میثاق از ذریه آدم
بتوحید خود و رسالت من و امامت اوصیای من پیش از دو هزار سال از خلق کردن آدم ایشان
قبول نموده گفتند شَهِدْنَا گواه شدیم و اخبار در این باب زیاده از حد و حصر است چنانچه از
احادیث معتبره ظاهر میشود ایشان همین سفینه نجات این امت نیستند بلکه جمیع ملائکه و پیغمبران

برکت وجود ایشان بسعادات فایز کردیده اند و در جمیع شداید بود ایشان پناه برده اند
محمد و علی و فرمود که لولاک لما خلقت الافلاک اگر شما نبودید من افلاک را خلق نمیکردم
و ابن بابویه بسند معتبر صحیح از امام محمد باقر و آبای کرام او علیهم السلام روایت کرده است که رسول
خدا فرمود که محبت من و اهل بیت من نفع میکند در هفت موضع که اهوال آنها عظیم است
در هنگام مردن و در قبر در وقت مبعوث شدن و در هنگامی که نامها بدست راست و چپ آید و در
هنگام حساب و نزد میزان که اعمال خلایق را سنجند و نزد صراط که ان السمع والبصر و
الفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا یعنی بدرستی که گوش و چشم و دل هر یکرا
در روز قیامت در معرض سوال درخواهند آورد پس اگر بنا شود محبت اهل بیت رسول خدا
در دل کسی وای بر اعمال او کس **نظم** بر محمد که در نه صدف است تحفه صلوات او مرا بلکف است
باعث خلق کل مخلوقات از شفاعت کفش برات نجات بر بنی عم او شه صفدر
یکی از معجزش بود خیبر هم باولاد پاکش از ابرار کامدند در ازل همه اطهار و دلیل دیگر از قرآن
مجید که یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر
منکم یعنی ای جماعتی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا را و رسول خدا را و جماعتی که صاحبان
امرند و حاکمانند که ائمه باشند و بدانکه هیچ عصر خالی از امام نمیباشد و آن امام از جانب خدا
میباید منصوب باشد و بدانکه امامت عبارت است از اولی بتصرف و صاحب اختیار بودن در دین
و دنیا امت بجا نشینی حضرت رسول و در ضمن دلایل بر وجود نبی ظاهر شد که صلاح ناس و هدایت ایشان
و رفع نزاع و جدال از میان ایشان بدون نقیمی میسر نمیشود چنانچه حضرت امام رضا در علل فضل
بن شاذان فرموده است که چون خداوند عالمیان مردم را با امر چند تکلیف فرمود و اندازه چند
برای او امر و نواهی خود مقرر ساخت و امر فرمود که ایشان از آن حد تعدی نکنند که موجب
فساد ایشان است پس ناچار است که برایشان امینی بگمارد که منع ایشان کرده از تعدی کردن و
ارتکاب محارم زیرا که اگر چنین شخصی نباشد هیچ کس لذت و منفعت خود را از برای مفسده که

بدیگری عاید گردد ترک نخواهند کرد چنانچه ظاهر است از نفوس و طبایع مردم پس لابد است از قیمی و امامی که
ایشان مقرر فرموده که ایشان را منع نماید از فساد و حدود و احکام الهی را در میان ایشان جاری سازد
چنانچه ظاهر است که هیچ فرقه از فرق و ملتی از ملل تعیش و بقا ایشان بدون سرکرده و رئیسی
نبوده پس چون جایز باشد که حکیم علیم این خلق را فاخل گذارد از امامی که مصلح احوال ایشان باشد
و با دشمنان ایشان محاربه نماید و غنایم و صدقات در میان ایشان بعدالت قسمت نماید و اقامه
جمعه و جماعات نماید و حق مظلوم را از ظالم بگیرد **لما یصنع** اگر امامی در میان
مردم نباشد که حافظ دین پیغمبر باشد هر آینه ملت مندرس شود و دین برطرف شود و احکام الهی متغیر
و منتقل گردد و ارباب بدعت و ملاحده در امور دین و احکام شرع زیاده و کم بسیار کنند و شبهها
در میان مسلمانان پیدا کنند زیرا که خلق چنانچه می بینیم همه ناقص اند و در طبایع و رایهای ایشان
اختلاف بسیار است و هر یک بخواهش خود رایی اختراع مینمایند پس اگر حافظی از برای دین
نباشد دین برود و باطل شود **در بیان ثبوت امامت حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
و ائمه المعصومین** بدانکه دلیل بر اینکه امام بحق بعد از رسول صلی الله علیه و آله وسلم علی بن
ابی طالب علیه السلام است بسیار است که درین منتخب گنجایش ندارد قال الله تعالی انما ولیکم الله از آنجمله قوله
و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة
و هم راکعون یعنی نیست اولی در تصرف کردن در امور شما خدا است و رسول خدا
و کسانیکه ایمان آورده باشند و نماز کنند و زکوة دهند در حالتی که در رکوع باشند و باتفاق مفسرین این
آیه نص صریح است بر امامت آنحضرت چنانچه در غیر کتب ذکر شده و باتفاق علماء خاصه و عامه که حضرت امیر المؤمنین
در مباهله داخل بود و داخل ابنائنا و نسائنا نیست پس باید داخل انفسنا باشد و حقیقت در اینجا
مراد نمیتواند بود زیرا که اتحاد دو نفس محال است پس مراد آنست که اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت
در کمالات و صفات بمرتبه بود که بمنزله نفس و جان آنحضرت بود پس هر کمالی که در رسول خدا بود باید که
در آنحضرت باشد بغیر پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه پیغمبر بعد آنحضرت و باید که مخصوص

ترین خلق باشد بآنحضرت اعز خلق باشد نزد او و روایات مفصله این قصه شریفه و فواید که
از آن مستفاد میشود در کتاب عین الحیوة که از تصانیف مرحوم جنت آرامگاه مولانا محمد باقر است ذکر فرموده
اند و قدری نیز درین رساله ایراد مینماید و منقول است از جابر جعفی که از حضرت امام محمد باقر پرسید
که مردم را چه احتیاج است به پیغمبر و امام فرمود که از برای اینکه عالم بر صلاح خود باقی باشد زیرا که
خدا عذاب را دفع میکند از اهل زمین تا پیغمبر یا امام در میان ایشان است چنانچه خدا به پیغمبر
فرمود که خدا ایشانرا عذاب نمیکند و حال آنکه تو در میان ایشان هستی و رسول خدا فرمود
که ستارها امانان اهل آسمانند و اهل بیت من امان اهل زمینند پس چون ستارها از آسمان
برطرف شوند قیامت ایشان قایم شود و چون اهل بیت من از زمین برطرف شوند قیامت بر پا شود
و مراد باهل بیت جماعتی اند که خدا فرموده است که ای گروه مومنان اطاعت نمایید خدا و اطاعت
نمایید رسول خدا را و صاحبان امر از خود را و صاحبان امر آن معصومان مطهران اند از جمیع گناهان
که هرگز گناه و معصیت نمیکنند و همیشه از جانب خدا موید و موفق و مسدد اند و بسبب برکت
ایشان خدا بندگان را روزی میدهد و بسبب ایشان شهرها را خدا معمور میکند و برای ایشان آسمان
میبارد و از زمین گیاه میروید و بایشان خدا مهلت میدهد گناهکاران را و عذاب بر ایشان نازل
نمیفرستد و هرگز از روح القدس جدا نمیشوند و روح القدس از ایشان جدا نمیشود و هرگز ایشان
از قرآن جدا نمیشوند و قرآن از ایشان جدا نمیشود یعنی قرآن تمام در نزد ایشانست و معنی قرآن را
ایشان میدانند و عمل بجمیع قرآن ایشان مینمایند باسانید متواتره این مضامین از اهل بیت
علیهم السلم وارد شده و بسند معتبر منقولست از حضرت صادق که جبرئیل بر رسول خدا نازل
شد و گفت حق تعالی میفرماید که من هرگز زمین را نگذاشتم مگر آنکه در او عالمی و امامی بود که
طاعت و هدایت مرا بخلق من شناسانید و از میان پیغمبر دیگر باعث نجات خلق بود و هرگز نمیگذارم شیطان را
گمراه کند و کسی نباشد که حجت من باشد و بندگان مرا بسوی من هدایت نماید و عارف بامر من باشد و
از برای هر قومی البته هدایت کننده است که سعادتمندان را هدایت مینماید و حجت مرا

بر ارباب شقاوت تمام میکند و ایضا از آنحضرت باسانید متکثره منقول است که فرمود که هرگز زمین خالی
نیست از کسی که زیاده و نقصان دین را بداند و اگر زیادتی در دین بکنند زیاده را پس گرداند و اگر
کم کنند کمی را تمام کند و اگر نه امور مسلمانان مختلط و مشتبه شود و میان حق و باطل فرق نکنند
عقول سلیمه بر این مضامین حکم مینمایند و این اخبار معتبره منبهاتست و اگر کسی تفکر نماید مشتمل بر براهین
حقه واقعیه است هر یک از این احادیث و ایضا دلایل عقلیه و وجوه نقلیه که بعضی که
در کتب مفصل مذکورست شاهدست بر اینکه امامت بدون نص الهی نمیباشد و صاحب عقل
مستقیم بعین الیقین میداند که خداوندی که جمیع جزئیات احکام را حتی احکام بیت الخلا و
وجماع کردن و خوردن و آشامیدن را بیان فرماید و بعقل مردم نگذارد البته امر خلافت
و امامت که از اعظم امورست و موجب بقای احکام شریعت و صلاح و نجات ایشانست
بعقول ضعیفه خلق نخواهد گذاشت و ایضا جمیع پیغمبران وصی تعیین فرمودند چون پیغمبر آخر
الزمان وصی تعیین نفرماید با آنکه شفقت او نسبت بامت از جمیع پیغمبران بیشتر بود و پیغمبر دیگر را
احتمال بعثت دیگر بعد از ایشان بود و آنحضرت میدانست که بعد از او پیغمبری نخواهد بود و ایضا
این معلومست که آنحضرت هرگز در ایام حیات غیبتی اختیار نمیفرمود مگر اینکه خلیفه نصب میفرمود
پس در غیبت کبری و ارتحال بعالم بقا چون یقین نفرماید و ایضا جمیع علما امر بوصیت میفرمود
و چون خود ترک وصیت نماید حاصل هیچ عاقلی و دانائی این معنی را قبول نکند چرا که پیغمبر آخر
الزمان میدانست که بعد از او پیغمبر دیگر مبعوث نخواهد شد مگر جمیع صفیه و بعضی قبول این معنی
کنند مثل قوم بنی اسرائیل که دست از هارون برادر موسی برداشتند و گوساله را پرستیدند
و در این قوم جمیع صفیه دست از دامن امیر مومنان و امام متقیان و پسر عم رسول الله برداشته
و گوساله این قوم یعنی ابوبکر و عمر گرویدند و جمعی را تا قیام قیامت بکفر و ضلالت انداختند چنانچه
از قول سعدی شیرازی گفته اند گویند که پیغمبر ما رفت ز دنیا میراث خلافت بعمر داد و بعثمان
آنروز که این گنبد فیروزه نهادند هر کس که بهر چیز سزا بود بدادند نی نی ملکان ملک

به بیگانه ندادند رود دفتر شاهان جهان جمله تو برخوان یکروز جوانی بسر سوق سمرقند میخواند
بدین نوع همین موعظه و پند با این عم و دختر و داماد و دو فرزند میراث به بیگانه دهد هیچ
مسلمان این پند تبرا که مرا قوت دین است پیوسته بخوانیم که اوراد همین است اسعد روش
قاعده دین تو این است لعنت با بابکر و عمر میکن و عثمان و دیگر از جابر بن عبدالله انصاری
منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که در در بهشت نوشته است که لا اله الا الله
محمد رسول الله علی اخو رسول الله یعنی علی برادر رسول خداست و این را
بدر بهشت نوشته اند پیش از آنکه آسمان و زمین را بیافریند بدو هزار سال در بیان
آنکه عبادت مشروطست باعتقاد بامامت ائمه اثنی عشر صلعم و بدون آن عبادت
ثمره نمی بخشد بلکه باعث عقاب میشود و اینمعنی اجماعی علمای شیعه است قطعی اگر صد دوزخ ابذر
پوست داری بنوزر چون علی را دوست داری اگر بغض علی و آل داری بنوزر گر هزاران
پوست داری و احادیث درین باب از حد احصا بیرونست از آنجمله ابن بابویه علیه الرحمه بسند معتبر
از امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایت کرده است که چون بنده را در مقام حساب
نزد خداوند عالمیان میدارند اول چیزی که از او سوال میکنند نماز و زکوة پس اگر اقرار
بولایت کرده برآنحال هر دو نماز و روزه و زکوة و خمس و حج را قبول میکنند و اگر اقرار بولایت
ننکرده هیچ عملی از اعمال او را قبول نمیکنند و بسند دیگر از آنحضرت روایت شده است که جبرئیل
بر حضرت رسول صلعم نازل شد و گفت خداوند عالم سلامت میرساند که من آسمانهای هفتگانه و
زمینهای هفتگانه را و آنچه بر روی آنهاست خلق کرده ام و هیچ محلی بهتر از میان رکن و مقام
ابراهیم خلق نکرده ام اگر بنده مرا در آنجا از زمانی که آسمانها و زمینها را خلق کرده ام
تا انقراض عالم و اقرار بولایت علی نداشته باشد او را سرنگون در جهنم اندازم و در حدیث
دیگر وارد شده که خداوند فرمود بحضرت پیغمبر که یا محمد صلعم اگر بنده مرا عبادت کند تا
هم بپاشد و مانند مشک پوسیده شود و منکر ولایت اهلبیت باشد او را داخل بهشت نکنم

و بسایه عرش خود در آید و روزی منقول است از حضرت علی بن محمد علیه السلام که حضرت رسالت پناه صلعم فرمود
که بحق خداوندی که جان محمد در دست قدرت اوست که اگر بنده تا روز قیامت بعمل هفتاد
پیغمبر بیاید خدا از او قبول نکند تا ولایت من و اهلبیت من نداشته باشد و بسند معتبر
از ابوذر رضی الله عنه منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که من و علی بن ابی طالب از یک نور
آفریده شدیم و تسبیح خدا میگفتیم در جانب راست عرش پیش از آنکه خدا آدم را بیافریند
و در حدیث دیگر فرمود که من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام در برابر عرش بودیم و تسبیح الهی
میکردیم و ملائکه بتسبیح ما تسبیح میکردند پیش از آنکه حق تعالی آدم را خلق نماید و در حدیث
معتبر منقول است که از حضرت امام محمد تقی علیه السلام پیوسته که حق تعالی منفرد بود در یگانگی خود
بغیر او احدی نبود فرمود پس خلق کرد محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را بعد از هزار دهر روزگار
و جمیع چیزها را آفرید پس ایشانرا گواه گرفت بر آفریدن آنها و اطاعت ایشانرا بر سایر مخلوقات
واجب گردانید و امور خلق را بایشان گذاشت و ایشان هیچ کار نمیخواهند و اراده نمینمایند
مگر بمشیت الهی اما بعضی از صفات و علامات امام و شرایط امامت باید دانست که چون احکام
دین و دنیا بسیار است منوط بحکم امام است باید که عالم باشد باحکام دین و واقف باشد بر خصوصیات
آیات قرآنی از محکم و متشابه و مجمل و مفصل و ناسخ و منسوخ و عام و خاص و همچنین بر اخبار نبوی و با الجمله
باید که عالم بجمیع علوم باشد و باید که کمال رای و شجاعت داشته باشد تا از عهده مجاهده
با اعادی دین بر تواند آمد و باید که اعلم امت باشد زیرا که تقدیم مفضول بر فاضل و تقدیم متعلم
بر معلم و تفضیل جاهل بر دانا قبیح است نزد عقلا چنانچه حق تعالی در قرآن مجید میفرماید اَفَمَنْ
يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدَى یعنی
آیا کسی که هدایت میکند مردم را بسوی حق سزاوارتر است به اینکه او را متابعت کنند یا آنکس که خود راه
هدایت نیابد مگر وقتی که او را هدایت کنند دیگران او را نمایند و چگونه جایز باشد
و حال آنکه علم مرتبه فضیلت و کمال است و لهذا حق تعالی بیان افضلیت حضرت آدم را بر ملائکه

بعلم فرمود و سبب این سبب بود که امر بسجود ملائکه کرد ایشان را و همچنین طالوت را از جهت زیادتی در علم و قوت بدن از قوم خود برگزید چنانچه ظاهر است از آیه کریمه که ان الله اصطفاه علیکم وزاده بسطة فی العلم والجسم **و ایضا** در بیان رتبه علم فرموده است که هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون الایة و باید از جماعتی که عالمند و از جماعتی که عالم نیستند و کرکسی اند که تا مرا عاید میداند که امام در جمیع صفات کمالیه باید از امت افضل باشد چه غرض اصلی از وضع شرایع دین و تکلیف تکمیل افراد انسانیت و نجات ایشان از نقایص و فایز گردانیدن بسعادات و کمالات و چون امام نسبت بهمه مردم بمنزله پیغمبر است طریقه استکمال است باید که مثل نبی در جمیع کمالات علمی و عملی بر همه در پیش باشد تا این فایده مترتب شود و باتفاق ائمه صلوات الله علیهم در علم و کمالات بر جمیع اهل عصر خود زیادتی داشته اند و ابن بابویه رحمه الله بسند قوی از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثنا روایت کرده است که امام را چند علامت است داناترین مردم است و از جمیع اهل عصر پرهیزکارتر و بردبارتر است و در شجاعت و سخاوت از همه خوبتر است و در عبادتش از همه بیشتر است و ختنه کرده متولد میشود و در هنگام ولادت خون و کثافت با او نمیباشد و از عقب سر میبیند چنانچه از پیش رو میبیند و او را سایه نمیباشد و چون متولد میشود دستها بر زمین میگذارد و آواز شهادتین بلند میکند و محتلم نمیشود و دیده اش بخواب میرود و دلش بخواب نمیرود و آنچه واقع میشود در خواب مطلع میشود و ملک با او سخن میگوید و زره رسول خدا بر قامتش درست می آید و هرگز بول و غایطش کسی ندیده زیرا که خدا اوند عالمیان زمین را موکل ساخته است که فرو برد که کسی نبیند و بدن او از مشک خوشبوتر میباشد و اولی است بمردم از جان ایشان یعنی میباید که جان خود را فدای جان او کنند و بمردم مهربانتر است از پدر و مادر ایشان و تواضع و فروتنی او از برای خدا از همه کس بیشتر است و آنچه از امور خیر که مردم را امر میفرماید خود بیش از دیگران بآن عمل مینماید و هر چه مردم را از آن منع مینماید خود زیاده از دیگران

از آن اجتناب میفرماید و دعا او مستجاب میباشد حتی آنکه اگر بر سنگی دعا کند دو نیم میشود و سلاح حضرت رسول نزد او میباشد و ذوالفقار نزد او میباشد و نزد او صحیفه هست که نامهای شیعیان ایشان که تا قیامت بهم خواهند رسید نوشته است و صحیفه دیگر دارد که نام دشمنان ایشان که تا روز قیامت بهم خواهند رسید نوشته است و جامعه نزد او هست و آن نامه ایست که طولش هفتاد ذرع است که جمیع آنچه بنی آدم بآن محتاجند از احکام الهی در آن هست و جفر اکبر و اصغر را دارد که یکی از پوست بز است و دیگری از پوست گوسفند و در آنها جمیع علوم است حتی ارش خدشی که کسی در بدن کسی بکند یعنی تازیانه و نیم تازیانه و ثلث تازیانه و مصحف فاطمه نزد او هست و بسند معتبر از ابوبصیر روایت کرده است که روزی در خدمت حضرت امام جعفر صادق بودم پا را بر زمین زدند پس دریای عظیم ظاهر شد و کشتیها از نقره در کنار آن دریا ایستاده بود یکی از آن کشتیها سوار شدند و مرا سوار کردند و رفتیم تا بمحلی رسیدیم که در آنجا خیمها از نقره زده بودند و آنحضرت داخل هر یک از آن خیمها شدند و بیرون آمدند و فرمودند که آن خیمه که اول داخل شدم خیمه رسول خدا بود و دویم از حضرت امیرالمؤمنین و سیوم از حضرت فاطمه و چهارم از خدیجه و پنجم از حضرت امام حسن و ششم از حضرت امام حسین و هفتم از حضرت علی بن الحسین و هشتم از پدرم و نهم بمن تعلق دارد و هر یک از ما که از دنیا میرود و خیمه دارد که در آنجا ساکن میشود و از صالح بن سعید روایت نموده که حضرت امام علی نقی را در کاروانسرای فقرا جا داده بودند بخدمت آنحضرت رفتم و گفتم ایشان چندان سعی در تضییع تو و هتک حرمت تو کردند تا آنکه در چنین جای بد ترا ساکن گردانیدند فرمود که ای پسر سعید تو هنوز در این مرتبه از معرفت ما هستی پس دست بجانبی حرکت دادند چون نظر کردم باغها سبز و حوران خوشبو و غلمان پاکیزه مانند مروارید و طبقهای رطب و انواع میوه ها مشاهده نمودم که دیده ام حیران شد فرمود که ما هر جا که هستیم اینها

۱۰ منقول است که عالم دنیا در دست امام مانند گردوئی است در کف دست و از حضرت صادق منقولست که امام می‌بیند از قبیل کرده دو هیچ چیز از دنیا بر او مخفی نیست و آنچه خواهد در آن میتواند کرد و بچند سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که حق تعالی ذوالقرنین را مخیر گردانید میان سحاب ذلول و سحاب صعب پس سحاب ذلول را اختیار کرد و سحاب صعب را که تند تر و سخت تر است برای ائمه آل محمد گذاشت گفتم که صعب کدام است فرمود که آنست که رعد و برق و صاعقه دارد و حضرت صاحب الامر بر آن سوار خواهد شد و با آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه که پنج زمینش معمور است و دو تا خراب خواهد گردید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت امیرالمؤمنین مالک شدند آنچه در زمین است و آنچه در زیر زمین است و دو ابر را بر حضرت عرض کردند صعب را اختیار کرد و بر آن سوار شد و بر هفت زمین گذشت پنج را معمور دید و دو را خراب و بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق منقول است که چون حق تعالی اراده میفرماید که امامی را خلق کند قطره از آب فرو میفرستد که بر گیاهی یا بر میوه می‌نشیند و والد امام آنرا تناول میکند و جماع میکند پس آن نطفه در رحم قرار میگیرد و خدا امام را خلق میفرماید پس در شکم مادر صدا میکند و میشنود و میفهمد و چون بر زمین می‌آید بر بازوی راستش مینویسند که وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و چون بسخن و رفتار آمد عمودی از نور برای او نصب میکنند که اعمال جمیع خلایق را میداند و می‌بیند و صفار از حضرت صادق روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین فرمود که خدا را شهری هست در پشت مغرب که آنرا جابلقا میگویند و در آن شهر هفتاد هزار امت هستند که هر امتی از ایشان مثل این امتند و هرگز معصیت خدا نکرده اند هیچکار نمیکنند و هیچ چیز نمیگویند مگر لعنت بر ابوبکر و عمر و بیزاری از ایشان و ولایت اهل بیت رسول خدا و از هشام بن سالم روایت کرده است که حضرت صادق فرمود که

که خدا را شهری هست در پشت دریا و وسعت آن بقدر چهل روز راه آفتاب است و در آن شهر جمعی هستند که هرگز معصیت الهی نکرده اند و شیطان را نمیشناسند و نمیدانند که شیطان خلق شده است یا نه و ما در آن شهر جمعی هستند هر چند گاه ایشان را می‌بینیم و آنچه احتیاج دارند از ما سؤال مینمایند کیفیت دعا را و تعلیم ایشان مینمائیم و می‌پرسند که قایم آل محمد کی ظهور میکند و در عبادت و بندگی سعی بسیار میکنند و شهر ایشان دروازه بسیار دارد و از هر دروازه تا دروازه صد فرسخ مسافت است و ایشان را تقدیس و تنزیه و عبادت بسیار است که اگر ایشان را ببینید عبادت خود را سهل خواهید شمرد و در میان ایشان کسی هست که یکماه سر از سجده بر نمیدارد و خوراک ایشان تسبیح الهی است و پوشش ایشان برگ درخت است و رویهای ایشان از نور روشن تر است و چون یکی از ما را می‌بینند بر گرد او می‌آیند و از خاک قدمش برمیگیرند برای برکت و چون وقت نماز ایشان میشود صداهای ایشان بلند میشود مانند باد تند و در میان ایشان جمعی هستند که هرگز حربه را از خود نینداخته اند برای انتظار قایم آل محمد و از خدا میطلبند که بخدمت او مشرف شوند و عمر هر یک از ایشان هزار سالست اگر ایشان را ببینی آثار خشوع و شکستگی و فروتنی از ایشان ظاهر است و چیزی طلب میکنند امری را که موجب قرب بخدا باشد و چون ما دیر نزد ایشان رویم بخدا تقرب میجویند که مبادا از غضب الهی باشد و پیوسته منتظر آنوقت هستند که وعده ملاقات ماست و هرگز از عبادت سست نمیشوند و خسته نمی‌آیند و بنحوی که ما قرآنرا تعلیم ایشان کرده ایم تلاوت مینمایند و در میان آن قرآن چیزی چند هست که اگر برای مردم بخوانیم کافر میشوند و انکار میکنند و چون از قرآن برایشان مشکل شود از ما می‌پرسند و چون بیان میکنیم سینهای ایشان گشاده و مسرور میشود و از خدا میطلبند که ما را برای ایشان باقی دارد و میدانند که خدا بوجود ما برایشان چه نعمتها داده و قدر ما را میشناسند و ایشان با قایم آل محمد خروج خواهند کرد و چنین ایشان بر دیگران سبقت خواهند گرفت و همیشه از خدا همین میطلبند و در میان ایشان پیران و جوانان هستند چون

جوانی بر قرار می‌باشد خود و بمنزلهٔ بندگان می‌نشینند و مانند حضرت نوح باید و ایشان بهتر
از جمیع خلق اطاعت امام میکنند و بهرام ترک که اسلام ایشان را با آن دشمنی ترک میکنند امر دیگر فرماید
و اگر ایشان را بر خلق مابین مشرق و مغرب بکار دارند در یک ساعت همه را فانی میکنند و حربه در
کار نمیکنند و خود و شمشیرها از آهن دارند غیر این آهن که اگر بر کوه زنند دو نیم میکنند و
امام قائم آل محمد ص با این لشکرها با هند و روم و ترک و دیلم و بربر و هر که مابین جابلقا و جابرسا است
جنگ خواهد کرد و جابلقا و جابرسا دو شهر است یکی در مشرق و یکی در مغرب و بر هر یک از آن اهل
ادیان که وارد شوند ایشان را بخدا و رسول و دین اسلام بخوانند و هر که مسلمان نشود او را
بکشند تا آنکه در میان مشرق و مغرب کسی نماند که مسلمان نباشد و بسند معتبر از حضرت
صادق ع روایت شده که فرمودند که نزد منست شمشیر رسول خدا ص و زره آن حضرت و خود
آنحضرت و نزد منست الواح و عصای موسی و انگشتر سلیمان و نزد منست آن طشتی که موسی قربانی
میکشت و نزد منست آن نامی که چون حضرت رسول ص میان مسلمان و کفار میگذاشت تیر از لشکر
کفار بمسلمان نمی‌رسید و مثل سلاح حضرت رسول در میان ما مثل تابوت است در میان بنی
اسرائیل که در هر خانه که تابوت در آن خانه بود پیغمبری در آنجا بود هر که از اهل بیت سلاح
نزد اوست امامت با اوست و احادیث سنی و شیعه متواتر است دلالت بر این میکند که در
هر باب تسلیم و انقیاد ایشان باید نمود و پا از جادهٔ متابعت ایشان بدر نباید گذاشت و بهمین
اکتفا نباشد که نام شیعه بر خود گذارند و در اعمال و اعتقادات از طریقهٔ ایشان بدر روند
بلکه ایشانند وسیله میان خلق و خدا و هدایت از غیر ایشان حاصل نمیشود و دلیل دیگر که عامه نیز آن
علم توانند بهم رسانید ثبوت امامت حضرت امیرالمؤمنین ع و ائمة المعصومین اول عصمت
امام است بدانکه فرقهٔ ناجیهٔ امامیه را اعتقاد آنست که امام میباید از اول عمر تا آخر عمر
از جمیع گناهان صغیره و کبیره معصوم باشد و اهل سنت چون میدانند که هرگاه عصمت شرط
امامت باشد حقیت امامت خلفاء ایشان بهم میخورد میگویند عصمت در امامت شرط نیست

م

و بطلان این معنی دلایل عقلی و نقلی بسیار دارد و بر صاحب عقل مستقیم پوشیده نیست که
اینچنین شخصی واجب الاطاعه که جمیع امور دین و دنیا بدست او وابسته است باید معصوم
باشد در علم و عمل و الا فواید بر تعیین امامت که مبتنی بر لطف بود بعمل نخواهد آمد و آن شخص نیز
محتاج خواهد بود بامامی و رهنمای چنانچه نزد صاحب انصاف ظاهر است و از امامتش خلل بسیار
در دین بهم خواهد رسید و در این باب احادیث و دلایل بسیار است و در این انتخاب گنجایش آنها
ندارد و دیگر در حجة الوداع در خم غدیر که جبرئیل بر حضرت رسول خدا نازل شد و فرمود که تبلیغ رسالت
خود را ظاهر نکرده که امامت و ولایت علی بن ابی طالب را با امت خود برسانی چون پیش از آن
آیه انما ولیکم الله تا آخر در ولایت آنحضرت نازل شده بود و در خم غدیر نزول این آیه را
حضرت جبرئیل ع آورد و حضرت رسالت پناه امر فرمود که حاج فرود آیند و از جهاز شتر منبر
ساختند و آنحضرت بر منبر رفت و دست حضرت امیرالمؤمنین گرفت و بلند کرد و فرمود
که نَفْسُكَ نَفْسِي وَ لَحْمُكَ لَحْمِي وَ دَمُكَ دَمِي أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ
مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي و فرموده آنحضرت ص خاص و عام بعلی بن ابی طالب
بیعت کردند و این حدیث مشهور است دلیل امامت هر یک از ائمه آنست که ثابت شده که در
هیچ زمانی دنیا جایز نیست که از امام معصوم خالی باشد و در عهد هر یک از ائمه هر که دعوی
امامت نمود باجماع معصوم نبوده پس ثابت شد که ایشان امام باشند و اگر ایشان امام نباشند
لازم می‌آید که دنیا از امام معصوم خالی باشد و این باطل است چنانچه دانسته شد و دلیل
دیگر آنکه متواتر رسیده که حضرت امیرالمؤمنین ع حضرت امام حسن را وصی و جانشین خود کرد
و حضرت امام حسن امام حسین را و همچنین تا صاحب الزمان ع که مهدی هادی و از نظر مستور است
امام زمانه وجود او جهان پر نور است   هر چند که جان ز دیده غایب باشد   از مهر تو او کشور تن معمور است
و در احادیث معتبره بطرق خاصه و عامه از حضرت صادق ع روایت کرده‌اند و در تفسیر
این آیه کریمه مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ یعنی مخلوط گردد دو دریا که بر میخورند بیکدیگر مراد

یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس

اند و دریا علم است یعنی علی بن ابی طالب و حضرت فاطمه ع که حق تعالی ایشان را بیکدیگر رسانید
بَیْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا یَبْغِیَانِ یعنی میان ایشان فاصله ایست که بایکدیگر زیادتی نکنند
آنحضرت فرمود که مراد حضرت رسول است که سبب الفت علی ع و فاطمه ع گردیده است
یَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ یعنی بیرون می آید از آن دو دریا مروارید
و مرجان آنحضرت فرمود که مراد امام حسن و امام حسین ع است که از آن دو دریای علم
بوجود آمده اند و دیگر در ثبوت امامت ائمه معصومین تا صاحب الامر ع این آیه بر آن
دلیل و احتیاج بدلایل دیگر نیست قال الله تعالی ذُرِّیَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ یعنی
برگزید فرزندان ایشان را بعضی را از بعضی از ایشان و احادیث از طرق خاصه
و عامه بحد تواتر رسیده که آیه اِنَّمَا یُرِیْدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ
اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیْرًا در شأن اهل بیت رسالت نازل شده که
آل عبا باشند و موافق بعضی از احادیث با جمیع ائمه داخلند پس ظاهر شد که امامت
بعد از رسول خدا امت از وصی آنحضرت که علی بن ابی طالب است و اولاد و امجاد او بود پس
جماعت از خیر و خلف رجوع بحق او و وصیت آنحضرت را که حق تعالی به ایشان ارزانی فرموده بود
غصب نمودند و بر ارباب اهل عقول مخفی نماند که نظام دین بوجود امام زمان است
و در غیبت قائم آل محمد ع در میان مردم عامه علما و فضلای اثنی عشریه نایب امام
میباشند پس متابعت ایشان واجب است بر عامه خلق و همچنین که روایت است از رسول خدا
که عُلَمَاءُ اُمَّتِی کَاَنْبِیَاءِ بَنِی اِسْرَائِیْلَ یعنی علمای امت من چون پیغمبران بنی
اسرائیل باشند و در روایت دیگر فرموده که اَلْعُلَمَاءُ اُمَنَاءُ الرُّسُلِ مَا لَمْ
یَدْخُلُوا فِی الدُّنْیَا وَاِذَا دَخَلُوا الدُّنْیَا فَاحْذَرُوْهُمْ عَلٰی دِیْنِکُمْ
یعنی علما امینان پیغمبران میباشند مادامی که نمی آمیزند بدنیا و چون بدنیا میآمیزند
بپرهیزید که دین نقصان نشود و بالله التوفیق باب اول در بیان فضیلت نماز یومیه و آداب

وضو و تعقیبات بعد از هر نماز و شک و سهو که در نماز واقع شود و نوافل روز و شب و آنچه تعلق
باو دارد و این باب مشتمل است بر شش فصل فصل اول در بیان فضیلت نماز و آداب
وضو و نماز و این فصل مبنی است بر مقدمه و وضو و غسل مقدمه در بیان فضیلت نماز
سپاس و ستایش کریمی را که با کمال کبریا و عظمت و استغنا و عزت در لطف و مرحمت و عطوفت
و رافت بر روی بندگان گشوده و اصناف خلایق را از شریف و وضیع و خاص و عام رخصت
مکالمه و مخاطبه و مناجات و عرض حاجات ارزانی فرموده هر که راز دارد با جناب متعال او
بر در تواند گفت و هر که نیاز دارد در حضرت او بی اشتباه عرض تواند نمود نه بر درش دربانی
گماشته که بوسیله رشوه ها و توسلها بی بود و نه وکیلی بر در او داشته که بدست آویز پیشکشها و توسلات
بار نمود نه حاجبی نه دربانی و نه ترس چوب غضبانی هر که خواهد گو بیا و هرچه خواهد گو
بگو کبر و ناز و حاجب و دربان دربارگاه ذات در این درگاه نیست همه کس را در همه جا و در همه وقت بجناب او
راه است و از ظواهر و بواطن در همه حال آگاه سلطنت و پادشاهی او را میرزد و بس تعالی
جنابه و تقدس از غایت رافت و نهایت کرم که بندگان خود دارد ایشان را در شبانروز
پنج وقت نماز امر فرموده تا بتکریر ذکر و تجدید عهد بدرعات متقاربه وسیله تقرب بندگان
شود با آنجناب و تسبب برب الارباب و تا هر چند بخضوع و خشوع روی نیاز بر آستانه بنده
نوازی کارساز نهند و راز دل خود را بحضرت علام الغیوب عرض دهند و غم خود را با لطف
او بگویند و دوا درد خود از کرم او بجویند تا او از روی تفضل و تعطف تمام هر کس را
بقدر استعداد او شاد کام کند و شکستگیش را درستی بخشد کریمی بر در دلهای شکسته درستی
بخش دلهای شکسته هست شکرا ثم شکرا له علی ما هدینا الشکر و صلی الله
علی محمد و آله پس بر راه برادران ایمانی و دوستان روحانی و الکاملین لک الیقین و طالبان
قرب پادشاه ازلی و ابدی پوشیده نماند که بعد از معرفت قادر ذو الجلال و رسالت محمد بن عبد الله
خاتم النبیین و امامت ائمه اطهار و محبت اهل بیت اخیار صلوات الله علیهم اجمعین

۱۳ ولعنت نصیب اعدای ایشان ابدا و بهترین طاعات و فاضلترین عبادات نماز است که واحد قهار
بندگان خود را بآن امر فرموده است کما قال الله تعالی وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَآتُوا
الزَّكَوٰةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ یعنی برپای دارید نماز را و بدهید زکوة را
و رکوع کنید با رکوع کنندگان و در آیه دیگر فرموده حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ
وَالصَّلَوٰةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ و در نماز وسطی حدیث بسیار
وارد شده است پس همه نمازها را باید محافظت نمود تا نماز وسطی را دریابند و ایضا
در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله وارد شده است که نماز ستون دین است پس هرگاه که
او مقبول شد همه عبادات مقبولست و اگر مردود گشت همه مردود است و چون مقصود
اصلی از نماز یاد حق تعالی است و تجدید عهد و شناسائی باو از روی مسکنت و خشوع و ادای
مهمات از او بابتهال و خضوع پس هر آینه بنده را ناچار است از حاضر ساختن دل در آن و فهمیدن
آنچه میگوید بر زبان و در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله وارد است که نیست بنده را از نماز او مگر آنچه
فهمیده است از آن و دل با خود داشته در آن و بروایت صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که بدرستی که نماز بنده بالا برده میشود مر او را از نماز او سه یک آن و نیمه آن و چهار یک
آن پس بالا برده نمیشود از برای او مگر آنچه روی دل با آن داشته باشد و در حدیث دیگر وارد شده
که هر که دو رکعت نماز بگذارد و سخن نگوید در آن نفس خود را بچیزی از امور دنیا یعنی چیزی را بر
خاطر نگذراند تا فارغ شود از آن نماز نماند میان او و حق تعالی گناهی مگر آنکه آمرزیده شود از
برای او و برای هر که ترک نماز کند از جمله مشرکانست قال الله تعالی يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ
مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ
یعنی سوال کنند اهل دوزخ از گناهکاران که چه گناه کرده اید که شما را بدوزخ آوردند
گویند ما نبودیم از نماز کنندگان و از طعام دهندگان بمسکینان أَضَاعُوا الصَّلَوٰةَ
وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا یعنی آن کسانیکه ضایع کنندگان نماز را

و متابعت نفس و شهوات کردند بزودی خواهند یافت که مهیا میگرداند دوزخ را و حضرت رسول صلی
الله علیه و آله و سلم فرموده که هر که ضایع کند نماز را چنان بود که خراب کرده باشد هفتاد بار
بیت المعمور را و خراب کرده باشد خانه کعبه را و هفتاد هزار فرشته از مقربان را کشته باشد و هفتاد هزار پیغمبر
از پیغمبران مرسل را بقتل آورده باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست که فرمودند که هر
همراهی کننده ترک کنندهٔ نماز را بیک لقمه طعام یا بیک پوشش چنان باشد که هفتاد
پیغمبر را بقتل آورده باشد که اول ایشان حضرت آدم و آخر ایشان من باشم و بسند
صحیح از حضرت وهب بن وهب منقول است که از حضرت صادق سوال کردم که کدام عمل است
که بهترین باعث قرب بندگان بخدا میشود و نزد خدا محبوب تر است فرمود که عملی را بعد از معرفت
افضل از این نمیدانم از نماز نمی بینی که بنده صالح عیسی بن مریم گفت که خدا مرا
وصیت کرده است بنماز و زکوة مادام که زنده باشم و در حدیث دیگر فرمود که محبوب
ترین عملها نزد حق تعالی نماز است و نماز آخر وصیتهای پیغمبران است پس چه بسیار نیکو
که کسی غسل کند یا وضو را کامل بجا آورد و بجای خلوت رود که کسی او را نه بیند
پس خدا او را به بیند که گاه در رکوع است و گاه در سجود است بدرستی که بنده هرگاه
که سجده میکند و سجده را طول میدهد شیطان فریاد میکند که واویلا فرزندان
آدم طاعت خدا کردند و من معصیت کردم ایشان سجده کردند و من ابا کردم و حضرت
علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود که نماز باعث قرب هر پرهیزکار است و حضرت امیر
مؤمنان و امام متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود که اگر نمازگذارنده بداند
که از جلال و عظمت الهی چه مقدار باو احاطه نموده نخواهد که هرگز سر از سجود بر دارد
و حضرت رسالت پناه و خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که در روز قیامت
که بنده را بمقام حساب می آورند اول چیزی که از او سوال مینمایند نماز است پس اگر
نماز تمام بجا آورده است نجات می یابد و الا او را در آتش فرو میبرند پس نباید که

۱۴ خود را خالص کرده باشد از شرک و ریا و بعد از آن بعضی که معبود خود کنند چنانچه حق سبحانه و تعالی
در قرآن مجید میفرماید فادعوا الله مخلصین له الدین یعنی بپرستید
و بخوانید خدا را در حالتی که پاک باشید کامل باشید برای او طاعت خود را از شرک و
ریا و در آیه دیگر فرموده است لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت تا آخر
آیه یعنی از آن نفس او باشد آنچه کسب کند از نیکویها و بر وی باشد آنچه بجا آورده
از بدیها و اعظم بدیها تکذیب نمودن آیات است چنانچه حق سبحانه و تعالی در کتاب عزیز فرموده ان الذین
کذبوا بآیاتنا واستکبروا عنها لا تفتح لهم ابواب السماء ولا یدخلون
الجنة حتی یلج الجمل فی سم الخیاط وکذلک نجزی المجرمین لهم من جهنم
مهاد ومن فوقهم غواش وکذلک نجزی الظالمین یعنی بدرستی که آنان که
تکذیب کردند آیتهای ما را و سرکشی کردند از آن گشاده نمیشود برای ایشان درهای آسمانها و داخل نمیشوند
بهشت را تا وقتی که در آید شتر در سوراخ سوزن و همچنین جزا میدهیم ظالمان را [illegible] ایشان را از جهنم بستر
و چون نماز که اشرف عبادات است [illegible] بی [illegible] و اول [illegible] از اسباب
[illegible] بلکه [illegible] آن [illegible] بخاطر این ضعیف [illegible] رسید که
او را [illegible] در این انتخاب در رشته تحریر در آورد که ابتدا [illegible] علیه خلایق
از برکات آن مستفید شوند و هو حسبی و نعم الوکیل مقدمه در بیان وضو چنانچه از حضرت
امیرالمؤمنین منقول است که روزی نشسته بودند [illegible] محمد بن الحنفیه رضی الله عنه
و ظرف آبی از برای وضو طلب فرمود و در حالت [illegible] میخواندند بسم الله
وبالله الحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا و در مضمضه کردن
اللهم لقنی حجتی یوم القاک واطلق لسانی بذکرک آب بینی زدن
اللهم لا تحرم علی طیبات الجنان واجعلنی ممن یشم ریحها وریحانها
و بعد از شستن روی اللهم بیض وجهی یوم تسود فیه الوجوه ولا تسود

وجهی یوم تبیض فیه الوجوه و بعد از شستن دست راست اللهم اعطنی کتابی
بیمینی والخلد فی الجنان بیساری وحاسبنی حسابا یسیرا و بعد از شستن
دست چپ اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی ولا تجعلها مغلولة الی عنقی
واعوذ بک من مقطعات النیران و بعد از مسح سر اللهم غشنی برحمتک
وبرکاتک بعد از مسح پایها اللهم ثبتنی علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام
واجعل سعیی فیما یرضیک عنی [illegible] آن حضرت [illegible] کردند و نظر بمحمد کرده
فرمودند یا محمد کسی که وضو کند مثل وضوء من و گوید مثل گفتن من خلق فرماید
از برای او از هر قطره ملکی که تقدیس و تسبیح و تکبیر گوید او را [illegible] خدا تعالی از برای
[illegible] ثواب [illegible] و بعد از فراغ از وضو [illegible] اللهم انی
اسألک تمام الوضوء وتمام الصلوة وتمام رضوانک والجنة [illegible]
رعایت دخول اوقات نمازهای پنجگانه و معرفت قبله و احکام و مسایل چند که بر عامه مکلفین
واجبست در حضر و سفر چنانکه شیخ شهید علیه الرحمة نامی و اجبات را بشماره بر دو
مقصد اول در اذان و اقامت الله اکبر یعنی خدای عز و جل بزرگتر است از همه چیز
از آنکه بوصف و نعت در آید یا در وهم و خیال گنجد یا ادراک و بعقول و حواس توان نمود
یا او را بچیزی قیاس توان کرد شعر فکرها عاجزند از اوصافش عقلها هرزه میزنند لاف عقل
عقلست و جان جانست او وانکه زان برترست آنست آن حضرت امام بحق ناطق امام جعفر
صادق میفرماید که هر که تکبیر گفتی باید که خود را خورد و حقیر شماری در جنب عظمت و کبریای او
و آنچه در آسمان و زمین است پس هر بستی که حق تعالی چون مطلع شد بر دل بنده و تکبیر
میگوید و دلش عاریست از حقیقت تکبیر یعنی چیز دیگر را پیش از حق در دل تعظیم مینماید
حق تعالی گوید دروغ گوی یا مرا فریب میدهی قسم بعزت و جلالم که محکند تو را محروم
میسازم از حلاوت ذکر خود و محجوب میگردانم از نزدیکی و همرازی خود اشهد ان لا

۱۵ الا الله یعنی گواهی میدهم بانکه هیچ معبودی سزاوار پرستش نیست بجز معبودی
یکتا او را همه صفات کمال و منزه است از صفت نقص و آن معبودی و پرستش بر صفت
قصد چیزی دیگر را بر حق تعالی ... دوستی خدا و دوست ... بسیار دوست دار
با اهتمام تمام در شان او و میلاد ... زد فی الحقیقه آن را پرستیده پس اگر محبت و
اهتمام او ان چیزها بر جهت ... بقصد فرمان برداری حق جل شانه نیست معبود حق را پرستیده
باشد و الا آنچیز را پرستیده کسی را پرستیده که او را بعبادت آنچیز داشته چون شیطان
یا هوا و غیر آن شعر حرم جویان دری را می پرستند فقیهان دفتری را میپرستند بر افکن پرده
تا معلوم گردد که یاران دیگری را میپرستند تا تو غیر او را خواهی غیر او را پرستی تا بر خواهی
خط بعالم در کش کاندر یکدل دو دو دوستی ناید خوش هرچه در ملکت جز خداوند نیست
به هرچه هوای دست خدای تو هست ای هوا های تو خدا انگیز وی خداهای تو خدا آزار
گفتی دو دوستی که ای اند یکیست چه بود جمله در پیش تو بر اصنام شکستی بچه بود علمیه معلوم و باست
و قول بفعل بکمال میخواهی توحید تو مستحکم شود دعوی دل را بیکتا کن واز غیر او بیزار تا فعل تو
مصدق قول تو شود ای آنکه بقید و فا دوست ترا از معرفی چرا محتجب یوسف ترا در
پی این و آن نه نیکوست ترا یکدل داری بس است یکدوست ترا اشهد ان محمدا
رسول الله صلی الله علیه و آله یعنی گواهی میدهم بانکه محمد صلی الله علیه و آله بتحقیق فرستاده
خداست جل جلاله باید که چون این شهادت دهد بمقتضای آن عمل نماید مقتضای آن
اینست که او امر و نواهی آنحضرت را صلی الله علیه و آله و سلم فرمان برداری نماید چنانکه حق تعالی
فرموده ما آتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا یعنی آنچه
آورده است پیغمبر قبول نمائید و آنچه باز داشته است از آن پس باز ایستید
حی علی الصلوة یعنی بیائید بنماز و رغبت نمائید ... آنحضرت که وضع اذان از
برای اخبار است بدخول وقت چون معنی اذان جهت اعلام است یعنی واقف کردانیدن

حی علی الفلاح یعنی بیائید به ... رستگاری ... یعنی نماز
حی علی خیر العمل یعنی بیائید به بهترین عمل که نماز است در روایتست که بهترین اعمال در شب و روز
حضرت فاطمه علیها السلام ... الصلوة و السلام شعر ... نماز است معراج مؤمن
نماز است ... کل الطاعات ... و سکون و ...
... قد قامت الصلوة یعنی بتحقیق بپا ایستاده نماز یعنی شروع
در آن نزدیک شده و این کلمه مخصوص اقامت است و در اذان نیست و در آخر هر یک تکبیر و تهلیل
باید گفت و در هجده کلمه ... دو نوبت گفت میشود تکبیر که در اول اذان چهار نوبت
گفته شود در تهلیل آخر اقامت یک نوبت و ... باید گفت و اقامت آهسته
و تند تر و وقف در آخر هر دو باید کرد و فاصله میان هر دو بیک رکعت یا سجده یا کلام یا نشستن
یا گفتن تسبیح تحمید اگر نشسته بگوید اللهم اجعل قلبی بارا خدایا بگردان دل مرا
نیکوئی کننده و رزقی دارا ... روزی مرا ... آیند و عیشی قارا ... مرا
در خوشی ... و اجعل لی ... من عند قبر نبیک
محمد صلی الله علیه و آله ... صلی الله علیه و آله و سلم مستقر امکان
... مقصد دویم در ادعیه
الافتتاح بعد از تکبیر سیوم اللهم انت الملک الحق یعنی بارخدایا توئی
پادشاه ثابت دایم لا اله الا انت نیست معبودی سزاوار پرستش جز تو سبحانک
پاک میدانم و منزه میشمارم ... جلال تو ... و جمال تو را از ریب
پاکی ... که جاهلان ... انی عملت سوءا و
ظلمت نفسی ... کردم و ستم کردم بر نفس خود فاغفر لی ذنوبی ...
مرا ... انه لا یغفر الذنوب الا انت ... گناهان را
هیچکس ... بغیر از پرده عفو

۱۶ اجابت آن تعالی مینمایم لبیک یعنی اجابت میکنم ترا اجابتی بعد از اجابتی یعنی
هر چه امر نمائی قبول میکنم شعر ... وسعدیک
... یعنی ... بعد از ... یعنی ... در ...
... والخیر فی یدیک والمهدی من هدیت ... آخرت
... والشر لیس الیک ...
... نیست ...
والمهدی من هدیت راه یافته شده کسیست که تو او را ... عبدک
وابن عبدیک بنده تو و بنده زاده توام که در خدمت تو ایستاده‌ام منک و بک
ولک والیک از تو است ابتدای وجود من و بتو است قوام هستی من و ترا است ملک
من و بسوی تست بازگشت من لا ملجا و لا منجا و لا مفر منک الا الیک نیست
پناهی و گریزگاهی از تو مگر بسوی تو شعر غیر از در تو دگر ندارم غیر از تو کسی دگر ندارم کز تو ز در
خود مرانی رو از تو بهر که آرم سبحانک وحنانیک پاک میدانم ترا و رحمت میطلبم ای ترا
از عیبها و هر چه ترا نسزد و نشاید و حال آنکه سؤال میکنم از تو رحمتی بعد از رحمتی یعنی
تنزیه میکنم و میطلبم از جناب تو رحمت و عطوفت میطلبم مناجات کریما مقصریم تو دریای
رحمتی جرمی که میزد و باشد عطای تست دانم که در حساب نیاید گناه ما آنجا که
فضل و رحمت بی‌منتهای تست تبارکت بزرگوار و برتر و ثابت و دایم میدانم و صاحب
برکتها تویی و تعالیت پس بلندی داری دست ادراک از معرفت تو کوتاه است و
پای معمار از وصول کعبه حقیقت ... اسلیم ز اطراف فرنگ آوردن شعر
... آوردن از باد رخ ... رنگ آوردن ... در آن
سبحانک مقدس و منزهی تو رب البیت ای پروردگار خانه کعبه یعنی کعبه که روی
ما توجه بآن کرده‌ایم بر تو و میدانم که آفریده تست سرای پرستش تست نه آنکه

پرستش آن میکنم کعبه جای پرستش توست قبله‌های توجه خلق است وجهت وجهی
للذی فطر السموات والارض و میل دل خود را متوجه ساختم بکسی که بعض قدرت
بیافرید آسمانها و زمین را عالم الغیب والشهادة دانای نهان و آشکار حنیفا
در حالتی که ... بدین توحید مسلما در حالتی که فرمان بردارم وما انا من
المشرکین و نیستم از شرک آورندگان مر حق را حقیقت ان صلاتی ونسکی بدرستیکه
که نماز من و قربانی و حج من همه عبادتهای من ومحیای و زندگانی یعنی آنچه بوده‌ام در
زندگی از اعتقادات حقه و افعال حسنه و بالجمله نیکیها که میکنم در زندگی ومماتی
و آنچه بر آن میمیرم از ایمان و نیکیهائی که بعد از مرگ نفع آن میرسد بقبر من و است منقول
از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که شش چیز اجر میرسد بمومن بعد از وفات آن فرزند
که طلب آمرزش نماید از برای او و قرآنی که از او مخلف گردد و درختی که غرس کرده باشد
او و تصدق کردن آبی که جاری ساخته باشد و چاهی که حفر کرده باشد او و سنتی از سنتها
که فرا گرفته شود بعد از فوت او و نیز از آنحضرت منقولست که هر کسی که بجای آورد از مسلمان
از جانب میتی عمل صالحی و چند آن میگردد از برای او ثواب او و نفع میرساند الله سبحانه
بآن عمل میت را و خرم میشوند آنحضرت علیه السلام که داخل میشود در قبر میت نماز و روزه
و حج و تصدق و هر نیکی و دعا و نوشته میشود اجر و ثواب او از برای آنکسی که بجای آورد
و از برای میت لله رب العالمین که پروردگار جهانیانست لا
شریک له نیست انبازی مر او را یعنی ... عبادت خود کنم و اغیار را شریک نمیکنم چون
بت پرستان ... که ... از برای حضرت ابراهیم خلیل خطاب فرمود
... مراد ... حق تعالی ...
...
... و انا من المسلمین ...

۷ | و فرمان بردار او شود که درین کلمات بر صادق باشند یعنی دل خود را بحق تعالی داشته

و همچو کسی نشسته باشد که [illegible] کیفیت کار او باشد پس دعوی نماز او همچو آرزو

دعوی شده باشد و [illegible] کرده ... در طریقت کجا روا باشد دل بجانب رفته تن بنماز

پس در نوع گفته باشد که دل را جدا کرده [illegible] بود [illegible] عیب [illegible]

کلماتی که در نماز افتتاح با آن در وقع باشد و مستحب است که در حال تکبیر دستها برآرد

تا برابر گوشها چنانکه کفها بجانب قبله باشد و انگشتان بهم چسپیده کرده و انگشت ابهام

و ابتدای تکبیر گفتن با ابتدای دست برداشتن باشد و انتهای آن با انتهای آن همچنین

هر تکبیری که در نماز گفته میشود و هر یک از تکبیرات هفتگانه را مقارن نیت میتوان

داشت و فرض احرام قرار داد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه

پرسیدند از معنی دست برداشتن در حال تکبیر فرمودند معنی آنست که خدای

بزرگتر از آنست که یکتای بیهمتا است که نیست مثل او چیزی و بسوده نمیشود با انگشتان

و دریافته نمیشود بحسها و ادراک در کنه ذاتش بصر نه فکرت بغور صفاتش [illegible]

و بعضی گفته‌اند که دست برداشتن اشارتست باینکه در دریای معصیت غرق شده‌ام بگیر دست

مرا برون آیم مانده در تیه فراقم ره نما ای رهنما غرقه در دریای جرمم دستگیر ای

دستگیر **مقصد سیوم** در تفسیر فاتحه أَعُوذُ بِاللَّهِ پناه میگیرم والتجا مینمایم بمعبود

بحق خداوند مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ از شر وسوسه دیو فریبنده سرکش بازمانده دور

از رحمت بیغش دور شده از ریاض رضوان یا رمیده گشته از طبقات آسمان

و گفتن این کلمات بجهة آنست که از شر او محفوظ شود و استعاذه فی الحقیقه پاک

کردن زبان در رفتن خانه دلست از غبار و صفا دادن آن از برای در آمدن یار و

و مثل کسیست که بر در قلعه محکم ایستاده و دزدی درنده متوجه اوست که او را بدرد

او بزبان میگوید که پناه میگیرم از شر این دد باین قلعه محکم و خود بیرون ایستاده بدرون

بدرون قلعه [illegible] یا [illegible] که [illegible] **نظم** [illegible]

اعوذ به [illegible] اعوذ بالشیطان [illegible]

[illegible]

اعوذ [illegible] گفته [illegible] آن [illegible]

را [illegible] بسم الله [illegible] الرحمن [illegible]

[illegible] الرحیم [illegible]

الحمد لله [illegible] بود [illegible]

و [illegible] اسما صفات [illegible]

جلال [illegible] و کمال [illegible]

حمد [illegible] رب العالمین [illegible]

و پرورش [illegible] و جن و انس و وحوش

و طیور [illegible] الرحمن بخشاینده [illegible]

فانی [illegible] الرحیم بخشاینده [illegible]

بهشت [illegible] مالک یوم الدین خداوند روز جزا یا مشرف [illegible]

چه خواهد [illegible] غلط نشود یا قاضی روز

حساب [illegible] حکم کند [illegible] روز جزا که مملکت و سلطنت در آن

چنانچه فرموده که لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ ترا

میپرستیم [illegible] مستحق عبادت [illegible] حقیقت عبادت توحید که

و در این موضع چون [illegible]

بر سبیل خطاب با علام الغیوب [illegible] این موضع کذب [illegible]

و [illegible] **نظم** [illegible] دل سوخته [illegible]

کار [illegible] شد شکایت کند که بنده [illegible] و بعد از آن توبه باید کرد
نه از برای توبه کی [illegible] درو کسی که [illegible] و بشنو [illegible]
و گفته‌اند که در این کلمه ضمیر بصیغه جمع واقع شده [illegible] آنست که [illegible] احکام شرعیه
که هر که مدعی چند در یک عقد بجز و بعضی از آن معیب برآید یا همه را رد بکند یا همه را نگاه باید
داشت و حبیب [illegible] اضافه باید شد [illegible] که معیب شده و صحت باشد رد باید کرد
عبادت معیب [illegible] بتفصیل آن قبول خواهد کرد [illegible]
که [illegible] بتفصیل [illegible] وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ـ
و خلاص [illegible] میخواهیم در پرستش تو [illegible] و مهمات [illegible] که در این قول [illegible]
صادق باشد یعنی نیاز دیگری [illegible] کرده [illegible] و [illegible]
در آن امر داند که اگر حق تعالی نخواهد [illegible] گویا [illegible] که او تواند
کرد پس [illegible] الخصیصه حق [illegible] و [illegible] و چون [illegible] در [illegible] حق نظم در [illegible]
همه رزق و [illegible] کار [illegible] دو [illegible] در مخلوق [illegible]
عمر ضایع کردی [illegible] در شو که چشم خلق [illegible]
نماز بإِيَّاكَ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ [illegible] نعبد
گفت [illegible] که [illegible] که چون [illegible] بنده [illegible] یاری میخواهی پس [illegible] الطبیب [illegible]
و از سلطان یاری میخواهی [illegible] نظم [illegible] جو [illegible] هستی
وی جو مجو از [illegible] اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ [illegible] در اقوال و افعال
و اخلاق که آن راه متوسط بود میان افراط و تفریط و تقصیر ثابت دار و ما را براه مستقیم که
دین اسلام و سنت سنیه است و طریقه ائمه معصومین علیهم السلام در اخبار اهل بیت
وارد شده که مراد بصراط مستقیم علی بن ابی طالب است صلوات الله و سلامه علیه و در روایت
دیگر وارد شده که امام مفترض الطاعة است پس معنی چنین شود که ما را بشناسان امام
ع

حق را مات [illegible] و [illegible] که [illegible] و در [illegible]
محمد [illegible] بعثت [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible] که هر کس بمیرد و نشناسد امام زمان خود را مرده است بمرگ اهل
جاهلیت قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ
مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً [illegible] بحث
[illegible] ذات [illegible] تو نعمتهم
[illegible] صِرَاطَ
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ راه آنهائی که بفضل خود انعام کرده برایشان نعمت
نبوت و رسالت و ولایت و شهادت و صلاحیت یا راه آنها که اهل قربند و بکمال نعمت
ظاهر که قبول شریعت است و بکمال نعمت که قبول حقیقت است ایشان را معزز و مکرم ساخته
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ نه راه آنکسانی که خشم گرفته برایشان که کفر اقدام نموده
یا راه جهودان که جانب [illegible] و قتل انبیا و تحریف کتب براد [illegible] خشم
کرده و هر که جانب تفریط و [illegible] شده وَلَا الضَّالِّينَ و نه راه ترسایان که بواسطه
افراط در شأن مسیح و تفریط در شأن حبیب صلی الله علیه و آله گمراه و هر که جانب
افراط داشته باشد مقصد چهارم در سوره توحید از اهل بیت علیهم السلام منقول است
که بهترین سوره‌ها که بعد از فاتحه خوانده میشود در نمازهای فریضه سوره قدر و توحید است بدانکه
قدر سوره قدر [illegible] حضرت [illegible] محمد با قر صلوات الله علیه منقول است که فضیلت
هر که ایمان بجمله انا انزلناه و تفسیر آن داشته باشد بر کسی که مثل او نباشد در ایمان باین سوره
چون فضیلت [illegible] بر بهایم و در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته که اولی آنست که
اولی آنست که در رکعت اول سوره قدر خوانده شود که سوره پیغمبر و اهل بیت است
پس صلی [illegible] بخدای عز و جل چه بسبب ایشان بمعرفت او رسیده جلاله

دعاهای ... در ... توجه کرده ... مستجاب ... کتاب کافی
بعکس این نقل کرده و عمل بهر کدام که کنند ... که حضرت امام علی
النقی ... که فدای تو شوم ... کجا نوشته ... الفرج و ... کرده که
فاضلترین سوره که خوانده میشود در فرایض انا انزلناه و توحید است ... پس تنک میشود
بخواندن این دو سوره در نماز صبح پس آنحضرت فرمود که تنک مکردان سینه خود را بخواندن این
دو سوره پس بخدا قسم که فضیلت در این دو سوره است و ثواب سوره توحید یک ثلث قرآن است و سوره
قل یا ایها الکافرون یک ربع آنست و هر کاه بقصد این دو سوره توحید و جحد بسم الله بگو
بعد از فاتحه در نماز رجوع بسوره دیکر جایز نیست مکر در روز جمعه در نماز ظهر که بجهت شروع کرده
یکی از این دو سوره کرده باشد که رجوع بسوره جمعه و منافقین میتوان نمود و بعضی خواندن این
دو سوره را در ظهر جمعه واجب میدانند و در باقی سوره ها هر کاه از نصف تجاوز نکرده باشد رجوع
بسوره دیکر میتوان نمود و سوره والضحی و الم نشرح را یکسوره میشمرند و همچنین سوره فیل و
لایلاف را یکسوره میدانند و سورهای سجده واجبه که چهار است نیز در نماز خواندن جایز نیست پس این
دو سوره قدر و توحید را تفسیر مینماید تا تمامی اذکار نماز بروجه افضل مترجم شده باشد و ابتدا
بسوره قدر میشود روایت میکنند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در خواب دید که بر منبر وی
میرفتند مانند میمون و مردم را پس میراندند آنحضرت از این معنی اندوهناک شد پس حق تعالی
این سوره را برای تسلی خاطر مبارک آنحضرت فرستاد بسم الله الرحمن الرحیم
انا انزلناه بدرستی که فرستادیم قرآن را فی لیلة القدر در شب قدر یعنی اندازه
کردن حق تعالی در وی تقدیر کند و اندازه نماید آنچه در آن سال خواهد آمد و کفته اند که ابتداء
نزول قرآن در آن شب بوده و تمام قرآن در آن شب از لوح محفوظ به بیت المعمور آمده بعد از آن
جبرئیل در مدت بیست و سه سال آیه آیه و سوره سوره بحسب مصالح نازل ساخت و از اهل بیت
علیهم السلم منقولست که در شب قدر ملائکه نازل میشوند و تمامی احکام امور جزئیه بندکان را

در شب قدر ... پیغمبر ...
و اکر وحی پیغمبر ... که حدیث ... با ائمه ... امام را ...
... در آن شب ... بتفصیل و بیان آن ...
... و ما ادریک ما لیلة
القدر و چه چیز دانا کرد ترا که چیست شب قدر یعنی شب ... و شرف ... که
یا عملی که در آن شب ... نزدیک خدا ... را که پیغمبر و ائمه معصومین علیهم السلام
در فتوحات عظیمه و فیوضات جسیمه دست دهد که قدر شما با آن ظاهر شود لیلة القدر
خیر من الف شهر شب قدر بهتر است از هزار ماه که بنی امیه بعد از تو حکومت و
... لیلة القدر ... که اهل البیت ... در شب قدرها ذکر ... سیاه
دست ... ایشان ... میرسد که تلافی حکومت مخالفین میکند باز یادتی
از قاسم بن الفضل منقولست که او کفت ما شمردیم مدت سلطنت بنی امیه هزار ماه
بود نه یک روز کم و یک روز زیاده و حکمت در اخفای این شب تعظیم همه شبهای محتمله او است تا
آنها بعبادت ... تا آنکه او در واقع شبی معین نیست بلکه متبدل میشود در لیالی سنه نظم ای خواجه
چه جوئی ز شب قدر نشانی * هر شب شب قدر است اکر قدر بدانی * و مخفی بودن نماز وسطی
نیز جهت محافظت جمیع نمازهای پنجکانه است چرا که بعضی بر آنند که نماز میانه نماز ظهر است
از برای آنکه در میانه روز واقع کذارده میشود و بعضی عصر میکویند بسبب آنکه میانه
نماز چهار رکعتی روز و شب واقع شده و بعضی مغرب میکویند بواسطه آنکه میانه نماز دو رکعتی
و چهار رکعتی واقع شده و بعضی نماز فجر میکویند چون میانه سیاهی و سفیدی روز کذارده میشود
مجملا اخفاء آن بجهت محافظت بر اوقات و حدود و شرایط آنهاست تا تمام آنکه بفضیلت نماز
وسطی فایز شوند و در حدیث معتبر وارد شده است که شیطان همیشه از مؤمن کریزانست
مادامی که محافظت بر اوقات نمازهای فریضه پنجکانه مینماید پس هرکاه ضایع کرداند

نگهدارد و حفظ آنها نکرده خراب میکند و شیطان بر آن چیره می‌گردد اعاذنا الله از آن مهالک عظیمه اللّٰهُمَّ
أَعْصِمْنا مِنَ المَهالِكِ كُلِّها و اخفاء اسم اعظم ظاهرا سری است که اینکه عبادت بکلی
اهل و رعایت محافظت شرایط و آداب آنها نماید تا باسم اعظم مستفیض و منتفع گشته بمطلوب
خود رسد تَنَزَّلُ المَلائِكَةُ وَالرُّوحُ فرود می آید فرشتگان و روح بر امام عصر علیه السلام
فیها در آن شب بِإِذْنِ رَبِّهِمْ بفرمان آفریدگار ایشان مِنْ كُلِّ أَمْرٍ از هر امری که تقدیر
کارها است از امور دنیا سَلامٌ دائم البرکات هِيَ این شب قدر حَتّى مَطْلَعِ الفَجْرِ تا دمیدن
سفیده صبح بر هر که خدا تعالی توفیق دریافتن بر او داده شما از جمله کسانی که خدا تعالی دوست میدارد
ایشان را و میخواهد که ببعضی امور مقصوده مطلع شوند و این از دعای سجادیه که بجهت دخول
ماه رمضان است مستفاد میشود و در کافی از آنحضرت تفسیر نقل کرده که تفسیر نموده یعنی سلام میکنند
بر تو ای محمد صلوات الله که و روح من یعنی جبرئیل علیه السلام از اول شب تا طلوع صبح و اما
تفسیر سوره توحید یهود آمده اند جمعی از کفار با آنحضرت گفتند که نسبت پروردگار خود بیان کن
تا او را بشناسیم حق تعالی این سوره فرستاد که بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ
أَحَدٌ بگو ای محمد که آنکسی که از آن میپرسید دوست خدای یگانه متوحد بذات و منفرد بصفات
اللَّهُ الصَّمَدُ خدائی که بی نیاز است از همه و دست پناه بیچارگان و کوزه و بیگانگان و شاه
پاینده است که فانی نشود نظم احدست و شمار ازو معزول صمدست و نیاز ازو معزول آن احد
نه که عقل داند و فهم وان صمد نه که حس داند و وهم لَمْ يَلِدْ نزاده و کسی را و این قول یهود است
که گفته اند عزیز پسر خدا است وَلَمْ يُولَدْ و زائیده نشده از کسی و این رد قول نصاری است که گفتند
خدا است وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ نیست و نبوده او را همتا و همسری هیچکس و این رد قول
مجوس است و مشرکان عرب که گفته اند او را کفو است كَذٰلِكَ اللهُ رَبِّي چنین است پروردگار
من و خواندن سوره بعد از حمد مخصوص دو رکعت است و کمتر از یکسوره و زیاده از آن جایز
نیست در سیوم و چهارم اگر حمد نیز نخوانند و بدل آن تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر و استغفار کند

هم رو بتو کرده بعد سوم قرائت ساقط است یکبار که در رکعت سیوم و چهارم با امام اقتدا کند در اول نماز مو
باشد و در جمیع واجبات و مستحبات و اذکار متابعت امام لازم است مگر هر گاه در رکعت اول امام
حاضر نباشد که در اینصورت ساقط است نماز خود نموده در تشهد منتظر امام است و در حالت کسی که از جای
برخیزد و تشهد نمیخواند و در سایر واجبات متابعت مینماید و بعد از سلام امام بقیه نماز خود را
بجای می آورد و در رکعت بر سر نماز است در حالت رکوع نیز در سر بر داشتن امام
باید که قراءت را بجهت تحسین و ترتیل بخواند با دل فارغ و توجه کامل نظم عروس حضرت قرآن نقاب
انگه براندازد که دار الملک ایمان را مجرد یابد از غوغا و تفسیر ترتیل را چنین فرموده اند که
أَداءُ الحُرُوفِ وَحِفْظُ الوُقُوفِ یعنی ترتیل قرآن بیرون آمدن حروف است از مخرج
و محافظت نمودن وقفها است بطوری خود چنانچه قواعد قراء سبعه مشهور است حضرت امام
صادق علیه السلام فرمود که هر که قرآن بخواند و فروتنی ننمود و دلش نرم نشد بخواندن قرآن
و اندوه و ترس در باطن وی حاصل نشود پس بتحقیق خوار داشته بزرگی و شأن خدا تعالی را و زیان
کرده و غفلتی نموده بخضوع و خشوع بایستد بطریق غلامان که با اخلاص
بخدمت آقای خود می ایستند با مردی که در پیش پادشاه عظیم الشان که متوجه آن بار است
و نظر بجانب سجده گاه کند و بجای دیگر و کف دستها بر رانها گذارد و زن بر پستانها نهاده
محاذی یکدیگر میدارد و انگشتها یکوجب و انگشتان پاها را بقبله کند و متوجه راست
و چپ و جای دیگر نشود و نشستنگاه آن که بانی نشاند و با انگشتان و ریش خود بازی نکند و رخت
خود را و چیزی دیگر را متوجه نشود و اگر همه فعل انگشت که منافی ادب و خشوع است و فعل
بسیار و تکلم به دو حرف و پشت بقبله کردن نماز را باطل میسازد و دیگر رد جواب سلام بالغ
عاقل است آن و تسمیه عاطس واجبست و بعد از فراغ هر یک از فاتحه و سوره لحظه درنگ
کند مقصد پنجم در رکوع مستحب است که قبل از رکوع تکبیر بگوید در حال قیام بعد از
خم شدن دستها بر زانوها گذارد و زن بالاتر از زانو دست راست پیش از دست چپ

۲۱ بر زانو که از دو طرف [illegible] بر زانو نهد چنانچه [illegible] دو کتف را از هم جدا کند
[illegible] برابر سازد بنوعی که اگر یک قطرهٔ آب بر آن ریخته شود بجای خود بایستد و گردن خود را
محاذی پشت کشد و سر پیش نیفکند و نظر ما بین قدمین اندازد و قبل از تسبیح بگوید اَللّٰهُمَّ
لَكَ رَكَعْتُ یعنی خدایا از برای تو رکوع کردم وَلَكَ خَشَعْتُ و بجهت تو فروتنی نمودم
وَلَكَ اَسْلَمْتُ و مر ترا منقاد و فرمان بردار شدم وَبِكَ اٰمَنْتُ و بتو ایمان آوردم
وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ و بر تو توکل کردم یعنی کارهای خود را بتو باز گذاشتم وَاَنْتَ رَبِّي تو
پروردگار منی خَشَعَ لَكَ و افتادگی از برای تو کرد سَمْعِي گوش من وَبَصَرِي
چشم من وَشَعْرِي موی من وَبَشَرِي ظاهر بدن من وَلَحْمِي و گوشت من وَدَمِي
و خون من وَمُخِّي و مغز استخوان من وَعَصَبِي پی من وَعِظَامِي و استخوانهای
من وَمَا اَقَلَّتْهُ قَدَمَايَ و آنچه برداشته قدمهای من غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ در حالتی
که نیستم ننگ دارنده از این فروتنی وَلَا مُسْتَكْبِرٍ و نه گردن کشنده وَلَا
مُسْتَحْسِرٍ و نه واماننده و تعب دارنده از آن نقل از حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب
رسیده که آنحضرت در رکوع گردن دراز کردندی پرسیدند که سبب چیست آنحضرت فرمود که اٰمَنْتُ بِكَ
وَلَوْ ضُرِبَتْ عُنُقِي نه همچو مبرز فرمانت تسلیم کرده ایم یعنی ایمان بتو آوردم
اگرچه زده شود گردن من اگر تیغ بارد در کوی آن ماه گردن نهادیم الحکم لله سُبْحَانَ
رَبِّيَ الْعَظِيمِ پاک و پاکیزه میدانم منزه و مقدس میشمارم پروردگار بزرگ خود را
از هر چه جناب عظمت و بزرگی او را لایق نباشد و جلال کبریا و حضرت او را نشاید
وَبِحَمْدِهِ و حال آنکه مشغولم بستایش او و بر آنکه توفیق داده است مرا که بندگی و بجای آورم
و مستحب است که تسبیح را تکرار کند سه مرتبه یا پنج مرتبه یا هفت مرتبه یا زیاده بقدر نشاط
و عدم ملال گر امام که از سه بیشتر نگذراند بلکه دعای مطول نخواند چنانکه مرویست که نظر
با ضعف مأمومین سبکتر نماز باید گذارد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود

که رکوع بنده کنیت و سجود قرب [illegible] که آخر آیهٔ سجده [illegible] و در رکوع رکن
رکوع عکسی از آنکه فروتنی کشیده باشد هر گدایی خود را که گداز او در را مملکت و مرتبه [illegible]
و بزرگی بر او نگاه دارند شغل رفعت و جلال خود را نگاه دارد [illegible] کرسی ملک و سلطنت تا
باشد بر آنچه لایق است میشود از فواید رکوع که میگفت سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ یعنی خدا
شنید اجابت نمود دعای آن کسی را که ستایش کرد و غرض از این کلمات دعا است
یعنی خداوند دعای حمد گویان را و شکر گزاران را بشنود و اجابت کند الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ همه ستایشها مر خدا را سزاست که پروردگار جهانیانست اَهْلِ الْكِبْرِيَاءِ
وَالْعَظَمَةِ او صاحب بزرگواری معنوی و صوری وَالْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ صاحب بخشش و صاحب
فرمان برداری بخلایق از روی قهر و غلبه مقصد ششم در سجود مستحب است که قبل از
سجود تکبیر گوید در حالت قیام و چون بسجود رود اول کف دستها را بر زمین نهد بعد از آن
زانوها و زنان بعکس این و باید که سر انگشتان دستها را بجانب قبله کنند و هم بچسپانند و پیچیده
ند دستها را بچسپانند بپهلوها و زانوها از هم جدا دارد و اگر مرد باشد دهنی هفتم اعضای سجود
کرد اند و زمین جبهه را مقدار یک درهم یا بیشتر سجده گاه بر زمین نهد که بر خاک سجده کند و بر سنگ
و چوب و امثال آن نه بر چیزهایی که سجود بر آن جایز نیست که از خوردنی و پوشیدنی میباشد و بهترین
که خاک تربت ائمه معصومین باشد خصوصاً خاک کربلا و اگر اعضای سجود برهنه کند و
بر ساند افضل است و قبل از تسبیح بگوید اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ ای پروردگار من از برای تو
سجده میکنم وَبِكَ اٰمَنْتُ و بتو ایمان آوردم وَلَكَ اَسْلَمْتُ و ترا فرمان بردم وَعَلَيْكَ
تَوَكَّلْتُ و کار خود را بتو باز گذاشتم وَاَنْتَ رَبِّي تویی پروردگار من سَجَدَ وَجْهِي لِمَنْ خَلَقَهُ
سجود کرد روی من مر او کسی که آفریده او را وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ و شکافته گوش
او را و چشم او را یعنی در رحم مادر وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و همه ستایشها مر خدا راست
نظم زابر افکند قطرهٔ سوی یم زصلب آورد نطفه را در شکم از آن قطره لؤلؤ لالا کند و زین صورت

٢٢ چون هرگاه که به نظیفه را صورتی چون ببرید که کرده است در آن صورت تکرار کنی سُبْحَانَ رَبِّيَ
الْأَعْلَى منزه و مقدس و پاکیزه کرده میشمارم پروردگار بلند خود را از هر چه جز رفعت و
بلندی در او نسزد و جلال عزت و سلطنت او را نشاید وَبِحَمْدِهِ در حالتی که مشغولم بستایش و
ثنای خود زیرا که توفیق بخشیده است مرا که تنزیه و تقدیس بجا آورم و حال حاصل نشده تکرار تسبیح
کنند مکرر ام که بر سبیل اختصار میگفته حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که سجده را فهم کنید که زبان نکرد
هر که خفیف سجود بجای آورد و چند بخدا اگرچه در همه عمر یکی بیش نباشد و فرود آمدن کسی که
خلوت کرده با پروردگار خود و مثل این حال از نوی نبیند کی مر فریب دهنده نفس خود را
که غافل و بیخبر باشد از آنچه حق تعالی مهیا کرده است از برای سجود کنندگان از خوشحالی دنیا و
راحت آخرت و دور نشده از رضای هر که او نیکو کرده نزدیک در سجود بخدای عز و جل و نزدیک
نشده او هرگز هر که بد کرده ادب سجود و ضایع ساخته حرمت پیش ... در حال سجود پس سجود
کن سجود کسی که فروتنی نموده شده مر خدای عز و جل و بخاطر گذرانده که او از خاک آفریده شده
و خلایق پای بر آن می نهند و از نطفه پدید آمده که هوس او را پلید ... و در حدیث نبوی
وارد شده که نزدیکترین وقتی و حالی که بنده بخدای باشد نیست مگر آنکه او در سجود باشد و از
امثال این اخبار و غیر آن مستفاد میشود که بهترین افعال نماز سجود است ... بکشید و فرود
... در حق تعالی در این حال آگاه که ... در رکوع دعوی بندگیست و سجده دو گواه است آن
دیگری گوید بقدر نیستی تو هستی ظاهر میشود چنانچه که در رکوع سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ
میگوئی و در سجود سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى اگر تو شنیدستی و باشد تعالی و تقدس از
هستی خویش تا تو غافل نشوی هرگز ... اصل ... ز ... حاصل نشوی
... عشق مرد کامل نشوی و در این معنی گفته اند ... سر خود ... و دست را در
آغوش ... صحبت ... یکی کاست و سجده است که چون ... دیده دارد و بنشیند و
پشت پای راست بشکم پای چپ گذارد و ... هر یک ... با خدا ... کرده اند

بعد از آن اگر زن باشد بر کفل خود بنشیند و زانوها را بلند کند و کفهای دست را بر زمین نهد و چون
قرار گیرد و تکبیری بگوید و بگوید أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و افضل آنست که بگوید اللّٰهُمَّ
اغْفِرْ لِي بار خدایا بیامرز مرا وَارْحَمْنِي و رحم کن وَاجْبُرْنِي شکستگیهای مرا درست
کن و نقصانهای مرا تمام کن وَاهْدِنِي و راه نمای مرا إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ
فَقِيرٌ بدرستی که من بهر چه فرو فرستادی بسوی من از نیکیها محتاجم و اگر اقتصار کند بگفتن
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ یعنی طلب آمرزش میکنم ... و باز میگردم بسوی آن کافی است و بعد از سر برداشتن از سجده دوم لحظه درنگ کند و از حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام پرسیدند از معنی سجده فرمود که سجده اول که سر بر زمین نهاد اشارت
که از خاک آفریده شده ... که از زمین ... بلکه از زمین بیرون آمده و سجده
دوم ... بسوی آن ... بر زمین ... که بسوی خاک خواهد شد و ... که سر برسید ایشان
که باز از خاک مبعوث خواهد شد در آخرت و ... خواهد آمد از آن چون از سجده
برخیزد بگوید اللّٰهُمَّ ... بار خدایا ... پروردگار ... بِحَوْلِ اللَّهِ ... تو و قوت
و ... بِقُوَّتِهِ ... برمیخیزم من وَأَقْعُدُ می نشینم من و اگر خواهد این را نیز بگوید وَأَرْكَعُ
وَأَسْجُدُ رکوع و سجود میکنم مقصد هفتم در قنوت مستحب است که قبل از قنوت تکبیر بگوید بعد از آن
دستها را ... برابر روی بجانب آسمان انگشتان را بهم بچسباند ... و انگشت بزرگ
چون ... کلمات فرج است و دعای عقب آن و هم دعا طلب مغفرت و
عافیت ... طلب ... که در قنوت وارد شده ترجمه کلمات فرج و آن
ذکر ... لَا إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ نیست معبودی بجز معبود بحق سزاوار
پرستش و مستحق همه عبادات ... لَا إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
نیست معبودی بجز خدای یکتا مجمع همه صفات کمال ... و بزرگوار است سُبْحَانَ اللَّهِ
پاک و مقدس است خدای رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ که پروردگار آسمانهای هفتگانه است

ومن تحت الارضین السبع و پروردگار زمینهای هفتگانه است وما بینهن وما
تحتهن و آنچه در آسمانهاست و زمین و میان پنهانست وما تحتهن و آنچه در زیر اینهاست
ورب العرش العظیم پروردگار عرش بزرگست که عبارتست از علم حق سبحانه و تعالی
یا جمیع مخلوقات یا جرمی که محیطست بهمه اجسام والحمد لله رب العالمین و همه ستایشها
مر خدایراست که پروردگار جهانیانست اللهم اغفر لنا بار خدایا بیامرز ما را وارحمنا
و رحم کن ما را وعافنا و نگاه دار ما را از کوفتها واعف عنا و در گذر از ما فی
الدنیا والآخرة درین جهان نزدیکتر و در آن جهان پستر انک علی کل شیء قدیر
بدرستی که تو بر همه چیزها توانایی و هر چند قنوت دراز تر است راحت در قیامت بیشتر است
چنانکه بحدیث وارد شده **مقصد هشتم** در تشهد و تسلیم مستحبست که بطریقی بنشیند
که در نشستن مابین دو سجده مذکور شد و دستها را بر زانوها بگذارد و انگشتان را بهم
بچسپاند و نظر بر کنار خود کند و بگوید بسم الله و بالله والحمد لله وخیر الاسماء
لله بهترین نامها خدا راست اشهد ان لا اله الا الله گواهی میدهم که نیست معبودی
بجز خدای که مستجمع جمیع صفات کمالست و مستحق همه عبادات وحده در حالتی که یکتا و منفرد است
لا شریک له نیست انبازی مر او را در استحقاق عبادت و [illegible] لا شریک له [illegible]
وهو الفرد اصل معرفتش [illegible] عقل از کنه ذاتش آگه نیست
از ذات کبریا و جلال شرک نشد و شریک محال و اشهد ان محمدا عبده و رسوله گواهی
میدهم باینکه محمد بنده او و فرستاده اوست ارسله بالحق او را براستی و درستی
بی شک و شبهه بشیرا در حالتی که مژده دهنده است برحمت و تفضل خدای کسی را
که بتوحید اقرار کند و نذیرا و بیم دهنده است از عقوبت و عدل کسی را که شرک آورد
بین یدی الساعة پیش از وقوع قیامت و اشهد ان ربی نعم الرب
گواهی میدهم بدرستی که پروردگار من نیکو پروردگاریست و در لفظی دیگر چنین آورده است

که الله ربی نعم الرب و بسیار مخاطب یعنی بدرستی که تو نیکو پروردگاری و ان محمدا
نعم الرسول بدرستی که محمد نیکو فرستاده ایست اللهم صل بار خدایا صل علی
محمد و آل محمد درود بفرست بر محمد یعنی رحمت کن او را و او را گفته اند یعنی معظم کن او را
در دنیا باعلای [illegible] و اعظام ذکر و ابقای شریعت و در آخرت بقبول شفاعت
او در حق امت و تضعیف ثواب [illegible] فضل او بر اولین و آخرین و تقدیم او بر کافه انبیا و مرسلین
صلوات الله علیهم اجمعین و آل محمد و اهل بیت که حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین صلوات الله
علیهم اجمعین و هر که سیرت ایشان ورزد از علم حظ وافر داشته باشد مثل سلمان رضی الله
عنه چنانکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که سلمان منا اهل البیت
وتقبل شفاعته و بپذیر شفاعت او را فی امته در شان امت وارفع درجته
و بلند گردان درجه او در بهشت بعد از حمد صلوات بگوید دو نوبت یا سه نوبت و چون برخیزد
[illegible] و در تشهد آخر بعد از نعم الرسول
بگوید التحیات لله همه تحیتها مر خدایراست والصلوات همه نمازها الطاهرات
پاکیزه از شرک جلی و خفی مقرون بتوحید و اخلاص الطیبات پاکیزه از کسل و غفلت
[illegible] طیب نفس و حضور دل الزاکیات [illegible] از اغراض
[illegible] بصدق و صفا و عبودیت [illegible] المعاد [illegible]
[illegible] الرایحات [illegible] شروط الناعمات [illegible]
[illegible] و سکون [illegible]
لله مر خدایراست [illegible] و طهر و زکی [illegible] پاک گشت
وخلص و صفی [illegible] و اشهد ان محمدا عبده
و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی الساعة و اشهد
ان ربی نعم الرب و ان محمدا نعم الرسول ترجمه این کلمات گذشت

۴ وَإِنَّ بدرستی السَّاعَةَ که قیامت آتِیَةٌ لَا رَیْبَ فِیهَا آینده است شکی و شبهه در آن
نیست وَأَنَّ اللَّهَ یَبْعَثُ و بدرستی که بر می انگیزاند مَنْ فِی الْقُبُورِ کسانی را که در کورها
هستند الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا ثنا و ستایش مر خدای را که بفضل خود راه نمود
ما را باین اعتقادات و این عبادات وَمَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ و نبودیم ما که بقوت خود توانیم
راه یافت لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ اگر نه خدای ما را راه نمود نظم کر نبود ره
لطف تو ننماید راه ∴ از راه تو هیچ کس نگردد آگاه ∴ و آنکس که برو رسید باید رفتن ∴ توفیق
رفیق او نشد واویلا الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ هر ثنا و آفرینی که بوده است و باشد
مر خدای راست که پروردکار جهانیانست اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بار خدایا
درود و رحمت بفرست بر محمد و اهل بیت محمد وَبَارِکْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
و برکت بفرست و خیر را زیاده کن بر محمد و آل محمد و سلام بفرست بر محمد و اهل
بیت محمد وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ وَبَارَکْتَ وَرَحِمْتَ
همچنانکه رحمت فرستادی و ترحم کردی عَلَى إِبْرَاهِیمَ وَآلِ إِبْرَاهِیمَ
بر ابراهیم و اهل بیت ابراهیم إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ بدرستی که ستوده شده
عطای نعم و بزرگواری ظاهر کرم اگر کسی گوید تشبیه درود حضرت پیغمبر با حضرت
ابراهیم دلالت میکند که ابراهیم افضل باشد بر پیغمبر و این خلاف واقعست جواب
گوئیم که مراد ازین تشبیه آن باشد که همچنان درودی که بر ابراهیم و اهل بیت ابراهیم
فرستاده همچنین درودی بر محمد و اهل بیتش بفرست که بهتر باشد از درودی که
بر انبیاء سابق فرو فرستاده و از انجمله حضرت ابراهیم است پس این فضیلت پیغمبر
باشد نه عکس نظم یا سید الانام درود جناب تو ∴ ورد زبان ماست همه روز و
صبح و شام ∴ نزدیک تو چه تحفه فرستیم ما ∴ درود بجد و صلوات و سلام پس این
ادب رای کشودن نماز و بیرون رفتن از آن در خواطر انبیا و ائمه معصومین و

تا که و جمیع مومنین [illegible] حاضر کرده [illegible] ایشان را مخاطب ساخته بگوید
السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ که سلام بر شما باد و رحمت خدای و
برکات وی [illegible] سلام [illegible] بجانب راست
[illegible] امام [illegible] اگر در جانب [illegible] شخصی باشد و هر یک از این
دو دیگر را شریک [illegible] خطاب کند [illegible] بعضی از آنها را گوید قبل
از این سلام بگوید و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که معنی سلام در آخر نماز
امانست یعنی هر که ادا کرد امر خدا [illegible] پیغمبر او را ادا کرد [illegible] خشوع
ادا کرد [illegible] نماز کامل [illegible] آداب آن چنانچه از
ائمه معصومین علیهم السلام بما رسیده [illegible] آنچه معتبر واجب و
خلاف [illegible] و تکبیرة الاحرام و فاتحه و تسبیح در هر یک از رکوع و سجود
[illegible] و بعضی [illegible] سوره دیگر [illegible]
و تسلیم [illegible] واجب [illegible] و افعال [illegible] بخلاف که معتبر باشد
نیت است که قصد قربت است با نماز معین و قیام با راست داشتن پشت
و تکیه نکردن بر چیزی و خم شدن در رکوع بقدر آنکه دستها بزانو برسد و سجود
بر اعضای سبعه و جلوس در تشهد و درنگ نمودن بمقدار ذکر واجب
در هر یک ازین چهار و بعد از راست شدن از رکوع و نشستن از سجود اول
و بلند خواندن قراءت در دو رکعت اول در غیر نماز جمعه که در او مستحب است
و آهسته خواندن در بواقی غیر بسمله که خواندن در آنها مستحب است و بعضی
گفته اند دست برداشتن در تکبیره و درنگ نمودن بعد از سر برداشتن از سجده
دوم و بلند کفتن [illegible] در جایی که قراءت آهسته خوانده میشود نیز واجب
میدانند و بالجمله هر یک از اقوال و افعال یقین واجبست و [illegible]

و بعضی تعقیبات را که بعد از نماز [illegible] موقع تعقیب است بعضی
و بعضی تعقیبات خاصه است که در میان تکبیر در وقت موقع است
قوی بوجوب [illegible]
احادیث که فضل [illegible] شرایط نماز شرط یقین بوده
نماز صحیح نیست بلا قبول [illegible] گفته مستحب است
که بی [illegible] اسلام و طهارت [illegible] و قبله و آن
است که در این [illegible] خصوصیت بر احکام چه نماز طفل و مخالف
و جاهل خالی از شرعی را صحیح نیست و در آن گفته که شده چون شرایط از
خارج است و غرض اصل ترجمه اذکار آن در تفاصیل احکام و شرایط و خصوص
نمود و در فضیلت کیفیت نماز از احادیث معتبره بسیار است و از آن جمله
حدیثی که از قدوة العباد حضرت سجاد علیه السلام منقول است مفضل آن ابو حمزه روایت
نموده که آنحضرت را دیدم که نماز میکرد ردا از دوشش مبارکش افتاد آنرا
راست نکرد تا از نماز فارغ شد پس من از او از آن سؤال نمودم یعنی پرسیدم
که سبب راست نکردن ردا چه بود فرمود که ای ابو حمزه میدانی که
العبد لا یقبل منه صلوة الا ما اقبل فیها یعنی آیا میدانی که در پیش کی ایستاده بودم
خداوندی بودم که حرکت دست کردن رد ادب نبود بدرستی که بنده مقبول نمیشود از
او نمازی مگر آنچه اقبال کرده باشد در آن یعنی دل متوجه آن کرده باشد گفتم جعلت فداک
هلکنا یعنی فدای تو گردم بنا بر این ما هلاک شدیم یعنی رستگار نخواهیم بود فرمود کلا ان الله

فصل دویم در اینکه بعد از نماز بهترین و فاضلترین عبادات تلاوت کلام الله مجید است و بعضی
تعقیبات [illegible] در تکمیل صلوات مدخلیت عظیم دارد و موجب رفع بلیات و حصول مطالب
دو جهان و حاجات میگردد و بعضی از فضایل و شرایط آن را در این کتاب ذکر میشود ان شاء الله در فضیلت تعقیب و

[illegible]

و آداب و شرایط آن از حضرت رسالت پناه محمدی منقول است که حق تعالی میفرماید
که ای فرزند آدم یاد کن مرا بعد از نماز بامداد و یک ساعت بعد از عصر تا من کفایت کنم
بسیاری از غم و هم ترا و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست
که تعقیب بعد از نماز بامداد و عصر روزی را زیاده میگرداند و در حدیث معتبر منقول است
که هر که بعد از نماز انتظار نماز دیگر کشد در مسجد و تعقیب خواند مهمان خداست
و بر خدای تعالی لازم است که گرامی دارد مهمان خود را و در حدیث معتبر از حضرت رسالت
پناه روایت کرده که هر که در جای نماز خود بنشیند گویا در نماز نشسته است و مشغول
با خدای تعالی باشد حق تعالی ملکی را بر او موکل میگرداند که او را ندا کند که ای ولی خدا استغفر
خود را تا نشسته برای تو حسنات نوشته میشود و گناهان از نامه عمل تو محو میشود
و درجات تو در بهشت بلند میشود و از حضرت رسول منقول است که هرگاه بنده
از نماز فارغ شود و از خداوند خود حاجتی سؤال نکند حق تعالی به ملائکه میگوید که نظر کنید
بسوی این بنده من که فریضه مرا ادا کرد و حاجت خود را از من سؤال نکرد گویا
او بی نیاز است از من بگیرید نماز او را و بزنید بر روی او و در حدیث معتبر از
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که دعا بعد از نماز واجب بهتر است از بعد از نماز
سنت چنانچه فضیلت نماز واجب بر نماز سنت است و از آنحضرت منقولست که دعا
بعد از نماز واجب بهتر از نماز نافله است مؤلف گوید که شاید مراد غیر نافله شب و تر
باشد و اما حقیقت تعقیب ظاهر آنست که قرآن و دعا و ذکر که متصل بنماز
واقع شود عرفا داخل تعقیب باشد ولیکن افضل آنست که با وضو باشد و نشسته باشد
رو بقبله و بهتر آنست که بر هیئت تشهد نشسته باشد و سخن نگوید در اثنای تعقیب
خصوصا تعقیب نماز شام و بعضی گفته اند که بهتر آنست که جمیع شرایط نماز را
در تعقیب رعایت کند و ظاهر آنست که بر هر حالی که بعد از نماز است مشغول قرآن

٦ ٢ ذکر ثواب تسبیح

خود دعا میشد ثواب تعقیب فی الجمله حاصل میشود اگرچه در راه رفتن باشد و در روایت وارد شده که تا وضو دارد ثواب تعقیب دارد ای **مطلب دویم** در بیان تسبیح حضرت سیدة النساء فاطمة الزهراء صلوات الله علیها و مستحبست که بعد از نماز تعقیبات خوانده شود **اول** مستحبست که بعد از سلام نماز فریضه سه مرتبه دست بردارد تا محاذی رو برگرداند تا برابر یا نزدیک به دو گوش و هر مرتبه یک **الله اکبر** بگوید چنانچه علی بن ابراهیم و سید بن طاوس و ابن بابویه رضی الله عنهم بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده اند که مفضل بن عمر از آنحضرت پرسید که بچه علت نماز گذارنده بعد از سلام سه مرتبه تکبیر میگوید و دست بر میدارد فرمود برای آنکه چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله فتح مکه نمود نزد حجر الاسود نماز ظهر با اصحاب خود ادا کرد و سه مرتبه تکبیر گفت و در هر نوبت دست برداشت پس فرمود که لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و ایضا در بعضی از نسخ معتبره دعا چنین ذکر شده است لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ إِلٰهاً وَاحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ **لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ** رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ **وَحْدَهُ** وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ **وَحْدَهُ** فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ** الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ **اللّٰهُمَّ اهْدِنِي** مِنْ عِنْدِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ

و

وانشر علی من رحمتک وانزل علی من برکاتک سبحانک لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعا فانه لا یغفر الذنوب کلها الا انت **اللهم** انی اسئلک من کل خیر احاط به علمک واعوذ بک من کل شر احاط به علمک **اللهم** انی اسئلک عافیتک فی اموری کلها واعوذ بک من خزی الدنیا وعذاب الآخرة و اعوذ بوجهک الکریم وسلطانک القدیم وعزتک التی لا ترام وقدرتک التی لا یمتنع منها شیء من شر الدنیا والآخرة ومن شر الاوجاع کلها ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم **توکلت علی الحی الذی لا یموت** وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا **پس** آنحضرت باصحاب فرمود که ترک مکنید این تکبیر را و این دعا را بعد از نماز فریضه زیرا که هر که بعد از سلام چنین کند ادا کرده است شکر نعمت خدا را بر تقویت اسلام و لشکر اسلام و از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر بنده که دستها بسوی خدا بلند کند حق تعالی شرم میکند که دستهای او را نا امید برگرداند پس چون دعا کنید دستها را برو و روی خود بکشید **و بعد از این دعا** تسبیح حضرت سیدة النساء فاطمة الزهراء را بخوانند چنانچه احادیث در فضیلت آن زیاده از حد و حصار است از حضرت صادق منقولست که ما امر میکنیم کودکان خود را به تسبیح حضرت فاطمه چنانچه ایشان را امر میکنیم به نماز پس آن را ترک مکن که هر که مداومت نماید بر آن شقی و بدبخت نمیشود و در روایات معتبره وارد شده که ذکر کثیر که حق تعالی در قرآن مجید امر فرموده تسبیح آنحضرتست و هر که بعد از هر نماز بر آن مداومت نماید حق تعالی

۲۷ تسبیح بسیار یاد کردن است بآیهٔ کریمهٔ وَاذْکُرُوا اللّٰهَ ذِکْراً کَثِیراً منقولست و بسند معتبر
از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگوید بعد از آن استغفار
کند خدا تعالی او را بیامرزد و آن صد است بزبان و هزار حسنه است در میزان و شیطان را
دور میکند و حق تعالی را خشنود میکند و بسندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که تسبیح آنحضرت را بعد از هر نماز بگوید پیش از آنکه پاها را از هیئت
نماز بگرداند آمرزیده شود و بهشت او را واجب گردد و در حدیث معتبر دیگر فرمود
که تسبیح آنحضرت را بعد از نماز خواندن بهتر است از آنکه هزار رکعت نماز بکند
و در روایت معتبر از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که عبادت الهی کرده نشده است
بچیزی از تحمید و تعظیم که بهتر از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بوده باشد و اگر از آن چیزی
بهتر میبود حضرت رسول صلی الله علیه و آله آنحضرت فاطمه را تعلیم مینمود و احادیث در فضل زیاده
از آنست که در این رساله ایراد توان نمود در کیفیت او اختلافی در احادیث هست
و ظاهر آنست که سی و چهار مرتبه اللّٰهُ اکبر و سی و سه مرتبه الحمدُ لله و سی و سه مرتبه
سُبحانَ الله بگوید و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که بعد از نماز فریضه
تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بگوید و از عقب او یک مرتبه لا اِلٰهَ اِلّا الله بگوید حق
تعالی او را بیامرزد و بهتر آنست که از تربت امام حسین علیه السلام حساب آنرا نگاه دارد و در جمیع
اذکار سنت است و پیوسته تسبیح تربت آنحضرت را با خود داشتن مستحب است
و از بلاها امانست و موجب ثواب بی نهایت است و منقولست که در ابتدا آنحضرت
فاطمه علیها السلام رشته از پشم بیغ بود و بآن گرهها زده بود و مدتی بآن تسبیح میگفتند
تا آنکه حمزه ابن عبد المطلب رضی الله عنه شهید شد پس آنحضرت از تربت قبر او شهید
بزرگوار تسبیح گرفت و تسبیح ساخت و تسبیح میکرد و مردم نیز چنین کردند و چون
سید شهدا حسین بن علی علیهما السلام شهید شد سنت شد که از تربت آن امام مظلوم

تسبیح سازند و آن ذکر گویند و از حضرت صاحب الامر علیه السلام مرویست که هر که تسبیح تربت
امام حسین علیه السلام در دست داشته باشد و ذکر را فراموش کند ثواب ذکر برای او نوشته
میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تربت آنحضرت ذکر میگوید بی آنکه آدمی
ذکر گوید فرمود که یکمرتبه استغفار که بر آن گفته شود برابر هفتاد ذکر که با
چیزی دیگر گفته شود و اگر تسبیح که بکار داشته باشد هفت تسبیح برای او نوشته میشود
و در روایت دیگر اگر با ذکر بگرداند هر دانه چهل حسنه برای او نوشته شود و اگر ذکر را
فراموش کند بهر دانه بیست حسنه برای او نوشته شود و مرویست که حوریان
بهشت چون ملکی می بینند که بر زمین می آید التماس میکنند که تسبیح تربت برای
ایشان بیاورد و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که مومن نباید خالی باشد
از پنج چیز مسواک و شانه و سجاده و تسبیحی که در آن سی و سه دانه باشد
و انگشتر عقیق و تسبیح ظاهر آنست که خام و پخته هر دو خوبست و خام بهتر است و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که بتسبیح تربت امام حسین علیه السلام یک تسبیح بگوید حق تعالی
برای او چهار صد گناه او را محو کند و چهار صد حاجت او را برآورد و چهار صد درجه برای
او بلند گرداند و مرویست که مستحب است که رشته اش کبود باشد برنگ آسمان و از
بعضی روایات مستفاد میشود که زنان را پخته آن شمردن افضلست لیکن احادیث
در فضیلت تربت مطلقا اکثر و اقوی است مطلب سیوم در بیان تسبیحات اربع است
چنانچه شیخ طوسی و ابن بابویه و حمیری بسندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده اند که روزی حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله با اصحاب خود فرمود که اگر جمیع آنچه دارید از
جامه ها و ظرفها بر روی هم گذارید آیا باسمان میرسد گفتند نه یا رسول الله فرمود میخواهید
تعلیم کنم شما را چیزی که اصلش در زمین باشد و شاخش در آسمان گفتند بلی یا رسول الله
فرمود که بعد از هر نماز فریضه سی نوبت بگویند سُبحانَ اللهِ وَالحمدُ لِلّٰهِ وَلا

ذکر تسبیحات اربع

اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ که اصل اینها در زمین است و فرع آن در آسمان و دفع
میکند از آدمی هفت نوع از بلا غرق شدن و سوختن و در چاه افتادن و دریدن
درندگان و بمرگ بدی مردن و بر او افتادن از آسمان و زنا بستن بلا شود و اینها باقیات
صالحات که حق تعالی در قرآن فرموده است و بسندهای صحیح دیگر منقولست که ذکر کثیر که در قرآن
حق تعالی با آن امر فرموده اینست و در حدیث صحیح دیگر از حضرت صادق منقولست که هر
که این تسبیحات را بعد از هر نماز فریضه چهل و یک مرتبه بخواند پیش از آنکه از جا نماز
حرکت کند حاجت که از حق تعالی سؤال کند برآورده شود و قطب راوندی روایت کرده است
که حضرت امیرالمؤمنین ع به براء بن عازب فرمود که میخواهی ترا دلالت کنم بر امری که
چون بجا آوری بحق و براستی دوست خدا تعالی باشی گفت بلی فرمود که بعد از
هر نماز هر یک از تسبیحات اربع را ده مرتبه بگو چون چنین کنی هزار بلیه در دنیا
از تو دور گردد که یکی از آنها مرتد شدن باشد و هزار مرتبه در آخرت برای تو
ذخیره کنند که یکی آن باشد که در جوار حضرت رسول ص باشی و ایضاً کلینی و شیخ
طوسی بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده اند که بعد از فارغ شدن از
نماز پیش از آنکه زانوها را از جای خود حرکت دهد ده مرتبه این تهلیل را بخواند
حق تعالی چهل هزار هزار گناه او را محو کند و چهل هزار هزار حسنه برای او بنویسند
و چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد فرمود من صد مرتبه میخوانم و شما را
ده مرتبه کافیست و تهلیل اینست اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ
لا شَریکَ لَهُ اِلٰهاً واحِداً اَحَداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا
وَلَداً و ایضاً فضیلت این تهلیل بسیار وارد شده خصوصاً در تعقیب نماز
صبح و شام و هنگام طلوع و غروب آفتاب و ایضاً کلینی بسند حسن از حضرت
صادق روایت کرده است که هر که بعد از نماز فریضه سه مرتبه بگوید یا مَنْ یَفْعَلُ

ما یَشاءُ وَلا یَفْعَلُ ما یَشاءُ اَحَدٌ غَیْرُهُ هر حاجت که سؤال کند روا شود و ایضاً
کلینی بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که هر که بعد از نماز فریضه
پیش از آنکه پاهای خود را بگرداند سه مرتبه بگوید این استغفار را حق تعالی گناهان
او را بیامرزد اگرچه مانند کف دریا باشد و صورت استغفار اینست اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذی
لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ ذُو الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ
و در روایت دیگر وارد شده که هر که این استغفار را هر روز بخواند حق تعالی چهل گناه
کبیره او را بیامرزد و ایضاً منقولست که چون از نماز فارغ شود بگوید اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَجِرْنی مِنَ النّارِ وَارْزُقْنِی الْجَنَّةَ وَ
زَوِّجْنی مِنَ الْحُورِ الْعِینِ چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع
منقولست فرمود که چهار چیز است که حق تعالی شنیدن سخن خلایق بایشان عطا کرده است
حضرت رسول ص و بهشت و دوزخ و حور العین را پس هر گاه فارغ شود بنده از نماز
باید که صلوات فرستد بر حضرت رسول ص و سؤال کند از خدا تعالی بهشت را
و پناه برد بحق تعالی از جهنم و سؤال کند از او که تزویج کند او را بحور العین زیرا که
هر که صلوات فرستد بر آنحضرت دعای او مستجاب میگردد و هر که بهشت را از
حق تعالی سؤال کند بهشت میگوید پروردگارا به بنده خود عطا کن آنچه سؤال کرد
و هر که امان خواهد از خدا تعالی از جهنم جهنم میگوید پروردگارا بنده خود را امان
ده از آنچه امان میطلبد و هر که سؤال کند از حق تعالی حور العین را حوران گویند پروردگارا
عطا کن به بنده خود از آنچه از تو طلبید و ایضاً بسند صحیح از حضرت صادق
علیه السلام باین مضمون روایت شده و در آخرش مذکور است که چون یکی از نماز
فارغ شود و از خدا بهشت و حور العین نخواهد و از جهنم امان نطلبد حوران بهشت
گویند این بنده را نمیخواهد و بهشت گوید این بنده بمن رغبت ندارد و جهنم گوید که

۲۹ این بنده را نیز مخمسه نوشتست عذاب اجرای میدانند و فرمود که هر که که صلوات با

سلام بر حضرت رسول ص فرستد البته بآنحضرت میرسد و از حضرت صادق ع منقولست

که فراموش مکنید دو چیز را که بر شما واجب شده است اول آنکه سوال کنید بهشت را

دویم آنکه سوال کنید خلاصی از جهنم را ایضاً کلینی و دیگران بسند معتبر از اهل

بیت علیهم السلم روایت کرده اند که هر که از نماز فارغ شود ریش خود را بدست

راست بگیرد و دست چپ را بسوی آسمان بگشاید و سه مرتبه بگوید یا ذا الجلال و

الاکرام اجرنی من العذاب الالیم پس دست راست را از ریش بردارد

و هر دو دست را بسوی آسمان بگشاید و سه مرتبه بگوید یا عزیز یا کریم یا غفور

یا رحمن یا رحیم پس دستها را بگرداند و پشت دستها را بجانب آسمان

کند و سه مرتبه بگوید وصلی الله علی محمد واله والملائکة والروح

پس حضرت فرمود هر که این دعا را بخواند حق تعالی گناهان او را بیامرزد و از او راضی

شود و استغفار کند برای او جمیع خلایق بغیر از جن و انس تا هنگام وفات او مطلب

چهارم در تعقیبات بعد از هر نماز بعد از تسبیحات دعاء اول بعد از تسبیحات سید ابن

طاوس بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده است که هر که تسبیح حضرت فاطمه ع

را بخواند و بعد از آن این دعا بخواند حق تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد و از سعی کار این دعا را

میخواند تا یکسال عافیت یابد از پریشانی و تنگدستی و دیوانگی و خوره و پیسی مرگهای

بد و از هر بلائی که نازل گردد بسوی زمین و نوشته شود برای او بسبب این دعا ثواب

اخلاص یا ثواب او تا روز قیامت و ثواب بهشت البته او را باشد راوی گفت

که این ثواب برای او خواهد هر گاه در عرض یکسال هر روز این دعا بخواند حضرت فرمود

بلکه اگر سالی یکمرتبه بخواند این ثواب برای آن خواهد بود لا اله الا الله ان

الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا

علیه وسلموا تسلیما لبیک ربنا لبیک وسعدیک اللهم صل

علی محمد وال محمد وعلی اهل بیت محمد وعلی ذریة محمد والسلام

علیه وعلیهم ورحمة الله وبرکاته واشهد ان التسلیم منا لهم و

الایتمام بهم والتصدیق لهم ربنا امنا بک وصدقنا واتبعنا

الرسول وال الرسول فاکتبنا مع الشاهدین اللهم صب

الرزق علینا صبا صبا بلاغا للاخرة والدنیا من غیر کد ولا

نکد ولا من من احد من خلقک الا سعة من رزقک وطیبا

من وسعک من یدک الملأی عفا فلا من ایدی لئام خلقک

انک علی کل شیء قدیر اللهم اجعل النور فی بصری والبصیرة

فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسعة فی رزقی

وذکرک باللیل والنهار علی لسانی والشکر لک ابدا ما

ابقیتنی اللهم لا تجدنی حیث نهیتنی وبارک لی فیما

اعطیتنی وارحمنی اذا توفیتنی انک علی کل شیء قدیر دویم

بسند موثق از حضرت صادق ع مرویست که چون حق تعالی امر کرد که این آیات را

بزمین آورند چنگ زدند در عرش الهی و گفتند پروردگارا ما را بسوی چه جا

و گناهان میفرستی پس حق تعالی وحی کرد بسوی ایشان که بر دید بزمین بعزت و جلال

خود سوگند یاد میکنم که تلاوت نکند شما را احدی از آل محمد ع و شیعیان ایشان

مگر آنکه نظر رحمت کنم بسوی او در هر روز هفتاد نظر و در

هر نظری هفتاد حاجت او را برآورم او را قبول کنم هر چند معصیت بسیار کرده باشد

و از حضرت رسالت ص منقولست که هر که آیة الکرسی را عقب هر نماز بخواند مانعی نباشد

او را از داخل شدن بهشت بغیر از مرگ بروایت دیگر هر که این آیات را بعد از نماز

فرایض بخواند نمازش مقبول گردد و در جمیع حوائج باشد و اجابت دعا بود و آیة الکرسی و کتاب
نگاه دارد و آن آیات این است ... فرجح الی آخره و آیة الکرسی و هو العلی العظیم
و کره خالدون بخواند بهترانست و آیت شهد الله و قل اللهم و در روایتی دیگر
این آیه را بعد از فاتحه بخواند و هی هذا بسم الله الرحمن الرحیم هو الذی
انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و
اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه
منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاویله الا الله والراسخون فی العلم وما یعلم تاویله
یقولون آمنا به کل من عند ربنا وما یذکر الا اولوا الالباب
و بعد از آن بگوید الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة
ولا نوم له ما فی السموات وما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده
الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من
علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده
حفظهما وهو العلی العظیم لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد
من الغی فمن یکفر بالطاغوت ویؤمن بالله فقد استمسک
بالعروة الوثقی لا انفصام لها والله سمیع علیم الله ولی
الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور والذین کفروا
اولیاؤهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات
اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون شهد الله انه لا اله
الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز
الحکیم ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف الذین او
توا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن

یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب قل اللهم مالک الملک
تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء
وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر تولج
اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج الحی من المیت
وتخرج المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب ایضا
خواندن آیة الکرسی بروایتی از جهت حصول جمیع مقاصد و مطالب و ازدیاد
و دفع اعادی و غلبه بر خصم و نجات یافتن از کل مکروهات بعد از نمازهای فریضه
باین طریق مواظبت نماید که در هر دو قعده از قعدهای عشره عقد یک انگشت از انگشتان
کند بدین گونه که ابتدا از خنصر انگشت دست راست نموده ختم بانگشت ابهام دست
چپ بترتیب نماید و در میان دو عین یشفع عنده هر حاجت که باشد در دل بگذراند
و در وسط دو یعلم ما بین دفع اعدا و مقهور شدن ایشان را بخاطر آرد
چون آیه کریمه بجایی که نوشته میشود باشد و ادعیه تمام شود سه مرتبه سوره اخلاص
و سه مرتبه سوره مبارکه الم نشرح بخواند و سه مرتبه صلوات بر رسول خدا
بفرستد و اشاره بجانب آسمان نموده بعد از آن بعد هر عقد انگشت یکمرتبه
فاتحة الکتاب بخواند و یکعقد بگشاید و بعد از اتمام سوره فاتحه اشاره برکف دست
خویش کند و بر تمام اعضای بدن بسته جانب او با جانب مقرون کرده و فوق
عشره ادعیه نوشته بسم الله الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو
اللهم احفظنی فی الدنیا والآخرة یا من لا اله الا هو الحی
القیوم اللهم احفظنی یا حی یا قیوم لا تاخذه سنة ولا نوم
اللهم احفظنی فی کل لحظة یا من لا تاخذه سنة ولا
له ما فی السموات وما فی الارض اللهم یسر لی کل

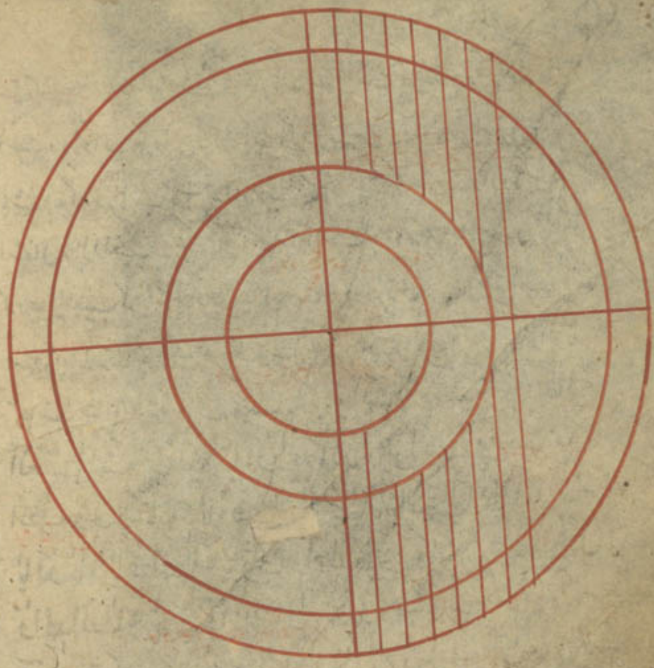
مِنْ اُمُورِ الدُّنْيَا وَالاٰخِرَةِ يَا مَنْ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الاَرْضِ
مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي شَفِيعًا
وَاغْفِرْ لِي يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي
ذُنُوبِي وَاَصْلِحْ لِي اُمُورِي فِيمَا مَضٰى وَفِيمَا يَاْتِي يَا مَنْ يَعْلَمُ
مَا بَيْنَ اَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا
شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالاَرْضَ اَللّٰهُمَّ وَسِّعْ لِي وَلَا
تُضَيِّقْ عَلَيَّ فِي كُلِّ حَالَةٍ يَا مَنْ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ وَ
الاَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا مِنْ كُلِّ سُوءٍ
وَشَرٍّ وَغَمٍّ وَفَاقَةٍ وَمَكْرٍ مِنْ اِنْسٍ وَجِنٍّ يَا مَنْ لَا يَؤُدُهُ حِفْظُ
السَّمٰوٰتِ وَالاَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ اَللّٰهُمَّ عَظِّمْ
قَدْرِي فِي الدُّنْيَا وَالاٰخِرَةِ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ پس بعد از
اتمام اگر بجهت حاجتست این اسماء جلیله را بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
الرَّحِيمِ يَا حَلِيمُ يَا عَلِيمُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالاِكْرَامِ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِيثُ فَاَغِثْنِي يَا مُغِيثُ يَا مُغِيثُ يَا مُغِيثُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا
لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ واگر از جهت دفع
دشمن و اعدای دین باشد و قهر و منع او مداومت بدین دعا بعد از اتمام آیة
الکرسی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُجِيبُ وَاَنَا عَبْدُكَ الْمُضْطَرُّ فَاكْشِفْ
عَنِّي مَا اَنَا فِيهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ سیوم ابن
بابویه و شیخ طوسی [illegible] بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده
خواهد بیرون رود از دنیا و حال آنکه پاک شده است از گناهان چنانکه پاک

چاپچه

سیوم در بیان رجال الغیب از حکماء ترک منقولست که ستاره ایست که یولدوز بخس
است و در آداب سفر در این رساله سابقا ذکر شده که هرگاه اراده مهم یا سفر داشته
باشند باید که رو برو جانب راست بدان جهت نداشته باشند که شومت دارد و بعکس و راست
استقبال رجال الغیب در میمنت چنانچه منقولست از امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق
که رجال الغیب که قیام عالم بوجود ایشان است هر دو روز از ماه عرب در جهتی باشند و
امداد بعالم رسانند چون کسی را مهم عظیم پیش آید که در حصول یا دفع آن چاره نداند روی
بجانب ایشان رفته صلوات فرستد و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا رِجَالَ
الْغَيْبِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَرْوَاحَ الْقُدُسِ اَغِيثُونِي بِعَوْنِكُمْ وَ
اُنْظُرُونِي بِنَظْرَةٍ يَا رُقَبَاءُ يَا نُجَبَاءُ يَا نُقَبَاءُ يَا اَبْدَالُ
يَا اَوْتَادُ يَا قُطْبُ اَغِيثُونِي وَاَطِيعُونِي وَاَجِيبُونِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ و از ایشان استمداد و استعانت طلب نموده متوجه
آن مهم شود که بسهولت بحصول موصول گردد و بودن ایشان در جهات بدین گونه است

مشرق	میانه	شمال
اول نهم هفدهم بیست و پنجم	دویم دهم هجدهم بیست و ششم	سیوم یازدهم نوزدهم
میانه	مغرب	میانه
چهارم دوازدهم بیستم و بیست و هشتم	پنجم سیزدهم بیست و یکم بیست و نهم	ششم چهاردهم بیست و دوم
جنوب	میانه جنوب و مشرق	
هفتم و پانزدهم بیست و سیوم	هشتم و شانزدهم و بیست و چهارم	

این سه آیه را بر سه پارچه نوشته بشوید و بنوشاند
از برای تب بسیار مجرب است روز اول از اول الله
در [illegible] دیم لم تنزل [illegible] روز [illegible]



در احکام خسوف و کسوف شیخ بزرگوار قطب راوندی رضی الله عنه از حضرت صادق ع
روایت کرده است که در کتاب دانیال پیغمبر ع نوشته است در باب گرفتن آفتاب و ماه
در شهور اثنی عشریه پس هر سال که ماه محرم آفتاب بگیرد در آن سال ارزانی باشد و در آخر
سال دزدها و بیماریها در مردم حادث شود و پادشاه بر دشمنان ظفر یابد و نیز زلزله
حادث شود و بعد از آن بلاها بهم رسد و هر سال که در ماه صفر آفتاب بگیرد در ناحیه مغرب
ترس و گرسنگی مردم را رو دهد و جنگ و کشتش در مغرب بظهور آید پس در ماه ربیع الاول
صلح پدید آید و خلاف کم بهم رسد و پادشاه مغرب ظفر یابد و گاو و گوسفند بیابان
و در آخر سال فراوانی بسیار شود و وبا در میان شتران و با بهم رسد و هر سال که در ماه
ربیع الاول آفتاب بگیرد در میان مردم اختلاف بسیار شود و خلق عظیم بقتل رسند
و کسی بر پادشاه خروج کند و ترس و کشش حادث شود و مرگ بسیار شود و هر سال که در ماه
ربیع الثانی آفتاب بگیرد

مردم فراخی باشد و در ناحیه مغرب و مشرق پادشاهان رعیت در مقام شفقت باشند و با
ایشان احسان نماید و پاس خاطر ایشان بدارد و هر سال که در ماه جمادی الآخر آفتاب بگیرد
مرد عظیمی در جانب مغرب بمیرد و در بلاد مصر جنگهای عظیم و کشش بسیار واقع شود و در
بلاد مغرب در آخر سال گرانی بهم رسد و هر سال که در ماه رجب آفتاب بگیرد زمین آبادان
شود و در کوهستان و ناحیه مشرق باران بسیار ببارد و در ناحیه فارس فرود آید
اما ضرر با ایشان نرساند و هر سال که در ماه شعبان آفتاب بگیرد همه مردم از شهر
پادشاهان سالم باشند و پادشاه بر دشمنان در مغرب ظفر یابد و در بلاد جبل در
آخر سال مرگ در میان مردم بسیار باشد و بزودی برطرف شود و هر سال که در ماه
رمضان آفتاب بگیرد مردمان همه پادشاه فارس را اطاعت کنند و روم را
بر حرب غلبه عظیم رو دهد پس ایشان بر روم غالب شوند و غنیمت و اسیر بسیار
از ایشان بگیرند و هر سال که در ماه شوال آفتاب بگیرد بلاد هند رنج و کوشش بسیار
شود و گیاه زمین در شهرهای مشرق بسیار شود و هر سال که در ماه ذیقعده آفتاب بگیرد
باران بسیار ببارد و خرابی در ناحیه فارس بظهور رسد و هر سال که در ماه ذیحجه
آفتاب بگیرد باد بسیار بوزد و درختان بکشود و در شهری از شهرهای مغرب خرابی پدید
آید و گندم و جو کم و گران باشد و کسی بر پادشاه خروج کند و آزار بسیار از او
بپادشاه برسد و در فارس خونها گران شود و در ... بسیار ارزان شود و انتها در
آثار گرفتن ماه پس در هر سال که در ماه محرم ماه بگیرد در مغرب بزرگی بمیرد و میوه در
بلاد جبل کم باشد و در میان مردم خارش بسیار باشد و در زمین بابل درد چشم بسیار
بهم رسد و مرگ بسیار شود و نرخها گران باشد و کسی بر پادشاه خروج کند و پادشاه
بر او ظفر یابد و لشکر او را بقتل رساند و هر سال که در ماه صفر ماه بگیرد قحط و بیماری در
شهرهای بابل پدید آید بحدی که همه هلاک شوند بعد از آن باران بسیار بیارد و گیاه زمین بسیار

شود و احوال مردم نیکو شود و در بلاد جبل میوه بسیار باشد و هر سال که در ماه ربیع الاول ماه بگیرد
در بلاد مغرب کشتن بسیار شود و مرض یرقان در مردم بهم رسد و در ناحیهٔ شهرها میوه
بسیار باشد و در بلاد جبل کرم در سبزیهای ایشان بهم رسد و خرابی بسیار در شهرها بدید آید
و هر سال که در ماه ربیع الآخر ماه بگیرد آب در کوهها بسیار باشد و نعمت فراوان باشد و آتش انبار
باشد و پادشاه در مغرب ظفر یابد و هر سال که در ماه جمادی الاول ماه بگیرد خون بسیار در دریا ریخته شود
و پادشاه شام را بلای عظیم برسد و کسی بر پادشاه خروج کند و پادشاه ظفر یابد و هر سال که در ماه جمادی
الآخر ماه بگیرد باران کم آید و آب کم باشد و در نوبی که حوالی کوفه است با موصل در آن
محال جزع عظیم و گرانی باشد و پادشاه بابل را بلای عظیم روی دهد و هر سال که در ماه رجب ماه
بگیرد در ناحیهٔ مغرب طاعون و قحط پیدا شود و در بابل باران بسیار ببارد و در همه شهرها
درد چشم بسیار شود و هر سال که در ماه شعبان ماه بگیرد پادشاه بعضی از نواحی کشته شود
یا بمیرد و پسرش پادشاه شود و تسعیر بالا رود و قحط در میان مردم پیدا شود و هر سال که
در ماه رمضان ماه بگیرد در بلاد جبل سرما سخت شود و برف و باران بسیار ببارد و آسیب بسیار
باشد و در زمین فارس درندگان بسیار بهم رسند و در شهرها مرگ اطفال و زنان بسیار
باشد و هر سال که در ماه شوال ماه بگیرد پادشاه با دشمنان غالب شود و در میان مردم بلاد فتنه
بسیار باشد و هر سال که در ماه ذیقعده ماه بگیرد شهرهای عظیم فتح شود و گنجها در بعضی از زمینها و
کوهها پیدا شود و هر سال که در ماه ذیحجه ماه بگیرد بزرگی در مغرب بمیرد و مرد فاجر فاسقی دور
پادشاه کند الی هنا انتهی ما اوردنا والحمد لله اولاً وآخراً وصلی الله
علی سیدنا المرسلین محمد وعترته الاکرمین

ع

و افتتاح کند بتکبیرات سبعه و ادعیهٔ ثلثه بخواند و بعد از حمد توحید و معوذتین سه نوبت
پس دستها برابر رو بردارد و قنوت بخواند در حالتی که بگرید یا خود را بگریه دارد و در خواندن
کلمات فرج پس در قنوت بخواند هر دعا که خواهد هفتاد نوبت استغفار کند باین طریق
که أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و اگر صد مرتبه بگوید افضل است و ثوابش بیشتر است
و بعد از آن دعا کند برای چهل شخص یا بیشتر از برادران مؤمن باین طریق که اللهم اغفر
لِفُلَانٍ وَفُلَانٍ و اسم ایشان ذکر کند تا آخر پس هفت نوبت بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ مِنْ جَمِيعِ ظُلْمِي وَجُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي
وَأَتُوبُ إِلَيْهِ پس بگوید رَبِّ أَسَأْتُ وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَبِئْسَ مَا صَنَعْتُ
وَهٰذِهِ يَدَايَ يَا رَبِّ جَزَاءً بِمَا كَسَبَتْ وَهٰذِهِ رَقَبَتِي خَاضِعَةٌ لِمَا أَتَيْتُ
وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ فَخُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي [illegible] حَتَّى تَرْضَى
لَكَ الْعُتْبَىٰ لَا أَعُودُ پس سیصد مرتبه بگوید الْعَفْوَ الْعَفْوَ پس بگوید رَبِّ
اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ و بدانکه قنوت در نماز وتر
در رکعت سیوم است پس در رکعت دویم شفع قنوت بخواند و اگر وقت تنگ باشد از
تطویل قنوت اقتصار کند بر آنچه وقت وسعت آن داشته و سلام داده تسبیح
حضرت فاطمه بجا آورد و سجده شکر کند در حالتی که گریه یا خود را بگریه دارد و این سجده را
طول دادن سنت است مطلب چهارم در بیان نافلهٔ صبح تعقیبات میانهٔ نماز صبح و مغرب
مشترکست و این مطلب در دو مبحث ذکر میشود مبحث اول در بیان نافلهٔ صبح چون از نماز
وتر و تعقیبات او فارغ شود بدرگاه قاضی الحاجات مناجات کند و حاجت دو جهان خود را سؤال
کند پس شروع در نافلهٔ صبح کند و در رکعت اول بعد از حمد قل یا ایها الکافرون بخواند
و در رکعت دویم بعد از حمد قل هو الله احد پس چون سلام دهد بر پهلوی راست دو بخوابد
جانب راست رو را بر دست راست بگذارد و دعا را بخواند اِسْتَمْسَكْتُ بِعُرْوَةِ اللّٰهِ

الوثقى التي لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتين واعوذ
بالله من شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن والانس
ربي الله ربي الله ربي الله آمنت بالله توكلت على الله لا حول
ولا قوة الا بالله ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
قد جعل الله لكل شيء قدرا حسبي الله ونعم الوكيل اللهم من اصبح
وله حاجة الى مخلوق فان حاجتي ورغبتي اليك وحدك لا شريك
لك الحمد لله رب العالمين رب الصباح الحمد لله فالق الاصباح
الحمد لله قاسم المعاش الحمد لله جاعل الليل سكنا والشمس والقمر
حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم اللهم صل على محمد واجعل
في قلبي [illegible] في بصري نورا وعلى لساني نورا ومن بين يدي نورا
وعن شمالي نورا ومن فوقي نورا ومن تحتي نورا واعظم لي
النور واجعل لي نورا امشي به في الناس ولا تحرمني نورك يوم
القيمة پس بخواند آية الكرسي قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس و پنج آيه از سوره
آل عمران ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار
لآيات لاولي الالباب الذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى
جنوبهم ويتفكرون في خلق السموات والارض ربنا ما خلقت
هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب النار ربنا انك من تدخل
النار فقد اخزيته وما للظالمين من انصار ربنا اننا سمعنا
مناديا ينادي للايمان ان آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا
ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا
على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد پس تسبيح

ذکر تعقیبات صبح و مغرب

شروع در نماز صبح کند مبحث دویم در تعقیبات صبح و مغرب
اللهم اني اسألك باقبال نهارك وادبار [illegible]
واصوات دعائك وتسبيح ملائكتك
ان تتوب علي انك انت التواب [illegible]
[illegible] کلمات را در وقتی که بشنود اذان
[illegible] صبح [illegible] واذبار ليلك و در مغرب بگوید
باقبال ليلك [illegible] نهارك پس اگر بمیرد در آن روز یا در آن شب هر آینه
حکم شهید داشته باشد و شمرده‌اند بعضی از علما این دعا را از آنجمله آنچه گفته شود بین
اذان صبح و مغرب بگوید و دیگر از آنحضرت بسند معتبر مرویست که هر که این دعا را بعد از
نماز صبح و مغرب بخواند ایمانش و جانش و خانه اش و فرزندانش و اهلش محفوظ گردد و هی هذا
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله خير الاسماء بسم الله رب الارض
والسماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه سم ولا داء بسم الله
اصبحت وعلى الله توكلت بسم الله على قلبي ونفسي بسم الله
على ديني وعقلي بسم الله على اهلي ومالي بسم الله على ما اعطاني
ربي بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض ولا في
السماء وهو السميع العليم الله الله الله ربي حقا لا اشرك
به شيئا الله اكبر الله اكبر الله اعز واجل مما اخاف واحذر عز
جارك وجل ثناؤك وتقدست اسماؤك ولا اله غيرك اللهم اني
اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل سلطان شديد ومن شر
كل شيطان مريد ومن شر كل جبار عنيد ومن شر قضاء السوء
ومن شر كل دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم

وانت علی کل شیء حفیظ ان ولیی الله الذی
الصالحین فان تولوا فقل حسبی الله لا اله
وهو رب العرش العظیم فسیکفیکهم الله
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله
الطاهرین دویم بسند معتبر [illegible] از سلمان [illegible]
مابین نماز مغرب عشا مداومت نماید مجربست [illegible] لنا تعلیم کرد و قبل از خواندن
هفت مرتبه حمد بخواند و شیخ و دیگران در تعقیبات [illegible] نماز صبح ذکر کرده اند این دعا را بسم الله
الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله نور علی نور
بسم الله الذی هو مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من
النور وانزل النور علی الطور فی کتاب مسطور فی رق منشور
بقدر مقدور علی نبی محبور والحمد لله الذی هو بالعز مذکور و
بالفخر مشهور وعلی السراء والضراء مشکور وصلی الله علی
خیر خلقه واله اجمعین سیوم باسناد صحیح از حضرت صادق منقولست که
هرکه بعد از نماز صبح یا مغرب پیش از انکه سخن گوید هفت مرتبه بگوید بسم الله
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم حق تعالی دفع کند از او هفتاد نوع بلا
که آسانترین آنها خوره و پیسی و ضربات دهجا و شیطان و فرد و نیز صد مرتبه این
ذکر وارد شده که در صبح و صد مرتبه در مغرب بگوید چهارم سید ابن طاوس بسند صحیح از
حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که هرکه بعد از صبح نماز مغرب بگوید سبحانک
لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعا فانه لا یغفر الذنوب
کلها جمیعا الا انت حق تعالی بملائکه وحی کند که بنویسید برای او آمرزش گناهان را
برای انکه دانسته و اقرار داد که گناهان او را کسی بغیر از من نمی آمرزد پنجم شیخ طبرسی

دکفعمی و دیگران از حضرت رسول روایت کرده اند که باصحاب خود گفت که آیا عاجزید از انکه بعد از
هر نماز صبح و مغرب نزد خداوند عالمیان عهد بگیرند گفتند چگونه عهد بگیریم فرمود که این دعا
بخوانند و هرکه این دعا بخواند مهری بر آن میزنند و در زیر عرش الهی میگذارند چون روز
قیامت شود منادی ندا کند که کجایند آنانکه نزد خداوند رحمن عهدی دارند پس آن عهد
بایشان دهند و بآن عهد داخل بهشت شوند و شیخ طوسی این دعا را در تعقیب صبح ایراد کرده
اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم
اعهد الیک فی هذه الدنیا انک انت الله لا اله الا انت وحدک
لا شریک لک وان محمدا صلی الله علیه واله عبدک ورسولک
فصل علی محمد واله ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا ولا الی
احد من خلقک وان وکلتنی الیها تباعدنی من الخیر وتقربنی
من الشر ای رب لا اثق الا برحمتک فصل علی محمد واله الطاهرین
واجعل لی عهدا تؤدیه الی یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد
ششم بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که بعد از نماز صبح و مغرب
ده مرتبه بگوید استعیذ بالله من الشیطان الرجیم پس بگوید اکتبا
رحمکما الله بسم الله الرحمن الرحیم اصبحت بالله مؤمنا
علی دین محمد صلی الله علیه واله وسنته وعلی دین علی علیه السلام
وعلی دین فاطمة علیها السلام وسنتها وعلی دین الاوصیاء صلوات
الله علیهم وسنتهم امنت بسرهم وعلانیتهم وغیبهم و
شهادتهم واستعیذ بالله فی یومی هذا مما استعاذ
منه محمد وعلی وفاطمة والاوصیاء صلی الله علیهم وارغب الی
الله فیما رغبوا فیه ولا حول ولا قوة الا بالله هفتم شیخ طوسی و دیگران

در کتب دعا ذکر کرده‌اند و در جامع الاذکار روایت کرده است که بعد از نماز صبح و مغرب
بدست راست محاسن خود را بگیرد و دست چپ سوی آسمان بردارد و هفت مرتبه
بگوید یا ربّ محمّدٍ وآلِ محمّدٍ صلِّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وعجِّل فرجَ محمّدٍ وآلِ محمّدٍ
پس هفت مرتبه بگوید یا ربَّ محمّدٍ وآلِ محمّدٍ صلِّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ واعتِق
رَقَبَتی مِنَ النّارِ مطلب پنجم دربیان فضیلت و ذکر و تعقیب و آیات بعد از نماز
صبح این مطلب در سه مبحث ذکر میشود مبحث اوّل دربیان فضیلت تعقیبات صبح خانچه
در احادیث بسیار وارد شده که ما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب روزی فرزند آدم را قسمت
مینمایند هرکه در اینوقت مشغول عبادت و تلاوت باشد روزی او فراخ میشود و هرکه در این
وقت بخواب رود از زیادتی روزی محروم باشد و خواب اینوقت شوم است روزی را دور میکند
و رنگ را زرد میکند و رو را قبیح میکرداند زنهار که حذر کنید ازین خواب و بسند معتبر از
حضرت امام محمد باقر منقولست که هر روزی که بر فرزند آدم وارد میشود خطاب میکند که
من روز تازه‌ام بر تو گواهم پس در من کار نیکوئی بکن و سخن نیکوئی بگو تا من گواهی دهم برای تو در
قیامت که بعد ازین مرا نخواهی دید و از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که ذکر خدا بعد از نماز
صبح تا طلوع آفتاب کاملتر است در تحصیل روزی از سفر کردن در مصلای خود قرار گیرد و بتعقیب
مشغول باشد خدا او را از آتش جهنم مستور کرداند و از حضرت امام محمد باقر منقولست
که شیطان لشکر روز را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب پهن میکند و لشکر شب را از غروب
آفتاب تا زهاب حمرهٔ مغربی پس خدا را درین دو ساعت بسیار یاد کنید که درین دو وقت
شیطان آدمی را از عبادت خدا غافل میسازد و بسند صحیح منقولست که حضرت امام
رضا در خراسان چون نماز صبح میکردند تا طلوع آفتاب در مصلای خود می نشستند و مشغول
تعقیب بودند پس خریطه برای آنحضرت می آوردند که مسواکها در آن بود و یکیک از آنها را
میکردند پس مسواک کنند میخوایندند پس قرآن را میگرفتند و تلاوت میفرمودند و از حضرت رسول

ذکر فضیلت تعقیب صبح

منقولست که هرکه از طلوع صبح تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب باشد ثواب حج برای او نوشته شود
و در حدیث قدسی وارد است که حق تعالی میفرماید که ای فرزند آدم یاد کن مرا بعد از نماز صبح یکساعت
و بعد از نماز عصر یکساعت تا کفایت کنم جمیع مهمات ترا مبحث دویم در بیان ذکرهای
مخصوص صبح است و ذکر بسیار وارد شده است و از آنجمله قدری درین رساله ذکر میشود و بعد از نماز
صبح هریک ازین تسبیحات را ده مرتبه بگوید چنانچه در احادیث وارد شده است و کلینی بسند
صحیح از حضرت صادق و شیخ طوسی و دیگران بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر
روایت کرده‌اند که حضرت رسول فرمود که هرکه هر روز در عقب نماز صبح بعد از تسبیح حضرت
فاطمه این تسبیحات را هریک ده مرتبه بگوید حق تعالی او را عافیت دهد از کوری و دیوانگی
و خوره و پیسی و پریشانی و خانه بر سرش فرود آمدن و خرافت در هنگام پیری و از
تنگدستی و بیماری و اداء قرض و حالش نیکو کردد و اگر صد مرتبه هریک را بگوید بهتر است و اما
تسبیحات اوّل بسمِ اللهِ الرّحمنِ الرّحیمِ لا حولَ ولا قوّةَ الّا باللهِ
العلیِّ العظیمِ وبحمدِهِ دویم سبحانَ اللهِ العظیمِ وبحمدِهِ لا حولَ
ولا قوّةَ الّا باللهِ العلیِّ العظیمِ سیوم ما شاءَ اللهُ کانَ لا حولَ
ولا قوّةَ الّا باللهِ العلیِّ العظیمِ چهارم سورهٔ توحید پنجم لا اِلهَ
الّا اللهُ وحدَهُ لا شریکَ لَهُ لَهُ المُلکُ ولَهُ الحمدُ وهوَ علی کلِّ
شیءٍ قدیرٌ ششم لا اِلهَ الّا اللهُ المَلِکُ الحقُّ العدلُ المُبینُ هفتم
سبحانَ اللهِ والحمدُ للهِ ولا اِلهَ الّا اللهُ واللهُ اکبرُ هشتم سبحانَ
اللهِ العظیمِ وبحمدِهِ استغفرُ اللهَ واسئلُهُ من فضلِهِ نهم
لا اِلهَ الّا اللهُ وحدَهُ لا شریکَ لَهُ لَهُ المُلکُ ولَهُ الحمدُ
ویُمیتُ وهوَ حیٌّ لا یموتُ بیدِهِ الخیرُ انّکَ علی کلِّ شیءٍ
دهم استغفرُ اللهَ الّذی لا اِلهَ الّا هوَ الحیُّ القیّومُ

۴۳

وَاَتُوبُ اِلَیهِ یازدهم اَسْئَلُ اللهَ العَافِیَةَ دوازدهم اَسْتَجِیرُ بِاللهِ مِنَ
النَّارِ سیزدهم اَسْئَلُ اللهَ الجَنَّةَ چهاردهم اَسْئَلُ اللهَ الحُورَ العِینَ پس بر
که این ذکرها را بگوید حق تعالی روزی او را زیاد کند و حضرت رسول فرمود زمانی که از مکه بمدینه
هجرت کرده بودند که بر شما باد که لازم کردانید بر خود تسبیح و تقدیس را بدرستی که از کثیر این
سؤال خواهند کرد و ایشان در سخن خواهند آمد و فرمود حضرت امام جعفر صادق ع که هر کس که
نماز صبح را بگذارد و مکث کند بر جای خود تا بر آمدن آفتاب مشغول شود بدعا و ذکر بیشتر
میرسد روزی او از آنکه یکماه سفر کند بجهت روزی *** سیوم در بیان تعقیبات و
ایات و سوره مخصوص نماز صبح است و آن بسیار است و اما قدری از آنها در این رساله ذکر میشود
اول ابن بابویه بسند معتبر از امام محمد باقر ع روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح هفتاد
مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ بگوید خدا او را بیامرزد و هر چند
در آن روز هفتاد هزار گناه کرده باشد پس دستها را بسوی آسمان بر دارد و بگوید اَللّٰهُمَّ
انْصُرْنِی وَتُبْ عَلَیَّ دویم بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ یَا عَزِیزَ العِزِّ فِی عِزِّهِ
مَا اَعَزَّ عَزِیزَ العِزِّ فِی عِزِّهِ یَا عَزِیزُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِزَّنِی
بِعِزِّكَ وَاَیِّدْنِی بِنَصْرِكَ وَامْنَعْ عَنِّی بِمَنْعِكَ وَادْفَعْ هَمَزَاتِ
الشَّیَاطِینَ وَاجْعَلْنِی مِنْ خِیَارِ خَلْقِكَ یَا وَاحِدُ یَا اَحَدُ یَا صَمَدُ
یَا فَرْدُ یَا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ سیوم
در کتاب من لا یحضره و مکارم الاخلاق روایت کرده اند بسند معتبر از سمیع که گفت چهل صباح
با حضرت صادق ع نماز کردم چون از نماز فارغ میشد دست مبارک بسوی آسمان بلند
کرده میگفت اَصْبَحْنَا وَاَصْبَحَ المُلْكُ لِلّٰهِ اَللّٰهُمَّ اَنَا عَبِیدُكَ وَاَبْنَاءُ
عَبِیدِكَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا مِنْ حَیْثُ نَحْتَفِظُ اَللّٰهُمَّ احْرُسْنَا مِنْ حَیْثُ
نَحْتَرِسُ اَللّٰهُمَّ اسْتُرْنَا مِنْ حَیْثُ نَسْتَتِرُ وَمِنْ حَیْثُ لَا نَسْ...

ذکر تعقیبات صبح

۸

اَللّٰهُمَّ اسْتُرْنَا بِالغِنَا وَالعَافِیَةِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا العَافِیَةَ وَالشُّكْرَ عَلَی
العَافِیَةِ چهارم عیاشی از عبدالله بن سنان روایت کرده است که بخدمت امام
جعفر صادق ع رفتم حضرت فرمودند که میخواهی ترا دعائی تعلیم کنم که چون بخوانی حق تعالی
قرض ترا ادا کند و حال تو نیکو شود گفتم چه محتاجم بچنین دعائی حضرت فرمود که بعد از
نماز صبح بگو تَوَكَّلْتُ عَلَی الحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَالحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا
وَلَمْ یَكُنْ لَهُ شَرِیكٌ فِی المُلْكِ وَلَمْ یَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِیرًا
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِكَ مِنَ البُؤْسِ وَالفَقْرِ وَمِنْ غَلَبَةِ الدَّیْنِ وَالسُّقْمِ
وَاَسْاَلُكَ اَنْ تُعِینَنِی عَلَی اَدَاءِ حَقِّكَ اِلَیْكَ وَاِلَی النَّاسِ پنجم بسند
معتبر شیخ طوسی از سلمان رض روایت کرده است که گفت حضرت رسول ... فرمودند که هر که
بعد از نماز صبح این کلمات را بگوید ایمن گردد از عقاب و ترسیدن روزی وَلَا اِلٰهَ اِلَّا
اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ رَضِیتُ بِاللهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِیًّا وَبِعَلِیِّ ابْنِ اَبِی طَالِبٍ
وَلِیًّا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَرَّفَنِی نَفْسَهُ وَلَمْ یَتْرُكْنِی عُمْیَانَ القَلْبِ اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ رِزْقِی فِی یَدِهِ وَلَمْ یَجْعَلْهُ فِی اَیْدِی النَّاسِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
سَتَرَ عَوْرَتِی وَلَمْ یَفْضَحْنِی بَیْنَ النَّاسِ صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِینَ
ششم از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که هر که صبح این هفت آیه را بخواند ...
فتوح بر دی غلبه کند چنانچه از ضبط آن در مانند و اگر در سفر باخود دارد از بیماری و قطاع الطریق
در امان حق تعالی باشد و خواص این آیها بسیار است اما باین شرط که آیه اول در پیش رو بخواند
آیه دویم بر پشت سر و آیه سیوم بر بالای سر و آیه چهارم بر دست راست و آیه پنجم بر دست
چپ و آیه ششم بر زیر پای و آیه هفتم بر تمام اعضا که اگر جن و انس جمع شوند و خواهند
که ضرر رسانند مثل تر بشه ملال و زحمت باو نتوانند رسانید و شرح این هفت آیه بسیار
است باین قدر اکتفا نمود آیه اول در پیش رو بخواند قُلْ لَنْ یُصِیبَنَا اِلَّا مَا كَتَبَ اللهُ

لنا هو مولینا وعلی الله فلیتوکل المؤمنون آیه دویم در پشت سر وان یمسسک الله
بضر فلا کاشف له الا هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب
به من یشاء من عباده وهو الغفور الرحیم آیه سیوم بر بالای سر
وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها ویعلم مستقرها ومستودعها
کل فی کتاب مبین آیه چهارم بر دست راست انی توکلت علی الله ربی
وربکم ما من دابة الا هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
آیه پنجم دست چپ وکاین من دابة لا تحمل رزقها الله یرزقها وایاکم
وهو السمیع العلیم آیه ششم بر زیر پای ما یفتح الله للناس من رحمة
فلا ممسک لها وما یمسک فلا مرسل له من بعده وهو العزیز الحکیم
آیه هفتم بر تمام اعضا ولئن سألتهم من خلق السموات والارض
لیقولن الله قل افرأیتم ما تدعون من دون الله ان ارادنی الله
بضر فلا کاشف له الا هو هل هن کاشفات ضره او ارادنی
برحمة هل هن ممسکات رحمته قل حسبی الله علیه یتوکل المتوکلون
وبعد از آن این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله عدد ما
سبحه المسبحون ویسبحونه الی یوم القیمة والحمد لله عدد
ما حمده الحامدون ویحمدونه الی یوم القیمة ولا اله الا الله
عدد ما هلله المهللون ویهللونه الی یوم القیمة والله اکبر
عدد ما کبره المکبرون ویکبرونه الی یوم القیمة ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم عدد ما مجده الممجدون ویمجدونه
الی یوم القیمة والحمد لله رب العالمین وبعد از آن سوره مبارکه یس
وسورة الحشر بخواند و شروع کند در تعقیبات وسجده شکر بجا آورد وحاجت خود را

سؤال کند باب دویم در بیان اعمال شب وروز جمعه واول هر ماه وتحویل حمل ودر این باب چهار فصل ذکر
میشود فصل اول در بیان اعمال شب جمعه در این شب بسیار خوابیدن مذمت کرده اند که چنین
شب عزیز را بخواب گذرانیدن واز فیض بیداری وعبادت خود را محروم گردانیدن موجب
حسرت وندامت خواهد بود واما اعمالی که در شب جمعه مستحب است بجای آوردن آنها از آنجمله
نماز حضرت جعفر بن ابی طالب است وکیفیت بجا آوردن او اینست که چهار رکعت بدو تشهد
ودو سلام در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت ودر رکعت دویم بعد از حمد سوره و
العادیات ودر رکعت سیوم بعد از حمد سوره اذا جاء نصر الله ودر رکعت چهارم بعد از
حمد سوره قل هو الله احد بخواند پس هرگاه فارغ شود از حمد وسوره پانزده مرتبه بگوید سبحان
الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ودر رکوع ده مرتبه ودر سر برداشتن
ده مرتبه در سجده ده مرتبه ودر سر برداشتن ده مرتبه وبهمین طریق تا آخر سجده چهارم اگر
خواهد چهار رکعت نافله شب را بهمین طریق بجای آورد وهر دو نماز را کرده است وبعد از هر سلام تسبیح فاطمه
زهرا بجای آورد وبعد از سلام این دعا بخواند چنانچه بسند معتبر از مفضل بن عمر روایت شده است
که گفت دیدم حضرت صادق ع را و بلند کرد دستهای خود را ودعا کرد باین دعا یا رب
بقدری که یکنفس وفا کند وهمچنین یا رباه وهمچنین رب وهمچنین یا الله وهمچنین
یا حی وهمچنین یا رحیم وهمچنین یا رحمن وهمچنین یا ارحم الراحمین وبعد
از آن این دعا بخواند که سبحان من لبس العز والوقار سبحان من
تعطف بالمجد وتکرم به سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له
سبحان من احصی کل شیء علمه سبحان ذی المن والنعم سبحان
ذی القدرة والکرم سبحان ذی العز والفضل سبحان ذی
القوة والطول اللهم انی اسئلک بمعاقد العز من عرشک و
منتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم وبکلماتک التامة

التی تمت صدقا وعدلا ان تصلی علی محمد وآله وان تفعل بی پس حاجت
خود را از درگاه ذو الجلال سؤال کند واما از جمله ادعیه که در شب جمعه سنتست خواندن
اینده عاده مرتبه است که در حدیث معتبر مذکورست یا دائم الفضل علی البریة
یا باسط الیدین بالعطیة یا صاحب المواهب السنیة صل علی
محمد وآله خیر الوری سجیة واغفر لنا یا ذا العلی فی هذه
العشیة واصرف عنا کل هم وغم وآفة وبلیة وارزقنا
سعادة الابدیة وصلی الله علی محمد وآله اجمعین واز جمله
ادعیه که در شب جمعه مستحبست خواندن او واز دعاهای خفیه است دعای حضرت خضر است
که مشهور بدعاء کمیل است که در اعمال شهر شعبان ذکر میشود انشاء الله تعالی ودیگر نماز حاجت
چنانکه این نمازیست که بسیاری از اکابر دین بر آن قیام نموده اند و در صدق تاثیر این
نماز شایبه نیست واین نماز مسمی است بسیف قاطع کیفیتش آنست که در شب جمعه بعد از
نماز عشا بمقامی خلوت دو رکعت نماز بجا آرد به نیت آن حاجتی که دارد و در رکعت اول
بعد از حمد سوره انعام بخواند تا آخر و باز سوره مزبور را از سر گیرد تا آیه وکنتم عن
آیاته تستکبرون وبرکوع رود وبسجودی بجای آورد و باز سوره فاتحه را بخواند
واز آیه ولقد جئتمونا فرادی تا آخر سوره بخواند وقنوت ورکوع وسجود وتشهد
وسلام بجای آورد و چون از نماز فارغ شود هزار مرتبه صلوات بفرستد بعد از آن دعا
کند ومهم خود را بخواهد که البته باجابت مقرون گردد وگر چه میان او و مقصود بعد المشرقین باشد
واین عمل از مجربات است وانکسی که خود نتواند دیگری را نیابت واین عمل بتقدیم رساند واما خواندن سورهای
کلام الله که در شب جمعه خواندن او سنت آمده سوره اول بنی اسرائیل که در حدیث آمده
که هر که در هر شب جمعه بر خود لازم گرداند خواندن آنرا از دنیا بیرون نرود تا ادراک صاحب
الامر ننماید واگر موت او مقدر شده باشد در وقت ظهور آن حضرت از قبر بیرون آید کفن بدوش

ودولیده موی گرد آلوده ملحق شود واز جمله یاوران وانصار خالص او باشد
دیگر سوره الکهف وطس والم سجده ولقمن وص وحم سجده ودخان واذا وقعت نیز وارد شده
ودیگر مناجات حضرت امیر المؤمنین ع که هر شب و روز مستحبست خصوصا شب و روز
جمعه وهی هذه المناجات بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسألك
الامان یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم
واسألك الامان یوم یعض الظالم علی یدیه یقول یا لیتنی
اتخذت مع الرسول سبیلا واسألك الامان یوم یعرف
المجرمون بسیماهم فیؤخذ بالنواصی والاقدام واسألك
الامان یوم لا یجزی والد عن ولده ولا مولود هو جاز عن
والده شیئا ان وعد الله حق واسألك الامان یوم لا ینفع
الظالمین معذرتهم ولهم اللعنة ولهم سوء الدار و
اسألك الامان یوم لا تملك نفس لنفس شیئا والامر یومئذ
لله واسألك الامان یوم یفر المرء من اخیه وامه وابیه
وصاحبته وبنیه لکل امرء منهم یومئذ شأن یغنیه واسألك
الامان یوم یود المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببنیه و
صاحبته واخیه وفصیلته التی تؤویه ومن فی الارض جمیعا
ثم ینجیه کلا انها لظی نزاعة للشوی مولای مولای انت
المولی وانا العبد وهل یرحم العبد الا المولی مولای مولای
انت المالك وانا المملوك وهل یرحم المملوك الا المالك
مولای مولای انت العزیز وانا الذلیل وهل یرحم الذلیل
الا العزیز مولای مولای انت الخالق وانا المخلوق وهل یرحم

المخلوق الا الخالق مولای مولای انت العظیم وانا الحقیر وهل
یرحم الحقیر الا العظیم مولای مولای انت القوی وانا الضعیف
وهل یرحم الضعیف الا القوی مولای مولای انت الغنی
وانا الفقیر وهل یرحم الفقیر الا الغنی مولای مولای
انت المعطی وانا السائل وهل یرحم السائل الا المعطی مولای
مولای انت الحی وانا المیت وهل یرحم المیت الا الحی مولای
انت الباقی وانا الفانی وهل یرحم الفانی الا الباقی مولای
مولای انت الدائم وانا الزائل وهل یرحم الزائل الا الدائم مولای
مولای انت الرازق وانا المرزوق وهل یرحم المرزوق الا
الرازق مولای مولای انت الجواد وانا البخیل وهل یرحم
البخیل الا الجواد مولای مولای انت المعافی وانا المبتلی
وهل یرحم المبتلی الا المعافی مولای مولای انت الکبیر وانا
الصغیر وهل یرحم الصغیر الا الکبیر مولای مولای انت
الهادی وانا الضال وهل یرحم الضال الا الهادی مولای
مولای انت الرحمن وانا المرحوم وهل یرحم المرحوم الا الرحمن
مولای مولای انت السلطان وانا الممتحن وهل یرحم الممتحن
الا السلطان مولای مولای انت الدلیل وانا المتحیر وهل
یرحم المتحیر الا الدلیل مولای مولای انت الغفور وانا المذنب
الا الغفور مولای مولای انت الغالب وانا المغلوب وهل یرحم
الا الغالب مولای مولای انت الرب وانا المربوب وهل یرحم المربوب الا الرب مولای مولای
انت المتکبر وانا الخاشع وهل یرحم الخاشع الا المتکبر مولای

مولای ارحمنی برحمتک وارض عنی بجودک وکرمک وفضلک
یا ذا الجود والاحسان والطول والامتنان برحمتک یا ارحم
الراحمین ودر شب جمعه زیارت امام حسین سنت است انشاء الله بعد از این ذکر
میشود **فصل دویم** در بیان مجملی از اعمال روز جمعه و این روز مبارکترین روزها و
بهترین عیدها است از جمله اعمال این روز **اول** زیارت صاحب الامر است در هر صبح
بعد از نماز خصوصا در صبح جمعه چنانچه در حدیث معتبر منقولست که قال محمد بن
عبد الله بن جعفر الحمیری خرج التوقیع من مولانا صاحب الامر صلوات الله علیه لشیعته
ان اردتم التوجه بنا الی الله والینا فقولوا کما قال الله تعالی سلام علی آل یس
السلام علیک یا داعی الله وربانی آیاته السلام علیک
یا باب الله ودیان دینه السلام علیک یا خلیفة الله وناصر
حقه السلام علیک یا حجة الله ودلیل ارادته السلام علیک
یا تالی کتاب الله وترجمانه السلام علیک فی آناء لیلک و
اطراف نهارک السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه السلام
علیک یا میثاق الله الذی اخذه ووکده السلام علیک یا
وعد الله الذی ضمنه السلام علیک ایها العلم المنصوب و
العلم المصبوب والغوث والرحمة الواسعة وعدا غیر مکذوب
السلام علیک حین تقوم السلام علیک حین تقعد السلام
علیک حین تقرء وتبین السلام علیک حین تصلی وتقنت
السلام علیک حین ترکع وتقنت السلام علیک حین
ترکع وتسجد السلام علیک حین تهلل وحین تکبر السلام
حین تحمد وتستغفر السلام علیک حین تصبح وتمسی و

تُصْبِحُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ اِذا يَغْشى اَلسَّلامُ عَلَيْكَ فِي النَّهارِ (حين تمسي و)
اِذا تَجَلّى اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْاِمامُ الْمَأْمُونُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
بِجَوامِعِ السَّلامِ عَلَيْكَ اُشْهِدُكَ يا مَوْلايَ اَنّي اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لا حَبِيبَ
اِلّا هُوَ وَاَهْلُهُ وَاَنَّ عَلِيّاً اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ
وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَجَعْفَرَ
بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَمُوسى حُجَّتُهُ (و جعفر) وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ
حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ حُجَّةُ اللّٰهِ اَنْتُمُ الْاَوَّلُونَ
وَالْآخِرُونَ وَاَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لا شَكَّ فِيها يَوْمَ لا يَنْفَعُ نَفْساً
اِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ اَوْ كَسَبَتْ فِي اِيمانِها خَيْراً وَاَنَّ
الْمَوْتَ حَقٌّ وَاَنَّ ناكِراً وَنَكِيراً حَقٌّ وَاَشْهَدُ اَنَّ النَّشْرَ وَالْبَعْثَ
حَقٌّ وَاَنَّ الصِّراطَ حَقٌّ وَالْمِرْصادَ حَقٌّ وَالْمِيزانَ حَقٌّ وَالْحَشْرَ
حَقٌّ وَالْحِسابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنّارَ حَقٌّ وَالْوَعْدَ وَ
الْوَعِيدَ حَقٌّ يا مَوْلايَ شَقِيَ مَنْ خالَفَكُمْ وَسَعِدَ مَنْ اَطاعَكُمْ
فَاشْهَدْ عَلى ما اَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَاَنَا وَلِيٌّ لَكَ بَرِيءٌ مِنْ
عَدُوِّكَ (ان الحق) ما رَضِيتُمُوهُ وَالْباطِلَ ما سَخِطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفَ ما اَمَرْتُمْ
بِهِ وَالْمُنْكَرَ ما نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لا
شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يا مَوْلايَ اَوَّلِكُمْ
وَآخِرِكُمْ وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خالِصَةٌ آمِينَ آمِينَ يقول
عقيب هذا القول اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ
رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ وَاَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي

نُورَ الْاِيمانِ وَفِكْرِي نُورَ الثَّباتِ وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي
نُورَ الْعَمَلِ وَلِسانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصائِرِ وَالرِّضا
وَالْوَحْيِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصَرِي نُورَ الضِّياءِ وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ
وَفُؤادِي نُورَ الْمُوالاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ حَتّى
اَلْقاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثاقِكَ فَتَسَعُنِي رَحْمَتُكَ يا وَلِيُّ
يا حَمِيدُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى حُجَّتِكَ فِي اَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلادِكَ
وَالدّاعِي اِلى سَبِيلِكَ وَالْقائِمِ بِقِسْطِكَ وَالثّائِرِ بِاَمْرِكَ
وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَبَوارِ الْكافِرِينَ وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَمُنِيرِ الْحَقِّ وَ
السّاطِعِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ وَكَلِمَتِكَ التّامَّةِ فِي اَرْضِكَ الْمُرْتَقِبِ
الْخائِفِ وَالْوَلِيِّ النّاصِحِ سَفِينَةِ النَّجاةِ وَعَلَمِ الْهُدى وَنُورِ
اَبْصارِ الْوَرى وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدى وَمُجَلِّي الْعَماءِ الَّذِي
يَمْلَأُ الْاَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطاً كَما مُلِئَتْ ظُلْماً اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَابْنِ اَوْلِيائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ
طاعَتَهُمْ وَاَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَاَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً
اَللّٰهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَانْصُرْ بِهِ اَوْلِيائَكَ وَاَوْلِيائَهُ
وَشِيعَتَهُ وَاَنْصارَهُ وَاجْعَلْنا مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ
كُلِّ باغٍ وَطاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ
اَنْ يُوصَلَ اِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَاَظْهِرْ
بِهِ الْعَدْلَ وَاَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَانْصُرْ ناصِرِيهِ وَاخْذُلْ خاذِلِيهِ وَ
اَقْصِمْ قاصِمِيهِ وَاقْصِمْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكُفْرِ وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفّارَ

والمنافقين وجميع الملحدين حيث كانوا من مشارق الارض و
مغاربها وبرها وبحرها واملأ به الارض عدلا واظهر به دين
نبيك صلى الله عليه وآله واجعلني اللهم من انصاره واعوانه
واتباعه وشيعته وأرني في آل محمد ما يأملون وفي عدوهم
ما يحذرون اله الحق آمين يا ذا الجلال والاكرام يا ارحم
الراحمين دویم مرویست از ابو عبد الله ع که فرموده بدرستی که دعا بعد از قرائت
سوره قل یا ایها الکافرون در طلوع آفتاب روز جمعه مستجابست سیوم بسند معتبر
از حضرات اهل بیت علیهم السلام منقولست که در روز جمعه بحمام رفتن و سر را تراشیدن
و سر و بدن را بسدر و خطمی شستن و ناخن و شارب گرفتن و خواب قیلوله کردن و مجامعت
کردن و خود را ببوی خوش معطر کردن و بهترین و پاکیزه ترین رخوت خود را پوشیدن
چهارم غسل جمعه است و ابتدا از طلوع فجر روز جمعه تا ظهر به نیت ادا باید کرد و از ظهر روز
جمعه تا وقت شام روز شنبه به نیت قضا و اگر شخصی ترسد که روز جمعه آب نیابد غسل جمعه را
در روز پنجشنبه و شب جمعه به نیت تقدیم بجا آورد و هر یک از ادا و قضا و تقدیم
هر چند به پیشین روز جمعه نزدیکتر باشد ثواب او بیشتر است پنجم نماز جمعه است بدانکه میانه
مجتهدین در وجوب نماز جمعه در زمان غیبت امام علیه السلام خلافست و اصح آنست که مکلف
مخیر است میانه گذاردن نماز جمعه و نماز ظهر واما چون ثواب نماز جمعه بیش از نماز
ظهر است اولی آنست که بجای نماز ظهر نماز جمعه گذارده شود و اگر کسی خواهد که بجهت
احتیاط نماز ظهر را بعد از آن بگذارد جایز است و از آن منعی نیست واما هر گاه دو
جماعت در یک بلد نماز گذارند واجبست که میانه ایشان یک فرسخ یا زیاده فاصله بوده
باشد ششم نافله روز جمعه است و آن بیست رکعت است هر دو رکعت بیک سلام هر وقت
از روز جمعه خواهد میتواند گذارد واما در وقت داخل شدن بمسجد از برای نماز

دعا بخواند و در وقت بیرون رفتن نیز همین دعا بخواند بسم الله والسلام علی
رسول الله وصلوات الله وصلوات ملائكته على محمد وآل محمد
والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته رب اغفر لي ذنوبي و
افتح لي ابواب فضلك هفتم بسند صحیح منقولست که از حضرت
صادق ع سوال کردند که بهترین اعمال چیست فرمود که بعد از نماز عصر صد مرتبه بگوئی
اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم و آنچه زیاده گوئی بهتر است
هشتم بسندهای صحیح از آنحضرت منقولست که هر که بعد از نماز عصر روز جمعه
هفت مرتبه بخواند این دعا را حق تعالی در آن روز مانند ثواب جن و انس با و کرامت فرماید
و از بعضی روایات معلوم میشود که یکمرتبه نیز کافیست اللهم صل على محمد
وآل محمد وآل محمد الاوصياء المرضيين بافضل صلواتك وبارك
عليهم بافضل بركاتك والسلام عليه وعليهم وعلى ارواحهم
واجسادهم ورحمة الله وبركاته نهم صلواتی که در اعمال ماه مبارک رمضان
در این رساله ذکر میشود بخواند بهتر است دهم بهترین دعاها در روز جمعه در بین نماز ظهر
و عصر دعای صحیفه کامله است و هر گاه که فارغ میشدند آنحضرت از نماز روز جمعه و روز
عید فطر بر میخواستند و رو بقبله میکردند و میفرمودند که یا من یرحم من لا
يرحمه العباد ويا من يقبل من لا تقبله البلاد ويا من لا يحتقر
اهل الحاجة اليه ويا من لا يخيب الملحين عليه ويا من لا يجبه
بالرد اهل الدالة عليه ويا من يجتبي صغير ما يتحف به ويشكر
يسير ما يعمل له ويا من يشكر على القليل ويجازي بالجليل ويا
من يدنو الى من دنى منه ويا من يدعوا الى نفسه من ادبر
عنه ويا من لا يغير النعمة ولا يبادر بالنقمة ويا من يثمر

الحسنة حتى ينميها ويتجاوز عن السيئة حتى يعفيها انصرفت
الآمال دون مدى كرمك بالحاجات وامتلأت بفيض جودك
اوعية الطلبات وتفسخت دون بلوغ نعتك الصفات
فلك العلو الاعلى فوق كل عال والجلال الامجد فوق كل جلال
كل جليل عندك صغير وكل شريف في جنب شرفك حقير خاب
الوافدون على غيرك وخسر المتعرضون الا لك وضاع الملمون
الا بك واجدب المنتجعون الا من انتجع فضلك بابك مفتوح
للراغبين وجودك مباح للسائلين واغاثتك قريبة من
المستغيثين لا يخيب منك الآملون ولا ييأس من عطائك
المتعرضون ولا يشقى بنقمتك المستغفرون رزقك مبسوط
لمن عصاك وحلمك معترض لمن ناواك عادتك الاحسان
الى المسيئين وسنتك الابقاء على المعتدين حتى لقد غرتهم
اناتك عن الرجوع وصدهم امهالك عن النزوع وانما تأنيت
بهم ليفيئوا الى امرك وامهلتهم ثقة بدوام ملكك فمن كان
من اهل السعادة ختمت له بها ومن كان من اهل الشقاوة
خذلته لها كلهم صائرون الى حكمك وامورهم آئلة الى امرك
لم يهن على طول مدتهم سلطانك ولم يدحض لترك معاجلتهم
برهانك حجتك قائمة لا تدحض وسلطانك ثابت لا يزول
فالويل الدائم لمن جنح عنك الخاذلة لمن خاب منك والشقاء
الاشقى لمن اغتر بك ما اكثر تصرفه في عذابك وما اطول تردده
في عقابك وما ابعد غايته من الفرج وما اقنطه من سهولة

المخرج عدلا من قضائك لا تجور فيه وانصافا من حكمك لا تحيف
عليه فقد ظاهرت الحجج وابليت الاعذار وقد تقدمت بالوعيد وتلطفت
في الترغيب وضربت الامثال واطلت الامهال واخرت وانت
مستطيع للمعاجلة وانت مليء بالمبادرة لم تكن اناتك عجزا
ولا امهالك وهنا ولا امساكك غفلة ولا انتظارك مداراة
بل لتكون حجتك ابلغ وكرمك اكمل واحسانك اوفى ونعمتك
اتم كل ذلك كان ولم تزل وهو كائن ولا تزال حجتك اجل من
ان توصف بكلها ومجدك ارفع من ان تحد بكنهه ونعمتك
اكثر من ان تحصى باسرها واحسانك اكثر من ان تشكر على
اقله وقد قصر بي السكوت عن تحميدك وفههني الامساك عن
تمجيدك وقصاراي الاقرار بالحسور لا رغبة يا الهي بل عجزا
فها انا ذا اؤمك بالوفادة واسألك حسن الرفادة فصل على
محمد واله واسمع نجواي واستجب دعائي ولا تختم يومي بخيبتي
ولا تجبهني بالرد في مسألتي واكرم من عندك منصرفي واليك
منقلبي انك غير ضائق بما تريد ولا عاجز عما تسأل وانت على
كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم دهم بعد از
فارغ شدن از نماز عصر روز جمعه وتعقیب آن مستحب است خواندن سوره جمعه
منافقون در مجمع البيان منقولست که هرکه سوره کهف را در روز جمعه بخواند
تا جمعه دیگر در حفظ و امان حق تعالی باشد یازدهم بجهت دفع اعدا و برآمدن حاجات در
روز جمعه دعای سمات را بخواند بشرطی که از [illegible] مرخص شده باشد دوازدهم در صبا
و مسا بجهت برآمدن حاجات مستحبست خواندن دعای عشرات [illegible]

وتأنيت م

ورد فی جمعه فلاح السائل اقول رویناه باسنادنا الی جدی ابی جعفر الطوسی رضوان الله
عنه فی ادعیة الغروب ودعاء العشرات فقال یستحب ان یدعو بدعاء العشرات عند
الصباح والمساء وافضله بعد العصر یوم الجمعه وهو بیان لهذا الدعاء بسانیده
وفیه اختلاف بحسب اختلاف الروایات ولذا اوردناه فی مواضع وقد اورده السید
فی جمال الاسبوع بسنده الی الشیخ باسناده الی ابن عقده بثلث اسانید الی ابی جعفر
وهو مشتمل علی اجر جزیل وثواب عظیم لقرائته غدوة وعشیة وفی عصر یوم الجمعه
وسیاتی فی اعمال یوم الجمعه ورواه فی کتاب مهج الدعوات من کتاب الدعاء لسعد
بن عبد الله باسناد عن معاویه بن وهب عن الصادق ع وبسند آخر
عن الحسین ع وسنورد هما فی کتاب الدعاء ووجدته ایضا فی کتاب عتیق من
اصول اصحابنا الظن انه من کتب محمد بن هرون التلعکبری بسنده عن جابر الجعفی
عن ابی جعفر ع ان امیر المؤمنین علمه الحسین صلوات الله علیهما وما نقلناه هنا
موافق لما رواه الشیخ فی المصباح من بحار الانوار بسم الله الرحمن الرحیم
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم سبحان الله اناء اللیل واطراف
النهار سبحان الله بالغدو والاصال سبحان الله بالعشی
والابکار سبحان الله حین تمسون وحین تصبحون وله
الحمد فی السموات والارض وعشیا وحین تظهرون یخرج
الحی من المیت ویخرج المیت من الحی ویحیی الارض بعد موتها
وکذلک تخرجون سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام
علی المرسلین والحمد لله رب العالمین سبحان ذی الملک و
الملکوت سبحان ذی العزة والجبروت سبحان ذی الکبریاء

والعظمة سبحان الملک الحق المبین المهیمن القدوس سبحان
الله الملک الحی الذی لا یموت سبحان الله الملک الحی القدوس
سبحان القائم الدائم سبحان الدائم القائم سبحان ربی
العظیم سبحان ربی الاعلی سبحان الحی القیوم سبحان العلی
الاعلی سبحانه وتعالی سبوح قدوس ربنا ورب الملائکة
والروح سبحان الدائم غیر الغافل سبحان العالم بغیر تعلیم
سبحان خالق ما یری وما لا یری سبحان الذی یدرک الابصار
ولا یدرکه الابصار وهو اللطیف الخبیر اللهم انی اصبحت
منک فی نعمة وخیر وبرکة وعافیة فصل علی محمد وآله واتمم
علی نعمتک وخیرک وبرکاتک وعافیتک ونجنی من النار
وارزقنی شکرک وعافیتک وفضلک وکرامتک ابدا ما ابقیتنی
اللهم بنورک اهتدیت وبفضلک استغنیت وبنعمتک
اصبحت وامسیت اللهم انی اشهدک وکفی بک شهیدا
واشهد ملائکتک وانبیائک ورسلک وحملة عرشک وسکان
سمواتک وارضک وجمیع خلقک بانک انت الله لا اله الا انت
وحدک لا شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک وانک
علی کل شیء قدیر تحیی وتمیت وتمیت وتحیی واشهد ان الجنة
حق وان النار حق وان النشور حق والساعة آتیة لا
ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور واشهد ان علی بن
ابی طالب امیر المؤمنین حقا حقا وان الائمة من ولده
الائمة الهداة المهدیون غیر الضالین ولا المضلین وانهم

اوليائك المصطفون وحزبك الغالبون وصفوتك وخيرتك من
خلقك ونجبائك الذين انتجبتهم لدينك واختصصتهم من
خلقك واصطفيتهم على عبادك وجعلتهم حجة على العالمين
صلواتك عليهم اجمعين والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم
اكتب لي هذه الشهادة عندك حتى تلقنيها وانت عني راض
انك على ما تشاء قدير اللهم لك الحمد حمدا يصعد اوله ولا
ينفد اخره اللهم لك الحمد حمدا تضع لك السماء كنفيها و
تسبح لك الارض ومن عليها اللهم لك الحمد حمدا سرمدا ابدا
لا انقطاع له ولا نفاد ولك ينبغي واليك ينتهي في وعلي و
لدي ومعي وقبلي وبعدي وامامي وخلفي وفوقي وتحتي واذا
مت وبقيت فردا وحيدا ثم فنيت ولك الحمد اذا نشرت وبعثت
يا مولاي اللهم ولك الحمد ولك الشكر بجميع محامدك كلها
على جميع نعمائك كلها حتى ينتهي الحمد الى ما يحب ربنا ويرضى اللهم
لك الحمد على كل اكلة وشربة وبطشة وقبضة وبسطة وفي كل
موضع شعرة اللهم لك الحمد حمدا خالدا مع خلودك ولك الحمد حمدا
لا منتهى له دون علمك ولك الحمد حمدا لا امد له دون مشيتك
ولك الحمد حمدا لا اجر لقائله الا رضاك ولك الحمد على حلمك بعد علمك
ولك الحمد على عفوك بعد قدرتك ولك الحمد باعث الحمد
ولك الحمد وارث الحمد ولك الحمد بديع الحمد ولك الحمد منتهى
الحمد ولك الحمد مبتدع الحمد ولك الحمد مشتري الحمد ولك
الحمد ولي الحمد ولك الحمد مالك الحمد ولك الحمد قديم الحمد و

لك الحمد صادق الوعد وفي العهد عزيز الجند قائم المجد ولك الحمد
رفيع الدرجات مجيب الدعوات منزل الآيات من فوق سبع سموات
عظيم البركات مخرج النور من الظلمات ومخرج من في الظلمات
الى النور مبدل السيئات حسنات وجاعل الحسنات درجات
اللهم لك الحمد غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول
لا اله الا انت اليك المصير اللهم لك الحمد في الليل اذا يغشى
ولك الحمد في النهار اذا تجلى ولك الحمد في الاخرة والاولى
ولك الحمد عدد كل نجم وملك في السماء ولك الحمد عدد الثرى
والحصى والنوى ولك الحمد عدد ما في جو السماء ولك الحمد عدد
ما في جوف الارض ولك الحمد عدد اوزان مياه البحار ولك الحمد
عدد اوراق الاشجار وقطر الامطار ولك الحمد عدد ما على
وجه الارض ولك الحمد عدد ما احصى كتابك ولك الحمد
عدد ما احاط به علمك ولك الحمد عدد الانس والجن والهوام
والطير والبهائم حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه كما تحب وترضى
وكما ينبغي لكرم وجهك وعز جلالك ثم يقول عشرا لا اله الا الله
وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو اللطيف الخبير و
يقول عشرا لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد
يحيي ويميت ويميت ويحيي وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على
كل شيء قدير يقول عشرا استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
واتوب اليه يقول عشرا يا الله يا الله ويقول عشرا يا رحمن يا رحمن
ويقول عشرا يا رحيم يا رحيم ويقول عشرا يا بديع السموات والارض

ویقول عشرًا یا ذا الجلال والاکرام ویقول عشرًا یا حنّان یا منّان ویقول
عشرًا یا حیّ یا قیّوم ویقول عشرًا یا حیّ لا اله الّا انت ویقول عشرًا یا لا
اله الّا انت ویقول عشرًا بسم الله الرّحمن الرّحیم ویقول عشرًا اللّهمّ
صلّ علی محمّد وآل محمّد ویقول عشرًا اللّهمّ افعل بی ما انت اهله و
یقول عشرًا آمین آمین ویقول عشرًا قل هو الله احد ویقول بعد ذلک اللّهمّ
اصنع بی ما انت اهله ولا تصنع بی ما انا اهله فانّک اهل التّقوی
واهل المغفرة وانا اهل الذّنوب والخطایا فارحمنی یا مولای
وانت ارحم الرّاحمین ویقول عشرًا لا حول ولا قوّة الّا بالله توکّلت
علی الحیّ الّذی لا یموت والحمد لله الّذی لم یتّخذ ولدًا ولم یکن
له شریک فی الملک ولم یکن له ولیّ من الذّلّ وکبّره تکبیرًا
سیزدهم مناجاتی که در شب جمعه ذکر شده بخواند چهاردهم نماز حاجت است که روایت شده
از موسی بن القسم بجلی از صفوان بن یحیی و محمّد بن سهل از استاد خود از حضرت ابی عبد الله
که فرمودند که هرگاه ترا حاجتی ضرور افتد بسوی حق تعالی پس روزه بگیر چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را
و در روز جمعه غسل بکن و جامه نو بپوش و بر بلندی خانه خود برو و دو رکعت نماز بجای آورد
و دستهای خود را بسوی آسمان بلند کن و بگو اللّهمّ انّی حللت بساحتک لمعرفتی
بوحدانیّتک وصمدانیّتک وانّه قادر علی حاجتی غیرک وقد علمت
یا ربّ انّه کلّما تظاهرت نعمتک علیّ اشتدّت فاقتی الیک
وقد طرقنی همّ کذا وکذا حاجت خود را سؤال کند پس بگوید وانت بکشفه
عالم غیر معلّم وواسع غیر متکلّف فاسألک باسمک الّذی و
ضعته علی الجبال فنسفت ووضعته علی السّماء فانشقّت وعلی
النّجوم فانتثرت وعلی الارض فسطحت واسألک بالحقّ الّذی

جعلته عند محمّد والائمّة پس نام هر دوازده امام علیهم السّلم را تا آخر و بگوید ان تصلّی
علی محمّد وآل محمّد واهل بیته وان تقضی لی حاجتی وان تیسّر لی
عسیرها وتکفینی مهمّها فان فعلت فلک الحمد غیر ظالم فی
حکمک ولا متّهم فی قضائک ولا حائف فی عدلک پس بسجده رود و بگوید
اللّهمّ انّ یونس بن متّی عبدک ورسولک دعاک فی بطن
الحوت وهو عبدک فاستجبته له وانا عبدک ادعوک فاستجب
لی قال ابو عبد الله علیه السلام لربّما کانت الحاجة بی فادعوا بهذا الدّعاء فارجع وقد قضیت
فصل سیوم در بیان اعمال هر ماه نو چون ماه نو ببینی نظر باین نقش کن همچنانکه از حضرت
سیّد المرسلین صلعم منقول است که هر که در وقت دیدن ماه نو این مربّع و طلسم را نظر کند
در آن ماه مریض نشود و پریشانی بحال او راه نیابد و بخوشحالی و جمعیت

لا	اله	الّا	الله	محمّد
رسول	الله	لایح	لاو	٢ د
٢٢	٧٣	٣٧٣	٧٨	٧٢
٨٨	٣٣٢	٢٨١	٢٠٨	٧٧
٣٧	لانا ٧٧١	٢٢٧١	٢٧	٣٥١

بسم الله الرّحمن الرّحیم ١١١ ه لا

فرسوه است
[illegible]

ونیز مرویست از آنحضرت که در وقت دیدن ماه نو هر که باین شکل نظر کند تمام
ماه را بنعمت و جمعیت بگذراند و از جمیع بلایا و آفتها محفوظ و محروس

الله	رسول	محمد	الا الله	لا اله
۱۱۱	۲۲۳	۱۲	الا الله	لا اله
۱۲۲	۸۸	۷	۷۸	۱۲
۱۸۱	۷۷	۸۱۷	۱۳۸	۷۲

نقلست از شیخ شهاب الدین ... رحمة الله که هرکه هر روز یکبار بدین صورت نگاه کند محتاج خلق نشود واگر در وقت دیدن ماه نو این صورت را منظور نظر خود سازد آنماه را بعیش وعشرت وفرح ومسرت گذراند بعون الله تعالی



جهت دفع اعدا و ... دزد ... نزد خلایق در این اسما نظر کند و هرکه چهل بار نظر کند غرایب بسیار ... طعمج طعمج طعمج طعمج طعمج

... که در اول هر ماه ... باید آورد اول ... برای دیدن هر ماه ازین ماهها بدین طعمج طعمج طعمج طعمج طعمج

... قعده باید دید وآنچه باید خواند و نظر کرد رمضان المبارک بسوره محمد و جمیع ... آنها باید دید شوال المکرم سوره انا فتحنا و سبزه و آب روان ذی قعده ... ن وطفل خوش روی ذی حجه سوره والفجر وزن خوش روی محرم سوره الرحمن ... سوره حم عسق و آینه ربیع ... قد سمع ... و آب جاری ربیع الثانی ...

سوره تبارک و گوسفند جمادی الاول سوره یا ایها المزمل و نقره جمادی الثانی سوره یا ایها المدثر و چهره مرد نورانی رجب المرجب سوره یس و مصحف شعبان سوره ص و گل باید دید چون ماه نو ... مرتبه سوره حمد بخوان تا از درد چشم ایمن گردی سیوم خواندن دعای صحیفه ... که بهترین دعاهاست وکان من دعائه علیه السلم اذا نظر الی الهلال (ازدعای آنحضرت ... بود هرگاه نظر میکردند بماه نو) ایها الخلق المطیع الدائب السریع المتردد فی منازل التقدیر المتصرف فی فلک التدبیر امنت بمن نور بک الظلم واوضح بک البهم وجعلک ایة من ایات ملکه و علامة من علامات سلطانه وامتهنك بالزیادة والنقصان والطلوع والافول والانارة والکسوف فی کل ذلك انت له مطیع والی ارادته سریع سبحانه ما اعجب مادبر فی امرك والطف ما صنع فی شانك جعلك مفتاح شهر حادث لامر حادث فاسال الله ربی وربك وخالقی وخالقك ومقدری ومقدرك و مصوری ومصورك ان یصلی علی محمد واله وان یجعلك هلال برکة لا تمحقها الایام وطهارة لا تدنسها الاثام هلال امن من الافات وسلامة من السیئات هلال سعد لا نحس فیه ویمن لا نکد معه ویسر لا یمازجه عسر وخیر لا یشوبه شر هلال امن وایمان ونعمة واحسان وسلامة واسلام اللهم صل علی محمد واله واجعلنا من ارضی من طلع علیه وازکی من نظر الیه واسعد من تعبد لك فیه ووفقنا فیه للتوبة واعصمنا فیه من الحوبة واحفظنا من مباشرة معصیتك واوزعنا فیه شکر نعمتك والبسنا فیه جنن العافیة واتمم

علينا باستكمال طاعتك فيه المنة انك المنان الحميد وصلى الله
على محمد وآله الطيبين الطاهرين چهارم چون ماه نو بینی بگو الله
اکبر الله اکبر الحمد لله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم انی اسئلك
خیر هذا الشهر واعوذ بك من شر القدر وشر یوم الحشر
الحمد لله الذی ذهب بشهر كذا وجاء بشهر كذا نسئلك فتحه
ورزقه ونصره پس بگو اللهم كما اریتنی اولها فارنی اخرها پنجم
منقولست که در وقت دیدن ماه نو اندک پنیر خوردن مستحب است و از حضرت صادق ع
منقولست که نیکو لقمه ایست پنیر دهان را شیرین و خوشبو میکند و اشتهای طعام می
آورد و باعث هضم طعام میشود و هر که در اول هر ماه بخورد حاجت او رد نمیشود ششم
در شب اول هر ماه صد مرتبه بگوید لا اله الا الله الملك الحق المبین ان الخائفین هفتم
از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب اول هر ماه دو رکعت نماز گذارد و
در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و از حق تعالی سوال کند از هر ترسی در
امین گرداند و نه چند در آن ماه امری را که مکروه او باشد و آنحضرت فرمود که تا سه شب
دعای صحیفه کامله را ایب بخواند هشتم در اعمال روز اول هر ماه از حضرت امام
محمد تقی ع منقول است که چون ماه تازه در آید روز اول ماه دو رکعت نماز بگذارد در
رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق
بکن چون چنین کنی سلامتی تمام ماه را از حق تعالی خریده باشی و این نماز را تا سه روز
میتوان کرد از اول ماه نهم مستحب است بعد از نماز اول ماه این دعا را بخواند بسم الله
الرحمن الرحیم وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها ویعلم
مستقرها ومستودعها كل فی كتاب مبین بسم الله الرحمن
الرحیم وان یمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو وان یردك

بخیر فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من عباده وهو الغفور
الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم سیجعل الله بعد عسر یسرا ما
شاء الله لا قوة الا بالله حسبنا الله ونعم الوكیل وافوض
امری الی الله ان الله بصیر بالعباد لا اله الا انت سبحانك
انی كنت من الظالمین رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر
رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین دهم در بیان روزه سه
روز از هر ماه بسند معتبر منقولست که هر که روز پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط
ماه و پنجشنبه آخر ماه را روزه دارد و یا ایام البیض که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
است ثواب او برابر روزه تمام ماه است یازدهم انکه در روز جمعه آخر ماه مبارک
رمضان این نسخه را نوشته در کیسه زر گذارد بقدرت الله تعالی کیسه را هرگز از
زر خالی نبیند ك ١١١١ ٢ ١١١ ٢ ٤ ع ١١١ ٣ لا ٢ ٤ و
بسم الله الرحمن الرحیم لا الاء الا الاءك یا الله محیط به
علمك ك ع س ل ه و ن و بالحق انزلناه وبالحق نزل وما
ارسلناك الا رحمة للعالمین كهیعص حمعسق فالله خیر حافظا
وهو ارحم الراحمین بحق قیصور توجه حیث شئت فانك
منصور ابا تراب ابا تراب ابا تراب لا ١١١ ام ١١١١
ه ق ولو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم
به الموتی بل لله الامر جمیعا دوازدهم این حروف عظیمه از حضرت
امیر المومنین ع منقولست و خواص و منافع بسیار دارد و برخی از فواید آن در این
ابیات درج فرموده اند خمس هاءات وخط فوق خط صلیب بها اربع نقط
والهمزات اذا اعددتها وهی سبع لم تكن فیها غلط ثم واو ثم لا بعدها

ثم صاد ثم میم فی الوسط یدفع الاسقام والداء التی عجزت عنه الاطباء النمط
وبها یدفع عن حاملها کل سحر و بلاء و سخط ههههه /// ٦٦٦٦٦
٦٦ وف صرم **فصل چهارم** در بیان تجمل و زینت و اعمال وقت تحویل حمل و
فضیلت آنها و در این فصل هفده مطلب ذکر میشود انشاء الله تعالی **مطلب اول**
در فضیلت تجمل و زینت کردن بدانکه موافق حدیث معتبره بسیار زینت کردن
و جامهای پاکیزه و فاخر پوشیدن هرگاه از حلال باشد و مناسب حال آنشخص باشد
سنت است و موجب خشنودی پروردگار است و اگر از حلال بهم نرسد بهرچه میسر شود باید
قناعت نماید و تحصیل زیادتیهای لباس را مانع عبادت الهی نگرداند و اگر حق تعالی روزی را
بر او فراخ گرداند در خور آن بخورد و بپوشد و صرف نماید و برادران مؤمن بدهد و اگر
روزی بر او تنگ شود قناعت نماید و بحرام و شبهه خود را آلوده نکند چنانچه در حدیث
معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هرگاه خدا تعالی به بنده کرامت فرماید
و اثر آن نعمت بر او ظاهر شود او را دوست خدا نامند و یاد کننده نعمت پروردگار
خواهد بود و اگر ظاهر نشود او را دشمن خدا نامند و تکذیب کننده نعمت پروردگار
خواهد بود و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که باید از برای برادر مؤمن خود زینت کند
چنانچه برای بیگانه زینت کند و خواهید که شما را به نیکوترین حالی ببیند و بسند معتبر
منقولست که حضرت علی بن موسی الرضا ع در تابستان بر روی حصیر می نشستند و در
زمستان بر روی پلاس و در خانه جامهای کهنه میپوشیدند و چون بیرون می آمدند
برای مردم زینت میکردند و از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی زینت و اظهار
نعمت را دوست میدارد و ترک زینت و اظهار بدحالی را دشمن میدارد و دوست میدارد
که اثر نعمت را بر بنده خود ببیند باینکه جامه خود را پاکیزه کند و خود را خوشبو سازد
و خانه را نیکو دارد و ساحتهای خانه را بروبد حتی چراغ را پیش از فرو رفتن آفتاب روشن

کردن فقر را از اهل بیکردانند و روزی را زیاد میکنند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که
حق تعالی جمعی را خلق کرده است که برای شفقت بر ایشان دنیا را تنگ کرده است و محبت دنیا را
از ایشان برداشته است پس بسوی آخرت که حق تعالی ایشان را بسوی او خوانده رغبت
کرده اند و بر تنگی معاش و مکروهات دنیا صبر میکنند و مشتاقند بآنچه نزد خدا است
از کرامت ابدی جان خود را در رضای خدا در باخته اند و آخر کار ایشان شهادت است پس
چون بنشاء آخرت روند حق تعالی از ایشان خوشنود باشد و میدانند که مرگ راهیست که
در پیش است پس توشه برای آخرت خود اندوخته و طلا و نقره جمع نکرده اند و جامهای کهنه
می پوشند و بقوت ضروری قناعت مینمایند و زیادتیها را در راه خدا میدهند که
توشه آخرت ایشان باشد و از برای خدا با نیکان دوستی میکنند و از برای خدا
با دشمنان و بدان دشمنی مینمایند ایشان چراغهای راه هدایتند و ایشانند متنعم
بنعیم آخرت و در حدیث معتبر وارد شده است که سفیان ثوری که از مشایخ صوفیه
است بمسجد الحرام آمد دید که حضرت امام جعفر صادق ع نشسته و جامهای پر قیمت نیکو
پوشیده است گفت بروم و او را باین جامهای نیکو سرزنش کنم پس نزدیک رفت
و گفت ای پسر رسول خدا والله که پیغمبر چنین جامه نپوشیده و هیچیک از پدرانت
جامه نپوشیده اند آنحضرت فرمود که رسول خدا ص در زمانی بود که روزی بر مردم
تنگ بود امروز روزی بر مردم فراخ است سزاوارترین مردم بصرف کردن نعمت
خدا نیکانند پس این آیه را خواند که قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللّٰهِ الَّتِي أَخْرَجَ
لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ یعنی بگو ای محمد که حرام کرده است زینتی را که
خدا برای بندگانش بیرون آورده است و روزیهای طیب و نیکو را و فرمود که ما سزاوار
ترین مردمیم بصرف کردن در آنچه خدا عطا کرده است ای ثوری این جامه که می بینی
برای مردم پوشیده ام پس دامن جامه را بالا کرد و بمن نمود جامه کهنه دیدم در

زیر پوشیده بود فرمود که این جامه را برای خود پوشیده‌ام و این جامهای نیکو را برای مردم
پس دست زد و جامه بالای سفید را دور کرد در زیر جامه کنده جامه باریکی پوشیده بود
آنحضرت فرمود که جامه باریک را برای لذت نفس خود پوشیده و جامه بالا را
برای فریب دادن مردم پوشیده و در حدیث معتبر از عبدالله بن هلال
منقولست که گفت عرض کردم بخدمت امام رضا که چه بسیار خوش می‌آید که
طعامهای بدمزه را بخورند و جامهای کنده بپوشند و اظهار شکستگی و
خشوع میکنند آنحضرت فرمود که مگر نمیدانی که حضرت یوسف پیغمبر و پیغمبر زاده بود
و قباهای طلاباف و دیبا میپوشید و بر مجالس آل فرعون می‌نشست و حکم در میان ایشان
میکرد و مردم را با لباس او کاری نبود و از او عدالت در حکم میخواستند امام میباید که
انچه گوید راست گوید و هرگاه وعده کند وفا کند و حکم بعدالت کند خدا حلال را بر کسی
حرام نکرده است و اندک و بسیار حرام را حرام کرده است پس خواندند که قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ
اللهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ مطلب دویم در بیان پوشیدن لباس در فقه رضوی
مذکور است که هرگاه عمامه بر سر گذاری این دعا را بخوان بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ ارْفَعْ ذِكْرِي وَأَعْلِ شَأْنِي وَأَعِزَّنِي بِعِزِّكَ وَأَكْرِمْنِي
بِكَرَمِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ تَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ
وَالْعِزِّ وَالْقَبُولِ و دیگر روایت شده است که هرکه زیر جامه را ایستاده
بپوشد تا سه روز حاجتش روا نمیشود و در فقه رضوی مذکور است که زیر جامه را نشسته
بپوش و ایستاده مپوش که مورث هلاک و زرداب و غم و الم میشود و در وقت پوشیدن
این دعا بخوان اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَلَا تَهْتِكْنِي فِي عَرَصَاتِ
الْقِيَامَةِ وَأَعِفَّ فَرْجِي وَلَا تَخْلَعْ عَنِّي زِينَةَ الْإِيمَانِ و از حضرت
امیرالمؤمنین منقولست که رسول خدا پیراهن را پیش از زیر جامه میپوشیدند

و دیگر از حضرت امیرالمؤمنین و ابی عبدالله منقولست که هرکه آبی در ظرف نوی کند و سی
و دو مرتبه انا انزلناه بر آن آب بخواند و بر جامه نو بپاشد در فراخی روزی باشد تا تاری
از آن جامه باقی باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست که چون جامه نو بپوشی
بگوی لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ تا از آفتها نجات یابی و چیزی را که بسیار
دوست داری بسیار یاد او مکن که او را در هم میشکند و چون با کسی کاری داشته
باشی در غایبانه او را دشنام مده که در دل او اثر میکند و دیگر بسند معتبر منقول است
که حضرت علی بن موسی الرضا چون جامه نو میپوشید جامها را بر جانب راست
میگذاشت و قدحی آب میطلبید و سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون
هر یک را ده مرتبه در آن ظرف میخواند و او آب را بر جامه میپاشید و میفرمود که هرکه چنین کند
پیوسته در فراخی روزی باشد مادام که تاری از آن جامه باقی باشد و بسند معتبر از
حضرت امیرالمؤمنین منقولست که چون خدا تعالی جامه نو بکسی عطا فرماید و بپوشد
باید که وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره حمد و آیة الکرسی و قل
هو الله احد و انا انزلناه بخواند پس حمد کند خداوندی را که عورت او را پوشانید و
در میان مردم او را مزین ساخته و بسیار بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس اگر چنین کند در آن جامه معصیت نکند و بعدد هر تاری که در آن
جامه است ملکی موکل شود که خدا را بپاکی یاد کند و برای او استغفار کند و ترحم بر او
مطلب سیوم در بیان آداب جامه پوشیدن و کندن از حضرت رسول منقول است
که نهی فرمود از عریان شدن در شب و روز و از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که هرگاه
مرد عریان شود شیطان بسوی او نظر کند در آنگاه او را بمعصیت در آورد و فرمود که
ستر او و زینت مرد را که جامه خود را از ران خود دور کند در وقتی که جماعتی نشسته باشند
و فرمود که چون جامه خود را بیرون کند بسم الله بگوید تا جنیان نپوشند و اگر نگوید

در آداب جامه کندن

جنسیان آن جامه را میپوشند و از حضرت صادق ع منقولست که سزاوار نیست زن
مسلمانرا که روپاک و پیراهنی پوشد که تن او پیدا باشد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که مقنعه حضرت فاطمه ع آنقدر بود که تا نصف بازوی آنحضرت میرسید و همه زنانرا
باید که چنین کنند و از حضرت صادق ع بسند معتبر منقولست که ادنای دبار آنست
که جامه اندرون و بیرون یکی باشد و اسحق بن عمار از آنحضرت پرسید که میتواند بود
که مومن ده پیراهن داشته باشد فرمود بلی گفت بیست پیراهن فرمود بلی این اسراف
نیست بلکه اسراف آنست که جامه که برای زینت باید نگاه داشت بعوض جامه که در وقت
دیگر باید پوشید بپوشی و بسند معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع آمد
دید که گریبان جامه را پینه کرده آنشخص بتعجب نظر میکرد آنحضرت فرمود که چرا چنین نظر
میکنی گفت از پینه تعجب میکنم کتابی در پیش آنحضرت بود بو داد و فرمود بخوان در آنجا
نوشته بود که ایمان ندارد کسی که حیا ندارد و مال نیست کسی را که معیشت خود باندازه
نمیکند و نو نیست کسی که جامه کهنه ندارد و حضرت امیر المومنین ع فرمود که آنقدر پینه در
جامه خود زدم که شرم کردم از آنکس که بر آن پینه میزد و از حضرت صادق ع منقولست
که هر که گریبان جامه و کفش را پینه کند و چیزی که برای خانه خود بر دوش خود بخانه برد از تکبر
ایمن گردد مطلب چهارم در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده که نعلین و موزه را
نشسته بپوش و در وقت پوشیدن بگو اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ
قَدَمَيَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ
و در وقت بیرون آوردن ایستاده بیرون آر و بگو بِسْمِ اللّٰهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
رَزَقَنِي مَا أَتَّقِي بِهِ قَدَمَيَّ مِنَ الْأَذَى اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا عَلَى صِرَاطِكَ وَلَا
تُزِلَّهُمَا عَلَى صِرَاطِكَ السَّوِيِّ مطلب پنجم در بیان فضیلت انگشتر بدست
کردن و آداب آن سنت موکد است مردان و زنانرا انگشتر در دست راست کردن و بسند معتبر

در فضیلت انگشتر

از حضرت امیر المومنین ع منقولست که رسول خدا ص انگشتر را بدست راست میکردند و از سلمان فارسی
رضی الله عنه مرویست که حضرت رسول ص بحضرت امیر المومنین ع فرمودند که یا علی انگشتر را بدست
راست کن تا از مقربان باشی فرمودند یا رسول الله کدامند مقربان فرمودند که جبرئیل و میکائیل
پرسیدند که چه انگشتری در دست کنم فرمودند که عقیق سرخ بدرستی که آن اقرار کرده
است برای خدا بیگانگی و برای من به پیغمبری و برای تو یا علی بانکه وصی منی و برای فرزندان
تو بامامت و برای دوستان تو بهشت و برای شیعیان تو بجنة الفردوس و در حدیث معتبر
منقولست که از حضرت امام موسی ع سوال کردند که بچه علت حضرت امیر المومنین ع انگشتر
بدست راست میکردند فرمودند زیرا که آنحضرت پیشوای اصحاب یمین است که در قیامت
نامهای ایشان را بدست راست میدهند و حضرت رسول ص انگشتر را بدست راست
میکردند و این علامتیست برای شیعیان ما که باین علامت ایشانرا میشناسند و بمحافظت
کردن در وقت فضیلت نمازهای پنجگانه و بدادن زکوة و بقسمت کردن مال خود
با برادران مومن خود و با مر نیکیها و بنهی از بدیها کردن و در فقه الرضا ع مذکور است
که در وقت انگشتر بدست کردن بگو اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِي بِسِيمَاءِ الْإِيمَانِ وَاخْتِمْ
لِي بِخَيْرٍ وَاجْعَلْ عَاقِبَتِي إِلَى خَيْرٍ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْأَكْرَمُ مطلب ششم
در فضیلت عقیق منقولست در حدیث معتبر که حضرت امیر المومنین ع چهار انگشتر در
دست میکردند انگشتر یاقوت برای شرافت و زینتش و عقیق برای حرز و دفع دشمنان
و بلاها و فیروزه بجهت یاری و نصرتش و حدید صینی برای قوتش و در حدیث صحیح از
حضرت علی بن موسی الرضا ع مرویست که عقیق فقر و درویشی را برطرف میکند و بدست
کردن عقیق [illegible] را زایل میکند و در حدیث دیگر وارد شده که حاکم از پی شخصی فرستاده
بود بسبب جرمی حضرت صادق ع فرمود که انگشتر عقیق بو برسانید چنان کردند و مکروهی
باو نرسید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی نزد حضرت رسول ص آمد و شکایت کرد

در فضیلت عقیق

که دزد در راه بمن رسید و اموال مرا برد آنحضرت فرمودند که چرا انگشتر عقیق در دست
نداشتی که آن از برای تو امانست و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که نماز کسی که انگشتر
عقیق در دست داشته باشد بر نماز کسی که غیر عقیق در دست داشته باشد چهل درجه
زیادتی دارد و سلیمان اعمش روایت کند که در خدمت حضرت صادق ع بودم در
خانه منصور عباسی پس شخصی را بیرون آوردند که تازیانه خورده بود آنحضرت فرمود که ای
سلیمان ببین که انگشترش چه نگین دارد گفتم یابن رسول الله عقیق نیست فرمودند که
ای سلیمن اگر عقیق بودی تازیانه نمیزدند او را گفتم یابن رسول الله دیگر بفرمایید فرمودند
که ای سلیمن انگشتر عقیق امان می بخشد از دست بریدن گفتم دیگر بفرما فرمودند که ای سلیمن
امان می بخشد از خون گفتم دیگر بفرما فرمودند که ای سلیمن خدای عز و جل دوست میدارد
که بلند کنند بدعا بسوی او دستی را که در آن نگین عقیق باشد گفتم دیگر بفرمایید فرمودند
که عجب دارم از دستی که در آن نگین عقیق باشد چگونه خالی میماند از دینار و درهم گفتم
یابن رسول الله روایت کنم اینحدیث را از جدت حسین بن علی ع از پدرش امیرالمؤمنین ع
فرمودند بلی و در روایت دیگر منقولست که دو رکعت نماز که با انگشتر عقیق باشد بهتر است
از هزار رکعت که با او نباشد **مطلب هفتم** در فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد در سه
حدیث معتبر از حضرت علی بن موسی ع منقولست که یاقوت در دست کنید که پریشانی را زایل
میکند و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا ع بهمین لفظ وارد شده با لفظ زبرجد و زمرد و منقولست
که هر که انگشتر یاقوت زرد در دست کند فقیر نشود **مطلب هشتم** در فضیلت فیروزه و جزع
یمانی از حضرت صادق ع منقولست که هر که انگشتر فیروزه در دستش باشد هرگز فقیر نشود
و از حسن بن علی مهران منقولست که بخدمت حضرت امام موسی ع رفتم در انگشت آنحضرت
انگشتری دیدم که نگینش فیروزه و نقشش الله الملک بود من بسیار در آن نظر میکردم
فرمودند که چه نظر میکنی گفتم که حضرت امیرالمؤمنین ع انگشتری را که نقشش الله الملک بوده است

فرمودند که آنرا میشناسی گفتم نه فرمودند که همان انگشتر است و این سنگیست که جبرئیل ع
برای حضرت رسول ص بهدیه آورد از بهشت و آنحضرت بحضرت امیرالمؤمنین ع بخشید و از حضرت
امیرالمؤمنین ع منقولست که انگشتر جزع یمانی در دست کنید که رد میگرداند مکر متمردان
شیاطین را و از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت امیرالمؤمنین ع فرمودند که روزی
رسول خدا ص بیرون آمد و انگشتر جزع یمانی در انگشت کرده بود و با ما نماز کردند چون از
نماز فارغ شدند انگشتر را بمن دادند و فرمودند که این انگشتر را در دست خود کن که نماز در
جزع یمانی برابر است با هفتاد نماز و تسبیح و استغفار که گوید و ثوابش برای صاحبش
نوشته شود و از حضرت رسول ص منقولست که خداوند عالمیان میفرماید که من شرم میکنم
از دستی که بسوی من بلند شود بدعا و در آن دست انگشتر فیروزه باشد پس نا امید بر گردانم **مطلب**
نهم در فضیلت در نجف و بلور و حدید صینی و سایر نگینها بسند معتبر از مفضل بن عمر منقولست
که گفت روزی بخدمت حضرت صادق ع رفتم و انگشتر فیروزه در دست داشتم فرمودند
که ای مفضل فیروزه سیرگاه دیدهای مردان مؤمن و زنان مؤمنه است یا دور گردانند
هم است از دیدهای ایشان و من دوست میدارم از برای هر مؤمنی که پنج انگشتر در دست
داشته باشد یاقوت و آن فاخرترین همه است و عقیق و آن خالص تر است از برای خدا
و از برای ما اهل بیت و فیروزه و آن چشم را قوت میدهد و سینه را گشایش میدهد و قوت
دل را زیاده میکند و چون پی کاری رود آنرا در دست کند و چون برگردد حاجتش برآورده
شده باشد و حدید صینی را دوست نمیدارم که همیشه در دست داشته باشم و لیکن بد
نمیدانم در دست کردن آنرا در وقتی که بدیدن کسی رود که از او ترسد از اهل شر برای آنکه
شر او ساکن شود و حدید صینی شیاطین را دور میگرداند باین سبب دوست میدارم
که در دست داشته باشم و آن دری که در نجف اشرف خدا ظاهر میسازد بدرستی که هر که
آنرا در دست کند بهر نظر کردن بآن خداوند عالمیان زیارتی با حج یا عمره در نامه عمل او بنویسد

که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد و اگر خدا رحم نمیکرد بر شیعیان ما هر آینه هر نگینی از آن بقیمت بسیار میرسید ولیکن خدا ارزان کرده است برای ایشان که توانگر و فقیران ایشان توانند در دست کرد مطلب دهم در بیان آنچه سزاوار است که در نگین نقش کنند حسین بن خالد بخدمت حضرت امام رضا عرض کرد که جایز است شخصی را که استنجا کند و در دستش انگشتری باشد که نقش لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰه باشد آنحضرت فرمودند که خوب نمیدانم این راوی گفت مگر رسول خدا و پدران شما با انگشتر استنجا نمیکرده اند فرمودند بلی ولیکن ایشان انگشتر را در دست راست میکرده اند پس از خدا بترسید و افترا برایشان مبندید پس فرمودند که نقش نگین حضرت آدم علیه السلم لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَمُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰه بود که خود از بهشت آورده بود و حضرت نوح چون بکشتی سوار شد حق تعالی باو وحی فرستاد که ای نوح چون از غرق شدن بترسی هزار مرتبه لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ بگو پس دعا کن تا من ترا و مؤمنان را از غرق شدن نجات دهم پس چون کشتی براه افتاد باد شدیدی وزید و حضرت نوح از غرق ترسید و او را مجال نشد که هزار مرتبه لا اله الا الله بگوید بزبان سریانی گفت هَلُولِیا الفًا یا ماریا اتقن پس طوفان برطرف شد و کشتی براه افتاد و حضرت نوح فرمودند که سخنی که خدا مرا بآن نجات بخشید سزاوار است که همیشه با من باشد پس در انگشتر خود ترجمه آنرا بعربی نقش کرد که لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ أَلْفَ مَرَّةٍ یَا رَبِّ أَصْلِحْنِی و حضرت ابراهیم را چون در کفه منجنیق گذاشتند که در آتش اندازند جبرئیل بخشم آمد حق تعالی باو وحی فرمود که چه چیز باعث غضب تو گردیده است پروردگارا خلیل تو است و هیچکس نیست در اینوقت که ترا بیکانگی پرستد بغیر از او و دشمن خود و دشمن او را مسلط کردانیدی پس خداوند عالم باو وحی فرمود که ساکت باش که کسی تعجیل در امور میکند که مثل تو بنده عاجزی باشد که ترسد از دستش بدر رود اما آن بنده منست هرگاه که خواهم آنرا میگیرم پس جبرئیل خاطرش مطمئن شد و بجانب حضرت

ابراهیم ملتفت شد و گفت آیا ترا حاجتی کاری در اینوقت هست فرمودند که اما بتو پس حق تعالی انگشتری از برای او فرستاد که در آن شش حرف نقش شده بود لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ فَوَّضْتُ أَمْرِی إِلَى اللّٰهِ أَسْنَدْتُ ظَهْرِی إِلَى اللّٰهِ حَسْبِیَ اللّٰهُ پس حق تعالی وحی فرمود که این انگشتر را در دست کن که آتش را بر تو سرد و سلامت میگردانم و نقش نگین حضرت رسول صلعم لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰه بود و نقش نگین امیرالمؤمنین ع اَللّٰهُ الْمَلِكُ بود و نقش نگین حضرت امام حسن ع اَلْعِزَّةُ لِلّٰه بود و نقش نگین حضرت امام حسین ع إِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ أَمْرِهِ بود و حضرت علی ابن الحسین ع انگشتر پدر خود را در دست میکردند و بروایت دیگر اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِیِّ بود و حضرت امام محمد باقر ع نیز انگشتر حضرت امام حسین ع را در دست داشت و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا ع منقولست که نقش نگین حضرت امام رضا ع منقولست که نقش نگین حضرت امام زین العابدین ع خَزِیَ وَشَقِیَ قَاتِلُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ و نقش انگشتر حضرت صادق ع اَللّٰهُ وَلِیِّی وَعِصْمَتِی مِنْ خَلْقِهِ بود و نقش انگشتر حضرت امام موسی ع حَسْبِیَ اللّٰهُ بود پس حضرت امام رضا ع دست دراز کرد و نمودند انگشتر پدر خود را که در دست داشتند و دیگر در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول خدا صلعم نهی فرمودند از آنکه صورت چیزی از حیوانات بر انگشتر نقش کنند و از حضرت صادق ع منقولست که عقل مرد در سه چیز امتحان میتوان کرد در درازی ریشش و نقش انگشتر و کنیتش و ابن طاوس علیه الرحمة بروایت قاسم بن یعلی نقل کرده است از صافی خادم حضرت امام علی نقی که رخصت طلبیدم از آنحضرت که بزیارت جدش حضرت امام رضا ع بروم فرمودند که باید با خود انگشتری داشته باشی که نگینش از عقیق زرد باشد و نقش او ماشاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله

باشد و بروی دیگر نگین محمد و علی نقش کرده باشند و چون این انگشتر را با خود داری
امان بیابی از شر دزدان و راه زنان و برای سلامتی تو تمام است و دین ترا حفظ
کننده است خادم گفت بیرون آمدم و انگشتری که آنحضرت گفت بهم رسانیدم و بر
گشتم که وداع کنم چون وداع کردم و روانه شدم فرمودند که مرا برگردانند چون برگشتم
فرمودند ای صافی گفتم لبیک ای آقای من فرمودند که باید انگشتر فیروزه هم با خود داشته
باشی بدرستی که در میان طوس و نیشابور شیری بر خواهد خورد و قافله را منع خواهد کرد
از رفتن تو پیش تر برو و این انگشتر را بشیر بنما و بگو مولای من میگوید که دور شو از
راه و باید که بر یکطرف نگین فیروزه اَللّٰهُ الْمَلِكُ نقش کنی و بر طرف دیگر اَلْمُلْكُ
لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ زیرا که نقش انگشتر حضرت امیر المؤمنین اَللّٰهُ الْمَلِكُ
بود و چون خلافت بآنحضرت برگشت اَلْمُلْكُ لِلّٰهِ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ نقش کرد
و نگینش فیروزه بود و چنین نگین امان می بخشد از حیوانات درنده و باعث
ظفر و غلبه میشود در جنگگاه خادم گفت که رفتم بسفر و بجا آوردم آنچه در مکانی
که حضرت فرموده بودند شیری بر سر راه آمده و آنچه حضرت فرموده بودند بعمل آوردم
و شیر برگشت و چون از زیارت برگشتم آنچه گذشته بود بخدمت آنحضرت عرض
کردم فرمود که یکچیز ماند که نقل نکردی گفتم که ای آقای من شاید که فراموش کرده باشم
فرمود که شبی در طوس نزدیک روضهٔ جدم حضرت امام رضا ع خوابیده بودی گروهی
از جنیان بزیارت قبر میرفتند آن نگین را در دست تو دیدند و نقش آنرا
خواندند پس آنرا از دست تو بدر آوردند و بردند بنزد بیماری که داشتند و آن
انگشتر را در آب شستند و آبرا به بیماری خود خورانیدند بیمارشان صحت یافت
پس انگشتر را برگردانیدند و تو در دست راست کرده بودی و ایشان در دست چپ تو
کردند چون بیدار شدی بسیار تعجب کردی و سببش را ندانستی و بر بالین خود یاقوتی

یافتی آنرا برداشتی و الحال همراه تست ببر ببازار و آنرا بهشتاد اشرفی خواهی فروخت
و این یاقوت هدیهٔ آن جنیانست که برای تو آورده خادم گفت که یاقوت را بردم
ببازار و بهشتاد اشرفی فروختم و ایضاً سید ابن طاوس روایت کرده است که شخصی
آمد بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع و گفت من میترسم از حاکم شهر جزیره و میترسم
که دشمنان من او را بخشم آورند و ایمن نیستم از آنکه مرا بکشد آنحضرت فرمودند
انگشتری بساز که نگین او حدید صینی باشد و در روی نگین سه سطر نقش کن بابت
و در زیر نگین دو سطر نقش کن سطر اول اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَكُتُبِهِ سطر دویم
وَاِنِّی وَاثِقٌ بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ و در دست کن این انگشتر را در هر حاجتی که بر تو
دشوار شود در وقتی که از آزار مردم ترسی در دست کن و بدرستی که حاجتها بر آورده
میشود و تر سهایت بایمنی بدل میشود و زنی که زائیدن بر او دشوار شود بر او ببندی
که بمشیت خدا بزودی وضع حمل او میشود و همچنین دفع میکند اثر چشم بد را و حذر
کن که بنجاستی و چربی باو نگین نرسد و با خود بحمّام و بیت الخلا مبر و خوب محافظت نما
او را که از اسرار خداست و شما شیعیان از دشمنان خود میترسید بر جان خود
باید که انگشتر را داشته باشید و از دشمنان خود پنهان دارید و تعلیم مکنید
مگر بر کسیکه اعتماد بر او داشته باشید راوی حدیث گفت که من تجربه کردم و
اثرش را یافتم و نیز این در ایام افسا د افغان ملعون مکرر تجربه کردم و از حضرت
امام محمد باقر ع روایت است که هر که صبح پیش از آنکه نظرش بر کسی افتد انگشتر عقیق
در دست راست داشته باشد نگین او را بجانب کف دست بگرداند و بآن نظر
کند و سورهٔ انّا انزلناه بخواند پس بگوید اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهٗ لَا شَرِيكَ
لَهٗ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاٰمَنْتُ بِسِرِّ اٰلِ مُحَمَّدٍ
وَعَلَانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَاَوَّلِهِمْ وَاٰخِرِهِمْ چون چنین کند

خداوند عالمیان او را نگاه داده در آن روز انشاء الله آنچه از آسمان نازل میشود و آنچه بالا
میرود بسوی آسمان و آنچه در زمین فرو میرود و آنچه بیرون می آید از زمین و در حفظ
و حمایت خدا و دوستان خدا باشد تا شام و در حدیث دیگر آنحضرت فرمودند که
انگشتری از عقیق بازد و در نگین او نقش کند که مُحَمَّدٌ نَبِیُّ اللهِ عَلِیٌّ وَلِیُّ اللهِ
خدای تعالی او را از مرگ بد نگاه دارد و نمیرد مگر بر دین حق مطلب یازدهم در بیان

در بیان زیور طلا و نقره

زیور طلا و نقره پوشیدن و بزنان و اطفال پوشانیدن در حدیث صحیح منقولست
که از حضرت صادق ع پرسیدند که آیا جایز است که پسران نابالغ را از زیور طلا پوشانند فرمودند
که حضرت امام زین العابدین ع زنان و اطفال خود را از زیور طلا و نقره میپوشانیدند و در
حدیث معتبر دیگر منقولست از آنحضرت که سر غلاف شمشیر حضرت رسول ص و دسته اش
از نقره بود و در میان حلقهای نقره داشت و زره آنحضرت سه حلقه نقره از پیش و دو حلقه
از عقب داشت و فرمودند که باکی نیست زیور کردن شمشیر بطلا و نقره و زیور کردن
قرآنها بطلا و نقره و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند
از کرسی که در آن طلا باشد آیا میتوان در خانه نگاه داشت آنحضرت فرمودند که اگر طلا
باشد نه و اگر آب طلا بر آن پاشیده باشند باکی نیست و در حدیث دیگر فرمودند که
سزاوار نیست که زن خود را معطل بگذارد و زینت نکند اگرچه گردن بندی باشد
که در گردن ببندد و سزاوار نیست که دستش از خضاب خالی باشد اگرچه بمالیدن
حنا باشد هرچند سالدار باشد و در روایت دیگر وارد شده است که جایز است دندانها بطلا
بیکدیگر ببندند بدانکه در باب زیور طلا احوط اولی آنست که مردان اجتناب نمایند اگر
چه در شمشیر و مصحف باشد مطلب دوازدهم در بیان آداب سرمه کشیدن در
حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که رسول خدا ص سرمه سنگ بچشم میکشیدند
طاق در شب چشم را نفع میرساند و در روز زینت است و در حدیث معتبر از حضرت

امام محمد باقر ع منقولست که سرمه سنگ در دیده کشیدن دهانرا خوشبو میکند
و کمرها را محکم میکند و چشم را جلا میدهد و موی مژه را میرویاند و آب ریختن چشم را
زایل میکند و قوت جماع را زیاد میکند و هرکه هر شب سرمه سنگ که مشک نداشته
باشد در دیده کشد چشمش هرگز آب سیاه نیاورد و رسول خدا ص پیش از خواب سرمه
میکشیدند چهار میل در دیده راست و سه میل در چپ و در حدیث معتبر از حضرت
صادق ع منقولست که چهار چیز است که رو را نورانی میکند نظر کردن در روی نیکو
و در آب روان و در سبزه زار و سرمه کشیدن در وقت خواب و از حضرت امام
رضا ع منقولست که هرکه ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که سرمه بکشد و حضرت
صادق ع فرمودند که بر شما باد بمسواک کردن چشم را جلا میدهد و بر شما باد بسرمه کشیدن
که دهانرا خوشبو میکند زیرا که چون مسواک میکنید بلغم زایل میشود از چشم
و جلا میاید و چون سرمه میکشید بلغم از چشم برطرف میشود و نازل نمیشود و دهان
خوشبو میشود و در فقه الرضا ع منقولست که چون اراده سرمه کشیدن نمائی
میل را بدست راست بگیر و در سرمه دان بزن و بگو بِسْمِ اللهِ و چون میل
در چشم بکشی بگو اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ بَصَرِی وَاجْعَلْ فِیهِ نُورًا اَبْصِرُ
بِهِ حَقَّكَ وَاهْدِنِی اِلیٰ طَرِیقِ الْحَقِّ وَاَرْشِدْنِی اِلیٰ سَبِیلِ
الرَّشَادِ اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ عَلَیَّ دُنْیَایَ وَاٰخِرَتِی اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ مطلب سیزدهم در بیان آداب نظر بآینه کردن
بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که رسول خدا ص فرمودند که خداوند
عالمیان واجب گردانید بهشت را از برای جوانی که بسیار نظر در آینه کند و حمد
خدا بسیار گوید برانکه حق تعالی او را بصورت نیکو آفریده و او را معیوب نکرده
است و رسول خدا ص نظر میکردند در آینه و موی سر و ریش مبارک را شانه میکردند

و از برای اصحاب خود و زنان خود خود را میساختند و میفرمودند که خدا می‌پسندد دوست
ندارد بنده‌اش که چون بنزد برادر مؤمن رود از برای ایشان زینت کند و خود را بزد
و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که چون کسی در آئینه نگاه کند بدست چپ بگیرد و بگوید
بسم الله چون در آن نگاه کند دست راست را بر پیش سر بگذارد و بر رو بکشد و ریش
خود را بدست راست بگیرد و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی خَلَقَنِی فَاَحْسَنَ خَلْقِی وَصَوَّرَنِی
فَاَحْسَنَ صُورَتِی وَزَانَ مِنِّی مَا شَانَ مِنْ غَیْرِی وَاَکْرَمَنِی بِالْاِسْلَامِ
و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم بحضرت امیرالمؤمنین ع فرمودند که یا
علی چون در آینه نظر کنی بگو اَللّٰهُمَّ کَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِی فَحَسِّنْ خُلُقِی وَ
رِزْقِی مطلب چهاردهم در بیان فضیلت خضاب کردن مردان و زنان

فضیلت خضاب کردن

بدانکه مردانرا موی سر و ریش سنت مؤکد است و زنانرا خضاب موی سر و دست
و پا سنت است و مردان خضاب دست و پا کراهت دارد مگر اندک رنگی که بعد از
نوره بر جمیع بدن سنت است حنا مالیدن اگر از آن در دست بماند که رنگ حنا
سرخی مایل شود باکی نیست چنانکه بسندهای معتبر از حضرت رسالت پناه صلعم منقول است
که چهار چیز است که از سنتهای پیغمبران است بوی خوش کردن و نزدیکی با زنان و مسواک
و خضاب بحنا و یک درهم که در خضاب صرف شود بهتر است از هزار درهم که در راه خدا
صرف نماید و در آن چهارده خصلت است باد را از گوشها دور میکند و غبار چشم را
جلا میدهد و بینی را نرم میکند و دهانرا خوشبو میکند و دندانرا محکم میکند و گند
بغل را دفع میکند و وسوسهٔ شیطانرا دفع میکند و ملائکه بسبب آن شاد میشوند و
سبب خوشحالی مؤمنان و خشم کافران میشود و زینت است و بوی خوش موجب
خلاصی از عذاب قبر میشود و منکر و نکیر شرم میکنند از آن و حسن بن جهم گفت که بخدمت
حضرت امام رضا ع رفتم دیدم که آنحضرت خضاب ریش برنگ سیاه کرده بودند

فرمودند که در خضاب کردن اجر عظیم است و خود را ساختن موجب زیادتی عفت زنانست
و جمعی زنان دست از عفت برداشتند بسبب آنکه شوهران ایشان خود را برای ایشان
نمی‌آراستند عرض کردند که بما رسیده است که حنا موی سفید را زیاد میکند آنحضرت
فرمودند که موی سفید خود زیاد میشود نه از حنا و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بخدمت
حضرت رسول صلعم آمد و نظر کرد آنحضرت دید که موی سفید در ریش او بهم رسیده است فرمودند
که هر که در اسلام یک موی سفید در ریش او بهم رسد از برای او نوری باشد در قیامت پس آنشخص
بحنا خضاب کرد و بنزد آنحضرت آمد فرمودند نور است و بهم اسلام و ایمان پس رفت
و خضاب سیاه کرد و آمد فرمودند که نور است و اسلام است و ایمان است و محبوب در دل زنان
و خوف می‌افکند در دل کافران و در حدیث حسن منقولست که از حضرت صادق ع
پرسیدند که خضاب سر و ریش آیا سنت است فرمودند که بلی حضرت امیرالمؤمنین ع
برای آن خضاب نمیفرمودند که حضرت رسول صلعم فرموده که یا علی موی سر و ریش تو
از خون تو تر خواهد شد انتظار آن خضاب میکشیدند و حضرت امام حسین ع
و امام محمد باقر ع هر دو خضاب میکردند مطلب پانزدهم در آداب طعام خوردن

در آداب طعام خوردن

سنت است که بدست راست چیزی بخورد و دو زانو بنشیند و خوابیده چیزی نخورد
و اما اگر بدست چپ تکیه کند باکی نیست و چهار زانو نشستن مکروه است و اگر پا را
بروی زانو گذارد بدتر است و تنها چیزی خوردن مکروه است و با غلامان و خدمتکاران
و بروی زمین چیزی خوردن سنت است و در وقت راه رفتن چیزی خوردن مکروه است
و پیش از طعام و بعد از آن دست شستن سنت است و در دست شستن پیش از
طعام سنت است که دست را بدستمال خشک نکند و اول صاحب خانه دست بشوید
و بعد از آن هر که بجانب دست راست است بترتیب بشوید تا آخر مجلس و دست شستن
بعد از طعام از جانب چپ صاحب خانه ابتدا کند تا خود آخر همه بشوید و سنت است که همه در

یکطشت بشویند و آبرا بریزند و بر سر خوانی که شراب در آن خورند چیزی خوردن حرامست
و بعضی گفته اند که هر حرامی که خورند یا کنند در آن مجلس چیزی خوردن حرامست
حتی بر سر سفرهٔ جماعتی که غیبت مسلمانان کنند بحرام و سنتست که در اول و آخر
طعام نمک بخورند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی ع منقولست که حضرت رسول ص
لعنت فرمودند سه کس را کسی را که توشهٔ خود را تنها بخورد و کسی که بسفر تنها برود و کسی
که بخانه تنها بخوابد آنحضرت فرمودند که چون در طعام چهار چیز جمع شود آن تمامست
اول که از حلال باشد دویم دست بسیار بر آن دراز شود سیوم نام خدا در اول آن
گفته شود چهارم در آخرش حمد الهی بکنند و در حدیث دیگر منقولست که چون
خوان طعام نزد حضرت امام رضا ع حاضر میشد کاسه میطلبیدند و از طعامهائی که لذیذ
تر بود از هر طعامی قدری بر میگرفتند و در آن کاسه میگذاشتند و میفرمودند که
بمساکین و درویشان بدهند و در احادیث معتبره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که حضرت یعقوب در مفارقت فرزند برای آن مبتلا شد که روزی گوسفندی فربه
کشت و بریان کرد و مرد صالح روزه داری در نزدیک خانهٔ او بود و بوی آن را شنید
و غافل شد که باو بخوراند پس جبرئیل در آن شب نازل شد و فرمود که مهیای بلا باش
از جانب خدا و در همان شب حضرت یوسف ع آن خواب را دید پس بعد از آن حضرت
یعقوب ع در وقت چاشت میفرمودند که ندا میکردند تا یک فرسخ راه هر که چاشت
میخواهد بطعام یعقوب حاضر شود و در شب نیز چنین ندا میکردند پس چون خوان طعام
حاضر شود سایلی که بیاید رد نکنید و بسند صحیح از حضرت رسول ص منقولست که
ملعونست کسی که بنشیند بر سر خوانی که در آن شراب خورند و در حدیث معتبر دیگر
از آنحضرت منقولست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد پس نخورد چیزی بر سر سفرهٔ
که در آن شراب خورند و در [illegible] مذکور است که نخورد طعام خوانی که بعد از

رفتن تو بر سر آن شراب خورند و در حدیث معتبر وارد است که چیزی خوردن در حالت جنابت
سبب فقر و بی چیزی میشود و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول ص نهی
فرمودند از خوردن و آشامیدن بدست چپ مگر آنکه مضطر باشد و در دست راستش
علتی باشد و بسندهای معتبر از حضرت صادق ع منقولست که رسول خدا ص هرگز تکیه
کرده بر پهلوی راست و چپ چیزی تناول نفرمودند تا از دنیا رفتند و بروش بندگان
چیز میخوردند از جهت تواضع و فروتنی نزد پروردگار خود و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت رسالت پناه ص چون بر سر خوان می نشستند از پیش خود طعام میخوردند و
بروشی که در تشهد می نشستند بهمان روش می نشستند و زانوی راست بر بالای
زانوی چپ و پای راست بر شکم پای چپ میگذاشتند و میفرمودند که من بنده ام بروش
بندگان می نشینم و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که دست را برای
طعام خوردن که بشوئی پاک مکن زیرا که تا اثری در دست است برکت در طعام
هست و فرمودند که بعد از طعام دست شستن و دست بر رو مالیدن کلف از روی
بر طرف میکند و روزی را زیاد میکند و از مفضل بن عمر منقولست که شکایت کردم
بآنحضرت از آزار چشم فرمودند که چون بعد از طعام دست بشوئی دستها را
بر روی بمال و سه نوبت بگو الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلُ
مفضل گوید که چنین کردم هرگز از آزار چشم ندیدم و از حضرت امام رضا ع
منقولست که چون رسول خدا ص بعد از طعام دست میشستند آب در دهان میگردانیدند
مضمضه میفرمودند و حضرت صادق ع فرمودند که در اشنان که باو دست میشویند
سعد داخل کنند که دهان را خوشبو میکند و بر قوت جماع می افزاید و منقولست
که حضرت امام محمد تقی ع بعد از آن که تناول میفرمودند دست می شستند و دستها را
بر سر و رو میمالیدند قبل از آنکه بدستمال پاک کنند و میفرمودند اللّٰهمّ اجعلني

ا

یمن یوهق وجهه قتر ولا ذلة و در حدیث موثق منقولست که حضرت رسول
بحضرت امیرالمؤمنین ع فرمودند که یا علی هرکه در اول طعام و آخر افتتاح و اختتام بنمک
کند خدا تعالی دفع کند از و هفتاد نوع از بلا که از جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسی است
و از حضرت صادق ع منقولست که طول دهید نشستن بر سر سفره که این ساعت از عمر
شما حساب نمیشود و در حدیث معتبر منقولست از یاسر خادم حضرت امام رضا ع که چون
آنحضرت بر سفره می‌نشست هیچ کوچک و بزرگی را نمیگذاشت مگر آنکه بر سر سفره می
طلبید حتی مهتر و حجام و باسناد معتبره منقولست که حضرت رسول ص چون با جماعتی
طعام میخوردند یعنی با مهمان پیش از همه دست دراز میکردند و بعد از همه دست میکشیدند
برای آنکه ایشان بیشتر چیزی بخورند مطلب شانزدهم در بیان دعاهائی که در وقت
طعام خوردن باید خواند از حضرت رسول ص منقولست که چون خوان بگذارند چهار ملک
دور او احاطه میکنند اگر بنده بسم الله گفت ملائکه میگویند خدا برکت فرستد بر
شما و بشیطان میگویند که بیرون رو ای فاسق که ترا بر ایشان دستی نیست و بعد
از طعام اگر الحمد لله میگویند که ایشان ادای حمد خدا بازای نعمت او کردند و اگر در
اول بسم الله و در آخر الحمد لله نگویند ملائکه میگویند ایشان را خدا تعالی نعمت داد
و یاد او را فراموش کردند و شیطان با او شرکت میکند و مضمونش مذکور شد
و چون لقمه را بردارد بگوید بسم الله والحمد لله رب العالمین پیش از
آنکه لقمه بدهانش رسد خدا گناهانش را بیامرزد و در حدیث دیگر منقولست که چون
سفره نزد رسول ص حاضر میکردند این دعا میخواندند سبحانک اللهم ما
احسن ما تبتلینا سبحانک ما اکثر ما تعطینا سبحانک ما اکثر
ما تعافینا اللهم اوسع علینا و علی فقراء المؤمنین والمؤمنات
والمسلمین والمسلمات و چون خوان را برمیداشتند این دعا را میخواندند

الحمد لله الذی حملنا فی البر والبحر ورزقنا من الطیبات و
فضلنا علی کثیر من خلقه ممن خلق تفضیلا مطلب هفدهم
در بیان فضیلت و اعمال تحویل حمل و روز نوروز است فضیلت این روز از حضرت
امام جعفر صادق ع بسیار وارد است از آنجمله آنحضرت بمعلی بن خنیس که از خواص آنحضرت بود
فرمود که چون روز نوروز شود غسل بکن و پاکیزه ترین جامهها بپوش و بهترین بوها
خود را خوشبو کن و در آنروز روزه بدار پس چون از نماز عصر و نافله آن فارغ
شدی چهار رکعت نماز بگذار بدو سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره
انا انزلناه بخوان و در رکعت دویم بعد از حمد ده مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت
سیوم بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد و در رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه
قل اعوذ برب الفلق و ده مرتبه قل اعوذ برب الناس بخوان و بعد از نماز و تسبیح
بسجده شکر رفته و این دعا بخوان اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء
المرضیین و علی جمیع انبیائک و رسلک بافضل صلواتک
و بارک علیهم بافضل برکاتک و صل علی ارواحهم و
اجسادهم اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک لنا
فی یومنا هذا الذی فضلته و کرمته و شرفته و عظمت
خطره اللهم بارک لی فیما انعمت به علی حتی لا اشکر
احدا غیرک و وسع علی فی رزقی یا ذا الجلال والاکرام اللهم
ما غاب عنی فلا یغیبن عنی عونک و حفظک و ما فقدت
من شیء فلا یفقدنی عونک علیه حتی لا اتکلف ما لا احتاج
الیه یا ذا الجلال والاکرام و چون این نماز را چنین کنی گناه پنجاه ساله

در بیان عمل روز تحویل حمل

توآمرزیده شود پس فرمودند که در روز نوروز بسیار بگوید یا ذا الجلال والاکرام
دویم در کتب مشهور روایت کرده اند که در وقت تحویل حمل سیصد و شصت و
شش مرتبه آیة الکرسی بخواند سیوم در غیر کتب مشهور روایت کرده اند که در وقت
تحویل حمل این دعا را بسیار بخوانند و بعضی سیصد و شصت و شش مرتبه گفته اند
یا مُقَلِّبَ القُلُوبِ وَ الابْصَارِ یا مُدَبِّرَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ یا مُحَوِّلَ
الحَوْلِ وَ الاَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا اِلَی اَحْسَنِ الحَالِ وَ اجْعَلْنَا فِی
هٰذِهِ السَّنَةِ مِنْ اَوَّلِهَا اِلَی آخِرِهَا مَقْرُونًا بِالْفَتْحِ وَ السَّلامَةِ
وَ العِزَّةِ وَ الاِقْبَالِ چهارم بعد از تحویل بعدد مذکور بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنَّ
هٰذِهِ سَنَةٌ جَدِیدَةٌ وَ اَنْتَ مَلِكٌ قَدِیمٌ اَسْاَلُكَ خَیْرَهَا
وَ خَیْرَ مَا فِیهَا وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِیهَا وَ اسْتَكْفِیكَ
مُؤْنَتَهَا وَ شُغْلَهَا یا ذَا الجَلالِ وَ الاِکْرَامِ و اگر چه منعی در دعا نیست
اما آن دعاء اول را بخوانند هر چند نمازش کرده نشود چون سند معتبر دارد بهتر است
و در وقت تحویل حمل این هفت آیه سلام را بمشک و زعفران در کاسهٔ چینی نویسند و
در روز نوروز بگلاب بشویند و بخورند تا سال دیگر از آفات و بلیات در حفظ و امان
حق تعالی باشند سَلامٌ قَوْلاً مِنْ رَبٍّ رَحِیمٍ سَلامٌ عَلَی نُوحٍ فِی العَالَمِینَ
سَلامٌ عَلَی اِبْرَاهِیمَ سَلامٌ عَلَی مُوسَی وَ هَارُونَ سَلامٌ عَلَی
اِلْیَاسِینَ سَلامٌ عَلَیْکُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِینَ سَلامٌ هِیَ
حَتَّی مَطْلَعِ الفَجْرِ سَلامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ
پنجم در بیان آب نیسان سید جلیل علی ابن طاوس از حضرت رسول صلعم روایت
کرده است که بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که در ماه نیسان رومی آب باران میگیری و سوره

(margin: صل علی محمد و آل محمد)

فاتحه و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و لا اله الا الله و الله اکبر
و اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سُبْحَانَ اللهِ وَ الحَمْدُ لِلّٰهِ
وَ اللهُ اَکْبَرُ هر یک را هفتاد مرتبه میگوئی و هفت روز بامداد و پیشین از آن می
آشامی بحق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق مبعوث گردانیده است سوگند یاد میکنم
که جبرئیل ع گفت که حق تعالی بر دارد از کسی که آب را بیاشامد هر دردی که در بدنش باشد و
عافیت بخشد او را و بیرون کند دردها را از بدن او و استخوانهای او و اگر در لوح
دردی برای او مقدر شده باشد محو نماید بحق پروردگاری که مرا براستی بحق فرستاده
که اگر فرزند نداشته باشد و فرزند خواهد و آب نیسان را باین نیت بیاشامد او را
فرزند روزی شود و اگر زن عقیم باشد و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمهای خود
قطره از این آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را باین آب بشوید شفا یابد پس
جبرئیل ع گفت بحق خداوندی که ترا براستی فرستاده که هر که این آیات را بر
آب بخواند و هفت روز بیاشامد حق تعالی دلش را مملو گرداند از نور و روشنی
و الهام خود را بر دل او وارد سازد و حکمت بر زبان او جاری گرداند و خواص
این آیات بسیار است و زیاده از این گنجایش ندارد که ذکر توان کرد و اما ماه نیسان
بعد از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد تقریبا داخل نیسان رومی میشود و ماه
نیسان سی روز است و آب باران مطلقا مبارک است و منفعت دارد خواه در نیسان
باشد و خواه در غیر آن و در این باب حدیث بسیار است باب سیوم در بیان
اعمال ماه مبارک رجب و شعبان و رمضان و اعمال و ثواب این ماهها بسیار است
و در این رساله قدری از آنها ذکر میشود که بر هر مکلفی واجب لازم است که بفهمد و عمل

ذکر فضیلت ماه رجب

آورد و این باب به فصل ذکر میشود انشاء الله تعالی **فصل اول** در فضایل و اعمال ماه رجب
و این مشتمل است بر شش مطلب **مطلب اول** در بیان فضایل این ماه و عبادات
آن بدانکه این ماه و ماه شعبان و رمضان بهترین ماههای سال‌اند و فضیلت
ثواب این ماهها در احادیث بسیار وارد است و از حضرت رسالت پناه صلعم منقول است
که هر که حرمت ماه رجب و شعبان بدارد و وصل نماید روزه آنها را به روزه ماه
مبارک رمضان این ماههای مبارک در روز قیامت گواهان او باشند نزد حق تعالی
و در آن روز منادی از افق اعلی ندا کند که ای رجب و شعبان و رمضان چگونه
بوده است عمل این بنده در شماها و طاعت او از برای خدا پس آن ماهها گویند که
بنده تو توشه گرفت در ماهها یاری بر طاعت ترا و استمداد فضل و رحمت
از تو نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی تو کرد و تا توانست اهتمام در تحصیل
محبت تو نمود پس گواهی دهند ملائکه که موکل‌اند بر این ماهها که ما نیافتیم این
بنده را مگر طلب کننده طاعت و خوشنودی تو و امیدوار رحمت و آمرزش تو
بود و آنچه را نهی کرده بودی ترک کرد و آنچه از او طلبیده بودی بسوی آنها
مسارعت نمود و روزه کامل برای تو داشت و شکم و فرج و گوش و چشم و سایر
جوارح او از آنچه بر او حرام کرده بودی اجتناب کرد و روزها را با تشنگی بشب
رسانید و در شبها خود را به تعب انداخت برای بندگی تو و تصدق بفقرا
و مساکین بسیار داد و احسان بسیار نسبت به بندگان تو نمود و با این ماهها
مصاحبت نیکو کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن آنها
پیرامون محرمات تو نگردید و نیکو بنده بود این پس حق تعالی فرماید که ببرید این بنده را
بسوی بهشت و استقبال کنند او را ملائکه خدا بتحفه‌ها و کرامتها و آنرا بشارت

و سپاهان نور سوار کنند و ببرند بسوی نعمتی که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی نمیشود
و سرائی که جوانانش پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی آن زوال ندارد و هرگز ایشان را
تعب نمیباشد و از عذاب ایمن میگردند و مشقت حساب از برای ایشان نیست
و ایضاً بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که حضرت رسول صلعم فرمود که
ماه رجب ماه استغفار امت من است پس بسیار در این ماه طلب آمرزش کنید
که خدا تعالی آمرزنده و مهربان است و رجب را اصب میگویند زیرا که رحمت
خدا تعالی در این ماه بر امت من بسیار ریخته میشود پس بسیار در این ماه بگوئید
أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ **و ایضاً** بسند معتبر از حضرت صادق ع
منقول است که هر که سه روز از ماه رجب را روزه بدارد بهر روز ثواب روزه
یکسال برای او بنویسند و هر که هفت روز از آن روزه بدارد هفت در جهنم
بر روی او بسته گردد و هر که هشت روز از آن روزه دارد هشت در بهشت
بر روی او گشوده شود و هر که پانزده روز از آن روزه بدارد خدا تعالی او را
حساب آسان بکند و هر که جمیع ماه را روزه بدارد حق تعالی خشنودی خود را برای
او بنویسد و هر که حق تعالی خشنودی خود را برای او بنویسد هرگز او را عذاب نکند

ذکر عجز از روزه

مطلب دویم در بیان اعمال کسی که از روزه عاجز باشد یا بر او دشوار باشد بعوض
آورد و در بعضی از روایات معتبر وارد شده است که بدل روزه مستحب است
که یک درهم تصدق کند که هفتاد دینار بوده باشد و از حضرت رسول صلعم وارد
شده است که بعوض روزه ماه رجب اگر قادر بر تصدق دادن نباشد هر روز صد
مرتبه این تسبیح را بخواند تا ثواب روزه را بیابد سُبْحَانَ الْإِلٰهِ الْجَلِيلِ
سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ
سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ و در روایات معتبر وارد شده

۷۷ که هرکه بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزهٔ سنت کرده باشد و طعامی
حاضر سازد و آنرا تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزهٔ داشتن است
بهشت دو برابر و اگر اظهار نکند که روزه ام ثوابش بیشتر است و برابر یکسال
روزه است مطلب سیوم در بیان فضایل و اعمال شب و روز اول در شب اول
ماه غسل سنت است و منقولست که هرکه در شب اول ماه رجب و شب پانزدهم و شب
آخر او غسل کند از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده است و وقت
دیدن ماه دعای صحیفهٔ کامله که در اعمال هر ماه ذکر شد بخواند و منقولست که چون ماه
رجب را ببیند بگوید اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنا بِالْاَمْنِ وَالْاِیمانِ وَالسَّلامَةِ
وَالْاِسْلامِ رَبِّی وَرَبُّكَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ دوم در شب اول و روز اول
زیارت حضرت امام حسین ع فضیلت بسیار دارد و در حدیث معتبر وارد شده
است که هرکه در اول رجب آنحضرت را زیارت کند بهشت او را واجب شود البته
و از حضرت صادق ع منقولست که تا توانی محافظت نما بر احیای شب عید رمضان
و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب و شب نیمه
شعبان و در این شبها دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن اول بسند معتبر
از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا
بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِیكٌ وَاَنَّكَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ مُقْتَدِرٌ
وَاَنَّكَ ما تَشاءُ مِنْ اَمْرٍ یَکُونُ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِنَبِیِّكَ
مُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ صَلَواتُكَ عَلَیْهِ وَآلِهِ یا رَسُولَ اللهِ اِنِّی اَتَوَجَّهُ
اِلَی اللهِ رَبِّی وَرَبِّكَ لِیُنْجِحَ بِكَ طَلِبَتِی اَللّٰهُمَّ بِنَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ
وَبِالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَیْتِهِ اَنْجِحْ طَلِبَتِی پس حاجت خود را طلب
نماید دویم در شب اول رجب بیست رکعت نماز نیز وارد شده است هر دو رکعت

بیک سلام بعد از حمد یکمرتبه سوره توحید بخواند تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد
و اعمال و ادعیهٔ این شب بسیار است و روزهٔ روز اول فضیلت بسیار دارد سیوم
نماز سلمان فارسی رض شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی رض روایت کرده اند که گفت
در آخر روز جمادی الثانی رفتم بخدمت حضرت رسالت پناه صلعم آنحضرت فرمود ای
سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مؤمن یا زن مؤمنه که در ماه رجب سی
رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه قل هو الله احد و سه مرتبه
قل یا ایها الکافرون بخواند البته حق تعالی محو کند از نامهٔ عمل او هر گناهی را که در
کودکی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسی را که تمام آن ماه روزه گرفته باشد
و تا سال آینده حق تعالی او را از نماز گذارندگان بنویسد و در هر روز آن ماه ثواب
شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای او بنویسند و باسمان برند و بهر روزی که
در آن ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامهٔ عمل او بنویسند و هزار درجه در
بهشت از برای او بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد حق تعالی او را از آتش
جهنم نجات بدهد و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل
این نماز را برای من آورد و گفت یا محمد این علامتیست میان شما و منافقان
زیرا که این نماز را [illegible] گفتم یا رسول الله صلعم چگونه این نماز را بکنم و در
چه وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده رکعت بجا می آوری
یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه قل هو الله احد
و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون میخوانی بعد از هر سلام دستها را بسوی
آسمان بلند کن و بگو لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِیكَ لَهُ لَهُ
الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ
الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ لا مانِعَ لِما اَعْطَیْتَ

ولا معطی لما منعت ولا ینفع ذا الجد منک الجد پس دستها را
بر روی میکشی اما در روز پانزدهم ماه ده رکعت بهمان طریق بجا می آوری و بعد
از سلام دستها را بسوی آسمان بلند میکنی و میگوئی لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی
لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر الها واحدا احدا
فردا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا پس دستها را بر روی خود
میکشی اما در روز آخر ماه ده رکعت بهمان نحو میکنی و بعد از سلام دست بردار و
بگوی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد
یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء
قدیر وصلی الله وآله الطاهرین ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم پس دستها را بر روی خود بمال و حاجت خود را
طلب نما که البته برآورده میشود و حق تعالی میان تو و جهنم هفت خندق قرار دهد
که عرض هر خندقی بقدر مابین آسمان و زمین بوده باشد و بعدد هر رکعتی ثواب
هزار هزار رکعت در نامه عمل تو مینویسند و برات بیزاری از جهنم و گذشتن
بر صراط برای تو مینویسند مطلب چهارم در بیان اعمال هر شب و هر روز است
تا پانزدهم اول بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که در روز
اول ماه رجب این دعا را خواندند و علما ذکر کرده اند که در هر روز سنت است
خواندن یا من یملک حوائج السائلین ویعلم ضمیر الصامتین
لکل مسئلة منک سمع حاضر وجواب عتید اللهم
بمواعیدک الصادقة وایادیک الفاضلة ورحمتک الواسعة
اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تقضی حوائجی

ذکر اعمال هر شب و روز

کادر

للدنیا والآخرة انک علی کل شیء قدیر دویم شیخ طوسی بسند معتبر
روایت کرده است که حضرت صادق ع بمعلی بن خنیس فرمود که در ماه رجب
این دعا را بخوان و از روایت سید ابن طاوس علیه الرحمه ظاهر میشود که این دعا جامع
ترین دعاهاست و در همه اوقات میتوان خواند اللهم انی اسئلک
صبر الشاکرین لک وعمل الخائفین منک ویقین العابدین
لک اللهم انت العلی العظیم وانا عبدک البائس
الفقیر وانت الغنی الحمید وانا العبد الذلیل اللهم
صل علی محمد وآل محمد وامنن بغناک علی فقری وبحلمک
علی جهلی وبقوتک علی ضعفی یا قوی یا عزیز اللهم صل
علی محمد وآله الاوصیاء المرضیین واکفنی ما اهمنی
من امر الدنیا والآخرة یا ارحم الراحمین سیوم هزار مرتبه
سوره قل هو الله احد در جمیع ماه خواند ثواب بسیار در آن وارد شده است
اگر خواهد در یک روز بخواند و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار
مرتبه خوانده باشد چهارم منقولست که هر که هزار مرتبه لا اله الا الله
در تمام ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حق تعالی شهری در بهشت
برای او بنا کند و در هر شب از شبهای ماه هزار مرتبه لا اله الا الله وارد
شده است پنجم صد مرتبه این استغفار نیز مرویست و در جمیع ماه چهارصد
مرتبه بخواند و فضیلت بسیار دارد استغفر الله الذی لا اله
الا هو وحده لا شریک له واتوب الیه ششم از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که حضرت رسول ص فرمود هر که در هر شب از دو ماه رجب و شعبان
و رمضان هر یک از سورها و ادعیه را سه مرتبه بگوید حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و ...

وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس و سبحان
الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم اللهم صل علی محمد وآل محمد
اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات و چهار صد مرتبه بگوید
استغفر الله واتوب الیه حق تعالی گناهان او را بیامرزد اگرچه
بعدد قطرهای باران و برگ درختان و کف دریاها باشد و در روز عید حق تعالی
او را ندا کند که براستی تو دوست منی و بهر حرفی ترا شفاعتی میدهم در برادران
و خواهران مؤمن تو و حضرت فرمود که اگر در عمر خود یکبار این عمل آورد حق تعالی
بهر حرفی هفتاد حسنه باو عطا کند که هر حسنه از جمیع کوههای دنیا سنگین‌تر
باشد هفتم منقولست که هر که در هر روز جمعه ماه رجب صد مرتبه سوره قل
هو الله احد بخواند حق تعالی در قیامت با و نوری عطا کند که باو نور داخل بهشت
شود مطلب پنجم در بیان ایام البیض رجب تا آخر ماه اول از حضرت صادق
منقول است که هر که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حق تعالی بهر روزی
عبادت یکساله و روزه یکساله برای او بنویسد و در قیامت او را در محل ایمنان
بازدارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشند و مشهور آنست که ولادت
باسعادت حضرت امیرالمؤمنین ع در میان کعبه معظمه در روز سیزدهم ماه رجب
بود دوازده سال قبل از مبعوث شدن حضرت رسول ص و زیارت و نماز زیارت
آنحضرت در اعمال روز بیست و یکم ماه رمضان ذکر میشود انشاء الله تعالی دویم از
حضرت رسول ص منقولست که در شب نیمه شعبان و رجب حق تعالی امر میکند
ملائکه را که هر گناهی که در دیوان اعمال مؤمنان باشد محو کنند سیوم بسند
معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که حق تعالی فضیلت شده را باین

در روایت دیگر بجای اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات [illegible] اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات

ذکر ایام البیض رجب

امت داده است که باحدی از امتهای گذشته نداده است ماه رجب و شعبان و رمضان
و سه شب باین امت داده است که با متهای دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم
و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است که مثل آنها با متهای پیش نداده
سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد پس هر که جمع کند میان
این سه فضیلت جمیع فضایل امت را جمع کرده خواهد بود پرسیدند که چگونه
جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در
هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت نماز
بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب پانزدهم
شش رکعت نماز بجا آورد به سه سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را
بخواند تا جمیع فضیلت این امت را جمع کرده باشد و جمیع گناهانش آمرزیده شود
بغیر از شرک بخدا چهارم شیخ طوسی رض بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که در شب نصف رجب دوازده رکعت نماز بجا می‌آوری
یعنی بشش سلام بعد از حمد هر سوره که خواهی و چون فارغ شوی هر یک از سوره حمد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی را
چهار مرتبه میخوانی پس چهار مرتبه میگوئی سبحان الله والحمد لله ولا
اله الا الله والله اکبر و میگوئی الله الله ربی لا اشرک به
شیئا و ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله و در شب و روز
زیارت حضرت امام حسین ع سنت مؤکد است و بسند صحیح از ابن ابی نصر
منقولست که از حضرت امام رضا ع سوال کردند که زیارت امام حسین ع در کدام وقت
بهتر است فرمود که در نیمه رجب و نیمه شعبان و در روز پانزدهم بعد از نماز شام
کرد بکیفیتی که گذشت و زیارت آنحضرت در اعمال ماه شعبان ذکر میشود پنجم

در بیان دعای ام داود ابن بابویه و شیخ طوسی و سید بن طاوس بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده‌اند و برای برآمدن حاجات و کشف کربات و رفع ظلم ظالمان مجربست که آنحضرت بفاطمه مادر داود بن الحسن پسر زاده حسن مجتبی تعلیم فرمود و در کتب مشهورست و در این رساله گنجایش ذکر آن ندارد **و اما کیفیت این عمل شریف آنست** که ام داود گفت که حضرت امام جعفر صادق فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانهٔ خلوتی برو و سعی کن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول کرداند و با تو سخن نگوید و هشت رکعت اول نافلهٔ زوال را بعمل آورد و در رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور پس نماز ظهر را با آداب و شرایط بعمل آورد و بعد از نماز ظهر دو رکعت نماز بکن بعد از حمد هر سوره را که خواهی بخوان بعد از آن صد مرتبه بگو یا قاضِیَ حَوائِجِ السّائِلینَ و بیست و پنج مرتبه شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لا اِلهَ اِلّا هُوَ وَ المَلائِکَةُ وَ اُولُوا العِلْمِ قائِماً بِالقِسْطِ اِنَّ الدّینَ عِنْدَ اللهِ الاِسْلامُ و بعد از نماز هشت رکعت نماز نافلهٔ عصر را با آداب و شرایط بجا می آوری و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافلهٔ عصر بعد از حمد سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و یک مرتبه سورهٔ انا اعطینا بخوان پس نماز عصر را با آداب و خشوع بجای آور و در روایتی وارد شده که بر روی حصیر پاکیزه بنشین رو بقبله پس صد مرتبه سوره **حمد** و صد مرتبه سوره **قل هو الله احد** و ده مرتبه **آیة الکرسی** بخوان پس بر این از این سورها یک مرتبه بخوان سوره **انعام** و **بنی اسرائیل** و **کهف** و **یس** و **الصافات** و **حم سجده** و **حم عسق** و **حم دخان** **انا فتحنا** و **اذا وقعه** و تبارک الذی بیده الملک

و ن والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن و اگر نتوانی این سورها را از روی مصحف درست بخوانی بعوض همه هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان **و اما** شیخ مفید گفته است که اگر ندانی یا نتوانی این سورها را مخصوص را بخوانی صد مرتبه سورهٔ حمد و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و این احوط است و در روایت دیگر وارد شده است که پیش از حمد صد مرتبه بگوید سُبْحانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَ اللهُ اَکْبَرُ و بعد از آیة الکرسی صد مرتبه بگوید اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و اگر آیة الکرسی را نیز درست نتوانند خواند صد مرتبه سوره حمد و هزار مرتبه قل هو الله احد بخوانند و آیة الکرسی را تا هُمْ فیها خالِدُونَ بخوانند بهتر است **دعاء ام داود بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ**

صَدَقَ اللهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ ذُو الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ الْحَلیمُ الْکَریمُ الَّذی لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ الْعَلیمُ الْخَبیرُ شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لا اِلهَ اِلّا هُوَ وَ الْمَلائِکَةُ وَ اُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا اِلهَ اِلّا هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ اِنَّ الدّینَ عِنْدَ اللهِ الْاِسْلامُ وَ بَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْکِرامُ وَ اَنَا عَلی ذلِکَ مِنَ الشّاهِدینَ اَللّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ وَ لَکَ الْمَجْدُ وَ لَکَ الْاَمْرُ وَ لَکَ الْعِزُّ وَ لَکَ الْفَخْرُ وَ لَکَ الْقَهْرُ وَ لَکَ النِّعْمَةُ وَ لَکَ الرَّحْمَةُ وَ لَکَ الْمَهابَةُ وَ لَکَ السُّلْطانُ وَ لَکَ الْبَهاءُ وَ لَکَ الْاِمْتِنانُ وَ لَکَ التَّسْبیحُ وَ لَکَ التَّقْدیسُ وَ لَکَ التَّهْلیلُ وَ لَکَ التَّکْبیرُ وَ لَکَ ما یُری وَ لَکَ ما لا یُری وَ لَکَ ما

وَ لَکَ الْعَظَمَةُ

فوق السموات العلى ولك ما تحت الثرى ولك الارضون
السفلى ولك الآخرة والاولى ولك ما ترضى به من الثناء
والحمد والشكر والنعماء اللهم صل على جبرئيل امينك
على وحيك والقوي على امرك والمطاع في سمواتك
ومحال كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك
المدمر لاعدائك اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك
والمخلوق لرافتك والمستغفر المعين لاهل طاعتك
اللهم صل على اسرافيل حامل عرشك والصاحب الصور
المنتظر لامرك الوجل المشفق من خيفتك اللهم صل
على عزرائيل قابض ارواح جميع خلقك اللهم صل
على حملة العرش الطاهرين وعلى ملائكة الذكر اهل التامين
على دعاء المومنين وصل على السفرة الكرام البررة الطيبين
وعلى ملائكتك الكرام الكاتبين وعلى ملائكة الجنان و
خزنة النيران وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال والاكرام
اللهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذي اكرمته بسجود صلّ
ملائكتك واَبحته جنتك اللهم صل على امنا حواء
المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من
الانس المترددة بين محال القدس اللهم صل على
هابيل وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابراهيم
واسمعيل واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط ولوط
وشعيب وايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا و

الخضر وذي القرنين والياس واليسع وذي الكفل وطالوت
وداود وسليمن وزكرياء ويحيى وحينوق وتورخ ومتى
وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون و
جرجيس والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة ولقمن
اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك
على محمد وآل محمد كما صليت ورحمت وترحمت وباركت
على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم صل
على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة الهدى
اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد
والمخلصين والزهاد واهل الجد والاجتهاد واخصص
محمدا واهل بيته بافضل كراماتك وصلواتك واجزل
كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما
وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات
اهل الشرف من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين
اللهم صل على من سميت ومن لم اسم من ملائكتك
وانبيائك ورسلك واهل طاعتك واوصل صلواتي
اليهم والى ارواحهم واجسادهم واجعلهم
اخواني فيك واعواني على دعائك اللهم اني استشفع
بك اليك وبكرمك الى كرمك وبجودك الى جودك و
برحمتك الى رحمتك وباهل طاعتك اليك واسالك
اللهم بكل ما سئلك به احد منهم من مسئلة شريفة

غير مردودة وبما دعوك به من دعوة مجابة غير مخيبة
يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل
يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير
يا منير يا مبير يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير
يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا باطن
يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ يا متجبر يا قريب يا
ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شديد يا
شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا
باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي
يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا رزاق
يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده
كل مفتاح يا نفاع يا رؤف يا عطوف يا كافي يا شافي
يا معافي يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر
يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا
وتر يا قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا وارث
يا عالم يا حاكم يا بادي يا [illegible] يا هادي يا مصور يا
مسلم يا متحبب يا قائم [illegible] يا عليم يا حكيم يا جواد يا
بارئ يا بار يا سار يا عدل يا فاصل يا ديان يا حنان
يا منان يا سميع يا بديع يا مغير يا خفير يا خبير يا مهيمن
يا ناشر يا غافر يا قديم يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي
يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني يا

يا مقني يا قابض يا خالق يا راصد يا واحد يا ناصر يا حاضر
يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض يا
منيب يا مبين يا طاهر يا مجيب يا متفضل يا مستجيب يا
عادل يا بصير يا مؤمل يا مبدئ يا اواب يا وافي يا
راشد يا ملك يا رب يا معز يا مذل يا ماجد يا رازق
يا ولي يا فاضل يا سبحان يا من علا فاستعلى فكان
بالمنظر الاعلى يا قرب فدنى وبعد فناى وعلم السر
واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير يا من العسير
عليه سهل يسير ويا من هو على ما يشاء قدير يا
مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا
الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا
يا جامع الشتات يا رازق من يشاء بغير حساب و
يا فاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال والاكرام يا حي يا
قيوم يا حي حين لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله الا
انت بديع السموات والارض يا الهي وسيدي صل على محمد
وال محمد وارحم محمدا وال محمد وبارك على محمد وال
محمد كما صليت وباركت ورحمت وترحمت على ابراهيم
وال ابراهيم انك حميد مجيد وارحم ذلي وفاقتي وفقري
وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين يديك واعتمادي
عليك وتضرعي اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل
الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير

العائذ المستجير المقر بذنبه المستغفر منه المستكين
لربه دعاء من اسلمته ثقته ورفضته احبته وعظمت
فجيعته دعاء حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين
بك مستجير اللهم واسئلك بانك مليك مقتدر وانك
ما تشاء من امر يكون وانك على ما تشاء قدير واسالك
بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام و
الركن والمقام والمشعر الحرام والمشاعر العظام وبحق نبيك
محمد عليه واله السلام يا من وهب لادم شيثا و
لابراهيم اسمعيل واسحق ويا من رد يوسف على يعقوب
ويا كشف بعد البلاء ضر ايوب يا راد موسى على امه من
ويا زائد الخضر في علمه ويا من وهب لداود سليمان و
لزكريا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ بنت شعيب ويا كافل
ولد ام موسى اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان
تغفر لي ذنوبي كلها وتجيرني من عذابك وتوجب لي
رضوانك وامانك واحسانك وغفرانك وجنانك واسئلك
ان تفك عني كل حلقة بيني وبين من يؤذيني وتفتح لي
كل باب وتلين لي كل صعب وتسهل لي كل عسير وتخرس عني
كل ناطق بشر وتكف عني كل باغ وتكبت لي كل عدو لي و
حاسد وتمنع مني كل ظالم وتكفيني كل عائق يحول بيني
وبين ولدي ويحاول ان يفرق بيني وبين طاعتك و
يثبطني عن عبادتك يا من الجم الجن المتمردين وقهر
ع

عتات الشياطين واذل رقاب المتجبرين ورد كيد
المتسلطين عن المستضعفين اسئلك بقدرتك
على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء كيف تشاء ان تجعل
قضاء حاجتي فيما تشاء پس بسجده برو و پهلوهای روی خود بر خاک بگذار
و بگو اللهم لك سجدت وبك امنت فارحم ذلي وفقري وفقري
وفاقتي واجتهادي وتضرعي ومسكنتي اليك يا رب
حضرت فرمود که سعی کن که آب از دیده بیرون آید اگرچه بقدر سر مگسی باشد
که این علامت اجابت دعاست پس داود بحضرت عرض کرد که ای سید
و آقای من آیا این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند آنحضرت فرمود
بلی در روز عرفه میتوان خواند و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد صاحبش فارغ
نمیشود مگر آنکه حق تعالی او را می آمرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آنرا
روزه بدارد و در روز پانزدهم این دعا را بخواند و سجودی که ذکر کرد بجا آورد
حاجتش بر آورده میشود و در روایت دیگر وارد است که آنحضرت فرمود که در
روز عرفه و هر روز که این دعا را بخواند حاجتش بر آورده میشود مطلب ششم ذکر شب و روز بیست و [illegible] ماه رجب
در بیان شب و روز بیست و هفتم رجب تا آخر ماه و اما بسندهای معتبر از حضرت
امام محمد تقی ع منقولست که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای مردم
از آنچه آفتاب بر آن می تابد و آنشب بیست و هفتم است و در صبح آنشب حضرت
رسول ص برسالت مبعوث شد و کسی که عبادت کند این شب را مثل اجر شصت
سال عبادت حق تعالی باو عطا فرماید پرسیدند که عمل آنشب چیست فرمود
که چون از نماز خفتن فارغ گردی بخواب و هر وقت از شب که بیدار شوی خواهی پیش
از نصف شب خواه بعد از آن برخیز و دوازده رکعت نماز بکن هر دو رکعت

نماز بکن هر دو رکعت نماز بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد یک سوره از سورهای
کوچک و بعد از آن یس را بخواند اگر یس را نتوانی سورهٔ دیگر و بسند معتبر دیگر
از موسی بن جعفر ع دوازده رکعت نماز را بعد از حمد چهار مرتبه قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد بخوان و چون از همه فارغ
شوی چنان که نشسته حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک را هفت
مرتبه بخوان بعد از آن یس و این دعا را بخوان الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا
ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل
وکبره تکبیرا اللهم انی اسالک بمعاقد عزک علی ارکان
عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم الاعظم
الاعظم وذکرک الاعلی الاعلی الاعلی وبکلماتک التامات
کلها ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفعل بی ما انت
اهله پس چهار مرتبه بگو لا اله الا الله والله اکبر والحمد لله
وسبحان الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس هر
حاجت که خواهی بطلب که آنچه بطلبی مستجاب میشود مگر آنکه حرامی بطلبی یا
قطع رحمی یا هلاک جمعی از مؤمنان را طلب کنی و روزش را روزه بدار که
از برای تو حساب میشود بروزهٔ یکسال و اما عمل روز بیست و هفتم در این
روز غسل سنت است و بسندهای معتبر از حضرت صادق ع منقولست که روزه
او برابر است با روزهٔ هفتاد سال و حسن بن راشد از آنحضرت پرسید که
آیا غیر عیدهای مشهور عیدی هست آنحضرت فرمود بلی شریفتر و فاضلتر
همه روز بیست که حضرت رسول ص برسالت مبعوث گردیده است و آن بیست و

هفتم ماه رجب است باید که روزه بداری و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستی
و زیارت حضرت رسول ص و حضرت امیر المؤمنین ع در این روز سنت است و بسند
معتبر از حضرت صاحب الامر ع که در این روز دوازده رکعت نماز بجای می
آوری و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شده میخوانی و بعد از هر دو رکعت
سلام میگوئی و این دعا را میخوانی الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و
لم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل
وکبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی ویا صاحبی فی شدتی
یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی
یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی
انت الساتر عورتی فلک الحمد وانت المقیل عثرتی
فلک الحمد وانت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی
محمد وآل محمد واستر عورتی وآمن روعتی واقلنی
عثرتی واصفح عن جرمی وتجاوز عن سیئاتی فی اصحاب مع
الجنة وعد الصدق الذی کانوا یوعدون و چون از
نماز و دعا فارغ شوی سورهٔ حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه
و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه میخوانی و هفت مرتبه میگوئی لا اله
الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول و
لا قوة الا بالله و هفت مرتبه میگوئی الله الله ربی ولا اشرک
به شیئا پس آنچه خواهی از حق تعالی طلب نما و اما بعد از پانزدهم تا آخر
ماه رجب شیخ طوسی و دیگران ره گفته اند که در روز نهم این ماه ابراهیم پسر

رسول ص از دنیا رفت پس اندوه و لعن بر آنها که در این مصیبت شماتت کردند
مناسبت خصوصاً عایشه علیها اللعنه و بسند معتبر از امام رضا ع منقولست
هرکه روز بیست و ششم ماه را روزه بدارد کفارهٔ نود سال گناه او گردد و هر که
روز بیست و نهم را روزه بدارد کفارهٔ صد سال گناه او باشد و هر که روز سیوم
ماه را روزه دارد حق تعالی گناهان گذشته و آیندهٔ او را بیامرزد و در روز
آخر ماه نماز سلمان رض سنتست بنحوی که در اول مذکور شد و اگر احتمال
نقصان ماه باشد در روز بیست و نهم احتیاطاً بکند فصل دویم در بیان فضیلت
و اعمال ماه مبارک شعبان و ایام و لیالی آنست و در او نیز پنج مطلبست
مطلب اول در فضیلت این ماه است و ثواب روزه‌اش بدانکه فضیلت ماه شعبان
زیاده [illegible] و منسوبست بحضرت سید انبیا ص چنانچه منقولست از حضرت
صادق ع که چون حضرت رسول ص ماه شعبان را مشاهده مینمود امر میفرمودند ندا
کنندهٔ که ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول خدا
بسوی شما و میفرماید که شعبان من است خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه
من پس حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که از روزی که ندای منادی آنحضرت را شنیدم
روزهٔ ماه شعبان را ترک نکردم و تا زنده‌ام ترک نخواهم کرد انشاءالله تعالی و فرمود که
روزهٔ ماه شعبان و ماه رمضان توبه است از جانب حق تعالی از برای جمیع گناهان
وایضاً منقولست از ام سلمه که حضرت رسول ص هیچ ماه را تمام روزه نمیداشت
مگر ماه شعبان را که او را وصل میکردند بماه رمضان وایضاً منقولست که از آنحضرت
سؤال کردند که کدام روزه از روزهای سنت افضل است فرمود که روزهٔ شعبان
برای تعظیم ماه رمضان وایضاً از حضرت رسول ص منقولست که ماه شعبان
ماهی شریف است و آن ماه منست و حاملان عرش الهی آنرا تعظیم مینمایند و حق حرمت

آنرا میشناسند و آن ماهیست که زیاده میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان
و زینت میکنند در آن بهشتها را و آنرا شعبان نام کرده‌اند برای آنکه متشعب
و بسیار میگردد در آن روزیهای مؤمنان و حسنه در آن ماه مضاعف میگردد بهفتاد
برابر و گناه آن پست میگردد و آمرزیده میشود و اعمال خیر در آن مقبول میگردد
و خداوند جبار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان این ماه پس
مباهات میکند بایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزهٔ این ماه آنقدر
فرمود که ذکرش موجب تطویل کلامست مطلب دویم در بیان اعمال
ذکر اعمال هر روز ماه شعبان
هر روز شعبانست اول بسند معتبر از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که
هر روز هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگر
چه بعدد ستارگان آسمان باشد دویم در کتاب حسین بن سعید از حضرت
صادق ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که شعبان ماه منست پس در این ماه
بسیار بفرستید صلوات بر من و آل من و شعبان را ماه شفاعت میگویند
زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در این ماه صلوات بر او و بر آل او بفرستد
و از آنحضرت منقولست که بهترین دعاها در ماه شعبان استغفارست و هر که در
روز این ماه استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای دیگر هفت
هزار مرتبه استغفار کرده باشد مردی پرسید که چگونه بگویم فرمود بگو
أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ سیوم بسندهای معتبر منقولست
که هر که در هر روز این ماه هفتاد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا
إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ حق تعالی
روح آنرا در افق مبین جا دهد و آن فضای وسیعیست در پیش عرش و در آن
فضا نهرها جاریست و قدحها در کنار آن نهرها هست بعدد ستارهای

آسمان چهارم بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین ع در هر روز ماه شعبان
در وقت زوال و در شب نیمه ماه این صلوات را میخواندند اللهم صل علی محمد
وال محمد شجرة النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائکة
ومعدن العلم واهل بیت الوحی اللهم صل علی محمد
وال محمد الفلک الجاریة فی اللجج الغامرة من رکبها
نجا ویغرق من ترکها المتقدم لهم مارق والمتاخر عنهم
زاهق واللازم لهم لاحق اللهم صل علی محمد وال
محمد الکهف الحصین وغیاث المضطر المستکین
وملجا الهاربین ومنجا الخائفین وعصمة المعتصمین
اللهم صل علی محمد وال محمد صلوة کثیرة طیبة تکون
لهم رضا ولحق محمد وال محمد اداء وقضاء بحول منک
وقوة یا رب العالمین اللهم صل علی محمد وال محمد
الطیبین الابرار الاخیار الذین اوجبت لهم حقوقهم
وفرضت طاعتهم وولایتهم اللهم صل علی محمد وال
محمد واعمر قلبی بطاعتک ولا تخزنی بمعصیتک و
ارزقنی مواسات من قترت علیه من رزقک بما
وسعت علی من فضلک ونشرت علی من عدلک و
احییتنی تحت ظلک وهذا شهر نبیک سید رسلک
صلواتک علیه واله شعبان الذی حففته منک بالرحمة
والرضوان الذی کان رسول الله صلی الله علیه واله یدأب
فی صیامه وقیامه فی لیالیه وایامه بخوعا لک فی اکرامه

واعظامه الی محل حمامه اللهم فاعنا علی الاستنان بسنته
فیه ونیل الشفاعة لدیه اللهم فاجعله لی شفیعا
مشفعا وطریقا الیک مهیعا واجعلنی له متبعا حتی
القاک یوم القیمة عنی راضیا وعن ذنوبی غاضیا
قد اوجبت لی منک الرحمة والرضوان وانزلتنی دار القرار
ومحل الاخیار پنجم از حضرت رسول ص منقولست که هر که در مجموع ماه
شعبان هزار مرتبه بگوید لا اله الا الله ولا نعبد الا ایاه
مخلصین له الدین ولو کره المشرکون حق تعالی عبادت
هزار ساله در نامه عملش بنویسد وگناه هزار ساله او را از نامه عمل محو کند
و از قبر بیرون آید با روی نورانی مانند ماه شب چهارده و او را صدیق
نویسند ششم بسند معتبر منقولست که از حضرت صادق ع سؤال کردند
که یا بن رسول الله بهترین عملها در این ماه چیست فرمود تصدق کردن و
طلب آمرزش کردن هر که در این ماه تصدق بکند حق تعالی او را تربیت میکند
چنانچه یکی از شما شتر بچه خود را تربیت کند تا آنکه در قیامت مانند کوه احد
بصاحبش برسد مطلب سیوم در فضیلت و اعمال ایام مخصوصه اول ماه
تا ایام البیض اول بسندهای معتبر منقولست که حضرت صادق ع فرمودند که
هر که روز اول ماه شعبان روزه دارد بهشت او را واجب گردد البته
و از حضرت امام رضا ع منقولست که مستحبست سه روز اول و سه روز میان
و سه روز آخر ماه دوم از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که رسول خدا ص فرمود
که در هر پنجشنبه ماه شعبان زینت میکنند آسمانها را پس ملائکه میگویند
خداوندا بیامرز روزه داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب گردان

سیوم روز سیوم این ماه روزی بسیار مبارکیست و موافق مشهور روز ولادت
حضرت امام حسین ع است و از حضرت صاحب الامر ع فرمانی بیرون آمد که روز سیوم
ماه شعبان روز ولادت امام حسین ع است پس روزه بدارید این روز را و غسل
و زیارت آنحضرت در این روز سنت است و کیفیت زیارت بعد از این مذکور
میشود چهارم شیخ طوسی روایتی نقل کرده است که حضرت امام حسین ع در روز
پنجم اینماه متولد شده است اگر احتیاطا هر دو روز را حرمت دارند خصوصا
زیارت بهتر است پنجم شیخ بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که
حضرت امیر المؤمنین ع در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است اگرچه خلاف مشهور
است چنانچه در ماه رجب مذکور شد اما بر وفق این روایت روزه و زیارت
آنحضرت و سایر اعمال خیر مناسبست مطلب چهارم در بیان اعمال ایام البیض ماه
شعبان است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم اول چنانچه در اعمال رجب
مذکور شد نماز که بعد از حمد یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد
بخوانند با اعمال بجا آورد و در نماز سنت است که اگر سورها را از حفظ نتوانند خواند
از روی قرآن میتوان خواند دویم روزه هر سه روز سنت است و فضایل و اعمال
پانزدهم زیاده از آنست که در این رساله احصا تواند نمود و اکتفا مینماید بقدر آنچه
صحیح تر است سیوم از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که
چون شب نصف شعبان شود شبش را بعبادت بایستید و روزش روزه
بدارید بدرستی که از اول تا آخر این شب از جانب حق تعالی ندا میرسد که آیا
کننده هست که طلب آمرزش کند از گناهان خود تا گناهان او را بیامرزیم
و آیا کسی هست که از ما طلب روزی کند تا روزی او را فراخ گردانیم چهارم
از حضرت صادق ع منقولست که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه

آن غسل کنید که باعث تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و
در شب برات بعد از نماز مغرب سنت است و یکمرتبه این دعا را بخوانند و سخن نگویند تا فارغ شوند
بزید تا سال دیگر بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انک علیم ذوا
اناةٍ ولا طاقة لنا بحکمک یا الله یا الله یا الله الامان
الامان الامان من الطاعون والوباء وموت الفجاءة
وسوء القضاء وشماتة الاعداء ربنا اکشف عنا
العذاب انا مؤمنون برحمتک یا ارحم الراحمین پنجم از جمله
اعمال این شب زیارت حضرت امام حسین ع است چنانچه از حضرت امام زین
العابدین ع منقولست که هرکه خواهد که با او مصافحه کنند ارواح صد و
بیست و چهار هزار پیغمبر پس زیارت کند حضرت امام حسین ع را در نصف
شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران در این شب از خدا تعالی رخصت میطلبند
که بزیارت آنحضرت بیایند و رخصت مییابند پس خوشحال کسی که این بزرگ
واران با او مصافحه کنند و از جمله ایشان پنج پیغمبر اولو العزم اند نوح
و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد رسول الله صلوات الله علیهم اجمعین که مبعوث
گردیده اند بمشرق و مغرب روی زمین و جنیان و آدمیان و از حضرت صادق
منقولست که در شب نیمه شعبان می آمرزند جمیع گناهان کسی را که زیارت
آنحضرت کنند در آن شب و اقل زیارت آنحضرت آنست که بر بامی یا بصحن
گشاده در آید و بجانب راست آسمان و بجانب بالای سر نظر کند پس بانگشت
اشاره کند بجانب راست قبله و بگوید السلام علیک یا ابا عبد الله
السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک ورحمة
الله وبرکاته و اما اگر یکی از زیارات مبسوط را عمل آورد بهتر است

وازجمله آنها اینست السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله
السلام علیک یا وارث نوح نبی الله السلام علیک
یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام علیک یا وارث
موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله
السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام علیک
یا وارث امیر المؤمنین ولی الله السلام علیک یا ابن
محمد المصطفی السلام علیک یا ابن علی المرتضی السلام
علیک یا ابن فاطمة الزهراء السلام علیک یا ابن خدیجة
الکبری السلام علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر
الموتور اشهد انک قد اقمت الصلوة وآتیت الزکوة
وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر واطعت الله و
رسوله حتی اتاک الیقین فلعن الله امة قتلتک و
لعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک
فرضیت به یا مولای یا ابا عبد الله اشهد انک کنت
نورا فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة لم
تنجسک الجاهلیة بانجاسها ولم تلبسک من مدلهمات
ثیابها واشهد انک من دعائم الدین وارکان المؤمنین
واشهد انک الامام البر التقی الرضی الهادی المهدی
واشهد ان الائمة من ولدک کلمة التقوی واعلام
الهدی والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا واشهد
الله وملائکته وانبیائه ورسله انی بکم مؤمن و

بایابکم موقن بشرائع دینی وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم
سلم وامری لامرکم متبع صلوات الله علیکم وعلی
ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی اجسامکم وعلی
شاهدکم وعلی غائبکم وعلی ظاهرکم وعلی باطنکم
پس دو رکعت نماز زیارت میکند واگر نماز را پیش از زیارت بکند
نیز خوبست پس سجدهٔ شکر بکند ودر سجده یا بعد از سجده بگوید اللهم اجعل
ثواب هاتین الرکعتین الی الضریح سیدی ومولای
ابی عبد الله الحسین علیه السلام پس بگو اللهم اکتبنی
من شیعة علی ابن ابی طالب علیه السلام المقبولین
وتقبل منی باحسن قبول یا رب العالمین پس بگو اللهم
صل علی محمد وآل محمد واغفر لی ولوالدی ولجمیع المؤمنین
والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم
والاموات برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی
محمد وآله اجمعین پس قصد زیارت علی ابن الحسین علیهما السلام
بکنه وبگوید السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک
یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک یا ابن الحسین الشهید
السلام علیک ایها الشهید السلام علیک ایها
المظلوم وابن المظلوم ولعن الله امة قتلتک ولعن
الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت
به پس قصد زیارت سایر شهدا رضی الله عنهم بکند وبگوید السلام
علیکم یا اولیاء الله واحبائه السلام علیکم یا

اَصْفِيآءَ اللهِ وَاَوِدّآئِهِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ دينِ اللهِ
السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا
اَنْصارَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ
يا اَنْصارَ اَبي مُحَمَّدٍ الْحُسَيْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ النّاصِحِ السَّلامُ
عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَبي عَبْدِاللهِ بِاَبي اَنْتُمْ وَاُمّي طِبْتُمْ
وَطابَتِ الْاَرْضُ الَّتي فيها دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظيماً
فَيا لَيْتَني كُنْتُ مَعَكُمْ فَاَفُوزَ مَعَكُمْ پس نماز زیارت
علی الحسین ع و شهدا بکند و سجده شکر بجا آورد و اما در شب اول
شب و روز پانزدهم ماه رجب و در سیوم و پنجم ماه شعبان و شبهای
ماه مبارک رمضان و شبها و روزهای عیدها و شبهای جمعه و سایر ایام
زیارت آنحضرت و علی بن الحسین ع و شهدا رض بهمین طریق زیارت
میتوان کرد ششم از جمله برکات این شب آنست که ولادت وافر
السعادت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در این شب واقع شده و بدین
سبب زیارت آنحضرت سنت است و در این رساله زیارت آنحضرت در عمل روز جمعه
ذکر شده است هفتم ابن بابویه از حضرت امام حسن مجتبی ع روایت کرده است
که جبرئیل بر حضرت رسول ص نازل شد و گفت یا محمد ص امت خود را امر کن که
در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بگذارند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد بخوانند و چون فارغ شده بسجده روند و در
سجده بگویند اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدَ سَوادي وَخَيالي وَبَياضي
يا عَظيمَ كُلِّ عَظيمٍ اِغْفِرْ لي ذَنْبِيَ الْعَظيمَ فَاِنَّهُ لا
يَغْفِرُهُ غَيْرُكَ پس این عمل را بجا آورد محو کند حق تعالی از او هفتاد

دو هزار گناه او و مثل آن حسنه در نامه عمل او بنویسد و محو کند از پدر و مادرش
هفتاد هزار گناه هشتم زید شهید روایت کرده است که پدرم امام زین
العابدین ع ما را همه در شب نیمه شعبان نزد خود جمع میکرد و شب را سه حصه
میکرد و ثلث اول نماز میکرد و ثلث دویم دعا میکرد و ما آمین میگفتیم نزد
دعای او و ثلث آخر را استغفار و طلب آمرزش میکرد و ما نیز
استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد نهم در بیان دعاء کمیل و این
دعا جامع کاملیت و متضمن جمیع مطالب دنیا و آخرتست و چون
کمیل بن زیاد که از خواص اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است
بدانکه سید جلیل ابن طاوس علیه الرحمه در کتاب اقبال روایت
کرده است که کمیل بن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت
امیر المؤمنین ع در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمه شعبان
مذکور شد آنحضرت فرمود که هر بنده که آنشب را بعبادت احیا
کند و دعای حضرت خضر علیه السلام در آنشب بخواند البته دعای او
مستجاب گردد و چون آنحضرت بمنزل مراجعت نمود شب بخدمت
آنحضرت رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمده ای کمیل گفتم یا
امیر المؤمنین بطلب دعای حضرت خضر ع آمده ام حضرت فرمود که
بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در هر
ماهی یکمرتبه یا در هر سالی یکمرتبه یا در عمر خود یکمرتبه بخوان تا کفایت
شر دشمنان از تو بشود و یاری کرده شوی و روزی داده شوی
و البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو موجب

٩٠ آن شد که ترا چنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرافراز کردانم پس فرمود
که بنویس دعا را و تلقین من نمود مؤلف کوید که چنانچه این دعا را با
ترجمه نوشته شود که در حین قراءت معنی او در نظر و ملاحظه شود در خواندن
فایده اش اتم و اکمل و اسرع در اجابت است و باید بحواس و اعتقاد درست
بخواند تا منافع او بر وی ظاهر کردد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ
خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو برحمت تو که فرا کرفت هر چیز را
وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ
وبتوانائی تو که قهر کرده با آن هر چیز را و ذلیل است مر آنرا هر چیز
وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ
وبجبروت تو که غالب کرده با و هر چیز را و بعزت تو
الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ
که نمی ایستد در برابر آن چیزی و ببزرکواری تو که پر کرده است هر
شَيْءٍ وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ
چیز را و بپادشاهی تو که برتر است هر چیز را و بذات مقدس تو
الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ وَبِاَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ
که باقیست بعد از فانی شدن هر چیز و بنامهای تو که پر کرده است
اَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِنُورِ
رکنهای هر چیز را و بدانائی تو که فرا کرفته است همه چیز را و بروشنائی
وَجْهِكَ الَّذِي اَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ
ذات تو که روشن شده برای او هر چیز ای هویدا ای منزه

Margin: خضع لها كل شيء — خضوع و انقیاد دارد مر آنرا
Margin: الذي

يَا اَوَّلَ الْاَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ
ای پیشتر از پیشینیان و ای پستر از پسینیان خداوندا بیامرز مرا
الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ
کناهانی که میدرد پرده عصمت را خداوندا بیامرز مرا
الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ
کناهانی که فرود می آورد عذابهای خدا را خداوندا بیامرز مرا کناهانی
الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي
که تغیر میدهد نعمتها را خداوندا بیامرز مرا کناهانی که
تَحْبِسُ الدُّعَاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ
حبس میکند دعا را خداوندا بیامرز مرا کناهانی که نازل میکرداند
الْبَلَاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ
بلا را خداوندا بیامرز مرا هر کناهی که کرده ام آنرا و هر خطائی
اَخْطَأْتُهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ وَاَسْتَشْفِعُ
که بنادانی بجا آورده ام آنرا خداوندا بدرستی که من نزدیکی میجویم بسوی تو و شفیع میکردانم
بِكَ اِلَىٰ نَفْسِكَ وَاَسْأَلُكَ بِجُودِكَ اَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ
ترا بسوی تو و سؤال میکنم از تو بسبب بخشش تو که نزدیک کردانی مرا
قُرْبِكَ وَاَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ وَاَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ اَللّٰهُمَّ
بقرب خود و توفیق دهی مرا برای شکر خود و الهام نمایی مرا ذکر خود خداوندا
اِنِّي اَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ اَنْ تُسَامِحَنِي
بدرستی که من سؤال میکنم ترا سؤال کسی که با خضوع با مذلت و خشوع برای آنکه با من مسامحه نمائی

Margin: بذكرك
Margin: [illegible]

وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ
ورحم کنی مرا و بگردانی مرا بقسمت خود خشنود و قناعت کننده و در جمیع احوال
مُتَوَاضِعًا اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ سُؤَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ
تواضع کننده خداوندا و سؤال میکنم از تو سؤال کسی که سخت است
فَاقَتُهُ وَاَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَعَظُمَ
فقر او و فرود آورده است بتو نزد سختیها حاجت خود را و بزرگست
فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ وَ
در نزد تست از ثوابها خواهش تو خداوندا بزرگست پادشاهی تو و
عَلَا مَكَانُكَ وَخَفِيَ مَكْرُكَ وَظَهَرَ اَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ
بلند است منزلت تو و پنهانست مکر تو و هویداست امر تو و غالب است قهر تو
وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اَللّٰهُمَّ
و جاریست قدرت تو و ممکن نیست گریختن از حکومت تو خداوندا
لَا اَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا وَلَا لِشَيْءٍ
نمی یابم برای گناهان خود آمرزنده و نه برای قبایح خود پوشنده و نه برای چیزی
مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
از عمل قبیح من بعمل نیک بدل کننده سوای تو نیست آلهی جز تو بای ...
سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي وَ
میکنم ترا و مشغولم بحمد تو ستم کردم نفس خود را و بسیار جرأت کردم بنادانی خود
سَكَنْتُ اِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنِّكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ
و اعتماد کردم بر آنکه پیوسته یاد کردی مرا و انعام بر من خداوندا

مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ
ای آقای من چه بسیار قبیح که پوشانیدی آنرا و چه بسیار گران از بلاها که
اَقَلْتَهُ وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ
زایل کردی آنرا و چه بسیار لغزشها که نگاه داشتی آنرا و چه بسیار ناخوش که دفع کردی آنرا
وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ اَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ اَللّٰهُمَّ
و چه بسیار از ثنای نیکو که نبودم من سزاوار آن پهن کردی آنرا خداوندا
عَظُمَ بَلَائِي وَاَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي وَقَصُرَتْ بِي
بزرگ شده است بلای من و از حد گذشته است بدی حال من و نارساست از بجهت من
اَعْمَالِي وَقَعَدَتْ بِي اَغْلَالِي وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي
کردار من و عاجز کرده است مرا غلهای من و منع کرده است مرا از نفع خود دوری
بُعْدُ اٰمَالِي وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَنَفْسِي
دوری من و بازی داده است مرا دنیا بفریب خود و نفس مرا
بِجِنَايَتِهَا وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي فَاَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ
بجنایات خود و پس انداختن عمل من ای بزرگ من پس سؤال میکنم از تو بعزت تو
اَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءُ عَمَلِي وَفِعَالِي وَلَا
که منع نکند از تو دعای بدی عمل من و کردار من و مکن
تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي
رسوا مرا به پنهان آنچه مطلع شده بر آن از راز من و زود مکن مرا
بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي
بعقوبت بر آنچه کرده ام آنرا در خلوتهای خود از بدی کردار خود

وَاِسَاءَتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَ

وگناه خود و دایم بودن تقصیر خود و نادانی خود و بسیاری شهوتهای خود

غَفْلَتِي وَكُنِ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي الْاَحْوَالِ كُلِّهَا

وغفلت خود و باش خداوندا بعزت خود برای من در احوال همه

رَؤُفًا وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْاُمُورِ عَطُوفًا اِلٰهِي وَرَبِّي مَنْ لِي

رحم کننده بر من در همه امور مهربان ای خداوند من و پروردگار کیست مرا

غَيْرُكَ اَسْئَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي اَمْرِي اِلٰهِي وَ

غیر از تو سوال میکنم از کشودن بدی حال خود را و نظر کردن در کار خود ای خدای من و

مَوْلَايَ اَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي وَلَمْ

آقای من جاری ساختی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن خواهش نفس خود را و نگاه

اَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِمَا اَهْوَى

داری نکرده ام خود را در آن زینت دادن دشمن خود پس فریب داد مرا بانچه خواهش داشت

وَاَسْعَدَهُ عَلَى ذٰلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى

و یاری کرد آنرا بر این قضا پس در گذشتم بانچه جاری شده

عَلَيَّ مِنْ ذٰلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ اَوَامِرِكَ

بر من از این پارهای حدهای تو و مخالفت کردم پاره امرهای ترا

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذٰلِكَ وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى

پس مر ترا حمد لازم بر من در همه این احوال و نیست حجتی برای من در آنچه جاری شده

عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ وَاَلْزَمَنِي حُكْمُكَ وَبَلَاؤُكَ وَقَدْ

بر من در آن قضای تو و لازم کردانید بر من حکم تو و امتحان تو و بتحقیق که

اَتَيْتُكَ يَا اِلٰهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَاِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي مُعْتَذِرًا

آمده ام نزد تو ای خدای من بعد از تقصیر خود و بسیار ضرر رسانیدن بر نفس خود عذر خواهنده

نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا

پشیمان شکسته خواهان عفو طلب کننده طلب آمرزش کننده توبه کننده اقرار کننده

مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا لَا اَجِدُ مَفَرًّا مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْزَعًا

تصدیق کننده اعتراف کننده نمی یابم گریزگاهی از آنچه صادر شده از من و نه پناهی

اَتَوَجَّهُ اِلَيْهِ فِي اَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَاِدْخَالِكَ

که رو کنم برا او در کار خود بغیر قبول کردن تو عذر مرا و داخل کردن تو

اِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي وَارْحَمْ

مرا در کشادگی از رحمت خود خداوندا پس قبول کن عذر مرا و رحم کن

شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكَّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ

شدت بدحالی مرا و رها کن مرا از بستن گناهان مرا ای پروردگار من رحم کن ناتوانی

بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي يَا مَنْ بَدَاَ خَلْقِي

بدن مرا و تنکی پوست مرا و باریکی استخوان مرا ای آنکسی که ابتدا کردی آفریدن مرا

وَذِكْرِي وَتَرْبِيَتِي وَتَغْذِيَتِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَ

و یاد کردن مرا و تربیت کردن مرا و غذا دادن مرا ببخش مرا برای ابتدا کردن کرمت برای

دَبَرِّي
و نیکی مرا

سَالِفِ بِرِّكَ بِي يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي اَتُرَاكَ مُعَذِّبِي

پیش که کرده بمن ای خدای من و آقای من و پروردگار من آیا می بینی خود را عذاب کننده مرا

بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي

باتش تو بعد از اقرار بیگانگی تو و بعد از آنچه پیچیده شده بر آن دل من

مِن معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده

از معرفت تو و گویا شد بآن زبان من از یاد تو و محکم کرده است آن را

ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي ودعائي

دل من از محبت تو و بعد از راستی اعتراف من و دعا کردن مرا

خاضعاً لربوبيتك هيهات انت اكرم من ان تضيع

از روی خضوع پروردگاری تو دور است این سخن تو کریمتری از آنکه ضایع گردانی

من ربيته او تبعد من ادنيته او تشرد من آويته

کسی را که تربیت کرده‌ای او را دور گردانی کسی را که نزدیک گردانیده‌ای او را یا برانی کسی را که جا داده‌ای او را

او تسلم الى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي

یا بگذاری بسوی بلا کسی را که دفع شر او کرده و رحم کرده‌ای او را و کاش میدانستم

والهي ومولاي اتسلط النار على وجوه خرت لعظمتك

ای بزرگ من و خداوند من آیا مسلط خواهی کرد آتش را بر رویهایی که در افتاده‌اند برو در نزد عظمت تو

ساجدة وعلى السن نطقت بتوحيدك صادقة

سجده کنندگان و بر زبانها که گویا شده‌اند بیگانگی تو راست گویان

وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بالهيتك

و بشکر تو مدح گویان و بر دلهایی که اعتراف کرده‌اند بخدایی تو

محققة وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت

از روی یقین و بر خاطرها که احاطه کرده‌اند از دانایی بتو تا آنکه گردیده‌اند

خاشعة وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك

با خشوع و بر عضوهایی چند که سعی کرده‌اند بسوی محلهای عبادت تو بطوع و رغبت

طائعة واشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا

و اشاره کرده‌اند بطلب آمرزش تو از روی اعتقاد نیست چنین

الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب

گمان ما بتو و خبر نداده‌اند ما را بفضل تو از تو ای صاحب کرم ای پروردگار

وانت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها

و تو میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلاهای دنیا و عقوبتهای آن

وما يجري فيها من المكاره على اهلها على ان ذلك

و آنچه جاری میشود در دنیا از مکروهات بر اهل آن تا آنکه این

بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير

بلائی و ناخوشی که اندک است ماندن و کمست بقای او و کوتاهست

مدته فكيف احتمالي لبلاء الاخرة وجليل وقوع

مدت او پس چگونه باشد تاب آوردن من بلای آخرت را و بزرگ واقع شدن ناخوشیها

المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم مقامه

که در آن میباشد و او بلائیست که دراز است مدت او و دایم است اقامت او

ولا يخفف عن اهله لانه لا يكون الا عن غضبك

و سبک نمیشود از اهل او زیرا که او نمیباشد مگر از غضب تو

وانتقامك وسخطك وهذا ما لا تقوم له السموات

و انتقام کشیدن تو و خشم تو و چنین مرضیست اند در برابر ایستادن آن آسمانها

والارض يا سيدي فكيف بي وانا عبدك الضعيف

و زمینها ای آقای من پس چگونه من تاب آورم و من بنده تو ناتوان

الذليل الحقير المسكين المستكين يا الهي وربي وسيدي
خوار بمقدار تنکدست شکسته کننده ای خدای من پروردگار من ای سید من
ومولاي لاي الامور اليك اشكوا ولما منها اضج و
و آقای من برای کدام یک از امور بسوی تو شکایت کنم و برای کدام یک از آن بخروشم
ابكي لاليم العذاب وشدته ام لطول البلاء ومدته
و بگریم برای عذاب دردناک و سختی آن یا برای درازی بلا و مدت او را
فلئن صيرتني في العقوبات مع اعدائك وجمعت
پس اگر بگردانی مرا در عقوبتها با دشمنان خود و جمع کنی میانه
بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني وبين احبائك
من و میانه اهل بلای خود و جدائی افکنی میانه من و میانه دوستان خود
واوليائك فهبني يا الهي وسيدي ومولاي وربي صبرت
و اولیای خود پس بخش مرا ای خدای من و بزرگ من و آقای من و پروردگار من که صبر کردم
على عذابك فكيف اصبر على فراقك وهبني صبرت على
بر عذاب تو پس چگونه صبر کنم بر مفارقت تو و بخش مرا که صبر کردم بر
حر نارك فكيف اصبر الى النظر الى كرامتك ام كيف عن
گرمی آتش تو پس چگونه صبر کنم بر محرومی از نظر کردن بسوی کرامت تو یا چگونه
اسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك يا سيدي
ساکن شوم در آتش در حال آنکه امید من عفو کردن تست پس بعزت تو ای آقای من
ومولاي اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا لاضجن اليك
و صاحب اختیار من قسم میخورم براستی اگر واگذاری مرا سخن گو هر آینه خروش آورم بسوی تو

بين اهلها ضجيج الآملين ولاصرخن اليك صراخ
میانه اهل دوزخ خروش امیدواران و ناله کنم بسوی تو ناله
المستصرخين ولابكين عليك بكاء الفاقدين و
استغاثه کنندگان و هر آینه بگریم از محرومی رحمت تو گریستن آنانکه دوست خود را گم کرده باشند
لانادينك اين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال
و البته فریاد برآورم ترا که کجائی تو ای دوست و کارساز مومنان ای نهایت آرزوهای
العارفين يا غياث المستغيثين يا حبيب قلوب
عارفان ای فریادرس یاری جویان ای دوست دلهای
الصادقين ويا اله العالمين افتراك سبحانك
راستگویان و ای خداوند عالمیان آیا یافته میشوی تو تنزیه میکنیم ترا
يا الهي وبحمدك تسمع فيها صوت عبد مسلم
ای خداوند من و بحمد تو مشغولم که بشنوی در جهنم صدای بنده مسلمانی
سجن فيها بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصيته
که در زندان باشد بسبب مخالفت آن و چشیده باشد مزه عذاب آنرا بنافرمانی خود
وحبس بين اطباقها بجرمه وجريرته وهو يضج
و حبس کرده باشند او را در میان طبقات دوزخ بجرم و جنایت او و او خروش میکشید
اليك ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك بلسان
بسوی تو خروش کسی که امیدوار رحمت باشد و ندا کند ترا بزبان
اهل توحيدك ويتوسل اليك بربوبيتك يا مولاي
یگانه پرستان تو و توسل جوید بسوی تو بپروردگاری تو ای آقای من

فكيف يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك

پس چگونه باقی ماند در عذاب تو و او امید دارد آنچه پیش رفته است از بردباری تو

ورأفتك أم كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك

ورحمتك — و رحم کردن تو

و مهربانی تو یا چگونه بدرد آورده آنرا آتش و او امید دارد فضل تو و رحمت ترا

أم كيف يحرقه لهيبها وأنت تسمع صوته وترى

یا چگونه بسوزد آنرا زبانه آتش و تو شنوی صدای آنرا و ببینی

مكانه أم كيف يشتمل عليه زفيرها وأنت تعلم

جای آنرا یا چگونه مشتمل شود بر آن زبانهای صاحب صدای آنرا تو میدانی

ضعفه أم كيف يتغلغل بين أطباقها وأنت تعلم

ناتوانی آنرا یا چگونه مضطرب باشد در میان طبقات جهنم و تو دانی

صدقه أم كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك

راستگوئی آنرا یا چگونه زجر نماید آنرا زبانیهٔ جهنم آن و او ندا میکند ترا

يا ربه أم كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه

ای پروردگار من یا چگونه امید دارد فضل ترا در آزاد کردن او از جهنم پس خواهی گذاشت او را

فيها هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف من

در آن دور است اینجا و چنین گمان نیست بتو شناخته شده است از

فضلك ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من برك

فضل تو و نه شبیه است مر آنچه معامله کرده بآن با یگانه پرستان از نیکی تو

وإحسانك فباليقين أقطع لولا ما حكمت به من

و احسان تو پس بیقین قطع دارم اگر نه آن بود که حکم کرده آن که

تعذيب جاحديك وقضيت به من إخلاد معانديك

عذاب کنی منکران خداوندی خود را و مقرر کرده‌ای که همیشه در جهنم داری معاندان خود را

لجعلت النار كلها بردا وسلاما وما كانت لأحد

هر آینه میگردانیدی آتش را همه سرد و سلامت و نبود احدی را

فيها مقرا ولا مقاما لكنك تقدست أسماؤك

در آن محل قراری و نه جای اقامتی لیکن تو که مقدس است نامهای تو

أقسمت أن تملأها من الكافرين من الجنة والناس

قسم یاد کرده که پر کنی جهنم را از کافران از جنیان و مردمان

أجمعين وأن تخلد فيها المعاندين وأنت جل ثناؤك

همه و آنکه همیشه بداری معاندان را و تو بزرگست ستایش تو

قلت مبتديا وتطولت بالإنعام متكرما أفمن

گفته ابتدا کننده و بخشش کرده بنعمت دادن کرم کننده آیا پس کسی که

كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون إلهي و

بود مؤمن مانند کسی است که بود فاسق یکسان نیستند ای خدای من و

سيدي فأسألك بالقدرة التي قدرتها و

آقای من پس سؤال میکنم از تو بتقدیری که مقدر کرده آنرا و

بالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه

بحکمی که واجب حکم کرده آنرا و حکم کرده آنرا و غالب شده بر کسی که آن حکم

أجريتها أن تهب لي في هذه الليلة وفي هذه الساعة

جاری کرده آنکه ببخشی بمن در این شب و در این ساعت

كُلَّ جُرْمٍ اَجْرَمْتُهُ وَكُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ قَبِيحٍ اَسْرَرْتُهُ
هر گناهی که کسب کرده‌ام آنرا و هر ذنبی که مرتکب شده‌ام آنرا و هر کار بدی که پنهان کرده‌ام آنرا
وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ اَوْ اَعْلَنْتُهُ اَخْفَيْتُهُ اَوْ اَظْهَرْتُهُ
و هر نادانی که بعمل آورده‌ام آنرا پنهان کرده‌ام آنرا یا آشکارا خواه مخفی کرده باشم آنرا خواه هویدا
وَكُلَّ سَيِّئَةٍ اَمَرْتَ بِاِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ
و هر بدی که امر کرده نوشتن آن را بزرگواران نویسندگان که
وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ
موکل کرده آنها را که حفظ کنند آنچه صادر شود از من و کرده ایشان را گواهان بر من
مَعَ جَوَارِحِي وَكُنْتَ اَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ وَ
با اعضای من که گواه بودی تو مطلع بر من از بعد ایشان و
الشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ اَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ
گواه آنچه پنهان است از ایشان و برحمت تو پنهان کردی آنرا و بفضل خود
سَتَرْتَهُ وَاَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُهُ اَوْ
پوشانیدی آنرا و آنکه فراوان گردانی بهره مرا از هر نیکی که فرود فرستی آنرا یا
اِحْسَانٍ تُفَضِّلُهُ اَوْ بِرٍّ تَنْشُرُهُ اَوْ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ اَوْ
احسانی که تفضل نمائی آنرا یا خوبی که پهن کنی آنرا یا روزی که گشاده گردانی آنرا یا
ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ اَوْ خَطَاٍ تَسْتُرُهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ
گناهی که بیامرزی آنرا یا خطائی که بپوشانی آنرا ای پروردگار من
يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكَ رِقِّي يَا مَنْ بِيَدِهِ
ای خدای من و آقای من و صاحب اختیار من و مالک بندگی من ای آنکه بدست اوست

٣

٢
اسألك
سوال میکنم ترا

نَاصِيَتِي يَا عَلِيمًا بِضُرِّي وَمَسْكَنَتِي يَا خَبِيرًا بِفَقْرِي وَ
پیشانی من ای دانا ببدحالی من و بیچارگی من ای مطلع بر فقر و
فَاقَتِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَاَعْظَمِ
احتیاج من ای پروردگار من بحق تو و پاکی تو و بزرگترین
صِفَاتِكَ وَاَسْمَائِكَ اَنْ تَجْعَلَ اَوْقَاتِي فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
صفات تو و نامهای تو آنکه بگردانی اوقات مرا در شب و روز
بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَاَعْمَالِي
بیاد خود آبادان و بخدمت تو پیوند شده و اعمال مرا
عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ اَعْمَالِي وَاَوْرَادِي كُلُّهَا
نزد خود پسندیده تا بوده باشد کارهای من و وردهای من همه
وِرْدًا وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا يَا سَيِّدِي
یک ورد و حال من در خدمت تو پیوسته ای آقای من
يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي يَا مَنْ اِلَيْهِ شَكَوْتُ اَحْوَالِي يَا رَبِّ
ای آنکه براوست اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت کردم احوال خود را ای پروردگار
يَا رَبِّ يَا رَبِّ قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَاشْدُدْ عَلَى
من تو استوار گردان بر خدمت خود اعضای مرا و سخت کن بر
الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَهَبْ لِيَ الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَالدَّوَامَ
عزم پهلوهای خود دل مرا و ببخش مرا جد در ترس تو و مداومت
فِي الْاِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّى اَسْرَحَ اِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ
در متصل بودن بخدمت تو تا روان شوم بسوی تو در میدانهای

السابقين وأسرع إليك في المبادرين وأشتاق

پیشروان و شتابنده‌ام بسوی تو در پیشی گیرندگان و مشتاق گردم

إلى قربك في المشتاقين وأدنو منك دنو المخلصين

بسوی قرب تو در میان مشتاقان و نزدیک شوم بسوی تو نزدیک شدن مخلصان

وأخافك مخافة الموقنين وأجتمع في جوارك مع المؤمنين

و بترسم از تو ترسیدن صاحبان یقین و گرد آیم در همسایگی قرب تو با مؤمنان

اللهم ومن أرادني بسوء فأرده ومن كادني فكده

خداوندا و هرکه اراده کند مرا به بدی پس اراده کن آن را و هرکه مکر کند بمن پس مکر کن او را

واجعلني من أحسن عبادك نصيباً عندك وأقربهم

و بگردان مرا از نیکوترین بندگانت در بهره نزد تو و نزدیکترین ایشان

منزلة منك وأخصهم زلفة لديك فإنه لا ينال ذلك

در منزلت نزد تو و مخصوص‌ترین در قرب نزد تو ... نرسید باین مرتبه

إلا بفضلك وجد لي بجودك واعطف علي بمجدك

مگر بفضل تو و بخشش کن برای من بجود خود و مهربان کن بر من بزرگواری تو و

احفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجاً وقلبي

نگاه دار مرا برحمت خود و بگردان زبان مرا بیاد خود گویا و دل مرا

بحبك متيماً ومن علي بحسن إجابتك وأقلني عثرتي و

بدوستی خود بیتاب و منت نه بر من به نیکی اجابت خود و درگذر از لغزش من و

اغفر زلتي فإنك قضيت على عبادك بعبادتك وأمرتهم

بیامرز گناه مرا پس بدرستی که تو حکم کرده بر بندگان خود به بندگی خود و امر کرده ایشان را

بدعائك وضمنت لهم الإجابة يا رب نصبت وجهي و

بدعای خود و ضامن شده برای ایشان مستجاب کردن ای پروردگار من بازداشته‌ام روی خود را و

إليك يا رب مددت يدي فبعزتك استجب لي دعائي

بسوی تو ای پروردگار من کشیده‌ام دست خود را پس بعزت تو سوگند میدهم که مستجاب کن از من

وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني

و برسان مرا آرزوی خود و قطع مکن از فضل خود امید مرا و دور کن

شر الجن والإنس من أعدائي يا سريع الرضا اغفر

بدی جنیان و آدمیان از دشمنان من ای زود خشنود شونده بیامرز

لمن لا يملك إلا الدعاء فإنك فعال لما تشاء يا من اسمه

کسی را که از دست او نمی‌آید جز دعا پس بدرستی که تو کننده آنچه میخواهی ای آنکه نام او

دواء وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم من رأس

دوای دردهاست و یاد او شفای بیماریها و فرمان برداری او سبب توانگریست رحم کن کسی را که سر

ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا دافع

مایه اش امید است و حربه اش گریستن ای تمام کننده نعمت ای دفع کننده

النقم يا نور المستوحشين في الظلم يا عالماً لا

عذابها ای روشنی وحشت یافتگان در تاریکیها ای دانایی که

يعلم صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما أنت أهله

نیاموخته است کسی درود بفرست بر محمد و آل محمد و بکن بمن آنچه تو سزاوار آن

وصلى الله على رسوله والأئمة الميامين من آله

و درود فرستاد خدا بر رسول خود و پیشوایان صاحب میمنت از آل او

اعمال آخر ماه شعبان

وسلّم تسليماً مطلب پنجم دربیان اعمال آخر ماه شعبان اول از حضرت
رسالت و سلام فرستاد سلام فراوان امام رضا منقولست که هرکه سه روز
آخر ماه شعبان را روزه بدارد و بماه مبارک رمضان وصل نماید حق تعالی
روزه دو ماه متوالی برای او بنویسند دویم ابوالصلت هروی روایت کرده است
[illegible] شعبان بخدمت امام رضا رفتم حضرت فرمود که ای ابوالصلت اکثر
[illegible]ن رفت و این جمعه آخر آنست پس تدارک وتلافی کن در آنچه ازین ماه مانده است
[illegible]یرها را که در ایام گذشته اسیاه کرده و بر تو باد که روآوری بر آنچه نافع است
برای تو در آخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید بسیار بکن و توبه
کن [illegible] حق تعالی از گناهان خود تا آنکه چون ماه مبارک رمضان درآید خالص گردانیده
باشی خود را [illegible] مگذار در گردن خود امانت و حق کسی را مگر آنکه ادا کنی
و مگذار در دل کینه کسی را مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکردی
مگر آنکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکارا و هر که بر خدا
توکل کند بس است او را و بسیار بخوان در بقیه این ماه این دعا را اللّهمّ
اِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنا فيما مَضىٰ مِنْ شَعْبانَ فَاغْفِرْ لَنا
فيما بَقِيَ مِنْهُ بدرستی که حق تعالی در این ماه آزاد میگرداند بندهای
بسیار از آتش جهنم برای حرمت ماه مبارک رمضان سیوم بسند
معتبر منقولست که حضرت صادق ع در شب آخر ماه شعبان و شب اول رمضان
این دعا را میخواندند اَللّهُمَّ اِنَّ هذَا الشَّهْرَ الْمُبارَكَ الَّذي اَنْزَلْتَ
فيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ هُدىً لِلنّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الْهُدىٰ
وَالْفُرْقانِ قَدْ حَضَرَ فَسَلِّمْنا فيهِ وَسَلِّمْهُ لَنا وَتَسَلَّمْهُ

مِنّا في يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ يا مَنْ اَخَذَ الْقَليلَ وَشَكَرَ الْكَثيرَ
اِقْبَلْ مِنّي الْيَسيرَ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ لي اِلىٰ كُلِّ
خَيْرٍ سَبيلاً وَمِنْ كُلِّ ما لا تُحِبُّ مانِعاً يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ
يا مَنْ عَفىٰ عَنّي وَعَمّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئاتِ يا مَنْ لَمْ يُؤاخِذْني
بِارْتِكابِ الْمَعاصي عَفْوَكَ عَفْوَكَ يا كَريمُ اِلهي
وَعَظْتَني فَلَمْ اَتَّعِظْ وَزَجَرْتَني عَنْ مَحارِمِكَ فَلَمْ اَنْزَجِرْ فَما
عُذْري فَاعْفُ عَنّي يا كَريمُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ اَللّهُمَّ اِنّي
اَسْئَلُكَ الرّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسابِ عَظُمَ
الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يا اَهْلَ
التَّقْوىٰ وَيا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ عَفْوَكَ عَفْوَكَ اَللّهُمَّ اِنّي
عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ اَمَتِكَ ضَعيفٌ فَقيرٌ اِلىٰ
رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ مُنْزِلُ الْغِنىٰ وَالْبَرَكَةِ عَلَى الْعِبادِ قاهِرٌ
مُقْتَدِرٌ اَحْصَيْتَ اَعْمالَهُمْ وَقَسَمْتَ اَرْزاقَهُمْ وَجَعَلْتَهُمْ
مُخْتَلِفَةً اَلْسِنَتُهُمْ وَاَلْوانُهُمْ خَلْقاً مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ لا
يَعْلَمُ الْعِبادُ عِلْمَكَ وَلا يَقْدِرُ الْعِبادُ قَدْرَكَ وَكُلُّنا
فُقَراءُ اِلىٰ رَحْمَتِكَ فَلا تَصْرِفْ عَنّي وَجْهَكَ وَاجْعَلْني
مِنْ صالِحِ خَلْقِكَ فِي الْعَمَلِ وَالْاَمَلِ وَالْقَضاءِ وَالْقَدَرِ
اِلهي اَبْقِني خَيْرَ الْبَقاءِ وَاَفْنِني خَيْرَ الْفَناءِ عَلىٰ مُوالاةِ
اَوْلِيائِكَ وَمُعاداةِ اَعْدائِكَ وَالرَّغْبَةِ اِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ
مِنْكَ وَالْخُشُوعِ وَالْوَفاءِ وَالتَّسْليمِ لَكَ وَالتَّصْديقِ

والوفاء

بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعِ سُنَّةِ رَسُولِكَ اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي
مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ بَذَخٍ اَوْ
بَطَرٍ اَوْ خُيَلَاءَ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ
اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْيَانٍ اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ
فَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ اَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ اِيمَانًا بِوَعْدِكَ وَوَفَاءً
بِعَهْدِكَ وَرِضًا بِقَضَائِكَ وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً
فِيمَا عِنْدَكَ وَاَثَرَةً وَطُمَاْنِينَةً وَتَوْبَةً نَصُوحًا اَسْئَلُكَ
ذٰلِكَ يَا رَبَّ الْعٰلَمِينَ اِلٰهِي اَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصٰى فَكَاَنَّكَ
لَمْ تَرَ وَمِنْ كَرَمِكَ وَجُودِكَ تُطَاعُ فَكَاَنَّكَ لَمْ تُعْصَ وَ
اَنَا وَمَنْ لَمْ يَعْصِكَ سُكَّانُ اَرْضِكَ فَكُنْ عَلَيْنَا بِالْفَضْلِ
جَوَادًا وَبِالْخَيْرِ عَوَّادًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ صَلٰوةً دَائِمَةً لَا تُحْصٰى وَلَا تُعَدُّ وَلَا يَقْدِرُ
قَدْرَهَا غَيْرُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واما نمازهای مخصوص شبهای
مبارک رجب و شعبان و رمضان وارد شده است واما عوض آن نمازها بحضرت
رسول ص و حضرت امیرالمؤمنین ع و حضرت فاطمه زهرا و جعفر طیار رحم نوبت
بجا آورد بهتر است اول نماز حضرت رسول ص آن دو رکعت است و در هر رکعت
فاتحه یکمرتبه و انا انزلناه پانزده نوبت و در رکوع و سجود پانزده مرتبه و همچنین
در هر سر برداشتن از رکوع و هر سجود انا انزلناه پانزده مرتبه بخواند دویم
نماز حضرت امیرالمؤمنین ع و آن چهار رکعت است هر دو رکعت بیک سلام بعد از حمد
قل هو الله احد پنجاه نوبت بخواند سیوم نماز حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و آن

و دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد انا انزلناه صد بار و در رکعت دویم بعد از حمد
قل هو الله احد صد بار بخواند و دعاهائی که مخصوص نمازهاست و بعد ازین مذکور میشود
ان شاء الله تعالی چهارم نماز جعفر طیار است که در اعمال شب جمعه ذکر شد در تمام
سال این نمازها سنت است خصوصا در این شبهای سه ماه مبارک بهتر است فصل
سیوم در بیان مجملی از فضایل ماه مبارک رمضان است و در آن هفت مطلب است

اعمال ماه مبارک رمضان

مطلب اول در بیان فضیلت این ماه مبارک باید دانست که ماه رمضان
ماه خداوند عالمیان است و شریفترین ماههاست چنانچه بسند معتبر از
حضرت امام رضا روایت کرده است که حضرت رسول ص در آخر ماه شعبان خطبه
خواندند و فرمودند ایها الناس بدرستی که رو کرده است بسوی شما ماه خدا با برکت
و آمرزش و ماهی است که نزد خدا بهترین ماههاست و روزهایش بهترین روزهاست
و شبهایش بهترین شبهاست و ساعتهایش بهترین ساعتهاست آن ماهیست که
خوانده اند شما را در آن بسوی ضیافت خدا و گردیده اید در آن از اهل کرامت خدا
نفسهای شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد و
عملهای شما در آن مقبول است و دعای شما در آن مستجاب پس سؤال کنید از
پروردگار خود بنیتهای درست و دلهای پاکیزه از گناهان و صفات ذمیمه که
توفیق دهد شما را برای روزه داشتن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستی
که شقی و بد عاقبت کسی است که محروم گردد از آمرزش خدا درین ماه عظیم و یاد
کنید بگرسنگی و تشنگی شما درین ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت و تصدق
کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید پیران خود را و رحم کنید کودکان
خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نگاه دارید زبانهای خود را از آنچه نباید

گفت و بپوشید دیدهای خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی او و بازدارید
گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم
تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان
خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای خود را بدعا در اوقات نمازهای خود
زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتهاست نظر میکند حق تعالی درین اوقات برحمت بسوی
بندگان خود و جواب میگوید ایشان را هرگاه او را مناجات کنند و لبیک میگوید
ایشان را هرگاه او را ندا کنند و مستجاب میگرداند هرگاه او را دعا کنند ای گروه
مردمان بدرستی که جانهای شما در گرو کردهای شماست پس از گرو بدر آورید آنها را بطلب
آمرزش از خدا و پشتهای شما گرانبار است از گناهان شما پس سبک گردانید
آنها را بطول دادن سجدها و بدانید که حق تعالی سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب
نکند نمازگذارندگان و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را باتش جهنم در روز قیامت
ایها الناس هر که از شما افطار نماید روزه دار مؤمنی را درین ماه از برای او خواهد بود
نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند
یا رسول الله همه ما قدرت برین نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش جهنم با فطار
فرمودن روزه داران اگرچه بنصف دانه خرما باشد اگرچه بیک شربت آب باشد
بدرستی که خدا این ثواب را میدهد کسی را که چنین کند اگر قادر بر زیاده از آن نباشد
ایها الناس هر که خلق خود را درین ماه نیکو گرداند بر صراط بگذرد در روزی که قدمها در
آن لغزد و هر که سبک گرداند درین ماه خدمت غلام و کنیز خود را حق تعالی در قیامت
حساب او را آسان گرداند و هر که درین ماه شر خود را از مردم باز دارد حق تعالی
غضب خود را از او باز دارد و هر که درین ماه یتیم بی پدری را گرامی دارد خدا تعالی

او را در قیامت گرامی دارد و هر که درین ماه صله و احسان کند با خویشان خود خدای تعالی
وصل کند او را برحمت خود در قیامت و هر که درینماه قطع احسان خود از خویشان
خود بکند خدای تعالی در قیامت قطع رحمت خود را از و بکند و هر که نماز سنتی در
اینماه بکند حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم بنویسد و هر که درینماه نماز
واجبی را ادا کند حق تعالی عطا کند باو ثواب هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر
کرده شود و هر که درینماه بسیار صلوات فرستد بر من و آل من حق تعالی سنگین گرداند
ترازوی عمل او را در روزی که ترازوهای اعمال سبک باشد و کسی که یک آیه از قرآن
درینماه بخواند ثواب کسی داشته باشد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها
الناس بدرستی که درهای بهشت درینماه گشاده است پس سؤال کنید از پروردگار
خود که بروی شما نبندد و درهای جهنم درینماه بسته است از حق تعالی سؤال کنید
که بر شما نگشاید و شیاطین را درینماه غل میکنند پس سؤال کنید از حق تعالی
که هرگز بر شما مسلط نگرداند فرمود ایها الناس هر که وارد شود برو ماه رمضان پس
روزه دارد روز آنرا و بایستد بنماز و عبادت قدر مقرری از شب آنرا و نماز
در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت بنماز جمعه آن نماید و بنماز عید آن حاضر شود
پس دریافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فایز میگردد بجایزها و بخششهای
بزرگ حق تعالی و بخششهای او مانند بخششهای بندگان نیست و احادیث در فضیلت
اینماه بسیار است درین رساله مجملی ذکر شد **مطلب دویم** در بیان حقیقت روزه
است و آنچه در آن معتبر است **اول** بدانکه روزه باز داشتن خود است از چیزی چند
که روزه را میشکند از طلوع تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق **دوم** در اینها
قصد کند ترک همه را از برای رضای حق تعالی ظاهرا کافی باشد تا بهتر آنست که

ذکر حقیقت روزه

٥

۱۰۱ الچه متیقن باشد وجوب ترک آنها قصد کند بعنوان وجوب و آنچه خلافی باشد ترک آنها
کند احتیاطا و آنچه بید غدغه مکروه باشد قصد ترک آنها کند مستحبا و اگر قصد ترک
جمیع محرمات را ضم کند بهتر است و اما آنها که واجبست ترک آنها کردن اول
چیزی خوردن و آشامیدن است و چیزی که خوردن و آشامیدن او متعارف و معتاد باشد
در آن خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو میشود اگر بعنوان
معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد باشد مانند آنکه در دماغ یا گوش بچکاند چیزی را و بحلق
داخل شود محل خلافست و همچنین خلافست در خوردن و آشامیدن چیزی چند
که معتاد مردم نباشد خوردن و آشامیدن آنها مانند سنگ و چوب و خاک و گیاهها
و آب فشرده از گیاهها غیر معتاد و اظهر آنست که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب
از آن واجبست و احوط آنست که اگر بعنوان معتاد باشد و بکند قضا و کفاره بعمل آورد
سیوم جماع کردن در قبل زن است مطلق خواه انزال بشود و خواه نشود و فعل او
موجب قضا و کفاره میشود بخلاف و جماع در دبر زن هرگاه انزال بشود روزه را
باطل میکند قضا و کفاره لازم میشود چهارم باقی ماندنست بر جنابت تا صبح و اشهر و
اقوی آنست که مبطل است و موجب قضا و کفاره است اگر زن حایض پاک شود پیش
از صبح غسل کند و اگر نکند احوط آنست که غسل کند بعد از صبح و آن روز را روزه
بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط آنست که تیمم بکند و تیمم را
نشکند تا صبح شود و خواب اول بعد از جنابت در حالی که نیت غسل کردن داشته
باشد و احتمال بیدار شدن دهد جایز است و مشهور آنست که اگر تا صبح بیدار
قضای آن روز بر آن ذات نیست و بعضی واجب دانسته اند و اگر خواب تا صبح
غسل نداشته باشد برادر قضا و کفاره لازم است و بدانکه در روزهای دیگر غیر ماه مبارک

٦٠١ رمضان نیز خلافست که آیا باید که صبح را پاک دریابد یا نه و حق اینست که در قضای ماه
رمضان میباید صبح جنب نباشد و در غیر آن احوط آنست که اگر صبح ظاهر شد
و واجب معین نباشد آن روز را روزه ندارد و اگر معین باشد آن روز را روزه بدارد
و قضا نیز بکند اما اگر عمداً کرده باشد دور نیست که کفاره در کار نباشد و اگر بدهد احوط است
و در روزه سنت اگر بر جنابت عمداً بماند تا صبح و پیش از زوال غسل کند و نیت
روزه بکند بگمان فقیر روزه اش صحیح است و در واجب معین اگر عمداً نیت را
ترک کند و پیش از زوال نیت کند مشهور آنست که روزه اش باطلست و قضا
میکند و کفاره واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال نیت
میتواند کرد و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد و اگر چه قضای ماه
رمضان باشد و در روزه سنت اگر در شب نیت نکرده باشد و مفطری بعمل نیاورده
باشد تا اول زوال نیت میتواند کرد پنجم رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و
بعضی آنرا موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی قضای تنها و احوط اجتناب است حتی از
دود تنباکو ششم استمنا است یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن با حصول آن و موجب
قضا و کفاره است و مشهور آنست که هرگاه ملامسه و ملاعبه کند و انزال شود روزه
باطل میشود و قضا و کفاره لازمست هفتم قی کردنست عمداً و اکثر موجب قضای تنها
میدانند و بعضی قضا و کفاره هر دو واجب میدانند و وجوب قضای تنها خالی از قوتی
نیست و مشهور آنست که هرگاه قی بی اختیار آید بر آن قضائی نیست هشتم
حقنه است و احوط آنست که بدون ضرورت حقنه بمایع نکند و اگر بکند قضا بکند
و اشهر و اقوی آنست که چکانیدن دوا در گوش موجب فساد صوم نمیشود و سعوط در بینی
هرگاه تعدی بحلق نکند ایضا اقوی آنست که جایز است و بعضی موجب قضا و کفاره

دانسته اند و اگر بحلق رسد احوط اجتناب است نهم دروغ گفتن بر خدا و رسول خدا و ائمه هدی
صلوات الله علیهم است با آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلافی واقع بگوید بلکه کسی که
اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد مسئله بگوید در حرمت او شکی نیست و اگر بگوید قضا
کند و کفاره بدهد دهم فرو بردن سر است در آب و اظهر حرمت است و عدم وجوب قضا
و کفاره و بعضی گفته اند که اگر سر را با آب فرو برد تا گردن و بدن بیرون آب باشد
باز حکم ارتماس دارد و این احوط است و در روزه سنت نیز سر را با آب فرو نبرد و بعضی
تجویز کرده اند و احوط ترک است یازدهم بلغمی که از سینه برآید یا از دماغ فرود آید فرو
بردن او و علما را سه قول است اول جواز ابتلاع آنچه بیرون می آید از سینه یا دماغ که
از دهن منفصل نشود و عدم جواز آن قسم دیگر دوم جواز ابتلاع هر دو قسم دماغ
که بدهن نرسد و تحریم ابتلاع هر دو هرگاه بدهن برسد سیوم جواز کشیدن از سینه
و سر و جواز فرو بردن دماغ که از دهن جدا نشود و جمعی حکم بفساد کرده اند و بعضی
بقضای تنها قایل شده اند و بعضی کفاره را نیز واجب میدانند و بعضی بکفاره قایل
شده اند و گمان فقیر آنست که هیچیک لازم نمیشود اما احتیاط آنست که بعد از آنکه
بفضای دهن بیاید فرو نبرد دوازدهم مشهور میان علما آنست که مکروه است
زن روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته هرگاه تا کمر در آب بنشیند
قضا بر او لازم است و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و اول اظهر است و در جواید
قنه زنان و مصطکی و آب آن را فرو برد بعضی حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند
و اظهر جواز است و مشهور میان علما آنست که اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست
بلکه اگر شک هم داشته باشد جایز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر
معلوم شود که صبح بوده است آنوقت که خورده یا آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد و خورده باشد

قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده خورده باشد قضا واجب است و کفاره واجب نیست
و اگر کسی مضمضه کند جهت وضوی نماز واجب و آب بی اختیار بحلق او رود قضا
بر او واجب نیست و اگر جهت نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او واجب است و اگر بجز
مضمضه کند و آب بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته اند و این احوط است و
اظهر عدم وجوب است مطلقا و در روایتی وارد شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه
آب دهان بیندازد و این احوط است مطلب سیوم در بیان تنبیهات و آداب روزه

ذکر تنبیهات روزه

است مکروه است روزه دار را بوسیدن زنان و دست بیدن ایشان مالیدن و
دست بازی کردن با ایشان و اقرب آنست که کراهیت مخصوص بصورتیست که
اینها محرک شهوت او باشد و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه است
بچشم کشیدن چیزی که از آن طعمی یا بوی باشد که بحلق رسد یا در آن مشکی باشد و مشهور
کراهیت بیرون آوردن خون است از بدن که باعث ضعف شود و در حجامت
احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که مضعف باشد و مکروه است
بوئیدن گلها خصوصا نرجس و بهتر آنست که مشک را هم نبوید و سایر بویهای خوش
مکروه نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق ع منقولست که طلب تحفه صایم است
و فرموده که هر روزه دار که در اول روز خود را خوشبو کند عقلش زایل نگردد
و مشهور و اقوی آنست که بوئیدن رایحه غلیظ مفطر نیست و بعضی گفته اند بوئیدن
رایحه غلیظ که بجوف رسد موجب قضا و کفاره میشود و احوط است که بوی خوش سائیده
که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه در روایتی وارد شده است و مکروه است که صایم جامه که
ملاصق بدنست تر کند و مکروه است زن صایمه که در آب نشیند چنانچه گذشت و
از حضرت صادق ع منقولست که هرگاه روزه داری باید که روزه باشد گوش و چشم تو

و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو از محرمات بلکه از مکروهات هم باید روز روزه
تو مانند روز افطار تو نباشد فرمود که روزه نه همین از خوردن و آشامیدن است تنها بلکه
باید در روز روزه نگاه دارید زبان خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای خود را
از حرام و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند
دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید
و بیخردی مکنید و دلتنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید
از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راستگو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب از
گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن
و سخن چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت دانید و منتظر فرج و ظهور قایم آل محمد
باشید و آرزومند ثوابهای آخرت باشید و توشه از اعمال صالحه برای سفر آخرت
بردارید و بر شما باد بآرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت
بنده که از آقای خود ترسد ترسان باشید از عذاب خدا و امیدوار رحمت او باشید
رحمت او باید پاک باشد ای روزه دار دل از عیبها و باطن تو از حیلها و مکرها و
پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوی بسوی خدا از آنچه غیر اوست
و در روزه ولایت خود را خالص گردانی از برای او و خاموش باشی از آنچه
حق تعالی نهی کرده است ترا از آن در آشکار و نهان و بترسی از خداوند قهار آنچه
سزاوار ترسیدن اوست در پنهان و آشکار و ببخشی روح و بدن خود را بخدای
عز و جل و در ایام روزه دل خود را فارغ گردانی از برای محبت او و یاد او و بدن
خود را بکار فرمائی در آنچه خدا ترا امر کرده است بآن و خوانده است بسوی آن اگر همه
اینها بعمل آمده و فرموده خدا را اطاعت کرده و آنچه کم کنی از آنها که بیان کردم

از برای تو بقدر آن از روزه او تو کم میشود از فضل آن و ثواب آن بدرستی که پدرم [illegible]
که رسول خدا شنید که زنی در روز روزه جاریه خود را دشنام داد آنحضرت طعام
طلبید و آنزن را فرمودند که بخور زن گفت من روزه ام آنحضرت فرمود چگونه روزه
داری و جاریه خود را دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستی که
حق تعالی روزه را حجابی گردانیده است از سایر امور قبیحه از کردار بد و گفتار بد چه بسیار
کم اند روزه داران و چه بسیار اند گرسنگی کشندگان و حضرت امیر المؤمنین فرمود
چه بسیار روزه داری که بهره نیست او را از روزه بغیر تشنگی و گرسنگی و چه بسیار
عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادت بغیر تعب خوشا حال زیرکان که بهتر از
بیداری عبادت احمقانست و خوشا افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن
بیخردانست زیرا که خواب مقربان چون بنیت صحیح و قلب طاهر واقع شود از جمله عبادات
ایشانست بلکه ارواح ایشان در عالم قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص مؤمنان
محشور میگردند و بر اسرار غیب برؤیای صادقه مطلع میگردند و راهی از راههای ایشانست
و افطار خردمندان چون از روی دانائیست بوجهی که حق تعالی خواسته افطار
مینمایند بهتر است از روزهای احمقان که روزه را دستگاه خودفروشی خود کرده اند
و بریا و عجب ممزوج میگردانند و بشرایط صوم عمل نمیکنند **مطلب چهارم** در بیان
آداب دخول ماه مبارک رمضان است و مستحبست طلب هلال و بعضی واجب
دانسته اند و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هرگاه خواهی بدانی که غره ماه
رمضان چه روز است پس ببین که پانزدهم ماه ذیحجه الحرام که پنجروز از عید قربان
گذشته باشد چه روز است پس البته روز اول ماه مبارک همان روز است مثلا
اگر پنجروز بعد از عید قربان روز شنبه باشد غره رمضان المبارک نیز شنبه خواهد
بود و قس علی هذه القیاس و از حضرت صادق منقولست که چون هلال ماه

[illegible]

مبارک رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله کن و دستها بسوی حق تعالی
بلند کن و خطاب کن بهلال و بگو رَبِّي وَرَبُّكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِينَ اَللّٰهُمَّ
اَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارِعَةِ
اِلٰى مَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هٰذَا وَ
ارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ
وَفِتْنَتَهُ و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است که پیش ازین ذکر شد و در شب کافر
اول ماه رمضان جماع با حلال خود سنت است و از حضرت صادق ع منقول است
که هر که غسل کند در شب اول ماه در نهر جاری و سه کف آب بر سر بریزد با طهارت
معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و آنحضرت فرمود که هر که در شب اول رمضان
غسل کند خارش بدن در آن سال با و نرسد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است
که فرمود بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا بدرستی که دعا دفع میکند
بلا را از شما و استغفار محو میکند گناهان شما را و زیارت حضرت امام حسین ع
در شب اول ماه سنت است و از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب اول ماه
رمضان یا شب میان یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان او بریزد مانند
برگ درختان و از گناه بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده است و ثواب
حج و عمره حق تعالی او را عطا کند و ایضاً از آنحضرت منقولست که هر که در شب اول
سوره انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد و ایضاً
از آنحضرت منقولست که هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت نماز بجا آورد
و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و سؤال کند حق تعالی کفایت شر و
از او بکند و او را کفایت کند از آنچه میترسد و حفظ کند او را از بیماریها و
دردها و نماز را نشسته میتوان کرد و سوره را از روی قرآن میتوان خواند

واگر در شب اول ماه نیت روزه تمام ماه بکند و از هر شب نیت کند بهتر است
و در روز اول ماه سنت است که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بر سر بریزد و
آنحضرت فرموده است که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها
در تمام سال ایمن باشد و ایضاً از آنحضرت منقول است که هر که در روز اول ماه کفی
از گلاب بر رو بریزد از خواری و پریشانی نجات یابد و اگر هر روز بریزد در آن روز از
بلاها ایمن گردد و هر یک کف از گلاب در روز اول ماه بر سر ریزد در آن سال از مرض
سرسام ایمن گردد و ایضاً از آنحضرت منقول است که چون ماه مبارک داخل مومنی
میشد رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ
دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ
فِيهِ الْقُرْاٰنَ وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ
اَللّٰهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَاَعِنَّا عَلٰى صِيَامِهِ
وَصَلَوَاتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا و در شب اول یا روز اول دعای صحیفه کامله را
بخوانند که بهترین دعاهاست مطلب پنجم در بیان اعمال هر شب و هر روز ماه مبارک
از حضرت صادق ع و کاظم ع منقولست که بعد از هر نماز در ماه مبارک این دعا بخوانند
يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ اَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي
لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَهٰذَا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ
وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي
فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ
فِيهِ الْقُرْاٰنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ
وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ اَلْفِ
شَهْرٍ فَيَا ذَا الْمَنِّ وَلَا يُمَنُّ عَلَيْكَ مُنَّ عَلَيَّ بِفِكَاكِ رَقَبَتِي

مِنَ النَّارِ فِيمَنْ تَمُنُّ عَلَيْهِ وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
و دعای بسیار خوبیست و اقلا شبی یکمرتبه بخوانند و ایضا بسند صحیح منقول است
که هرکه در هر شب ماه مبارک این دعا بخواند گناه چهل ساله آمرزیده شود اَللّٰهُمَّ
رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْاٰنَ وَافْتَرَضْتَ
عَلٰى عِبَادِكَ فِيهِ الصِّيَامَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ
ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ
وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا
رَحْمٰنُ يَا عَلَّامُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ و ایضا در هر شب ماه مبارک
دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت بعد از فاتحه قل هو الله سه بار بخواند
و چون سلام دهد بگوید سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِيظٌ لَا يَغْفُلُ سُبْحَانَ
مَنْ هُوَ رَحِيمٌ لَا يَعْجَلُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو و بعد از
آن هفت بار بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
وَاللهُ اَكْبَرُ و سه بار بگوید سُبْحَانَكَ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ
الْعَظِيمَ و ده بار صلوات فرستد و هفتاد مرتبه استغفار کند که باعث
آمرزش گناهان میشود و ایضا هر شب هزار مرتبه سوره انا انزلناه
سنت است خواندن و صد مرتبه سوره حم الدخان اگر میسر شود و سحور خوردن
در سحر هر شب ماه مبارک رمضان مستحبست و از حضرت رسول صلعم منقول است
که ترک نکنند امت من سحور خوردن را اگرچه بیک دانه خرمای بوده باشد و ایضا
از آنحضرت منقولست که حق تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر آنها که استغفار
میکنند در سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه بیک شربت آب باشد و بهترین
سحورها [illegible] است و خرما اما در بیان افطار از حضرت صادق منقول است

که هرکه سوره انا انزلناه در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در ما بین این دو
حالت ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون
خود غلطیده باشد و گفته اند که اگر نیت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است
و از اول شب تا آخر شب نیت میتوان کرد و اما آداب افطار سنت است
که اول نماز شام را بکند و بعد از آن افطار کند مگر آنکه جمعی انتظار او برند
یا آنکه گرسنگی یا تشنگی بر او غالب باشد که مانع حضور قلب او باشد در نماز
که در اینصورت افطار را مقدم داشتن بهتر است و از حضرت رسول صلعم
منقول است که هرکه در وقت افطار بگوید يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اَنْتَ اِلٰهِي
لَا اِلٰهَ لِي غَيْرُكَ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ اِنَّهُ لَا
يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ اِلَّا الْعَظِيمُ از گناهان بیرون آید مانند
روزی که از مادر متولد شده است و از امام حسن ع منقول است که هر روزه
دار را در وقت افطار دعای مستجابی هست پس باید در لقمه اول بگوید بِسْمِ اللهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي و در روایت معتبر
منقول است که حضرت امیر المؤمنین ع در وقت افطار بدو زانو می نشستند
و چون خوان را میگذاشتند میگفتند اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلٰى رِزْقِكَ
اَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و در احادیث
معتبر وارد شده است که حضرت رسالت پناه صلعم در وقت افطار ابتدا بحلوا میفرمودند
و اگر نمییافتند به نبات و یا قند یا خرما و اگر حاضر نبود با آب نیمگرم افطار میکردند
و میفرمودند که آب نیمگرم پاک میکند معده را و قوت میدهد حدقه را و بینائی
زیاده میکند و گناهان را میشوید و عروق را ساکن میگرداند و صفرای غالب را
فرو مینشاند و قطع میکند بلغم را و اطفای حرارت میکند و صداع را برطرف

میکند و ایضاً از آنحضرت منقول است که هرکه بر خرمای حلال افطار کند ثواب
نمازش چهارصد برابر مضاعف گردد و در حدیث دیگر حضرت امیر المؤمنین ع
فرموده است دوست میداشت که افطار فرماید بشیره و از امام رضا ع منقول است
که هرکه در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی حق تعالی گناهان او را بیامرزد
و ثواب یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامهٔ عمل او نوشته
شود و بهترین اعمال در روزها و شبهای ماه مبارک تلاوت قرآنست و بسیار
باید خواند چون قرآن در این ماه نازل شده است و در ماههای دیگر در ماهی یک ختم
سنت است و در ماه مبارک هر سه روز یک ختم سنت است و اگر هر روز یک ختم
تواند کرد خوبست و در حدیث است که بعضی از ائمه ع در اینماه چهل ختم و
زیاده میکرده اند و اگر هر ختمی را ثوابش بر روح مقدس امامی از ائمه ع و رسول ص
و فاطمهٔ زهرا ع هدیه کند ثوابش مضاعف میگردد و صلوات بر محمد و آل او
بسیار فرستاد و استغفار بسیار باید کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت
[illegible] های شب و روز را ترک نباید کرد و در شبهای طاق ماه مبارک غسل
سنت است خصوصاً در [illegible] اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم
و بیست و سیوم و در دههٔ آخر در شبهای جفت نیز غسل سنت است خصوصاً
شب آخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه مبارک در هر شب غسل [illegible]
و اما در بیان دعای هر شب و هر سحر و روز ماه مبارک و آنها بسیار است
و در این رساله قدری ذکر میشود و بسند معتبر بلکه صحیح از حضرت صادق ع منقول است
که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا [illegible] انند اللهم انی اسالك
ان تجعل فیما تقضی و تقدر من الامر المحتوم فی الامر
الحکیم من القضاء الذی لا یرد و لا یبدل ان تک[illegible]

من حجاج بیتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعیهم
المغفور ذنوبهم المكفر عن سیئاتهم و ان تجعل فیما
تقضی و تقدر ان تطیل عمری فی خیر و عافیة
و توسع فی رزقی و تجعلنی ممن تنتصر به لدینك و لا
تستبدل بی غیری و اما در بیان دعاهای سحر ماه مبارک بسند بسیار
معتبر وارد شده است که حضرت امام رضا ع فرمود که این دعائیست که حضرت
محمد باقر ع در سحرها میخواندند و میفرمودند که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را
نزد حق تعالی و سرعت اجابت آنرا هر آینه بشمشیر برای طلب این دعا با یکدیگر
قتال کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم حق سبحانه و تعالی در این دعاست
راست گفته ام پس چون این دعا بخوانید باهتمام تمام بخوانید با تضرع
و زاری و از غیر اهلش پنهان دارید اللهم انی اسالك من
بهائك بابهاه و كل بهائك بهی اللهم انی اسئلك
ببهائك كله اللهم انی اسئلك من جمالك باجمله و كل جمالك
جمیل اللهم انی اسئلك بجمالك كله اللهم انی اسالك
من جلالك باجله و كل جلالك جلیل اللهم انی اسالك
بجلالك كله اللهم انی اسئلك من عظمتك باعظمها
و كل عظمتك عظیمة اللهم انی اسالك بعظمتك
كلها اللهم انی اسالك من نورك بانوره و كل نورك
نیر اللهم انی اسئلك من رحمتك باوسعها و
كل رحمتك واسعة اللهم انی اسالك برحمتك كلها
اللهم انی اسالك من كلماتك باتمها و كل كلماتك [illegible]

اللهم اني اسئلك بكلماتك كلها اللهم اني اسألك من
كمالك باكمله وكل كمالك كامل اللهم اني اسألك بكمالك
كله اللهم اني اسألك من اسمائك باكبرها وكل
اسمائك كبيرة اللهم اني اسئلك باسمائك كلها اللهم
اني اسألك من عزتك باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم
اني اسئلك بعزتك كلها اللهم اني اسئلك من مشيتك
بامضاها وكل مشيتك ماضية اللهم اني اسألك
بمشيتك كلها اللهم اني اسئلك من قدرتك بالقدرت
التي استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة
اللهم اني اسألك بقدرتك كلها اللهم اني اسئلك
من علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم اني اسئلك
بعلمك كله اللهم اني اسئلك من قولك بارضاه وكل
قولك رضي اللهم اني اسئلك بقولك كله اللهم اني
اسئلك من مسائلك باحبها اليك وكل مسائلك اليك
حبيبة اللهم اني اسئلك بمسائلك كلها اللهم اني
اسئلك من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم
اني اسئلك بشرفك كله اللهم اني اسئلك من سلطانك
بادومه وكل سلطانك دائم اللهم اني اسألك
بسلطانك كله اللهم اني اسئلك من ملكك بافخره
وكل ملكك فاخر اللهم اني اسئلك بملكك كله اللهم
اني اسئلك من علوك باعلاه وكل علوك عال

اللهم اني اسئلك بعلوك كله اللهم اني اسئلك من
منك باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسئلك بمنك
كله اللهم اني اسألك من اياتك باكرمها وكل اياتك
كريمة اللهم اني اسئلك باياتك كلها اللهم اني اسألك
بما انت فيه من الشأن والجبروت اللهم واسئلك
بكل شأن وحده وجبروت وحدها اللهم اني اسئلك
بما تجيبني حين اسئلك فاجبني يا الله پس هر حاجت که خواهد
از حق تعالی بطلبد که البته برآورده است وايضا مختصرترين دعاهای
سحر
انت يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك
فزعت وبك استغثت وبك لذت لا الوذ بسواك ولا
اطلب الفرج الا منك فاغثني وفرج عني يا من يقبل اليسير
ويعفوا عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عني الكثير
انك انت الغفور الرحيم اللهم اني اسئلك ايمانا
تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم انه لن يصيبني
الا ما كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا
ارحم الراحمين يا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي
ويا وليي في نعمتي ويا غايتي في رغبتي انت الساتر
عورتي والامن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي
خطيئتي يا ارحم الراحمين واما دعاهای هر روز ماه مبارک بسیار
و در این رساله قدری از آن ذکر میشود بسند معتبر منقولست که حضرت امام
زين العابدين و امام محمد باقر صلوات الله عليهما در هر روز ماه مبارک این دعا

ميخوانند اللهم هذا شهر رمضان الذي انزلت فيه
القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان
وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام وهذا شهر
الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة
وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة وهذا شهر فيه
ليلة القدر التي هي خير من الف شهر اللهم فصل على محمد
وال محمد واعني على صيامه وقيامه وسلمه لي و
سلمني فيه واعني عليه بافضل عونك ووفقني فيه لطاعتك
وطاعة رسولك واوليائك صلوات الله عليهم وفرغني فيه
لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك وعظم لي فيه
البركة واحسن لي فيه العاقبة واحرز لي فيه التوبة
واصح لي فيه بدني واوسع فيه رزقي واكفني فيه ما اهمني
واستجب فيه دعائي وبلغني فيه رجائي اللهم صل
على محمد وال محمد واذهب عني فيه النعاس والكسل و
والفترة السامة والفترة والقسوة والغفلة وجنبني فيه العلل
والاسقام والهموم والاحزان والاعراض والامراض
والخطايا والذنوب واصرف عني فيه السوء والفحشاء
والجهد والبلاء والتعب والعناء انك سميع الدعاء
اللهم صل على محمد وال محمد واعذني فيه من الشيطان
الرجيم وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته
وتثبطه وبطشه وكيده ومكره وحبائله وخدعه

وامانيه وغروره وفتنته وشركه واحزابه واتباعه وأشياعه
واوليائه وشركائه وجميع مكائده اللهم صل على محمد
وال محمد وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ الامل
فيه وفي قيامه واستكمال ما يرضيك عني صبرا
واحتسابا وايمانا ويقينا ثم تقبل ذلك مني بالاضعاف
الكثيرة والاجر العظيم يا رب العالمين اللهم
صل على محمد وال محمد وارزقني الحج والعمرة و
الجد والاجتهاد والقوة والنشاط والانابة والتوبة
والتوفيق والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة
والتضرع والخشوع والرقة والنية الصادقة و
صدق اللسان والوجل منك والرجاء لك والتوكل
عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح
القول ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة
ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا
غم ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان بل بالتعاهد والتحفظ
لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك ووعدك برحمتك
يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد واقسم
لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه
افضل ما تعطي اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة
والتحنن والاجابة والعفو والمغفرة الدائمة و العافية
المعافاة والعتق من النار والفوز بالجنة وخير

١٠٦ الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل دعائي
فيه إليك واصلا ورحمتك وخيرك إلي فيه نازلا و
عملي فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا
حتى يكون نصيبي فيه الأكبر وحظي فيه الأوفر اللهم
صل على محمد وآل محمد ووفقني فيه لليلة القدر
على أفضل حال تحب أن يكون عليها أحد من أوليائك
وأرضاها لك ثم اجعلها لي خيرا من ألف شهر و
ارزقني فيها أفضل ما رزقت أحدا ممن بلغته إياها
وأكرمته بها واجعلني فيها من عتقائك من جهنم و
طلقائك من النار وسعداء خلقك بمغفرتك ورضوانك
يا أرحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا
في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما
تحب وترضى اللهم رب الفجر وليال عشر والشفع
والوتر ورب شهر رمضان وما أنزلت فيه من القرآن
ورب جبرئيل وميكائيل وإسرافيل وجميع الملائكة
المقربين ورب إبراهيم وإسمعيل وإسحق ويعقوب
ورب موسى وعيسى وجميع النبيين والمرسلين ورب
محمد خاتم النبيين صلواتك عليه وآله وعليهم أجمعين
وأسئلك بحقك عليهم وبحقك العظيم عليهم لما صليت وبحقهم عليك
عليه وآله وعليهم أجمعين ونظرت إلي نظرة رحيمة
ترضى بها عني رضا لا سخط علي بعده أبدا وأعطيتني

جميع سؤلي ورغبتي وأمنيتي وإرادتي وصرفت عني ما
أكره وأخاف وأحذر وأخاف على نفسي وما لا أخاف
عن أهلي ومالي وإخواني وأخواتي وذريتي اللهم إليك
فررنا من ذنوبنا فآونا تائبين وتب علينا مستغفرين
واغفر لنا متعوذين وأعذنا مستجيرين وأجرنا مستسلمين
ولا تخذلنا راهبين وآمنا راغبين وشفعنا سائلين
وأعطنا إنك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم أنت ربي
وأنا عبدك وأحق من سئل العبد ربه ولم يسئل
العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين
ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث المستغيثين
ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ملجأ الهاربين ويا
صريخ المستصرخين ويا رب المستضعفين ويا كاشف
كرب المكروبين ويا فارج هم المهمومين ويا كاشف
كرب المكروبين العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا أرحم
الراحمين صل على محمد وآل محمد واغفر لي ذنوبي و
عيوبي وإساءتي وظلمي وجرمي وإسرافي على نفسي و
ارزقني من فضلك ورحمتك فإنه لا يملكها غيرك
واعف عني واغفر لي كلما سلف من ذنوبي واعصمني
فيما بقي من عمري واستر علي وعلى والدي وولدي
وقرابتي وأهل حزانتي ومن كان مني بسبيل من المؤمنين
والمؤمنات في الدنيا والآخرة فإن ذلك كله بيدك

وانت واسع المغفرة فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد
دعائي ولا يدي الى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي
جميع ما سألتك وتزيد لي من فضلك فانك على كل شيء قدير
ونحن اليك راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى و
الامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك باسمك
بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة
تنزل الملائكة والروح فيها ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء و
احسانی في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي
يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضا بما
قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني حسنة
عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه الليلة تنزل
الملائكة والروح فيها فأخرني الى ذلك وارزقني فيها
ذكرك وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك فصل
على محمد وآل محمد بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين
يا احد يا صمد يا رب محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار
عترته واقتل اعدائهم بددا واحصهم عددا ولا تدع
على ظهر الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن
الصحبة يا خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البدي
البديع الذي ليس كمثله شيء والدائم غير الغافل
والحي الذي لا يموت انت كل يوم في شان انت خليفة

محمد وناصر محمد اسئلك ان تنصر وصي محمد وخليفته ومفضل محمد
والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك عليه وعليهم
اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت
صل على محمد وآل محمد واجعلني معهم في الدنيا والآخرة
واجعل عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم
الراحمين وكذلك نسبت نفسك يا سيدي باللطيف
بلى انك لطيف لما تشاء فصل على محمد وآل محمد
والطف لي انك لطيف لما تشاء اللهم صل على محمد
وآل محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا هذا وفي
كل عام وتطول علي بجميع حوائجي للدنيا والآخرة پس بگوید علي
استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي قريب
مجيب استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي رحيم
ودود استغفر الله ربي واتوب اليه انه كان غفارا
اللهم اغفر لي انك انت ارحم الراحمين رب اني عملت
سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي ذنوبي انه لا يغفر الذنوب
الا انت استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
الحليم العظيم العليم الكريم الغفار للذنب العظيم
واتوب اليه استغفر الله ان الله كان غفورا رحيما سه مرتبه
بگوید اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر العظيم المحتوم
في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني لا يرد

مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ
الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ وَاَنْ تَجْعَلَ
فيما تَقْضي وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطيلَ عُمْري وَتُوَسِّعَ رِزْقي وَ
تُؤَدّي عَنّي اَماناتي اٰمينَ يا رَبَّ الْعالَمينَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي (و دینی)
فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْني مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ
لا اَحْتَسِبُ وَاحْرُسْني مِنْ حَيْثُ اَحْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ لا
اَحْتَرِسُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً كَثيراً

(ذکر صلوات ماه مبارک و روز جمعه)

وایضاً مستحب است که این صلوات را در هر روز ماه مبارک و در
روز جمعه در تمام سال بخوانند اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ يُصَلّونَ
عَلَى النَّبِيِّ يا اَيُّهَا الَّذينَ اٰمَنوا صَلّوا عَلَيْهِ وَسَلِّموا تَسْليماً
لَبَّيْكَ يا رَبِّ وَسَعْدَيْكَ وَسُبْحانَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيْتَ وَ
بارَكْتَ عَلى اِبْراهيمَ وَآلِ اِبْراهيمَ اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ
اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ كَما رَحِمْتَ عَلى اِبْراهيمَ وَآلِ
اِبْراهيمَ اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ كَما سَلَّمْتَ عَلى نوحٍ فِي الْعالَمينَ اَللّٰهُمَّ امْنُنْ عَلى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما مَنَنْتَ عَلى موسى وَهارونَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما هَدَيْتَنا بِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْموداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْاَوَّلونَ
وَالْاٰخِرونَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما طَرَفَتْ عَيْنٌ اَوْ بَرَقَتْ
عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما طَرَفَتْ عَيْنٌ اَوْ ذَرَفَتْ عَلى مُحَمَّدٍ

(اللهم صل علی محمد و آل محمد کلما طلعت شمس او غربت)

وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما ذُكِرَ السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما سَبَّحَ اللّٰهَ
مَلَكٌ اَوْ قَدَّسَهُ اَلسَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كُلَّما طَلَعَتْ شَمْسٌ اَوْ
غَرَبَتْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْاَوَّلينَ
اَلسَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْاٰخِرينَ اَلسَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ اَلسَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ
اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقامِ وَرَبَّ
الْحِلِّ وَالْحَرامِ اَبْلِغْ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً وَآلِهِ عَنَّا السَّلامَ اَللّٰهُمَّ
اَعْطِ مُحَمَّداً مِنَ الْبَهاءِ وَالسُّرورِ وَالنَّضْرَةِ وَالْكَرامَةِ
وَالْغِبْطَةِ الْوَسيلَةَ وَالْمَنْزِلَةَ وَالْمَقامَ وَالشَّرَفَ وَ
الرِّفْعَةَ وَالشَّفاعَةَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَفْضَلَ ما
تُعْطي اَحَداً مِنْ خَلْقِكَ وَاَعْطِ مُحَمَّداً فَوْقَ ما تُعْطي
الْخَلائِقَ مِنَ الْخَيْرِ اَضْعافاً كَثيرَةً لا يُحْصيها غَيْرُكَ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَطْيَبَ وَاَطْهَرَ وَاَزْكى
وَاَنْمى وَاَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْاٰخِرينَ
وَعَلى اَحَدٍ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْاٰخِرينَ وَعَلى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يا
اَرْحَمَ الرّاحِمينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِيٍّ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَوالِ مَنْ (و وصی رسول رب العالمین)
والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ شَرِكَ
في دَمِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ
السَّلامُ وَالْعَنْ مَنْ اٰذى نَبِيَّكَ فيها اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ اِمامَيِ الْمُسْلِمينَ وَوالِ مَنْ والاهُما وَعادِ مَنْ
عاداهُما وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ شَرِكَ في دَمِهِما اَللّٰهُمَّ

صل على علي ابن الحسين امام المسلمين و وال من والاه وعاد
من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على
محمد بن علي امام المسلمين و وال من والاه وعاد من عاداه
وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على جعفر بن
محمد امام المسلمين و وال من والاه وعاد من عاداه و
ضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على موسى ابن
جعفر امام المسلمين و وال من والاه وعاد من عاداه و ٢٠
ضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على علي بن
موسى امام المسلمين و وال من والاه وعاد من عاداه وضاعف
العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على محمد بن علي
امام المسلمين و وال من والاه وعاد من عاداه وضاعف
العذاب على من ظلمه اللهم صل على علي بن محمد امام
المسلمين و وال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب
على من ظلمه اللهم صل على الحسن بن علي امام المسلمين
و وال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على
من ظلمه اللهم صل على الخلف من بعده امام المسلمين
و وال من والاه وعاد من عاداه وعجل فرجه اللهم صل
على القاسم والطاهر ابني نبيك اللهم صل على رقية و ام كلثوم ابراهيم
بنت نبيك والعن من آذى نبيك فيها اللهم صل على ام كلثوم بنتي
بنت نبيك والعن من آذى نبيك فيها اللهم صل على
ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك في اهل بيته اللهم

٣

مكّن لهم في الارض اللهم اجعلنا من عددهم و مددهم و اشياعهم
انصارهم على الحق في السر والعلانية اللهم اطلب
بذحلهم و وترهم و دمائهم وكف عنا وعنهم وعن
كل مؤمن و مؤمنة بأس كل باغ وطاغ وكل دابة انت
آخذ بناصيتها انك انت اشد بأسا واشد تنكيلا
و در اقبال و در بعضی از نسخهای دیگر دعا از حضرت علی ابن الحسین تا امام
حسن عسکری بجای على من ظلمه چنین است که على من شرك في دمه طاب
مطلب ششم در اعمال شبها و روزها و شیخ مفید علیه الرحمه نقل کرده است ذکر اعمال مختصر شب و روز
که در روز ششم ابن مامون خاین ملعون با حضرت امام رضا بیعت کرد و
روایت کرده اند که هرکه در آن روز دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از
حمد بیست و پنجمرتبه سوره قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق آن
حضرت را ادا کرده خواهد بود و زیارت آنحضرت در این روز مستحبست که در
اعمال روز عاشورا ذکر میشود انشاء الله تعالی و در شب سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
نمازی که در اعمال رجب ذکر شد بگذارند و غسل و زیارت حضرت امام حسین
در این سه شب مستحبست و بروایت معتبر از حضرت صادق منقول است
که هرکه در شب نصف ماه مبارک زیارت حضرت امام حسین بکند و بعد از
نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بکند و در هر رکعتی بعد از حمد ده مرتبه
قل هو الله احد بخواند نمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که بشارت دهند
او را ببهشت و ملکی چند را که ایمن گردانند او را از جهنم و شب هفدهم نیز
شب مبارکیست در آن شب لشکر حضرت رسول با لشکر کفار قریش ملاقات
کردند در بدر و در روزش جنگ بدر شد و حق تعالی لشکر آنحضرت را ظفر داد و

آن اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت در آن شب فضیلت عظیم دارد و شب
نوزدهم اول شبهای قدر است و حق تعالی میفرماید انا انزلناه فی لیلة القدر
یعنی ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که نزد حق تعالی قدر و منزلت
عظیم دارد یا تقدیر امور سال در این شب میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری نزول
ملائکه و ما ادراک ما لیلة القدر و چه چیز ترا اعلام کرد ترا که چه چیز است
شب قدر لیلة القدر خیر من الف شهر شب بهتر است از هزار ماه
یعنی عبادت در آن بهتر است از عبادت هزار ماه تنزل الملائکة والروح
فیها فرود می آیند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است در این شب باذن
ربهم برخصت پروردگار ایشان من کل امر بسبب تقدیر هر امری در احادیث
بسیار وارد شده است که ملائکه و روح در این شب بر امام زمان نازل میشوند و هر چه
از برای هر کس در این شب مقدر شده است بر امام عرض میکنند سلام هی
حتی مطلع الفجر یعنی سلامتی است این شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام
میکنند بر امام و بر مومنان که در این شب عبادت میکنند تا طلوع صبح
و میان سنی و شیعه در شب خلاف بسیار هست و اما علمای شیعه امامیه
اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیوم بیرون نیست
و در بعضی احادیث معتبره منقولست که آنشب جهنی است و او اعرابی بود بحضرت
رسول عرض کرد که منزل من دور است از مدینه میخواهم شبی را از برای من تعیین
کنی که بهترین شبها باشد که در آن شب بخدمت تو برسم آنحضرت شب بیست و سیوم را
برای او تعیین فرمودند و آن پیوسته در آن شب با خیل و اهل و خدم و حشم خود
داخل مدینه میشد و چون صبح میشد برمیگشت و از بعضی احادیث ظاهر میشود
که هر سه شب قدر اند و در شب اول تقدیر امور میشود و در شب دوم بکثرت دعا

عبادت ممکن است بعضی تغییر بیابد و در شب سیم ختم میشود و تغییر نمییابد یا بسیار کم
تغییر میپیابد بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییرش
آسان است بعد از آن ثبت دفتر میشود و تغییرش دشوار است اما تا بمهر مهر آثار
مزین نگردیده باز ممکن است تغییر بیابد و چون بمهر اشرف رسد بمنزله ختم است
و تغییرش در غایت صعوبت است و حق تعالی را حکمتها در ابهام بعضی از امور
هست مانند اسم اعظم که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین
نمازهاست و ساعت استجابت در هر شب و در هر روز جمعه و عمل مقبول در میان
اعمال و امثال اینها و یکی حکمت در مبهم ساختن اینها آنست که بر همه اسمای مقدسه
الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همه نمازها بکنند و در همه ساعات شب و روز
جمعه دعا بکنند و سعی در همه اعمال خیر بکنند یکی مقبول گردد و همچنین در
شب قدر و شبهائی که احتمال آن دارد که همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعضی
از اینها میتواند بود مثل آنکه اگر اسم اعظم را همه کس میدانند گاه باشد بعضی از نفوس
شریره آنرا وسیله حصول مطالب دنیه کنند چنانچه از بلعم نقل کرده اند
و همچنین شب قدر و ساعت استجابت اگر بخصوص آنها را بدانند ممکن است که امور
غیر مشروعه با ضررهای عظیم نسبت بعضی از مسلمانان دعا کنند و اگر بخصوص
دانند باید البته مستجاب گردد و حکمت دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر
بسیار است که گنجایش ذکر آنها ندارد پس مومن این سه شب را احیا کند و اهتمام
در عبادت و دعا بکند تا فضیلت شب قدر را دریابد و در دو شب آخر اهتمام بیشتر
بکند و اما در بیان اعمال شب قدر در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که هرکه احیا کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود هر چند بعدد
ستارگان آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد و اما اعمال [illegible]

ذکر اعمال شب قدر

بر دو نوع است اوّل آنکه در هر سه شب باید کرد دوّیم آنکه مخصوص است بهر شبی و امّا
اوّل از حضرت رسول منقولست که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد
در هر رکعتی بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد را بخواند و بعد از فارغ شدن
هفتاد مرتبه استغفر الله ربّی و اتوب الیه بگوید از جای خود بر
نخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادرش را بیامرزد و ملکی چند بفرستد که حسنات
برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی بفرستد بسوی بهشت که درختها برای
او غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای او جاری کردانند و از دنیا بیرون
نرود تا همه را مشاهده نماید و غسل در این سه شب سنّت موکّدست و غسل این
شبها را مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل بکند
و مستحبّست در این شبها که قرآن مجید را بدست بگیرد و بگشاید و این دعا را
بخواند اللّهمّ انّی اسألك بكتابك المنزل وما فيه وفيه
اسمك الاكبر واسمائك الحسنى وما يخاف ويرجى
ان تجعلني من عتقائك من النار وتقضي حوائجي
للدنيا والآخرة پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید که ان شاء الله
بر آورده است و این دعا از امام محمّد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام
منقولست که مصحف را بر سر گذارد و بگوید اللّهمّ بحقّ هذا القرآن
وبحقّ من ارسلته به وبحقّ كلّ مؤمن مدحته فيه وبحقّك
عليهم فلا احد اعرف بحقّك منك پس ده مرتبه بگو یا الله
و ده مرتبه بمحمّد و ده مرتبه بعلیّ و ده مرتبه بفاطمة و ده مرتبه
بالحسن و ده مرتبه بالحسین و ده مرتبه بعلیّ بن الحسین
و ده مرتبه بمح[illegible]ن علیّ و ده مرتبه بج[illegible] بن محمّد و ده مرتبه بموسی

بن جعفر و ده مرتبه بعلیّ بن موسی و ده مرتبه بمحمّد بن علیّ و ده مرتبه
بعلیّ بن محمّد و ده مرتبه بالحسن بن علیّ و ده مرتبه بالحجّة پس هر
حاجت که داری طلب کن و زیارت حضرت امام حسین ع در این شب سنّت
موکّدست و در این شب دعای جوشن کبیر خواندن مستحبّست و امّا اعمال
اعمال شب نوزدهم
مخصوص شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگوید استغفر الله ربّی و
اتوب اليه و صد مرتبه بگوید اللّهمّ العن قتلة امير المؤمنين
و این دعا بخواند اللّهمّ اجعل فيما تقضي وتقدّر من الامر
المحتوم وفيما تفرق من الامر الحكيم في ليلة القدر من
القضاء الذي لا يردّ ولا يبدّل ان تكتبني من حجّاج
بيتك الحرام المبرور حجّهم المشكور سعيهم المغفور
ذنوبهم المكفّر عنهم سيّئاتهم واجعل فيما تقضي و
تقدّر ان تطيل عمري وتوسّع عليّ في رزقي وتقدّر
لي في جميع اموري ما هو خير لي في دنياي وآخرتي يا
ارحم الراحمين پس حوایج خود را از حق تعالی طلب نماید و امّا شب بیست و
ذکر شب بیست و یکم
یکم فضیلتش زیاده از شب سابق است و غسل و اعمال سابقه را همه
بعمل آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنّت است و در این
دهه استجابت دعاست و بسند بسیار از امام موسی کاظم ع منقول است
که در شب بیست یکم و بیست و سیوم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعتی
بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد بخوان و در بعضی از روایات معتبره وارد
شده است که هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه بقل هو الله بعد از حمد
اکتفا نماید خوبست و احادیث بسیار در فضیلت این صد رکعت نماز وارد است

ودبایه که این صد رکعت غیر نافلهٔ شب صبح باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته
هم میتوان کرد و بهترین اعمال درین شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب
دنیا و آخرت خود و برادران مؤمن زنده و مردهٔ ایشان و اذکار و صلوات
بر محمد و آل محمد آنچه مقدور شود **واما در روز بیست و یکم** زیارت حضرت
امیرالمؤمنین ع در این روز سنت مؤکد است که بیاید بصحن کشاده در آید
و بجانب آنحضرت بانگشت اشاره کند بطرف نجف اشرف و بگوید السلام
علیک یا امیر المؤمنین السلام علیک یا حبیب الله السلام
علیک یا صفوة الله السلام علیک یا ولی الله السلام علیک
یا حجة الله السلام علیک یا امام الهدی السلام
علیک یا امام التقی السلام علیک یا ابا الحسن والحسین
السلام علیک یا عمود الدین السلام علیک یا سید
الوصیین وامین رب العلمین ودیان یوم الدین و
خیر المؤمنین وسید الصفوة من سلالة النبیین
باب حکمتک یا رب العلمین وخازن وحیک و
عیبة علمک الناصح لامة نبیک التالی لرسولک
والمواسی له بنفسه والناطق بحجته والداعی الی
شریعته والماضی علی سنته اللهم انی اشهد انه
قد بلغ عن رسولک ما حمل ورعی ما استحفظ و
حفظ ما استودع وحلل ~~ما استودع~~ حلالک وحرم
حرامک واقام احکامک وجاهد الناکثین فی سبیلک
القاسطین فی حکمک المارقین عن امرک صابرا

ع

محتسبا لا تأخذه فیک لومة لائم اللهم صل علی محمد وآله
افضل ما صلیت علی احد من اولیائک اللهم هذا قبر
ولیک الذی لدیک وقرب منزلته منک صل علی محمد
وآل محمد وافعل بی ما انت اهله فانک اهل الکرم و
الجود والسلام علیک یا مولای وعلی آدم ونوح ورحمة
الله وبرکاته یا مولای الیک وفودی وبک اتوسل
الی ربی فی بلوغ مقصودی واشهد ان المتوسل بک
غیر خائب والطالب بک عن معرفة غیر مردود الا
بقضاء حوائجه وتیسیر اموره وکشف شدته
وغفران ذنبه وسعة رزقه وتطویل عمره وعطاء
سؤله فی آخرته ودنیاه اللهم العن قتلة الحسن
والحسین اللهم العن قتلة الائمة وعذبهم
عذابا الیما لا تعذب به احدا من العالمین عذابا لا
انقطاع له ولا اجل ولا امد بما شاقوا ولاة امرک
واعد لهم عذابا لم تحله باحد من خلقک اللهم وادخل علی
قتلة انصار الحسن والحسین وقتلة من قتل من ولایة
آل محمد اجمعین عذابا الیما مضاعفا فی اسفل درک
الجحیم ولا یخفف عنهم العذاب وهم فیه مبلسون
ملعونون ناکسوا رؤوسهم عند ربهم قد عاینوا الندامة
والخزی العظیم الطویل لقتلهم عترة انبیائک ورسلک
واتباعهم من عبادک الصالحین اللهم العنهم فی

مُسْتَتِيرِ السِّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ فِي اَرْضِكَ وَسَمَائِكَ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ فِي اَوْلِيَائِكَ وَحَبِّبْ اِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ
وَمُسْتَقَرَّهُمْ حَتّٰى تُلْحِقَنِي بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا
وَالْاٰخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بعد از آن دو رکعت نماز زیارت بکن و
این زیارت نامه در سایر ایام سال نیز خوبست کردن و مستحبست در این روز نماز
بر آنحضرت منوبت بکن و آن چهار رکعتست بدو سلام در هر رکعت بعد از فاتحه
پنجاه مرتبه قل هو الله احد بخواند و اما شب بیست و سیوم اکثر احادیث معتبره دلالت
میکند بر آنکه آنشب قدرست و در آن دو غسل سنت است یکی در اول شب و
دیگری در آخر شب و حضرت صادق ع فرمود که شب بیست سیوم شب جهنی است
و در آن شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در آنشب مقدر میشود مرگها
و بلاها و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در آن سال واقع میشود تا شب قدر دیگر
پس خوشا حال کسی و بنده که احیا کند آنشب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در
رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود را در برابر دیدهای خود ممثل گرداند و بر
آنها بگرید چون چنین کند امید دارم که از فضیلت شب قدر محروم نگردد ان شاء الله
و آنحضرت فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر روز ماه مبارک در
در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که بخشیدم گناهان گذشته شما را
در شب قدر و شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول میکنم و دعاهای شما را در حق یکدیگر
مستجاب میگردانم مگر کسی که روزه افطار کند بر مست کننده یا کینه مؤمنی
در دل داشته باشد از آنحضرت منقول است که هر که سوره عنکبوت و روم را
در این شب بخواند والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمیکنم در آن ابدا
و نمیترسم که خدا تعالی در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد

اعمال روز بیست و سیوم

حق تعالی منزلت عظیم است و ایضا از آنحضرت بسند معتبر منقولست که هر که در
این شب مبارک هزار مرتبه انا انزلناه را بخواند هر آینه صبح با یقین شدید
باعتراف آنچه مخصوص ماست از کرامتها در این شب بسبب آنچه در خواب بیند
و سوره حم الدخان را نیز سنت است که در این شب بخواند و از حضرت امام محمد
تقی ع منقولست که هر که زیارت کند حضرت امام حسین ع را در این شب که امید شب قدر
در آن هست و در آن هر امری مقدر میشود مصافحه کند با او روح صد و بیست و چهار
هزار پیغمبر که همه در این شب رخصت میطلبند از حق تعالی در زیارت آنحضرت و
اعمال شبهای سابقه را همه بعمل آورد و دعای دهه آخر را بخواند و ایضا این دعا را
بخواند اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَاَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَاَصِحَّ
جِسْمِي وَبَلِّغْنِي اَمَلِي وَاِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ فَاكْتُبْنِي
مِنَ السُّعَدَاءِ فَاِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلٰى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ يَمْحُو اللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ
اُمُّ الْكِتَابِ و ایضا بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِكَ
نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اَوْ اَنْتَ مُنْزِلُهُ
مِنْ نُورٍ تَهْدِي بِهِ اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا اَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ
اَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَاكْتُبْ لِي مَا كَتَبْتَ لِاَوْلِيَائِكَ
الصَّالِحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا مِنْكَ الثَّوَابَ وَاٰمَنُوا بِرِضَاكَ وَدُفِعَ
عَنْهُمْ مِنْكَ الْعِقَابُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ
بِي ذٰلِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و هر مقدار از قرآن که ممکن باشد
در این شب بخواند و دعاهای صحیفه کامله را بخواند خصوصا دعای مکارم اخلاق
و دعای توبه و روزهای این شب را نیز باید حرمت داشت بعبادت و تلاوت

وتلاوت قرآن و دعا بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر
در فضیلت مثل شب قدر است **مطلب هفتم** در بیان اعمال دهه آخر ماه مبارک
و در شب بیست و چهارم نیز غسل سنت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل
سنت است و در شب بیست و هفتم نیز غسل بخصوصه وارد شده است و منقول است
که حضرت امام زین العابدین ع در این شب مکرر این دعا را میخواندند از اول شب
تا آخر شب اللّٰهمّ ارزقني التجافي عن دار الغرور والانابة
الى دار الخلود والاستعداد للموت قبل حلول الفوت
و در شب بیست و نهم نیز غسل مخصوص وارد شده است و همچنین در شب
آخر غسل سنت است و زیارت امام حسین ع و وداع ماه مبارک سنت است که از
برای اظهار آنکه روزه و عبادات این ماه مبارک بر ما گران و دشوار نبود و خواهان
او بودیم و از مفارقت او آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته است
و دعاهای وداع را در شب آخر سنت است خواندن و اگر در روز آخر نیز بخواند
خوب است و در حدیث است که اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست و نهم احتیاطاً
سنت است خواندن دعاهای وداع و دعاهای وداع بسیار است و بهترین دعاها
دعای صحیفه کامله است **واما دعاهای دهه آخر ماه مبارک** بسیار است بر همین
قدر اکتفا کردیم بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که آنحضرت در هر
شب از شبهای دهه آخر این دعا را میخواندند اللّٰهمّ انك قلت في كتابك
المنزل على نبيك صلى الله عليه وآله شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى
للناس وبينات من الهدى والفرقان فعظمت حرمة شهر
رمضان بما انزلت فيه من القرآن وخصصته بليلة
القدر وجعلتها خيرا من الف شهر اللّٰهمّ وهذه ايام

شهر رمضان قد انقضت ولياليه قد تصرمت وقد صرت
يا الهي منه الى ما انت اعلم به مني واحصى لعدده من
الخلق اجمعين فاسئلك بما سألك به ملائكتك المقربون وانبياؤك
المرسلون وعبادك الصالحون ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تفك رقبتي من النار وتدخلني الجنة برحمتك
وان تتفضل علي بالامن يوم الخوف من كل هول اعددته
يوم القيمة الهي واعوذ بوجهك الكريم وبجلالك
العظيم ان ينقضي ايام شهر رمضان ولياليه ولك
قبلي تبعة او ذنب تؤاخذني به او خطيئة تريد ان
تقتصها مني لم تغفرها لي سيدي سيدي سيدي
اسئلك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت ان كنت
رضيت عني في هذا الشهر فازدد عني رضا وان لم تكن رضيت
عني فمن الآن فارض عني يا ارحم الراحمين يا الله يا احد يا صمد
يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد پس بسیار میگفته
يا ملين الحديد لداود عليه السلم يا كاشف الضر والكرب
العظام عن ايوب عليه السلام اى مفرج هم يعقوب
عليه السلام اى منفس غم يوسف عليه السلم صل على
محمد وآل محمد كما انت اهله ان تصلي على محمد وآل محمد و
عليهم اجمعين وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله
وایضاً بسند معتبر از آنحضرت منقول است که در هر شب دهه آخر این دعا را میخواندند
اعوذ بجلال وجهك الكريم ان ينقضي عني شهر رمضان و

يَطْلَعُ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هٰذِهِ وَبَقِيَ لَكَ عِنْدِي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ
تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ يَوْمَ اَلْقَاكَ و از جمله چیزها که سنت است در شب آخر آزاد کردن بندها
زیرا که شبی است که حق تعالی بنده بسیار از آتش جهنم آزاد میکرداند هر گاه بنده ضعیف
فرومایه بندگان از قید رقیت آزاد کند امید هست که خداوند قادر بی‌زوال با او
وسعت و کمال او را از آتش جهنم آزاد کرداند نام او را از جراید عاصیان
محو نماید چنانچه منقول است که حضرت امام زین العابدین بندها را که در عرض
سال تحصیل مینمودند تا بیست نفر و زیاده و کم در شب آخر ماه مبارک آزاد مینمود
و میفرمود که شما ها را آزاد کردم با میدانکه خداوند رحیم از تقصیرات من درگذرد و مرا
از عذاب جحیم آزاد کند و چون روز عید میشد جایزهای عظیم بایشان می بخشید که
ایشان بی‌نیاز باشند از سوال کردن از مردم و میفرمود که حق تعالی در هر شب
ماه مبارک در هنگام افطار هفتاد هزار هزار کس را آزاد میکند از آنها که
مستوجب جهنم شده باشند و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه مبارک آزاد
کرده است آزاد میکند و آنحضرت هیچ غلامی و کنیزی را زیاده از یک سال خدمت نمیفرمود
و در روز عرفه نیز بندهای خود را آزاد میفرمودند و در روایتی وارد شده است
که در شب آخر سوره انعام و کهف و یس مستحبست که بخوانند و صد مرتبه بگوید استغفر
اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ **باب چهارم** در بیان اعمال لیالی و ایام متبرکه ماه شوال
و ذیقعده و ذیحجه و سایر ماهها است و اعمال این ماهها بسیار است و در این رساله قدری
از آنها ذکر میشود ان شاء الله تعالی و مغرور نشدن آدمی از اعمال خود و خواص سورهای
قرآن مجید و انتخاب چند از صحیفه کامله و غیره در هفت فصل ذکر میشود **فصل
اول** در بیان اعمال لیالی و ایام متبرکه ماه شوال در روز عید فطر است و شش از
لیالی شریفه است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار از

و در این فصل سه مطلب است **مطلب اول** از حضرت رسول منقولست که هر که احیا کند شب
عید را نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس میرند و از حضرت امام محمد باقر مرویست
که فرمودند که پدرم علی بن الحسین ع شب عید فطر را احیا میکردند بنماز تا صبح و در تمام
آنشب در مسجد میماند و میفرمود ای فرزندان این شب کمتر از شب قدر نیست و شخصی
بخدمت حضرت صادق عرض کرد که مردم میگویند که آمرزش نازل میشود بر کسی که
روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر آنحضرت فرمودند که کارمزد ایشان را نمیدهند مگر
بعد از فارغ شدن از کار و آن در شب عید است راوی گفت چکار سزاوار است
که در آنشب بکنیم آنحضرت فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل بکن و چون فریضه
مغرب و نافله آنرا بجا آوری دستها بسوی آسمان بلند کن و بگو يَا ذَا الْمَنِّ
وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرَهُ صَلِّ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَحْصَيْتَهُ وَهُوَ عِنْدَكَ
فِي كِتَابٍ مُبِينٍ پس بسجود برود و صد مرتبه بگوید اَتُوبُ اِلَى اللّٰهِ پس هر
حاجت که داری از حق تعالی طلب کن که ان شاء الله بر آورده است و بسند معتبر
منقولست که حضرت امیر المؤمنین در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند و در رکعت
اول بعد از حمد هزار مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دویم یکمرتبه میخواندند پس برکوع
و سجود میرفتند و بعد از سلام سر بسجده میگذاشتند و صد مرتبه میگفتند اَتُوبُ
اِلَى اللّٰهِ پس میفرمودند يَا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا
مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ پس حاجت
خود را از خدا میطلبیدند پس سر از سجود بر میداشتند و میفرمودند بحق خداوندی
که جانم بدست قدرت او است که هر که این نماز را بکند هر حاجت که از حق تعالی
بطلبد البته او را عطا کند و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد

خدا بیامرزد و بعد از نماز سنت است که این دعا را بخواند بسم الله الرحمن
الرحیم یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا الله یا ملك یا الله
یا قدوس یا الله یا سلام یا مهیمن یا الله یا عزیز یا الله
یا جبار یا الله یا متکبر یا الله یا خالق یا الله یا باری یا الله یا
مصور یا الله یا عالم یا الله یا عظیم یا الله یا کریم یا الله
یا حلیم یا الله یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله یا
قریب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا واحد یا الله
یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا قاضی یا الله یا سریع یا الله یا
شدید یا الله یا رؤف یا الله یا رقیب یا الله یا مجیب یا الله
یا جواد یا الله یا علی یا الله یا حفیظ یا الله یا محیط یا الله یا
سید السادة یا اول یا الله یا اخر یا الله یا ظاهر یا الله یا
باطن یا الله یا فاخر یا الله یا قاهر یا الله یا رباه یا الله یا
رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه
یا الله یا رباه یا الله یا ودود یا الله یا نور یا الله یا دافع
یا مانع یا الله یا فاتح یا الله یا نفاح یا الله یا جمیل یا الله
یا شهید یا الله یا شاهد یا الله یا فاطر یا الله یا مطهر یا
الله یا مالك یا الله یا مقتدر یا الله یا قابض یا الله یا باسط
یا الله یا محیی یا الله یا ممیت یا الله یا مجیب یا الله یا باعث
یا الله یا معطی یا الله یا مفضل یا الله یا منعم یا الله یا
حق یا الله یا مبین یا الله یا طیب یا الله یا محسن یا الله
یا باری یا الله یا بدیع یا الله یا هادی یا الله یا کافی یا الله

یا شافی یا الله یا علی یا الله یا حنان یا الله یا منان یا الله یا ذا
الطول یا الله یا متعالی یا الله یا عدل یا الله یا ذا المعارج
یا الله یا صادق یا الله یا دیان یا الله یا باقی یا الله یا ذا
الجلال والاکرام یا الله یا محمود یا الله یا صانع یا الله
یا مانع یا الله یا مکون یا الله یا فعال یا الله یا لطیف یا الله
یا جلیل یا الله یا غفور یا الله یا شکور یا الله یا نور یا الله یا
حنان یا الله یا قدیر یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله
یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا
رباه یا الله یا الله اسئلك ان تصلی علی محمد وآل
محمد وتمن علی برضاك وتعفو عنی بحلمك وتوسع
علی من رزقك الحلال الطیب من حیث احتسب ومن
حیث لا احتسب فانی عبدك لیس لی احد سواك ولا احد
اسئله غیرك یا ارحم الراحمین ما شاء الله لا قوة الا
بالله العلی العظیم پس سر بسجده میرود ومیگوید یا الله یا
الله یا رب یا الله یا رب یا الله یا رب یا الله یا منزل البرکات
الیك تنزل کل حاجة اسئلك بکل اسم فی مخزون
الغیب عندك والاسماء المشهورة عندك المکتوبة
علی سرادق عرشك ان تصلی علی محمد وآل محمد وان
تقبل منی شهر رمضان وتکتبنی فی الوافدین الی البیت
الحرام وتصفح لی عن الذنوب العظام وتستخرج یا رب
کنوزك یا رحمن وایضا در روایت دیگر بجای هزار مرتبه قل هو الله

صد مرتبه نیز وارد شده است وایضاً سنت است که بعد از نماز شام وخفتن وصبح
شب عید و نماز عیدین تکبیرات را بخوانند اَللهُ اَکْبَرُ اَللهُ اَکْبَرُ لا اِلهَ اِلاَّ
اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللهُ اَکْبَرُ عَلیٰ ما هَدانا مطلب
دویم در بیان فطر ماه مبارک پس زکوة فطر واجب مؤکد است وترکش با تحقق
شرایط وجوب گناه کبیره است وشرط قبول روزه ماه مبارک است چنانچه از حضرت
صادق منقولست که از تمامی روزه دادن زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوة
بر محمد وآل محمد از تمامی نماز است زیرا که هر که روزه بدارد وزکوة فطر ندهد روزه
او مقبول نیست هرگاه عمداً ترک کند واگر صلوات بر محمد وآل محمد را ترک کند در
تشهد نمازش مقبول نیست حق تعالی زکوة را پیش از نماز ذکر کرده است در آنجا که
فرموده است قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَکّیٰ وَذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّیٰ یعنی بتحقیق که
هر که رستگاری یافت زکوة فطر داد و پروردگار خود را یاد کرد بآن تکبیرات
که مذکور شد منقول است که هیچ مالی در دریا وصحرا تلف نمیشود مگر بندادن زکوة
وهمچنین فطره زکوة بدنست وبدن را پاکیزه میگرداند از بخل وسایر کثافات معنویه و
آنرا تا سال دیگر از بلاها حفظ میکند چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت صادق
با معتب وکیل خرج خود فرمود که برو وفطره جمیع عیالها وغلامان وکنیزان را بده
ویکی از ایشانرا ترک مکن که زکوة آنرا ندهی زیرا که اگر یکی را ترک کنی میترسم
تا عرض سال بمیرد وبدانکه زکوة فطر بر اطفال نابالغ ودیوانه وبنده واجب نمیشود
واگر نابالغ ودیوانه عیال دیگری باشند بر او واجبست که فطره ایشانرا بدهد
وزکوة بنده را آقا میدهد واشهر واقوی آنست که در شب عید زاید بر قوت
خود وعیال خود بقدر فطره داشته باشند بر او واجبست واظهر آنست که بر او
سنت است واگر فقیر یکی فطره را با عیال خود بدست بدست بگردانند وبعد از آن بفقیر

دیگر بدهند همه ثواب فطره را دارند وباید که غنی اخراج فطره کند از خود واز هر کس که
واجب النفقه او باشد بشرط آنکه عیال دیگری نباشد در شب فطره که اگر عیال دیگری شده
باشد بر او واجبست وهمچنین باید بدهد از هر کس که در خانه او باشد از مهمان و
غیر آن که آخر روز شب فطره پیش از شام در آن خانه افطار کند واگر بعد از
شام داخل شود وافطار کند یا نکند واجب نیست بر صاحب خانه واگر پیش از شام داخل
شود وافطار را از مال او نکند احوط آنست که هر دو بدهند یکی از ایشان بدهد یا
دیگری بمستحق بدهد قربةً الی الله واگر شخصی عیال او نباشد اما نفقه وکسوه
او را دهد ودر خانه دیگری باشد فطره او بر معطی نیست وهمچنین اگر در شب عید
پیش از شام از جهت همسایها طعامی بفرستد یا فقیر را چیزی بدهد یا شخصی را
در ماه مبارک مهمان باشد ودر شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از شام عید
افطار کرده بخانه او در آید یا چیزی نخورده باشد وبعد از شام بیاید فطره بر او واجب
نیست واحوط آنست که در این صورت آخر هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان اگر غنی
باشد خود نیز بدهد بهتر است واما وقت بیرون کردن فطره موافق مشهور
شام شب عید است تا ظهر روز عید واحوط آنست که در شب جدا کند وپیش
از نماز عید بدهد واگر صبح جدا کند نیز خوبست واگر پیش از نماز جدا کند وبعد
از آن در آن روز یا روز دیگر برای حاضر نبودن مستحق یا عذر دیگر تأخیر کند قصور
ندارد واگر جدا نکند تا ظهر روز عید احوط آنست که تا شام قصد ادا وقضا
نکند واگر از روز عید بگذرد بقصد قربت بدهد وقصد خصوص فطره نکند یا آنکه
قصد کند که این را میدهم که اگر قضای فطره بر من واجب باشد فطره باشد
والا تصدق باشد واما پدر ومادر وجد وجده وفرزندان وفرزندزادگان
هرگاه فقیر باشند نفقه ایشان بر او واجب است پس اگر نفقه او دهد فرزند فطره

براوست واگر عیال شخص دیگر باشد بر آن شخص دیگر است واگر عیال دیگری نیز نباشد شهر
واحوط آنست که او فطرهٔ ایشان را بدهد واما جنس فطره مشهور آنست که
هرچه قوت غالب باشد میتوان داد واحوط آنست که جو یا گندم یا خرما یا مویز
یا کشک بدهد و بهتر آنست که خرما بدهد و در حدیث است که اگر یکصاع خرما در
فطره بدهم دوستر میدارم از آنکه یکصاع طلا بدهم واما مقدار فطره از هر
شخصی یکصاع باید داد وصاع موافق حساب مشهور ظاهرا یکمن تبریز ده
مثقال وربع مثقالست واحوط آنست که یکمن ونیم تبریز بدهند ونهایت احتیاط
آنست که یکمن شاه بدهند وباید بکسی بدهند که قوت سالیانهٔ خود وعیال خود
نداشته باشد وسایل بکف نباشد واظهر واحوط آنست که متظاهر بفسق نباشد
وصالح باشد واحوط آنست که در زمان غیبت امام ع بمجتهد جامع الشرایط عادل
بدهند که او بمستحقین برساند چون مصارف را او بهتر میداند وبعضی از علما
این را واجب دانسته اند واحوط آنست که فقیر را کمتر از یکصاع ندهند وبیک فقیر چند
صاع میتوان داد وفطره بواجب النفقه نمیتوان داد وبخویشان غیر واجب
النفقه دادن بهتر است وبعد از آن بکسانی که فاضلتر وصالحتر و پریشانتر باشند
وفطرهٔ غیر سید را بسید نمیتوان داد وفطرهٔ سید را بسید وغیر سید هر دو
میتوان داد مطلب سیوم دربیان اعمال روز عید فطر وسنت است که در اعمال روز عید فطر
روز عید پیش از نماز عید در اول روز افطار کنند وسنت است که بخرما افطار
کنند وغسل روز عید سنت مؤکد است وبعضی واجب دانسته اند واز حضرت
صادق ع منقولست که غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر آسمان مکن وپیش از غسل
بگو اَللّٰهُمَّ اِیمَاناً بِكَ وَتَصْدِیقاً بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِیِّكَ
صَلَّى اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ پس بسم الله بگو وغسل بکن وچون فارغ شوی بگو

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِذُنُوبِی وَطَهِّرْ دِینِی اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی
الدَّنَسَ وزیارت حضرت امام حسین ع در این روز سنت مؤکد است وثواب بسیار
در آن وارد شده است واما نماز عید در زمان حضور امام ع واجب است ودر
زمان غیبت امام ع اکثر علما سنت میدانند وبجماعت کردن نیز سنت میدانند
ومیگویند تنها نیز میتوان کردن وبگمان فقیر واجب است که بجماعت بکنند
وبنماز مجتهد عادل حاضر شوند واگر نتوانند حاضر شد تنها کردن سنت است
واما نماز عید دو رکعت است در رکعت اول بعد از قراءت پنج تکبیر میگوید و
بعد از تکبیر یک قنوت میخواند ودر رکعت دویم بعد از قراءت چهار تکبیر میگوید و
چهار قنوت میخواند وقنوت مخصوصی دارد واگر کسی آن را نداند آنچه در قنوت
نمازهای دیگر میخواند بخواند وهرگاه بجماعت کنند پیشنماز دو خطبه بعد از نماز
میخواند وقنوت مخصوص نماز عید اینست اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَهْلُ الْكِبْرِیَاءِ
وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلُ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلُ الْعَفْوِ وَ
الرَّحْمَةِ وَاَهْلُ التَّقْوٰى وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْیَوْمِ
الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِینَ عِیداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ
ذُخْراً وَكَرَامَةً وَمَزِیداً اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
اَنْ تُدْخِلَنِی فِی كُلِّ خَیْرٍ اَدْخَلْتَ فِیهِ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَنِی
مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَسْئَلُكَ خَیْرَ مَا سَاَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَاَعُوذُ
بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ واما بعد از نماز عید
دعای بسیاری وارد شده است وبهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله است
بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در روز جمعه وعید فطر

وعید قربان در هنگامی که مهیای رفتن بسوی نماز جمعه و عید میشوی این دعا را
بخوان اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ فی هٰذَا الْیَوْمَ اَوْ تَعَبَّأَ اَوْ اَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ
لِوِفادَةٍ اِلیٰ مَخْلُوقٍ رَجاءَ رِفْدِهِ وَنَوافِلِهِ وَفَواضِلِهِ وَ
عَطایاهُ فَاِنَّ اِلَیْکَ یا سَیِّدی تَهْیِئَتی وَتَعْبِئَتی وَاِعْدادی
وَاسْتِعْدادی رَجاءَ رِفْدِکَ وَجَوائِزِکَ وَنَوافِلِکَ وَفَواضِلِکَ
وَعَطایاکَ وَقَدْ غَدَوْتُ اِلیٰ عیدٍ مِنْ اَعْیادِ اُمَّةِ نَبِیِّکَ
مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَلَمْ اَفِدْ اِلَیْکَ الْیَوْمَ بِعَمَلٍ صالِحٍ
اَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ وَلا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ اَمَّلْتُهُ وَلٰکِنْ
اَتَیْتُکَ خاضِعاً مُقِرّاً بِذُنُوبی وَاِسائَتی اِلیٰ نَفْسی فَیا
عَظیمُ یا عَظیمُ اِغْفِرْ لِیَ الْعَظیمَ مِنْ ذُنُوبی فَاِنَّهُ لا یَغْفِرُ
الذُّنُوبَ الْعِظامَ اِلّا اَنْتَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
دوّم استحباب روزه داشتن شش روز بعد از عید در بعضی از روایات وارد
شده است و نهی از آن نیز وارد شده است و ظاهراً روزه داشتن محمول بر تقیّه
است چنانکه در میان سنّیان مشهور است و ترکش بهتر است و همچنین کراهت
نکاح کردن در میان عید فطر و عید قربان اصلی ندارد و شاید اصلش از عامّه
بوده باشد و در ماه شوّال چون عقد عایشه در آن واقع شده است و اکثر مفاسد
اسلام بر آن مترتّب شد و از بعضی روایات کراهت مستفاد میشود اگر در
خصوص شوّال احتراز کنند بهتر است فصل دوّیم در بیان اعمال ماه ذیقعده
و ذیحجّه و در این فصل شش مطلب است مطلب اوّل بدانکه ذی القعده اوّل ماههای
حرام است که حق تعالی در قرآن یاد فرموده و آنها ماه ذی القعده و ذو الحجّه و محرّم
است و در این ماهها ابتدای قتال با کافران نباید کرد و شیخ مفید و غیره از

اعمال ماه ذیقعده

حضرت رسول صلّی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر که در یکی از ماههای حرام پنجشنبه و جمعه و شنبه را
متوالی روزه دارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته شود و از حضرت
رسول صلعم منقول است که در شب یازدهم حق تعالی بسوی بندگان مؤمن نظر رحمت
میکند کسی که آن شب را بعبادت بسر آورد ثواب صد حاجی باو عطا کنند که در یک چشم
زدن معصیت حق تعالی نکرده باشد و چون نصف شب بگذرد شروع کن بعبادت
و نماز و حاجات خود را از حق تعالی طلب کن و در روز بیست و سیوم این ماه زیارت
حضرت امام رضا ع سنّت مؤکّد است از نزدیک یا از دور و ابن بابویه روایت
کرده است از حسن وشّا که گفت من با پدرم در خدمت امام رضا ع در شب بیست و
پنجم ماه ذی القعده شام خوردیم پس فرمود که امشب حضرت ابراهیم ع متولّد
شدند و زمین از زیر کعبه پهن شده است و از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که اوّل رحمتی
که از آسمان بسوی زمین نازل شد در این روز بود هر که این روز را روزه
دارد و شب آن را بعبادت بایستد از برای او عبادت صد ساله نوشته شود
که روزها را روزه داشته باشد و شبها را بعبادت بسر آورده باشد و هر
جماعتی که در این روز جمع شوند برای ذکر پروردگار خود پیش از آنکه متفرّق گردند
حاجت ایشان بر آورده شود و در این روز هزار هزار رحمت از جانب حق تعالی
بر بندگان نازل میگردد نود و نه رحمت از آنها مخصوص جمعی است که مجتمع گردند
بذکر حق تعالی مشغول گردند و روز شان را روزه بدارند و شبش را عبادت کنند
و ایضاً در روایتی وارد شده که مستحب است در این روز در وقت چاشت دو
رکعت بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره والشّمس بخواند و بعد از سلام
این دعا بخواند لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ یا مُقیلَ
الْعَثَراتِ اَقِلْنی عَثْرَتی یا مُجیبَ الدَّعَواتِ اَجِبْ دَعْوَتی

٢٣ | یا سامع الدعاء اسمع الدعاء اسمع صوتی وارحمنی وتجاوز عن سیئاتی یا ذا الجلال والاکرام

اعمال ماه ذیحجه الحرام

مطلب دویم در بیان فضایل ماه مبارک ذیحجه است و دهه اول و اعمال آنست ایام این دهه در نهایت فضیلت و برکت است و حق تعالی میفرماید واذکروا اسم الله فی ایام معدودات یعنی یاد کنید خدارا در روزی چند شمرده شده یعنی کم و باز فرموده ویذکروا اسم الله فی ایام معلومات علی ما رزقهم الله من بهیمة الانعام یعنی اعلام کنید مردم را که بیایند بحج تا انکه بیابند منفعتهای دنیا و آخرت را و یاد کنند خدارا در روزی چند معلوم برای انکه روزی کرده است ایشان را از گوشت چهارپایان که گاو و شتر و گوسفند باشد و از حضرت رسول صلعم منقولست که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوب تر نیست از ده روز اول ذی الحجه و چون اینماه داخل میشد صلحای صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند و دیگر بسند معتبر منقولست از حضرت صادق ع که فرمود پدرم امام محمد باقر ع بامن گفت ای فرزند گرامی البته در هر شب دهه اول ذیحجه دو رکعت نماز بجا آورد در میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت بعد از حمد یکمرتبه قل هو الله احد و این آیه را بخوان وواعدنا موسی ثلثین لیلة واتممناها بعشر فتم میقات ربه اربعین لیلة وقال موسی لاخیه هرون اخلفنی فی قومی واصلح ولا تتبع سبیل المفسدین چون چنین بکنی با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود هرچند بحج نرفته باشی و روز اول اینماه روز مبارکیست و در روایتی وارد شده است که حضرت ابراهیم خلیل ع در این روز متولد شده است و در این روز حق تعالی آنحضرت را خلیل خود گردانید و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که هرکه روز اول این ماه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب هشتاد روزه بنویسد و از آنحضرت منقولست که هرکه نه روز اول اینماه را روزه بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او از برای او بنویسد و در روز اول حضرت رسالت پناه صلعم حضرت فاطمه ع را بحضرت امیر المؤمنین ع تزویج نمود و بروایت دیگر در روز ششم تزویج نمود و بدانکه روزه قضای ماه مبارک رمضان را از اول ماه تا روز عرفه میتوان گرفت چنانچه علما گفته اند و احادیث صحیحه بر آن دلالت دارد در این روز نماز مخصوص حضرت فاطمه ع را بکنند که در این رساله در آخر اعمال ماه شعبان ذکر شد و بعد از سلام تسبیح آنحضرت را بگوید و بعد از آن این تسبیح مخصوص بجواند سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم سبحان من یری اثر النملة فی الصفا سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من هو هکذا ولا هکذا غیره و در بعضی از روایات وارد شده است که مستحب است که در روز اول نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورده در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که هرکه از ظالم ترسد در روز اول بگوید حسبی حسبی من سؤالی علمک بحالی حق تعالی کفایت شر آن ظالم را از او بکند و ایضا شیخ مفید و سید بن طاوس بسند معتبر از امام محمد باقر ع روایت کرده اند که جبرئیل از جانب خداوند جلیل برای حضرت علی ع پنج دعا را بهدیه آورد و گفت یا علی این پنج دعا را در دهه اول ماه ذیحجه بخوان بدرستی که هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از عبادت کردن در این دهه **دعای اول** اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر وعلی کل

شیء قدیر دوم اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ اَحَدًا
صَمَدًا لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَدًا سیوم اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا
اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ اَحَدًا صَمَدًا لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ
لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ چهارم اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ
لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ
الْخَیْرُ وَعَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ پنجم حَسْبِیَ اللّٰهُ وَکَفٰی سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ
دَعا لَیْسَ وَراءَ اللّٰهِ مُنْتَهٰی اَشْهَدُ لِلّٰهِ بِما دَعا وَاَنَّهُ بَرِیءٌ
مِمَّنْ تَبَرَّأَ وَاَنَّ لِلّٰهِ الْآخِرَةَ وَالْاُولٰی پس حواریان گفتند یا روح
الله چه ثواب دارد کسی که اینکلمات را بگوید حضرت عیسی ع گفت هرکه دعای اول را
صد مرتبه بگوید عمل هیچیک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در آن روز و در روز قیامت
حسنات او زیاده از همه کس باشد و هرکه دعای دویم را صد مرتبه بخواند چنان
باشد که دوازده مرتبه توریة و انجیل را خوانده باشد و ثواب آنها را باو دهند حضرت
عیسی ع گفت ای جبرئیل ثواب خواندن توریة و انجیل چیست جبرئیل ع گفت طاقت
برداشتن یکجزو توریة و انجیل نداشته اند هرکه در آسمانهای هفتگانه است
از ملائکه تا آنکه مبعوث شدم من و اسرافیل زیرا که اسرافیل اول نبی بود که گفت
لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ و هرکه دعای سیوم را صد مرتبه بخواند حق تعالی
بنویسد از برای او باین دعا ده هزار هزار حسنه و محو کند از او ده هزار هزار گناه
و بلند کند از برای او ده هزار هزار درجه و فرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملک
که دستها برداشته باشند و صلوات فرستند بر کسی که اینکلمات را باین عدد خوانده
است پس حضرت عیسی ع گفت ای جبرئیل آیا ملائکه صلوات میفرستند بر غیر پیغمبران
جبرئیل ع گفت هرکه ایمان آورد بآنچه پیغمبران از جانب حق تعالی آورده اند و تغییر

ندهد شریعت ایشان را حق تعالی ثواب پیغمبران باو عطا فرماید و هرکه چهارم را صد مرتبه بخواند
استقبال نماید ملکی و بالا برد بسوی حق تعالی پس حق سبحانه و تعالی نظر کند بسوی گوینده
آن دعا برحمت و هرگاه حق تعالی نظر رحمت بر او بکند هرگز شقی و بدعاقبت نشود
پس حضرت عیسی ع گفت یا جبرئیل ثواب دعای پنجم چیست جبرئیل گفت آن دعای من است
و حق تعالی مرا رخصت نداده است که ثواب آنرا بگویم مؤلف گوید که اگر هر روز هر یک
از این دعاها را ده مرتبه بخواند دور نیست که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز
هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و ایضا شیخ و ابن بابویه و سید بن طاوس رحمهم الله
از حضرت امیرالمؤمنین ع روایت کرده اند که هرکه در هر روز دهه اول اینها این تهلیلات را
ده مرتبه بخواند حق تعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از زمرد و یاقوت و
از میان هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد برفتار سواری که بتازد و در هر درجه
شهری بوده باشد و در آن شهر قصری باشد از یکجوهر که در آن فصلی نباشد و در هر شهری از
آن شهرها از انواع جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و
نهالینها و متکاها و جامها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلهها بوده باشد
که وصف کننده قادر بر وصف آنها نباشد و چون از قبر بیرون آید از هر سر موئی از آن
نوری ساطع باشد و مبادرت نمایند بسوی او هفتاد هزار ملک و از پیش رو و از جانب
راست و چپ آن راه روند تا آنرا بدر بهشت برسانند و چون داخل بهشت شود او را
مقدم دارند و ملائکه از عقب او روند تا آنکه بشهری برسد که بیرونش از یاقوت سرخ
باشد و بیرونش از زبرجد سبز و در آن شهر بوده باشد هر نعمتی که حق تعالی در بهشت خلق
کرده است پس باو بگویند که ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست گوید نه و شما کیستید
گویند ما ملکی چندیم که حاضر بودیم در مجلسی که تو آن تهلیلها را میخواندی در دنیا و
این شهر و آنچه در آن هست از نعمتهای الهی یک ثواب است بر خواندن تهلیلها و بشارت

باد ترا بهتربن از این ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام که بلائی و غمی و مکروهی در آن نخواهد شد و نعمتها و رحمتهای حق تعالی هرگز از تو منقطع نمیگردد و تهلیلات این است لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّیَالِی وَالدُّهُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اَمْوَاجِ الْبُحُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُیُونِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِی اللَّیْلِ اِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّیَاحِ فِی الْبَرَارِی وَالصُّخُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنَ الْیَوْمِ اِلَی یَوْمِ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ و از بعضی روایات مستفاد میشود که بیکمرتبه نیز اکتفا میتوان کرد والله یعلم

مطلب سیوم در اعمال روز ترویه و روز عرفه است و روز ترویه روز هشتم این ماه است و روز مبارکیست و ابن بابویه از حضرت امام موسی ع روایت کرده است که حضرت رسول ص فرمود که حق تعالی برگزیده از روزها چهار روز روز جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان وایضا از حضرت صادق ع روایت کرده است که روزه روز ترویه کفاره شصت سال گناه است و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول ص منقولست که در شب عرفه دعا مستجابست و کسی که آن شب را بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و آن شب مناجات قاضی الحاجات است و هرکه در آن شب توبه کند توبه اش مقبولست و احادیث بسیار در فضیلت زیارت حضرت امام حسین ع در شب و روز عرفه وارد شده است و زیارت نزدیک را در کتاب تحفة الزائر ذکر شده است و زیارتی دور پیشتر مذکور شد و اما روز عرفه از اعیاد عظیمست و کسی که توفیق یابد که در عرفات باشد وادعیه و اعمال بسیار دارد و

وبهترین اعمال در این روز دعاست حتی مستحبست که جمع کنند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت و نافله و اذان عصر ساقط میشود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه در حدیث صحیح منقولست که ابراهیم بن هاشم گفت من عبدالله بن جندب را دیدم در موقف عرفات و حال هیچکس را از او بهتر ندیدم پیوسته دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده اش بر رویش جاری بود تا بزمین میرسید چون مردم فارغ شدند گفتم در وقوف هیچکس را بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم مگر برای برادران مؤمن خود زیرا که از حضرت امام موسی ع شنیدم که هرکه دعا کند از برای برادر مؤمن خود در غیبت او از عرش ندا آید باو برسد که از برای تو صد هزار برابر او باد پس من نخواستم که دست بردارم از صد هزار برابر دعای ملک که البته مستجابست برای یک دعای خود که نمیدانم مستجاب خواهد شد و اگر کسی توفیق یابد که در روز عرفه در تحت قبه مقدسه حضرت امام حسین ع باشد ثوابش کمتر نیست از کسی که در عرفات باشد بلکه زیاده است چنانکه از حضرت صادق ع منقولست که هرکه در روز عرفه بزیارت آنحضرت برود و حق تعالی آنحضرت را شناسد و او را امام واجب الطاعه داند بنویسد حق تعالی از برای او ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره مقبول و دو هزار جهاد که با پیغمبر مرسل یا امام عادلی باشد راوی گفت کجاست ثواب وقوف عرفات آنحضرت از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود که بدرستی که بنده مؤمن چون در روز عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر شود و در نهر فرات غسل کند و متوجه زیارت شود هر گام که بر میدارد ثواب یک حج و عمره برای او مینویسند و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه حق تعالی اول نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین میکند و گناهان ایشان را می آمرزد و حاجات ایشان را بر می آورد و بعد از آن متوجه اهل عرفات میگردد زیرا که در میان زوار آنحضرت حرامزاده و فرزند زنا نیست و در

میان اهل عرفات هست وکسی که توفیق هیچیک ازآنها را نیافته باشد باید که در سایر بلاد
غسل بکند ودر مجمع مومنان حاضر شود وزیارت آنحضرت بکند واگر در بام بلند یا صحرای
گشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا وذکر باشد تا شام تا در ثواب آنها شریک گردند
وایضاً ازحضرت صادق منقولست که هرکه در روز عرفه پیش ازانکه متوجه دعا
شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان واعتراف کند نزد حق تعالی بگناهان خود
واقرار کند بخطاهای خود فایز گردد بثواب اهل عرفات وگناهان گذشته وآینده اش
آمرزیده گردد وشیخ مفید رحمة الله علیه این نماز را بعد از نماز عصر کرده وگفته
است که این نماز مخصوص جمعی است که در اطراف باشند ودر حدیث معتبر ازحضرت
صادق منقول است که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه اَللّٰهُ اَکْبَرُ
وصد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وصد مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ وصد مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و
صد مرتبه سوره قُلْ هُوَ اللّٰهُ وصد مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بخواند وایضاً صد مرتبه
آیة الکرسی صد مرتبه لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وصد مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بگوید پس مشغول دعا شود وبهترین دعاهای صحیفه کامله است آنرا
با خشوع وخضوع وتانی ورقت بخواند که مشتملست برجمیع مطالب دنیا وآخرت
وشیخ طوسی بسند معتبر ازحضرت صادق روایت کرده است که حضرت رسول
بحضرت امیر المؤمنین فرمود که میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را وآن دعای
پیغمبران پیش از منست سیکوتی گفت بلی فرمود انید عا را لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِیْكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِیْ وَیُمِیْتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا
یَمُوْتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَا
لَّذِیْ تَقُوْلُ وَخَیْرًا مِمَّا نَقُوْلُ وَفَوْقَ مَا یَقُوْلُ الْقَائِلُوْنَ
اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلٰوتِیْ وَنُسُکِیْ وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِیْ وَبِكَ حَوْلِیْ وَمِنْكَ

قُوَّتِیْ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ وَسْوَاسِ الصَّدْرِ وَمِنْ
عَذَابِ الْقَبْرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ خَیْرَ الرِّیَاحِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ
شَرِّ مَا تَجِیْءُ بِهِ الرِّیَاحُ وَاَسْاَلُكَ خَیْرَ اللَّیْلِ وَخَیْرَ النَّهَارِ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْ فِیْ قَلْبِیْ نُوْرًا وَفِیْ سَمْعِیْ نُوْرًا وَفِیْ بَصَرِیْ نُوْرًا وَفِیْ لَحْمِیْ
نُوْرًا وَفِیْ دَمِیْ وَعِظَامِیْ وَعُرُوْقِیْ وَمَقَامِیْ وَمَقْعَدِیْ وَمَدْخَلِیْ
وَمُخْرَجِیْ نُوْرًا وَاَعْظِمْ لِیَ النُّوْرَ یَا رَبِّ یَوْمَ اَلْقَاكَ اِنَّكَ
عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ وایضاً ازجمله دعاهای مشهور روز عرفه دعای حضرت سید
الشهدا امام حسین است بشر پسران غالب اسدی روایت کرده اند که پسین روز
عرفه در عرفات درخدمت آنحضرت بودیم پس ازخیمه خود بیرون آمدند با گروهی
از اهل بیت وفرزندان وشیعیان خود بانهایت تذلل وخشوع پس در جانب چپ
کوه ایستادند وروی مبارک را بسوی کعبه گردانیده ودستها را برابر رو داشتند
مانند مسکینی که طعام طلبد واین دعا را خواندند هذا الدعاء بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دعای روز عرفه

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَیْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا
کَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ اَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ
وَاَتْقَنَ بِحِکْمَتِهِ الصَّنَائِعَ وَلَا تَخْفٰی عَلَیْهِ الطَّلَائِعُ وَلَا تَضِیْعُ
عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ اَتٰی بِالْکِتَابِ الْجَامِعِ وَبِشَرْعِ الْاِسْلَامِ النُّوْرِ
السَّاطِعِ وَهُوَ لِلْخَلِیْقَةِ صَانِعٌ وَهُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَی الْفَجَائِعِ
جَازِیْ کُلِّ صَانِعٍ وَرَائِشُ کُلِّ قَانِعٍ وَرَاحِمُ کُلِّ ضَارِعٍ مُنْزِلُ
الْمَنَافِعِ وَالْکِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّوْرِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ
سَامِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَلِلْکُرُبَاتِ دَافِعٌ وَلِلْجَبَابِرَةِ
قَامِعٌ فَلَا اِلٰهَ غَیْرُهُ وَلَا شَیْءَ یَعْدِلُهُ وَلَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَهُوَ

السميع البصير اللطيف الخبير وهو على كل شيء قدير اللهم
اني ارغب اليك واشهد بالربوبية لك مقرا بانك ربي و
ان اليك مردي ابتدأتني بنعمتك قبل ان اكون شيئا مذكورا
وخلقتني من التراب ثم اسكنتني الاصلاب آمنا لريب
المنون واختلاف الدهور فلم ازل ظاعنا من صلب الى
رحم في تقادم الايام الماضية والقرون الخالية لم تخرجني
لرأفتك بي ولطفك لي واحسانك الي في دولة ايام
الكفرة الذين نقضوا عهدك وكذبوا رسلك لكنك
اخرجتني رأفة منك وتحننا علي للذي سبق لي من الهدى
الذي له يسرتني وفيه انشأتني ومن قبل ذلك رؤفت بي
بجميل صنعك وسوابغ نعمك فابتدعت خلقي من مني يمنى
ثم اسكنتني في ظلمات ثلث بين لحم وجلد ودم ولم
تشهرني بخلقي ولم تجعل لي شيئا من امري ثم اخرجتني
الى الدنيا تاما سويا وحفظتني في المهد طفلا صبيا ورزقتني
من الغذاء لبنا مريا وعطفت علي قلوب الحواضن وكفلتني
الامهات الرحائم وكلأتني من طوارق الجان وسلمتني من
الزيادة والنقصان فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى اذا
استهللت بالكلام اتممت علي سوابغ الانعام فربيتني ناطقا
زائدا في كل عام حتى اذا اكملت فطرتي واعتدلت مرتي
اوجبت علي حجتك بان الهمتني معرفتك وروعتني
بعجائب فطرتك وانطقتني لما ذرأت في سمائك وارض

من بدائع خلقك ونبهتني لذكرك وشكرك وواجب طاعتك على
وعبادتك وفهمتني ما جاءت به رسلك ويسرت لي تقبل
مرضاتك ومننت علي في جميع ذلك بعونك ولطفك ثم اذ
خلقتني من خير الثرى لم ترض لي يا الهي بنعمة دون اخرى و
رزقتني من انواع المعاش وصنوف الرياش بمنك العظيم
علي واحسانك القديم الي حتى اذا اتممت علي جميع النعم
وصرفت عني كل النقم لم يمنعك جهلي وجرأتي عليك ان
دللتني على ما يقربني اليك ووفقتني لما يزلفني لديك
فان دعوتك اجبتني وان سألتك اعطيتني وان اطعتك
شكرتني وان شكرتك زدتني كل ذلك اكمالا لانعمك علي و
احسانك الي فسبحانك سبحانك من مبدئ معيد حميد
مجيد تقدست اسماؤك وعظمت آلاؤك فاي نعمك يا الهي
احصي عددا وذكرا ام اي عطاياك اقوم بها شكرا وهي
يا رب اكثر من ان يحصيها العادون او يبلغ علما بها
الحافظون ثم ما درأت وصرفت عني اللهم من الضر
والضراء اكثر مما ظهر لي من العافية والسراء وانا اشهد
يا الهي بحقيقة ايماني وعقد عزمات يقيني وخالص صريح
توحيدي وباطن مكنون ضميري وعلائق مجاري نور بصري
واسارير صفحة جبيني وخرق مسارب نفسي وخذاريف مارن
عرنيني ومسارب صماخ سمعي وما ضمت واطبقت عليه
شفتاي وحركات لفظ لساني ومغرز حنك فمي وفكي و

منابت اضراسي و بلوغ حبائل بارع عنقي و مساغ مأكلي و مشربي
و حمالة ام رأسي و حمل حبائل حبلي و تيني و ما اشتمل عليه تامور
صدري و نياط حجاب قلبي و افلاذ حواشي كبدي و ما حوته
شراسيف اضلاعي و حقاق مفاصلي و اطراف انا ملي و قبض
عواملي و دمي و شعري و بشري و عصبي و قصبي و عظامي و
مخي و عروقي و جميع جوارحي و ما انتسج على ذلك ايام
رضاعي و ما اقلت الارض مني و نومي و يقظتي و سكوني
و حركتي و حركات ركوعي و سجودي ان لو حاولت و اجتهدت مدى
الاعصار و الاحقاب لو عمرتها ان اؤدي شكر واحدة
من انعمك ما استطعت ذلك الا بمنك الموجب علي شكرك
انفا جديدا و ثناء طارقا عتيدا اجل و لو حرصت و العادون
انامك ان نحصي مدى انعامك سالفه و انفه لما حصرناه
عددا و لا احصيناه ابدا هيهات انى ذلك و انت المخبر
عن نفسك في كتابك الناطق و النبأ الصادق و ان تعدوا
نعمت الله لا تحصوها صدق كتابك اللهم و انباؤك و بلغت
انبياؤك و رسلك ما انزلت عليها من وحيك و شرعت لها
من دينك غير اني يا الهي اشهد بجدي و جهدي و مبالغ طاقتي — وبها
و وسعي و اقول مؤقنا مؤمنا الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا فيكون
موروثا و لم يكن له شريك في الملك فيضاده فيما ابتدع
و لا ولي من الذل فيرفده فيما صنع فسبحانه سبحانه سبحانه
لو كان فيهما الهة الا الله لفسدتا و تفطرتا فسبحان الله

الواحد الحق الاحد الصمد الذي لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا
احد الحمد لله حمدا يعدل حمد ملئكته المقربين و انبيائه المرسلين
و صلى الله على خيرته من خلقه محمد خاتم النبيين و اله الطيبين
الطاهرين المخلصين و سلم شروع فرمودند آنحضرت در سؤال و اهتمام
نمود در دعا و آب از دیدهای مبارکش جاری بود پس فرمود اللهم اجعلني
اخشاك كاني اراك و اسعدني بتقواك و لا تشقني بمعصيتك
و خر لي في قضائك و بارك لي في قدرك حتى لا احب تعجيل
ما اخرت و لا تاخير ما عجلت اللهم اجعل غناي في نفسي و
اليقين في قلبي و الاخلاص في عملي و النور في بصري و البصيرة
في ديني و متعني بجوارحي و اجعل سمعي و بصري الوارثين بي
مني و انصرني على من ظلمني و ارزقني فيه مأربي و ثاري
و اقر بذلك عيني اللهم اكشف كربتي و استر عورتي و
اغفر لي خطيئتي و اخسأ شيطاني و فك رهاني و اجعل
لي يا الهي الدرجة العليا في الاخرة و الاولى اللهم لك
الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعا بصيرا و لك الحمد كما
خلقتني فجعلتني حيا سويا رحمة بي و كنت عن خلقي غنيا
رب بما برأتني فعدلت فطرتي رب بما انشأتني فاحسنت
صورتي يا رب بما احسنت بي و في نفسي عافيتني رب بما
كلأتني و وفقتني رب بما انعمت علي فهديتني و من كل خير
اتيتني و اعطيتني رب بما اطعمتني و سقيتني رب بما
اغنيتني و اقنيتني رب بما اعنتني و اعززتني رب بما البستني

من ذكرك الصافي وليسرت لي من صنعك الكافي صل على محمد
وآل محمد واعني على بوائق الدهر وصروف الايام والليالي
ونجني من اهوال الدنيا وكربات الآخرة واكفني شر ما يعمل
الظالمون في الارض اللهم ما اخاف فاكفني وما احذر فقني
وفي نفسي وديني فاحرسني وفي سفري فاحفظني وفي اهلي
ومالي وولدي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك لي وفي نفسي
فذللني وفي اعين الناس فعظمني ومن شر الجن والانس فسلمني
وبذنوبي فلا تفضحني وبسريرتي فلا تخزني وبعملي فلا تبتلني
ونعمك فلا تسلبني والى غيرك فلا تكلني الهي الى من تكلني الى
القريب فيقطعني ام الى البعيد فيتجهمني ام الى المستضعفين
لي وانت ربي ومليك امري اشكو اليك غربتي وبعد داري
وهواني على من ملكته امري اللهم فلا تحلل بي غضبك فان لم
تكن غضبت علي فلا ابالي سواك غير ان عافيتك اوسع لي سبحانك
فاسئلك بنور وجهك الذي اشرقت له الارض والسموات
وانكشفت به الظلمات وصلح عليه امر الاولين والآخرين
ان لا تميتني على غضبك ولا تنزل بي سخطك لك العتبى
حتى ترضى بعد ذلك لا اله الا انت رب البلد الحرام و
المشعر الحرام والبيت العتيق الذي احللته البركة
وجعلته للناس امنة يا من عفى عن العظيم من الذنوب
بحلمه يا من اسبغ النعمة بفضله يا من اعطى الجزيل
بكرمه يا عدتي في شدتي يا صاحبي في وحدتي يا غياثي في

كربتي يا مونسي في حفرتي يا وليي في نعمتي يا الهي واله آبائي ابراهيم
واسمعيل واسحق ويعقوب ورب جبرئيل وميكائيل و
اسرافيل ورب محمد خاتم النبيين وآله المنتجبين ومنزل
التورية والانجيل والزبور والفرقان ومنزل كهيعص وطه
ويس والقرآن الحكيم انت كهفي حين تعييني المذاهب في
سعتها وتضيق علي الارض برحبها ولولا رحمتك لكنت من
الهالكين وانت مقيل عثرتي ولولا سترك اياي لكنت
من المفضوحين وانت مؤيدي بالنصر على الاعداء ولولا
نصرك اياي لكنت من المغلوبين يا من خص نفسه با
لسمو والرفعة فاولياؤه بعزه يعتزون يا من جعلت له
الملوك نير المذلة على اعناقهم فهم من سطواته خائفون
تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور وغيب ما تأتي
به الازمان والدهور يا من لا يعلم كيف هو الا هو يا
من لا يعلم ما يعلمه الا هو يا من كبس الارض على الماء و
سد الهواء بالسماء يا من له اكرم الاسماء يا ذا المعروف
الذي لا ينقطع ابدا يا مقيض الركب ليوسف في البلد
القفر ومخرجه من الجب وجاعله بعد العبودية ملكا
يا راد يوسف على يعقوب بعد ان ابيضت عيناه من
الحزن فهو كظيم يا كاشف الضر والبلاء عن ايوب يا
ممسك يدي ابراهيم من الذبح عن ابنه بعد كبر سنه و
فني عمره يا من استجاب لزكريا فوهب له يحيى ولم يدعه

فرداً وحيداً يا من اخرج يونس من بطن الحوت يا من فلق البحر
لبني اسرائيل فانجاهم وجعل فرعون وجنوده من المغرقين
يا من ارسل الرياح مبشرات بين يدي رحمته يا من لم
يعجل على من عصاه من خلقه يا من استنقذ السحرة من بعد
طول الجحود وقد غدوا في نعمته يأكلون رزقه ويعبدون
غيره وقد حادّوه ونادّوه وكذبوا رسله يا الله يا بدئ
لا بدء لك يا دائماً لا نفاد لك يا حي يا محيي الموتى يا
من هو قائم على كل نفس بما كسبت يا من قلّ له شكري
فلم يحرمني وعظمت عنده خطيئتي فلم يفضحني ورآني
على المعاصي فلم يخذلني يا من حفظني في صغري يا من رزقني
في كبري يا من اياديه عندي لا تحصى يا من نعمه عندي
تجازى يا من عارضني بالخير والاحسان وعارضته
بالاساءة والعصيان يا من هداني للايمان قبل ان
اعرف شكر الامتنان يا من دعوته مريضاً فشفاني وعرياناً
فكساني وجائعاً فاطعمني وعطشاناً فارواني وذليلاً فاعزني
وجاهلاً فعرفني ووحيداً فكثرني وغائباً فردني ومقلاً فاغناني
ومنتصراً فنصرني وغنياً فلم يسلبني وامسكت عن جميع
ذلك فابتدأني فلك الحمد يا من اقال عثرتي ونفس كربتي
واجاب دعوتي وستر عورتي وغفر ذنوبي وبلغني طلبتي
ونصرني على عدوي وان اعد نعمك ومننك وكرائم منحك
لا احصيها يا مولاي انت الذي انعمت انت الذي احسنت

انت الذي اجملت انت الذي افضلت انت الذي مننت انت
الذي اكملت انت الذي رزقت انت الذي اعطيت انت الذي
اغنيت انت الذي اقنيت انت الذي آويت انت الذي كفيت
انت الذي هديت انت الذي عصمت انت الذي سترت انت
الذي غفرت انت الذي اقلت انت الذي مكنت انت الذي
اعززت انت الذي اعنت انت الذي عضدت انت الذي
ايدت انت الذي نصرت انت الذي شفيت انت الذي عافيت
انت الذي اكرمت تباركت ربي وتعاليت فلك الحمد دائماً
ولك الشكر واصباً ثم انا يا الهي المعترف بذنوبي فاغفرها
لي انا الذي اسأت انا الذي اخطأت انا الذي اغفلت انا
الذي جهلت انا الذي سهوت انا الذي اعتمدت انا الذي
تعمدت انا الذي وعدت انا الذي اخلفت انا الذي نكثت
انا الذي اقررت انا يا الهي اعترف بنعمتك عندي وابوء بذنوبي
فاغفرها لي يا من لا تضره ذنوب عباده وهو الغني عن
طاعتهم والموفق من عمل منهم صالحاً بمعونته ورحمته
فلك الحمد الهي امرتني فعصيت ونهيتني فارتكبت نهيك
فاصبحت لا ذا براءة فاعتذر ولا ذا قوة فانتصر فبأي
شيء استقبلك يا مولاي ابسمعي ام ببصري ام بلساني ام
بيدي ام برجلي اليس كلها نعمك عندي وبكلها عصيتك
يا مولاي فلك الحجة والسبيل علي يا من سترني من الآباء و
الامهات ان يزجروني ومن العشائر والاخوان ان يعيروني

والسلاطين أن يعاقبوني ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت
عليه مني اذاً ما انظروني ولو رفضوني وقطعوني فها انا ذا
بين يديك يا سيدي خاضعٌ ذليلٌ حقيرٌ لا ذو براءةٍ فاعتذر [حصيرٌ]
ولا ذو قوةٍ فانتصر ولا حجة لي فاحتج بها قائلٌ لم اجترح
ولم اعمل سوءاً وما عسى الجحود لو جحدت يا مولاي ينفعني
فكيف واني ذلك وجوارحي كلها شاهدةٌ عليّ بما قد علمت
يقيناً غير ذي شكٍ انك سائلي عن عظائم الامور وانك
الحكم العدل الذي لا يجور وعدلك مهلكي ومن كل عدلك
مهربي فان تعذبني فبذنوبي يا الهي بعد حجتك عليّ وان تعف
عني فبحلمك وجودك وكرمك لا اله الا انت سبحانك اني
من الظلمين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من المستغفرين
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الموحدين لا اله الا
انت سبحانك اني كنت من الخائفين لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الوجلين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من
الراجين الراغبين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من
المهللين المسبحين لا اله الا انت ربي ورب ابائي الاولين
اللهم هذا ثنائي عليك ممجداً واخلاصي لذكرك موحداً
واقراري بالائك معدداً وان كنت مقراً اني لا احصيها
لكثرتها وسبوغها وتظاهرها وتقادمها الى حادث ما لم
تزل تتعمدني به معها مذ خلقتني وبراتني من اول العمر
من الاغناء بعد الفقر وكشف الضر وتسبيب اليسر ودفع

العسر وتفريج الكرب والعافية في البدن والسلامة في الدين
ولو رفدني على قدر ذكر نعمك عليّ جميع العالمين من الاولين و
الاخرين لما قدرت ولا هم على ذلك تقدست وتعاليت من
رب عظيم كريم رحيم لا تحصى الاؤك ولا يبلغ ثناؤك ولا تكافى
نعماؤك صل على محمد وال محمد واتمم علينا نعمك واسعدنا
بطاعتك سبحانك لا اله الا انت اللهم انك تجيب دعوة
المضطرين اذا دعاك وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي
السقيم وتغني الفقير وتجبر الكسير وترحم الصغير وتعين
الكبير وليس دونك ظهيرٌ ولا فوقك قديرٌ وانت العلي
الكبير يا مطلق المكبل الاسير يا رازق الطفل الصغير يا
عصمة الخائف المستجير يا من لا شريك له ولا وزير صل على
محمد وال محمد واعطني في هذه العشية افضل ما اعطيت
وانلت احداً من عبادك من نعمةٍ توليها والاءٍ تجددها
وبليةٍ تصرفها وكربةٍ تكشفها ودعوةٍ تسمعها وحسنةٍ تتقبلها
وسيئةٍ تغفرها انك لطيفٌ خبيرٌ وعلى كل شيءٍ قديرٌ اللهم انك
اقرب من دعي واسرع من اجاب واكرم من اعطى واسمع
من سئل يا رحمن الدنيا والاخرة ورحيمهما ليس كمثلك
مسئولٌ ولا سواك مأمولٌ دعوتك فاجبتني وسئلتك
فاعطيتني ورغبت اليك فرحمتني ووثقت بك فنجيتني وفزعت
اليك فكفيتني اللهم فصل على محمدٍ عبدك ورسولك و
نبيك وعلى اله الطيبين الطاهرين اجمعين وتمم لنا

نعمائك وهنئنا عطائك واجعلنا لك شاكرين ولآلائك ذاكرين
امين امين رب العالمين اللهم يا من ملك فقدر وقدر فقهر
وعصى فستر واستغفر فغفر يا غاية الراغبين ومنتهى املي
الراجين يا من احاط بكل شيء علما ووسع المستقيلين رافة و
رحمة وحلما اللهم انا نتوجه اليك في هذه العشية التي شرفتها
وعظمتها بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك من خلقك وامينك
على وحيك اللهم صل على البشير النذير السراج المنير الذي
انعمت به على المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم فصل
على محمد واله كما محمد اهل ذلك يا عظيم صل عليه وعلى آل محمد
المنتجبين الطيبين الطاهرين اجمعين وتغمدنا بعفوك
عنا فاليك عجت الاصوات بصنوف اللغات واجعل لنا في
هذه العشية نصيبا من كل خير تقسمه ونور تهدي به ورحمة من عبادك
تنشرها وعافية تجللها وبركة تنزلها ورزق تبسطه يا ارحم
الراحمين اللهم اقلبنا في هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين
غانمين ولا تجعلنا من القانطين ولا تخلنا من رحمتك ولا
تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا تردنا خائبين ولا من بابك
مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك محرومين ولا لفضل ما
نؤمله من عطاياك قانطين يا اجود الاجودين ويا اكرم
الاكرمين اليك اقبلنا موقنين ولبيتك الحرام آمين قاصدين
فاعنا على مناسكنا واكمل لنا حجنا واعف اللهم عنا وعافنا
فقد مددنا اليك ايدينا وهي بذلة الاعتراف موسومة

اللهم فاعطنا في هذه العشية ما سألناك واكفنا ما استكفيناك
فلا كافي لنا سواك ولا رب لنا غيرك نافذ فينا حكمك محيط
بنا علمك عدل فينا قضاؤك اقض لنا الخير واجعلنا من
اهل الخير واوجب لنا بجودك عظيم الاجر وكريم الذخر و
دوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا مع
الهالكين ولا تصرف عنا رافتك برحمتك يا ارحم الراحمين
اللهم اجعلنا في هذا الوقت ممن سألك فاعطيته و
شكرك فزدته وتاب اليك فقبلته وتنصل اليك من
ذنوبه كلها فغفرتها له يا ذا الجلال والاكرام اللهم وفقنا
وسددنا واعصمنا واقبل تضرعنا يا خير من سئل ويا
ارحم من استرحم يا من لا تخفى عليه اغماض الجفون ولا
لحظ العيون ولا ما استقر في المكنون ولا ما انطوت عليه
مضمرات القلوب الا كل ذلك قد احصاه علمك ووسعه
حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا تسبح
لك السموات السبع والارض ومن فيهن وان من شيء الا
يسبح بحمدك فلك الحمد والمجد وعلو الجد يا ذا الجلال و
الاكرام والفضل والانعام والايادي الجسام وانت الجواد
الكريم الرؤوف الرحيم اوسع علي من رزقك الحلال وعافني في بدني اللهم
وديني وامن خوفي واعتق رقبتي من النار اللهم لا تمكر بي
ولا تستدرجني ولا تخذلني وادرأ عني شر فسقة الجن والانس
پس مرده ... خود را بسوی آسمان بلند کرد و ... مبارک ... بیرحیث

دو مشک و بصدای بلند گفت یا اَسْمَعَ السّامِعین و یا اَبْصَرَ النّاظِرین و
یا اَسْرَعَ الحاسِبین و یا اَرْحَمَ الرّاحِمین صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
وَاَسْئَلُکَ اَللّهُمَّ حاجَتی اِلَیْکَ الَّتی اِنْ اَعْطَیْتَنیها لَمْ یَضُرَّنی
ما مَنَعْتَنی وَ اِنْ مَنَعْتَنیها لَمْ یَنْفَعْنی ما اَعْطَیْتَنی اَسْئَلُکَ
فَکاکَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ لَکَ
الْمُلْکُ وَلَکَ الْحَمْدُ وَ اَنْتَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ بسیار گفت
یا رَبِّ و صدا [illegible] بلند شد و بازگردیدند و روانه جانب مشعر الحرام شدند **مطلب**
چهارم در بیان اعمال ضروریه شب عید قربان و روزش و ایام تشریق است یعنی یازدهم
و دوازدهم و سیزدهم بدانکه شب عید اضحی از جملهٔ چهار شب است که احیای آنها
سنت مؤکّدات و منقول است که در این شب درهای آسمان بسته نمیشود برای
آنکه صداهای دعای حاجیان بالا رود و صدای ایشان در آسمان پیچیده است مانند صدای
مگس عسل در میان گنبد و حق تعالی حاجیان را ندا میکند که منم پروردگار شما و شمائید
بندگان من و حق مرا ادا کردید و بر من لازم است که دعای شما را مستجاب کردانم پس
هر که مستحق آمرزش است همه گناهان آنرا می آمرزد و هر که سزاوار او نیست گناهش را کم
میکند پس هر که با ایشان در عبادت و دعا شریک شود در ثواب با ایشان شریک خواهد
بود و غسل و زیارت حضرت امام حسین ع در این شب سنت مؤکّدات و منقول است
که هر که آنحضرت را در این شب زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود
دیگر از اعمال روز عید غسل در آن سنت مؤکّدات و بعضی واجب دانسته اند و بهتر
آنست که پیش از نماز غسل کند و نماز عید بنابر مشهور در زمان غیبت امام ع سنت
مؤکّدات و بمکان نقیر واجب است بشرایط مقرره و نمازش بهمان کیفیت است که
در عید فطر مذکور شد و دعای پیش از رفتن بنماز عید نیز در آنجا مذکور شده و دعای

پیش از نماز و بعد از آن وارد شده است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین
دعاها دعای چهل و هشتم صحیفهٔ کامله است که اولش اَللّهُمَّ هذا یَوْمٌ مُبارَکٌ
است و اگر دعای چهل و ششم را که اولش یا مَنْ یَرْحَمُ مَنْ لا یَرْحَمُهُ الْعِبادُ
که در اعمال روز جمعه مذکور شد نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ صحیفه استحباب
خواندن این دعا نیز وارد شده است **اما در روز عید** سنت است که افطار بعد از نماز
از گوشت قربانی شود و از جملهٔ احکام این عید قربانیست و او سنت مؤکّدات
و بعضی از علما واجب دانسته اند اگر قدرت بر آن داشته باشد و از حضرت
صادق ع منقول است که اضحیه واجبست بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خود البته بکن
و از برای عیال خود اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از ام سلمه زوجهٔ حضرت رسول ص
منقول است که بآنحضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر میشود و من قیمت اضحیه ندارم
آیا قرض کنم و اضحیه بکنم آنحضرت فرمود که قرض کن که آن قرض را خدا ادا میکند
و بهتر آنست که در روز عید بکشد و در روز یازدهم و دوازدهم نیز میتوان کشت
و اگر در منی باشد روز سیزدهم نیز میتوان کشت و بهتر آنست که در دهه ذیحجه خرید
باشد و مکروه است که قربانی کند حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد و میباید شتر یا گاو
یا گوسفندی که قربانی کنند نر باشد و حیوانات دیگر را قربانی نمیتوان کرد و اگر شتر
باشد میباید پنج سال تمام داشته باشد یا زیاده و اگر گاو باشد میباید یک سال تمام داشته
باشد و داخل در سال دوم شده باشد و اگر دو سال تمام داشته باشد بهتر است و اگر
گوسفند باشد شش ماهه کافیست و اگر هفت ماهش تمام باشد بهتر است و میباید نقصی در
اعضایش نبوده باشد و سنت است که خود بکشد و اگر نتواند دست بر دست قصاب
بگذارد و مددی بکند و طریق کشتن آنست که اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را مانند کارد
یا نیزه در گودال پائین گردنش فرو برد و اگر بغیر آن ذبح کند حرام میشود و [illegible]

قدیمه

که رو بقبله بدارد آنرا و نام خدا ببرد و سنت است که آنرا ایستاده بدارد و رو بقبله
هر دو دستش از سر پا تا زانو بر ریسمانی یا تسمه ببندد که بپیچد و آنکه نحر میکند در جانب
راست شتر بایستد و حربه را در نحرش فرو برد و اگر گاو یا گوسفند یا بز باشد باید که چهار رگ را
از گردنش ببرد یعنی حلقوم و دو رگ بزرگ که در دو جانب حلقوم است و رگی که در پشت
حلقوم است که آب و علف از آن رگ بجوف او میرود و اگر اینها را نحر نکند حرام میشود و سنت است
که دعا بخواند در وقت کشتن چنانچه بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که چون
قربانی را بخری روی او بقبله کن و در وقت نحر یا ذبح بگو وَجَّهْتُ وَجْهِيَ
لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ
إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ
لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ
وَاللّٰهُ أَكْبَرُ پس نحر یا ذبح بکند و بگوید اللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي و فرمود که تا نمیرد سرش را
جدا مکن و چون پوست بکنند سنت است که یکحصه را خود و اهل خانه اش بخورند و بهتر است
که خود با آن افطار کند و یکحصه را برای همسایگان بهدیه بفرستد و اگر پریشان باشند
بهتر است و یکحصه را بفقرا و سوال کنندگان بدهد و اگر اکثر را [illegible] بهتر
باشد و سنت است که پوست و کله و جمیع اطراف [illegible] نکند
و بقصاب ندهد مگر آنکه پریشان باشد و بتصدق [illegible] وارد شده است
که میتواند پوستش را دباغت کند و بر روی او نماز کند و [illegible] گوسفند یافت نشود
است که قیمت وسطش را تصدق کند و اگر یکحیوان برای خود و عیال خود بکشد کافیست و اگر
یکی از برای خود و یکی از برای عیال بکشد بهتر است و اگر بعدد عیال بکشد [illegible]
خواهد بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن [illegible]
و اگر از برای حضرت رسول ص و ائمه معصومین ع قربانی کند ظاهرا خوبست و منقول است

که حضرت رسول ص دو گوسفند قربانی کردند و در اول فرمودند که خداوندا این از من و از
هر که قربانی نکرده است از اهل بیت من و در دوم فرمودند خداوندا این از من و از هر که
قربانی نکرده است از امت من و حضرت امیر المؤمنین ع هر سال اول یک گوسفند قربانی
میکرد و میفرمود خداوندا این از پیغمبر است پس یک گوسفند دیگر از برای خود قربانی میفرمود
و اگر جمعی فقرا در نباشند که هر یک قربانی جدا بکنند جایز است که با یکدیگر شریک شوند
تا هفت نفر بلکه تا هفتاد نفر و حق تعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در ایام معدودات
یعنی در روزی چند شمرده شده و در احادیث معتبره منقولست که مراد تکبیر گفتن است
در ایام تشریق پس هر که در منی باشد عقیب پانزده نماز بگوید که اولش ظهر روز عید است
و آخرش صبح روز سیزدهم و در سایر شهرها عقیب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح
روز دوازدهم و مشهور استحباب است و بعضی واجب دانسته اند و اقلش بعد از هر نماز
یکمرتبه است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست و طریق تکبیر
موافق حدیث صحیح اینست اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ
وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اللّٰهُ أَكْبَرُ عَلٰى مَا هَدَانَا اللّٰهُ أَكْبَرُ عَلٰى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ
الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مَا أَبْلَانَا **مطلب پنجم** در فضایل و اعمال
روز غدیر است و روز عید غدیر اجل هم اینها است و عظیم ترین اعیاد است و احادیث
از طرق عامه و خاصه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده از حد و احصار است و در این
مقام بچند حدیث اکتفا مینماید بسند معتبر از حضرت امام رضا ع منقولست که چون روز
قیامت شود چهار روز را بنزد عرش الهی برند با زینت تمام مانند عروسی که او را بخانه
برند روز عید فطر و روز جمعه و روز عید اضحی و روز عید غدیر و روز عید غدیر در میان
آنها مانند ماه باشد در میان ستارگان و آن روزیست که حق تعالی حضرت ابراهیم را
از آتش نجات داد و این روز را روزه داشت برای شکر حق تعالی و آن روزیست که

اعمال روز عید غدیر

خدا در آن روز کامل گردانید دین را بانکه حضرت رسول صلعم حضرت امیر المؤمنین ع را نصب
کرد بخلافت و فضیلت آنرا و وصی بودن او را ظاهر گردانید بر مردم پس روزه
داشت این روز را و این روز کامل شدن دینست و روزیست که بینی شیطان
برخاک مالیده شده است و روزیست که اعمال شیعیان و دوستان آل محمد ص در این
روز مقبول میشود و این روزیست که حق تعالی عملهای مخالفان و سنیان را باطل
میکرداند مانند ذره‌ها که درمیان هوا پراکنده میشود و این روزیست که خدای عز
وجل امر میکند جبرئیل را که نصب کند کرسی کرامت خدا را در برابر بیت المعمور جبرئیل
بر آن کرسی بالا میرود و ملائکه از جمیع آسمانها نزد او جمع میشوند و نثار میکنند بر محمد
و آل محمد ص و استغفار میکنند برای شیعیان حضرت امیر المؤمنین و ائمه طاهرین
علیهم السلم و دوستان ایشان از فرزندان آدم و این روزیست که امر میکند حق تعالی
ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند از محبان اهل بیت و شیعیان ایشان
تا سه روز از روز عید غدیر و ننویسند هیچ خطا و گناه ایشانرا برای کرامت محمد و علی
و ائمه صلوات الله علیهم و این روزیست که خدای تعالی مخصوص محمد و آل و شیعیان
ایشان گردانیده و این روزیست که حق تعالی زیاده میگرداند مال کسی را که عبادت خدا
کند در این روز و توسعه دهد روز را بر عیال خود و برادران مؤمن خود و او را
آزاد میگرداند از آتش جهنم و این روزیست که حق تعالی سعی شیعیان را ایشانرا شکر میکند یعنی
مزد میدهد و گناه ایشانرا می آمرزد و عمل ایشانرا قبول میکند و این روزیست که حق
تعالی غمهای شیعیانرا زایل میگرداند و گناهان ایشانرا کم میکند و روز بخشش است و
روز عطیه است و روز بهن کردن علمست و روز بشارتست و روز عید بزرگست و
و روزیست که دعاها در آن مستجاب میگردد و روز موقف بزرگست و روز پوشیدن
جامهای نیکوست و روز بخشیدن گناهان شیعیان امیر المؤمنین است و روزیست که

صلوات باید فرستاد بر محمد و آل محمد ص و روز خوشنودیست و روز عید اهل بیت محمد است
و روز قبولی اعمال است و روز طلب زیادتی ثوابست و روز استراحت مؤمنانست
و روز سوداگری ایشانست و روز دوستی کردن شیعیانست با یکدیگر و روز رسیدن
برحمت خداست و روز ترک کبایر و گناهانست و روز عبادتست و روز افطار
فرمودن روزه دارانست پس هرکه روزه داری را در این روز افطار فرماید چنانست
که ده فیام را اطعام کرده باشد و هر فیامی صد هزار کس است و روز تهنیت و مبارک
باد است پس هر مؤمن که دیگری را ملاقات کند چنین تهنیت بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِی جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّکِینَ بِوِلَایَةِ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْاَئِمَّةِ
عَلَیْهِمُ السَّلٰمُ یعنی حمد و سپاس خداوندیرا سزاست که گردانیده ما را از آنها که چنگ
زده‌اند در ولایت و محبت پادشاه مؤمنان و ائمه علیهم السلم و این روز تبسم است
در روی مؤمنان پس هرکه تبسم کند در روی برادر مؤمن خود در روز غدیر حق تعالی
نظر کند در روز قیامت بسوی او برحمت و برآورد حاجت او را و بنا کند در بهشت
از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را نورانی گرداند و این روز زینت است
پس هرکه زینت کند برای روز غدیر حق تعالی بیامرزد از برای او هر گناهی که کرده است
از صغیره یا کبیره و بفرستد حق تعالی بسوی او ملکی چند را که بنویسند برای او درجات
تا سال آینده مثل این روز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدان داشته باشد
و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند و هرکه طعامی دهد در این روز مؤمنی را چنان
باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را و هرکه دیدن کند در این روز مؤمنی را
داخل کند خدا در قبر او هفتاد نور و قبرش را گشاده گرداند و زیادت کند او را در قبر
او و هر روز هفتاد هزار ملک بشارت دهند او را بهشت و در روز غدیر حق تعالی
عرض کرد ولایت و امامت و محبت اهل بیت را بر اهل آسمانهای هفتگانه پس پیشی

گرفتند باقرار بآن اهل آسمان هفتم زینت داد آنرا بعرش پس بعد از آن سبقت گرفتند
اهل آسمان چهارم پس زینت داد آنرا به بیت المعمور پس سبقت گرفت باقرار بجا اهل
آسمان اول پس آنرا زینت بخشید بستارگان پس حق تعالی عرض کرد ولایت ما را بزمینها
پس پیشی گرفت باقرار بآن مکه معظمه پس زینت داد آنرا بکعبه پس پیشی گرفت
مدینه طیبه پس زینت داد آنرا بمحمد مصطفی ص پس سبقت کرد بسوی آن شهر کوفه پس
زینت داد آنرا بقبر حضرت امیر المؤمنین ع پس عرض کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول
کوهی که اقرار کرده سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت و باین سبب این جواهر
در آنها بهم رسید پس کوههای دیگر سبقت گرفتند و باین سبب معدن طلا و نقره
و سایر معدنها گردیدند و هر یک که اقرار نکردند معدن بهیچ چیز نگردیدند و باز در
روز غدیر عرض کرد ولایت ما را بر آبها هر چه قبول کرد شیرین شد و هر چه قبول نکرد
شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هر مرغ که قبول کرد بسخن گو و خوش
صدا گردید و هر یک که قبول نکرد لال و بد آواز گردید و مثل مؤمنان در قبول کردن ولایت
امیر المؤمنین ع در روز غدیر مانند ملائکه است در قبول کردن سجده آدم ع و مثل آنها
که قبول ولایت آنحضرت نکردند در روز غدیر مانند شیطانست در قبول نکردن سجده حضرت
آدم ع و در روز غدیر این آیه نازل شد اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ
نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا یعنی امروز کامل گردانیدم از برای
شما دین شما را و تمام گردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای دین شما پس
آنحضرت فرمود که نفرستاده است حق تعالی پیغمبری را مگر آنکه وصی و خلیفه خود را در این روز نصب
کرده است **وایضا** بسند معتبر از ابن ابی نصر منقولست که گفت روزی در خدمت امام
رضا ع بودیم و جماعت بسیار حاضر بودند پس فضیلت روز غدیر مذکور شد و بعضی از
حاضران انکار کردند آنحضرت فرمود که پدرم از پدرانش روایت کرد که روز غدیر در آسمان

مشهورتر است از زمین و بدرستی که خدا را در فردوس اعلی قصری است که یک خشت او
از طلا و یکی از نقره و در آن قصر صد هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است
از یاقوت سبز و خاکش مشک و عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری از شراب و
نهری از آب و نهری از شیر و نهری از عسل و در دور آن درختان هست از انواع میوه‌ها
و بر آن درختان مرغان خوش الحان هستند که بدنهای آنها از مروارید است و بالهای
آنها از یاقوت و بانواع نغمها خوانندگی میکنند چون روز عید غدیر میشود در آن قصر حاضر میشوند
جمیع اهل آسمانها و تسبیح و تقدیس و تهلیل حق تعالی میکنند و آن مرغان پرواز میکنند در
میان آن آب فرو میروند و در آن مشک و عنبر میغلطند و ملائکه جمع شوند و پرواز میکنند
مشک و عنبر بر سر ایشان می افشانند و در این روز نثار حضرت فاطمه صلوات الله علیها است
که در شب زفاف آنحضرت سدرة المنتهی و درخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر بهدیه میفرستند
و چون آخر این روز میشود ندا از جانب رب اعلی بایشان میرسد که برگردید بسوی درجها
و مرتبهای خود پس بتحقیق که ایمن گردیدید از گناه و خطا و لغزش تا مثل این روز از
سال آینده برای کرامت محمد و علی صلوات الله علیهما پس حضرت فرمود ای پسر ابی نصر هر جا
که باشی سعی کنی که نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین ع حاضر شوی بدرستی که خدا در این روز
می آمرزد هر مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت ساله ایشان را و در این روز آزاد میکند از
آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یکدرهم
که در این روز ببرادران مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان
کن در این روز ببرادران مؤمن خود و شاد گردان هر مرد مؤمن و زن مؤمنه را بخدا سوگند
که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند چنانچه باید هر آینه هر روز ده مرتبه ملائکه با ایشان
مصافحه کنند و زیارت حضرت امیر المؤمنین ع در این روز فضیلت بسیار دارد و از نزدیک
و دور موافق روایت صفوانی و غیره **و اما** اگر از دور آنحضرت را زیارت کنند دو رکعت

اعمال روز عید غدیر

نماز زیارت بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا انزلناه و در رکعت دوم بعد از
حمد قل هو الله احد بخوانند و زیارت نامه آنحضرت در اعمال بیست و یکم ماه مبارک رمضان
که در این رساله ذکر شده بخوانند بعد از نماز پس این دعا بخوانند اللهم صل علی ولیک
واخی نبیک ووزیره وحبیبه وخلیله وموضع سره وخیرته
من اسرته ووصیه وصفوته وخالصته وامینه وولیه
واشرف عترته الذین امنوا به وابی ذریته وباب حکمته
والناطق بحجته والداعی الی شریعته والماضی علی سنته وخلیفته
علی امته سید المسلمین وامیر المؤمنین وقاید الغر المحجلین افضل
ما صلیت علی احد من خلقک واصفیائک واوصیاء انبیائک
اللهم انی اشهد انه قد بلغ عن نبیک صلی الله علیه وآله
ما حمل ورعی ما استحفظ وحفظ ما استودع وحلل حلالک
وحرم حرامک واقام احکامک ودعا الی سبیلک ووالی اولیائک
وعادی اعدائک وجاهد الناکثین عن سبیلک والقاسطین والمارقین
عن امرک صابرا محتسبا مقبلا غیر مدبر لا تاخذه فی الله لومة
لائم حتی بلغ فی ذلک الرضا وسلم الیک القضاء وعبد
لک مخلصا ونصح لک مجتهدا حتی اتاه الیقین فقبضته الیک
شهیدا سعیدا ولیا تقیا رضیا زکیا هادیا مهدیا اللهم صل
علی محمد وعلیه افضل ما صلیت علی احد من انبیائک واصفیائک
یا رب العالمین پس اشارت کند بانگشت شهادت بجانب قبر شریف آنحضرت
و زیارت ... که ذکر شد بخوانند و شب غدیر نیز شب بسیار مبارکیست و در این شب
نیز مناسبست که این زیارت را بعمل آورند واما فضیلت روزه داشتن و تصدق

کردن و افطار روزه دار نمودن در این ابواب احادیث بسیارست و بدانکه غسل در اول
این روز سنت مؤکداست واما کیفیت نماز روز عید غدیر که مشهورست آنست که از
حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که در این روز نیم ساعت پیش از زوال شمس دو
رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد قل هو الله احد و انا انزلناه و آیة الکرسی
تا خالدون هر یک را ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حق تعالی با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر
حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سؤال کند البته باسانی و عافیت
برآورده شود پس بسجده رود و صد مرتبه شکرا لله یا شکرا بگوید و چون سر از
سجده بردارد این دعا بخواند اللهم انی اسئلک بان لک الحمد وحدک
لا شریک لک وانک واحد احد صمد لم یلد ولم یولد ولم
یکن له کفوا احد وان محمدا عبدک ورسولک صلواتک علیه
وآله یا من هو کل یوم فی شان کما کان من شانک ان تفضلت
علی بان جعلتنی من اهل اجابتک واهل دینک واهل دعوتک
ووفقتنی لذلک فی مبتدء خلقی تفضلا منک وکرما وجودا ثم
اردفت الفضل فضلا والجود جودا والکرم کرما رافة منک ورحمة
الی ان جددت ذلک العهد لی تجدیدا بعد تجدیدک خلقی وکنت
نسیا منسیا ناسیا ساهیا غافلا فاتممت نعمتک بان ذکرتنی
ذلک ومننت به علی وهدیتنی له فلیکن من شانک یا الهی وسیدی
ومولای ان تتم لی ذلک ولا تسلبنیه حتی تتوفانی علی ذلک و
انت عنی راض فانک احق المنعمین ان تتم نعمتک علی اللهم سمعنا
واطعنا واجبنا داعیک بمنک فلک الحمد غفرانک ربنا والیک
المصیر امنا بالله وحده لا شریک له وبرسوله محمد صلی الله علیه

واله وصدقنا واجبنا داعی الله واتبعنا الرسول فی موالات مولانا
ومولی المؤمنین امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب عبد الله واخی
رسوله والصدیق الاکبر والحجة علی بریته المؤید به نبیه و
دینه الحق المبین علما لدین الله وخازنا لعلمه وعیبة غیب
الله وموضع سر الله وامین الله علی خلقه وشاهده فی بریته
اللهم ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان امنوا بربکم
فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع
الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم
القیمة انک لا تخلف المیعاد فانا ربنا بمنک ولطفک اجبنا
داعیک واتبعنا الرسول وصدقنا مولی المؤمنین وکفرنا
بالجبت والطاغوت فولنا ما تولینا واحشرنا مع ائمتنا فانا
بهم مؤمنون موقنون ولهم مسلمون امنا بسرهم وعلانیتهم
وشاهدهم وغائبهم وحیهم ومیتهم ورضینا بهم ائمة و
قادة وسادة وحسبنا بهم بیننا وبین خلقه لا نبتغی بهم
بدلا ولا نتخذ من دونهم ولیجة وبرئنا الی الله من کل من
نصب لهم حربا من الجن والانس من الاولین والاخرین و
کفرنا بالجبت والطاغوت والاوثان الاربعة واشیاعهم
واتباعهم وکل من والاهم من الجن والانس من اول الدهر الی
اخره اللهم انا نشهدک انا ندین بما دان به محمد وال محمد
صلی الله علیه وعلیهم وقولنا ما قالوا ودیننا ما دانوا ما قالوا
به قلنا وما دانوا به دنا وما انکروا انکرنا ومن والوا والینا

ومن عادوا عادینا ومن لعنوا لعنا ومن تبرؤا منه تبرانا
منه ومن ترحموا علیه ترحمنا علیه امنا وسلمنا ورضینا و
اتبعنا موالینا صلوات الله علیهم اللهم فتمم لنا ذلک ولا تسلبناه
واجعله مستقرا ثابتا عندنا ولا تجعله مستعارا واحینا
ما احییتنا علیه وامتنا اذا امتنا علیه ال محمد ائمتنا
فیهم نأتم وایاهم نوالی وعدوهم عدو الله نعادی فاجعلنا
معهم فی الدنیا والاخرة ومن المقربین فانا بذلک راضون
یا ارحم الراحمین پس باز بسجده رود وصد مرتبه الحمد لله وصد مرتبه
شکرا بگوید آنحضرت فرمود که هر که این عمل بجا آورد ثواب کسی داشته باشد که در روز غدیر
نزد حضرت رسول صلعم حاضر شده باشد و با رسول خدا و امیر المؤمنین ع بر ولایت آنحضرت بیعت
کرده باشد و درجه او در بهشت با درجه راست گویان و تصدیق کنندگان باشد که تصدیق
خدا و رسول خدا در آن روز از روی اخلاص کرده‌اند مانند سلمان و مقداد و ابوذر و مانند کسی
باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول صلعم و امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین صلوات الله
علیهم و مانند کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر و در زیر خیمه آنحضرت بوده باشد
از نجیبان و نقیبان و برگزیدگان اصحاب آنحضرت وایضا از آنحضرت منقول است
که دو رکعت نماز درین روز بجا آورد و در رکعت اول بعد از حمد انا انزلناه و در رکعت
دویم بعد از حمد قل هو الله بخواند و بعد از آن سجده و دعائی که ذکر شد بعمل آورد همه آن
ثوابها دارد مطلب ششم در فضیلت روز مباهله تا آخر ماه و در تعیین مباهله میان
علما خلاف است و مشهور و اقوی آنست که روز بیست و چهارم است و بعضی بیست و پنجم و بعضی
بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم نیز گفته‌اند و اگر در هر یک از اینها اعمال مستحبه را
بعمل آورند بهتر است و آنچه مشهور است بیست و چهارم است و سبب فضیلت روز مباهله آنست

که چون حضرت رسول ص رسولان فرستاد بسوی نصاری نجران که اعظم ترسایان عرب بودند
و ایشان بکتب رجوع کردند اوصاف آنحضرت را در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند حب
دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب شد و ایمان نیاوردند و هفتاد نفر از علما و عظمای خود را
فرستادند که صفاتی در کتب سابقه برای آنحضرت دیده اند مشاهده نمایند و بمدینه داخل شدند
و صفات را موافق یافتند و حضرت رسول ص حجتهای شافی بر ایشان تمام کرد و باز بعضی از
ایشان بسبب حب ریاست و اغراض باطله مضایقه کردند در ایمان آوردن و حق تعالی
این آیهٔ کریمه را فرستاد فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ
فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا
وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ یعنی پس هر که
با تو مجادله کند در امر عیسی بعد از آنچه آمده است بسوی تو از علم و برهان و القا کردی بایشان
و قبول نکردند پس بگو ای محمد بیائید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان
خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها را که بمنزلهٔ جان ما اند و
آنها که بمنزله جان شما اند پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بگردانیم لعنت خدا و
دوری از رحمت خدا را بر آنها که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول ص عبای
بر دوش مبارک گرفت و حضرت امیر المؤمنین ع و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین
صلوات الله علیهم را در زیر عبا داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده
است که مخصوص ترین خلق بوده اند باو خداوندا اینها اهل بیت منند پس از ایشان
بر طرف کن شک و گناه را و پاک ایشانرا پاک کردنی پس جبرئیل ع نازل شد و این آیه را در
ایشان آورد إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا یعنی جز این نیست که اراده دارد خدا که زایل گرداند از شما اهل بیت بدی
و پاک گرداند شما را پاک گردانیدنی پس حضرت رسول ص حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی

طالب ع و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهم را با خود بیرون برد از مدینه
برای مباهله و چون نصاری حقیقت حضرت را دانسته بودند و بعد از ایستادن آنحضرت
با آن بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان ظاهر شد و عالم بزرگ
ایشان گفت بخدا سوگند که روی چند می بینم که اگر دعا کنند که کوهی از جا کنده شود
کنده خواهد شد جرات نکردند بر مباهله و استدعا مسالمه و مصالحه کردند و قبول کردند
که هر سال جزیه بدهند و حضرت ایشانرا نفرین نکرد و بامر الهی بر ایشان جزیه قرار داد و
حضرت فرمود که بخدا سوگند که عذاب و هلاک آویخته شده بر اهل نجران و اگر مباهله میکردم
هر آینه همه آن جماعت میمون و خوک میشدند و این وادی بر ایشان آتش میشد و سرایت
میکرد بنجران و همه ترسایان نجران میسوختند و پیش از آنکه سال تمام شود جمیع نصاری
میمردند و یک نصرانی بر روی زمین زنده نمیماندند و باین سبب چندین امر بر عالمیان
ظاهر شد اول حقیقت آنحضرت زیرا که اگر اعتماد بر حقیقت خود نمیداشت خود را و
عزیزترین اهل خود را در معرض مباهله بدر نمی آورد و اگر آن جماعت را اگر آن جماعت حقیقت
آنحضرت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله میکردند و مذلت و خواری جزیه را بر خود قرار
نمیدادند دویم آنکه ظاهر شد که آل عبا علیهم السلام بزرگوارترین خلق بودند که
ایشانرا آنحضرت در دعا با خود شریک گردانید سیوم آنکه ایشان عزیز خلق بودند نزد
آنحضرت که برای اظهار حقیقت خود ایشانرا در معرض نفرین بدر آورد زیرا که بسیاری را که
آدمی خود را بمهالک می افکند اما اعزهٔ عیال خود را راضی نمیشود که در خطر در آورد و چنانچه
صاحب کشاف و غیر او از متعصبان سنیان اعتراف باین نموده اند چهارم آنکه امام
حسن و امام حسین صلوات الله علیهما فرزند حقیقی آنحضرت شد و مرتبه ایشان از سایر صحابه بیشتر
بوده است نزد خدا و رسول خدا ص با وجود صغر سن پنجم آنکه حضرت فاطمه ع بهترین زنان بوده
از زوجات و سایر قرابات با آنحضرت اخص و اقرب بوده و منزلت او نزد حق تعالی از همه بیشتر

ششم آنکه اتفاق عامه و خاصه که حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب ع در مباهله داخل بود
و داخل ابنا و نسا نیست پس باید داخل انفسنا باشد و حقیقت در اینجا مراد نمیتواند بود
زیرا که اتحاد دو نفس محالست پس مراد آنست که اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت ص
در کمالات و صفات بمرتبه بود که بمنزله نفس و جان آنحضرت بود پس هر کمالی که در رسول خدا
بود باید که در آنحضرت باشد بغیر پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و پیغمبران بغیر
آنحضرت و باید که مخصوص ترین خلق باشد با آنحضرت و اعز خلق باشد نزد او و روایات
مفصله این قصه شریفه و فوایدی که از آن مستفاد میشود در کتاب حیوة القلوب
ذکر شده و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و از جمله اموری که در روز بیست و چهارم
واقع شده و موجب مزید فضل او گردیده آنست که در این روز حضرت امیرالمؤمنین ع در
رکوع نماز انگشتری خود را بسایل بخشید و این آیه کریمه نازل شد و امامت آنحضرت
بر اصحاب بصیرت هویدا گردید إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ یعنی نیست
اولی بامر شما و مالک اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنها که ایمان آورده اند و نماز را برپا
میدارند و چنانچه باید بجا می آورند و زکوة میدهند در رکوع این آیه نص صریح است بر امامت
آنحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر شده واما در این روز غسل سنت است و زیارت
حضرت امیرالمؤمنین ع را در این روز بجا آوردن مستحبست چنانچه در اعمال روز بیست و
یکم رمضان ذکر شد و روزه این روز مستحب است و تصدق بمولای خود امیرالمؤمنین ع کردن بر
فقیر و ارباب حاجات آنچه مقدور و میسر باشد مطلوب است و اعمال این روز مبارک بسیار است
اول شیخ طوسی رحمه الله از حضرت صادق ع روایت کرده است که در این روز پیش از
زوال به نیم ساعت دو رکعت نماز بگذارد برای شکر نعمت مباهله و در هر رکعت
بعد از حمد قل هو الله احد و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و انا انزلناه را هر یک ده مرتبه

روز مباهله

بخواند و اگر این نماز را بعمل آورد نزد حق تعالی برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره و
هر حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت که از حق تعالی سؤال کند البته بر آورده شود انشاء الله
و این نماز همان نماز است که در اعمال روز غدیر مذکور شد دویم از اعمال این روز دعائیست
که شیخ طوسی و سید ابن طاوس قدس الله روحهما بسندهای معتبر از حضرت صادق ع روایت
کرده اند و آنحضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر ع روایت کرده است که آنحضرت فرمود
که اگر گویم در این دعا اسم اعظم حق تعالی هست هر آینه راست گفته ام و اگر مردم بدانند که این دعا در
احادیث چگونه تأثیر مینماید البته بهر نحو که مقدور باشد سعی نمایند در تحصیل و هر چند که باید
قتال کنند و مرا هر حاجت که عارض میشود این دعا را میخوانم و بعد از آن حاجت خود را
میطلبم البته مستجاب میگردد و این دعائیست که در وقتی که آیه مباهله نازل شد جبرئیل
از جانب خداوند جلیل بر حضرت سید رسل ص نازل شد و این دعا را آورد و گفت
برای مباهله بیرون رو و وصی خود علی ابن ابی طالب ع را و سیدة النسا فاطمه زهرا را و نور
دیده و فرزند پسندیده خود حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود ببر و بیرون بر
این دعا را بخوان و با ترسایان مباهله و برایشان نفرین کن پس حضرت صادق ع فرمود
که هرگاه این دعا را خوانید سعی و جهد کنید در دعا و تضرع و این دعا را شفیع خود گردانید
در حاجتها و از کسی که اهلش نباشد از سفیهان و منافقان پنهان دارید و بایشان تعلیم
منمائید که از علمهای مخزونست و هر کس قابل این گوهر گرانمایه نیست و شرح این دعا
بسیار است اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ مِنْ بَهٰائِكَ بِاَبْهٰاهُ وَكُلُّ بَهٰائِكَ
بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِبَهٰائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ
جَلٰالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلٰالِكَ جَليلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِجَلٰالِكَ
كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ جَمٰالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمٰالِكَ جَميلٌ اَللّٰهُمَّ
اِنّي اَسْئَلُكَ بِجَمٰالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدْعُوكَ كَمٰا اَمَرْتَني فَاسْتَجِبْ

لي كما وعدتني اللهم اني اسالك من عظمتك باعظمها وكل عظمتك
عظيمة اللهم اني اسالك بعظمتك كلها اللهم اني اسئلك من
نورك بانوره وكل نورك نير اللهم اني اسئلك بنورك
كله اللهم اني اسئلك من رحمتك باوسعها وكل رحمتك
واسعة اللهم اني اسئلك برحمتك كلها اللهم اني ادعوك
كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك من
كمالك باكمله وكل كمالك كامل اللهم اني اسئلك بكمالك كله اللهم
اني اسئلك من كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة اللهم اني اسالك
بكلماتك كلها اللهم اني اسئلك من اسمائك كبيرة اللهم باكبرها وكل اسمائك ؏
اني اسالك باسمائك كلها اللهم اني ادعوك كما امرتني
فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك من عزتك
باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم اني اسئلك بعزتك كلها اللهم
اني اسالك من مشيتك بامضاها وكل مشيتك ماضية اللهم
اني اسئلك بمشيتك كلها اللهم اني اسئلك بقدرتك التي
استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم اني
اسئلك بقدرتك كلها اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب
لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك من علمك بانفذه وكل
علمك نافذ اللهم اني اسئلك بعلمك كله اللهم اني اسالك
من قولك بارضاه وكل قولك رضي اللهم اني اسئلك بقولك كله
اللهم اني اسالك من مسائلك باحبها وكل مسائلك اليك
حبيبة اللهم اني اسئلك بمسائلك كلها اللهم اني

ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك
من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم اني اسالك
بشرفك كله اللهم اني اسئلك من سلطانك بادومه
وكل سلطانك [illegible] اللهم اني اسئلك بسلطانك كله اللهم اللهم اني اسالك بعلائك كله ؏
اني اسئلك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم اني اسئلك بملكك
كله اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم
اني اسئلك باعلاه وكل علائك عال اللهم اني اسئلك من اياتك من علائك ؏
باعجبها وكل اياتك عجيبة اللهم اني اسئلك باياتك كلها اللهم
اني اسالك من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسالك
بمنك كله اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني
اللهم اني اسالك بما انت فيه من الشؤن والجبروت اللهم
اني اسالك بكل شان وكل جبروت لك اللهم اني اسئلك بما
تجيبني به حين اسئلك يا الله يا لا اله الا انت اسئلك ببهاء
لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بجلال لا اله الا انت
يا لا اله الا انت اسئلك بلا اله الا انت اللهم اني ادعوك كما امرتني
فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك من رزقك بعمه
وكل رزقك عام اللهم اني اسئلك برزقك كله اللهم اني اسئلك ؏
من عطائك باهناه وكل عطائك هني اللهم اني اسالك
بعطائك كله اللهم اني اسالك من خيرك باعجله وكل خيرك
عاجل اللهم اني اسئلك بخيرك كله اللهم اني اسئلك من
فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني اسئلك بفضلك

كله اللهم انی ادعوك كما امرتنی فاستجب لی كما وعدتنی اللهم صل
علی محمد وآل محمد وابعثنی علی الایمان بك والتصدیق برسولك
علیه وآله السلام والولایة لعلی ابن ابی طالب والبراءة من
عدوه والایتمام بالائمة من آل محمد علیهم السلام فانی
قد رضیت بذلك یا رب اللهم صل علی محمد عبدك ورسولك
فی الاولین وصل علی محمد وآل محمد فی الآخرین وصل علی محمد وآل محمد
فی الملأ الاعلی وصل علی محمد وآل محمد فی المرسلین اللهم اعط وآله
محمدا الوسیلة والشرف والفضیلة والدرجة الكبیرة
اللهم صل علی محمد وآل محمد وقنعنی بما رزقتنی وبارك لی فیما
اعطیتنی واحفظنی فی غیبتی وفی كل غائب هو لی اللهم صل
علی محمد وآل محمد واسئلك خیر الخیر رضوانك والجنة
واعوذ بك من شر الشر سخطك والنار اللهم صل علی محمد
وآل محمد واحفظنی من كل بلیة وكل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل
بلاء ومن كل شر ومن كل مكروه ومن كل مصیبة ومن كل آفة
نزلت او تنزل من السماء الی الارض وفی هذه الساعة وفی
كل ساعة وفی هذه اللیلة وفی هذا الیوم وفی كل شهر وفی وفی هذا الشهر
هذه السنة اللهم صل علی محمد وآل محمد واقسم لی من كل سرور
ومن كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل عافیة
ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال
طیب ومن كل نعمة وسعة نزلت او تنزل من السماء الی الارض ومن كل
فی هذه الساعة وفی كل ساعة وفی هذه اللیلة وفی هذا

الیوم وفی هذا الشهر وفی هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبی
قد اخلقت وجهی عندك وحالت بینی وبینك وغیرت
حالی عندك فانی اسئلك بنور وجهك الذی لا یطفأ وبوجه
محمد حبیبك المصطفی وبوجه ولیك علی المرتضی وبحق اولیائك
الذین انتجبتهم ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر لی ما
مضی من ذنوبی وان تعصمنی فیما بقی من عمری واعوذ
بك اللهم ان اعود فی شیء من معاصیك ابدا ما ابقیتنی
حتی تتوفانی وانا لك مطیع وانت عنی راض وان تختم لی عملی
باحسنه وتجعل لی ثوابه الجنة وان تفعل بی ما انت
اهله یا اهل التقوی واهل المغفرة صل علی محمد وآل
محمد وارحمنی برحمتك یا ارحم الراحمین وبعد از آن هر حاجت
كه داری از حق تعالی طلب كن كه ان شاء الله بر آورده میشود مؤلف گوید كه خواندن
این دعا در روز مباهله انسب است وشیخ طوسی علیه الرحمة نیز در این روز روایت
كرده است واز روایات مذكوره معلوم میشود كه در همه وقت میتوان خواند ودر دعا
اختلافی هست میان روایات وآنچه در آنجا ذكر شده است موافق روایت شیخ است
وروایت دیگر را با ترجمه در رساله دیگر ایراد نموده اند وشبیه باین دعا در سحرهای ماه
مبارك رمضان وروزهای آن نیز وارد شده است با فضیلت بسیار واز عظیم
ترین دعاها وایضا شیخ طوسی وغیره بسند معتبر از حضرت موسی ابن جعفر روایت
كرده اند كه در روز مباهله كه روز بیست وچهارم این ماه است دو ركعت نماز بكن بعد از
آن هفتاد مرتبه بگو استغفر الله واتوب الیه پس می ایستی وبموضع سجود
خود نظر میكنی واین دعا را میخوانی وباید كه با غسل وروزه باشی برای شكر حق تعالی بر این نعمت

عظیمه و اما روز بیست و پنجم این ماه مشهور آنست که در این روز سوره کریمه هل اتی در شان
حضرت امیرالمؤمنین ع و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهم نازل شد
بسبب آنکه امام حسن و امام حسین ع بیمار شدند و حضرت رسول ص بعیادت ایشان رفت
و امر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام
نذر کردند که اگر خدای تعالی ایشان را عافیت دهد سه روز روزه بگیرند و چون حق تعالی عافیت
کرامت فرمود آن چهار بزرگوار با فضه خادمه ایشان روزه گرفتند و نداشتند چیزی
که با او افطار نمایند پس حضرت امیرالمؤمنین ع قدری پشم از شمعون یهودی گرفت با سه
صاع از جو که حضرت فاطمه ع هر روز ثلث آن پشم را بریسد و یکصاع از آن جو را مزد
خود بردارد پس روز اول حضرت فاطمه ع ثلث آن پشم را رشت و برداشت آن صاعی
از جو برداشت و آرد کرد و پنج گرده نان پخت و چون حضرت امیرالمؤمنین ع با حضرت
رسول ص نماز شام کرد و بخانه برگشت و حضرت فاطمه ع پنج گرده نان را حاضر کرد و خواستند
افطار نمایند مسکینی بر در خانه ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من مسکینم
از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا خدا شما را از مایده های بهشت طعام دهد پس
حضرت امیر ع ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را میدهم و سایر اهل بیت علیهم السلام با تفقه
با آنحضرت موافقت کردند و نانهای خود را بسایل دادند و بآب افطار کردند و روز دیگر را
روزه داشتند و باز حضرت فاطمه ع برخاست یک ثلث دیگر از پشم یکصاع دیگر را
برداشت و آرد کرد و پنج گرده دیگر پخت و چون خواستند افطار نمایند سایل بر در خانه
آمد و صدا زد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من یتیمی ام از اولاد مهاجرین
و پدرم در روز عقبه شهید شده است مرا طعام دهید تا خدا شما را از خوانهای بهشت
طعام دهد پس حضرت امیرالمؤمنین اول نان خود را داد و بعد از آن فاطمه زهرا و بعد
از آن دو گوشواره عرش خدا و بعد از ایشان فضه سعادتمند هر یک نانهای خود را

به یتیم دادند و بآب افطار نمودند و در روز سیوم روزه داشتند و باز حضرت سیده النساء
بقیه پشم را رشت و بقیه جو را گرفت و در آسیا خورد کرده باز پنج گرده نان پخت
چون حضرت امیر ع از نماز برگشت حضرت فاطمه ع طعام را حاضر ساخت که افطار نمایند ناگاه
اسیری از اسیران کافران ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد ص ما را اسیر
میکنید و می بندید و طعام نمیدهید بخوریم پس بنحو سابق نانها همه کردهای خود را باو
دادند و بآب افطار کردند و چون صبح شد حق تعالی سوره کریمه هل اتی را در شان ایشان
فرستاد و در آن سوره اشاره باین قصه نموده که يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ
يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا
وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا
شُكُورًا إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا یعنی وفا میکنند
بنذر و میترسند از روزی که شر آن اکثر خلق را فرا گرفته است و میخورانند طعام را
باخواهش و محبت آن یا از برای محض محبت خدا بمسکین و یتیم و اسیر و میگویند در
دل خود و زبان حال ایشان اینست که ما طعام نمیدهیم شما را مگر از برای رضای خدا نمیخواهیم
از شما نه جزا و پاداشی را و نه شکر و ثنائی را اما میترسیم از روز قیامت که در نهایت
شدت و هولست و چون در روز چهارشنبه که روز بیست و پنجم ماه ذی الحجه بود سوره هل اتی
در شان ایشان نازل شد حضرت رسول ص بخانه اهل بیت علیهم السلام آمد و ایشان را با آن [illegible]
گرسنگی و آنحالت غریب مشاهده کرد گریست و فرمود که این [illegible]
می بینم و امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما را دید که از [illegible]
مانند جوجه که از تخم بیرون آید میلرزند و حضرت فاطمه ع در محراب عبادت [illegible]
بود و از گرسنگی شکم مبارکش بپشت چسپیده بود و چشمهایش فرو رفته بود چون
از نماز فارغ شد حق تعالی خوانی از بهشت برای او فرستاد که در آن بود کاسه و ترید گرم

و گوشت در آن میان بود که پخته شده بود و بوئی بهتر از بوی مشک از آن ساطع بود پس حضرت
فاطمه آنها را نزد حضرت رسول آورد آنحضرت فرمود که ای فاطمه این را از کجا آورده
گفت از جانب خدا آمده است خدا هر کرا خواهد روزی میدهد بیحساب حضرت فرمود
که الحمد لله از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم را در عیسی را دیدم پس از آن
تناول نمودند تا هفت روز از آن میخوردند و آخر نمیشد و حضرت صادق ع
فرمود که آن کاسه نزد ماست و حضرت صاحب الامر ع آنرا ظاهر خواهد کرد و طعام بهشت
از آن تناول خواهد نمود پس مناسب آنست که شیعیان اهل بیت علیهم السلام در این
تاسی نمایند بموالی خود در تصدق کردن بمساکین و یتیمان و سعی نمایند در اطعام ایشان
و شیخ مفید علیه الرحمة گفته است که مستحب است که در این روز روزه بدارند برای
شکر نعمت نزول سوره هل اتی که در شان آل عبا ع و غسل و زیارت جامعه در این
در این روز مناسب است و دعای روز مباهله را خواندن و در روز بیست و ششم بنا بر مشهور
عمر علیه اللعنه را خنجر بشکمش زده اند و این نهایت برکت دارد و در روز بیست و نهم
مروان که آخر خلفای بنی امیه است بجهنم واصل شده و دولت دنیای بنی امیه منقرض بر
طرف شد پس در این روز شکر این نعمت باید کرد و بعضی گفته اند که حضرت امام علی
نقی ع در این روز متولد شده است و در روز بیست و نهم بنا بر مشهور عمر باسفل درک
سقر منتقل شده است و باین سبب فضیلت عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجه که
آخر سال عربیست روایت کرده اند که سنت است که دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد
بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ
وَنَسِيتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ وَدَعَوْتَنِي اِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرَائِي عَلَيْكَ
اَللّٰهُمَّ فَاِنِّي اَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لِي وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي

اول ماه محرم

اِلَيْكَ خَالِصًا لَكَ مِنِّي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْكَ يَا كَرِيمُ فصل سیم در بیان
اعمال ماه محرم الحرام و فضیلت آن و در آن سه مطلب است مطلب اول در اعمال دهه اول محرم است
از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول ص در روز اول محرم دو رکعت
نماز میکردند و چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا بر میداشتند و این دعا را سه مرتبه
میخواندند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاِلٰهُ الْقَدِيمُ وَهٰذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ فَاَسْئَلُكَ
فِيهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَالْقُوَّةَ عَلَى النَّفْسِ الْاَمَّارَةِ
بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغَالَ بِمَا يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ
الْاِكْرَامِ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ يَا حِرْزَ مَنْ
لَا حِرْزَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ
يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا مُعِينَ
الضُّعَفَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغَرْقَى يَا مُنْجِيَ الْهَلْكَى يَا مُنْعِمُ يَا مُجْمِلُ يَا
مُفْضِلُ يَا مُحْسِنُ اَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ
ضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ وَدَوِيُّ الْمَاءِ وَحَفِيفُ الشَّجَرِ
يَا اَللّٰهُ لَا شَرِيكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَظُنُّونَ وَاغْفِرْ
لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا يَقُولُونَ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا
اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اٰمَنَّا بِهِ كُلٌّ
مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ اِلَّا اُولُوا الْاَلْبَابِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا
بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ
و فرمود چون حضرت سید الشهدا ع در دهه اینجا بسعادت شهادت فایز گردید
و در آن ایام حوریان و پریان و غمگین بودند و با ما موحش با ایشان میرسید بدرستی که شیعیان
ایشان نیز در مجموع این دهه روز بلوازم تعزیت آن حضرت قیام نمایند و محزون و غمگین و

اندوهناک باشد و احادیث که مشتمل بذکر مصیبت ایشان باشد بخوانند و علما گفته اند
که ترک لذات بکنند و از حضرت امام رضا منقولست که ماه محرم ماهی بود که کافران
در اینماه جنگ کردن را حرام میدانستند و منافقان این امت در اینماه خون ما را حلال دانسته
و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمهای ما زدند و اموال
و اسباب ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسول را در حق ما رعایت نکردند بدرستی
که مصیبت امام حسین چشمهای ما را مجروح کرد و آب دیدهای ما را جاری ساخت و عزیزان ما را
ذلیل کردانید و واقعه کربلا کرب و بلای ما مهیا کرد تا روز قیامت پس باید که بر مصایب آنحضرت
کریه کنندکان بکریند بدرستی که کریه بر آنحضرت کناهان بزرگ را برطرف میکند پس فرمود
که پدرم امام موسی چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه
بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع دهه اول ماه و چون روز دهم میشد روز مصیبت و کریه و اندوه
آنحضرت بود و میفرمود که امروز روز شهادت حسین است و در حدیث دیکر فرمود که چون
جد ما امام حسین شهید شد آسمان خاک و خون سرخ بارید دیکر آنحضرت آنقدر کریه کنی که آب
دیده بروی تو جاری کردد حق تعالی جمیع کناهان کوچک و بزرک ترا بیامرزد پس فرمود که
اکر خواهی که چون بمیری هیچ کناه بر تو نباشد زیارت کن امام حسین را و اکر خواهی که
در غرفهای بهشت با رسول خدا و آل او باشی لعنت کن قاتلان آنحضرت را و اکر خواهی که
ثواب شهدای کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت آنحضرت بیاد آوری بکو یا
لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِیمًا یعنی ای کاشکی میبودم با ایشان پس
رستکاری مییافتم رستکاری بزرک و اکر خواهی که در درجات عالیه بهشت با ما باشی
از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد باش مطلب دویم در بیان اعمال هر روز
دهه اول محرم و از حضرت امام رضا منقولست که روز اول حضرت زکریا دعا کرد
و از خدا فرزند طلبید و حق تعالی دعای او را مستجاب کردانید و حضرت یحیی را باو عطا

اعمال هر روز دهه محرم

کرد پس هرکه این روز را روزه دارد و دعا کند دعای او مستجاب کرداند روز سیوم محرم حضرت یوسف
از چاه بیرون آمد هرکه آن روز را روزه دارد حق تعالی کار صعب برا او آسان کرداند و غمهای
او را زایل کرداند بهتر آنست که روز نهم و دهم را روزه ندارد زیرا که بنی امیه این روزها را
برای برکت و شماتت و قتل آنحضرت روزه میداشته اند و احادیث بسیار در فضیلت
روزه این دو روز بر حضرت رسول بسته اند و از طریق اهل بیت احادیث بسیار
در مذمت روزه این دو روز خصوص روز عاشورا وارد شده است از حضرت امام رضا
منقولست که هرکه ترک کند سعی در حوایج خود را در روز عاشورا و پی کاری نرود
حق تعالی حاجت دنیا و آخرت او را برآورد و هرکه روز عاشورا روز مصیبت و اندوه
و کریه او باشد حق تعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او کرداند و دیده
او در بهشت بما روشن کردد و هرکه روز عاشورا را روز برکت داند و از برای منزل خود در آن
روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را برا او مبارک نکرداند و در روز قیامت با یزید و عبد الله
بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنة محشور کردد پس باید که در روز عاشورا آدمی مشغول کاری از
کارهای دنیوی نکردد و مشغول کریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را
که تعزیه آنحضرت را بدارند و مشغول ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود
میباشند و در آن روز امساک کند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در
آخر روز بعد از عصر افطار کند اکرچه بشربت آبی باشد و روزه تمام ندارد مکر آنکه در خصوص
آن روز روزه واجبی داشته باشد که بنذر و یا مثل او برا او واجب شده باشد که آن روز
روزه بکیرد و در آن روز آذوقه در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نکردد
و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند و بکوید اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ
وَأَصْحَابِهِ و در روایتی وارد شده است از حضرت صادق که هرکه در روز عاشورا
هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند خداوند رحمن نظر رحمت بسوی او کند و هرکه

طریق زیارت عاشورا

اندوه عذاب نکنند و هر شب عاشورا تا بامداد که احیا کند بگریه و اندوه و حزن برای مصیبت حضرت
امام حسین ع و اصحاب آنحضرت که در آن شب در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر از کافران
بی حیا تا صباح احیا کردند و عبادت و تهیهٔ سعادت شهادت میکردند مطلب سیوم
در بیان زیارت آنحضرت است شیخ طوسی و ابن قولویه و غیرهما رحمهم الله روایت کرده اند از
سیف بن عمیره و صالح بن عقبه و هردو از محمد بن اسماعیل و علقمه بن محمد حضرمی و هردو از مالک
جهنی که حضرت امام محمد باقر ع فرمود که هر که زیارت کند حضرت امام حسین ع را در روز دهم محرم
یا نزد قبر آنحضرت گریان شود ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار
حج و دو هزار هزار عمره و دو هزار هزار جهاد که هر یک را با رسول خدا ص و ائمه طاهرین کرده
باشد مالک گفت فدای تو شوم چه ثوابست برای کسی که در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد
او را رفتن بسوی قبر آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا در آید بیرون رود بسوی صحرا
یا بالا رود بر بام بلندتر در خانهٔ خود و اشاره کند بسوی آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین
کردن بر قاتل آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز بکند در اول روز پیش از پیشین
پس ندبه و نوحه و گریه کند بر امام حسین ع و امر کند هر کرا که در خانهٔ اوست از او تقیه
نکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانهٔ خود مصیبتی برپا دارد با اظهار جزع بر آنحضرت و ملاقات
کنند بعضی از ایشان بعضی را بگریه کردن بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم بر خدا که
هرگاه اینکارها بکند حق تعالی جمیع آن ثوابها را بایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی
و کفیلی از برای ایشان باین ثواب فرمود بلی پرسید که چگونه تعزیه بگویند فرمود که میگویند
اَعْظَمَ اللهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ وَجَعَلَنا
وَاِیّاکُمْ مِنَ الطّالِبینَ بِثارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الْاِمامِ الْمَهْدِیِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ
عَلَیْهِمُ السَّلامُ و اگر توانی در آن روز از برای هیچ کار از خانه بیرون مرو که آن روز
نحسی است حاجت هیچ مؤمنی در آن روز بر آورده نمیشود و اگر بر آورده شود از برای او مبارک

ه

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی

نیست و اولی از آنحضرت منقول است که در چاشت روز عاشورا چهار رکعت نماز
بجا آوری با خشوع و خضوع و بعد از هر دو رکعت یک سلام میگوئی و در رکعت اول بعد از
قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم بعد از حمد قل هو الله احد و در رکعت سیوم
بعد از حمد سورهٔ احزاب و در رکعت چهارم اذا جاءک المنافقون بخوانی یا اگر
اینها را ندانی هر سوره که توانی بخوان پس بگردانی روی خود را بجانب روضهٔ
مقدسهٔ آنحضرت و بخاطر آوری شهادت آن امام مظلوم را و اولاد و اقارب و
اصحاب آنجناب را و سلام و صلوات فرستی بر آنحضرت و لعنت کنی بر قاتلان ایشان بهیچیک
ذکر شد و بعد از آن از موضعی که ایستاده چند گام پیش روی و هفت مرتبه بگوئی
اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ رِضًا بِقَضائِهِ وَتَسْلیمًا لِاَمْرِهِ پس بعد از آن
دو رکعت نماز زیارت کند پس صد مرتبه الله اکبر بگوید پس اشاره بجانب آنحضرت نموده بگوید
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ پس صد مرتبه میگوئی اَللّهُمَّ
الْعَنْ اَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلی ذلِکَ
اَللّهُمَّ الْعَنِ الْعِصابَةَ الَّتی جاهَدَتِ الْحُسَیْنَ وَشایَعَتْ وَبایَعَتْ
وَتابَعَتْ عَلی قَتْلِهِ اَللّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمیعًا پس صد مرتبه میگوئی اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ وَعَلَی الْاَرْواحِ الَّتی حَلَّتْ بِفِنائِکَ عَلَیْکَ
مِنّی سَلامُ اللهِ اَبَدًا ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ وَلا جَعَلَهُ اللهُ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی لِزِیارَتِکَ اَلسَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ وَعَلی اَصْحابِ
الْحُسَیْنِ پس میگوئی اَللّهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنّی وَابْدَأْ
بِهِ اَوَّلًا ثُمَّ الثّانِیَ وَالثّالِثَ وَالرّابِعَ اَللّهُمَّ الْعَنْ یَزیدَ
بْنَ مُعاوِیَةَ خامِسًا وَالْعَنْ عُبَیْدَ اللهِ بْنَ زِیادٍ وَابْنَ مَرْجانَةَ
وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا وَآلَ اَبی سُفْیانَ وَآلَ زِیادٍ وَآلَ مَرْوانَ

الی یوم القیمة پس بسجده میرود و میگوید اللهم لك الحمد علی عظیم
رزیتی اللهم ارزقنی شفاعة الحسین علیه السلم یوم الورود
وثبت لی قدم صدق عندك مع الحسین واصحاب الحسین الذین
بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلم وایضاً شیخ مفید علیه الرحمه
نقل کرده است که در روز عاشورا و روز ششم ماه مبارک زیارت حضرت امام رضا
مستحب است پس بجانب روضهٔ مقدسهٔ آنحضرت کن بخاطر آور شهادت امام
مظلوم را و بگو السلام علیك یا ولی الله السلام علیك یا حجة
الله السلام علیك یا نور الله فی ظلمات الارض السلام علیك
یا عمود الدین السلام علیك یا وارث آدم صفی الله
السلام علیك یا وارث نوح نبی الله السلام علیك یا وارث
ابراهیم خلیل الله السلام علیك یا وارث موسی کلیم الله السلام
علیك یا وارث عیسی روح الله السلام علیك یا وارث محمد حبیب الله
السلام علیك یا وارث امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب السلام
علیك یا وارث فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین السلام
علیك یا وارث الحسن والحسین سیدی شباب اهل الجنة
السلام علیك یا وارث علی بن الحسین زین العابدین السلام
علیك یا وارث محمد الباقر السلام علیك یا وارث جعفر الصادق
السلام علیك یا وارث موسی الکاظم السلام علیك ایها
الصدیق الشهید ایها الفرید ایها المعصوم ایها المظلوم
ایها البار التقی انك قد اقمت الصلوة واتیت الزکوة و
امرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وعبدت الله مخلصا حتی اتاك

الیقین قتل الله من قتلك ولعن الله من ظلمك بالایدی والالسن علیك
سلام الله یا مولای وابن مولای کن شفیعی بحق جدك وآبائك
واجدادك الکرام المنتجبین الطاهرین وایضا زیارتیست که مشتمل است بر زیارت شهید
ومتضمن تعزیت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است و مستحب است که در این روز
خوانده شود و اگر در آخر روز خوانده شود شاید انسب باشد این است السلام علیك یا وارث
آدم صفوة الله السلام علیك یا وارث نوح نبی الله السلام علیك
یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام علیك یا وارث موسی کلیم الله
السلام علیك یا وارث عیسی روح الله السلام علیك یا وارث
محمد حبیب الله السلام علیك یا وارث علی امیر المؤمنین السلم
علیك یا وارث الحسن الشهید سبط رسول الله السلام علیك
یا ابن رسول الله السلام علیك یا ابن البشیر النذیر وابن
سید الوصیین السلام علیك یا ابن فاطمة الزهراء سیدة
نساء العالمین السلام علیك یا ابا عبد الله السلام علیك
یا خیرة الله وابن خیرته السلام علیك یا ثار الله وابن
ثاره السلام علیك ایها الوتر الموتور السلام علیك ایها
الامام الهمام الهادی الزکی وعلی ارواح حلت بفنائك
واقامت فی جوارك ووفدت مع زوارك السلام علیك منی ابدا
ما بقیت وبقی اللیل والنهار فلقد عظمت بك الرزیة وجل
المصاب فی المؤمنین والمسلمین فی اهل السموات اجمعین
وفی سکان الارضین فانا لله وانا الیه راجعون وصلواته
وبرکاته وتحیاته علیك وعلی آبائك الطیبین المنتجبین

وَعَلَى ذُرِّيَّاتِهِمُ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَيْهِمْ وَعَلَى
رُوحِكَ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَعَلَى تُرْبَتِكَ وَعَلَى تُرْبَتِهِمُ اَللَّهُمَّ لَقِّهِمْ رَحْمَةً
وَرِضْوَاناً وَرَوْحاً وَرَيْحَاناً اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ يَا ابْنَ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ وَيَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَيَا ابْنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ يَا ابْنَ الشَّهِيدِ يَا أَخَا الشَّهِيدِ يَا أَبَا الشُّهَدَاءِ
اَللَّهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الْوَقْتِ
وَفِي كُلِّ وَقْتٍ تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَاماً سَلَامُ اللهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ
وَبَرَكَاتُهُ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ وَعَلَى الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَكَ سَلَاماً
مُتَّصِلاً مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهِيدِ
اَلسَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ ابْنِ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ
اَلسَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ
مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ اَلسَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَى
الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقِيلٍ اَلسَّلَامُ عَلَى كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مَعَهُمْ
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً
وَسَلَاماً اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ أَحْسَنَ اللهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي
وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ أَحْسَنَ اللهُ لَكِ الْعَزَاءَ
فِي وَلَدِكِ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَحْسَنَ اللهُ
لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ أَحْسَنَ
اللهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي أَخِيكَ الْحُسَيْنِ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ أَنَا ضَيْفُ
اللهِ وَضَيْفُكَ وَجَارُ اللهِ وَجَارُكَ وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجَارٍ قِرًى وَقِرَايَ

فِي هٰذَا الْوَقْتِ أَنْ تَسْأَلَ اللهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى أَنْ يَرْزُقَنِي فَكَاكَ رَقَبَتِي
مِنَ النَّارِ إِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ و شیخ مفید علیه الرحمة گفته
است که در شب بیست و یکم ماه محرم زفاف حضرت فاطمه و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما
واقع شده بود اگر روزه بدارد برای شکر این نعمت عظمی شیعیان روزه بدارند و شیخ طوسی ره گفته
است که در روز بیست و پنجم این ماه حضرت امام زین العابدین ع بعالم اعلی ارتحال نمود فصل دوم در
اعمال ماه صفر است و این ماه مشهور است بنحوست و دو وجه میتوان داشت اول آنکه موافق قول
علمای شیعه وفات حضرت رسالت پناه ص در این ماه واقع شده است دویم آنکه در سنة متوالی
که اشهر حرم اند چون عرب قتال نمیکرده اند و در این ماه شروع بقتال میکرده اند لهذا انحس شمرده بودند در
احادیث شیعه نمیده ام چیزی که دلالت بر نحوست کند و در روایت غیر معتبره عامه وارد شده
است و سید ابن طاوس ره از بعضی کتب معتبره روایت کرده است که در روز سیوم
این ماه مستحب است که دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا
و در رکعت دویم بعد از حمد توحید و بعد از سلام صد مرتبه بگوید اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ و صد مرتبه اَللَّهُمَّ الْعَنْ آلَ أَبِي سُفْيَانَ و صد مرتبه أَسْتَغْفِرُ
اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و در روز بیستم این ماه مشهور است بروز اربعین یعنی روز
چهلم شهادت حضرت سید الشهدا صلوات الله علیه و در کتب معتبره از امام حسن عسکری ع
روایت کرده اند که علامات مؤمن پنج چیز است اول نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله در شب
و روز دویم زیارت اربعین سیوم انگشتر در دست راست کردن و چهارم جبین را
در سجده شکر بر خاک گذاشتن و پنجم بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ را در نماز بلند
گفتن و اما کیفیت زیارت اربعین بسند معتبره منقول است از صفوان جمال که گفت
مولای من حضرت صادق ع بمن فرمود که در زیارت اربعین که زیارت میکنی در هنگام که
روز بلند شده باشد و میگوئی اَلسَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللهِ وَحَبِيبِهِ اَلسَّلَامُ

اعمال ماه صفر

در روز هفتم این ماه اصحاب فیل که بجهت خراب کعبه آمده بودند بر گشته بلایت ناز[ل] شد

ذکر زیارت اربعین

على خليل الله ونجيه السلام على صفي الله وابن صفيه السلام
على الحسين المظلوم الشهيد السلام على اسير الكربات وقتيل
العبرات اللهم اني اشهد انه وليك وابن وليك وصفيك و
ابن صفيك الفائز بكرامتك اكرمته بالشهادة وحبوته با
لسعادة واجتبيته بطيب الولادة وجعلته سيدا من السادة
وقائدا من القادة وذائدا من الذادة واعطيته مواريث الانبياء
وجعلته حجة على خلقك من الاوصياء فاعذر في الدعاء ومنح
النصح وبذل مهجته فيك ليستنقذ عبادك من الجهالة وحيرة
الضلالة وقد توازر عليه من غرته الدنيا وباع حظه بالارذل
الادنى وشرى اخرته بالثمن الاوكس وتغطرس وتردى في هواه
واسخطك واسخط نبيك واطاع من عبادك اهل الشقاق و
النفاق وحملة الاوزار المستوجبين النار فجاهدهم فيك صابرا
محتسبا حتى سفك في طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهم
فالعنهم لعنا وبيلا وعذبهم عذابا اليما السلام عليك
يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الاوصياء اشهد
انك امين الله وابن امينه عشت سعيدا ومضيت حميدا
ومت فقيدا مظلوما شهيدا واشهد ان الله منجز لك ما وعدك
ومهلك من خذلك ومعذب من قتلك واشهد انك وفيت
بعهد الله وجاهدت في سبيل الله حتى اتاك اليقين فلعن الله
من قتلك ولعن الله من ظلمك ولعن الله امة سمعت بذلك
فرضيت به اللهم اني اشهدك اني ولي لمن والاه وعدو

عاداه بابي انت وامي يا ابن رسول الله اشهد انك كنت نورا في
الاصلاب الشامخة والارحام الطاهرة لم تنجسك الجاهلية
بانجاسها ولم تلبسك المدلهمات من ثيابها واشهد انك من
دعائم الدين واركان المسلمين ومعقل المؤمنين واشهد
انك الامام البر التقي الرضي الزكي الهادي المهدي واشهد
ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة
الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبايابكم
موقن بشرايع ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري
لامركم متبع ونصرتي لكم معدة حتى ياذن الله لكم فمعكم
معكم لا مع عدوكم صلوات الله عليكم وعلى ارواحكم و
اجسادكم وشاهدكم وغائبكم وظاهركم وباطنكم امين
رب العالمين پس دو رکعت نماز میکنی و هر دعا که میخواهی میکنی واما اگر زیارت آخر
روز عاشورا را در این روز بخواند مناسب است و بدانکه مشهور آنست که سبب تاکید
زیارت آنحضرت در این روز آنست که حضرت امام زین العابدین ع با سایر اهل بیت
در این روز بعد از مراجعت از شام بکربلای معلی وارد شدند و سرهای مقدس
شهدا را بابدانهای مطهر ایشان ملحق کردند و این قصه بسیار است که ذکر آنها موجب
تطویلست و بعضی گفته اند در این روز اهل بیت علیهم السلم وارد مدینه طیبه شدند و
این نیز بسیار بعید است و بعضی گفته اند که شاید حضرت امام زین العابدین ع باعجاز و
طی الارض مخفی بکربلا رفته باشند و این ممکنست واما روایتی در این باب بنظر نرسیده
است بلکه بعضی از روایات منافاتی فی الجمله با این دارد و وجهی که از احادیث ظاهر
میشود آنست که اول کسی که از صحابه حضرت رسالت پناه ص بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر

عبد الله انصاری بود و او در این روز بکربلا رسیده آنحضرت را با شهدا زیارت کرد و چون
جابر از اکابر صحابه بود و اساس این امر عظیم را گذاشت متوالی بود که بسبب مزید فضل زیارت
آنحضرت در این روز شده باشد شاید وجه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد و چون
فرموده اند که در این روز زیارت کنیم باید کرد و تفحص سببش ضرور نیست و اما مشهور
میان علمای امامیه آنست که وفات حضرت سید انبیا در روز بیست و هشتم ماه صفر
واقع شده و شیخ طوسی و جمعی دیگر گفته اند که شهادت امام حسن مجتبی نیز در این روز واقع شده
پس قیام بر اسم تعزیت این دو بزرگوار و زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسب است
بدانکه در میان عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبه آخر ماه صفر شهرت دارد و در کتب
معتبره خاصه و عامه چیزی که دلالت بر این کند بنظر نرسیده و احادیث در نحوست
مطلق چهارشنبه خصوصاً چهارشنبه آخر ماه وارد شده است چون اینماه بنابر اسبابی
که مذکور شد فی الجمله نحوستی دارد ممکنست که چهارشنبه آخر ماه صفر از سایر چهارشنبهها
نحوستش بیشتر باشد اگر در آن روز از قبیل احتراز الطیرة استدفاع بلایا بتصدقات
وادعیه و استعاذات که از ائمه صلوات الله علیهم وارد شده است بکنند و توکل
نمایند بر جناب مقدس الهی که آن کفاره طیره است و مناسبت دارد اگر بلایی متوجه باشد باینها دفع
میشود نه آنکه بروش جهال عجم متابعت مجوسان کنند و بلهو و لعب و سور و سرور
بامر اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات ربانی
گردد و منقولست که اگر در هر روز ماه صفر بخوانند مناسب است و جهت دفع بلایا اثری تمام دارد

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا شدید القوی و یا شدید المحال یا عزیز یا عزیز یا عزیز ذلت لعزتک جمیع خلقک فاکفنی شر خلقک یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل یا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا (در حاشیه: سه مرتبه)

له ونجیناه من الغم وکذلک ننج المؤمنین وصلی الله علی خیر خلقه
محمد و آله اجمعین و اگر هر روز از ایام سال بخوانند این دعا را خوبست و ایضاً
مستحب است این دعا را در چهارشنبه آخر هر ماه خصوصاً چهارشنبه آخر ماه صفر باید خواند
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اصرف عنا شر هذا الیوم واعصمنا (در حاشیه: بخواند)
من شؤمته واجعله اللهم علینا برکة وسعة واسعة
واجنبنا عما نخافه من نحوساته وکرهیاته بفضلک ولطفک
وکرمک یا دافع الشرور و یا مالک یوم النشور برحمتک یا ارحم الراحمین
دیگر هر که این دعا را در روز چهارشنبه آخر بنویسد و در کوزه آب [illegible] بیندازد و بخورد تا
دیگر از جمیع بلاها در امان الهی باشد بسم الله الرحمن الرحیم آب ده آه آما (در حاشیه: بنویسد)
صحب طاه آع لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله
علی محمد و آله اجمعین **فصل پنجم** در فضایل ایام و اعمال ماه ربیع الاول است (در حاشیه: اعمال ماه ربیع الاول)
و در آن دو مطلب است **مطلب اول** در فضیلت و اعمال روز اول تا شانزدهم است
شیخ طوسی ره گفته اند که حضرت رسالت پناه ص در شب اول ماه ربیع الاول اراده هجرت
نمود از مکه معظمه بسوی مدینه مشرفه و در آن شب بغار رفت و حضرت امیرالمؤمنین ع
جان شریف خود را فدای جان مقدس حضرت رسول ص کرد و در جای آنحضرت خوابید
و از شمشیرهای کین قبایل مشرکین پروا نکرد و فضل او بر جمیع امت بلکه بر جمیع عالمیان
بر همگنان ظاهر گردید و حق تعالی با ملائکه سموات با آنحضرت مباهات نمود و آیه کریمه و من
الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله در شان او نازل کرده
چنانکه تفصیلش در حیوة القلوب مذکور است و چون حق تعالی او جان مقدس [illegible] از کید
کافران حفظ کرد گفته اند که روزه در این روز که اول ماه ربیع الاول است سنت است که برای
شکر این نعمت عظمی روزه بدارند و هر چند علما در این روز زیارت ذکر نکرده اند و اما

زیارت حضرت رسول ص و حضرت امیر المؤمنین ع در این روز مناسب است بجهتی که مذکور شد
وایضا شیخ طوسی ره در مصباح گفته است که در روز اول ربیع حضرت امام حسن عسکری ع
بعالم بقا رحلت فرمود و حضرت صاحب الامر ع بمنصب جلیل امامت فایز گردید پس زیارت
این دو امام عالی مقام در این روز مناسب است واما شیخ ره در تهذیب و کلینی و محمد بن جریر
طبری و ابن الخشاب و شیخ مفید ره الله علیهم گفته اند که وفات عسکری ع در روز هشتم
این ماه بود پس در این روز زیارت آن دو امام علیهما السلام مناسب است واما روز نهم
این ماه بدانکه میان علما خاصه و عامه در تاریخ قتل عمر بن الخطاب علیه اللعنة والعذاب
خلافست واما سید بزرگوار علی ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال اشاره نموده است بانکه
ابن بابویه ره روایتی از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که آن ملعون در روز
نهم ماه ربیع الاول بدرک اسفل جهیم متوجه شده است و سید علی ابن طاوس رحمه الله در کتاب
زواید الفواید این مذهب را تقویت کرده است و روایت معتبری درین باب ایراد نموده است
که روایت کرده اند محمد بن ابو العلا همدانی و یحیی بن محمد بن جریح بغدادی که روزی منازعه
کردیم در باب عمر بن الخطاب علیه اللعنة والعذاب و رفتیم در شهر قم نزد احمد بن اسحق قمی
که از خواص حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری ع بود و بخدمت حضرت صاحب الامر ع
نیز رسیده بود و چون در را کوبیدیم دختری عراقیه بیرون آمد و احوال احمد را از او پرسیدیم
گفت او امروز مشغول اعمال عید است و آن روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله
عیدهای مؤمنان چهار است عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن دختر گفت که احمد
بن اسحق از امام علی نقی ع روایت میکند که امروز روز عید است و بهترین عیدهاست نزد اهل
بیت رسول خدا ص و شیعیان ایشان گفتیم رخصت بطلب که بنزد او رویم چون دختر او را
خبر کرد بیرون آمد بسوی ما و لنگی بسته بود و عبایی بر خود پیچیده بود و بوی مشک از او ساطع بود گفتیم
این چه حالتست که در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم که امروز
عید

عید است گفت بلی و ما را بخانه خود آورد و بر روی کرسی نشانید و گفت روزی با جمعی از برادران
مؤمن نزد مولای خود حضرت امام حسن عسکری ع رفتیم در بهترین روزی در مثل این روز که
شما بنزد من آمده اید چون رخصت یافتیم و بخدمت آنحضرت رسیدیم دیدیم که آنحضرت
مجلس خود را آراسته و مجمره در پیش خود گذاشته و بدست مبارک خود در آن مجمره
می انداز و مجلس خود را مزین گردانیده است و بر غلامان و خدمتکاران خود جامهای فاخر
پوشانیده است گفتیم یا ابن رسول الله پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل
بیت امروز فرحی تازه رو داده است آنحضرت فرمود که کدام روز حرمتش از این روز نزد
اهل بیت عظیم تر است بدرستی که خبر داد مرا پدرم ع که حذیفه بن یمان در روز نهم ماه ربیع الاول
داخل شد و بر جدم رسول خدا ص و حذیفه گفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن
و حضرت امام حسین صلوات الله علیهم با حضرت رسالت پناه ص طعام تناول نمودند و آنحضرت برروی
ایشان تبسم میفرمود و با امام حسن و امام حسین علیهما السلام میگفت بخورید گوارا باد بر شما
برکت و سعادت این روز بدرستی که این روزیست که حق تعالی هلاک میکند در این
روز دشمن خود و دشمن جد شما را و مستجاب میگرداند در این روز دعای شما را بخورید که
این روزیست که حق تعالی در این روز قبول میکند اعمال شیعیان و محبان شما را بخورید که
این روزیست که ظاهر میشود در راستی گفته رسول خدا ص که میفرماید فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ
خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا یعنی اینست خانهای شما که خالی گردیده است بسبب ستمهای ایشان
بخورید که این روزیست که شکسته میشود در این روز شوکت دشمن جد شما و یاری کننده
دشمن شما بخورید که این روزیست که هلاک میشود فرعون اهل بیت من و ستم کننده
بر ایشان و غصب کننده حق ایشان بخورید که این روزیست که حق تعالی عملهای دشمنان شما
باطل میشود حذیفه گفت که من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک این
حرمتها نماید آنحضرت فرمود که ای حذیفه از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد بود و دعوی

ریاست در میان ایشان خواهد نمود و مردم را بسوی خود دعوت خواهد نمود و تازیانه ظلم و ستم را
بر دوش خود خواهد گرفت و مردم را از راه خدا منع خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد
نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزند مرا متصرف خواهد شد و خود را پیشوای
مردم خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی ابن طالب خواهد کرد و مالهای خدا را بناحق بر خود
حلال خواهد کرد و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر و وزیر مرا علی بدروغ نسبت
خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد گردانید پس دختر من او را نفرین خواهد کرد
و حق تعالی نفرین او را در این روز مستجاب خواهد گردانید حذیفه گفت یا رسول الله چرا دعا
نمیکنی که حق تعالی او را در حیات تو هلاک گرداند آنحضرت فرمود که ای حذیفه دوست نمیدارم
که جرات کنم بر قضای حق تعالی و از او طلب کنم تغییر امری را که در علم او گذشته است و لیکن
از حق تعالی سوال کردم که فضیلت دهد آن روز را که در آن روز او بجهنم میرود بر سایر روزها تا آنکه
احترام آن روز سنتی گردد در میان دوستان من و دوستان شیعیان اهل بیت من پس حق تعالی
وحی کرد بسوی من که ای محمد در علم سابق من گذشته است که دریابد ترا و اهل بیت ترا محنتها
و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان و غصب کنندگان از بندگان من آن منافقانی که تو خیرخواهی
ایشان کردی و با تو خیانت کردند و تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند
و تو با ایشان صاف بودی و ایشان با تو دشمنی بدل گرفتند و تو ایشان را خوشنود گردانیدی
و ایشان ترا تکذیب کردند و تو ایشان را برگزیدی و ایشان ترا در بلیه گذاشتند و سوگند
یاد میکنم بحول و قوت و بپادشاهی خود که البته بگشایم بر روح کسی که غصب کند حق علی را که وصی
تو است بعد از تو هزار در از پست ترین طبقات جهنم که آن را فیلوق میگویند و آن را و
اصحاب او را در قعر جهنم جای دهند که شیطان از مرتبه خود بر او مشرف شود و آن را
لعنت کند و او و منافقان را در قیامت عبرت گردانم برای فرعونها که در زمان پیغمبران
دیگر بودند و برای سایر دشمنان دین و ایشان را و دوستان ایشان را بسوی جهنم برم با دیدهای

کبود و روهای ترش نهایت مذلت و خواری و پشیمانی و ایشان را ابد الآباد در عذاب خود بدارم
ای محمد نمیرسد علی بمنزلت بکر با آنچه میرسد باو از بلاها از فرعون او و غصب کننده حق او
که جرات میکند بر من و کلام مرا بدل میکند و شرک بمن می آورد و مردم را منع میکند از راه رضای
من و گوساله از برای امت تو بر پا میکند که آن ابا بکر است و کافر میشود بمن در عرش عظمت و
جلال من بدرستی که من امر کرده ام ملائکه هفت آسمان سرادق خود را که برای شیعیان و محبان
دین شما عید کنند آن روز زیرا که آن ملعون کشته ملعون و امر کرده ام ایشان را که کرسی کرامت
را نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا کنند بر من و طلب آمرزش نمایند برای شیعیان
و محبان شما از فرزندان آدم و امر کرده ام ملائکه و نویسندگان اعمال را که از این روز
تا سه روز قلم از مردم بردارند و ننویسند گناهان ایشان را برای کرامت تو و وصی تو ای
محمد این روز را عیدی گردانیدم برای تو و اهل بیت تو و برای هر که تابع ایشان باشد از
مومنان و شیعیان ایشان و سوگند یاد میکنم بعزت و جلال خود و علو منزلت و مکان
خود که عطا کنم کسی را که عید کند این روز را از برای من ثواب آنها که بدور عرش احاطه کرده
و قبول کنم شفاعت او را در خویشان او و زیاد کنم مال او را اگر گشادی دهد بر خود و عیال
خود در این روز و هر سال در این روز صد هزار هزار کس از موالیان و شیعیان شما را
از آتش جهنم آزاد گردانم و اعمال ایشان را بیامرزم حذیفه گفت که پس برخاست
رسول خدا و بخانه ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر تا آنکه
بعد از وفات رسول خدا دیدم که او چه فتنها برانگیخت و کفر اصلی خود را ظاهر نمود
و از دین برگشت و دامان بیحیایی و وقاحت برای غصب امامت و خلافت بر زد و قرآن را
تحریف کرد و آتش در خانه وحی و رسالت زد و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت
پیغمبر را تغیر داد و سنت آنحضرت را بدل کرد و فاطمه دختر رسول خدا را بدروغ نسبت
داد و فدک را غصب کرد و یهود و نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و نور دیده مصطفی را

بخشم آورد و در رضاجوئی اهل بیت رسالت نکرده و جمیع سنتهای رسول خدا را برطرف کرد و بعد از
کشتن امیرالمؤمنین ع کرد و جور و ستم را در میان مردم علانیه کرد و هرچه خدا حلال کرده بود حرام
کرد و هرچه خدا حرام کرده بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر دینار و درهم بسازند و خرج کنند
و در بر رو و شکم فاطمه زهرا زد و بر منبر حضرت رسالت ص بغصب و جور بالا رفت و بر حضرت
امیرالمؤمنین ع افترا بست و با آنحضرت معارضه کرد و ای آنحضرترا بخلافت نسبت داد حذیفه
گفت که پس حق تعالی دعای برگزیده خود و دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب گردانید و قتل
آنرا بر دست کشنده رحمه الله علیه جاری ساخت پس رفتم بخدمت حضرت امیرالمؤمنین ع که آنحضرترا
تهنیت و مبارکباد بگویم بانکه آن منافق کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل گردید چون آنحضرت
مرا دید فرمود که ای حذیفه آیا در خاطر داری که آمدی بنزد سید من رسول خدا و من و دو سبط
او حسن و حسین نزد او نشسته بودیم و با او طعام میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت
این روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا آنحضرت فرمود که بخدا سوگند که این روزیست که حق تعالی
در آن دیده آل رسول ص را روشن گردانید و من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه
گفت یا امیرالمؤمنین میخواهم که این نامها را از تو بشنوم پس آنحضرت همه را فرمود حذیفه
گفت که پس از خدمت آنحضرت برخواستم و گفتم اگر در دنیا بهم از افعال خیر و آنچه امید
ثواب از آن دارم که محبت این روز و دانستن فضیلت این را هر آینه منتهای
آرزوی من خواهد بود پس محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که چون این حدیث را
از احمد بن اسحق شنیدیم هر یک برخواستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم حمد و شکر میکنیم
خداوندی را که برانگیخت ترا از برای ما تا آنکه فضیلت این روز را بما رسانیدی پس بجاهای خود
برگشتیم و این روز را عید کردیم و احادیث صحیحه در فضیلت این روز از ائمه طاهرین صلوات
الله علیهم اجمعین بسیار وارد شده است و مستحبست در این روز طعام برادران مؤمن
و خوشنود گردانیدن ایشان و توسعه دادن بر عیال خود و دیگران و پوشیدن جامهای
نو

نو و شکر و عبادت حق تعالی و این روز برطرف شدن غمهاست و روز روزه داشتن نیست
و بعضی میگویند که عمر بن سعد علیه اللعنة در این روز بجهنم واصل شده اگر چنین باشد این مسرت
نیز برای او کافیست شیخ مفید ره گفته است که در روز دهم اینماه حضرت رسول ص خدیجه کبری
رضی الله عنها را تزویج نمود و مستحبست برای شکر این مواصلت عظیم البرکة شیعیان روزه
بدارند و گفته است که در روز دوازدهم اینماه حضرت رسول ص داخل مدینه طیبه شد
و از شر دشمنان ایمن گردید و باین جهت روز مبارکیست و سید ابن طاوس رحمه از بعضی
علمای عجم روایت کرده است که در این روز دو رکعت نماز بجا آورند در رکعت اول
بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت دویم بعد از حمد سه مرتبه قل هو الله احد
بخوانند وایضا شیخ مفید و شیخ طوسی ره روایت کرده اند که یزید پلید علیه اللعنة والعذاب
در روز چهاردهم اینماه بسقل درک جحیم منتقل شد باید که شیعیان این روز را بر خود مبارک
دانند و شکر حق تعالی بر این نعمت عظمی ادا کنند و بعضی روزه این روز را سنت دانسته اند
مطلب دویم در فضایل و اعمال روز هفدهم اینماه است و مشهور میان علمای شیعه آنست
که ولادت کثیر السعادة حضرت رسالت ص در روز جمعه هفدهم اینماه واقع شده و عروج آن با
نیز در شب هفدهم اینماه واقع شده است و شب و روزش هر دو مبارکست و در هر دو زیارت
آنحضرت و حضرت امیرالمؤمنین ع مناسبست و علما ذکر کرده اند و روزه این روز فضیلت بسیار
دارد و از ائمه هدی علیهم السلام روایت کرده اند که هر که این روز را روزه دارد ثواب روزه
یکسال برای او نوشته شود و مستحبست که تصدقات بارباب حاجات بدهند و مؤمنین و مؤمنات
شاد گردانند و بزیارت مشاهد مشرفه بروند خصوصا مرقد مطهر رسول خدا و ضریح منور حضرت
امیرالمؤمنین ع و شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس رضی الله عنهم گفته اند که چون در غیر مدینه
طیبه خواهی که رسول خدا را زیارت کنی غسل بکن و شبیه بقبر در پیش روی خود بساز و آنرا
مبارک او را آن بنویس و دل خود را متوجه آنحضرت گردان و بگو اشهد ان لا اله

إلا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمداً عبده ورسوله سيد
الاولين والآخرين وانه سيد الانبياء والمرسلين اللهم
صل عليه وعلى اهل بيته الائمة الطيبين پس زیارت که در اعمال
نماز یومیه ذکر شده است بگوید و ایضا شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس رحمهم الله روایت
کرده اند که حضرت صادق ع زیارت حضرت امیر المؤمنین ع را در روز هفدهم ربیع الاول
باین نحو زیارت میکرد و تعلیم فرمود زیارت را بروایت ثقه عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی و گفت
که بیائی بمشهد امیر المؤمنین ع که غسل زیارت بکن و پاکیزه ترین جامهای خود بپوش و بقدری
بوی خوش خود را خوشبو کن و بر تو باد بآرام دل و آرام تن پس چون برسی بباب السلام
یعنی درگاه روضه مقدسه که ضریح مقدس نمایان میشود پس رو بقبله بایست و سی مرتبه
الله اکبر بگو پس بگو السلام على رسول الله السلام على خيرة الله
السلام على البشير النذير السراج المنير ورحمة الله وبركاته
السلام على انبياء الله المرسلين وعباد الله الصالحين
السلام على ملائكة الله الحافين بهذا الحرم وبهذا الضريح
اللائذين به مؤلف گوید که چون از دور زیارت کنی در بهذا الحرم و بهذا الضریح
قصد روضه و ضریح حضرت امیر المؤمنین ع میکنند و زیادتها و دعاها را متصل بیکدیگر نخوانند
پس اگر در روضه مقدسه باشی پس نزدیک قبر مقدس برو و بگو السلام عليك
يا وصي الاوصياء السلام عليك يا عماد الاتقياء السلام
عليك يا ولي الاولياء السلام عليك يا سيد الشهداء السلام
عليك يا آية الله العظمى السلام عليك يا خامس اهل
العباء السلام عليك يا قائد الغر المحجلين الاتقياء
السلام عليك يا عصمة الاولياء السلام عليك يا زين

الموحدين النجباء السلام عليك يا خالص الاخلاء السلام عليك
يا صاحب الحوض وحامل اللواء السلام عليك يا قسيم الجنة
ولظى السلام عليك يا من شرفت به مكة ومنى السلام عليك
يا بحر العلوم وكهف الفقراء السلام عليك يا من ولد في
الكعبة وزوج في السماء بسيدة النساء وكان شهودها
الملائكة الاصفياء السلام عليك يا مصباح الضياء السلام
السلام عليك يا من خصه النبي بجزيل الحباء السلام عليك
يا من بات على فراش خاتم الانبياء ووقاه بنفسه شر الاعداء
السلام عليك يا من ردت له الشمس فسامى شمعون الصفا
السلام عليك يا من انجى الله سفينة نوح باسمه واسم اخيه
حيث التطم الماء حولها وطمى السلام عليك يا من تاب الله
به وباخيه على آدم اذ غوى السلام عليك يا فلك النجاة
الذي من ركبه نجى ومن تأخر عنه هوى السلام عليك
يا من خاطب الثعبان وذئب الفلا السلام عليك يا امير المؤمنين
ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا حجة الله على من كفر
واناب السلام عليك يا امام ذوي الالباب السلام عليك
يا معدن الحكمة وفصل الخطاب السلام عليك يا من عنده
علم الكتاب السلام عليك يا ميزان يوم الحساب السلام
عليك يا قاصد الحكم الناطق بالصواب السلام عليك ايها
المتصدق بالخاتم في المحراب السلام عليك يا من كفى الله
المؤمنين القتال به يوم الاحزاب السلام عليك يا من

اخلص لله الوحدانية واناب السلام عليك يا قاتل خيبر وقالع
الباب السلام عليك يا من دعاه خير الانام للمبيت على فراشه
فاسلم نفسه للمنية واجاب السلام عليك يا من له طوبى
وحسن مآب ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا ولي عصمة
الدين ويا سيد السادات السلام عليك يا صاحب المعجزات السلام
عليك يا من نزلت في فضله سورة العاديات السلام عليك يا
من كتب اسمه في السماء على السرادقات السلام عليك يا
مظهر العجائب والآيات السلام عليك يا امير الغزوات السلام
عليك يا مخبرا بما غبر وبما هو آت السلام عليك يا مخاطب ذئب
الفلوات السلام عليك يا خاتم الحصى ومبين المشكلات السلام
عليك يا من عجبت من حملاته في الوغا ملائكة السموات السلام
عليك يا من ناجى الرسول فقدم بين يدي نجواه صدقات السلام
عليك يا والد الائمة البررة السادات ورحمة الله وبركاته السلام
عليك يا تالي المبعوث السلام عليك يا وارث خير علم موروث
ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا امام المتقين السلام عليك
يا غياث المكروبين السلام عليك يا عصمة المؤمنين السلام
عليك يا مظهر البراهين السلام عليك يا طه وليس السلام
عليك يا حبل الله المتين السلام عليك يا من تصدق في
صلاته بخاتمه على المسكين السلام عليك يا قالع الصخرة
عن فم القليب ومظهر الماء المعين السلام عليك يا عين
الله الناظرة ويده الباسطة ولسانه المعبر عنه في بريته

اجمعين السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع علم
النبيين من الاولين والآخرين وصاحب لواء الحمد وساقي اوليائه
من حوض خاتم النبيين السلام عليك يا يعسوب الدين وقائد
الغر المحجلين ووالد الائمة المرضيين ورحمة الله وبركاته السلام
عليك وعلى اسم الله الرضي ووجهه المضيء وجنبه القوي وصراطه
السوي السلام على الامام التقي المخلص الصفي السلام على
الكوكب الدري السلام على الامام ابي الحسن علي ورحمة الله
وبركاته السلام على امام الهدى ومصباح الدجى وعلم
التقى ومنار الهدى وذي النهى وكهف الورى والعروة الوثقى
والحجة على اهل الدنيا ورحمة الله وبركاته السلام على نور الانوار
وحجة الجبار ووالد الائمة الاطهار وقسيم الجنة والنار المخبر
عن الآثار المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من
عظيم الاوزار السلام على المخصوص بالطاهرة التقية ابنة المختار
المولود في البيت ذي الاستار المزوج في السماء بالبرة
من نسل
الطاهرة الرضية المرضية الاطهار ورحمة الله وبركاته السلام
على النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون و
عنه يسألون السلام على نور الله الانوار وضيائه الازهر
ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا ولي الله وحجته و
خالصة الله وخاصته اشهد يا ولي الله لقد جاهدت في
سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول الله صلى الله
عليه وآله وحللت حلال الله وحرمت حرامه وشرعت

آنحکامه واقمت الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت
عن المنکر وجاهدت فی سبیل الله صابراً ناصحاً مجتهداً محتسباً
عند الله الاجر حتی اتاک الیقین فلعن الله من دفعک عن
حقک وازالک عن مقامک ولعن الله من بلغه ذلک فرضی
به اشهد الله وملائکته ورسله انی ولی لمن والاک وعاد
لمن عاداک السلام علیک ورحمة الله وبرکاته پس خود را بقبر بچسباند
وقبر را ببوسد بگو اشهد انک تسمع کلامی وتشهد مقامی واشهد
لک یا ولی الله بالبلاغ والاداء یا مولای یا حجة الله یا امین الله
ان کان بینی وبین الله عز وجل ذنوباً قد اثقلت ظهری ومنعتنی
عن الرقاد وذکرها یقلقل احشائی وقد هربت الی الله عز وجل
والیک فبحق من ائتمنک علی سره واسترعاک امر خلقه و
قرن طاعتک بطاعته وموالاتک بموالاته کن لی الی الله
شفیعاً ومن النار مجیراً وعلی الدهر ظهیراً پس باز خود را بقبر بچسباند
وقبر را ببوسد بگو یا ولی الله یا حجة الله یا باب الله ولیک وزائرک
واللائذ بقبرک والنازل بفنائک والمنیخ رحله فی جوارک
یسئلک ان تشفع له الی الله فی قضاء حاجته ونجح طلبته
فی الدنیا والاخرة فان لک عند الله الجاه العظیم والشفاعة
المقبولة فاجعلنی یا مولای من همک وادخلنی فی حزبک والسلام
علیک وعلی ضجیعیک آدم ونوح والسلام علیک وعلی ولدیک
الحسن والحسین وعلی الائمة الطاهرین من ذریتک ورحمة
الله وبرکاته پس از روی تضرع وخشوع هر حاجت که داری از حق تعالی بطلب والله

سید بن طاوس رض روایت کرده است که مستحب است در این روز دو رکعت نماز بکند و در هر
رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا انزلناه و ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون سلام بگوید
در جای نماز خود بنشیند و هر دعائی که خواهد بخواند از دعاهای صحیفه کامله که بهترین دعاهاست
فصل ششم در اعمال ماه ربیع الثانی وجمادی الاول وجمادی الثانی و حدیث از اعمال
بندگان خداوند یوم الحساب و در آن چهار مطلب است مطلب اول در بیان اعمال ماه ربیع
الثانی است سید بن طاوس رض روایت کرده است که در روز اول این ماه مستحب است دعا
بخواند و اما دعای اول صحیفه کامله بخواند بهتر است و شیخ مفید رحمه گفته است که در روز
دهم این ماه در سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی حضرت امام حسن عسکری ع متولد شده است
و روز شریف بسیار با برکتیست و مستحب است که بشکر این نعمت عظمی این روز را روزه
بدارند مؤلف گوید زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر در این روز با برکت مناسب است مطلب
دویم در اعمال ماه جمادی الاول است سید بن طاوس رض از بعضی کتب معتبره نقل کرده است
که در روز اول این ماه دعا بخواند و اما دعای یازدهم از دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین
دعاهاست مؤلف گوید که کلینی بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده است
که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت پناه ص زندگانی کرد پس بنابر مشهور که
وفات حضرت رسول ص در بیست و هشتم ماه صفر بود باید وفات حضرت فاطمه علیها السلام
در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم این ماه باشد پس زیارت آنحضرت در این ایام مناسب است
خصوصاً در چهاردهم که ظاهر تر است و شیخ مفید رحمه گفته است که در شب پانزدهم این ماه حضرت
امام زین العابدین ع متولد شده است و روز شریفیست و مستحب است که روزه بدارند و اعمال خیر
از عبادات و تصدقات بجا آورند و شیخ طوسی گفته است که فتح بصره برای حضرت امیر المؤمنین
علیه السلم نیز در این روز میسر شد مؤلف گوید که زیارت هر دو امام علیهما السلام در این
روز مناسب است و اگر زیارت جامعه در این قسم ایام بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد

در اعمال شهر ربیع الثانی

در اعمال ماه جمادی الثانی

انشاء الله تعالی بهتر است مطلب سیوم در اعمال ماه جمادی الثانی است سید بن طاوس روایت
کرده است که در این ماه در هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت نماز بکند بدو سلام در رکعت
اول بعد از حمد یکمرتبه آیة الکرسی بخواند و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه بخواند و در رکعت دویم بعد از
حمد یکمرتبه الهیکم التکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد و در رکعت سیوم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون
و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم یکمرتبه اذا جاء و بیست و پنج مرتبه قل
اعوذ برب الناس و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ هفتاد مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
پس سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِناتِ بگوید پس سر بسجده بگذارد
و سه مرتبه بگوید یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ یا اَللهُ یا رَحْمٰنُ
یا رَحِیمُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ پس هر حاجت که دارد از خدا تعالی طلب نماید هر که
چنین کند خدا خودش را و زنان و فرزندان او را و دین و دنیای او را حفظ کند و اگر در این
ماه بمیرد بر شهادت بمیرد یعنی ثواب شهیدان داشته باشد و شیخ بزرگوار محمد بن جریر
طبری در کتاب دلایل الامامة بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که ولادت
باسعادت حضرت فاطمه صلوات الله علیها در بیستم این ماه واقع شد و شهادت آنحضرت در
سیوم این ماه نیز واقع شد و شیخ طوسی و سید ابن طاوس و دیگران چنین ذکر کرده اند و اگرچه
وفات منافی دو روایتی است که سابقا ذکر کردیم اما چون مشهور است و روایت معتبره دارد
باید که در روز سیوم مراسم آنحضرت در تعزیه قیام نمایند و زیارت آنحضرت بکنند
و لعن بر قاتلان آنحضرت و غاصبان حق او بکنند خصوص ابوبکر و عمر و قنفذ غلام عمر و در
روز بیستم باز آنحضرت را زیارت کنند چنانچه شیخ مفید گفته است اظهار سرور و
خوشحالی بکنند و روزه بدارند و تصدقات و اعمال خیر بکنند و زیارت آنحضرت باین طریق
وارد شده و سید ابن طاوس روایت کرده است که هر که آنحضرت را زیارت کند باین زیارت

که اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا والِدَةَ
الْحُجَجِ عَلَی النّاسِ اَجْمَعِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ
حَقُّها پس بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ اَمَتِکَ وَابْنَةِ نَبِیِّکَ وَزَوْجَةِ وَصِیِّ نَبِیِّکَ
صَلٰوةً تُزْلِفُها فَوْقَ زُلْفیٰ عِبادِکَ الْمُکْرَمِینَ مِنْ اَهْلِ السَّمٰواتِ وَاَهْلِ
الْاَرَضِینَ پس طلب آمرزش کند از حق تعالی گناهان او را بیامرزد و او را داخل بهشت
کرداند و این زیارت مختصر معتبر است و همه وقت میتوان کردن مطلب چهارم در بیان خیر
در امور دنیا و آخرت و مغرور نشدن باعمال خیر خود که مثل ابلیس مردود میشود و در این مطلب
دو مقصد است مقصد اول روایت شده است بسندی که اتصال یافته است شیخ الطائفه
شیخ ابوجعفر طوسی از شیخ مفید ره و غیره از امام الوری ابوالحسن علی ابن موسی الرضا از آبای
بزرگوار خود بترتیب معلوم علیهم سلام الله الملک القیوم از حضرت امیرالمؤمنین ع حدیث که
فرمود خلاصه اش اینست که رسول خدا ص فرمود که حضرت عزت جل ذکره فرموده است در کلام خود که
ای فرزندان آدم شما همه گمراهید و راه بحق نمیبرید مگر کسی که من هدایت کرده ام او را بحق رسانیده ام
و شما همه فقیر و محتاجید مگر کسی که من غنی ساخته ام آنرا و شما همه در معرض هلاک و فنائید مگر کسی که
من نجات داده ام او را پس سوال کنید و طلبید مرا که بازمیدارم شما را از اعمال کردن
ناشایست و هدایت میکنم شما را براهی که رشد شما در سلوک آنست و بدرستی که از بندگان
من کسی هست که بصلاح نمی آرد حال آنرا مگر فقر و بیچیزی پس اگر غنی سازم او را هرآینه در فساد
می اندازد غنا او را از بندگان من کسی هست که حال او را بصلاح نمی آرد مگر غنا و مالداری پس
اگر فقیر و محتاج سازم او را هرآینه بفساد می اندازد فقر و بیچیزی کار آنرا و از بندگان من
کسی هست که او را بصلاح نمی آورد مگر صحت مزاج و سلامتی از جمیع امراض پس اگر بیمار سازم او را
هرآینه بفساد می اندازد بیماری او را و از بندگان من کسی هست که صلاح حال آنرا در بیماری است
پس اگر صحیح و سالم دارم او را بفساد می آورد صحت حال او را و بدرستی که از بندگان من

ذکر خیر در امور

کسی است که نهایت جد و جهد در عبادت برپای داشتن شبها بکار میبرد پس ملکی را برو غالب
میسازم و بواسطهٔ نظر عنایتی که مرا بوی هست پس بخواب آسایش میرود تا صباح شود و برخیزد
از خواب وقتی که از برای برخواستن او مقرر است و دشمن است در آن حال مر نفس خود را و عتاب
میکند با او که چرا وقت او را بخواب گذرانیده است و اگر واگذارم آن را میان خود و آنچه اراده
میکند یعنی بگذارم که عبادتی که اراده کرده است از او بعمل آید هر آینه عمل مذکور باعث عجب و
نخوت او خواهد شد و بعد از آن هلاک او در آن عجب خواهد بود و در رضایی که از نفس خود او را
بسبب آن عبادت بهم خواهد رسید و گمان خواهد کرد که بسبب آن عمل جمیع ارباب عبادت
فایق آمده است و بر همه زیادتی که کرده است و بآن عمل از حد تقصیر در گذشته است و
کاری که او را میبایست کرده است پس دور خواهد شد بسبب او از مرتبهٔ قرب من و او را
گمان خواهد بود که بمن نزدیک شده است پس میباید که ارباب عمل بعمل خود اعتماد ننمایند و اگرچه در
نظر ایشان نیکو نماید و گناهکاران از رحمت من نا امید نشوند و اگرچه گناه ایشان بسیار
باشد بلکه باید که برحمت من وثوق و اعتماد کنند و بفضل و احسان من امیدوار باشند و بآنکه
نظر نیکویی من بسوی ایشانست مطمئن خاطر و بآرام باشند چه بدرستی که من میدارم بندگان خود را
بآنچه صلاح حال ایشان در آن است و من با ایشان در سر لطفم و از حال ایشان خبردارم مقصد دویم
بار رسول خدا فرمود بدرستی که حضرت عزت جل برهانه بدست قدرت و عظمت خود هفت
فرشته آفریده است قبل از آنکه آسمانها را بیافریند و گذاشته است در هر آسمانی فرشته را
دربان ساخته است پس حفظه که کاتبان اعمالند مینویسند عمل بندهٔ مؤمن را از وقتی که صبح
میشود تا وقتی که شام دست میدهد بعد از غایت نیکویی نوری باشد درخشنده مانند نور
آفتاب تا آنکه بآسمان دنیا که آسمان اول است میرسند و عمل مذکور را بپاکی و بسیاری
میستایند پس بگوید بایشان فرشته که موکل آن آسمان است بایستید و بزنید این عمل را
بر روی صاحبش که من فرشتهٔ غیبتم و کسی که مرتکب غیبت شده است نمیگذارم که عمل او

ذکر اعمال

از من در گذرد و چون بنده کار من مرا باین کار داشته است آنحضرت فرمودند بعد از آن عمل صالحی
باشد که از صاحب او چیزی آزرده غیبت واقع شده باشد پس با آن عمل از آسمان اول بگذرد تا
آنکه برسند بآسمان دویم فرشته که در آسمان دویم است بگوید بایشان که بایستید و بزنید این
عمل را بر روی صاحبش که او باین غرض دنیا اراده کرده است من صاحب دنیا ام نمیگذارم که عمل
او از من بگذرد آنحضرت فرمودند که بعد از آن فرشتگان مذکور عمل بنده از هر دو پاک باشد
آن عمل عروج نمایند تا بآسمان سیوم برسد پس بگوید بایشان فرشته که در آن مقام دارد
بایستید و بزنید این عمل را بر روی صاحبش که من فرشتهٔ کبرم بدرستی که این عمل را اینجا
آورده است بر مردم تکبر نموده پروردگار من مرا امر فرموده که نگذارم عمل او از من درگذرد
آنحضرت فرمودند بعد از آن که فرشتگان با عمل بنده بالا روند و صاحب عمل از سه قبیح پاک
باشد پس صعود کنند تا بآسمان چهارم برسند پس بگوید بایشان فرشته که جای او است
بایستید و بزنید این عمل را بر روی صاحبش که من ملک عجبم بدرستی که او بسبب این عمل در نفس خود
عجبی بهم رسانیده است امر کرده است مرا پروردگار من که نگذارم عمل او از من بگذرد آنحضرت
فرمودند بعد از آن صعود کنند کاتبان اعمال بنده از بندگان که مانند عروس آرایش کرده
باشند که بسوی آسمان دنش برند پس بسببی که آن عمل از ذمایم مذکور عروج نماید تا بآسمان
پنجم برسند و عمل متضمن جهاد و صدقه ما بین الصلوتین بوده باشد مر آن را روشنی مانند
روشنی آفتاب پس بگوید بایشان فرشته که دربان آن آسمان باشد که بایستید که من
حسدم بزنید این عمل را بر روی صاحبش و بار کنید او را بر کتف او بدرستی که حسد برده است
بر کسی که علم آموخته است یا عبادت خدای خود کرده است یا مال داشته بر ایشان حسد برده
است پس فرشتگان مذکور عمل مذکور را بر کتف او بار کنند و آن عمل بر صاحبش لعنت
میکرده باشد آنحضرت فرمودند کاتبان اعمال با عمل بنده که از این ذمیمه پاک باشد که آن را
صعود کنند تا بآسمان ششم برسند پس فرشته که در آنجا مقرر است با ایشان میگوید

بایستید که من فرشتهٔ چشمم و بزنید این عمل را بر روی صاحبش و بپوشانید بآن بصیرت چشمهای آنرا
بدرستی که صاحب این عمل از اهل رحم بر کسی نمیکرد و چون بنده از بندگان خدا اراده گناهی نماید که
در آخرت باعث عقاب او باشد یا ضرری در دنیا با و عاید شود شماتت مینماید و در ابان و از آن
فرحناک میشود امر کرده است مرا پروردگار من که نگذارم عمل او از من درگذرد آنحضرت فرمودند
بعد از آن حفظه بالا روند بعمل بنده که از روی دانائی و اجتهاد بنهایت پرهیزکاری بفعل آمده
باشد و مر آنرا آوازی بوده باشد در شدت و صلابت مانند آواز رعد و روشنی بوده باشد مثل
روشنائی برق و با آن سه هزار فرشته همراه باشند تا باسمان هفتم برسند پس
بگوید با یشان فرشته که موکل آسمان هفتم است بایستید و بزنید این عمل را بر روی صاحبش
من فرشتهٔ صاحب حجابم هر عمل که محض از برای حق تعالی نباشد بدرستی که او اراده کرده است که
این عمل بکند مرتبه خود را نزد ارباب حکم و مذکور شدن خود را در مجالس و محافل و صیت و آوازهٔ
خود را در شهرها و ولایتها امر کرده است مرا پروردگار من که نگذارم عمل از من درگذرد مادام که
خاص لوجه الله نباشد آنحضرت فرمودند که بعد از آن صعود کنند کاتبان اعمال بعمل بنده از
بندگان در حالتی که آن عمل شامل باشد بر نماز و زکوة و روزه و حج و عمره و حسن خلق و خاموشی و ذکر
بسیار و متابعت آن نموده باشند ملائکه جمیع آسمانها و فرشتگان هشتگانه مذکوره با جمیعهم
پس طی کنند مرتبها و حجابها را تا بموقف قرب الهی برسند در برابر پروردگار بایستاده
شهادت جمیع دهند برای او بنیکوئی عمل مذکور و دعا کنند که از جانب او مرتبهٔ قبول
یابد پس خطاب الهی در رسد بایشان که شما نگاهبان عمل بنده من هستید و من مطلعم بانچه در باطن است
و بدرستی که او باین عمل مرا اراده کرده است که لعنت بر او باد پس ایشان در مقابل گویند
لعنت تو بر او باد و لعنت ما هم که ما بر سرایر او اطلاع نداشتیم پس این حدیث بزرگ که ما بقدر
احتیاج از آن ذکر کردیم و ترا آگاه ساختیم بر آنکه عملی که از شوایب نقص مبرا و خالص باشد
بغایت کم یابست واما نسئل الله العصمة والتوفیق ولا ییئس المذنبون من مغفرتی

لذنبهم و ان کثرت یعنی باید که مایوس و ناامید نشوند گناهکاران از مغفرت و آمرزش حق تعالی و اگرچه بسیار
باشد چنانچه حضرت عزت در کلام مجید میفرماید که ان ربک لذو مغفرة للناس علی ظلمهم
یعنی بدرستی که پروردگار تو ای محمد آمرزنده است مردم را بر ظلمی که از ایشان بر نفس خود وقوع
بیابد بسبب ارتکاب معاصی و اقدام مناهی و نیز میفرماید که قل یا عبادی الذین اسرفوا
علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه
هو الغفور الرحیم یعنی بگو ای محمد که ای بندگانی که ظلم کرده اید بر نفسهای خود بواسطه
ارتکاب معاصی و مبادرت بمناهی ناامید مشوید از رحمت حق تعالی بدرستی که خدای تعالی می آمرزد
گناهان را تمام بدرستی که او نیک آمرزنده و مهربانست بر بندگان خود واما در حدیث وارد است از رسول
خدا که فرموده است لیغفرن الله تعالی یوم القیمة مغفرة ما خطرت قط
علی قلب احد حتی ان ابلیس لیتطاول لها رجاء ان یصیبه یعنی هر آینه
می آمرزد حق تعالی گناهان را در روز قیامت آمرزیدنی که هرگز بخاطر کسی خطور نکرده باشد تا آنکه
شیطان را امید واری دست دهد که باو نیز بهره از آن خواهد رسید وایضا در کتاب کافی از
آنحضرت روایت شده است که فرمودند لولا انکم تذنبون و تستغفرون الله لخلق
الله خلقا حتی یذنبوا ثم یستغفروا الله فیغفر لهم یعنی اگر نبود آنکه شما گناه
میکنید و طلب آمرزش مینمائید از حق تعالی هر آینه خدای تعالی می آفرید جمعی را که مرتکب گناه شوند و طلب
آمرزش از او نمایند تا بیامرزد ایشان را و ما را مغفرت و رحمت خود را ظاهر سازد واما بالجمله
احادیثی که در باب شمول مغفرت و آمرزش الهی مر بندگان را و وفور رحمت او برای ایشان وارد است
بسیار است ولیکن باید چنان کسی را که امید برحمت او دارد و چشم داشت که گناهان او آمرزیده شود
از اقدام ببعضی اعمال صالحه که مورث استعداد حصول آنست و فور نفس در گناه و معاصی که باعث
زوال استعداد مذکور است از او چنانچه همت او مصروف او باشد و همه اوقات او صرف آن
شود چه بدون او نفع برامید و رجا مترتب نیست و بجز یاس ثمره از آن حاصل نه مثلا کسی که

تخمی می‌افشاند بر زمین و در وقت خود آب به آن داده و دیگر خاشاک پاک ساخته و دیگر چیزهایی که باعث
فساد زراعت است از آن دور کند و بعد از آن بنشیند و انتظار کرم الهی و لطف او را در باره خود
امید داشته باشد که وقت حصاد و صد فقیر غلهٔ او واصل خواهد شد این امید را ارباب عقل ممدوح
میدانند و خوب میشمرند و اما کسی که فراغت را شعار خود سازد مطلقا متحمل مشقت زراعت
و تعب آن نشود و تمام سال همت بر آسایش و راحت خود بگمارد و همگی اوقات خود را صرف هوا و
هوس و لهو و لعب نموده باشد پس بنشیند و در انتظار نموده باشد که حق تعالی از برای او
زرعی خواهد رویانید و بواسطهٔ او غله حاصل خواهد ساخت و بی آنکه سعی و کدی در آن نموده باشد طمع او
داشته باشد که مثل آنچه از برای آن یکی که شب و روز سعی و تعب و کد تمام کرده زراعت نموده حاصل
شده باشد از برای او نیز بی آنها حاصل شود هیچ شک نیست که این معنی بر حماقت و فریب دادن خود
محمول خواهد شد نه بر رجا و امیدی که ممدوح است پس دنیا زراعت گاه آخرت است که اَلدُّنْيَا
مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ پس دل مؤمن زمین است و تخمی که در آن کاشته میشود ایمان و طاعات و
عبادات بمنزلهٔ آبی است که بآن داده میشود و پاک ساختن نفس از اخلاق بد و صفات ذمیمه و باز داشتن
آن از معاصی و امور ناشایست بمنزلهٔ دور کردن سنگریزها و خاشاک از آن زمین و کندن
گیاههای بیگانه که باعث فساد زراعت است و روز قیامت وقت درو است پس بر حذر باش از
آنکه شیطان ترا فریب دهد و بمحض رجا و امیدی که تعریف آنرا شنیدی دست تهی نموده از عبادات
و اعمال صالحه و کردار پسندیده بمانی و نظر کن بر حال انبیا و اولیا و مشقتی که در اقدام بطاعات و
صرف عمر در عبادات متحمل شده اند و شب و روز خود را از آن فارغ نمیداشته اند آیا ایشان را رجا
و امیدی که ما را برحمت و مغفرت حق تعالی حاصل است حاصل نبوده و نمیتوانسته اند که بآن اکتفا نموده
متحمل این قدر تعب و مشقت نشوند بلی بلکه بمراتب شمول رحمت او مرتبه کاملان علیهم را و عموم
آمرزش او از تو و امثال تو عالم تر بوده اند نهایتش میدانسته اند که امید برحمت و مغفرت او
بی اقدام بعمل صالح محض غرور و سفاهت است با وجود نهایت امید و رجا جمیع عمر خود را صرف طاعات

و عبادات میکرده اند شب و روز خود را از آن فارغ نمیداشته اند و همچنین بسند صحیح منقول است
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که میفرماید که هیچ روزی نگذرد که فرشته ندا نکند که یا اهل گورستان
شما را بر کی رشک و حسد است از زیر این خاک پس ایشان در جواب بزبان حال گویند که ما
حسد بر ایشان میبریم که در دنیا بمسجدها نشسته گاه بنماز و گاه بر ذکر حق تعالی مشغول اند
دیگر حسد و رشک نیست ما را آنحضرت فرمود که بالای همه عبادتها نیست مگر دوستی اهل بیت
رسول خدا صلی الله علیه و آله ای عزیز من آمرزش و رحمت حق تعالی از برای نیکوکاران است که فرموده إِنَّ رَحْمَتَ اللهِ
قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ منقول است بسند معتبر که علی بن حسین علیه السلام که در عبادت تن خود را
چنان زار و نزار کرده بود که استخوانهای پا و پهلوی مبارکش نمایان شده بود گفتند یا ابن رسول الله
میدانی که رحمت حق تعالی در بارهٔ شما بیشمار است از بهر چه این همه رنج و سختی بر خویشتن میدهید
فرمود که پادشاه ذو الجلال و کریم بی زوال میفرماید که رحمت من نزد نیکوکاران است و حضرت رسالت
چندان عبادت کرده بود که هر دو پای مبارکش آماس کرده بود و جبرئیل امین علیه السلام گفت یا رسول الله
تن خود را هلاک کردی جواب داد پس آیا بندهٔ نیکوکار نباشم و روزی بحضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمود که
ای فرزند عزیز من طاعت کن مگو که پدر توام مرا بطاعت کردن فرستاده اند تا نگویی که
پدرم پیغمبر است بقیامت شوم که فردای قیامت نسب نخواهند فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ
يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ و حضرت فاطمه زهرا چندان نماز کرده بود که هر دو پای مبارکش
آماس کرده بود و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام چون در نماز می ایستاد از ترس حق تعالی سینهٔ مبارکش
چندان میجوشید که دیگ بر سر آتش بجوش آید ای عزیز من این غفلت ما را از چه است که ما شب
و روز بعصیان و بکار دنیا مشغول گشته ایم عجب آید مرا از خنده که آتش دوزخ در پیش راه است
و از شادی که مرگ در پس است پس توبه باید کرد از گناهان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است که
لَا شَفِيعَ أَنْجَحُ مِنَ التَّوْبَةِ یعنی هیچ شفیعی حاجب ترا از توبه نیست پس بدترین چیزها ترک
الصلوة است و همچنین در روایت صحیح وارد شده است از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرموده است

برادرم جبرئیل بمن وحی آورد و هنوز وحی تمام نکرده بود که آوازی مهول برآمد که رنگ از روی او متغیر شد
از وی سؤال کردم که این چه آواز بود که متغیر گشتی گفت یا رسول الله حق تعالی در دوزخ هفتم چاهی
آفریده است و او را غنی نام نهاده است و سنگ سیاهی در آن انداخته سیزده هزار سال در راه
بود امروز بته آن چاه رسیده است آن حضرت فرمود که ای جبرئیل آن چاه که را لم طایفه است گفت آنجای
بی نمازانست وایضاً آنحضرت فرمود در روز قیامت در آید گروهی که سر او از آسمان هفتم گذشته
باشد و شکمش در زمین هفتم و دهن از مشرق تا بمغرب باشد پس گوید که پنج طایفه را میخواهم
اول بی نماز دویم مانع الزکوة سیوم خمر خواران چهارم ربا خواران پنجم کسانی را که سخن دنیا در مسجد
گفته اند آنحضرت فرمود بر چنینه با ذکر دید با آتش دوزخ واما حضرت شاه ولایت علی ابن ابی طالب
حدیثی فرموده است که مضمون او اینست که دو کس است از اهل دنیا که پشت مرا بریدند یکی مردی که
بزبان عالم و باحکام دین ناطق باشد و خود بمقتضای او عمل نکرده باشد و معتقد و فاسق باشد
دویم مردی که بدل جاهل است و از علم و آداب شریعت خبر ندارد و بی بصیرت طریق اعمال عمل
و عبادت می سپارد آن یک منع میکند و رفع مینماید بزبان ملامت خلق را از فسق و خود کرده
آراست چون مردمان و پیرایه علم و دانش می بینند که او ارتکاب فسق میکند قبح فسق در ایشان
برطرف میشود و این یک دفع مینماید بعبادت خود نقص داو مراد از جهل خود یعنی چون عبادت او را
با آن جهل و نادانی مشاهده میکنند نقص جهل و قبح او در نظرها هموار میکرد پس برتسیه و بپرهیز از
علما فاسق و جاهل اهل عبادت این جماعت سبب گمراهی خلق اند نظم بیاموز علم و ادب ای پسر که
چو شاه است و نادان چو خر نسئل الله التوفیق والهدایة و نعوذ به من الذلل و
الغوایة باب پنجم در بیان خواص سور قرآنی منقول است از ائمه علیهم السلام و دعاها و زیارات ائمه
و اذکارها که در ایام و لیالی سال از جهة مطلب و حاجات دنیا و آخرت و از آن جمله چند دعا از صحیفه کامله
و دعاها و اذکار از کتب معتبره بسند صحیح در این رساله ذکر میشود انشاء الله تعالی و در این فصل شش مطلب
ذکر میشود مطلب اول در خواص سور قرآنی و فواید بعضی از آیات کلام ربانی سورة الفاتحه بسند

در خواص سور و آیات قرآن

معتبر منقول است که حضرت امام رضا فرمود که بسم الله الرحمن الرحیم نزدیکتر است باسم اعظم الهی
از سیاهی چشم بسفیدی چشم و بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که هر کرا
علتی عارض شود در همان وقت هفت بار سوره حمد را بخواند اگر علتش برطرف شود اکتفا
نماید و اگر هفتاد مرتبه بخواند من ضامنم از برای او عافیت را و بسند معتبر از حضرت رسول
منقول است که هر که سوره حمد را بخواند حق تعالی بعدد هر آیه که از آسمان نازل شده ثواب باو
کرامت فرماید و از حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه منقول است که حضرت رسول
فرمودند که خداوند عالمیان میفرماید که من قسمت کرده ام سوره حمد را میان خود و بنده خود
پس نصف او سوره از منست و نصف از بنده من است و آنچه بنده از من در آن سوره
سؤال مینماید باو عطا میفرمایم پس بنده میگوید بسم الله الرحمن الرحیم حق تعالی میفرماید
که ابتدا کرد بنده من بنام من و بر من لازم است که کارهای او را با تمام رسانم و در جمیع احوال
با او برکت فرستم پس چون بگوید الحمد لله رب العالمین حق تعالی فرماید که بنده من حمد کرد
و دانست که نعمتهای که نزد اوست همه از جانب منست و بلاها که از او دور شده است همه بتطول
و احسان منست ای ملائکه شما را گواه میگیرم که از برای او اضافه کردم نعمتهای دنیا و نعمتهای آخرت
و رفع کردم از او بلاهای آخرت را چنانچه بلاهای دنیا را از او رفع کردم پس چون الرحمن الرحیم
میگوید حق تعالی میفرماید که بنده من شهادت داد که من رحمن و رحیم ای ملائکه شما را گواه میگیرم که بهره
او را بسیار کردم و نصیب او را از عطای خود عظیم گردانیدم چون گوید مالک یوم الدین
خداوند عالم فرماید که ای ملائکه گواه میگیرم شما را که چنانچه اعتراف کرد که من مالک روز جزایم من در
روز حساب حساب او را آسان کنم و از گناهان او درگذرم و چون ایاک نعبد گوید حق جل و علا
فرماید که راست گفت بنده من مرا عبادت کرد و پس گواه میگیرم شما را که او را باین عبادت ثوابی
کرامت فرمایم که جمیع مخالفان او آرزوی منزلت او نمایند و چون وایاک نستعین گوید
حق تعالی فرماید که بنده من استعانت جست و التجا بمن آورد گواه میگیرم شما را که در جمیع امور او را

اعانت نمایم و در جمیع شدائد بفریاد او رسم و در روز بلاها او بخشم دست او را بگیرم پس چون اهدنا
الصراط المستقیم بگوید تا آخر سوره حق تعالی فرماید که آنچه از من طلبید بنده‌ام کرامت کردم و آنچه
آرزو کرد باو عطا نمودم و آنچه از او ترسید او را از او ایمن کردانیدم و بسند دیگر منقول است
که سوره حمد را بر درد هفت مرتبه بخوانند اگر او درد ساکن میشود و بسند معتبر از حضرت
صادق منقولست که اگر سوره حمد را بر میتی هفتاد مرتبه بخوانند و روح باو بر کردد عجب
نخواهد بود و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که سوره حمد آنرا عافیت
ندهد هیچ چیز او را عافیت نمیدهد و ایضا منقولست که حضرت صادق ع ببعضی از اصحاب خود
که شکایت از تب کرد فرمود که بندهای پیراهن را بگشا و سر در گریبان خود کن و اذان و اقامه
بگو و هفت مرتبه سوره حمد را بخوان آن شخص چنان کرد بزودی شفا یافت و در حدیث دیگر
فرمود که شخصی از صداع بآنحضرت شکایت کرد حضرت فرمود که دست خود را بگذار در موضعی
که درد میکند و سوره حمد و آیة الکرسی را بخوان و بگو اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَجَلُّ وَاَکْبَرُ مِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ عِرْقٍ نَعَّارٍ
وَاَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ حَرِّ النَّارِ **سُورَةُ الْبَقَرَه وَسُورَةُ آلِ عِمْرَان** بسند معتبر
از حضرت امام جعفر صادق منقولست که هر که سوره بقره و آل عمران را بخواند این دو سوره در
قیامت بر سر او سایه افکنند مانند دو ابر یا دو عبا و بسند معتبر از حضرت علی بن الحسین ع منقولست
که حضرت رسول ص فرمود که هر که چهار آیه از اول سوره بقره و آیة الکرسی تا العلی العظیم با دو آیه
بعد از آن و سه آیه آخر سوره بقره را بخواند بدی در جان و در مال خود نه بیند و شیطان نزدیک
او نیاید و قرآنرا فراموش نکند و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که آیة الکرسی را در وقت
خواب بخواند از فالج ایمن کردد و هر که بعد از نماز بخواند هیچ صاحب نیشی باو ضرر نرساند و بسند
معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که یکمرتبه آیة الکرسی بخواند حق تعالی از او بر کرداند
هزار بلا از بلاهای دنیا و هزار بلا از بلاهای آخرت را که سهل‌ترین بلاهای دنیا فقر و احتیاج باشد

و کمترین بلاهای آخرت عذاب قبر باشد و منقولست که ابوذر از حضرت رسول ص سؤال نمود که کدام آیه
عظیم‌ترین آیاتیست که بر تو نازل کردیده است فرمود که آیة الکرسی و بسند دیگر منقولست که شخصی
بخدمت حضرت صادق ع از تب شکایت کرد حضرت فرمود که آیة الکرسی را در ظرفی بنویس و بآب
حل کن و بخور و از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست که یکی از پدرانم شنید که کسی سوره فاتحه میخواند | فرمود
که شکر خدا کرد و مزد یافت بعد از آن شنید که قل هو الله میخواند فرمود که ایمان آورد و ایمن شد بعد از
آن شنید که سوره انا انزلناه میخواند فرمود که تصدیق پیغمبر کرد و آمرزیده شد و بعد از آن شنید که
آیة الکرسی میخواند فرمود که به به نازل شد برات بیزاری این مرد از جهنم و بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که کسی که چشمش آزاری داشته باشد آیة الکرسی بخواند و در خاطر خود
قرار دهد که برطرف میشود بتوفیق الهی عافیت مییابد انشاء الله و هر که پیش از طلوع آفتاب یازده
مرتبه سوره انا انزلناه و یازده مرتبه سوره قل هو الله و یازده مرتبه آیة الکرسی بخواند خدا مالش را
از تلف حفظ نماید و چون کسی خواهد از خانه بیرون رود چند آیه از آخر سوره آل عمران از ان
فِی خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ تا آخر سوره با آیة الکرسی و سوره انا انزلناه و سوره حمد
بخواند که موجب قضای حاجتهای دنیا و آخرت میکردد و بسند معتبر از حضرت امام رضا ع
منقولست که حضرت رسول ص فرمود که هر که صد مرتبه آیة الکرسی بخواند چنان باشد که تمام مدت
حیات خود عبادت کرده باشد و از حضرت رسول ص منقولست که حق تعالی فرمود که بتو دادم از
تو کنجهای عرش خود را کرامت کرده‌ام فاتحة الکتاب و خاتمه سوره البقره یعنی آیه آمن الرسول
تا آخر سوره و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که فرمود که کمان ندارم که کسی در اسلام عقلش کامل
شده باشد و شبی بدون خواندن آیة الکرسی بسر آورد بعد از آن فرمود که اگر بدانید که چه فضیلت
دارد در هیچ حالی از آن ترک نمائید بدرستی که حضرت رسول ص مرا خبر داد که آیة الکرسی از کنز عرش
بمن کرامت کرده‌اند و به پیغمبر دیگر چنین کرامتی نداده‌اند بعد از آن حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که
از آنروز که این را از حضرت شنیده‌ام تا حال یکشب ترک خواندن آن نکرده‌ام سه مرتبه بخوا

و در هر شبی یکمرتبه بعد از نماز خفتن پیش از نماز نافله و بسند معتبر از حضرت رسول صلعم منقول است
که هر که بعد از نماز واجب آیة الکرسی بخواند تا وقت نماز دیگر در امان خدا باشد و در حدیث دیگر منقول
است که فرمود یا علی بر تو باد بتلاوت آیة الکرسی بعد از نماز فریضه بدرستی که محافظت و مداومت
نمینماید بر خواندن آن مگر پیغمبری یا صدیقی یا شهیدی و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع
منقول است که چون حق تعالی امر فرمود که سوره فاتحه و آیه شهد الله و آیة الکرسی و آیه قل اللهم مالک الملک
بزمین آورند ایشان در عرش الهی آویختند و گفتند پروردگارا ما را بکجا میفرستی نزد اهل خطاها
و گناهان میفرستی حق تعالی وحی فرمود بایشان که بروید بزمین بعزت و جلال خود سوگند میخورم که هر که
از آل محمد و شیعیان ایشان شما را تلاوت نماید بعد از نمازهای واجب البته بسوی او نظر نمایم بنظر مخفی
خود یعنی الطاف خاصه خود را شامل حال او گردانم هر روز هفتاد نظر و در هر نظر کردنی هفتاد حاجت
او را بر آورم و او را قبول کنم هر چند معصیت بسیار کرده باشد و بسند معتبر از حضرت امام علی نقی ع
منقول است که اشجع سلمی بحضرت صادق ع عرض نمود که من بسیار سفر میکنم و در بیابانهای مخوف واقع میشوم
میخواهم چیزی تعلیم من فرمائی که موجب ایمنی من گردد حضرت فرمود که هرگاه خوفی بر تو غالب گردد
دست راست خود را بر بالای سر خود بگذار و باواز بلند این آیه را بخوان اَفَغَیْرَ دِینِ اللّٰهِ یَبْغُونَ
وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَکَرْهًا وَاِلَیْهِ تُرْجَعُونَ
اشجع گفت که چون بسفر رفتم بوادی رسیدم که میگفتند جن در آنجا بسیار است ناگاه شنیدم
که شخصی میگوید که بگیریدش من این آیه را خواندم دیگری گفت که چگونه بگیریمش و حال آنکه پناه بآیه طیبه
برد **سورة النساء** از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که هر که سوره نسا را در هر جمعه بخواند از ضغطه
قبر ایمن گردد **سورة المائده** بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که سوره مائده
در هر روز پنجشنبه بخواند بظلم و گناه آلوده نشود **سورة الانعام** بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه منقول است که سوره انعام یکدفعه نازل شد و هفتاد هزار ملک آنرا مشایعت کردند
تا نزد حضرت رسول ص آوردند پس این سوره را تعظیم نمائید و بزرگ دانید که اسم اعظم الهی در هفتاد

موضع این سوره هست و اگر مردم بدانند که در قرائتش چه فضیلت و ثواب هست هرگز ترک نمایند
قرائتش را و از عبد الله عباس منقول است که کسی که سوره انعام را هر شب بخواند در روز قیامت
از جمله ایمنان باشد و بدیده خود هرگز جهنم را نبیند و بسند معتبر از حضرت امام رضا ع منقول است
که سوره انعام را یکدفعه نازل ساختند و هفتاد هزار ملک مشایعت او کردند و آواز بلند
کرده بودند بتسبیح و تکبیر و تهلیل تا نزد حضرت رسول صلعم آوردند پس هر که این سوره را بخواند
هفتاد هزار ملک تسبیح بگویند از برای او تا روز قیامت و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است
که اگر علتی داشته باشد سوره انعام را بخوان که گردی بتو نمیرسد از آن علت **سورة
الاعراف** بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که هر که سوره اعراف را در هر ماه
بخواند روز قیامت از جمله جماعتی باشد از دوستان خدا که حق تعالی در شان ایشان فرموده
که خوفی نیست و اندوهناک نیستند و اگر در هر جمعه بخواند او را در قیامت حساب نکنند و بدرستی
که آیات محکمات در این سوره است پس قرائت این سوره را ترک منمائید که گواهی میدهد در قیامت
برای کسی که آنرا خوانده باشد و بسند معتبر از اصبغ بن نباته منقول است که روزی حضرت امیر
المؤمنین ع فرمود که بحق آن خدائی که محمد را براستی بخلق فرستاده است و اهل بیتش را گرامی داشته
است که آنچه مردم طلب نمایند از احراز ایمنی از برای سوختن یا غرق شدن یا دزدی یا گریختن چهارپا
یا کنیز یا غلام البته در قرآن هست پس هر که خواهد از من سؤال نماید پس شخصی برخواست
گفت یا امیر المؤمنین چیزی از قرآن بمن تعلیم نما که مرا ایمن گرداند از سوختن و غرق شدن فرمود
که این دو آیه بخوان اِنَّ وَلِیِّیَ اللّٰهُ الَّذِی نَزَّلَ الْکِتَابَ وَهُوَ یَتَوَلَّی الصّٰالِحِینَ
وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ وَالْاَرْضُ جَمِیعًا قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَ
السَّمٰوٰتُ مَطْوِیّٰاتٌ بِیَمِینِهٖ سُبْحَانَهُ وَتَعَالٰی عَمَّا یُشْرِکُونَ هر که این
دو آیه را بخواند از سوختن و غرق شدن ایمن شود پس شخصی خواند و آتش در خانههای همسایگان
افتاد و سالم ماند و بخانه او آتش نیفتاد پس شخصی دیگر برخواست و گفت یا امیر المؤمنین چهارپا

پائی از آنم او چوش نیست و من از او میترسم حضرت فرمود که در گوشش این آیه را بخوان
وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ
پس آن شخص چنین کرد چهارپایش نرم و هموار شد شخصی دیگر برخاست و گفت یا امیرالمؤمنین
در آن زمینی که من میباشم حیوانات درنده بسیار اند و بخانهٔ من داخل میشوند و حیوانی را ضایع
نکنند بدر نمیروند حضرت فرمود که این دو آیه را بخوان لَقَدْ جَآءَكُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ
عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيْصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ فَاِنْ تَوَلَّوْا
فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ
آنمرد آن دو آیه را خواند دیگر درندها بخانه اش نیامدند شخصی دیگر برخاست و گفت یا امیرالمؤمنین در
شکم من صفرائی بهم رسیده است آیا آیه هست که موجب شفا گردد حضرت فرمود که بلی بی آنکه درهم
و دیناری خرج کنی بر شکم خود آیة الکرسی را بنویس و بشو و بخور آن آب را که این ذخیره باشد در شکم تو
ذخیره باشد در شکم تو و باعث شفا میگردد بقدرت الهی شخصی دیگر برخاست و گفت یا امیرالمؤمنین
برای گم شده چیزی بفرما حضرت فرمود که دو رکعت بگذار و در هر رکعت سورهٔ یس بخوان و بعد
از آن بگو یا هادی الضال رد علی ضالتی آنمرد چنین کرد حق تعالی گم شده اش را باو
برگردانید پس شخصی دیگر برخاست و گفت یا امیرالمؤمنین خانهٔ من کوچک است فرمود که این آیه را
بخوان اَوْ كَظُلُمٰتٍ فِيْ بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَّغْشٰهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ
سَحَابٌ ظُلُمٰتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ اِذَا اَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرٰىهَا
وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللّٰهُ لَهُ نُوْرًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّوْرٍ چون آیه را خواند غلاش برگشت
و گفت یا امیرالمؤمنین حرزی برای دزدی بفرما که دزد مال مرا میبرد در شب حضرت فرمود که چون
بیان رخت خواب میروی این دو آیه را بخوان قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَيًّا
مَّا تَدْعُوْا الخ سورهٔ بنی اسرائیل و بعد از آن حضرت فرمود که کسی که شب در بیابانی تنها باشد و
این آیه را بخواند اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ تَبٰرَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ

بخواند ملائکه از او محافظت و حراست نمایند و شیاطین از او دور شوند پس شخصی این را شنید و شبی
به خرابی افتاد و شب در آنجا ماند و فراموش کرد که این آیه را بخواند چون خوابید دو شیطان آمدند
و یکی دهانش را گرفت رفیقش گفت که دست از او بردار و او را مهلت ده چون دست برداشت
آنمرد بیدار شد و آیه سخره را خواند آن شیطان که دهانش را گرفته بود بدیگری گفت که من
نگاهداشتیم و آیه را خواند خدا بینیت را بر خاک مالد الحال حراست و نگهبانیش را بکن تا صبح چون صبح
شد بخدمت حضرت امیرالمؤمنین ع آمد که در تو شفا و راستی دیدم حال شب خود را نقل کرد و بعد از طلوع
آفتاب باین محلی که شب خوابیده بود برگشت اثر موی شیطان بر زمین ظاهر بود که موی خود را بر خاک
کشیده بود و رفته بود سورة الانفال و سورة التوبة از حضرت صادق ع منقول است
که هرکه سورهٔ انفال و برائت را در هر ماه بخواند هرگز نفاق باو راه نیابد و از شیعهٔ حضرت امیرالمؤمنین ع
باشد سورة یونس ع از حضرت صادق ع منقول است که هرکه سورهٔ یونس را در هر دو ماه یا
ماه یکبار بخواند بیم آن نیست که از جملهٔ جاهلان گردد و در قیامت از جملهٔ مقربان باشد سورة هود ع
از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هرکه سورهٔ هود را در هر جمعه بخواند حق تعالی او را در قیامت در
زمرهٔ پیغمبران مبعوث گرداند و در قیامت گناهی از او صادر نشود و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین
منقول است که هرکه از غرق ترسد این آیه را بخواند بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖىهَا وَمُرْسٰىهَا اِنَّ
رَبِّيْ لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ بِسْمِ اللّٰهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِيْنِ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ
قَدْرِهٖ وَالْاَرْضُ جَمِيْعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِيّٰتٌ
بِيَمِيْنِهٖ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ سورة یوسف ع از حضرت صادق ع
منقول است که هرکه سورهٔ یوسف ع را در هر روز یا در هر شب بخواند چون در قیامت مبعوث شود
جمال او مانند جمال یوسف ع باشد در آن روز باو فزعی و خوفی نرسد و از نیکان بندگان صالح خدا باشد
سورة الرعد از حضرت صادق ع منقول است که هرکه بسیار سورهٔ رعد را بخواند هرگز صاعقه
باو نرسد و اگرچه صبی باشد اگر مؤمن باشد خدا او را داخل بهشت گرداند بی‌حساب و شفاعت

او را قبول فرماید در اهل بیت و برادران مؤمنش **سورة ابراهیم و سورة الحجر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرکه سورهٔ ابراهیم و سورهٔ حجر را در دو رکعت نماز در هر جمعه بخواند هرگز فقر و دیوانگی و بلیهٔ عظیمی باو نرسد **سورة النحل** از حضرت صادق ع منقول است که هرکه سورهٔ نحل را در هر ماه بخواند در دنیا بقرض مبتلا نشود و هفتاد نوع بلا از او دور گردد که سهل‌ترین آنها دیوانگی و خوره و پیسی باشد و مسکن او در جنت عدن باشد که میان بهشتها واقع است **سورة بنی اسرائیل** از حضرت صادق ع منقولست که هرکه سورهٔ بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند نمیرد تا قایم آل صلوات الله علیهم را دریابد و از اصحاب او باشد و منقول است که عمر بن حنظله بحضرت صادق ع شکایت کرد از صداع حضرت فرمود که دست بر بالای سرت بگذار و این دو آیه بخوان قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا **سورة الكهف** از حضرت صادق ع منقول است که سورهٔ کهف را در هر شب جمعه بخواند نمیرد مگر شهید و خدا او را در زمرهٔ شهدا محشور گرداند و در قیامت با شهیدان بایستد و بسند معتبر از آنحضرت منقول است که هرکه سورهٔ کهف را در هر شب جمعه بخواند کفارهٔ گناهان باشد که از جمعه تا جمعه کرده باشد و در روایت دیگر وارد شده است که کسی که در روز جمعه بعد از نماز ظهر و عصر بخواند همین ثواب داشته باشد و از حضرت رسول صلعم منقول است که هرکه آیه قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ تا آخر سوره بخواند در وقت خواب از خوابگاه او تا کعبه نوری ساطع گردد که میان آن پر باشد از ملئکه و استغفار از برای او کنند تا صبح و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع وارد شده است که هرکه این آیه را در وقت خواب بخواند در هر وقت که خواهد بیدار شود **سورة مریم** از حضرت صادق ع منقولست که هرکه مداومت نماید سورهٔ مریم را تا آنچه خواهد در خود و مال و فرزند بهم نرسد و در آخرت او را بدهند مثل ملکی که حضرت سلیمان داشت در دنیا **سورة طه** از حضرت

صادق ع منقولست که هرکه مداومت نماید این سوره را در قیامت نامهٔ اعمال او را بدست راستش دهند و او را برگناهانی که در اسلام کرده است حساب نکنند و در آخرت آنقدر مزد با و عطا فرماید که او راضی شود و فرمود که ترک مکنید سورهٔ طه را که خدا دوست میدارد و هرکه میخواند دوست میدارد **سورة الانبياء عليهم السلام** از حضرت صادق ع منقولست که هرکه سورهٔ انبیا را بخواند از روی محبت و خواهش در بستانهای بهشت با همهٔ پیغمبران رفاقت کند و در دنیا بنظر مردم با هیبت باشد **سورة الحج** از حضرت صادق ع مرویست که هرکه سورهٔ حج را در هر روز یکمرتبه بخواند در آن سال توفیق حج یابد و اگر در آن سفر بمیرد داخل بهشت شود راوی پرسید که اگر سنی باشد چونست فرمود که عذابش تخفیف میبابد **سورة المؤمنون** از حضرت صادق ع منقولست که هرکه در هر جمعه سورهٔ مؤمنون را بخواند حق تعالی خاتمهٔ او را بخیر گرداند و در فردوس اعلی منزلش با منزل پیغمبران باشد **سورة النور** از حضرت صادق ع منقولست که فرمودند که حفظ نمایید اموال و فروج خود را از حرام بتلاوت کردن سورهٔ نور و باین سوره زنان خود را از حرام حفظ نمایید بدرستی که هرکه این سوره را در هر شب یا در هر روز مداومت نماید هیچ یک از اهل خانهٔ او زنا نکنند تا او بمیرد و چون بمیرد هفتاد هزار ملک تا قبر او را مشایعت نمایند که همه از برای او دعا کنند و استغفار نمایند تا بقبرش گذارند و بسند معتبر منقولست که شخصی از وجع و ضعف چشم بحضرت امام موسی کاظم ع شکایت کرد حضرت فرمود که آیهٔ نور را سه مرتبه در جامی بنویس پس آنرا بشو و در شیشه ضبط کن و مکرر بدیده بکش راوی گفت صد میل کمتر کشیدم که دیده‌ام صحیح‌تر از اول شد **سورة الفرقان** از حضرت امام موسی ع منقولست که ترک مکن تلاوت سورهٔ فرقان را بدرستی که هرکه در هر شب این سوره را بخواند حق تعالی او را حساب عذاب نکند و منزلش در فردوس اعلی باشد **سورة الطواسين** از حضرت صادق ع منقولست که هرکه سه طس را در شب جمعه بخواند از اولیا و دوستان خدا باشد و در حفظ و حراست الهی باشد و در دنیا فقر و بدحالی باو نرسد و در آخرت

از بهشت با او آنقدر بدهند که راضی شود و زیاده از رضای او بو عطا فرمایند و حق تعالی چندان حور العین با و کرامت فرماید **سورة العنکبوت و سورة الروم** بسند معتبر از حضرت

صادق مرویست که هر که سوره عنکبوت و سوره روم را در شب بیست و سیوم ماه مبارک رمضان بخواند و الله که از اهل بهشت است و در این حکم استثنا نمیکنم و نمیترسم که در این سوگند خدا گناهی

بر من بنویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم هست **سورة لقمان** از حضرت امام محمد باقر منقولست که کسی که سوره لقمان را در شب بخواند حق تعالی در آن شب ملکی چند برو موکل کرداند که او را از شیطان و لشکرش حفظ نمایند تا روز **سورة السجده** از حضرت صادق منقولست که هر که

سوره سجده را در هر شب جمعه بخواند حق تعالی در قیامت نامه اش را بدست راست او دهد و او را حساب نفرمایند هر چند گناهکار باشد و در بهشت از رفقای محمد و اهل بیت او صلی الله علیهم

باشد **سورة الاحزاب** از حضرت صادق منقولست که هر که سوره احزاب را بسیار تلاوت نماید در قیامت در جوار حضرت رسول صلعم باشد بعد از آن فرمود که در سوره احزاب فضایح بسیاری از زنان و مردان قریش و غیر ایشان بود و درازتر از سوره بقره بود و لیکن کم کردند و تحریف دادند **سورة سبا و سورة فاطر** از حضرت صادق منقولست که سوره سبا و سوره

فاطر را در شب بخواند در آن شب در حفظ و حراست الهی باشد و اگر در روز بخواند در آن روز مکروهی باو نرسد و حق تعالی از خیر دنیا و آخرت آنقدر باو کرامت فرماید که در خاطرش خطور نکرده باشد و آرزوی آن نرسیده باشد و بسند معتبر از حضرت امام موسی منقولست که هر که در وقت خواب این

آیه را بخواند که اِنَّ اللّٰهَ یُمْسِکُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَکَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهٖ اِنَّهٗ کَانَ حَلِیْمًا غَفُوْرًا خانه بر سرش خراب نشود

و بسند دیگر منقولست که شخصی از اهل مرو بخدمت حضرت صادق شکایت نمود از درد سر حضرت فرمود که نزدیک بیا پس دست مبارک بر سر او گذاشتند و این آیه را خواندند اِنَّ اللّٰهَ یُمْسِکُ تا آخر آیه درد او ساکن شد **سورة یس** از حضرت صادق منقولست که هر چیز را قلبیست و قلب قرآن

سوره یس است هر که این سوره را در روز پیش از صبح بخواند در آن روز از بلاها محفوظ باشد و خدا او را روزی فراوان عطا فرماید تا شام و کسی که در شب پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک را برو موکل کرداند که او را از شر هر شیطان مردودی و هر آفتی حفظ نمایند و اگر در روز بمیرد حق تعالی او را داخل بهشت کرداند و در غسل او سی هزار ملک حاضر شوند که استغفار از برای او کنند و مشایعت او نمایند تا قبرش با استغفار و چون در لحدش گذارند از ملک در میان قبرش ساکن شوند و عبادت الهی کنند و ثواب عبادت ایشان از او باشد و قبرش را فراخ کنند تا چشم کار کند و او را ایمن گردانند از فشار قبر و پیوسته از قبر او نوری ساطع باشد تا اطراف آسمان تا وقتی که او از قبرش بیرون آید پس چون حق تعالی او را از قبر بیرون آورد آن سی هزار ملک با او باشند و مشایعت او نمایند و با او سخن گویند و بر رویش خنده کنند و بهر خیری او را بشارت دهند تا او را از صراط و میزان بگذرانند و او را در مقام قرب مجلسی بدارند که هیچ خلقی قربش از او بیشتر نباشد مگر ملائکه مقرب و پیغمبران مرسل و او با پیغمبران باشد نزد حق تعالی و در هنگامی که مردم اندوه داشته باشند او اندوه نداشته باشد و در حالتی که مردم جزع نمایند او جزع نکند پس پروردگار عالم با او خطاب فرماید که ای بنده من هر کرا خواهی شفاعت کن که شفاعت ترا قبول میکنم و رد نمیکنم پس او شفاعت کند و خدا قبول نماید و عطا فرماید و دیگران را حساب کنند و او را حساب نکنند و دیگران در مقام حساب باز دارند و در ذلت و خواری در آن صحرا باو نرسد و هیچ گناهی از گناهان او را نگیرند پس نامه او را بگیرد و بجانب بهشت روان شود پس مردم تعجب کنند که سبحان این بنده را هیچ گناه نبوده و از رفیقان پیغمبر آخر الزمان باشد و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که در عمر خود یکبار سوره یس را بخواند حق تعالی بعدد هر خلقی که در دنیا و آخرت و هر خلقی که در آسمان است بعدد هر یک از ایشان دو هزار هزار حسنه از برای او بنویسند و دو هزار هزار گناه از او محو فرماید و بفقر و قرض و خانه بر سرش فرود آمدن و تعجب و مشقت و دیوانگی و خوره و وسواس و دردهای ضرر رساننده مبتلا نشود و حق تعالی سکرات و اهوال مرگ را از او تخفیف دهد و خود قبض روح او نماید و ضامن شود از برای او

فراخی روزی او و در قیامت او را شاد کرداند و چندان ثواب با و کرامت فرماید که در او راضی شود و حق تعالی
خطاب فرماید بملائکه که آسمانها و زمین که من از فلان بنده راضی شدم برای او استغفار نمایید و بسند
معتبر دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام رضا از بواسیر شکایت کرد حضرت فرمود که یس را
با عسل بنویس و حل کن و بخور و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقول است که از برای رفع لکهای
سفید و برص که در بدن بهم رسد سوره یس را با عسل بنویسد و بیاشامند **سورة الصافات**
از حضرت صادق ع منقول است که هر که سوره صافات را در هر روز جمعه بخواند پیوسته از جمیع آفتها و
بلاها محفوظ باشد و در دنیا روزیش فراخ باشد و ببدن و مال و فرزندانش مکروهی نرسد از شیطان
مردود و نه از جبار معاندی و اگر بمیرد در آن روز یا در آن شب خدا او را شهید مبعوث کرداند
و با شهیدان او را داخل بهشت کرداند و در درجه شهیدان او را جا دهد و بسند معتبر از سلیمان
جعفری منقول است که حضرت امام موسی ع بفرزند خود قاسم فرمود که برخیز ای فرزند و بر بالای
سر برادرت سوره والصافات را بخوان تا تمام کنی او شروع بخواندن کرد چون بآیه أَهُمْ
أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا رسید قبض روحش شد چون جامه بر روی میت کشیدند و بیرون
آمدند یعقوب بن جعفر بحضرت عرض کرد که ما چنین میدانستیم که برای آسانی جان کندن سوره یس
میباید خواند و شما فرمودید که والصافات بخوانیم حضرت فرمود که سوره والصافات را بر سر هر که
بشدت جان کندن گرفتار باشد بخوانند البته حق تعالی راحتش را نزدیک میکرداند و بسند معتبر
از حضرت امیر المؤمنین منقول است که هر که از گزیدن عقرب ترسد این آیات را بخواند سَلَامٌ عَلَى
نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که کسی که خواهد که او را در قیامت بکیل وافی ثواب
کامل بدهند باید که بعد از هر نماز این آیه را بخواند سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و در حدیث دیگر وارد شده
که از هر مجلس که برخیزند این آیه را بخوانند کفاره گناهان او میکردد **سورة ص** از حضرت امام محمد

باقر علیه السلام منقول است که هر که سوره ص را در شب جمعه بخواند حق تعالی از خیر دنیا و آخرت آنقدر با و عطا
فرماید که بهیچ احدی از خلق عطا نفرموده باشد مگر به پیغمبر مرسلی و یا ملک مقربی و او را داخل بهشت
کرداند و هر کرا او خواهد از اهل خانه اش حتی خادمی که او را خدمت میکرده است **سورة الزمر**
از حضرت صادق ع منقول است که هر که سوره زمر را بخواند حق تعالی شرف دنیا و آخرت با و کرامت فرماید
و او را عزیز کرداند بی مال و خویشان بحدی که هر که او را ببیند از او مهابتی در دلش بهم رسد و بدنش را
از آتش جهنم حرام کرداند و در بهشت از برای او هزار شهر بنا کند که در هر شهری هزار قصر باشد و
در هر قصری صد حوریه و از چشمها و درختان و میوه ها آنچه در قرآن وصف فرموده با و کرامت فرماید
سورة المؤمن از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که سوره حم مؤمن را در هر شب بخواند
حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و ایمان را از او سلب ننماید و آخرت او را بهتر از دنیا
کرداند از برای او **سورة السجدة** از حضرت صادق ع منقول است که هر که سوره حم سجده را
بخواند حق تعالی در قیامت او را نوری عطا فرماید آنقدر که چشم کار کند و او را سرور و شادی در
آن روز کرامت فرماید و در دنیا بجائی باشد که دیگران آرزوی حال او کنند **سورة حمعسق**
از حضرت صادق ع منقول است که هر که مداومت نماید بر تلاوت حمعسق چون روز قیامت مبعوث
شود روی او مانند برف سفید باشد مانند آفتاب نورانی باشد چون بنزد عرش آید حق تعالی فرماید که
ای بنده من مداومت نمودی بر قراءت قرآن حمعسق و نمیدانستی که چه ثواب دارد و اگر میدانستی
آن سوره و ثوابش را هرگز از خواندن او ملال بهم نمیرسانیدی و اکنون جزای خود را
خواهی دانست ای ملائکه او را داخل بهشت کردانید و از برای او قصری مقرر ساخته ام از یاقوت
سرخ و درها و کنگرها و درجهایش از یاقوت سرخ است و از لطافت از اندرون بیرون را میتوان
دید و از بیرون اندرون را میتوان دید و در آن قصر دختران باکره جوان از حور العین و هزار کنیز
و هزار غلام از پسران گوشواره در گوش پیوسته در حسن بی نهایت با و عطا کرده ام **سورة
الزخرف** از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که مداومت نماید بر قراءت سوره حم زخرف

خدا او را در قبر از جانوران زمین و از فشار قبر ایمن گرداند و چون او را بمقام حساب آورند
آن سوره بیاید با مر الهی او را داخل بهشت گرداند سورة الدخان از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هر که سوره دخان را در نمازهای واجب و سنت بخواند حق تعالی او را در زمره ایمان
مبعوث گرداند و او را در سایه عرش خود جا دهد و حساب او را آسان کند و نامه او را بدست راست
او دهد و بسند معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر ع عرض نمود که چگونه شب قدر را
بشناسیم فرمود که چون ماه رمضان بیاید هر شب سوره دخان را بخوان چون شب بیست و سیوم
شود تصدیق خواهی نمود بآنچه سؤال نمودی سورة الجاثیه از حضرت صادق ع منقولست
که هر که سوره جاثیه را بخواند ثوابش آنست که جهنم را نبیند و آواز و خروشش نشنود و در بهشت با رسول
خدا ص بوده باشد سورة الاحقاف از حضرت صادق ع منقولست که هر که در هر شب یا در
هر جمعه سوره احقاف را بخواند در دنیا خوف باو نرسد و از فزع روز قیامت ایمن گردد و از حضرت
صادق ع منقولست که سورهای حم ریاحین بهشت اند پس چون توفیق خواندن آنها بیابید
خدا را حمد و شکر بسیار بکنید که توفیق تلاوت آنها بشما کرامت فرموده است بدرستی که
بنده که از خواب برخیزد و در نماز حوامیم بخواند از دهانش نسیمی خوشبوتر از مشک و عنبر بیرون آید
و بدرستی که حق تعالی رحم میکند بتلاوت کننده و خواننده این سورها و رحم میکند همسایگان
و آشنایان و مصاحبان و خویشان او را و در روز قیامت عرش و کرسی و ملائکه مقرب از برای او
استغفار مینمایند سورة محمد ص از حضرت صادق ع منقولست که هر که سوره الذین کفروا بخواند
گناه نکند و در دین خود هرگز شک بهم نرساند و بفقر هرگز مبتلا نشود و هرگز از پادشاهی خوف باو
نرسد و همیشه از شک و کفر محفوظ باشد تا بمیرد و چون بمیرد حق تعالی هزار ملک بقبر او بفرستد که
نماز کنند و ثواب نماز ایشان از او باشد و چون از قبر بیرون آید آن هزار ملک او را مشایعت
نمایند تا او را بمحل ایمنی از خوفهای قیامت برسانند و در امان خدا و رسول باشد سورة الفتح
از حضرت صادق ع منقولست که حفظ نمائید مالها و زنان و بندهای خود را بخواندن سوره

انا فتحنا بدرستی که کسی که بر خواندن این سوره مداومت نماید در روز قیامت منادی از جانب
رب العزت او را ندا کند که همه خلایق بشنوند که تو از بندگان مخلص منی ای ملائکه آن را
ملحق گردانید به بندگان شایسته من و او را داخل جاوید کنید و از شراب سربمهر بهشت که با
کافور ممزوج است باو بخورانید سورة الحجرات از حضرت صادق ع مرویست که هر که سوره
حجرات را بخواند در هر شبی یا در هر روزی در بهشت از جماعتی باشد که بزیارت حضرت رسول ص
مشرف شده باشد سورة ق از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که مداومت نماید سوره
ق در نمازهای واجب و سنت خدا روزی او را فراخ گرداند و نامه اش بدست راست او دهد و او را حساب
آسان کند سورة الذاریات از حضرت صادق ع منقولست که هر که سوره ذاریات را در روز یا
در شب بخواند امر معیشت او را باصلاح آورد و وسعت دهد روزی او را و منور گرداند قبر او را
بچراغی که نور بخشد تا روز قیامت سورة الطور از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که هر که سوره طور را بخواند حق تعالی خیر دنیا و آخرت را برای او جمع کند سورة النجم از حضرت
صادق ع منقولست که هر که سوره والنجم را در هر شب یا در هر روز بخواند در میان مردم بخوبی
و نام نیک نقلش نمایند و گناهانش آمرزیده شود و محبوب دلهای مردم گردد سورة القمر
از حضرت صادق ع منقولست که هر که سوره اقتربت الساعه را بخواند چون از قبر بیرون آید
بر ناقه از ناقهای بهشت سوار شود سورة الرحمن از حضرت صادق ع منقولست که ترک
مکنید قرائت سوره رحمن را در نماز بدرستی که این سوره در دل منافقان قرار نمیگیرد و حق تعالی
این سوره را در روز قیامت بهترین صورتها در نهایت خوشبوئی بصحرای محشر حاضر
میگرداند و در محل قرب و کرامت می ایستد حق تعالی باو خطاب میفرماید که کی در زندگانی دنیا تو را
در نماز میخواند و مداومت مینمود بخواندن تو میگوید خداوندا فلان و فلان پس حق تعالی
روهای ایشان را سفید میگرداند و میفرماید که هر کرا خواهید شفاعت کنید پس ایشان آنقدر که
خواهند شفاعت مینمایند پس بایشان میگویند که داخل بهشت شوید و در هرجا که خواهید ساکن شوید

دعای امام جعفر صادق ع

و بسند معتبر از آنحضرت منقول است که مستحب است که بعد از نماز صبح روز جمعه سوره الرحمن را بخوانی
و هر مرتبه که بگوئی فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ بگو لا بِشَیْءٍ مِنْ آلائِکَ رَبِّ اُکَذِّبُ
و در حدیث دیگر فرمود که هرکه سوره الرحمن را بخواند و در هر مرتبه که بقاعده مذکور بخواند و در آن
شب یا در آن روز بمیرد شهید مرده باشد **سورة الواقعة** از حضرت صادق ع منقول است
که هرکه در شب جمعه سوره واقعه بخواند خدا او را دوست دارد و مردم را دوست او گرداند و در
دنیا بدحالی و فقر و احتیاج نه بیند و بهیچ بلا و آفتی مبتلا نشود و از رفقاء حضرت امیر المؤمنین ع
باشد و این سوره مخصوص آنحضرت است و بسند دیگر از آن حضرت منقول است که هرکه مشتاق بهشت
و وصف آن باشد سوره اذا وقعت را بخواند و هرکه خواهد وصف جهنم را ملاحظه نماید سوره الم سجده را
بخواند و بسند معتبر از امام محمد باقر ع منقول است که هرکه سوره اذا وقعت در هر شب پیش از
آنکه بخوابد بخواند در قیامت روی او مانند ماه شب چهارده نورانی باشد و بسند معتبر از اسمعیل
بن عبد الخالق منقول است که حضرت صادق ع فرمود که پدرم بعد از نماز عشا دو رکعت نماز را نشسته
میکردند و در آن دو رکعت صد آیه میخواندند و میفرمودند که هرکه این دو رکعت را بکند و صد آیه
در این دو رکعت بخواند او را در آن شب از غافلان ننویسند و اسمعیل گفت که حضرت امام محمد
باقر ع در این دو رکعت وتیره سوره اذا وقعت و قل هو الله احد میخواندند **سورة الحدید**
و سورة المجادلة از حضرت صادق ع منقول است که هرکه سوره حدید و مجادله را در نماز
فریضه بخواند خدا او را عذاب نکند و در خود و اهلش بدحالی و احتیاج نه بیند **سورة**
الحشر از حضرت رسول صلعم منقول است که هرکه سوره حشر را بخواند جمیع خلق خدا از بهشت
و دوزخ و عرش و کرسی و حجب و آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه و هوا و مرغان و درختان
و کوهها و آفتاب و ماه و ملائکه همه بر او صلوات فرستند و از برای او استغفار کنند و اگر در
آن روز یا در آن شب بمیرد با شهادت مرده باشد **سورة الممتحنة** از حضرت علی بن الحسین ع
منقول است که هرکه سوره ممتحنه را در نمازهای واجب و سنت بخواند خدا دل او را با ایمان امتحان

نماید

نماید و دیده اش را نور بدهد و خود و فرزندانش بدیوانگی و فقر مبتلا نشوند **سورة الصف** از حضرت
امام محمد باقر ع منقول است که هرکه سوره صف را مداومت نماید و بخواند در نمازهای واجب و سنت
خدا او را در صف ملائکه و انبیا جا دهد **سورة الجمعة و سورة المنافقین** از حضرت
صادق ع منقول است که واجب است و لازم است بر هرکه از شیعه ما باشد که در نماز شام و خفتن شب جمعه
و سبح اسم ربک الاعلی بخواند و در نماز ظهر سوره جمعه و منافقین بخواند چون چنین کند چنان
باشد که بعمل حضرت رسول صلعم عمل نموده باشد و ثواب او نزد خدا بهشت باشد **سورة**
التغابن از حضرت صادق ع منقول است که هرکه سوره تغابن را در نماز واجبی بخواند آن
سوره در روز قیامت شفیع او باشد و گواه عادلی باشد که شهادت دهد برای او نزد کسی که شهادت
او را قبول فرماید و از او جدا نشود تا او را داخل بهشت گرداند و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است
که هرکه سوره مسبحات را همه پیش از خواب بخواند نمیرد تا قائم آل محمد ع را دریابد و اگر بمیرد او را در جوار
حضرت رسول صلعم جا دهند **سورة الطلاق و سورة التحریم** از حضرت صادق ع منقول است
که هرکه سوره طلاق و تحریم را در نماز واجبی بخواند خدا او را در قیامت پناه دهد از خوف و اندوه و از آتش
جهنم عافیت یابد و او را داخل بهشت گرداند بسبب تلاوت کردن و محافظت نمودن حرمت
این دو سوره زیرا که این دو سوره از حضرت رسول صلعم اند **سورة الملک** از حضرت صادق ع مرویست
که هرکه سوره تبارک الذی بیده الملک را در شب در نماز واجب بخواند پیوسته در امان الهی باشد
تا صبح و در روز قیامت در امان الهی باشد تا داخل بهشت شود و بسند معتبر از حضرت امام
محمد باقر ع مرویست که سوره ملک مانعست که در قبر او را عذاب نماید و اسمش در توریة سوره الملکة
و هرکه در شب بخواند بسیار عبادت و تلاوت کرده و نیکوئی کرده است و در آن شب او را از غافلان
ننویسند و بدرستی که من در نماز وتیره بعد از نماز خفتن میخوانم و پدرم در روز و شب میخواند
و هرکه این سوره را بخواند چون نکیر و منکر بقبر او درآیند از جانب پاهایش بیایند پاهایش با ایشان
گویند که شما را از جانب ما راهی نیست زیرا که این بنده هر شب و روز بر ما می ایستاد و سوره

ملک را میخواند و چون از جانب شکمش بیایند شکمش بایشان خطاب نماید که شما را از جانب من راه
نیست بدرستی که این بنده در من جا داده بود سوره ملک را و چون از جانب زبانش بیایند بان
گوید که شما را از جانب من راهی نیست زیرا که این بنده هر شب و روز سوره ملک را تلاوت
مینمود و بر من جاری میساخت **سورة ن والقلم** از حضرت صادق ع منقولست که هرکه سوره
ن والقلم را در فریضه یا نافله بخواند خدا او را ایمن گرداند از فقر و چون بمیرد او را از فشار قبر نجات
دهند **سوره الحاقه** از حضرت صادق ع منقول است که بسیار بخوانید سوره حاقه را
بدرستی که خواندن آن در فرایض و نوافل از ایمان خدا و رسول است زیرا که این سوره در واقعه
حضرت امیرالمؤمنین ع و معاویه علیه اللعنة نازل شده است و هرکه این سوره را بخواند ایمان
از او سلب نشود تا هنگام مردن **سورة المعارج** از حضرت صادق ع منقول است
که بسیار بخوانید سوره سأل سائل را که هرکه این سوره را بسیار بخواند حق تعالی در قیامت
از هیچ گناه او سؤال ننماید و او را در بهشت با رسول خدا ساکن گرداند **سورة نوح ع**
از حضرت صادق ع منقول است که هرکه ایمان بخدا و بخواندن قرآن دارد باید که سوره نوح را
ترک ننماید بدرستی که هر بنده که این سوره را از برای خدا در نماز واجبی یا سنتی بخواند خدا او را
در مساکن نیکوکاران ساکن گرداند و سه بهشت او را کرامت فرماید و دویست حوریه چهار هزار
زن باو تزویج فرماید **سورة الجن** از حضرت صادق ع منقول است که هرکه سوره جن را بسیار
بخواند در دنیا از چشم جنیان و دمیدنها و سحر و مکر ایشان محفوظ باشد و در بهشت از رفقای
حضرت رسول ص باشد **سورة المزمل** از صادق ع منقول است که هرکه سوره مزمل را در نماز
عشا یا در نماز شب بخواند سوره مذکور شاهد و گواه او باشد در قیامت و خدا او را با زندگانی
نیکو زنده دارد و بمردن نیکو بمیراند **سورة المدثر** از حضرت امام محمد باقر ع منقول است
که هرکه در نماز واجب سوره مدثر را بخواند بر خدا لازم است که او را در جوار حضرت رسول ص
جا دهد و در زندگانی دنیا هرگز شقاوت او را در نیابد **سورة القیمه** از حضرت صادق ع منقول است

که هرکه مداومت نماید بر خواندن لا اقسم و بآن عمل نماید خدا او را با رسول خدا محشور گرداند در بهترین صورتها
و آنحضرت او را بشارت فرماید و بر وی بخندد تا از صراط و میزان او را بگذراند **سورة الدهر**
از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هرکه سوره هل اتی علی الانسان را در هر صبح پنجشنبه
بخواند خدا با او هشتصد دختر باکره و چهار هزار زن حور العین کرامت فرماید و با حضرت رسول ص باشد و بسند
معتبر از علی بن عمر منقولست که بخدمت حضرت امام علی نقی ع رفتم در روز سه شنبه حضرت فرمود که دیروز
ترا ندیدیم گفتم نخواستم که در روز دوشنبه حرکت کنم حضرت فرمود که هرکه خواهد که خدا او را از
شر روز دوشنبه نگاه دارد باید که در رکعت اول نماز صبح سوره هل اتی علی الانسان بخواند پس
حق تعالی میفرماید که پس خدا ایشان را نگاه داشت از شر آن روز و باستقبال ایشان فرستاد نضرت
و خوشحالی و سرور و شادی را و در حدیث رجاء بن ضحاک وارد شده است که حضرت امام
رضا ع در صبح روز دوشنبه و پنجشنبه در رکعت اول سوره هل اتی میخواندند و در رکعت
دویم سوره هل اتیک حدیث الغاشیه **سورة المرسلات وسورة النبأ و**
سورة النازعات از حضرت صادق ع منقولست که هرکه سوره والمرسلات را بخواند
حق تعالی میان او و حضرت رسول ص آشنائی بیندازد و هرکه هر روز سوره عم یتساءلون را بخواند
از دنیا نرود تا توفیق زیارت کعبه بیابد و هرکه سوره نازعات را بخواند نمیرد مگر سیراب و داخل بهشت
نشود مگر سیراب **سورة عبس وسورة کورت** از حضرت صادق ع منقولست که هرکه سوره
عبس و تولی و سوره اذا الشمس کورت را بخواند در حفظ الهی باشد تا زنده باشد **سورة الانفطار**
وسورة التطفیف وسورة الانشقاق از حضرت صادق ع منقول است که هرکه
سوره اذا السماء انفطرت و سوره اذا السماء انشقت را در فریضه و نافله بسیار بخواند خدا
هیچ حاجت او را رد ننماید و او را هیچ مانعی از خدا دور نگرداند و در آخرت پیوسته او نظر
بکرامتهای الهی نماید و خدا نظر رحمت باو بدارد تا از حساب خلایق فارغ شود و بسند دیگر از آنحضرت
منقول است که هرکه در نماز واجب سوره ویل للمطففین بسیار بخواند حق تعالی در قیامت برات

ایمنی از آتش جهنم باو کرامت فرماید و او را بحساب بهشت برد سورة البروج از حضرت صادق
منقولست که هرکه سورهٔ والسماء ذات البروج را در فرایض بخواند چون سوره پیغمبران است حق تعالی
او را در قیامت با پیغمبران و صالحان محشور گرداند و با ایشان او را باز دارد سورة الطارق
از حضرت صادق منقولست که هرکه سورهٔ والسماء والطارق را در فرایض بخواند او را در قیامت
نزد خدا قدر و منزلت عظیم بوده باشد و از رفقای پیغمبران باشد سورة الاعلی از حضرت
صادق منقولست که هرکه سورهٔ سبح اسم ربک الاعلی را در فریضه یا نافله بخواند در روز قیامت
باو میگویند که از هر دری از درهای بهشت که میخواهی داخل شو سورة الغاشیه از حضرت
صادق منقولست که هرکه مداومت نماید بر خواندن سورهٔ هل اتیک حدیث الغاشیة در نمازها
با سنت بخواند خدا او را فرو گیرد برحمت خود در دنیا و آخرت و در روز قیامت برات ایمنی
از عذاب جهنم سورة الفجر از حضرت صادق منقولست که بخوانید سورهٔ فجر را در نمازهای فریضه
و نافله که آن سورهٔ حضرت امام حسین است و هرکه این سوره را بخواند در بهشت در درجات آنحضرت
باشد سورة البلد از حضرت صادق منقولست که هرکه سورهٔ لا اقسم بهذا البلد را
در نماز واجب بخواند در دنیا از جملهٔ صالحان معروف شود و در آخرت معروف گردد که او را
منزلت عظیم نزد حق تعالی هست و در قیامت از رفقای پیغمبران و شهیدان و صالحان باشد سورة
والشمس و سورة واللیل و سورة والضحی و سورة الم نشرح از حضرت صادق
منقولست که هرکه بسیار بخواند در روزی یا در شبی سورهٔ والشمس وضحیها و سورهٔ واللیل
اذا یغشی و سورهٔ والضحی و الم نشرح را هر چیز که در نزد او حاضر باشد در قیامت برای او شهادت
بدهد حتی مو و پوست و گوشت و خون و عروق و عصبها و استخوانها و جمیع اعضای او و حق تعالی
بفرماید که من شهادت شما را قبول کردم از برای بندهٔ خود ای ملائکه ببرید او را ببهشت و هرجا را که
او اختیار نماید بعطا کنید که او را با فضل و رحمت من از برای بندهٔ من سورة والتین
از حضرت صادق منقولست که هرکه سورهٔ والتین را در فرایض و نوافل بخواند عطا فرماید در بهشت

با و هر جا که بپسندد سورة العلق از حضرت صادق مرویست که هرکه در روز یا در شب
سورهٔ اقرا باسم را بخواند و در آن روز یا در آن شب بمیرد چنان باشد که شهید مرده باشد و خدا او را
با شهیدان محشور گرداند و چنان باشد که در راه خدا در میان لشکر رسول خدا جهاد کرده باشد
سورة القدر بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هرکه سورهٔ انا انزلناه فی
لیلة القدر را بلند بخواند چنان باشد که شمشیر کشیده باشد و در راه خدا جهاد کند و کسی که آهسته
بخواند چنان باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود دست و پا زند و هرکه ده بار بخواند
هزار گناه از گناهان او را محو فرماید و بروایت دیگر از آنحضرت منقولست که هرکه سورهٔ انا
انزلناه بخواند منادی از جانب حق تعالی او را ندا کند که خدا گناهان گذشته تو را آمرزید
عمل را از سر گیر و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هرکه پیش از طلوع
آفتاب قل هو الله احد و انا انزلناه را بخواند در آن روز بگناهی مبتلا نشود هر چند سعی
نماید شیطان و بسند معتبر از حضرت امام موسی کاظم منقولست که بدرستی که حق تعالی را
در روز جمعه هزار نفحه و نسیم از رحمت خود هست هر بنده را آنچه خواهد از آن عطا فرماید
پس هرکه سورهٔ انا انزلناه را بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه بخواند حق تعالی از آن نفحه رحمت
و مثل او را باو عطا فرماید و از حضرت صادق منقولست که چون ماه مبارک رمضان در آید
در هر شب هزار مرتبه سورهٔ انا انزلناه را بخواند و چون شب بیست و سیوم شود دل خود را
محکم بدار و گوش خود را بگشا از برای شنیدن عجایب از آنچه خواهی دید و بسندهای
معتبر از آنحضرت منقولست که کسی که در شب بیست و سیوم رمضان سورهٔ انا انزلناه را
بخواند چون صبح کند یقین او شدید و محکم شده باشد باعتراف نمودن بچیزی چند که مخصوص
است از غرایب فضایل ما و نیست این مگر بسبب چیزی که در خواب مشاهده نماید و بسند معتبر
از حضرت صادق منقولست که هرکه جامهٔ نوی برد و سورهٔ انا انزلناه را سی و شش مرتبه
بخواند و در هر مرتبه که برسد بتنزل الملائکه اندکی آب بردارد و بر جامه بپاشد

سعی پس دو رکعت نماز در آن جامه بکند و دعا کند که الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النَّاسِ
وَاُوَارِی بِهِ عَوْرَتِی وَاُصَلِّی فِیهِ لِرَبِّی و حمد الهی بکند پیوسته در فراخی نعمت باشد
تا آن جامه کهنه شود و بسند معتبر منقولست که چون حضرت امام رضا ع جامه نوی میپوشیدند قدحی
از آب میطلبیدند و ده مرتبه سوره انا انزلناه و ده مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه سوره قل یا
ایها الکافرون بر آن ظرف میخواندند بعد از آن آب را بر جامه میپاشیدند و میفرمودند که هر که پیش از
پوشیدن جامه چنین کند پیوسته در فراخی عیش باشد مادام که تاری از آن جامه باقی باشد و بسند معتبر
از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که چون حق تعالی جامه نو بکسی عطا فرماید باید که وضو بسازد و دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره حمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و سوره انا انزلناه را بخواند بعد از آن
حمد کند خدا را که عورت او را بجامه پوشیده است و او را در میان مردم زینت بخشیده و کلمه لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ بسیار بخواند و کسی که چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و بعدد هر تاری
که در آن جامه باشد خدا ملکی موکل کند که از برای او استغفار نماید و برای او دعا و ترحم کند و در روایت دیگر
وارد شده است که هر که قدحی برگیرد و آبی در آن قدح بریزد و سی و پنج مرتبه سوره انا انزلناه
بر آن قدح بخواند و آب را بر جامه خود بپاشد پیوسته در وسعت باشد تا آن جامه کهنه شود و بسند
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که از برای عوذه از بلاها سبوی تازه میگیری و از آب پر میکنی و سی
مرتبه سوره انا انزلناه را بر آن سبو میخوانی پس آن سبو را می آویزی و از آن آب میخوری و
وضو میسازی و پیش از آنکه آبش تمام شود دیگر آب بر رویش بریزی و بسند معتبر منقولست
که شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض نمود که هشت دختر مرا بهم رسیده و روی پسر اصلا ندیده ام
دعا فرما که خدا مرا پسری کرامت فرماید حضرت فرمود که چون می نشینید که مشغول جماع شوید دست
راست خود بر طرف راست ناف زن بگذار و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و بعد از آن
مشغول شو و چون حمل ظاهر شود در نیم شب که از پهلو بپهلوی دیگر گردی باز دست بجانب راست ناف بگذار
و هفت مرتبه نیز آن سوره را بخوان آن شخص گفت که چنین کردم هفت پسر از پی یکدیگر خدا مرا روزی کرد

وبسند معتبر

و بسند معتبر دیگر منقولست که ابی عمره گفت که بسیار حالم پریشان شد از فقر و احتیاج بخدمت حضرت
امام محمد تقی ع نوشتم حال خود را حضرت فرمود که مداومت کن بر قرائت سوره انا ارسلنا نوحا
من یکسال خواندم اثری ندیدم بار دیگر بخدمت حضرت نوشتم حال خود را و عرض کردم که از خواندن
آن سوره نفعی بمن نرسید حضرت بمن نوشتند که آن را که یکسال خواندی کافیست الحال سوره انا انزلناه
بخوان من چنین کردم بعد از اندک وقتی ابن ابی داود قرضم را ادا کرد و وظیفه من و عیالم را مقرر
کرد و مرا وکیل کرد و ببصره فرستاد و پانصد درهم برای من مقرری قرار داد من از بصره نامه نوشتم
بخدمت حضرت امام علی نقی ع و بعلی بن مهزیار دادم و فرستادم و در آن نامه نوشتم که به پدرت
حال خود را عرض کردم و بمن چنین نوشتند و عمل کردم و حالم خوب شده است میخواهم که بفرمائی که آیا
اکتفا کنم در خواندن سوره انا انزلناه بخواندن در نمازهای واجب و سنت یا در غیر نماز هم میباید خواند
و اندازه اش را بفرمائید که چه مقدار میباید خواند حضرت نوشتند که هیچ سوره از قرآن ترک
مکن نه کوچک و نه بزرگ و از خواندن انا انزلناه در شبانروزی صد مرتبه کافیست و بسند معتبر
از حضرت امام موسی ع منقولست که هر که بعد از نماز عصر ده مرتبه انا انزلناه را بخواند مثل اعمال جمیع
خلایق از ثوابها و کرامت فرماید و بسند معتبر منقولست که حضرت امام محمد تقی ع چون در ماه تازه
داخل میشدند در روز اول ماه دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد
و در رکعت دویم بعد از حمد سی مرتبه انا انزلناه میخواندند و بعد از نماز با آنچه میسر بود تصدق مینمودند
و سلامتی آن ماه را باین عمل میخریدند و بسند معتبر منقولست که ابو علی بن راشد بخدمت امام علی نقی ع
عرض نمود که شما بمحمد بن الفرج نوشته بودید که بهترین سورها که در نماز واجب خوانند انا انزلناه
و قل هو الله احد است و بر من دشوار است که این دو سوره را در نماز صبح بخوانیم حضرت فرمود که بر تو
گران نباشد والله که فضیلت در این دو سوره است و بسند معتبر منقولست که حمیری بخدمت حضرت
صاحب الامر ع نوشت که از آبای شما بما رسیده است حدیثی که عجب دارم از کسی که انا انزلناه در نمازها
نمیخواند چگونه نمازش مقبول میشود و در روایتی دیگر رسیده است که نمازی که در آن قل هو الله احد نخوانند مزکا

ومقبول نمیشود و روایت رسیده است که هرکه در نمازهای واجبش سورهٔ همزه را بخواند خیر دنیا باو میدهند
پس آیا جایز است که همزه را بخواند و آن دو سوره را ترک نماید حضرت در جواب نوشتند که ثواب
این سورها که بشمار رسیده است حق است و اگر سوره را که ثوابی در آن سوره میباید بثواب آن سوره
که ترک کرده باید و اگر غیر این دو سوره را بخوانید هم جایز است و نماز شما تمام و کامل است ولیکن ترک افضل
کرده خواهید بود **سورة البینه** از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هرکه سورهٔ لم یکن را
بخواند از شرک بیزار گردد و در دین پیغمبر ص برای او کامل گردد و در قیامت داخل مؤمنان کامل مبعوث شود و
خدا او را حساب نماید حساب آسان **سورة الزلزال** بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است
که ملال بهم مرسانید از خواندن سورهٔ اذا زلزلت الارض زلزالها بدرستی که هرکه در نمازهای
نافله این سوره را بسیار بخواند هرگز خدا او را بزلزله و صاعقه و آفتهای عظیم دنیا مبتلا نگرداند
و او را باین آفتها نمیراند و در وقت جان کندن ملک بزرگواری از جانب پروردگارش نزد
او بیاید و بر بالای سرش بنشیند و بملک موت از جانب حق تعالی بگوید که برفق و مدارا
سرکن با دوست خدا که خدا را بخواندن سورهٔ اذا زلزله یاد میکرد و آن سوره نیز این سفارش
بملک موت کند پس ملک موت گوید که حق تعالی مرا چنین امر فرموده است که سخن او را بشنوم
و اطاعت او بکنم و تا امر نکند مرا قبض روحش ننمایم پس ملک موت نزد او باشد تا پرده از پیش
دیدهٔ آن مؤمن برگیرند و جای خود را در بهشت به بیند و بعد از دیدن او را امر نماید که قبض
روح او بکنند و هفتاد هزار ملک روح او را مشایعت کنند و بزودی به بهشت رسانند
و بسند صحیح از حضرت امام رضا ع منقول است که حضرت رسول ص فرمود که هرکه چهار مرتبه
اذا زلزله را بخواند چنانست که تمام قرآن را خوانده است **سورة العادیات** از حضرت
علیه السلم منقول است که هرکه مداومت نماید بر خواندن سورهٔ والعادیات با حضرت امیر
المؤمنین ع محشور شود و در بهشت از رفقای آنحضرت باشد **سورة القارعه**
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هرکه سورهٔ قارعه را بسیار تلاوت نماید خدا او

۸

از فتنه

از فتنهٔ دجال در دنیا و از حرارت جهنم در آخرت امان بخشد **سورة التکاثر** از حضرت
صادق ع منقول است که هرکه سوره الهیکم التکاثر را در نماز واجب بخواند حق تعالی ثواب
شهید برای او بنویسد و هرکه در نماز نافله بخواند خدا ثواب پنجاه شهید برای او بنویسد
و در نماز واجبش چهل صف از ملائکه با او نماز کنند و بسند معتبر از آنحضرت مرویست
که حضرت رسول ص فرمود که هرکه سورهٔ التکاثر را در وقت خواب بخواند خدا او را از عذاب
قبر نگاهدارد **سورة العصر** از حضرت رسول ص منقول است که هرکه سورهٔ والعصر را
در نمازهای نافله بخواند خدا او را در روز قیامت با روی نورانی و دندان خندان و چشم روشن
و خوشحال مبعوث گرداند تا او را داخل بهشت گرداند **سورة الهمزه** از حضرت
صادق ع منقول است که هرکه سوره همزه را در نمازهای فریضه بخواند خدا فقر را از او
دور گرداند و روزی او فراخ گرداند و او را بمرگ بد نمیراند **سورة الفیل** از حضرت
صادق ع منقول است که هرکه در نماز واجب سوره الم تر کیف را بخواند برای او شهادت
دهد در قیامت هر دشت و کوه و کلوخی که او از جملهٔ نمازگذارندگان بوده است و حق تعالی
ندا فرماید که راست گفتند شهادت شما را قبول کردم ای ملائکه او را بی حساب داخل بهشت
کنید که من او را دوست میدارم و ایضاً از آنحضرت مرویست که هرکه لایلاف قریش را بسیار
تلاوت نماید چون مبعوث شود بر اسبی از اسبان بهشت سوار شود تا بر سر مائدهٔ نور بنشیند
بدانکه مشهور میان علما آنست که یکی از این دو سوره را به تنهائی در نماز واجب نمیتوان
خواند بلکه اگر خوانند باهم میباید خواند و همچنین است حکم والضحی و الم نشرح **سوره والماعون**
از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هرکه این سوره را در نمازهای فریضه و نافله بخواند
از جماعتی باشد که خدا نماز و روزهٔ ایشان را قبول فرموده است و او را در قیامت باعمال دنیا
حساب نکنند **سورة الکوثر** از حضرت جعفر بن محمد ع منقول است که هرکه سورهٔ انا
اعطیناک الکوثر را در نمازهای فریضه و نافله بسیار بخواند خدا در قیامت او را از حوض کوثر

٤٧١

آب دهد و او را در زیر درخت طوبی در جوار حضرت رسول ص جا دهد **سورة الجحد** از حضرت
صادق ع منقول است که هر که سورهٔ قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد را در نماز فریضه
بخواند خدا او را و پدرش و مادرش را بیامرزد و اگر شقی باشد نام او را در دیوان
اشقیا محو نمایند و در دیوان سعدا بنویسند و او را در زندگانی دنیا سعادتمند گرداند
و او را شهید بمیرانند و شهید مبعوث گردانند و بسند صحیح از حضرت صادق ع مرویست
که پدرم میفرمود که قل هو الله احد ثلث قرآنست و قل یا ایها الکافرون ربع قرآنست
و بسند معتبر از آنحضرت منقول است که هر که وقتی که برخت خواب رود قل یا ایها الکافرون
و قل هو الله احد بخواند حق تعالی بیزاری از شرک از برای او بنویسد و بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین ع منقول است که حضرت رسول ص در سفری نماز کردند و ما بآنحضرت اقتدا کردیم
و در رکعت اول قل یا ایها الکافرون خواندند و در رکعت دویم قل هو الله احد و چون
فارغ شدند فرمودند که از برای شما ثلث و ربع قرآن خواندیم و بسند صحیح از حضرت
صادق ع منقول است که ترک مکن خواندن قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون را در
هفت نماز در نافله صبح و دو رکعت اول نافله شب و نماز احرام و نماز صبح اگر هوا بسیار روشن
شده باشد و سورهٔ طولانی نتوانی خواند و نماز طواف و در روایت دیگر وارد شده است
که در این نمازها همه در رکعت اول قل هو الله احد میخواند مگر در نافلهٔ صبح که در رکعت اول قل
یا ایها الکافرون میخواند **سورة النصر** از حضرت صادق ع منقول است که هر که سورهٔ اذا
جاء نصر الله و الفتح را در نماز فریضه یا نافله بخواند خدا او را بر جمیع دشمنان نصرت دهد و چون
از قبر بیرون آید با او نامه باشد گویا و در آن نامه امان از صراط و از آتش جهنم و صدای جهنم
باشد و بر هر چیز که بگذرد او را بشارت بنیکی دهند تا داخل بهشت شود و از برای او در دنیا
از اسباب خیر آنقدر حق تعالی بگشاید که بخاطرش خطور نکرده باشد و آرزوی او نداشته باشد
سورة تبت از حضرت صادق ع منقول است که چون سورهٔ تبت را بخوانید لعن و نفرین کنید

در رکعت اول نافلهٔ صبح و رکعت اول نافلهٔ شام

برابولهب

برابولهب که او از جملهٔ تکذیب کنندگان بود و تکذیب پیغمبر و آنچه آورده میفرمود **سورة
التوحید** بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که هر که سورهٔ قل هو الله احد را یکمرتبه بخواند
حق تعالی براو برکت فرستد و هر که دو مرتبه بخواند حق تعالی براو و بر اهلش برکت فرستد و هر که
سه مرتبه بخواند حق تعالی براو و بر اهلش و بر همسایگان او برکت دهد و هر که دوازده مرتبه بخواند
خدای تعالی در بهشت دوازده قصر از برای او بنا کند و کاتبان اعمال بیکدیگر گویند که بیائید برویم
و بقصرهای برادر خود نظر کنیم و هر که صد مرتبه بخواند خداوند عالمیان گناهان پنجاه ساله
او را بیامرزد بغیر خون ناحق و مال مردم خوردن و کسی که چهارصد مرتبه بخواند خدا او را اجر چهار
صد شهید کرامت فرماید از شهیدان که اسپان شان را پی کرده باشند و خونشان را ریخته باشند
و کسی که هزار مرتبه در یکشبانروز بخواند نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند یا دیگری برای
او ببیند و بسند معتبر از آنحضرت منقول است که چون رسالت پناه ص بر سعد بن معاذ نماز کردند
فرمودند که هفتاد هزار ملک براو نماز کردند که جبرئیل در میان ایشان بود از جبرئیل پرسیدم
که بچه عمل مستحق این شده بود که شما براو نماز کردید گفت بسبب آنکه قل هو الله احد میخواند ایستاده
و نشسته و سواره و پیاده در رفتن و برگشتن و بسند معتبر دیگر از حضرت رسول ص منقولست
که هر که صد مرتبه قل هو الله احد بخواند در وقت خواب خدا گناه پنجاه ساله او را بیامرزد و بسند
معتبر از حضرت صادق ع منقول است که فرمود خود را حفظ نمائید از شر مردم بخواندن سورهٔ قل
هو الله احد رو بجانب راست خود کن و بخوان و بجانب چپ رو کن و بخوان و بجانب روبروی خود رو کن
و بخوان و رو به پشت سر کن و بخوان و بجانب بالای سر نظر کن و بخوان و بجانب پایین نظر کن
و بخوان و اگر خواهی که نزد حاکم جابری بروی چون نظرت براو افتد سه مرتبه بخوان و هر مرتبه که
بخوانی یک انگشت را عقد کن از دست چپ و انگشتها را چنین نگاهدار تا از نزد او بیرون
روی و از حضرت صادق ع منقول است که هر که یکروز براو بگذرد و پنج نماز بکند و در آن پنج نماز قل
هو الله احد بخواند باو خطاب کنند که ای بندهٔ خدا تو از نماز کنندگان نیستی و بسند دیگر

منقول است از آنحضرت که هر که یکهفته بر او بگذرد و قل هو الله در آن هفته نخواند و بمیرد در دین ابی
لهب مرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر کرا مرضی پیش آید یا شدتی رو دهد و قل هو الله
احد را برای رفع او نخواند از اهل آتش است و در حدیث دیگر فرمود که هر که ایمان بخدا و روز
قیامت داشته باشد باید که بعد از نماز واجب خواندن قل هو الله را ترک ننماید بدرستی که
هر که بعد از نماز فریضه قل هو الله الصمد را بخواند خدا برای او خیر دنیا دهد و خیر آخرت نیز کرامت
فرماید و گناه او و پدر و مادر و فرزندان او را بیامرزد و بسند صحیح از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است
که هر که سوره قل هو الله الصمد را بعد از نماز صبح یازده مرتبه بخواند در آن روز گناهی بر او لازم نشود هر چند
شیطان بینی بر خاک مالیده باشد و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که کسی که بر
خواب رود و یازده مرتبه قل هو الله الصمد را بخواند خدا خانه او را حفظ نماید و بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین ع منقول است که هر که در وقت خواب قل هو الله الصمد را بخواند حق تعالی پنجاه هزار ملک
موکل او گرداند که حراست او نمایند در آن شب و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که حضرت
رسول صلعم فرمود که هر که در وقت خواب سوره قل هو الله الصمد را بخواند گناه پنجاه ساله او آمرزیده شود
و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که هر که یکمرتبه قل هو الله الصمد را بخواند چنان باشد
که ثلث قرآن و ثلث توریة و ثلث انجیل و ثلث زبور را خوانده باشد و از آنحضرت منقول است
که حق تعالی بعوض فدک بحضرت فاطمه اطاعت تب را کرامت فرمود که تب مطیع آنحضرت باشد
پس هر که حضرت فاطمه و فرزندان او را دوست دارد و تبی بهم رسد و هزار مرتبه قل هو الله الصمد را
بخواند و بحق فاطمه سؤال نماید زوال تب را بامر آلهی زایل میگردد و از حضرت امام رضا ع منقول است
که حضرت رسول صلعم فرمود که هر که را صداعی یا غیر آن عارض شود دستهای خود را بگشاید و
فاتحه و قل هو الله الصمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و دست بر روی خود
بکشد آن آزار بر طرف شود المعوذتین بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که سبب
نزول معوذتین آن بود که حضرت رسول صلعم تب بهم رسانید جبرئیل ع این دو سوره را آورد

و تعویذ آنحضرت گردانید و بسند معتبر از صابر منقول است که حضرت صادق ع امامت کرد
در نماز شام و معوذتین خواندند و بعد از آنکه فارغ شدند فرمودند که این دو سوره نصف قرآنست
و از حضرت امام رضا ع منقول است بسند معتبر که هر که در حد صبا و طفولیت تعهد نماید در هر
شبی خواندن سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را هر یک سه مرتبه و قل
هو الله الصمد را صد مرتبه و اگر نتواند پنجاه مرتبه حق تعالی از او دور گرداند دیوانگی و مرضهایی را
که عارض اطفال میشود و استسقا و فساد معده و غلبه خون را تا سن پیری مادام که تعهد
و مداومت بر این نماید و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که در سه رکعت وتر
معوذتین و قل هو الله احد بخواند خطاب کنند که ای بنده خدا بشارت باد ترا که خدا وتر
ترا قبول کرد و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که هر که بعد از نماز جمعه سوره حمد را یکمرتبه
و هر یک از معوذتین و قل هو الله احد را هفت مرتبه و آیة الکرسی و آیه سخره و آخر سوره برائت لَقَدْ
جَاءَكُمْ رَسُولٌ تا آخر سوره هر یک یکمرتبه بخواند کفاره گناهان او باشد از جمعه تا جمعه و از معمر بن خلاد
منقول است که در خدمت حضرت امام رضا ع بودم در راه خراسان و وکیل خرج آنحضرت بودم مرا
امر فرمود که غالیه راست کن چون راست کردم و در شیشه کردم حضرت را بسیار خوش آمد پس فرمود
که ای معمر چشم حقست از برای رفع تاثیر چشم در کاغذ سوره حمد و قل هو الله و معوذتین را بنویس در
غلاف شیشه غالیه بگذار و از حضرت صادق ع منقول است که فرمود تاثیر چشم زدن حقست
ایمن نیستی که چشم تو یا در خود یا در دیگری تاثیر کند پس اگر از تاثیر چشم ترسی سه مرتبه بگو ما
شاء الله لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و اگر یکی از شما زینتی کند که خوش
آینده باشد چون از منزل خود بیرون رود قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند که
از چشم بد ضرر نرسد و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که کسی که در خواب ترسد در وقت
خواب معوذتین و آیة الکرسی بخواند **مطلب دویم** در بیان دعاهای منتخب است برای مطالب و از صحیفه
سجادیه و غیره اول از صحیفه کامله طریق ختم دعای یا من تحل به عقد المکاره جهت رفع شداید جمیع

مطالب مشروعه باید که روز یکشنبه پیش از طلوع صبح شروع نموده ده نوبت بخواند با طهارت
تمام و وضوی کامل روی بقبله بهر یا رب که برسد چندان بگوید که نفس تنگ شود و بعد از آن سر
بسجده نهاده طلب حاجت مشروعه خود نماید انگاه دعا را تمام کند تا ده روز باین طریق عمل نماید
اما درین مدت ده روز از لقمه شبهناک و لغو گفتن و دیدن نامحرم اجتناب نماید و قبل از شروع
بخواندن هر روز اول ده مرتبه صلوة بر محمد و آل او علیهم السلام بفرستد و چهار نوبت الله بگوید بیکنفس
بسجده رفته بیست و یکنوبت یا ذا الجلال و الاکرام نیز بیک نفس در سجده گفته انگاه عرض
مطلب نماید که بعون الله تعالی باجابت مقرون میگردد و مکان متبرک نیز شرط است و از حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام منقول است که در این ده روز اگر یکروز فوت شود یا غافل و سهوی واقع شود باید که
از سر گیرد تا سه مرتبه اگر توفیق تمام یافت بهر مطلب عظیمی که باشد البته بحصول مقرون است و اگر توفیق
اتمام نیافته باید که مرتبه دیگر مشروع نماید که مجربست وكان من دعائه عليه السلم
في المهمات يا من تحل به عقد المكاره ويا من يفثأ به حد
الشدائد ويا من يلتمس منه المخرج الى روح الفرج ذلت لقدرتك
الصعاب وتسببت بلطفك الاسباب وجرى بقدرتك القضاء
ومضت على ارادتك الاشياء فهي بمشيتك دون قولك مؤتمرة و
بارادتك دون نهيك منزجرة انت المدعو للمهمات وانت المفزع في
الملمات لا يندفع منها الا ما دفعت ولا ينكشف منها الا ما كشفت
وقد نزل بي يا رب ما قد تكادني ثقله والم بي ما قد بهظني حمله و
بقدرتك اوردته علي وبسلطانك وجهته الي فلا مصدر
لما اوردت ولا صارف لما وجهت ولا فاتح لما اغلقت ولا مغلق
لما فتحت ولا ميسر لما عسرت ولا ناصر لمن خذلت فصل
على محمد واله وافتح لي يا رب باب الفرج بطولك واكسر

عني

ووفقني
عني سلطان الهم بحولك وانلني حسن النظر فيما شكوت واذقني
حلاوة الصنع فيما سألت وهب لي من لدنك رحمة وفرجا هنيئا
واجعل لي من عندك مخرجا وحيا ولا تشغلني بالاهتمام عن
تعاهد فروضك واستعمال سنتك فقد ضقت لما نزل
بي يا رب ذرعا وامتلأت بحمل ما حدث علي هما وانت القادر
على كشف ما منيت به ودفع ما وقعت فيه فافعل بي ذلك وان
لم استوجبه منك يا ذا العرش العظيم و بسجده رفته همچنانچه ذکر شد توبت
یکمرتبه یا ذو الجلال والاکرام بیکنفس بگوید انگاه عرض مطلب نماید پس شفیع نماید
ائمه صلوات الله علیهم اجمعین را بخواندن این مناجات الهي بالمسامين الهداة
من بني هاشم بمن ارسلت جبريلا له يا ذا العلى خادم بختام
الرسالات المكنى بابي القاسم بمن صام بمن صلى بمن تصدق
بالخاتم بمن اثر بالقرص ثلثا وطوى صائم بحق البضعة
الزهراء سيدة نساء العالم وبالمسموم والمقتول ظلما
لعن الظالم وبالسجاد والباقر والصادق والكاظم و
بالمدفون في طوس وابنه العالم بحق العسكريين وبا
لمنتظر القائم الهي مسني الضر فكن لي راحم اجرني من
عذابك وجاوز عني المآثم وعاملنا بفضلك وشفعنا بدر
الاعاظم هم السادات المعصومين اطاعتهم لازم مجربست انشاء الله
دعا بگوید اللهم اني وجهت وجهي اليك واقبلت بدعائي عليك
راجيا اجابتك طامعا في مغفرتك طالبا ما وأيت به على
نفسك مستنجزا وعدك اذ تقول ادعوني استجب لكم

فصل على محمد وآل محمد واقبل الي بوجهك وارحمني واستجب دعائي
يا إلهي بحرمة الائمة الطاهرين صلوات الله عليه وعليهم اجمعين
يا الله العالمين ويا ارحم الراحمين بجهت رد ثلثه ن د هفتاد مرتبه بگويد
اللهم العن ابا بكر وعمر وعثمان ومعاوية وعايشة وحفصة
وهندا وام الحكم وكان من دعائه عليه السلام في الاعتراف
وطلب التوبة الى الله تعالى اللهم انه يحجبني عن مسألتك خلال ثلاث
وتحدوني عليها خلة واحدة يحجبني امر امرت به فابطأت عنه
ونهي نهيتني عنه فاسرعت اليه ونعمة انعمت بها علي فقصرت
في شكرها ويحدوني على مسألتك تفضلك على من اقبل بوجهه
اليك ووفد بحسن ظنه عليك اذ جميع احسانك تفضل واذ كل
نعمك ابتداء فها انا ذا يا الهي واقف بباب عزك وقوف المستسلم
الذليل وسائلك على الحياء مني سؤال البائس المعيل مقر لك باني
لم استسلم وقت احسانك الا بالاقلاع عن عصيانك ولم اخل في
الحالات كلها من امتنانك فهل ينفعني يا الهي اقراري عندك بسوء
ما اكتسبت وهل ينجيني منك اعترافي لك بقبيح ما ارتكبت ام
اوجبت لي في مقامي هذا سخطك ام لزمني في وقت دعائي مقتك
سبحانك لا ايئس منك وقد فتحت لي باب التوبة اليك بل اقول
مقال العبد الذليل الظالم لنفسه المستخف بحرمة ربه الذي
عظمت ذنوبه فجلت وادبرت ايامه فولت حتى اذا راى مدة
العمل قد انقضت وغاية العمر قد انتهت وايقن انه لا محيص
له منك ولا مهرب له عنك تلقاك بالانابة واخلص لك التوبة
ع

فقام اليك بقلب طاهر نقي ثم دعاك بصوت حائل خفي قد تطاطا لك
فانحنى ونكس راسه فانثنى قد ارعشت خشيته رجليه وغرقت
دموعه خديه يدعوك بيا ارحم الراحمين ويا ارحم من انتابه المسترحمون
ويا اعطف من اطاف به المستغفرون ويا من عفوه اكثر من
نقمته ويا من رضاه اوفر من سخطه ويا من تحمد الى خلقه بحسن
التجاوز ويا من عود عباده قبول الانابة ويا من استصلح فاسدهم
بالتوبة ويا من رضي من فعلهم باليسير ويا من كافا قليلهم بالكثير
ويا من ضمن لهم اجابة الدعاء ويا من وعدهم على نفسه
بتفضله حسن الجزاء ما انا باعصى من عصاك فغفرت له
وما انا بالوم من اعتذر اليك فقبلت منه وما انا باظلم من
تاب فعدت عليه اتوب اليك في مقامي هذا توبة نادم على | اليك
ما فرط منه مشفق مما اجتمع عليه خالص الحياء مما وقع فيه
عالم بان العفو عن الذنب العظيم لا يتعاظمك وان التجاوز
عن الاثم الجليل لا يستصعبك وان احتمال الجنايات الفاحشة
لا يتكاءدك وان احب عبادك اليك من ترك الاستكبار
عليك وجانب الاصرار ولزم الاستغفار وانا ابرء اليك من
ان استكبر واعوذ بك من ان اصر واستغفرك لما قصرت
فيه واستعين بك على ما عجزت عنه اللهم صل على محمد و
آله وهب لي ما يجب علي لك وعافني مما استوجبه منك واجرني
مما يخافه اهل الاساءة فانك مليء بالعفو مرجو للمغفرة
معروف بالتجاوز ليس لحاجتي مطلب سواك ولا لذنبي غافر

غيرك حاشاك ولا اخاف على نفسي الا اياك انك اهل التقوى و
اهل المغفرة صل على محمد وال محمد واقض حاجتي وانجح طلبتي
واغفر ذنبي وامن خوف نفسي انك على كل شيء قدير وذلك عليك
يسير امين رب العالمين وكان من دعائه عليه السلام اذا
ابتلى او راى مبتلى بفضيحة بذنب اللهم لك الحمد على سترك
بعد علمك ومعافاتك بعد خبرك فكلنا قد اقترف العائبة فلم
تشهره وارتكب الفاحشة فلم تفضحه وتستر بالمساوي فلم
تدلل عليه كم نهي لك قد اتيناه وامر قد وقفتنا عليه فتعديناه
وسيئة اكتسبناها وخطيئة ارتكبناها كنت المطلع عليها
دون الناظرين والقادر على اعلانها فوق القادرين كانت
عافيتك لنا حجابا دون ابصارهم وردما دون اسماعهم فاجعل
ما سترت من العورة واخفيت من الدخيلة واعظا لنا وزاجرا
عن سوء الخلق واقتراف الخطيئة وسعيا الى التوبة الماحية
والطريق المحمودة وقرب الوقت فيه ولا تسمنا الغفلة عنك
انا اليك راغبون ومن الذنوب تائبون وصل على خيرتك اللهم
من خلقك محمد وعترته الصفوة من بريتك الطاهرين واجعلنا
لهم سامعين ومطيعين كما امرت وكان من دعائه
عليه السلام اذا نعي اليه ميت او ذكر الموت اللهم صل على
محمد وال محمد واكفنا طول الامل وقصره عنا بصدق العمل
حتى لا نؤمل استتمام ساعة بعد ساعة ولا استيفاء
يوم بعد يوم ولا اتصال نفس بنفس ولا لحوق قدم بقدم وسلمنا

من

من غروره وامنا من شروره وانصب الموت بين ايدينا نصبا
ولا تجعل ذكرنا له غبا واجعل لنا من صالح الاعمال عملا
نستبطئ معه المصير اليك ونحرص له على وشك اللحاق بك
حتى يكون الموت مانسنا الذي نانس به ومالفنا الذي نشتاق اليه
وحامتنا التي نحب الدنو منها فاذا اوردته علينا وانزلته بنا فاسعدنا
به زائرا وانسنا به قادما ولا تشقنا بضيافته ولا تخزنا بزيارته
واجعله بابا من ابواب مغفرتك ومفتاحا من مفاتيح رحمتك امتنا
مهتدين غير ضالين طائعين غير مستكرهين تائبين غير عاصين
ولا مصرين يا ضامن جزاء المحسنين ومستصلح عمل المفسدين
وكان من دعائه عليه السلام في طلب الحوائج اللهم يا منتهى مطلب
الحاجات ويا من عنده نيل الطلبات ويا من لا يبيع نعمه بالاثمان
ويا من لا يكدر عطاياه بالامتنان ويا من يستغنى عنه ويا من
يرغب اليه ولا يرغب عنه ويا من لا تفنى خزائنه المسائل ويا
من لا تنقطع عنه حوائج المحتاجين ويا من لا يعنيه دعاء الداعين
تمدحت بالغناء عن خلقك وانت اهل الغنى عنهم ونسبتهم
الى الفقر وهم اهل الفقر اليك فمن حاول سد خلته من عندك
ورام صرف الفقر عن نفسه بك فقد طلب حاجته في مظانها
واتى طلبته من وجهها ومن توجه بحاجته الى احد من خلقك
او جعله سبب نجحها دونك فقد تعرض للحرمان واستحق من
عندك فوت الاحسان اللهم ولي اليك حاجة قد قصر عنها جهدي
وتقطعت دونها حيلي وسولت لي نفسي رفعها الى من يرفع

به ولا يستـ
ويا من لا ... حكمته الو...
وسؤال السا...
ويا من لا يعجز...
قصدتُ جهدي

حوائجه اليك ولا يستغني في طلباته عنك وهي زلة من زلل الخاطئين
وعثرة من عثرات المذنبين ثم انتبهت بتذكيرك لي من غفلتي
ونهضت بتوفيقك من زلتي ونكصت بتسديدك عن عثرتي و
وقلت سبحان ربي كيف يسأل محتاج محتاجا وانى رغب
معدم الى معدم فقصدتك يا الهي بالرغبة واوفدت عليك
رجائي بالثقة بك وعلمت ان كثير ما اسألك يسير في وجدك
وان خطير ما استوهبك حقير في وسعك وان كرمك لا يضيق
عن سؤال احد وان يدك بالعطايا اعلى من كل يد اللهم فصل
على محمد واله واحملني بكرمك على التفضل ولا تحملني بعدلك على
الاستحقاق فما انا باول راغب رغب اليك فاعطيته وهو يستحق
المنع ولا باول سائل سألك فافضلت عليه وهو يستوجب
الحرمان اللهم صل على محمد واله وكن لدعائي مجيبا ومن ندائي
قريبا ولتضرعي راحما ولصوتي سامعا ولا تقطع رجائي عنك
ولا تبت سببي منك ولا توجهني في حاجتي هذه وغيرها الى
سواك وتولني بنجح طلبتي وقضاء حاجتي ونيل سؤلي قبل زوالي عن
موقفي هذا بتيسيرك لي العسير وحسن تقديرك لي في جميع
الامور وصل على محمد واله صلوة دائمة نامية لا انقطاع
لابدها ولا منتهى لامدها واجعل ذلك عونا لي وسببا
لنجاح طلبتي انك واسع كريم ومن حاجتي يا رب كذا وكذا پس ذكر
كند حاجت خود را و سجده كند و در سجده بگو فضلك آنسني واحسانك دلني
فاسئلك بك وبمحمد واله صلواتك عليهم ان لا تردني خائبا

وكان من دعائه عليه السلام اذا قتر عليه الرزق اللهم انك ابتليتنا
في ارزاقنا بسوء الظن وفي اجالنا بطول الامل حتى التمسنا ارزاقنا
من عند المرزوقين وطمعنا بامالنا في اعمار المعمرين فصل على محمد
واله وهب لنا يقينا صادقا تكفينا به من مؤونة الطلب والهمنا
ثقة خالصة تعفينا بها من شدة النصب واجعل ما صرحت
به من عدتك في وحيك واتبعته من قسمك في كتابك قاطعا
لاهتمامنا بالرزق الذي تكفلت به وحسما للاشتغال بما ضمنت
الكفاية له فقلت وقولك الحق الاصدق واقسمت وقسمك الابر
الاوفى وفي السماء رزقكم وما توعدون ثم قلت فورب السماء
والارض انه لحق مثل ما انكم تنطقون وكان من دعائه عليه السلم
في المعونة على قضاء الدين اللهم صل على محمد واله وهب
لي العافية من دين تخلق به وجهي ويحار فيه ذهني ويتشعب
له فكري ويطول بممارسته شغلي واعوذ بك يا رب من هم
الدين وفكره وشغل الدين وسهره فصل على محمد واله واعذني
منه واستجير بك يا رب من ذلته في الحيوة ومن تبعته بعد
الوفاة فصل على محمد واله واجرني منه بوسع فاضل او كفاف
واصل اللهم صل على محمد واله واحجبني عن السرف والازدياد
وقومني بالبذل والاقتصاد وعلمني حسن التقدير واقبضني بلطفك
عن التبذير واجر من اسباب الحلال ارزاقي ووجه في ابواب
البر انفاقي وازوعني من المال ما يحدث لي مخيلة او تاديا
الى بغي او ما اتعقب منه طغيانا اللهم حبب الي صحبة الفقراء

واعنّي على صحبتهم بحسن الصبر وما زويت عنّي من متاع الدنيا
الفانية فاذخره لي في خزائنك الباقية واجعل ما خوّلتني من
حطامها وعجّلت لي من متاعها بلغةً الى جوارك ووصلةً الى
قربك وذريعةً الى جنّتك انّك ذو الفضل العظيم وانت الجواد
وكان من دعائه الكريم عليه السلام في الحاج على الله تعالى
يا الله الذي لا يخفى عليه شيء في الارض ولا في السماء وكيف يخفى
عليك يا الهي ما انت خلقته وكيف لا تحصي ما انت صنعته او كيف
يغيب عنك ما انت تدبّره او كيف يستطيع ان يهرب منك
من لا حيوة له الّا برزقك او كيف ينجو منك من لا مذهب له في
غير ملكك سبحانك اخشى خلقك لك اعلمهم بك واخضعهم
لك اعملهم بطاعتك واهونهم عليك من انت ترزقه وهو يعبد
غيرك سبحانك لا ينقص سلطانك من اشرك بك وكذّب رسلك
وليس يستطيع من كره قضاءك ان يردّ امرك ولا يمتنع منك
من كذّب بقدرتك ولا يفوتك من عبد غيرك ولا يعمّر في الدنيا
من كره لقاءك سبحانك ما اعظم شانك واقهر سلطانك
واشدّ قوّتك وانفذ امرك سبحانك قضيت على جميع خلقك
بالموت من وحّدك ومن كفر بك وكلّ ذائق الموت وكلّ صائر
اليك فتباركت وتعاليت لا اله الّا انت وحدك لا شريك
لك امنت بك وصدّقت رسلك وقبلت كتابك وكفرت بكلّ
معبود غيرك وبرئت ممّن عبد سواك اللهمّ انّي اصبح
وامسي مستقلة لعملي معترفا بذنبي مقرّا بخطاياي انا باسرافي

على نفسي ذليل عملي اهلكني وهواي ارداني وشهواتي حرمتني فاسألك
يا مولاي سؤال من نفسه لاهية لطول امله وبدنه غافل
لسكون عروقه وقلبه مفتون بكثرة النعم عليه وفكره قليل
لما هو صائر اليه سؤال من قد غلب عليه الامل وفتنه الهوى
واستمكنت منه الدنيا واظلّه الاجل سؤال من استكثر ذنوبه
واعترف بخطيئته سؤال من لا ربّ له غيرك ولا وليّ له دونك
ولا منقذ له منك ولا ملجأ له منك الّا اليك الهي اسألك
بحقّك الواجب على جميع خلقك وباسمك العظيم الذي امرت
رسولك ان يسبّحك به وبجلال وجهك الكريم الذي لا يبلى
ولا يتغيّر ولا يحول ولا يفنى ان تصلّي على محمد وال محمد و
ان تغنيني عن كلّ شيء بعبادتك وان تسلّي نفسي عن الدنيا
بمخافتك وان تثيبني بالكثير من كرامتك برحمتك فاليك افرّ و
منك اخاف وبك استغيث واياك ارجو ولك ادعو واليك
الجأ وبك اثق واياك استعين وبك اومن وعليك اتوكّل و
على جودك وكرمك اتّكل وكان من دعائه عليه السلام في استكشاف
الهموم اللهمّ يا فارج الهمّ ويا كاشف الغمّ يا رحمن الدنيا
والاخرة ورحيمهما صلّ على محمد وال محمد وافرج همّي واكشف
غمّي يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفوا احد اعصمني وطهّرني واذهب ببليّتي پس بخوان آية
الكرسي ومعوذتين وقل هو الله احد وبگو اللهمّ انّي اسألك سؤال من اشتدّت
فاقته وضعفت قوّته وكثرت ذنوبه سؤال من لا يجد

لِفَاقَتِهِ مُغْنِيًا وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْاِكْرَامِ اَسْئَلُكَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَيَقِينًا تَنْفَعُ بِهِ مَنِ اسْتَيْقَنَ
بِهِ حَقَّ الْيَقِينِ فِي نَفَاذِ اَمْرِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاقْبِضْ عَلَى الصِّدْقِ نَفْسِي وَاقْطَعْ مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي وَاجْعَلْ فِيمَا
عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا اِلَى لِقَائِكَ وَهَبْ لِي صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ
اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِ كِتَابٍ قَدْ خَلَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ
خَلَا اَسْئَلُكَ خَوْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ وَعِبَادَةَ الْخَاشِعِينَ لَكَ
وَيَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَتَوَكُّلَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ
رَغْبَتِي فِي مَسْئَلَتِي مِثْلَ رَغْبَةِ اَوْلِيَائِكَ فِي مَسَائِلِهِمْ وَرَهْبَتِي
مِثْلَ رَهْبَةِ اَوْلِيَائِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا اَتْرُكُ
مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ حَاجَتِي
فَاَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي وَاَظْهِرْ فِيهَا عُذْرِي وَلَقِّنِّي فِيهَا حُجَّتِي وَعَافِ
فِيهَا جَسَدِي اَللّٰهُمَّ مَنْ اَصْبَحَ لَهُ ثِقَةٌ اَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ فَقَدْ
اَصْبَحْتُ وَاَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي فِي الْاُمُورِ كُلِّهَا فَاقْضِ لِي بِخَيْرِهَا
عَاقِبَةً وَنَجِّنِي مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ الْمُصْطَفَى وَعَلَى آلِهِ
الطَّاهِرِينَ بدانکه لعنت در آخر هر دعا رؤسای اهل ضلالت لعنت کند تا آنکه مطلب
زودی بعز اجابت قرین کردد و سایر آثار و اخبار تجربه کرده‌اند که چنانچه صلوات بر محمد
و آل او در اول و آخر هر دعا باجابت مقرون میشود همچنین تبرا از دشمنان ایشان نیز باعث
استجابت است و خلافی نیست دانچه بعضی از علما در لعن رؤسای اهل ضلالت فرموده‌اند
آنست که چهار نفر مرد و چهار نفر زن لعن کردن مستحبست خصوص در عقب هر فریضه

و صورت روایت اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ وَمُعَاوِيَةَ وَعَائِشَةَ
وَحَفْصَةَ وَهِنْدًا وَاُمَّ الْحَكَمِ و این اول مراتب است و مستند ایشان حدیثی است که جابر
از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که آنحضرت فرمودند هرگاه فارغ شوی از نماز فریضه
پس بکن از لعن کردن بنی امیه و حدیث سلم سراج بن ... است که روایت کرده‌اند که شنیدیم
از حضرت صادق که بعد از نماز آن چهار مرد و آن چهار زن که ذکر شد لعنت میکرد و اما چند
دعائی که از کتب معتبره ذکر شده بجهت حاجات دنیوی اخروی ذکر میشود اول سید ابن
طاوس بسند معتبر از جمیل بن دراج روایت کرده است که مردی بخدمت حضرت صادق
آمد و گفت ای مولای من سنم بالا رفته است و خویشان من مردند و مونسی ندارم میترسم
که مرا مرگ نیز دریابد آنحضرت فرمود که برادران مومن صالح برای انس گرفتن بهتر از
اقربا اند و اگر در این عمر خود خویشان و دوستان خود را خواهی این دعا را بعد از
هر نماز بخوان اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّ رَسُولَكَ
الصَّادِقَ الْمُصَدَّقَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ
فِي شَيْءٍ اَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ
الْمَوْتَ وَاَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ
لِاَوْلِيَائِكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَلَا تَسُؤْنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي
اَحَدٍ مِنْ اَحِبَّتِي اگر خواهی یکیک از دوستان خود را نام ببر وَلَا فِي فُلَانٍ وَلَا
فلان راوی گفت چون براین دعا مداومت کردم چندان عمر یافتم که از زندگانی ملول شدم
و این دعا بسیار معتبرست و در جمیع کتب معتبره این دعا نقل شده دعای دویم دعاء صباح و مسا
حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که این دعا را شرح در کار نیست و سندش
معتبرست و در اکثر کتب ذکر شده است دعای صباح و مسا بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ

تبلجه وسرّح قطع الليل المظلم بغياهب تلجلجه واتقن صنع
الفلك الدوّار في مقادير تبرّجه وشعشع ضياء الشمس
بنور تأججه يا من دلّ على ذاته بذاته وتنزّه عن مجانسة
مخلوقاته وجلّ عن ملائمة كيفياته يا من قرب من خواطر
الظنون وبعد عن ملاحظة العيون وعلم ما كان قبل ان يكون
يا من ارقدني في مهاد امنه وامانه وايقظني الى ما منحني
به من مننه واحسانه وكفّ اكفّ السوء عني بيده وسلطانه
وصلّ اللهم على الدليل اليك في الليل الاليل والماسك من
اسبابك بحبل الشرف الاطول والناصع الحسب في ذروة
الكاهل الاعبل والثابت القدم على زحاليفها في الزمن
الاوّل وعلى آله الاخيار المصطفين الابرار وافتح اللهم
لنا مصاريع الصباح بمفاتيح الرحمة والفلاح والبسني اللهم
من افضل خلع الهداية والصلاح واغرس اللهم لعظمتك
في شرب جناني ينابيع الخشوع واجر اللهم لهيبتك
من آماقي زفرات الدموع وادّب اللهم نزق الخرق مني بازمّة
القنوع ان لم تبتدئني الرحمة منك بحسن التوفيق فمن السالك
بي اليك في واضح الطريق وان اسلمتني اناتك لقائد الامل
والمنى فمن المقيل عثراتي من كبوات الهوى وان خذلني نصرك
عند محاربة النفس والشيطان فقد وكلني خذلانك الى
حيث النصب والحرمان الهي اتراني ما اتيتك الا من حيث
الآمال ام علقت باطراف حبالك الا حين باعدتني ذنوبي

عن دار الوصال فبئس المطية التي امتطت نفسي من هواها فواها
لها لما سوّلت لها ظنونها ومناها وتبّا لها لجرأتها على سيدها
ومولاها الهي قرعت باب رحمتك بيد رجائي وهربت اليك
لاجئا من فرط اهوائي وعلقت باطراف حبالك انامل ولائي
فاصفح اللهم عمّا اجرمته من زللي وخطائي واقلني اللهم
من صرعة ردائي فانك سيدي ومولاي ومعتمدي و
رجائي وغاية مناي في منقلبي ومثواي الهي كيف تطرد
مسكينا التجا اليك من الذنوب هاربا ام كيف تخيّب مسترشدا
قصد الى جنابك ساعيا ام كيف تردّ ظمآنا ورد الى حياضك
شاربا كلا وحياضك مترعة في ضنك المحول وبابك
مفتوح للطلب والوغول وانت غاية السؤل ونهاية
المأمول الهي هذه ازمّة نفسي عقلتها بعقال مشيتك وهذه
اعباء ذنوبي درأتها بعفوك ورحمتك وهذه اهوائي المضلّة
وكلتها الى جناب لطفك فاجعل اللهم صباحي هذا نازلا
عليّ بضياء الهدى والسلامة في الدين والدنيا ومسائي
جنّة من كيد الاعداء ووقاية من مرديات الهوى انك
قادر على ما تشاء تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك
ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك
الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار
في الليل وتخرج الحيّ من الميّت وتخرج الميّت من الحيّ و
ترزق من تشاء بغير حساب لا اله الا انت سبحانك اللهم

وبحمدك من ذا يعلم قدرتك فلا يخافك ومن يعلم ما انت
فلا يهابك الفت بقدرتك الفرق وفلقت برحمتك الفلق وانرت
بكرمك دياجي الغسق وانهرت المياه من الصم الصياخيد عذبا
واجاجا وانزلت من المعصرات ماء ثجاجا وجعلت الشمس والقمر
للبرية سراجا من غير ان تمارس فيما ابتدات به لغوبا ولا علاجا
فيا من توحد بالعز والبقاء وقهر عباده بالموت والفناء صل
على محمد واله الاتقياء واستمع ندائي واستجب دعائي و
حقق بفضلك املي ورجائي يا خير من دعي لكشف الضر والمامول
لكل عسر ويسر بك انزلت حاجتي فلا تردني من سني مواهبك خائبا
يا كريم يا كريم برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه
محمد واله اجمعين شرح دعای احتجاب منسوب بحضرت امیر المؤمنین ع
واعظم احراز است وبجهت جمیع مطالب دنیوی واخروی سریع الاثر است وچون از کسی بترسی
واستشعه‌ئی این حرز را ورد کند از شر او ایمن کردد وبغایت مؤثر است دعا این است
بسم الله الرحمن الرحيم احتجبت بنور وجه الله القديم الكامل
وتحصنت بحصن الله القوي الشامل ورميت من بغى علي بسهم الله
وسيفه القاتل اللهم يا غالبا على امره ويا قائما فوق خلقه ويا
حائلا بين المرء وقلبه حل بيني وبين الشيطان ونزغه وبين ما لا
طاقة لي به من احد من عبادك كف عني السنتهم واغلل ايديهم و
ارجلهم واجعل بيني وبينهم سدا من نور عظمتك وحجابا من
قوتك وجندا من سلطانك فانك حي قادر اللهم اغش عني ابصار
الناظرين حتى ارد الموارد واغش عني ابصار النور وابصار

الظلمة وابصار المريدين بي السوء حتى لا ابالي عن ابصارهم
يكاد سنا برقه يذهب بالابصار يقلب الله الليل والنهار
ان في ذلك لعبرة لاولي الابصار بسم الله الرحمن الرحيم وهو حسبي
كهيعص بسم الله الرحمن الرحيم حم عسق كماء انزلناه من السماء
فاختلط به نبات الارض فاصبح هشيما تذروه الرياح هو الله
الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم يوم
الازفة اذ القلوب لدى الحناجر كاظمين ما للظالمين من حميم
ولا شفيع يطاع علمت نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار
الكنس والليل اذا عسعس والصبح اذا تنفس ص والقرآن ذي
الذكر بل الذين كفروا في عزة وشقاق شاهت الوجوه و
كلت الالسن وعميت الابصار وعنت الوجوه للحي القيوم و
قد خاب من حمل ظلما اللهم اجعل خيرهم بين عينيهم وشرهم
تحت قدميهم وخاتم سليمان بين اكتافهم فسيكفيكهم الله
وهو السميع العليم صبغة الله بسم الله الرحمن الرحيم كهيعص
اكفنا حم عسق احمنا وارحمنا هو الله القادر القاهر
الكافي وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا
فاغشيناهم فهم لا يبصرون اولئك الذين طبع الله على
قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئك هم الغافلون انه
من سليمن وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا علي و
واتوني مسلمين ان وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى
الصالحين فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت

وهو رب العرش العظيم وصلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين
اختتام دعاى احتجاب تحصنت بذى الملك والملكوت واعتصمت
بذى العزة والجبروت وتوكلت على الحى الذى لا يموت ودخلت
فى حفظ الله وفى حرز الله وفى امان الله من شر البرية اجمعين
ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم ادعية الاسبوع
لمولانا امير المؤمنين ع دعاء يوم الاحد بسم الله الرحمن الرحيم
الله اكبر اهل الكبرياء والعظمة ومنتهى الجبروت والعزة
وولى الغيث والرحمة ومالك الدنيا والآخرة رب الارباب
مسبب الاسباب وجبار الجبابرة مبدئ الخفيات ومعلن
السرائر عظيم الملكوت شديد الجبروت لطيف لما يشاء
الله اكبر اول كل شىء وآخره لا اله الا هو خشعت له الاصوات
وحارت دونه الابصار لا يقضى فى الامور سواه ولا يدبر
مقاديرها غيره ولا يتم شيئا دونه القادر الحليم اللطيف
الجليل سبحانه جل وعلا ما اعظم شانه واشد جبروته
واحاط بكل شىء علمه واحصى كل شىء عددا وصلى الله على
سيدنا محمد وآله الطاهرين وسلم تسليما الدعاء فى يوم الاثنين
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم لا اله الا هو رب السموات
السبع ورب العرش العظيم اول كل شىء وآخره وخالق
الخلق ورازقه فاطر السموات والارض جاعل الملائكة
رسلا اولى اجنحة مثنى وثلاث ورباع وانت على كل شىء قدير
اللهم انى اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة

من كتابك ان تنظر الى نظر الرحمة من عرشك العظيم تغفر به ذنوبى
وتجعلنى من طلقائك وعتقائك يا ارحم الراحمين وصلى الله على
سيدنا محمد وآله الطاهرين وسلم تسليما الدعاء فى يوم
الثلثاء بسم الله الرحمن الرحيم سبحانك اللهم وبحمدك
وجل ثناؤك وتباركت اسماؤك وحسن بلاؤك وعظم شانك
لك الحمد قدر علمك وسعة حلمك ومنتهى عظمتك ورضى
نفسك انت اهل للحمد واحق بالحمد واولى به ليس بالحمد
دونك مقصد ولا الى غيرك منتهى لك الحمد على نعمائك
كلها ما مضى منها وما غبر وما بطن منها وما ظهر وما نسى
منها وما ذكر وما شكر منها وما كفر اللهم انى اسئلك الهدى
والتقى والعفة والغنى فيما تحب وترضى اللهم اجعل حياتنا
زيادة لنا فى كل خير ووفاتنا نجاة من كل شر يا رحيم وصلى
الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين وسلم تسليما الدعاء فى يوم
الاربعاء بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذى افتخر بعلوه
وعلا بفخره واعتز بعزته وقهر عباده واكتفى فى ملكه وانار
فى الظلمة بنوره وعلم السر والعلانية بحفظه لك الحمد و
النعماء والعزة والعظمة والكبرياء بديع السماء والارض ذو
البطش الشديد والقوة المتين انت القائم الدائم الوارث المنعم
احطت بكل شىء علما واحصيت كل شىء عددا اللهم لا تشمت بنا
عدوا ولا حاسدا ابدا انك على كل شىء قدير وصلى الله على سيدنا
محمد وآله الطاهرين وسلم تسليما دعاء يوم الخميس بسم الله الرحمن

الرحيم الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً كما ينبغي لكرم وجهه
عز جلاله الذي لا تصفه الالسن ولا الذي تهتدى لكنه عظمته القلوب
ولا تبلغ الاعمال نهاية شكره الذي خلق الخلق بعلمه وقدر
بقدرته واستعبد الارباب بعزته وساد العظماء بجوده
وعلى السادة بمجده واصطفى الكبرياء والجلال والنور والضياء
والكرم والعلو لنفسه اللهم متعني بسمعي وبصري وقوتي
في سبيلك اللهم لا تذرني في غفلة ولا تأخذني على غرة واجعل
خير ايامي يوم القاك فيه وصلى الله على سيدنا محمد وآله
الطاهرين وسلم تسليما **دعاء يوم الجمعة** بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي اصطنع عندنا ان نعبده ونحمده ونشكره
حمداً دائماً كما هو اهله اللهم استر مني العورات واصرف عني
المكروهات وفرج عن الكربات اللهم استجب دعائي واعطني
سؤلي وارحم تضرعي واقبل شكواي واعطني الذي رغبت فيه
من الخير اللهم اغفر لي الذنوب التي تغير النعم والذنوب
التي تورث الندم والذنوب التي تنزل البلاء والذنوب التي
تعجل الفناء وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين وسلم
تسليما **دعاء يوم السبت** بسم الله الرحمن الرحيم اللهم ربنا
لك الحمد كله وبيدك الخير كله واليك يرجع كله علانيته
وسره سبحان ذي الملك والملكوت والعزة والجبروت
سبحان الحي الذي لا يموت سبحان الباعث الوارث سبحان
العظيم الاعظم تبارك الله احسن الخالقين اللهم اني

اعوذ بك من الكفر بعد الايمان ومن الهوان بعد الكرامة والحمد
لله الذي خلقنا ورزقنا العافية فيه وجاء بالشمس من مطلعها
برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين
وسلم تسليما **چهارم دعاء مشلول** در مهج الدعوات از برای وجه تسمیه دعاء مشلول
نقل شده ملخص او اینست که شبی حضرت امام حسین با حضرت امیرالمؤمنین در طواف
بودند که ناگاه شخصی آواز حزینی بسمع شریف ایشان رسید که استغاثه بدرگاه الهی
مینمود و این ابیات میخواند **یا من یجیب المضطر فی الظلم یا کاشف
الضر والبلوی مع السقم** هب لی بجودك فضل العفو عن جرمی
یا من الیه الخلق فی النعم ان کان عفوك لا یرجوه ذو سرف
فمن یجود علی العاصین بالنعم پس ایشان رفتند تا نزد آن شخص و حضرت
امیرالمؤمنین از او پرسید که نام تو چیست گفت نام من منازل بن لاحق شیبانی
و من یکوقتی در عصر مشغول بودم بر معاصی و پدرم در نهایت مهربانی نصیحت میکرد و مرا از عذاب
الهی میترسانید و چندانکه او مرا نصیحت میکرد من او را میزدم و وعظش را قبول
نمیکردم تا آنکه بنزد خانه کعبه آمد در روزی که روزه بود پس از آنکه نماز و طواف
کرد دستها را بسوی آسمان برداشت و شکایت من بدرگاه الهی کرد و از الله تعالی
مسئلت نمود که یکطرف من شل شود بخدا قسم که هنوز دعای او تمام نشده بود که
یکطرف من شل شد چنین که می بینی خشک شد و من بعد از آن از پدر عذر تقصیرات
خود طلبیدم و از او استدعا کردم که در همان مکان که مرا نفرین کرد دعا کند
که این بلا از من دفع شود و او اجابت کرد تا آنکه او را بر شتری سوار کردم
و می آمدم ناگاه در عرض راه شتر از اثر پرواز مرغ رم کرد پس از آن
افتاد و بمرد و الحال در میان مردم مشهور و ملقب شده ام باینکه خود بعقوق

لحاجه
مشهور بدعاء مشلول
یتیب

یعنی ببلا گرفتار شده بسبب عقوق پدرش و این معنی هم بر من دشوار می آمد پس حضرت
امیرالمؤمنین این دعا را از برای او بنوشت و فرمود که همین امشب این دعا را بخوان
برحالتی که باوضو باشی و فرمود فردا بیا نزد من برحالتی که این بلا از تو رفع شده
باشد و تو برات را الله تعالی قبول کرده باشد پس آن نوشته را از آنحضرت
گرفته چون فردا شد آمد پیش آنحضرت برحالتی که آن بلا از او دفع شده بود و آن
نوشته در دستش بود میگفت که یا امیرالمؤمنین بخدا که این اسم اعظم است چرا
که در شب گذشته چون مردم بخواب رفتند و تردد ایشان در مسجد الحرام کم شد
دستها را بسوی آسمان برداشتم و چند بار این دعا را خواندم و بعد از آن بخواب
رفتم و در خواب دیدم حضرت رسول صلعم که دست مبارکش را بر من مالید و فرمود که
محافظت کن بر اسم اعظم الله تعالی پس ناگاه بیدار شدم برحالتی که این بلا از من
مبدل گشته بود الله تعالی ترا جزای خیر دهاد یا امیرالمؤمنین بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم انی اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحیم
یا ذا الجلال والاکرام یا حی یا قیوم یا حی لا اله الا انت یا
هو یا من هو یا من لا یعلم ما هو ولا کیف هو ولا این هو
ولا حیث هو الا هو یا ذا الملك والملکوت یا ذا العزة والجبروت
یا ملك یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن یا عزیز یا جبار
یا متکبر یا خالق یا باری یا مصور یا مفید یا مدبر یا شدید
یا مبدئ یا معید یا مبید یا ودود یا محمود یا معبود یا بعید
یا قریب یا رب یا حسیب یا بدیع یا رفیع یا منیع یا سمیع یا
علیم یا حلیم یا کریم یا حکیم یا قدیم یا علی یا عظیم یا حنان
یا منان یا دیان یا مستعان یا جلیل یا جمیل یا وکیل یا کفیل

یونس

مجیب

یا مقیل یا منیل یا نبیل یا دلیل یا هادی یا بادی یا اول یا آخر
یا ظاهر یا باطن یا قائم یا دائم یا عالم یا حاکم یا قاضی یا
عادل یا فاصل یا واصل یا طاهر یا مطهر یا قادر یا مقتدر
یا کبیر یا متکبر یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و
لم یولد ولم یکن له صاحبة ولا ولد ولا کان معه وزیر
ولا اتخذ معه اله لا اله الا انت فتعالیت عما یقول
الظالمون الجاحدون علوا کبیرا یا علی یا عالم یا شامخ
یا باذخ یا فتاح یا نفاح یا مرتاح یا مفرج یا ناصر یا
منتصر یا مدرك یا مهلك یا منتقم یا باعث یا وارث
یا اول یا آخر یا طالب یا غالب یا من لا یفوته هارب یا تواب
یا اواب یا وهاب یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب یا من
حیث ما دعی اجاب یا طهور یا شکور یا عفو یا غفور یا نور
النور یا مدبر الامور یا لطیف یا خبیر یا مجیر یا منیر یا مبین
یا بصیر یا ظهیر یا کبیر یا وتر یا فرد یا ابد یا سند یا صمد یا
کافی یا شافی یا وافی یا معافی یا محسن یا مجمل یا منعم یا
مفضل یا متکرم یا متفرد یا من علا فقهر یا من ملك فقدر
یا من بطن فخبر یا من عبد فشکر یا من عصی فغفر یا من لا
تحویه الفکر ولا یدرکه بصر ولا یخفی علیه اثر یا رازق
البشر یا مقدر کل قدر یا عالی المکان یا شدید الارکان یا
مبدل الزمان یا قابل القربان یا ذا المن والاحسان یا ذا
العز والسلطان یا رحیم یا رحمن یا عظیم الشان یا من هو

کفوا احد ولم تکن له

كل يوم هو في شأن يا من لا يشغله شأن عن شأن يا عظيم الشأن
يا من هو بكل مكان يا سامع الاصوات يا مجيب الدعوات يا
منجح الطلبات يا قاضي الحاجات يا منزل البركات يا راحم
العبرات يا مقيل العثرات يا كاشف الكربات يا ولي
الحسنات يا دافع الدرجات يا معطي السؤلات يا محيي الاموات
يا جامع الشتات يا مطلع على النيات يا راد ما قد فات يا من لا
تشتبه عليه الاصوات يا من لا تضجره المسألات ولا تغشاه
الظلمات يا نور الارض والسموات يا سابغ النعم يا دافع
النقم يا بارئ النسم يا جامع الامم يا شافي السقم يا
خالق النور والظلم يا ذا الجود والكرم يا من لا يطأ عرشه
قدم يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين يا اسمع السامعين
يا ابصر الناظرين يا جار المستجيرين يا امان الخائفين
يا ظهر اللاجين يا ولي المؤمنين يا غياث المستغيثين يا
غاية الطالبين يا صاحب كل غريب يا مونس كل وحيد يا ملجأ
كل طريد يا مأوى كل شريد يا حافظ كل ضالة يا راحم الشيخ
الكبير يا رازق الطفل الصغير يا جابر العظم الكسير يا
فاك كل اسير يا مغني البائس الفقير يا عصمة الخائف المستجير
يا من له التدبير والتقدير يا من العسير عليه سهل يسير
يا من لا يحتاج الى تفسير يا من هو على كل شيء قدير يا من هو بكل
شيء خبير يا من هو بكل شيء بصير يا مرسل الرياح يا فالق
الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا من بيده

كل مفتاح يا سامع كل صوت يا سابق كل فوت يا محيي كل
نفس بعد الموت يا عدتي في شدتي يا حافظي في غربتي يا مونسي
في وحدتي يا وليي في نعمتي يا كهفي حين تعييني المذاهب وتسلمني
الاقارب ويخذلني كل صاحب يا عماد من لا عماد له يا سند
من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا حرز له يا كهف
من لا كهف له يا كنز من لا كنز له يا ركن من لا ركن له يا غياث
من لا غياث له يا جار من لا جار له يا جاري اللصيق يا ركني
الوثيق يا الهي بالتحقيق يا رب البيت العتيق يا شفيق يا رفيق
فكني من حلق المضيق واصرف عني كل هم وغم وضيق و
اكفني شر ما لا اطيق واعني على ما اطيق يا راد يوسف
على يعقوب يا كاشف ضر ايوب يا غافر ذنب داود يا
رافع عيسى ابن مريم ومنجيه من ايدي اليهود يا مجيب نداء
يونس في الظلمات يا مصطفى موسى بالكلمات يا من غفر لآدم
خطيئته ورفع ادريس مكانا عليا برحمته يا من نجى نوحا من
الغرق يا من اهلك عادا الاولى وثمود فما ابقى وقوم نوح من
قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى والمؤتفكة اهوى يا من
دمر على قوم لوط ودمدم على قوم شعيب يا من اتخذ ابراهيم
خليلا يا من اتخذ موسى كليما واتخذ محمدا صلى الله عليه
وآله وعليهم اجمعين حبيبا يا مؤتي لقمان الحكمة والواهب
لسليمان ملكا لا ينبغي لاحد من بعده يا من نصر ذا القرنين
على الملوك الجبابرة يا من اعطى الخضر الحيوة ورد ليوشع بن

نون نور الشمس بعد غروبها يا من ربط على قلب ام موسى وحصن
فرج مريم ابنت عمران يا من حصن يحيى بن زكريا من الذنب
وسكن عن موسى الغضب يا من بشر زكريا بيحيى يا من فدا
اسمعيل من الذبح بذبح عظيم يا من قبل قربان هابيل وجعل
اللعنة على قابيل يا هازم الاحزاب لمحمد صلى الله وصلواتك عليه
واله صل على محمد وال محمد وعلى جميع الانبياء والمرسلين
وملائكتك المقربين واهل طاعتك اجمعين واسئلك بكل
مسئلة سئلك بها احد ممن رضيت عنه فحتمت له با
الاجابة پس سه مرتبه بگو يا الله سه مرتبه يا رحمن وسه مرتبه يا رحيم وسه
مرتبه يا ذا الجلال والاكرام وهفت مرتبه به به پس بگو اسئلك
وبكل اسم سميت به نفسك او انزلته في شيء من كتبك او
استاثرت به في علم الغيب عندك وبمعاقد العز من عرشك
وبمنتهى الرحمة من كتابك وبما لو ان ما في الارض من شجرة
اقلام والبحر يمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله
ان الله عزيز حكيم واسئلك باسمائك الحسنى التي نعتها في
كتابك فقلت ولله الاسماء الحسنى فادعوه بها وقلت ادعوني
استجب لكم وقلت واذا سئلك عبادي عني فاني قريب اجيب
دعوة الداع اذا دعان فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي لعلهم
يرشدون وقلت يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا
من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم
وانا اسئلك يا الهي وادعوك يا رب وارجوك يا سيدي و

اطمع في اجابتي يا مولاي كما وعدتني وقد دعوتك كما امرتني
فافعل بي ما انت اهله يا كريم والحمد لله رب العالمين وصلى الله
على محمد واله اجمعين پس حاجت خود را از حق تعالى طلب نمايد كه حاجتش مستجاب شود
ان شاء الله تعالى پس بگويد يا مجيب دعاء المضطر في الظلم يا كاشف
الضر والبلوى مع السقم قد نام وفدك حول البيت وانتبهوا
وانت يا حي يا قيوم لم تنم هب لي بجودك فضل العفو عن
جرمي يا من اشار اليه الخلق في الحرم ان كان عفوك
لا يرجوه ذو سرف فمن يجود على العاصين بالنعم دعاى پنجم
كه در حاشيه كفعمى نقل شده از رسول خدا محمد صلى الله عليه وسلم كه آنحضرت در مقام حضرت ابراهيم عليه السلام
نماز ميكرد كه جبرئيل عليه السلام فرود آمد واين دعا را در ايام بيض ماه مبارك رمضان آورد وگفت
يا رسول الله هركه اين دعا را در روز سيزدهم وچهاردهم وپانزدهم اين ماه بخواند آمرزيده
شود گناهان او هرچند كه بعدد قطرات باران وبرگ درختان وريگ بيابان باشد
جبرئيل عليه السلام گفت كه بيركت اين دعا فرود مى آييم بر زمين وبآسمان ميرويم ونوشته شده
است اين دعا بر درهاى بهشت ومنزلهاى آن وكسى كه محافظت كند بر قرائت اين دعا
ايمن شود از هر آفتى وميباشد رفيق تو در بهشت يا رسول الله وظاهر شود در روز قيامت در
حالتى كه روى او چون ماه شب چهارده تابان باشد وكسى كه سه روز روزه دارد وهر روز
هفت مرتبه اين دعا را بخواند در حالتى كه با عبادت باشد ترا در خواب بيند وكسى كه اين دعا
ده مرتبه بخواند سوار كند او را حق تعالى بر براق از نور كه پاى او زبرجد سبز باشد تا نگاه
كنند اهل محشر او را وپيغمبران وباز جبرئيل عليه السلام گفت كه نميتوانم شمرد از ثواب خواندن
اين دعا مگر حق تعالى واگر درياها مداد گردد ودرختها قلم شود وانس وجن وملائكه نويسنده
شوند هر آينه نتوانند كه بشمرند يا بنويسند ثواب اين دعا را وهر مريض كه بخواند شفا

میدهد حق تعالی و برطرف میکند غم را و سختی را و نجات میدهد از ظلم ظالمان و از مکر شیطان و کسی که

کم شده باشد از او چیزی یا گریخته باشد از او مملوکی پس باید که چهار رکعت نماز کنند در هر

رکعت بعد از الحمد یازده مرتبه قل هو الله بخواند و بگذارد این دعا را از زیر سر خود در وقت

خواب که حق تعالی بزودی بر میگرداند باو گم شده یا گریخته او را و اگر این دعا را برمیتی از روی

اخلاص هزار مرتبه بخواند از هم ریخته نشود و اگر این دعا را در مدت عمر خود ده مرتبه بخواند

من ضامنم که مضرت نکند باو آتش جهنم و حبس برآورده شود و دشمنش برطرف یا رسول الله

اگر کسی از پادشاه خوف داشته باشد این دعا را مداومت نماید آن پادشاه باو مهربان گردد

یا رسول الله در این دعا اسم اعظم است پس تعلیم کن امت خود را پس حضرت محمد فرمود

که در آخر هر دو فاصله بگوید اَجِرْنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ

سُبْحانَكَ یا اَللهُ تَعالَیْتَ یا رَحْمٰنُ سُبْحانَكَ یا رَحیمُ تَعالَیْتَ

یا كَریمُ سُبْحانَكَ یا مَلِكُ تَعالَیْتَ یا مالِكُ سُبْحانَكَ یا

قُدُّوسُ تَعالَیْتَ یا سَلامُ سُبْحانَكَ یا مُؤْمِنُ تَعالَیْتَ یا مُهَیْمِنُ

سُبْحانَكَ یا عَزیزُ تَعالَیْتَ یا جَبّارُ سُبْحانَكَ یا مُتَكَبِّرُ

تَعالَیْتَ یا مُتَجَبِّرُ سُبْحانَكَ یا خالِقُ تَعالَیْتَ یا بارِئُ سُبْحانَكَ

یا مُصَوِّرُ تَعالَیْتَ یا مُقْتَدِرُ سُبْحانَكَ یا هادی تَعالَیْتَ یا

باقی سُبْحانَكَ یا وَهّابُ تَعالَیْتَ یا تَوّابُ سُبْحانَكَ یا فَتّاحُ

تَعالَیْتَ یا مُرْتاحُ سُبْحانَكَ یا سَیِّدی تَعالَیْتَ یا مَوْلایَ

سُبْحانَكَ یا رَقیبُ تَعالَیْتَ یا قَریبُ سُبْحانَكَ یا مُبْدِئُ

تَعالَیْتَ یا مُعیدُ سُبْحانَكَ یا حَمیدُ تَعالَیْتَ یا مَجیدُ سُبْحانَكَ

یا قَدیمُ تَعالَیْتَ یا عَظیمُ سُبْحانَكَ یا غَفُورُ تَعالَیْتَ یا

شَكُورُ سُبْحانَكَ یا شاهِدُ تَعالَیْتَ یا شَهیدُ سُبْحانَكَ یا حَنّانُ

تَعالَیْتَ یا مَنّانُ سُبْحانَكَ یا باعِثُ تَعالَیْتَ یا وارِثُ سُبْحانَكَ یا

مُحْیی تَعالَیْتَ یا مُمیتُ سُبْحانَكَ یا شَفیقُ تَعالَیْتَ یا رَفیقُ سُبْحانَكَ

یا اَنیسُ تَعالَیْتَ یا مُونِسُ سُبْحانَكَ یا جَلیلُ تَعالَیْتَ یا جَمیلُ سُبْحانَكَ

یا خَبیرُ تَعالَیْتَ یا بَصیرُ سُبْحانَكَ یا حَفِیُّ تَعالَیْتَ یا مَلِیُّ سُبْحانَكَ

یا مَعْبُودُ تَعالَیْتَ یا مَوْجُودُ سُبْحانَكَ یا غَفّارُ تَعالَیْتَ یا قَهّارُ

سُبْحانَكَ یا مَشْكُورُ تَعالَیْتَ یا مَذْكُورُ سُبْحانَكَ یا جَوادُ تَعالَیْتَ

یا مَعاذُ سُبْحانَكَ یا جَمالُ تَعالَیْتَ یا جَلالُ سُبْحانَكَ یا سابِقُ

تَعالَیْتَ یا رازِقُ سُبْحانَكَ یا صادِقُ تَعالَیْتَ یا فالِقُ سُبْحانَكَ

یا سَمیعُ تَعالَیْتَ یا رَفیعُ تَعالَیْتَ یا بَدیعُ سُبْحانَكَ یا فَعّالُ

تَعالَیْتَ یا مُتَعالِ سُبْحانَكَ یا قاضی تَعالَیْتَ یا راضی سُبْحانَكَ

یا قاهِرُ تَعالَیْتَ یا طاهِرُ سُبْحانَكَ یا عالِمُ تَعالَیْتَ یا حاكِمُ

سُبْحانَكَ یا دائِمُ تَعالَیْتَ یا قائِمُ سُبْحانَكَ یا عاصِمُ تَعالَیْتَ

یا قاسِمُ سُبْحانَكَ یا غَنِیُّ تَعالَیْتَ یا مُغْنی سُبْحانَكَ یا

وَفِیُّ تَعالَیْتَ یا قَوِیُّ سُبْحانَكَ یا كافی تَعالَیْتَ یا شافی

سُبْحانَكَ یا مُقَدِّمُ تَعالَیْتَ یا مُؤَخِّرُ سُبْحانَكَ یا اَوَّلُ تَعالَیْتَ

یا آخِرُ سُبْحانَكَ یا ظاهِرُ تَعالَیْتَ یا باطِنُ سُبْحانَكَ یا رَجاءُ

تَعالَیْتَ یا مُرْتَجی سُبْحانَكَ یا ذَا الْمَنِّ تَعالَیْتَ یا ذَا الطَّوْلِ

سُبْحانَكَ یا حَیُّ تَعالَیْتَ یا قَیُّومُ سُبْحانَكَ یا واحِدُ تَعالَیْتَ

یا اَحَدُ سُبْحانَكَ یا سَیِّدُ تَعالَیْتَ یا صَمَدُ سُبْحانَكَ یا قَدیرُ

تَعالَیْتَ یا كَبیرُ سُبْحانَكَ یا والی تَعالَیْتَ یا عالی سُبْحانَكَ

یا عَلِیُّ تَعالَیْتَ یا اَعْلی سُبْحانَكَ یا وَلِیُّ تَعالَیْتَ یا مَوْلی سُبْحانَكَ

يا ذارئ تعاليت يا بارئ سبحانك يا خافض تعاليت يا رافع سبحانك
يا مقسط تعاليت يا جامع سبحانك يا معز تعاليت يا مذل سبحانك
يا حافظ تعاليت يا حفيظ سبحانك يا قادر تعاليت يا مقتدر
سبحانك يا عليم تعاليت يا حليم سبحانك يا حكيم تعاليت يا حاكم
سبحانك يا معطي تعاليت يا مانع سبحانك يا ضار تعاليت يا
نافع سبحانك يا مجيب تعاليت يا حبيب سبحانك يا عادل تعاليت
يا فاصل سبحانك يا لطيف تعاليت يا شريف سبحانك يا رب
تعاليت يا حق سبحانك يا ماجد تعاليت يا واجد سبحانك
يا عفو تعاليت يا منتقم سبحانك يا فرد تعاليت يا وتر سبحانك
يا مقيت تعاليت يا محيط سبحانك يا واسع تعاليت يا موسع سبحانك
يا رؤف تعاليت يا عطوف سبحانك يا وكيل تعاليت يا عدل
سبحانك يا مبين تعاليت يا متين سبحانك يا بر تعاليت
يا ودود سبحانك يا رشيد تعاليت يا مرشد سبحانك يا نور
تعاليت يا منور سبحانك يا نصير تعاليت يا ناصر سبحانك
يا صبور تعاليت يا صابر سبحانك يا محصي تعاليت يا منشي
سبحانك يا لا اله الا انت تعاليت يا ديان سبحانك يا مغيث
تعاليت يا غياث سبحانك يا فاطر تعاليت يا حاضر سبحانك
ذا العز والجمال تباركت يا ذا الجبروت والجلال اجرنا
من [illegible] بعفوك يا مجير سبحانك اني كنت من الظالمين
فاستجب [illegible] له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وصلى
الله على محمد وآله اجمعين والحمد لله رب العالمين وحسبنا

سبحانك

انك لا اله الا انت

ونعم الوكيل ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم مطلب دويم

در بيان زيارت جامعه و زيارت ايام هفته كه نسبت هر روز به يكى از حضرات ائمه

زيارت چهارده معصوم صلوات الله عليهم اجمعين السلام عليكم يا اهل
بيت النبوة واصول الكرم وقادة الامم وسادة العباد
واركان البلاد وابواب الايمان وامناء الرحمن ما احلى
اسماءكم وما اكرم انفسكم وما اعظم شانكم وما اجل
خطركم بابي انتم وامي ونفسي كيف اصف شانكم بكم اخرجنا
الله من الذل وفرج عنا غمرات الكروب وانقذنا من شفا
جرف الهلكات ومن النار اشهد انكم الائمة الراشدون
المهديون المعصومون والحق معكم وفيكم واليكم وانتم
اهله ومعدنه وميراث النبوة عندكم واياب الخلق اليكم
وايات الله لديكم من والاكم فقد والى الله ومن عاداكم فقد
عادى الله الراغب عنكم مارق واللازم لكم لاحق كلامكم
نور وامركم رشد ووصيتكم التقوى وفعلكم الخير وعادتكم الهداية
اني مؤمن بكم موال لكم ولاوليائكم مبغض لاعدائكم منتظر
لامركم مرتقب لدولتكم مستجير بكم اللهم اجعلني بهم
وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين ووفقني لطاعتهم
وارزقني شفاعتهم واحشرني في زمرتهم صلواتك و
سلامك عليهم دويم زيارت ايام هفته است يوم السبت زيارة
النبي صلى الله عليه وآله [illegible] ذلك تقول اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
له واشهد انك عبده ورسوله وانك محمد بن عبد الله و اشهد

انك قد بلغت رسالات ربك ونصحت لامتك وجاهدت في سبيل الله
بالحكمة والموعظة الحسنة وأديت الذي عليك من الحق وانك
قد رؤفت بالمؤمنين وغلظت على الكافرين وعبدت الله مخلصا
حتى أتاك اليقين فبلغ الله بك اشرف محل المكرمين الحمد لله الذي
استنقذنا بك من الشرك والضلال اللهم صل على محمد وآله واجعل
صلواتك وصلوات ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين وعبادك
الصالحين واهل السموات والارضين ومن سبح لك يا رب العالمين
من الاولين والآخرين على عبدك ورسولك ونبيك وامينك
ونجيك وحبيبك وصفيك وصفوتك وخاصتك وخالصتك
وخيرتك من خلقك واعطه الفضل والفضيلة والوسيلة
والدرجة الرفيعة وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون
والآخرون اللهم انك قلت ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك
فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا
رحيما الهي فقد اتيت نبيك مستغفرا تائبا من ذنوبي
فصل على محمد وآل محمد واغفرها لي يا سيدنا انا نتوجه بك وباهل
بيتك الى الله تعالى ربك وربي پس بگوید انا لله وانا اليه
راجعون سه مرتبه بگوید اصبنا بك يا حبيب قلوبنا فما اعظم المصيبة
بك حيث انقطع الوحي وحيث فقدناك فانا لله وانا اليه
راجعون يا سيدنا يا رسول الله صلوات الله عليك وعلى آل
بيتك الطيبين الطاهرين هذا يوم السبت وهو يومك و
انا فيه ضيفك وجارك فاضفني واجرني فانك كريم تحب

الضيافة ومأمور بالاجارة فاضفني واحسن ضيافتي واجرنا
واحسن اجارتنا بمنزلة الله عندك وعند آل بيتك وبمنزلتك
عندهم وبما استودعكم الله من علمه فانه اكرم الاكرمين يوم
الاحد يستحب فيه زيارة امير المؤمنين علي بن ابي طالب ع وهو يومه فاذا اردت
ذلك تقول السلام على شجرة النبوة والدوحة الهاشمية المضيئة
المثمرة بالنبوة المونعة بالامامة السلام عليك وعلى
ضجيعيك آدم ونوح السلام عليك وعلى اهل بيتك الطيبين
الطاهرين السلام عليك وعلى الملائكة المحدقين بك والحافين
بقبرك يا مولاي يا امير المؤمنين هذا يوم الاحد وهو يومك
وباسمك وانا ضيفك فيه وجارك فاضفني يا مولاي واجرني
فانك كريم تحب الضيافة ومأمور بالاجارة فافعل ما رغبت
اليك فيه ورجوته منك بمنزلتك وآل بيتك عند الله ومنزلته
عندكم وبحق ابن عمك رسول الله صلى الله عليه وعليكم اجمعين
زيارت فاطمه زهرا عليها السلام ايضا يوم الاحد تقول يا ممتحنة امتحنك
الذي خلقك قبل ان يخلقك وكنت لما امتحنك به صابرة ونحن
لك اولياء مصدقون ولكل ما اتى به ابوك صلى الله عليه وآله
واتى به وصيه عليه السلم مسلمون ونحن نسألك اللهم
اذ كنا مصدقين لهم ان تلحقنا بتصديقنا بالدرجة العالية
لنبشر انفسنا بانا قد طهرنا بولايتهم عليهم السلام يوم الاثنين
يستحب فيه زيارت الحسن والحسين عليهما السلم فاذا اردت ذلك تقول في زيارت
الحسن عليه السلم السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن

رب العالمين د

امير المؤمنين السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء السلام عليك
يا حبيب الله السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك يا امين الله
السلام عليك يا نور الله السلام عليك يا صراط الله السلام عليك
يا ناصر دين الله السلام عليك يا بيان حكم الله السلام عليك
ايها السيد الزكي السلام عليك ايها البر الوفي السلام عليك
ايها القاسم الامين السلام ايها العالم بالتاويل السلام عليك
عليك ايها الهادي السلام عليك ايها الطاهر الزكي السلام
عليك ايها التقي النقي السلام عليك ايها الحق الحقيق السلام
عليك ايها الشهيد الصديق السلام عليك يا ابا محمد الحسن
بن علي ورحمة الله وبركاته وفي زيارت الحسين بن علي السلام
عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين السلام
عليك يا بن سيدة نساء العالمين اشهد انك اقمت الصلوة
واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وعبدت
الله مخلصا حتى اتاك اليقين وجاهدت في الله حق جهاده
فعليك السلام مني ما بقيت وبقي الليل والنهار وعلى ال
بيتك الطيبين الطاهرين انا يا مولاي مولى لك ولال بيتك
الطاهرين اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم مؤمن
بسركم وعلانيتكم وجهركم وظاهركم وباطنكم لعن الله
اعداءكم من الاولين والاخرين وانا ابرء الى الله تعالى منهم
يا مولاي يا ابا عبد الله هذا يوم الاثنين وهو يومكما وباسمكما
وانا فيه ضيفكما فاضيفاني واحسنا ضيافتي فنعم من استضيف

(margin: عليك — اشهد الله)

به انتما وانا فيه من جواركما واجيراني فانكما مأموران بالضيافة
والاجارة فصلى الله عليكما وآلكما الطيبين يوم الثلثا يستحب فيه
زيارت علي بن الحسين والباقر والصادق عليهم السلم وهو يومهم فاذا اردت ذلك
يقول السلام عليكم يا خزان علم الله السلام عليكم يا تراجمة
وحي الله السلام عليكم يا ائمة الهدى السلام عليكم يا
اعلام التقى السلام عليكم يا اولاد رسول الله انا عارف
بحقكم مستبصر بشانكم ومعاد لاعدائكم موال لاوليائكم
بابي انتم وامي صلوات الله عليكم اللهم اني اتوالى اخرهم كما
توالیت اولهم وابرء من كل وليجة دونهم واكفر بالجبت
والطاغوت واللات والعزى صلوات الله عليكم يا موالي
ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا سيد العابدين وسلالة
الوصيين السلام عليك يا باقر علم النبيين السلام عليك
يا صادقا مصدقا في القول والفعل يا موالي هذا يومكم وهو يوم
الثلثاء وانا فيه ضيف لكم ومستجير بكم فاضيفوني واجيروني
بمنزلة الله عندكم وال بيتكم الطيبين الطاهرين يوم الاربعاء
يستحب فيه زيارت موسى بن جعفر وعلي بن موسى صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين وهو
يومهم فاذا اردت ذلك تقول السلام عليكم يا اولياء الله السلام
عليكم يا حجج الله السلام عليكم يا نور الله في ظلمات الارض
السلام عليكم صلوات الله عليكم وعلى ال بيتكم الطيبين
الطاهرين بابي انتم وامي لقد عبدتم الله مخلصين و
جاهدتم في سبيل الله حق جهاده حتى اتاكم اليقين فلعن الله

(margin: ومحمد بن علي وعلي بن محمد)

اعدائكم من الجن والانس اجمعين وانا ابرء الى الله واليكم
منهم يا مولاي يا ابا ابراهيم موسى بن جعفر يا مولاي يا
ابا الحسن علي بن موسى الرضا يا مولاي يا ابا جعفر محمد بن
علي يا مولاي يا ابا الحسن علي بن محمد انا مولى لكم مؤمن بسركم
وجهركم ومستضيف بكم في يومكم هذا وهو يوم الاربعاء و
مستجير بكم فاضيفوني بال بيتكم الطيبين الطاهرين يوم الخميس
يستحب فيه زيارت الحسن بن علي العسكري وهو يومه فاذا اردت ذلك تقول السلام
عليك يا ولي الله السلام عليك يا حجة الله وخالصته السلام
عليك يا امام المتقين ووارث المرسلين وحجة الله رب العالمين
صلى الله عليك وعلى ال بيتك الطيبين الطاهرين يا مولاي يا
مولاي يا ابا محمد الحسن بن علي انا مولى لك ولال بيتك وهذا
يومك وهو يوم الخميس وانا ضيفك فيه ومستجير بك فاحسن
ضيافتي واجارتي بحق ال بيتك الطيبين الطاهرين يوم الجمعه
يستحب فيه زيارة المهدي ع فاذا اردت ذلك فقل السلام عليك يا حجة
الله في ارضه السلام عليك يا عين الله في خلقه السلام عليك
يا نور الله الذي به يهتدي المهتدون ويفرج به عن المؤمنين
السلام عليك ايها المهذب الخائف السلام عليك ايها الولي
الناصح السلام عليك يا سفينة النجاة السلام عليك يا عين
الحيوة السلام عليك وعلى ال بيتك الطيبين الطاهرين السلام
عليك عجل الله لك ما وعدك من النصر وظهور الامر السلام
عليك يا مولاي انا مولاك عارف باولاك واخراك اتقرب الى الله

ع

تعالى بك وبال بيتك وانتظر ظهورك وظهور الحق على يدك
واسئل الله ان يصلي على محمد وال محمد وان يجعلني من
المنتظرين لك والتابعين والناصرين لك على اعدائك و
المستشهدين بين يديك في جملة اوليائك يا مولاي يا صاحب
الزمان صلوات الله عليك وعلى اهل بيتك هذا يوم الجمعة
وهو يومك المتوقع فيه ظهورك والفرج فيه للمؤمنين على
يديك وقتل الكافرين بسيفك وانا يا مولاي فيه ضيفك
وجارك وانت يا مولاي كريم من اولاد الكرام ومامور با
لاجارة فاضفني واجرني صلوات الله عليك وعلى اهل بيتك
الطيبين الطاهرين مطلب سيوم دربيان ذكرهاست كه حاجت دنيا وآخرت

فائده در بيان ذكر

برآورده ميشود اول بسم الله الرحمن الرحيم است چنانچه از حضرت امام الهمام علي ابن
موسى الرضا ع مرويست كه ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى الاسم
من سواد العين الى بياضها يعني بسم الله الرحمن الرحيم نزديكتر است باسم
اعظم از سياهي چشم بسفيدي آن ودر اين باب احاديث بسيار است ودر اين رساله
گنجايش ذكر آنها نداشت پس هر امري كه ابتدا كرده شود ببسم الله الرحمن الرحيم
با تمام وبهتر خواهد بود واز حضرت امام جعفر صادق ع مرويست كه فرموده اند لا تترك
بسم الله الرحمن الرحيم ولو كتبت سحرا وقلت شعرا يعني ترك
مكن بسم الله الرحمن الرحيم را در اول هر كاري هر چند بنويسي سحر ويا بگوئي شعر پس اگر
ابتدا نكند در اول هر كار ببسم الله الرحمن الرحيم شياطين با او شريك ميشوند چنانچه
در حديث معتبر از حضرت سيد المرسلين ص منقول است كه چون خوان طعام گذاشته شود
چهار فرشته بر گرد او در آيند پس چون بنده گويد بسم الله الرحمن الرحيم ان فرشتگان

بشیطان گویند که دور شو ای فاسق که ترا بر ایشان دستی نیست چون از طعام خوردن فارغ
شوند گویند الحمد لله فرشتگان گویند این جماعت قومی اند که حق تعالی نعمت بایشان داده است
و شکر نعمت خداوند خود را ادا نمودند پس اگر بسم الله الرحمن الرحیم نگفتند آن فرشتگان
گویند که نزدیک شو ای فاسق و با ایشان اکل نما و حق تعالی برکت از آن طعام بر میدارد و چون
خوان بر خواسته شد و خدا را حمد نکردند فرشتگان گویند که ایشان قومی اند که حق تعالی
نعمت خود را بایشان داده است و خداوند خود را فراموش کردند طریقه ختم بسم الله
الرحمن الرحیم بجهة حاجات دنیا و آخرت در هر شب یا در هر روز بعد از نماز صبح هزار مرتبه
بخواند و تفرقه و تعطیل و تاخیر جایز ندارد دویم در بیان ذکر حمد و طریقه ختم آن آنست
که این سوره را شفا میخوانند بجهت آنکه خواندن این بر سر هر بیمار [illegible] مرتبه شفا است
از هر دردی چنانچه از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است و محصل مضمون او اینست که بدرستی و تحقیق
که بسم الله الرحمن الرحیم آیه از فاتحة الکتاب است و آن هفت آیات است که شنیدم از رسول
خدا ص که فرمود بدرستی که حق تعالی فرمود بمن که یا محمد ص وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ
الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ پس امتنان بر من واجد ساخته و آنرا برابر قرآن
عظیم ساخته و بدرستی که فاتحة الکتاب شریفترین آنچیزیست که در گنجهای عرش است
و هر که بخواند این سوره را در حالتی که موالات حضرت رسول ص و آل او را معتقد و امر ایشان را
منقاد باشد و محبت اهل بیت ع در دل داشته باشد و بظاهر و باطن این سوره ایمان آورده
باشد عطا کند او را حق تعالی برای هر حرفی حسنه که هر یک از آن حسنات بهتر باشد از دنیا
و آنچه در آن است از اصناف مالها که در آن خیرات است و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است
که شفاء من کل داء الا السام یعنی شفا از هر دردیست فاتحه مگر مرگ و نیز فرموده است که
من لم یبرأه شیء یعنی کسی که سوره حمد آنرا از مرض بری و تندرست نسازد هیچ چیز
دیگر نمیسازد و در امالی شیخ صدوق رحمه الله از سرور نسخه از رسول خدا ص در فضل و ثواب

ه

سوره فاتحة الکتاب حدیثی مذکور است که حاصل او اینست که حق تعالی فرموده که قسمت کرده ام
فاتحة الکتاب را میان خود و میان بنده خود پس نصف او از برای منست یعنی حمد و ثنای من است
و نصف دیگر برای بنده من که در آن برای خود طلب هدایت و استکشاف از طریقه اهل عناد
و ضلالت مینماید و مر بنده مراست از آنچه سؤال کند از من چون بنده گوید بسم الله الرحمن الرحیم
حق تعالی جل اله گوید ابتدا کرد بنده من بنام من بر منست که کارهای او را با تمام رسانم و احوال
او را مبارک گردانم پس چون گوید الحمد لله رب العالمین حق تعالی گوید که حمد کرد مرا بنده من
و دانست اینکه نعمتهائی که او دارد از نزد منست و اینکه بلاهائی که از او مندفع گشته بتطول او
امتنان منست گواه میگیرم شما را که بدرستی که من می افزایم برای او نعمتهای دنیا و آخرت را
و دفع مینمایم از او بلاهای آخرت را چنانکه دفع نمودم از او بلاهای دنیا را چون گفت الرحمن
الرحیم حق تعالی گوید که شهادت داد برای من بدرستی که من رحمان رحیم گواه میگیرم شما را
که هر آینه وافر میسازم البته از رحمت خود بهره او را و هر آینه بسیار میگردانم
البته از عطای خود نصیب او را چون گفت مالک یوم الدین حق تعالی گوید که شاهد میگیرم
شما را که چنانکه اعتراف کرد که بدرستی که من خداوند روز قیامتم هر آینه آسان میکنم البته
در روز حساب محاسبه او را و هر آینه در میگذرم از سیئات او و چون گفت ایاک نعبد و
حق تعالی گوید راست گفت که مرا عبادت میکند گواه میگیرم شما را که هر آینه ثواب میدهم
البته او را بر عبادتش ثوابی که رشک برد باو هر که مخالفت او بوده در عبادت از وجوه
گفت و ایاک نستعین حق تعالی گوید که بمن استعانت کرده بسوی من التجا او برده شاهد
میگیرم شما را که هر آینه اعانت او میکنم بر کارهایش و هر آینه میگیرم دست او را در [illegible]
چون گفت اهدنا الصراط المستقیم تا آخر سوره حق تعالی گوید این برای بنده من است یعنی
متعلق باوست مر بنده مراست آنچه سؤال نمود بتحقیق که استجابت کردم برای بنده خود یعنی
دعای ثبات بر هدایت را و عطا نمودم باو آنچه آرزو کرد یعنی ثبات بر طریق اهل عصمت

دامن کرده اند هم آنها از آنچه ترسیده از آن یعنی از طریق معاندین و اهل ضلال پس ای عزیز
من هر آینه تبتبع بر طریق اهل بیت رسول خدا نباشد و محبت ایشان از دل نداشته باشد
و نماز شب را بر طریق فرموده نکرده باشد و محبت دنیا و وسواس شیطانی از دل در نکرده باشد
و واجبات خود [illegible] اند البته آنچه خداوند عالمیان وعده فرموده بر عکس او خواهد بود
و اهل ضلال خواهد بود اگرچه هر شب و روز ده هزار رکعت نماز کند و ده هزار مرتبه قرآن
بخواند و هزار مرتبه حج کند و لعنت میکند عبادت او را و اما طریق ختم سوره کریمه
فاتحة الکتاب باید که روز جمعه ابتدا کند و چهل روز هر روز چهل یک مرتبه بخواند و اگر یک
روز نماز میان فوت شود از سر بگیرد و هر روز بعد از خواندن چهل و یک مرتبه این دعا را بخواند
و برای دیگر سیزده مرتبه گفته اند خواندن این دعا یا مفتح [illegible] یا مفرج
فرج یا مسبب سبب یا مسهل سهل یا متمم تمم بعد از اتمام
چهل روز چندان جمعیتی حق سبحانه تعالی او را ارزانی کند که از عهده ضبط او بیرون
و از برای هر حاجتی مجربست ذکر سیوم در تحصیل نقل شده که مردی در خواب حضرت رسالت پناه
گفت یا رسول الله دلم مرده است مرا دعائی که حق تعالی آن زنده کرداند دلم را آنحضرت فرمود که بسیار
بگو یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت اسئلك ان تحیی قلبی اللهم
صل علی محمد و آل محمد پس آمده گفت این دعا را هر روز خواندم حق تعالی دل مرا
زنده گردانید و نیز در قنوت نماز میتوان خواند ذکر چهارم در بر آمدن حاجات پس بعد از
نماز صبح چهل و یک مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم یا باسط الیدین با
لرحمة ارحمنی پس بعد از نماز ظهر هفتاد مرتبه بگوید یا واسع المغفرة
اغفر لی پس بعد از نماز عصر و مغرب بگوید لا اله الا الله قبل کل احد
لا اله الا الله یبقی ربنا و یفنی کل احد پس بعد از نماز عشا هفتاد
مرتبه بگوید یا عالم السر و الخفیات اغفر لی خطیئتی ذکر پنجم

پس بدرستی که این ذکر را دیگر داند رزق را و اتفاق مینماید جمیع را از خلق و او را دحضرت صاحب
الزمان علیه السلام آنحضرت فرموده که هر روز هزار مرتبه تکرار نماید مطالب دنیا و آخرت او بر آید و حق تعالی
در روزی بر روی او گشاده کرداند یوم الجمعه یا الله یوم السبت لا اله الا الله یوم
الاحد یا حی یا قیوم یوم الاثنین اللهم صل علی محمد و آل محمد یوم الثلثاء
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یوم الاربعاء استغفر الله یوم الخمیس
سبحان الله ذکر ششم در مصباح کفعمی مذکور است که حضرت رسول صلعم فرموده اهل صفه
در وقتی که شکوه کردند از حاجت و فقر آنحضرت فرمود که بگوئید بیا این دعا را اللهم رب
السموات السبع و رب العرش العظیم اقض عنا الدین و اغننا من
الفقر و نیز در کتاب مذکور از آنحضرت منقول است که فرمود هر روز بیست مرتبه بگوی
لا اله الا الله و الله اکبر سبحان الله و الحمد لله کثیرا اللهم
انی اسئلك من فضلك و رحمتك فانه لا یملکهما احد غیرك ذکر
هفتم این دعا [illegible] مجرب که باید خواند بعد از هر نماز هفت مرتبه از برای عادت دنیا و آخرت
و وسعت رزق و ادای دین در چهارده حدیث مذکور است بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم توکلت
علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولدا
و لم یکن له شریك فی الملك و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا
ذکر هشتم بجهت ادای دین از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بعد از هر نماز سه مرتبه
باید خواند اللهم انی اسئلك یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت
ان ترحمنی بلا اله الا انت اللهم انی اسئلك یا لا اله الا انت بحق لا
اله الا انت ان ترضی عنی بلا اله الا انت اللهم انی اسئلك یا لا اله
الا انت بحق لا اله الا انت ان تغفر لی بلا اله الا انت [illegible]

پس بر من نکند شب چهارده تا آنکه ادا کردید قرض من و باقی ماند برای من صد هزار درهم ذکر نهم

و هر که این ذکر را چهل مرتبه بخواند خواص عظیم دارد و اگر روزی سی مرتبه بخواند یکی از اقطاب در

کارسازی او سعی نماید و طلبش بزودی برآید یا رُقَبَاءُ یا نُقَبَاءُ یا نُجَبَاءُ یا اَبْدَالُ

یا اَوْتَادُ یا غَوْثُ یا قُطْبُ اَغِیثُونِی یَرْحَمُکُمُ اللّٰهُ ذکر دهم هر که بعد از نماز صبح

فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ را هفت مرتبه بگوید و هر مرتبه اشاره

بجانبی کند جمیع مرادات او در آن روز برآید و همچنین وَاُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ

بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ بدین دستور همین خاصیت دارد ذکر یازدهم اگر کسی در [illegible]

چهل هزار مرتبه [illegible] رزاق گوید البته غنی گردد ذکر دوازدهم اگر کسی دوازده

هزار مرتبه یا غنی یا مُغْنِی بگوید غنی شود و از مجربات ذکر سیزدهم هر مومنی که

بعد [illegible] بعد نماز صبح این کلمات را بخواند در رزق بر روی او گشاده شود لا اِلٰهَ

اِلَّا اللّٰهُ الْغَنِیُّ الرَّزَّاقُ ذکر چهاردهم هر مومنی که بجهة زیادتی رزق هر روز چهل

یک مرتبه بگوید مجربست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَللّٰهُ لَطِیفٌ بِعِبَادِهِ یَرْزُقُ

مَنْ یَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ ذکر پانزدهم [illegible]

بگوید حق تعالی هر حاجت که بخواهد بدهد و او را ارباب یقین گرداند هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا

هُوَ ذکر شانزدهم هر مومنی که بعد از هر نماز [illegible] صد مرتبه بگوید حق تعالی کشف گرداند [illegible]

به نظر کند و حکمت او بر او ظاهر شود عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ ذکر هفدهم هر مومنی که این

دعا را هر روز سه مرتبه بخواند حق تعالی او را [illegible] یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا

اَللّٰهُ یا رَبُّ یا رَبُّ یا رَبُّ یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ اَسْئَلُکَ

بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الْاَعْظَمِ اَنْ تَرْزُقَنِی رِزْقًا حَلَالًا طَیِّبًا وَاسِعًا بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ

الرَّاحِمِینَ ذکر هجدهم از جمله ذکری که در شب معراج بحضرت رسالت پناه تعلیم فرمودند

[illegible] لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا مَنْجَا اِلَّا اِلَیْکَ آنحضرت فرمود که ملائکه حاملان عرش الهی

این دعا را تعلیم من فرمودند که هر صبح و هر شام بخوانم و آن اینست اَللّٰهُمَّ اِنَّ ظُلْمِی اَصْبَحَ مُسْتَجِیرًا

بِعَفْوِکَ وَذَنْبِی اَصْبَحَ مُسْتَجِیرًا بِمَغْفِرَتِکَ وَذُلِّی اَصْبَحَ مُسْتَجِیرًا بِعِزَّتِکَ

وَفَقْرِی اَصْبَحَ مُسْتَجِیرًا بِغِنَاکَ وَوَجْهِی الْفَانِی اَصْبَحَ مُسْتَجِیرًا بِوَجْهِکَ

الْبَاقِی الَّذِی لَا یَفْنٰی اُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ ذکر نوزدهم

بجهت تألیف قلوب طلب رزق و طلب جاه و منصب دنیا و محبت سلاطین و عقد السنه امرا و

وزرا یکهزار و پانصد و پنجاه و یک مرتبه بخواند و در اینست اَللّٰهُ لَطِیفٌ بِعِبَادِهِ یَرْزُقُ مَنْ

یَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ ذکر بیستم بجهت آواره کردن اعدا و ادای دین و شفای بیمار

و حصول حاجات و مهمات کلی و طلب بزرگی و توانگری سه هزار و سیصد و سی و سه مرتبه بخواند

اگر تواند در یکجا بخواند والا آنچه تواند بخواند دعا اینست فَاللّٰهُ خَیْرٌ حَافِظًا وَهُوَ

اَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ بیست و یکم از حضرت امام موسی منقولست که هر که در خانه تنها باشد در

بیابان بخواند این دعا را بخواند از شر دزد محفوظ باشد اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِی وَاَعِنِّی

عَلٰی وَحْدَتِی بیست و دویم اذکار ایام هفته منقولست از حضرت امام محمد باقر که هر که بجهت

[illegible] هفته برای اذکار مداومت نماید مهمش ساخته شود روزی اذکار [illegible] بار

مرتبه بخواند یوم السبت یا رَبَّ الْعَالَمِینَ یوم الاحد یا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ

یوم الاثنین یا قَاضِیَ الْحَاجَاتِ یوم الثلثاء یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یوم الاربعاء

یا حَیُّ یا قَیُّومُ یوم الخمیس لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبِینُ یوم الجمعه اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ والسلام در بیان دعا و اذکار [illegible] دفع اعدای دین و نجات و خلاص از

دشمن اول بجهت دفع اعدا هر روز دوازده مرتبه بخواند و بجهت مطالب دنیوی و اخروی نیز بخواند

خوبست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ یا قَاهِرَ الْعَدُوِّ یا وَالِیَ الْوَلِیِّ یا مُظْهِرَ الْعَجَائِبِ

یا مُرْتَضٰی عَلِیُّ دویم بجهت دفع اعدا عقد کن انگشتان خود را کهیعص و به حمعسق

و بعد از عقد کردن انگشتان بخواند سوره الم ترکیف فَعَلَ رَبُّکَ بِاَصْحَابِ الْفِیلِ

يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ وَ اَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا اَبَابِيلَ پس ترميهم را بايد ده مرتبه
بگويد و فتح كند در هر مرتبه يك انگشت خود را تا آنكه بده مرتبه فتح انگشتان خود را كرده باشد و بعد از
از آن تمام كن سوره را و بعد از هزار دو مرتبه بايد بخواند تا دفع شود اعدا و دشمن شود ان شاء الله تعالى
برای سیوم جهت نجات و خلاصی از دشمن مداومت بايد نمود بنجات منك يا سيد الكريم نجنا
وَخَلِّصْنَا بِحَقِّ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ چهارم جهت نجات از محبوسی منقولست كه حضرت
موسی بن جعفر عليه السلام فرستاد بنزد ربيع بن حمزه و آن محبوس بود پس اين دعا را خواند و مرخص گرديد در
آن مجلس و گرامی شد يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا مُحْيِيَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ مَا لِي اِلٰهٌ غَيْرُكَ
فَاَدْعُوهُ وَلَا شَرِيكَ لَكَ فَاَرْجُوهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِّصْنِي يَا رَبِّ مِمَّا
اَنَا فِيهِ وَمِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا تُخَلِّصُ الْوَلَدَ
مِنَ الْمَشِيمَةِ وَاللَّحْمِ بِرَحْمَتِكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِّصْنِي يَا رَبِّ مِمَّا اَنَا
فِيهِ وَمِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُهُ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ وَعِزَّتِكَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا تُخَلِّصُ
اللَّبَنَ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ بِطَوْلِكَ وَمَنِّكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِّصْنِي مِمَّا
اَنَا فِيهِ وَاَخَافُ وَاَحْذَرُ بِمَشِيَّتِكَ وَاِرَادَتِكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا تُخَلِّصُ
الثَّمَرَةَ مِنْ بَيْنِ مَاءٍ وَرَمْلٍ بِقُدْرَتِكَ وَجَلَالِكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِّصْنِي
يَا رَبِّ مِمَّا اَنَا فِيهِ اَخَافُ وَاَحْذَرُ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا تُخَلِّصُ
الْبَيْضَةَ مِنْ جَوْفِ الطَّائِرِ بِعَفْوِكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِّصْنِي
مِمَّا اَنَا فِيهِ وَمِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُ بِقُدْرَتِكَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا تُخَلِّصُ
الطَّائِرَ مِنْ جَوْفِ الْبَيْضَةِ بِعِزَّتِكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَانت ع
وَآلِهِ و پنجم جهت كفايت دشمن منقول است از حضرت موسی كه گفتند دعا
بايد عادر زمانی كه حاضر كردانيد ندا و را در نزد مامون الرشيد امر كرد بقتل او و نشانيدند و را
نطع و برهنه كردند شمشير و نظر كرد مامون براو ديد كه حركت ميداد لب خود را مامون گفت

بچه چیز حرکت میدهی لب خود را جواب او بدعائی که تعلیم کرده است مرا مولای من پس مامون گفت
بیرون آورد چون برآورد در غضب شد و گفت که سحر کردی مرا سحر آل ابی تراب زاد و راحله باو بدهید
و ملحق سازید او را باهل او و این دعا از مجربات است بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ
لَا يُرَدُّ قَضَاؤُهُ عَنْ كُلِّ ذِي سُلْطَانٍ مَنِيعٍ وَلَا يُدْفَعُ بَلَاؤُهُ عَنْ كُلِّ ذِي جَحْدٍ
دَفِيعٍ وَيَا كَاشِفَ الْهَمِّ عَنِ الْمَاسُورِ الضَّعِيفِ عِنْدَ مُعْضِلِ الْخَطْبِ وَ
دَافِعَ الْغَمِّ عَنِ الْمُضْطَهَدِ اللَّهِيفِ عِنْدَ مُفْظِعِ الْكَرْبِ اَسْئَلُكَ بِاَجَلِّ
الْوَسَائِلِ اِلَيْكَ وَاَقْرَبِ الْوَسَائِلِ لَدَيْكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَاَهْلِ
طٰهٰ وَيٰس اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ اَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ اَمْرِي فَرَجًا وَتُيَسِّرَ لِي
مِنْ مِحْنَتِي مَخْرَجًا اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ششم بسند معتبر از ائمه عليهم السلام منقول است
از برای دفع اعدا هر روز هفت مرتبه بخواند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِي
اَعْدَائِي كَمَا سَخَّرْتَ الرِّيحَ لِسُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَيِّنْهُمْ لِي كَمَا
لَيَّنْتَ الْحَدِيدَ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذَلِّلْهُمْ لِي كَمَا ذَلَّلْتَ فِرْعَوْنَ لِمُوسٰى
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَهِّرْهُمْ لِي كَمَا قَهَرْتَ اَبَا جَهْلٍ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلَّمَ بِحَقِّ كٓهٰيٰعٓصٓ وَبِحَقِّ حٰمٓ عٓسٓقٓ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ
اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَيْنَاهُمْ
فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هفتم لعن چهار
ضرب است برای دفع اعدا و بعضی مطالب مجربست باید کوی کند و بعضی دیگر سنگریزه یا
شصت عدد بر هر سنگریزه یکمرتبه باید بگوید و بر آن کو داندازد و بعد از آن کو د را از
پر کند اول چنین گوید لَعَنَ اللهُ عُمَرَ ثُمَّ اَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ ثُمَّ عُثْمَانَ وَعُمَرَ

ثم عمر ثم عمر ثم عمر هشتم بجهت دفع دشمن و قهر و منع و مداوا ید اللهم
انت المجیب و انا عبدک المضطر فاکشف عنی ما انا فیه اللهم صل
علی محمد و آل محمد و سلم نهم بجهت دفع اعدا حول الله هزار مرتبه بگوید مجرب است
انا کفیناک المستهزئین دهم بجهت دفع شر دشمنان و فتح در جنگ این دعا از شیخ
بهاء الدین محمد رحمة الله جهت شاه عباس ماضی نوشته و فرستاده بود که در جنگ ملاومت نماید
و روایت است از مقاتل بن سلیمان از حضرت امام زین العابدین ع که از برای حصول مطلب بسیار
مجرب است و گفت که هر که این دعا را چهل و یک مرتبه با خلاص تمام بخواند اگر مطلب او بر آورده
نشود بر من لعنت کند و شرح این دعا بسیار است با یفقه الحمد ... بسم الله الرحمن الرحیم
الهی کیف ادعوک و انا انا و کیف اقطع رجائی منک و انت انت الهی
اذا لم اسالک فتعطینی فمن ذا الذی اسئله فیعطینی الهی اذا لم ادعوک
فتستجیب لی الهی اذا لم اتضرع الیک فترحمنی فمن ذا الذی اتضرع
الیه فیرحمنی الهی کما فلقت البحر لموسی علیه السلم و نجیته اسئلک
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تنجینی مما انا فیه و تفرج
عنی فرجا عاجلا غیر آجل بفضلک و کرمک یا ارحم الراحمین یازدهم
مرویست که چون امام همام ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلم در حین توجه بخراسان
بقصبه حمیه بخطبه نزول فرموده بود قبا مبارک بکنیزک قحطبه داد که بشوید رقعه در جیب آن
بود کنیزک دیده پیش قحطبه آورده و حمیه بحضرت نمود که این چه رقعه است آنحضرت فرمود
که این رقعه را هر کس با خود دارد از قهر سلطان و شر شیطان و مکر اعدا در امان حق تعالی باشد
در نزد سلاطین عزیز و محترم باشد ان شاء الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم و به اعوذ بالرحمن
منک ان کنت تقیا او غیر تقی اخذت بالله السمیع سمعک و بصرک
لا سلطان لک علی و لا علی سمعی و لا علی بصری و لا علی شعری و لا

ھیری

من ذا الذی ... فیستجیب لی

على بشري و لا على دمي و لا على لحمي و لا على مخي و لا على عصبي و لا على عظامي
و لا على مالي و لا على اهلي و لا على ما رزقني ربي سترت بيني و بينك
بستر النبوة التي استتر به الانبياء من سطوات الجبابرة و
الفراعنة جبرئيل عن يميني و ميكائيل عن شمالي و اسرافيل من
ورائي و محمد صلى الله عليه و آله و سلم امامي و الله تعالى
مطلع علي يمنعك مني و يمنع الشيطان مني اللهم لا تغلب جهله اناتك
ان يستفزني و يستخفني اللهم اليك التجاء اللهم اليك التجاء
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله و بالله سددت افواه الجن و الانس
و الشياطين و السحرة و الابالسة من الجن و الانس و السلاطين و من
يلوذ بهم بالله العزيز الاعز و بالله الكبير الاكبر بسم الله الظاهر
الباطن المكنون المخزون الذي اقام السموات و الارض ثم استوى
على العرش بسم الله الرحمن الرحيم و وقع القول عليهم بما ظلموا فهم لا
ينطقون ما لكم لا تنطقون قال اخسئوا فيها و لا تكلمون و عنت الوجوه
للحي القيوم و قد خاب من حمل ظلما و خشعت الاصوات للرحمن فلا
تسمع الا همسا و جعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه و في آذانهم
وقرا و اذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولوا على ادبارهم نفورا
و اذا قرأت القرآن جعلنا بينك و بين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجابا
مستورا و جعلنا من بين ايديهم سدا و من خلفهم سدا فاغشيناهم
فهم لا يبصرون اليوم نختم على افواههم و تكلمنا ايديهم و تشهد
ارجلهم بما كانوا يكسبون لو انفقت ما في الارض جميعا ما الفت
بين قلوبهم و لكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم دوازدهم دوا ...

هر که مداومت این آیات را بخواند و باد پرستش جهت خود دهد خدای تعالی او را از هفتاد گونه بلا ایمن دارد که
کمترین آن بیم کشتن باشد و اگر کسی در دست ظالمی یا در خشم سلطانی گرفتار باشد یا در بندی یا در
زندانی در قید باشد این آیات را بخواند و باد پرستش جهت خود دهد البته از آن بلا و قید
خلاص شود و هر که هر روز بخواند هیچ آفت و مضرت نرساند و هیچ بدگوئی و غمازی در حق وی نتواند
کرد و اگر بدی کننده باشد ایشان باز گردد و خواننده این آیات در امان حضرت عزت باشد و هر که هر روز
بخواند حق تعالی هفتاد هزار فرشته را فرماید که خواننده این آیات را از فوق و تحت و یمین و یسار
و قبل و بعد نگاه میدارند و هر آیه و [illegible] در [illegible] خاصیت [illegible] ذکر در [illegible] کرد
حاشیه قلم کرده و انس و جن نویسنده [illegible] خاصیت [illegible] اند نوشت از جهت آنکه
اسم اعظم در آن درج است بدین قدر مختصر شد تا موجب اطناب نگردد و بالله التوفیق و دیگر در کتاب
جواهر القرآن مذکور است که یکی از خلفای بنی عباسیه غضب بر او غالب شده بود و پیوسته
با ارکان دولت تندی کردی یکی از [illegible] که مدت چهل سال بود که وزارت میکرد هر چند از
وی خلاف اراده سلطان بوجود آمدی خواستی که با وی غضب کند نتوانستی و بغیر از لطف در
شان وزیر بوجود نیامدی روزی ملک گفت عجب حکمتی است مدت چهل سال است که تو وزیر
منی و بسیار مخالفت من میکنی و من هر چند میخواهم که با تو قهر کنم نمیتوانم و حضرت مقلب القلوب مرا
باز میدارد و بغیر از لطف و شفقت با تو از من بوجود نمی آید سبب چیست و این چه اسرارست وزیر
گفت من طفل بودم و قرآن نزد حمزه که یکی از قراء است میخواندم از آن شیخ شنیدم که در قرآن هفت آیه
است که در هر یکی از آن دو قاف است چهار آیه در سوره البقره است و آل عمران و نساء و مایده و
یکی در سوره رعد هر کس هر روز این آیه ها بخواند از شر جمیع مردمان ایمن باشد و اگر جمیع خلق دشمن
او باشند قادر بر ایذای او نباشند و هرگز خوفی و خطری در دل [illegible] آیات مذکور [illegible] آیه هم
همین شش آیه کریمه را بخواند و باد پرستش جهت خود دهد و بعد از آن پنجاه مرتبه یا قوی و پنجاه
مرتبه یا باقی و پنجاه نوبت یا رزاق و اگر جای او یا رازق بگوید خوبست بسم الله

الرحمن الرحيم [آیه اول در سوره البقره] الم تر الى الملإ من بني اسرائيل من بعد
موسى اذ قالوا لنبي لهم ابعث لنا ملكا نقاتل في سبيل الله قال
هل عسيتم ان كتب عليكم القتال الا تقاتلوا قالوا وما لنا الا
نقاتل في سبيل الله وقد اخرجنا من ديارنا وابنائنا فلما كتب عليهم
القتال تولوا الا قليلا منهم والله عليم بالظالمين [آیه ٢ در سوره آل عمران] لقد
سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء سنكتب ما قالوا
وقتلهم الانبياء بغير حق ونقول ذوقوا عذاب الحريق [آیه سیوم در
سوره نسا] الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم واقيموا الصلوة و
اتوا الزكوة فلما كتب عليهم القتال اذا فريق منهم يخشون الناس
كخشية الله او اشد خشية وقالوا ربنا لم كتبت علينا القتال
لولا اخرتنا الى اجل قريب قل متاع الدنيا قليل والاخرة خير لمن
اتقى ولا تظلمون فتيلا [آیه ٤ در سوره مایده] واتل عليهم نبا ابني ادم بالحق
اذ قربا قربانا فتقبل من احدهما ولم يتقبل من الاخر قال لاقتلنك قال
انما يتقبل الله من المتقين [آیه ٥ در سوره رعد] قل من رب السموات
والارض قل الله قل افاتخذتم من دونه اولياء لا يملكون لانفسهم
نفعا ولا ضرا قل هل يستوي الاعمى والبصير ام هل تستوي
الظلمات والنور ام جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشابه الخلق
عليهم قل الله خالق كل شيء وهو الواحد القهار [آیه ٦ در سوره مزمل] ان
ربك يعلم انك تقوم ادنى من ثلثي الليل ونصفه وثلثه وطائفة
من الذين معك والله يقدر الليل والنهار علم ان لن تحصوه فتاب
عليكم فاقرءوا ما تيسر من القران علم ان سيكون منكم مرضى

وَاٰخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْاَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ وَاٰخَرُونَ يُقَاتِلُونَ
فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَاقْرَؤُا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَاَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ
وَاَقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِاَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ
تَجِدُوهُ عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرًا وَاَعْظَمَ اَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ
غَفُورٌ رَحِيمٌ سیزدهم بجهت دفع بلاها و شدتها و حاجات از خط مرحوم جنت مکان سید علیخان
بنظر رسید که نوشته بودند که شنیدم در شهر رجب سنه هزار و نود سه از جامع کمالات انسیه و ملکیه امیر
اسمعیل بن علی بن سلیمن جابری انصاری که میگفت شنیدم از شیخ متقی شیخ جابر عاملی که گفت مبتلا
کردیدم بتنگی و شدتی که خایف بودم بر نفس و هلاک خود فتم این دعا مسطور را در جیب خود بی آنکه کسی
بمن داده باشد فتم متعجب کردیدم و حیران شدم از این معنی پس در خواب دیدم کوینده را که در زی صلحا و زهاد
بود میفرمود که برای من که ما فلان دعا را بتو عطا کردیم پس دعا کن با او نجات یابی از تنگی و
شدت و نشناختم کوینده را و تحیر زیاده شد پس دیدم مرتبه دیگر حضرت حجت قایم را که فرمود
بمن که دعا کن بدعائی که عطا کردیم بتو و تعلیم کن کسی را که خواهی و گفت تجربه کردم او را
چندین مرتبه پس دیدم فرجی نزدیک و بعد از آن کم شد از من آن دعا مدتی و متاسف
بودم بر آن و استغفار میکردم از بدی اعمال خود پس شخصی نزد من آمد و گفت این دعا را
در فلان موضع کم کردی و نبود در خاطرم که با آن موضع رفته باشم پس دعا را گرفتم و سجده
شکر بجای آوردم و دعا اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ رَبِّ اَسْئَلُكَ
مَدَدًا رُوحَانِيًّا تُقَوِّي بِهِ قُوَايَ الْكُلِّيَّةَ وَالْجُزْوِيَّةَ حَتّٰى اَقْهَرَ بِمَبَادِئِ
نَفْسِي كُلَّ نَفْسٍ قَاهِرَةٍ فَتَنْقَبِضَ لِي اِشَارَةُ دَقَائِقِهَا اِنْقِبَاضًا
تَسْقُطُ بِهِ قُوَاهَا حَتّٰى لَا يَبْقٰى فِي الْكَوْنِ ذُو رُوحٍ اِلَّا وَنَارُ قَهْرِي
قَدْ اَحْرَقَتْ ظُهُورَهُ يَا شَدِيدُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ يَا قَهَّارُ
اَسْئَلُكَ بِمَا اَوْدَعْتَهُ عِزْرَائِيلَ مِنْ اَسْمَائِكَ الْقَهْرِيَّةِ

دیرار یا قهار اسئلک

فَانْفَعَلَتْ لَهُ النُّفُوسُ بِالْقَهْرِ اَنْ تُودِعَنِي هٰذَا السِّرَّ فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ
حَتّٰى اُلَيِّنَ بِهِ كُلَّ صَعْبٍ وَاُذَلِّلَ بِهِ كُلَّ مَنِيعٍ بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ
پس میخوانی در سحر سه مرتبه اگر ممکن شود و در صبح سه مرتبه و در شام سه مرتبه پس هرگاه سخت
شود کار بر کسی که میخواند این دعا را بعد از قراءت دعاء مذکور سی مرتبه بگوید یَا رَحْمٰنُ يَا
رَحِيمُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَسْئَلُكَ اللُّطْفَ بِمَا جَرَتْ بِهِ الْمَقَادِيرُ
چهاردهم طریق بستن حرز مبارک حضرت جواد علیه السلم آنست که بعد از اتمام دعاء و قصه
فضه غیر مغشوشه باید وضو گرفته و چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و هفت مرتبه
آیة الکرسی و هفت آیه شریفه شهد الله و هفت مرتبه سوره و الشمس و ضحیها و هفت مرتبه سوره
و اللیل اذا یغشی و سوره قل هو الله احد صد بخواند بد و سلام بجای آورد و باید در وقتی ببندد که قمر
در برج عقرب نباشد و دیگر هشت دعاست که بدرگاه ذو الجلال رد نمیشود خواه دعاء خیر و خواه
دعاء بد اول دعاء پیغمبر در حق امت دویم دعاء امام بر حق ماموم سیوم دعاء والدین
در حق ولد چهارم دعاء معلم در حق متعلم پنجم دعاء زوج در حق زوجه ششم دعاء مالک
در حق مملوک هفتم دعاء مظلوم در حق ظالم هشتم دعاء فقیر در حق غنی و اما باید
دانست که دعا خواندن و ذکر کردن کار بزرگان دین است و بی اجازه استاد و
طریق و آداب و عاملی ندارد مگر اگر اهل اصطناع ما شاکر و خود را در کار خود قایل
نه بینند او را مرخص نمیکنند و اگر بی رخصت استاد کار کنند بهره نمیبرند و همچنین اهل
دعا و ذکر از همه غش باید که پاک کنند خود را و از استاد خود مرخص شوند تا بهره برند
و اگر نه مدعا حاصل نمیشود بلکه برعکس مدعا میشود و اعتقاد ایشان از دعا خواندن
و ذکر کردن سلب میشود پس هر آینه باید که چشم از خلق بپوشد و توکل کند بر خدا تعالی
و شفیع کند رسول خدا و ائمه اطهار را و در خود سازد دعا و ذکر را اسم اعظم
با و ضرری نمیتواند رسانید در هر حالتی که بوده باشد روزی و رجا القصه و همچنین گفتوکو

فرموده است وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ
الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ
پس رزق کریم آنست که مرزوق را از شهود باز ندارد بیت تو روزی ده روزی و ایمان
از سبب بگذر مسبب بین عیان از مسبب میرسد هر خیر و شر نیست از اسباب و وسطای بر
اصل میبنه دیده چون احول بود فرع میبینه دیده چون احول بود بزرگان دین گویند که رزق و
روزی را فرموده تا ترا طلب کند و ترا فرموده که خداوند خود طلب کنی و تو همه در طلب او بی
که او طلب تو میکند بیت بشغل جهان رنج بردن چه سود که روزی بکوشش نشاید فزود
ز دنبال روزی چه باید دوید تو بنشین که روزی خود آید بدید پس مثلا احوال این بنده اثیم
محمد کریم آنست که در تاریخ سنه هزار و صد و سی و چهار که جماعت بد عاقبت افاغنه ملاعنه در
عراق و فارس مستقل شدند اموال و احوال این بنده گناهکار بحوادث روزگار رفته بنحوی
که محتاج بشام یکشبه بود و اکثری از ملعونان نا محمود مردود و پس و بعضی از اقوام آن بر
زیر دست آزار در پی اذیت و آزار و قتل حقیر بودند و بنده علاجی در کار خود مضطرب و حیران
مانده و آناً فاناً مترصد قتل میبود و چون دو نفر از علماء عظام و صلحاء ذوی الاحترام زمان
شیخ احمد من علماء جزایر عرب رحمه الله و مولانا ابو الفتح بن مولانا ابراهیم فارسی استاد حقیر
بودند و چون بنده را مضطرب حال دیدند اذکار چند که درین رساله ذکر شده است تعلیم
حقیر فرمودند که ورد خود کردم بعد از چند یوم آن زبر دست ملعون در روزی که رضوان آرامگاه
میرزا محمد مهدی مشتهر به شیخ الاسلام فارس را بدرجه شهادت فایز گردانید بنده را با جمیع طلب نمود
و مهربانی کرد و خدمات بحقیر مرجوع نمود که اگر در وعده حاضر نباشم در معرض بازخواست شوم پس
فرصت را غنیمت دانسته عیال خود را برداشته بنواحی دیار قین رفته بکنج انزوا نشسته
حق سبحانه و تعالی چشم و گوش و زبان اعادی را چنان مسدود نموده که اکثر اوقات با خویشان
و مقربان او ملاقات واقع میشد و از مشروط و گذشته هیچ مذکور نمیشد و مجرد و فنا و فی الله

بود و اتکا در رزاق علی الاطلاق سبب چند میساخت که هرگز در خیال این بنده نامه سیاه نمیگذشت
و همه روزه من حیث لا یحتسب روزی میرسید و بدار دنیا الحمد لله برفاه حال میگذشت
و بر مصداق فرموده سید کاینات محمد مصطفی مِدَادُ الْعُلَمَاءِ خَيْرٌ مِنْ دِمَاءِ
الشُّهَدَاءِ و در جای دیگر فرموده که مَنْ حَفِظَ عَلَىٰ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا
بَعَثَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا هر چند این بنده ضعیف خود را در آن
مرتبه نمیدید که بتالیف این رساله جرأت نماید اما ملتمس است از برادران ایمانی و محبان علی ابن ابی
طالب که بعد از مطالعه این رساله چنانچه بر سهوی که از لوازم انسان است مطلع گردند بذیل عفو
در پوشند بلکه در اصلاح و کوشند و این بنده اثیم را بفاتحه و طلب مغفرت یاد نمایند ای عزیز
من تا لوح سینه از کینه خالی نکنی و در جایش تخم محبت اهل بیت نکاری و دیده را از اشک و
آه پر نکنی و سحرها را بزاری بسر نبری و از عصیانهای گذشته استغفار نکنی و شکم را از خوردن
حرام پاک نکنی و قناعت بروزی حلال نکنی و تن را مانند خلال نکنی تیر دعا بهدف اجابت
نرسد پس هر آینه هر بنده که باعتقاد درست بطریق مذکور و شروط مقرر دعا کند البته از
درگاه قاضی الحاجات رد نمیشود بلکه حق تعالی خیر بنده اش را بهتر میداند اگر در دنیا حاصل نشود از برای
ذخیره آخرت در خزانه رحمت ضبط میشود چنانچه فرموده مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ
نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي
الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ و اما بعضی از اهل دنیا از برای دنیا دعا و اذکار را ورد خود مینمایند
و چون آن دعا و ذکر مجرب است رد نمیشود پس دنیا با ایشان رو میکند و اما آخرت از ایشان
پشت میکند چنانچه رسول خدا فرموده مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمَثَلِ الْمَشْرِقِ وَ
الْمَغْرِبِ مَتَىٰ ازْدَدْتَ مِنْ أَحَدِهِمَا قُرْبًا ازْدَدْتَ مِنَ الْآخَرِ بُعْدًا
فانیست و باد و بوارث او خیر منه هر پس حسابش عقاب و میماند دو حساب اگر از حلال
حسابست و اگر از حرامست عقابست و از امام جعفر صادق منقولست و نیز بهمین دست از امام محمد

وقتی و اولاد

علیه السلم ماثورست که مال دنیا جمع نشود الا به پنج خصلت اول بخل شدید دویم امل طویل سیوم
حرص چهارم قطع رحم پنجم اختیار دنیا بر آخرت کردن و همچنین قوله تعالی فَكَانَ تَحْتَهُ
كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا صدق الله یکی از اکابر دین دوازده کلمه را از
کتب آسمانی استخراج کرده نوشته با خود نگاه میداشت و هر روز دو نوبت مطالعه میکرد
اول آنکه ای پسر آدم تا زمانی که دانی سلطنت من باقیست از هیچ سلطان مترس دویم آنکه ای پسر آدم تا زمانی
که دانی که خزانه من معمورست غم روزی مخور سیوم آنکه ای پسر آدم بحق من که برتست که ترا دوست
میدارم و بحقی که مراست بر تو که تو نیز مرا دوست دار چهارم ای پسر آدم همچنانکه امروز عمل فردا را
از تو نمیطلبم تو نیز روزی فردا را از من مطلب پنجم ای پسر آدم همچنانکه از برای نفس خود همیشه
بر ما غضب میکنی گاه گاهی بر نفس خود غضب میکن ششم ای پسر آدم فرض ما بر ذمت تست و روزی
تو پیش ماست اگر تو در حق فرض ما تقصیر میکنی ما از روزی تو هیچ کم نکنیم هفتم ای پسر
آدم هر کس ترا دوست دارد از بهر خود دوست دارد اگر ما ترا دوست داریم از برای تو ترا
دوست میداریم باید که تو دوست خود را بشناسی و بغیر ما بدیگری نپردازی هشتم ای پسر آدم
هرچه آفریده ام از برای تو آفریده ام و ترا برای خود آفریده ام عمر خود بمعصیت تلف میکنی تو
دست از معصیت و گناهان بدار و بما مشغول شو که آنچه از برای تست بتو میرسد و آنچه از برای
دیگریست بتو نمیرسد نهم ای پسر آدم در آفریدن تو هیچ تقصیر نکرده ام در اعضا و جوارح تو و
روزی تو مقرر کردیم تو ما را فراموش میکنی و کسی که یکسان بتو میدهد آنرا یاد میکنی و مرا یاد
نمیکنی دهم ای پسر آدم اگر بقسمت ما راضی شوی تنت در آسایش باشد و پیش ما عزیزی و اگر بقسمت
ما راضی نیستی ترا بر دنیا گماریم و دنیا را بر تو کار یم تا همچنان چهارپای بجاهت بهند و در
ترا زنند که هلاک شوی و بعد از آن مرحوم نشی یازدهم ای پسر آدم بحق عزت و جلال من که غیر آنچه
من بتو تقدیر کرده ام بتو نخواهد رسید میکا نیکی رها کن و آشنا شو دوازدهم ای پسر آدم
هر که ما آنرا دوست میداریم سه چیز ما آنرا میدهیم ... شفقت چون آفتاب تواضع

چون زمین نقلست که عالمی صالح مستحق بدر خانه بخیلی توانگر رفت و گفت چنین بمن رسیده
که تو چیزی از مال خود مزد ارباب استحقاق کرده و من بغایت مستحق و محتاجم خواجه بهانه کرد
گفت من آنچه گفته ام نامزد کوران کرده ام و تو کور نیستی عالم گفت غلط کرده کور حقیقی منم که
روی از رزاق مخلوقات برتافته ام و بسوی مثل تو بخیلی شتافته و روی از آن بگردانیده خواجه از
سخن او متاثر شد از عقبش بدوید هرچند خواست که برگردد نیامد دویگر بدانکه نصف دین در عفت
و نصف از گناه اجتناب کردنست و بدانکه تمام اعضا و جوارح تو در قیامت بر تو گواهی دهند
و ترا در قیامت میان خلایق رسوا و فضیحت نمایند چنانچه حق تعالی فرموده است الْيَوْمَ نَخْتِمُ
عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
پس جمله تن خود را نگاه دار خاصه هفت اندام را یعنی چشم و گوش و زبان و
شکم و دست و پای و فرج و اما چشم را برای آن آفریده است که چون براه روی در پیش پای
نگاه و نظر برنداری و هرچه ترا بدان حاجت نیست نه بینی و در ملکوت آسمان و زمین نظر کنی
و عبرت گیری و صنع پادشاه عالم را ببینی چنانچه حق تعالی فرموده است فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي
الْأَبْصَارِ یعنی عبرت گیرید ای صاحبان دیدها و در جای دیگر میفرماید فَانْظُرُوا إِلَى آثَارِ
رَحْمَتِ اللَّهِ یعنی بنگرید باثار رحمت خدا و اما گوش از برای آنست که سخن خدا و رسول
او و علما و اولیا شنوی و علم حاصل کنی که از آن زاد آخرت یابی و بسعادت ابدی رسی در
این بشارت داخل باشی که فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ
أَحْسَنَهُ یعنی ای محمد بشارت ده آن بندگان را که میشنوند قرآن را و نیکو متابعت
او میکنند و هرچه غیر این بود گوش خود را نگاه دار خاصه از سخن بدعت و فحش و غیبت
شنیدن چون گفته است گوش منه بر لب غیبت روان تا تو هم ابنا زبان نباشی در آن غیبت
و گوش کم کن بدان میان کامت بجون کسان چو کسی نیستی فعال و کم بکن که غیبت بود
شیوه کمرهان و اما زبان برای آنست که ذکر حق تعالی گوید و قرآن خوانی و علم برای راه نمودن

خلق بجا نی چنانچه حق تعالی میفرماید فَاذْکُرُوْنِی اَذْکُرْکُمْ یعنی مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و در روایت
از حضرت رسول صلعم که فرموده اَفْضَلُ الذِّکْرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ یعنی فاضلترین ذکر خدای تعالی
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و هرچه غیر اینست زبان نگاه دارد خاصه از دروغ که دروغ از گناهان بزرگست
و چون بدروغ معروف شوی هیچکس بقول تو اعتماد نکند و از زنا بدتر است رسول خدا فرموده است
که اَلْمُنَافِقُ ثَلٰثٌ اِذَا حَدَّثَ کَذَبَ وَاِذَا وَعَدَ خَلَفَ وَاِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ یعنی نشانه
منافق سه چیز است چون سخن گوید دروغ گوید و چون وعده کند خلاف کند و چون امانت دهی خیانت
کند و اما نفس و شکم را از حرام و شبهه نگاه دارد و از حلال بسیار خوردن و شکم را نگاه دارد که چون
معده پر شود دل سیاه گردد و حافظه تباه شود و بدنها از عبادت گران گردد و شهوت که لشکر
شیطانست قوی گردد و سیر خوردن از حلال که همه پلیدیهاست پس اگر حرام بود چگونه بود طلب و نقصان
بر مسلمان و عبادت با خورش بسیار حرامت و چون بنائی بود که بر سر سرگین بود گمان مبر که حلال
یابت که چون با جامه کهنه و نان خورش قناعت کنی از حلال یابی و یقین دانی که هر گوشت که از حرام
بر تن تو بیفزاید باتش سزاوارتر است چنانچه حضرت رسول صلعم فرموده کُلُّ لَحْمٍ نَبَتَ مِنَ الْحَرَامِ فَالنَّارُ
اَوْلٰی بِهَا و اما دست را نگاه دار از آزردن مسلمانان و از حرام گرفتن و در ودیعت و امانت
خیانت کردن و بقلم چیزی نوشتن که زبان نشاید گفتن که نوشته باند و گفته برود و دیگر چنان
نکن که مسلمانان از دست و زبان تو در زحمت باشند که رسول خدا صلعم فرموده است اَلْمُسْلِمُ
مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُوْنَ مِنْ یَدِهٖ وَلِسَانِهٖ یعنی مسلمان آنکس است که مسلمانان از دست
و زبان او سلامت باشند و اما فرج را از زنا نگاه دار و دین و تقوی است که چشم را از حرام
نگاه داری و نفس و دل را از اندیشه او نگاه داری و شکم را از شبهه و حرام و بسیار خوردن
نگاه داری که بسیار خوردن شهوات انگیز است و اصل همه شهوتها سیر خوردن است خاصه شبهه
و زنا که برکت از عمر و مال میبرد چنانچه رسول خدا صلعم میفرماید که اَلزِّنٰی یُوْرِثُ الْفَقْرَ یعنی
زنا میراث آورد درویشی را و اما پا را از برای آن آفریده است که بجایگاه و مقام خیر روی نه بجانه

پادشاهان و وزیران و غلامان ظالم نروی الا بضرورة و هرکه توانگر ظالم را تواضع کند برای توانگری
آبروی او زدین وی برود پس ای عزیزان رستکاری از پرهیزکاری و تقوی و طاعت بود
پس جهد کن که از صالحان باشی نه از زیانکاران و سرهمه طاعتها دوستی و محبت اهل بیت
رسول خداست اگر میخواهی که از جمله رستگاران باشی در محبت و دوستی ایشان بیفزا و دست
در دامن عُرْوَةُ الْوُثْقٰی امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان عالی مقدار او زن زیرا که دوستی ایشان
نجات آخرت و دشمنی ایشان بدبختی و گمراهی هر دو جهانست و همیشه جای آنکس در دوزخ باشد.
پس دیده بصارت بگشا و راه نجات طلب کن تا در دنیا و آخرت سرافراز باشی فصل دویم
در بیان صبر و شکیبایی و سخاوت و بخل در این رساله قدری از آن ذکر میشود انشاء الله تعالی
و اما بیان صبر کردن بدانید ای بندگان خدا ای مؤمنان که هرگونه بلیات که از حضرت
عزت تبارک و تعالی که ببنده میرسد و صبر صفتی بغایت مقبول و مرضیست و منقبت صبر
همین بس که اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصَّابِرِیْنَ و چون آفتی در دنیا بایشان رسد بمقتضای قوله تعالی
اِنَّمَا یُوَفَّی الصَّابِرُوْنَ اَجْرَهُمْ بِغَیْرِ حِسَابٍ وَالصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ
فَاِذَا اَصَابَتْهُمْ مُصِیْبَةٌ قَالُوْا اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ اگر در نفس یا
در عیال مصیبتی روی بوی آورد دست در دامن صبر زده رجوعش بکلمه اِنَّا لِلّٰهِ بود در روایت
از حضرت خواجه کاینات صلعم که فرمود صبر بر سه نوع است صبریست بر مصیبت و صبریست بر طاعت
و صبریست بر معصیت و هرکرا مصیبتی رسد و بر آن صبر کند سیصد درجه ویرا در بهشت حاصل شود
اگر نفس او مایل معصیت باشد نفس خود را از آن باز دارد و بر آن صبر کند نهصد درجه او را در
بهشت حاصل شود در روایت از سلمان فارسی رضی الله عنه از حضرت رسالت پناه صلعم فرمود بنده مؤمن را چون فرزندی
یا عزیزی بمیرد حق تعالی گوید ای فرشتگان بنده من در حالت مصیبت چه گفت گویند گفت
اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ حق تعالی گوید ای فرشتگان برای بنده من خانه در بهشت بنا
کنید و آنخانه را بیت الحمد نام کنید پس باید که بنده مؤمن در حالتی که حادثه پیش آید گوید

استرجاع بر زبان راند و اما بیان شکر باری تعالی و آن سپاس و ستایش بود هر نعمی را بر انعام وجود
نعمت و سلطنت بزرگترین نعمتهاست پس بنده و سلطان باید که شکرگذاری و سپاس داری این نعمت قیام
نماید هم بدل باشد و هم بر زبان هم بجوارح و اعضا و اما شکر دل آنست که منعم حقیقی را بشناسد و
بداند که هر نعمتی که باو میرسیده از فیض بیغایت و لطف بینهایت اوست و اما شکر زبان آنست
که پیوسته حق را یاد کند و کلمهٔ الحمد لله بیاد گوید که گفتن این کلمه وفاست بشکر نعمت و اما
شکر جوارح آنست که قوت آن نعمت را در طاعت منعم صرف کند و هر عضو را بطاعتی که بدان عضو
مخصوص است مشغول گرداند مثلا طاعت چشم آنست که نظر در مخلوقات بعبرت کشید و در علما
و صلحا بنظر رحمت نظر کرد و بضعفا و زیردستان بشفقت نگاه کند و اما طاعت گوش آنست
که استماع کلام ربانی و اخبار نبوت و روایات ائمهٔ معصومین و قصص اکابر دین و مواعظ و نصایح مشایخ
اهل یقین است و اما طاعت دست آنست که احسان بفقیران و محتاجان کشید و اما طاعت پای رفتن
بمساجد و معابد و زیارات و مزارات اولیا و عیادت بیماران مؤمن و تفقد درویشان و زیارت
گوشه‌نشینان بی‌طمع و بحکم وَلَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ شکرگذاری سبب زیادتی
نعمت حق سبحانه تعالی ملک و مال و جاه و جلال است و منقول است که داود نبی گفت که خداوندا
نعمت تو بر من چند است تا آنکه شکر او گذارم وحی رسید که ای داود نعمت من بسیار است اگر خواهی
شکر همه را بجا آوری نتوانی درین بود که جبرئیل از حضرت رب العالمین در رسید و گفت یا داود امر
شد که نفس فراگیری داود نفس را فرا گرفت چندان که هلاک شود جبرئیل گفت ای داود اگر
همه دنیا ترا باشد و گویند شیئی بده تا بگذاریم که نفس بر آید بدهی گفت بلی گفت اگر همه بدهم پس
جبرئیل گفت یا داود در شبانروزی چند هزار نفس است که از سینه بر آید و هر نفسی نعمتی است
از نعمتهای الهی شکر تا عجز خود بدانی و شکر نعمت خدا تعالی چنانکه میباید نتوانی که این نعمت از دست
حیثی آن نکنی که شکرش کرده باشی چنانچه حضرت خواجهٔ کونین صلعم فرمود که هر که عطا میدهد باید که
مکافات او کند اگر نتواند باز گوید و حدیث کند تا شکر باری تعالی کرده باشد چنانکه شیخ سعدی ره

گفته است منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و بشکر اندرش مزید نعمت هر نفسی که
فرو میرود ممد حیات است و چون بر می‌آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر
هر نعمتی شکری واجب از دست و زبان که بر آید کز عهدهٔ شکرش بدر آید اِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ
شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر بدرگاه
خدا آورد ورنه سزاوار خداوندیش کس نتواند که بجا آورد باران رحمت بیحسابش
همه جا رسیده و خوان نعمت بیدریغش همه جا کشیده پردهٔ ناموس بندگان را بگناه فاحش
ندرد و وظیفهٔ روزی خواران بخطای منکر نبرد ای کریمی که از خزانهٔ غیب گبر و ترسا وظیفه
خور داری دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمنان نظر داری ابر و باد و مه و خورشید و فلک
در کارند تا تو نانی بکف آری و بغفلت نخوری همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردارند
شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری و اما چون از خزانهٔ پادشاه عالم نعمتی و خلعتی و تشریفی
چیزی بوی رسد در عقب آن شکر آنرا بر زبانش اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بود دوست که حضرت نوح چون
طعام [illegible] میگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و چون می‌نشست میگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و چون بر
میخواست میگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حق سبحانه و تعالی ویرا از جملهٔ شاکران نوشت قوله تعالی اِنَّهُ
كَانَ عَبْدًا شَكُورًا و حمد از شکر عام تر است و حمد بر خصال او باشد و بر نعمت او نیز و حمد
الله جل علی انعامه و حمده و علی شجاعته شکر بر نعمت باشد و حمد بر زبان و بر دل باشد
وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا و کان باشد و حمد شکر است اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَأْسُ الشُّكْرِ لِمَا اشْكُرِ اللّٰهَ عَبْدًا ای حمده شکر نکرده باشد حق تعالی بنده که حمد او
نکند شکر قدر نعمت حاصل است و صید نعمت اجل اگر شکری کند نعمت بر تو زیاده گردد
لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ حق تعالی فریضه کرد شکر کردن بر نعمت چنانکه فریضه کرد صبر کردن
بر شدت قوله وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ روایت از حضرت رسالت پناه فرمود
که هر که حق تعالی آزمایش میکند آنرا ببلای مبتلا میگرداند تا صبر کند و اگر نعمت دهد و را شکر کند

۵ ۲۰

واکر براو ستم کنند و آنکس از برای خدا تعالی در کذرانند کفتند یا رسول الله ثواب اینچنین کسان
چیست آنحضرت فرمود که آنچه خدا تعالی ذکر کرده است اُولٰئِكَ لَهُمُ الْاَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ
یعنی ایشانرا امانست از آتش دوزخ و ایشانند راه یافته به بهشت آنحضرت فرمود که چون حق تعالی
بنده را نعمتی دهد باید که پیش اول بکوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ شکر نعمت دنیا و
آخرت کذارده باشد واما شکران وطاعت داشتن بخدا تعالی بزرکان دین کفته اند که
هلاک مردمان در سه چیز است یکی آنکه کناه میکنند بامید توبه و توبه نکنند و دیکر امید ندکانی
وطاعت نکند بامید رحمت کار نکرد مدد ندارد آه آه ای عزیزان در روزی که نامهای اعمال پرواز شود
بعضی را بدست راست دهند و بعضی را بدست چپ چون بر دست من عاصی دهند کویند
اِقْرَأْ کِتٰابَكَ برخوان نامه خویش را آه آه من مسکین چون بنامه خود نظر کنم همه معصیت
بینم آه آه وای بر من کویم هٰذَا الْکِتٰابِ لَا یُغٰادِرُ صَغِیْرَةً وَلَا کَبِیْرَةً اِلَّا
اَحْصٰیهٰا وَوَجَدُوْا مٰا عَمِلُوْا حٰاضِرًا چیست این نامها که هیچ کناه بزرک و
خورد نمانده است که در این نامه نوشته است از عملهای من آنچه در دنیا کرده بودم حاضر آورده
پس سر در پیش افکنم و حسرت خورم و سود ندارد و همچنانکه رسول خدا ص میفرماید که در روز
قیامت ملک حق تعالی بر بندکان عاصی خود را میفرماید نه منت آفریدم نه منت بینائی دادم نه منت
کویائی دادم نه منت شنوائی دادم نه منت دست کیرائی دادم نه منت پای روائی دادم نه منت
نه منت دل با معرفت دادم نه منت شب و روز نکاه میداشتم نه منت در شکم مادر نه ماه نکاه
داشتم و غذا بتو رسانیدم پاک بودی از جفای آلودکی آوردی ای بیوفای از شکم مادر بیرون
آمدی با ایمان بودی از کجا آوردی این عصیان از نزدیک من برفتی با صفا اکنون آوردی
این جفا ای بنده از من شرم نکردی و از من نترسیدی که عنان خود را از من باز کشیدی برتو رسول
فرستادم بر زبان او پند و نصیحت جاری کردم نه ترا از دوزخ ترسانیدم شراب معرفت و محبت
چشانیدم این همه کناهان چیست آنکاه بندکان شرمسار فرو در آید و آه سرد از جکر بر درد کشند

وکویند وا ندامتاه و واحسرتاه از درد دل بنالند و آب حسرت از دیده ببارند المناجات الٰهی
از آن نور کیتی فروز شب محنتم را فروزان چه روز بکن چشم از دانه اشک پر که سقوم
زان کرانمایه در زر فیض سحر کاه کن آکهم که خاشاک عصیان بر دار زرهم مده احتیاجم بهر کسی
ذلیلم مکن بر در هر خسی مبر بهر نان نزد دونان مرا مکن زیر بار زبونان مرا نکردی چه منت
غمم منه منت خلق برکردنم بنان حرام میالای کام که بدتر بود آن ز نار روز قوم بده کنج
قناعت مرا حضوری ده از ذوق طاعت مرا بخوان عوان هم نشانم مده طعام از سفال کانم
مده بدرکاه امیرم مبر بهر بار در آن بارزنت مراد و درداد مکن بندهٔ خواجه ام بهر کام دو بنده که
زکنده یکفلام ❊ عنتا ز تو میتوان کرد و بس ❊ تهی کن ز رنج طمع سینه ام
که در سینه نبود ز کس کینه ام ❊ مترسان در این دشتم از خار و خس ❊ بترسان ز خود تا نترسم
زکس ❊ چه شد موی روی سیاهم سفید ❊ باسفیدی روی دارم امید ❊ مرا جرم پیشین بکردن منه
در آینده توفیق کردن مده ❊ چو من عاجز را چه آید ز دست ❊ بتوفیق تو چشم امید هست ❊ بحل
کناه مرا مپش کن ❊ خط عفوی در رقم خویش کن ❊ کنا هم ببخش و بشور دلم که از یاد دهم نباشم
خجل ❊ یا رب بحق ذات پاکت ای کریمی یا رب بحرمة نبی و عزت ولی آن دو پسر با دین عباد
و باقر و جعفر و با موسی و بالرضا و تقی و هم نقی کر عسکریم ده ببوی مهدی صاحب کرمی که صد
خطا می بخشد خوش باش در هم صفتی که جرم می بخشد یا رب بحرمة این کریمان دین مبین در این
فانی چند کارم برآری بلکه توشه کیرم برای آنجهان باقی بفضل خود ای کریم پر کرم که روزی
کنی علم و دانش مرا دهی هم تو توفیق عبادت مرا اول حاجتم را نمانی بکس برانده او توبا شی
بس دویم روزیم را از جای رسان که منت نباشد کشیده از کسان سیوم چون برکم
اشارت بود بان لاتخافوا و ابشارت بود چهارم چنانم سپاری بخاک که باشم ز آلودکی
جمله پاک به پنجم [illegible] رسانی تنم را بآن پنج تن ششم آنکه رویم ز جرم کنه
نباشد بمیدان حشر سیاه بهفتم بنیکوترین حال من بچربد ترازوی اعمال من بهشتم که

۲:۶

برمن زکردار زشت نه بندند درهای خرم بهشت نهم انکه در زیر بالای پل بکردن نباشد مرا بند وغل دهم
بهنکام بیم وفزع زبانم نکیرد در آن دم جزع ده ویک چو آتش زبانه کشد مرا لطف تو در کرانه کشد
ده و دو چو افزون شود کناه برمن آسان کنی سوال وجواب برمن ببخشای برمن که بیچاره ام کرفتار
نفس ستمکاره ام زعصیان سیه بختم وتیره روز چراغم بنور یقین برفروز وکر تو نبخشی دیگر کیست
پروردکارم ترحم بکن بر عبد خود کریم ای کریم بحرمت شاه رسل مرتضی یا رب بحرمت چهارده
معصوم رهنما از مرحمت بخش حقی این زمان هم کام این دار فانی وهم انعام آن بقا یا اله العالمین
ویا خیر الناصرین یا امیر المؤمنین یا ذا النعم یا امام المتقین یا ذا الکرم اِنَّا جِئْنَاكَ فِي
حَاجَاتِنَا لَا تَحْرِمْنَا وَقَلِّبْنَا نِعَم **در بیان سخاوت و کرم** بدانکه سخاوت چهار است
اول سخاوت مال است **دویم** سخاوت تن است **سیوم** سخاوت جانست **چهارم** سخاوت دل است
وبدانکه سخاوت تن از آن مجتهدانست وسخاوت جان از آن غازیانست وسخاوت دل از آن
عارفانست وسخاوت مال از آن زاهدانست وبدانکه زاهدان مال بدهند تا آخر عوض بستانند
ومجتهدان تن بدهند بخدمت تا هدیه بستانند وغازیان جان بدهند تا حیات جاودانی بستانند
وعارفان دل بدهند تا محبت بستانند روایت کرده اند از سید کاینات وخلاصه موجودات
محمد مصطفی که فرموده سخاوت درختیست در بهشت وشاخهای او درین جهان است هر که در شاخ
او دست زند به بهشت رساند وبخل درختیست در دوزخ وشاخهای او در دنیاست هر که دست در شاخ
او زند بدوزخ رساند **وایضا** آنحضرت فرموده که ایمان میکوید خداوندا مرا قوت ده وقوت او
سخاوت ونیکوئیست وکفر وضلالت میکوید که مرا قوت ده وقوت او بخل است وبدخوئی وبدی
ونیز فرمود که حق تعالی بیامرزد کناهان سخی را پیش از انکه او آمرزش خواهد خدا تعالی دوست دارد
جاهل سخی را از عالم بخیل ودیگر فرمود که **سه کروه** در بهشت در نیایند **اول** انکه مادر وپدر آزارد **دویم**
انکه خمر خواره باشد وبی توبه بمیرد **سیوم** انکه بخیل باشد در خبر است از رسول خدا که بر شما باد صدقه
دادن که در آن **شش خصلت است سه در دنیا وسه در عقبی** آنکه در دنیاست خانهارا آبادان کند

در روزی را فراخ کرداند وعمرها را بسیار کند وآن **سه دیکر** که در آن جهانست سرای شما را سایه کند وعورتهای
شمارا بپوشد وپرده باشد میان شما ودوزخ ومنقولست از حضرت موسی که کفت حق تعالی مرا فرمود که یا
موسی مال منست وبهشت بهشت منست بخرید بهشت مرا از مال من که سود کنید اکر زیان کنید
برمن وباز حق تعالی فرمود که یا موسی من کلامیکنم از بندکان خود بر چهار چیز **اول** سخاوکرم خواستم از بخیلان
ایشانرا دادم وایشان بخیلی کردند **دویم** ببهشت ایشان خواندم مرا اجابت نکردند **سیوم** از دوزخ
ترسانیدم ایشان جهد کردند که بدوزخ بروند **چهارم** روزی ایشان مقدم کردم تا بدیشان رسد وایشان
در طلب او کوشش کردند **واما** سعادت دین آنست که حق تعالی فرمود که مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ
عَشْرُ أَمْثَالِهَا یعنی هر که یک حسنه بیارد او را ده حسنه کرامت کند باز فرموده است وَمَنْ
جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا یعنی هر که بیارد سیئه او را یکی بیکی حساب کنند
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ یعنی ایشان که اهل حسنه وسیئه اند ستم دیده نخواهند شد بنقصان ثواب و
زیادتی عذاب **بیت** انکه ترا توشه ره میدهد از تو یکی خواهد وده میدهد بهتر ازین مایه
ستانیت نیست سود کن آخر که زیانیت نیست روایت از حضرت امیر المؤمنین که فرمود لَا كَرَمَ
أَعَزُّ مِنَ التُّقَى کرکرمی براه تقوی رو زانکه تقوی سر همه کرمست **واما** بیان بخل **قَالَ النَّبِيُّ**
السَّخِيُّ فِي جِوَارِ اللهِ وَأَنَا رَفِيقُهُ وَالْبَخِيلُ فِي النَّارِ وَرَفِيقُهُ إِبْلِيسُ یعنی
سخی در جوار حق تعالی باشد ومن که رسولم رفیق اویم وبخیل در دوزخ باشد ورفیق او ابلیس است ودیگر آنحضرت
فرمود اَلْجَنَّةُ دَارُ الْاَسْخِيَاءِ یعنی بهشت سرای سخاوت کنندکانست **بیت** بهشت جنت
جای انکس کو سخیست زانکه انکو بخل ورزد دوزخیست هر دبخشنده رحیم مهربان رحمت حق لازم
مرد سخیست روایتست از حضرت امیر المؤمنین که فرمود بَشِّرْ مَالَ الْبَخِيلِ بِحَادِثٍ أَوْ وَارِثٍ
یعنی بشارت ده مال بخیل را بحادثی یا بوارثی **نظم** حب دنیا چو کشد سر به آسمان طاعت حق بر زمین افتاد و
شد مالها جمله ایام دلبای صرف عصیان کرده ایم خواب غفلت برده دایم احوال ما نیست
بیداری ازین بوم خدا داعی ورنه هرکز حل نکردد عاقبت اشکال ما ای عبد هدوی جز برین درکاه ما

ذکر بخل

تا بدست آید همه اعمال را **مطلب پنجم** در بیان نمازهای واجب که مخصوص روزی نیست و نمازهای
سنت که اختصاص بوقتی ندارد و دعاهای که بعضی از آنها عربست **اول** نماز آیات است بدانکه این نماز واجب
است نزد کسوف آفتاب و خسوف ماه خواه کل بگیرد و خواه بعض و در زلزله یعنی لرزیدن زمین و آیتی که
از جانب آسمان حادث شود که موجب خوف غالب خلق گردد و این نماز واجب میشود نزد بادهای بسیار
شدید که خلاف عادت باشد خواه رنگین باشد و خواه نباشد و صاعقهای عظیم و رعدهای بسیار شدید و تاریک شدن
هوا و امثال اینها **و اما** کیفیت این نماز دو رکعت است اول قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه
گرفتن یا زلزله یا آیت میگذارم ادا قربة الی الله پس **تکبیر احرام** بگوید حمد و هر سوره که خواهد بخواند پس
رکوع کند و سر بر دارد و الله اکبر بگوید پس حمد و سوره بخواند تا آنکه پنج رکوع کند و چون از رکوع پنجم
سر بر دارد سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بگوید پس دو سجده بجا آورد و بعد از آن برخیزد و رکعت
دیگر هم بر این طریق بجا آورد و اول وقت نماز خسوف و کسوف ابتدای گرفتن است و آخر وقت
ابتدای منجلی شدن و نماز زلزله و آیات وقتش وقت نیست و بنماز نکند موافق مشهور در تمام عمر ادا است
و مستحب است که این نماز را بجماعت بگذارد و طول بدهد بقدر زمان کسوف و خسوف و هرگاه از نماز فارغ
شد و منجلی نشده باشد مشهور و اقوی آنست که اعاده نماز مستحب است و بعضی واجب دانسته‌اند و مستحب است
خواندن سورهای طولانی با وسعت وقت و برابر ساختن رکوع و سجود با قرائت و مستحب است قنوت
خواندن پیش از رکوع **دویم و چهارم و ششم و هشتم و دهم** و اگر در ایام زلزله مکرر این آیه بخواند
مناسب است اِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا
اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا و از حضرت امام
رضا منقولست که هرکه در وقت خواب این آیه بخواند خانه بر سرش خراب نشود **دویم** در
نماز استسقا یعنی نماز طلب باران در وقتی که باران کم آید و آب چشمها و چاهها کم شود و کیفیت
آن نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد بجماعت باید گذارد و در قنوتها بجای طلب رحمت
و استغفار ذکرها باران و طلب باران باید کرد و بهترین دعاها دعای نوزدهم صحیفه است و اکثر گفته‌اند

وقتش میان طلوع آفتاب تا زوالست و باید امام امر کند مردم را که سه روز روزه بدارند و روز سیوم
بیرون روند و بهتر آنست که روز سیوم جمعه باشد یا دوشنبه و بصحرا روند پای برهنه با سکینه و
وقار و مؤذنان عصاها در دست گرفته پیش روی امام بروند و چون از نماز فارغ شود منبر
بالا رود و ردا را بگرداند و جانب راست بجانب چپ آورد و جانب چپ را بجانب راست پس رو بقبله
کند و بآواز بلند صد مرتبه الله اکبر بگوید و بجانب راست بگردد و صد مرتبه سبحان الله بگوید و بجانب
چپ بگردد و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید و رو بمردم کند و صد مرتبه الحمد لله بگوید و در گفتن ذکرها
مردم با امام موافقت کنند پس دو خطبه بخواند و مبالغه کند در دعا و استغفار و طلب رحمت
و خطبهای منقول بهتر است و روایت که اگر ذکرها را بعد از خطبه بخواند خوبست **سیوم** در بیان
نماز رسول خدا است سید ابن طاوس ره بسند معتبر از حضرت امام رضا ع روایت کرده است که از
آنحضرت روایت کرده‌اند که از آنحضرت سؤال کردند از نماز جعفر طیار آنحضرت فرمودند که چرا
غافلی از نماز رسول خدا شاید رسول نماز جعفر را نکرده باشد و شاید جعفر نماز آنحضرت را کرده باشد
راوی گفت یا بن رسول الله آن نماز را تعلیم من کن آنحضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی در هر رکعت
یک حمد و پانزده مرتبه انا انزلناه میخوانی پس در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و در سر برداشتن
از سجده دویم هر یک پانزده مرتبه سوره قدر میخوانی که در دو رکعت نماز دویست و ده مرتبه بخواند
پس تشهد میخوانی و سلام میگوئی و چون فارغ شوی میان تو و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شده
و هر حاجتی که بطلبی روا شود و بعد از آن این دعا میخوانی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا
الْاَوَّلِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ اِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اللهُ لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ
وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ

وَاَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَاِنْجَازُكَ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَ
النَّارُ حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ اٰمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ
وَاِلَيْكَ حَاكَمْتُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ
وَاَسْرَرْتُ وَاَعْلَنْتُ اَنْتَ اِلٰهِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ مولف
گوید که این نماز از نمازهای مشهوره است و عامه و خاصه در کتب خود روایت کرده‌اند و بعضی این نماز را
از نمازهای روز جمعه شمرده‌اند و از روایت اختصاصی معلوم میشود که ظاهرا در سایر ایام توان کرد
نماز چهارم و پنجم نماز حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و جعفر بن ابی طالب است و احادیث در فضیلت
این دو نماز بسیار است و طریق نمازها سابقا مذکور شد ششم دربیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت
فاطمه سید بن طاوس ره بسند معتبر از حضرت صادق روایت است که فرمودند که حضرت فاطمه
دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل تعلیم آنحضرت کرده بود در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه
سوره قدر و در رکعت دویم صد مرتبه سوره توحید میخوانی و چون سلام میگفت این دعا میخواند
سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ
سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ
سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى اَثَرَ النَّمْلِ فِي
الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ
هٰكَذَا لَا هٰكَذَا غَيْرُهُ سید ابن طاوس ره گفته است وارد شده که بعد از این تسبیح صد
مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بعد از هر نماز صد مرتبه صلوات فرستد و بعد از آن تو
زانوها و ذراعهای خود را برهنه کند و بسجده رود و جمیع مساجد سبعه را بخاک برساند که جامه در میان مانع نباشد
و دعا کند و حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید و در سجده این دعا بخواند يَا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ
رَبٌّ يُدْعٰى يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ اِلٰهٌ يُخْشٰى يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقٰى يَا مَنْ

ذکر نماز حضرت فاطمه

لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتٰى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشٰى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُغْشٰى
يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلٰى كَثْرَةِ السُّؤَالِ اِلَّا كَرَمًا وَجُودًا وَعَلٰى كَثْرَةِ الذُّنُوبِ
اِلَّا عَفْوًا وَصَفْحًا صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا بجای
افعل بی کذا و کذا حاجتهای خود را یاد کند باب ششم دربیان عقد و نکاح و تولد فرزند و
زکوة و خمس و سفر کردن و مریض و احکام اموات و احتضار و برداشتن میت و سؤال قبر و مجملی از
آنها در این رساله ذکر میشود ان شاء الله تعالی و در این باب شش فصل است فصل اول در فضیلت
تزویج و نهی از رهبانیت بسندهای معتبر از حضرت صادق منقولست که از اخلاق پیغمبران است
دوستی زنان و فرمود که گمان ندارم کسی در ایمان چیزی زیاده شود مگر آنکه محبت زنان او را
زیاده میشود و فضیلت ایمان زیاده میشود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا منقولست که
سه چیز است که از سنت پیغمبرانست بوی خوش کردن و موهای زیادتی بدن را ازاله کردن و زنان را
بسیار دوست داشتن و با ایشان بسیار مقاربت کردن و بسند معتبر از حضرت رسول
منقولست که فرمود از دنیای شما سه چیز اختیار کرده‌ام زنان و بوی خوش و روشنی دیده من از
نماز است و در حدیث دیگر منقولست که سکینی نخعی اختیار کرد عبادت را و ترک کرد زنان را و بوی خوش
و طعامهای لذیذ و در این باب نامه بحضرت صادق نوشت آنحضرت در جواب نوشت که اما
زنان پس میدانی که حضرت رسول چند عدد از زنان داشت و اما طعام لذیذ حضرت رسول گوشت و عسل
شاول میفرمودند و میفرمود که هر که زنی بعقد خود درآورد نصف دین خود را حفظ کرده است
از خدا پرهیز نماید از نصف دیگر و فرمود که بدترین مردمان شما عزبانند و فرمود که چه چیز مانع است
مؤمن را از اینکه زنی بگیرد شاید خدا او را فرزندی کرامت فرماید که بگفتن لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰه و فرمود که
هر که خواهد متابعت سنت نماید زن خواهد و حضرت امام محمد باقر فرمود که خوشم نمی آید که دنیا و
آنچه در دنیاست داشته باشم و یکبار کی بی زن بخوابم پس فرمود که دو رکعت نماز که کدخدا
میکند از دو بهتر است از عزبی که شبها تمام نماز کند و روزها بروزه باشد و حضرت رسول خدا فرمود

احکام تزویج و نکاح

که هرکه ترک کد خدائی کند از ترس پریشانی پس تحقیق که گمان بد بخدا برده زیرا که حق تعالی میفرماید که
إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ یعنی اگر ایشان فقیرند بی نیاز میگرداند
خدا ایشانرا از فضل خود و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که زن عثمان بن مظعون
بخدمت حضرت رسول ص گفت یا رسول الله عثمان روزها روزه میدارد و شبها بنزد من نمی آید
حضرت غضبناک بنزد عثمان آمد و فرمود که رهبانیت نفرستاده است ولیکن بدین سهله و آسان
فرستاده است روزه میگیرم و نماز میکنم و با زنان خود نزدیکی میکنم پس هرکه دین مرا میخواهد باید
که بسنت من عمل کند و از سنت من نکاح زنانست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که سه زن
آمدند بنزد رسول خدا ص یکی گفت که شوهرم گوشت نمیخورد و دیگری گفت که شوهرم بوی خوش نمیبوید
و دیگری گفت که شوهرم با زنان نزدیکی نمیکند پس حضرت غضبناک شد و بیرون آمد و
از روی غضب ردای خود را بر زمین میکشید تا بر منبر آمد و حمد و ثنای الهی گفت و فرمود که چرا
جماعتی از اصحاب من گوشت نمیخورند و بوی خوش نمیبویند و نزدیک زنان نمیروند من گوشت میخورم
و بوی خوش میبویم و بنزد زنان میروم پس هرکه سنت مرا نخواهد از من نیست و در حدیث دیگر
زنی بخدمت حضرت شکایت کرد که شوهرم بنزدیک من نمی آید حضرت فرمود که خود را خوشبو
کن تا نزد تو آید گفت هیچ بوی خوش نگذاشتم مگر آنکه خود را با آن خوشبو کردم از من دوری
میکند حضرت فرمود که اگر میدانست که چه ثواب دارد آمدن بنزد تو از تو دوری نمیکرد پس فرمود
چون متوجه جانب تو میشود دو ملک او را احاطه میکنند و ثواب او دارد که شمشیر کشیده باشد و در راه خدا
جهاد کند چون با تو مجامعت میکند از گناهان بیرون می آید مثل روزی که از مادر متولد شود و گناهان
او بریزد چنانکه برگ از درختان بریزد پس چون غسل کند از گناهان بدر آید و حضرت صادق ع
فرمود که دو رکعت نماز که کد خدا میکند برابر است با هفتاد رکعت نماز عزب و اسناد در اصناف زنان و
صفت پسندیده و ناپسندیده ایشان از حضرت صادق ع منقولست که زن بمنزله قلاده است که در
گردن خود می افکنی پس ببین که چگونه قلاده برای خود میگیری و فرمود که زن صالحه و غیر صالحه هیچیک

قیمت ندارند زن صالحه طلا و نقره قیمت آن نیست و زن غیر صالحه بخاک هم نمی ارزد بلکه خاک از او
بهترست و حضرت رسول ص فرمود که همسر بجوئید و مثل خود بدهید و الکفو مثل خود بگیرید از برای نطفه
خود زنی پیدا کنید که شایسته او باشد که فرزندان او نیز بهم رسند و در حدیث صحیح از حضرت امام
جعفر صادق ع مرویست که هرکه زنی بخواهد برای حسن و جمال یا برای مال از هردو محروم ماند اگر برای
دین داری و صلاح او بخواهد حق تعالی مال و جمال او را روزی کند و حضرت رسول ص فرمود که زن باکره بخواهید
که فرزند بسیار آورد و زن مقبولی که فرزند نیارد نخواهید که من مباهات میکنم به بسیاری شما با
امتهای پیغمبران دیگر در روز قیامت مگر نمیدانی که فرزندان در زیر عرش الهی از برای پدران خود
طلب آمرزش میکنند و حضرت ابراهیم ع ایشانرا نگاهداری میکند و حضرت ساره ایشانرا تربیت
میکند در بالای کوهی از مشک و عنبر و زعفران و در حدیث دیگر فرمود که دختران باکره بخواهید که
دهنهای ایشان خوشبوتر و رحمهای ایشان خنک تر و پستانهای ایشان پرشیرتر و
فرزندان آورندتر نیست که من مباهات میکنم در قیامت حتی بفرزندی که از شکم مادر ناتمام
افتاده باشد او می آید خشمناک بر در بهشت می ایستد پس حق تعالی میفرماید که داخل بهشت شو
گوید نمیروم تا پدران و مادران من پیش از من روند پس حق تعالی بملکی امر میفرماید که پدران و مادران
ایشانرا بیاور و داخل بهشت کن و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که بخواه زنی گندم
گون سیاه چشم بزرگ سرین میانه بالا پس اگر نخواهی بیا و مهر او را از من بگیر و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت رسول ص چون بخواستگاری زنی میفرستاد میفرمود که گردن او را
بو کنند که خوش بو و قوذک پایش پر گوشت باشد و از حضرت امام رضا ع مرویست که از
سعادت آدمیست که زنی سفید داشته باشد و حضرت صادق ع فرمود که چون خواهی زنی را بگیری
از کیفیت مو و رویش بپرسید که لطف حسن مویست و حضرت رسول ص فرمود که بهترین زنان شما زنی است
که دوست شوهر باشد و میان خویشان عزیز باشد و نزد شوهر ذلیل باشد و از برای شوهر خود زینت
کند و از دیگران ستر کند و هرچه شوهر او اراده نماید اطاعت کند و با او مضایقه نکند و تنها بشوهر در دیر

که او را بتکلیف بر جماع بدارد و بعد از آن فرمود که بدترین زنان شما زنی است که در میان قوم خود
خوار باشد و بر شوهر مسلط باشد و فرزند نیاورد و کینه ور باشد و از اعمال قبیحه پروا نکند
و چون شوهر غایب شود زینت کند و خود را بدیگران نماید و چون شوهر حاضر شود مستوری ظاهر
کند و سخن او را نشنود و چون شوهر با او خلوت کند چون شتر صعب مضایقه کند از آنچه شوهر
با او اراده کرده و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلعم آمد و گفت
زنی دارم که هرگاه بخانه می آیم مرا استقبال میکند و چون بیرون میروم مرا مشایعت میکند و
چون مرا غمگین می بیند میگوید که چه غم داری اگر از برای روزی غم میخوری خدا متکفل است
و اگر از برای آخرت غم میخوری خدا غم ترا زیاد کند حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد و در حدیث
دیگر فرمود که بهترین زنان امت من آنست که خوشروتر و مهرش کمتر باشد و حضرت صادق ع
فرمود که خوبی آنست که خرجش کم باشد و زاییدنش آسان و شومی زن آنست که مهرش گران باشد
و زاییدنش دشوار و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقول است که خداوند عالمیان میفرماید
که چون خواهم که جمع کنم برای مسلمان نیکیهای دنیا و آخرت را باو میدهم دل شکسته خاشع و زبان ذکر
کننده و بدن صبر کننده بر بلا و زن مومنه که هرگاه باو نظر کند شاد شود و چون شوهر غایب
شود خود را نگاهداری کند و مال شوهر را ضایع نکند وامّا در آداب نکاح و اراده آن در حدیث
حسن از حضرت صادق ع منقول است که هرگاه کسی اراده نماید خواستگاری نمودن دو رکعت نماز
بگذارد و حمد الهی بگوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُرِیدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِی مِنَ
النِّسَاءِ اَعَفَّهُنَّ فَرْجًا وَاَحْفَظَهُنَّ لِی فِی نَفْسِهَا وَمَالِی وَاَوْسَعَهُنَّ
رِزْقًا وَاَعْظَمَهُنَّ بَرَكَةً وَقَدِّرْ لِی وَلَدًا طَیِّبًا تَجْعَلُهُ خَلَفًا صَالِحًا
فِی حَیَاتِی وَبَعْدَ مَوْتِی و در حدیث دیگر سنت است که تزویج در شب واقع شود و در حدیث
دیگر که بحضرت امام محمد باقر ع رسید شخصی زن خواسته در ساعتی که ماه در عقرب بوده است درمیان
دو زن حضرت فرمود که کار ایشان بغیر اتفاق و الفت افتد پس بزودی از هم جدا شدند و شوهر

که عقد کردن در ماه شوال خوب است و حضرت صادق ع فرمود که هر که عقد کند یا زفاف در ماهی که قمر در عقرب
باشد عاقبت نیکو نیابد و در روایت دیگر هر که در تحت الشعاع عقد یا زفاف کند فرزندی که منعقد
شود پیش از تمام شدن سقط شود و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که روز جمعه روز خواستگاری
نکاح است بدانکه مومنان طلبیدن و مهمانی کردن در نکاح سنت است و پیش از عقد نکاح خطبه
خواندن سنت است و از حضرت صادق ع منقول است که از سنت پیغمبر است طعام دادن در وقت تزویج
و حضرت رسول صلعم چون میمونه را تزویج نمود ولیمه فرمود و حیس بمردم خورانید و آن چنان بود
که از خرما و روغن و کشک میساختند و حضرت رسول صلعم فرمود که ولیمه روز اول لازم است و روز دوم
نیکیست و روز سیوم ریا و سمعه است وامّا آداب زفاف و مجامعت بدانکه زفاف کردن
در وقتی که آفتاب یا ماهتاب در عقرب باشد یا تحت الشعاع باشد مکروه است و جماع کردن در فرج زن در وقتی که
حایض باشد یا نفاس حرام است و مابین زانو تا ناف از ایشان تمتع کردن مکروه است و بعد از پاک
شدن و پیش از غسل کردن بعضی جماع را حرام میدانند و احوط اجتناب است مگر آنکه ضرور باشد
پس امر کند زن را که فرج خود را بشوید و با او مقاربت کند و زن مستحاضه اگر غسل و سایر اعمال او را
که میباید کرد بجا آورده با او جماع میتوان کرد و در وطی در دبر زن خلافست بعضی حرام میدانند
و اکثر علما مکروه میدانند و احوط اجتنابست و بهتر آنست که با زن خود جماع کند و آزاد زن منی
خود را بیرون فرج بریزد و بعضی از علما حرام میدانند بی رخصت زن و در کنیز باکی نیست و از حضرت
صادق ع منقولست که نباید مرد را دخول کردن بزن خود در شب چهارشنبه و حضرت امام موسی ع فرمود که
هر که جماع کند با زن در تحت الشعاع پس بر خود قرار دهد افتادن فرزند از شکم پیش از تمام شدن و
حضرت صادق ع فرمود که جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث این میشود که فرزند دیوانه
یا مصروع بشد نمی بینی که کسی را صرع میگیرد اکثر آن در اول ماه و میان و آخر ماه میباشد و حضرت رسول صلعم
فرمود که هر که جماع کند با زن خود در حیض پس فرزند که بهم رسد مبتلا شود بجذام و پیسی پس ست

نکند مگر خود را و حضرت صادق ع فرمود که دشمن ما اهل بیت نیست مگر کسی که ولد الزنا باشد یا در
حیض یا حامله شده باشد و حضرت رسول ص فرمود که چون کسی خواهد که با زن خود جماع کند برو
بنزد او نرود بلکه اول با او اول دست بازی و خوش طبعی بکند و بعد از آن جماع کند و در حدیث صحیح
از حضرت صادق ع منقولست که در وقت جماع سخن نکند که بیم آنست که فرزندی که بهم رسد لال باشد
و در آنوقت نظر بفرج زن نکنید که بیم آنست که فرزندی که بهم رسد کور باشد و در روایت دیگر باکی
نیست نظر کردن بفرج زن در وقت جماع و در چند حدیث وارد شده که مرد و زن در حالتی که خضاب
بحنا و غیر او بسته باشند جماع نکنند و از حضرت امام موسی ع پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از
روی مرد و زن دور شود چون است فرمود که باکی نیست و از حضرت صادق ع پرسیدند که اگر کسی زن
خود را عریان کند و باو نظر کند چون است فرمود که مگر لذتی ازین بهتر میباشد و پرسیدند که اگر به
انگشت با زن و کنیز خود بازی کند چون است فرمود که باکی نیست اما بغیر اجزای بدن خود چیزی دیگر در آنجا
نکند و پرسیدند که آیا میتواند که در میان آب جماع کند فرمود که باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا ع پرسیدند از جماع کردن در حمام فرمود باکی نیست و حضرت صادق ع فرمود که مرد با زن و کنیز
خود جماع نکند و در خانه طفلی باشد او طفل زناکار میشود یا فرزندی که بهم رسد زناکار میشود و از حضرت
رسول ص منقولست که فرمود بحق آن خدایی که جانم در قبضه قدرت اوست که اگر شخصی با زن خود جماع
کند و در آنخانه شخصی بیدار باشد که ایشان را ببیند یا سخن و نفس ایشان را شنود فرزندی که از ایشان
بهم رسد رستگار نباشد و زناکار باشد و چون حضرت امام زین العابدین ع اراده مقاربت زن
میفرمود خدمتکاران را دور میفرمود و درها را میبست و پردها می انداخت و از حضرت صادق ع منقولست
که کسی که با کنیزی جماع کند و خواهد که با کنیز دیگر جماع کند پیش از غسل وضو باید و در حدیث صحیح
وارد شده که باکی نیست که با کنیز وطی کند و در خانه کنیز دیگر باشد که ببیند و بشنود و مشهور میان علما آنست
که باکی نیست در میان دو کنیز خود بخوابد اما مکروه است در میان دو زن آزاد بخوابد و رو بقبله کردن
خوب نیست و از آنحضرت پرسیدند که آیا مرد عریان جماع میتواند کرد فرمود نه و فرمود که پشت بقبله

و در کشتی نیز جماع نکند و حضرت امام موسی ع فرمود که دوست نمیدارم که کسی در سفر آب نیابد و جماع کند
و بعضی علما قایل بحرمت شده اند و حضرت رسول ص نهی فرمود از اینکه کسی محتلم شده باشد جماع کند پیش
از آنکه غسل کند و فرمود که اگر چنین کند فرزندی بهم رسد دیوانه باشد و ملامت نکند مگر خود را
و حضرت صادق ع فرمود که مکروه است جنب شدن در وقتی که آفتاب طلوع میکند و وقت فرو رفتن
و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که مستحب است در شب اول ماه رمضان جماع کردن و از ابو سعید خدری
منقولست که حضرت رسول ص وصیت نمود بحضرت امیر المؤمنین ع که یا علی چون عروس داخل خانه
شود کفشهایش را بکن تا بنشیند و پاهایش را بشو و آن آب را از در خانه تا منتهای خانه بپاش و
چون چنین کنی خدا هفتاد هزار نوع از برکت داخل خانه تو کند و هزار نوع رحمت بر تو فرستد
که بر سر عروس فرود آید تا اینکه این برکت بهر از خانه برسد و ایمن گردد عروس از دیوانگی
و خوره و پیسی تا در آنخانه باشد و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه و گشنیز
و سیب ترش پس حضرت امیر المؤمنین ع گفت یا رسول الله بچه سبب اینها را منع کنم از اینها فرمود که
زیرا که رحم بسبب خوردن اینها سرد و عقیم میشود و فرزند نمی آورد و حصیری که در آن ناحیه افتاده باشد
بهتر است از زنی که فرزند نیاورد و در روش نمود که یا علی جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که دیوانگی
و خوره و خبط دماغ بهم میرسد یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزند بهم رسد احول خواهد بود
یا علی در وقت جماع سخن مگوی که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیست که لال باشد و نگاه نکند در فرج زن
خود و چشم خود بپوشد در حالت جماع که نظر کردن در آنحالت باعث کوری فرزند میشود یا علی بخواهش
و شهوت زن دیگر با زن خود جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد مخنث و دیوانه باشد یا علی که هر که جنب
با زن خود در فراش خواب خوابیده قرآن نخواند میترسم که آتشی از آسمان بهر دو نازل شود و بسوزاند
ایشان را یا علی جماع مکن با زن مگر اینکه تو دستمال برای خود داشته باشی و او برای خود و هر دو بیک دستمال
پاک مکنید که دشمنی بهم رسد و آخر بجدائی کشد یا علی ایستاده با زن جماع مکن که از فعل خران است
و اگر فرزند بهم رسد مثل خران بر رختخواب بول کند یا علی در شب عید فطر جماع مکن که چون فرزند بوجود

آید شتر بسیار از او بوجود آید یا علی در شب عید قربان جماع مکن که چون فرزند بوجود آید شش انگشت
یا چهار انگشت باشد یا علی در زیر درخت میوه دار جماع مکن که اگر فرزند بهم رسد جلاد و کشنده مردم
باشد یا رئیس یا سرکرده ظلم باشد یا علی در برابر آفتاب جماع مکن مگر آنکه پرده بیاویزی که اگر فرزند بهم
رسد همیشه در بدحالی و پریشانی باشد تا بمیرد یا علی در میان اذان و اقامه جماع مکن که اگر فرزند بهم رسد در بدحالی
و پریشانی باشد تا بمیرد و راغب باشد بخون ریختن یا علی چون زنت حامله باشد با او جماع مکن که اگر فرزند بهم رسد
دل کور و بخیل باشد یا علی در شب نیمه شعبان جماع مکن که اگر فرزند بهم رسد شوم باشد و در رویش نشان
سیاه داشته باشد یا علی در روز آخر شعبان جماع مکن که اگر فرزند بهم رسد ریا کننده و صاحب بدعت
باشد یا علی چون بسفر روی در آن شب جماع مکن که اگر فرزند بهم رسد مالش بناحق صرف کند و اسراف
کنندگان برادر شیطان اند یا علی اگر بسفر روی که سه روز راه باشد جماع مکن که اگر فرزندی حاصل شود
یار ظالمان باشد یا علی در شب دوشنبه جماع بکن که اگر فرزند بهم رسد حافظ قرآن باشد و راضی بقسمت خدا
باشد یا علی اگر در شب سه شنبه جماع کنی و فرزند بهم رسد بعد از سعادت اسلام شهادت روزی او شود
و دهانش خوشبو و دلش رحیم و دستش جوانمرد و زبانش از غیبت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع
کنی در شب پنجشنبه و فرزندی بهم رسد حاکمی از حکام شریعت یا عالمی از علما باشد و اگر در روز پنجشنبه در وقتی
که آفتاب در میان آسمان باشد نزدیکی کنی با زن خود و فرزند بهم رسد شیطان نزدیک او نشود و خدا
او را روزی کند سلامتی در دنیا و دین یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه و فرزندی بهم رسد سخن دان و سخن گو
باشد و اگر در روز جمعه بعد از عصر جماع کنی و فرزند بهم رسد از دانایان مشهور باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه
بعد از نماز خفتن امید هست که او فرزند از ابدال باشد یا علی در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی
بهم رسد ایمن نیست که ساحر باشد و دنیا را بر آخرت اختیار کند یا علی این وصیتها را از من بیاموز چنانچه
من از جبرئیل آموختم و در حدیث معتبره منقولست که در روز عقد فاطمه علیها السلام حق تعالی امر فرمود سدرة
المنتهی را که هرچه دارد فرو ریزد برای نثار حضرت فاطمه پس آنچه داشت از مروارید و مرجان و جواهر بر
اهل بهشت نثار کرد پس حوران آن نثارها را ربودند و تا روز قیامت مفاخرت میکنند و هدیه

بیکدیگر میفرستند و میگویند این نثار حضرت فاطمه است و در شب [illegible] استر اشهب حضرت رسول آورده
و قطیفه بر روی او انداختند و حضرت فرمود که [illegible] و سلمان لجام استر را میکشید و
حضرت رسول از عقب روانشد در اثنای راه صدای ملائکه بگوش آنحضرت رسید جبرئیل با هزار
ملک و میکائیل با هزار ملک فرود آمدند و گفتند حق تعالی ما را بجهت زفاف حضرت فاطمه فرستاده
پس جبرئیل و میکائیل الله اکبر میگفتند و ملائکه با ایشان موافقت میکردند و باین سبب سنت شد که
در شب زفاف الله اکبر بگویند و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق عرض کرد که ما
طعامها بعمل می آوریم و بسیار پاکیزه و خوشبو میکنیم و بوی طعام عروسی از هیچ طعام نمی آید حضرت
فرمود زیرا که بر طعام عروسی نسیم بهشت می وزد و در احادیث معتبره وارد است که سنت است که عروسی
در شب واقع شود و طعام در چاشت پخته شود و در بعضی اخبار وارد شده که نثار عروسی را میتوان
برداشت اما چون عادت میکنند از دیگران میربایند کراهیت دارد و علما گفته اند که وقتی جایز است برداشتن
که بقراین معلوم باشد که صاحبانش راضی اند که مردم بردارند و از حضرت امام محمد باقر منقولست که هرگاه
شما را جنازه خوانند زود روید چون آخرت بیاد شما می آورد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
رسول نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر راه که مردم تردد کنند و فرمود که هرکه در میان
راه جماع کند خدا و ملائکه و مردم او را لعنت کنند و حضرت رسول فرمود که بیاموزید از کلاغ
سه خصلت را پنهانی جماع کردن و بامداد بطلب روزی رفتن و بسیار حذر کردن و حضرت امیر المؤمنین
فرمود که هرگاه کسی خواهد با زن خود نزدیکی کند تعجیل نکند که زن را نیز کارها میباشد پیش از جماع و هر
گاه زنی را بیند و خوشش آید پس برود با اهل خود جماع کند که آنچه با آن هست با این هست
و شیطان را بدل راه ندهد و اگر زن نداشته باشد دو رکعت نماز بکند و حمد خدا را بسیار گوید
و صلوات بر محمد و آل او فرستد پس از فضل خدا زنی سؤال کند که البته خدا باو عطا میکند آنچه
او را از حرام بی نیاز گرداند و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که چون مرد و زن جماع
کنند عریان نشوند مانند خر زیرا که اگر چنین کنند ملائکه از ایشان دور شوند و در حدیث معتبر از

از امام باقر منقول است که حارث جماع کردن با دختر پیش از آنکه نه سالش تمام شود پس اگر عیبی بکند و برسد با ضامن است و در حدیث معتبر دیگر منقول است که مکروه است جماع کردن در میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از وقت فرو رفتن آفتاب تا برطرف شدن سرخی جانب مغرب و در روزی که آفتاب بگیرد و در شبی که ماه میگیرد و در شب و روزی که باد سرخ یا سیاه یا زرد وزد و یا در شب و روزی که زلزله شود و واقع شده که اگر کسی جماع کند در این اوقات و او را فرزندی بهم رسد نه بیند در آن فرزند چیزی که دوست دارد زیرا که آیات غضب الهی را سهل شمرده و در فقه الرضا منقول است که چون بعد از غسل دادن میت و پیش از آنکه غسل کنی و خواهی که جماع کنی وضو بساز و بعد از آن جماع کن و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که هر گاه کسی دردی در بدن بهم رسد یا حرارت در مزاجش غالب شود پس با زن خود جماع کند تا ساکن شود و از حضرت امام جعفر صادق مرویست که در حال خضاب با زن خود جماع مکن که اگر فرزند بهم رسد مخنث باشد و حضرت امام محمد باقر فرمود که زن آزاد در برابر زن آزاد دیگر جماع مکن اما در کنیز باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا مرویست که بعد از جماع و پیش از غسل چون اراده جماع میکرد وضو میساخت و در روایت دیگر منقول است که اگر کسی انگشتری با او باشد که بر او نقش کرده باشد جماع نکند **واما** آداب و دعا در شب زفاف و در وقت مقاربت با زن در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر منقول است که چون عروس را بنزد تو بیاورند بگو که پیش از آن وضو بساز و دو رکعت نماز بگذارد و تو نیز دو رکعت نماز بگذار پس حمد الهی بگو و صلوات بر محمد و آل او بفرست پس دعا کن و امر کن آن زنان را که با او آمده اند که آمین بگویند و این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي اِلْفَهَا وَوُدَّهَا وَرِضَاهَا وَاَرْضِنِي بِهَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِاَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَاٰنَسِ ائْتِلَافٍ فَاِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَتُكْرِهُ الْحَرَامَ بعد از آن فرمود که الفت از جانب خداست و دشمنی از جانب شیطان که میخواهد که آنچه خدا حلال کرده مکروه طبع مردم گرداند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق منقول است که چون در شب زفاف نزد عروس روی موی پیشانی عروس را بگیر و رو بقبله آور و بگو اَللّٰهُمَّ بِاَمَانَتِكَ

اَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا فَاِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ مُبَارَكًا تَقِيًّا مِنْ شِيعَةِ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًا وَلَا نَصِيبًا و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که دست بر بالای سر عروس بگذارد و بگو اَللّٰهُمَّ عَلٰى كِتَابِكَ تَزَوَّجْتُهَا وَفِي اَمَانَتِكَ اَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا فَاِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئًا فَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْهُ شِرْكَ شَيْطَانٍ راوی گوید که فرزند چگونه شریک شیطان میشود فرمود که اگر در وقت جماع نام خدا بر زبان شیطان دور میشود و اگر نبرد ذکر خود را با ذکر آن شخص داخل میکند پس جماع از هر دو میباشد و نطفه از یکی است پرسید که بچه چیز میدانست که شیطان در کسی شریک شده است فرمود که هر که ما را دوست میدارد شیطان در او شریک نشده و هر که دشمن ما است شیطان در او شریک شده و بر این مضمون احادیث از طرق خاصه و عامه بسیار وارد است و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که در وقت زفاف این دعا بخواند بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا وَفِي اَمَانَةِ اللّٰهِ اَخَذْتُهَا اَللّٰهُمَّ اِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئًا فَاجْعَلْهُ بَارًّا تَقِيًّا فَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ فِيهِ شِرْكًا لِلشَّيْطَانِ و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که شرک شیطان در نطفه آدمی بیان کرده و بسیار عظیم شمرده راوی گوید که چه باید کرد که این واقع نشود فرمود هر گاه اراده جماع داشته باشی بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ اِنْ قَضَيْتَ مِنِّي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ خَلِيفَةً لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًا وَلَا نَصِيبًا وَلَا حَظًّا وَاجْعَلْهُ مِنْ مِنًّا مُصَفًّا مِنَ الشَّيْطَانِ وَرِجْسِهِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ و در حدیث دیگر فرمود که چون شیطان خواهد شریک او شود بگوید بِسْمِ اللّٰهِ تا پناه ببرد از شر شیطان و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که چون اراده جماع کنی بگو بِسْمِ اللّٰهِ

وبالله اللهم جنبني الشيطان وجنب الشيطان مما رزقتني پس اگر
اگر فرزند بوجود آید شیطان هرگز باو ضرر نرساند و از حضرت امام محمد باقر ع روایت
که چون اراده جماع کنی این دعا بخوان اللهم ارزقني ولدا واجعله تقيا زكيا
ليس في خلقته زيادة ولا نقصان واجعل عاقبته الى خير
مطلب دویم در بیان تولد فرزند ابن ادریس علیه الرحمه در کتاب سرائر از حضرت صادق ع روایت (احکام تولد فرزند)
کرده است که هرگاه بر زن دشوار شود زائیدن بنویس از برای او در پوست این آیات و
ریسمان بر رانش ببندند و چون وضع حمل شود باز کنند بسم الله الرحمن الرحيم
كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا الا ساعة من نهار كأنهم
يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحيها اذ قالت امرأت
عمران رب اني نذرت لك ما في بطني محررا دویم مؤلف کتاب
طب الائمه ع روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر ع آمد و گفت زن
من از درد زائیدن مشرف بر موت شده است آنحضرت فرمود که برو و این را بخوان بسم الله
الرحمن الرحيم فاجاءها المخاض الى جذع النخلة قالت يا ليتني مت
قبل هذا وكنت نسيا منسيا فناديها من تحتها الا تحزني
قد جعل ربك تحتك سريا وهزي اليك بجذع النخلة تساقط
عليك رطبا جنيا پس با آواز بلند بگوید والله اخرجكم من بطون
امهاتكم لا تعلمون شيئا وجعل لكم السمع والابصار و
الافئدة لعلكم تشكرون كذلك اخرج ايها الخلق الطلق
اخرج باذن الله چون بخوانی فی الحال نجات می یابد بیاری خدا سیوم سوره تبت یدا
ابی لهب نه مرتبه بخواند وضع حمل آسان میشود چهارم اسماء اصحاب کهف بنویسد بر ران
زن ببندد وضع حمل آسان میشود و بعد از آن واکند و اسماء مذکور اینهاست و نام سگ قطمیر است

اسماء ایشان یمليخا مكسلمينا مرطوش ابو انس سالينوس بطينوس
سلططينوس قطمير و بروایت دیگر املیخا مکسلمینا تمليخا قرطو
نوانس ادقطانیس اونوس کعیشیططوس قطمیر روایت سیوم املیخا
مکسلمینا بیونس کنشهوطط اذرقیطونس کشتایوس قطمیر این
هر سه روایت خوبست که ببندند و شرح دیگر بعد از این ذکر میشود ان شاء الله تعالی و اما بیان
نام فرزند از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که راست ترین نامها نامیست که دلالت کند بر بندگی خدا
مثل عبد الله و بهترین نامها نام پیغمبرانست و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که فرزند را در شکم مادر
نام بگذارید که اگر نام نگذارید و ساقط شود در قیامت با پدر خود گوید که چرا مرا نام نگذاشتی و رسول
خدا ص محسن فرزند حضرت فاطمه ع را در شکم نام گذاشت و حضرت رسول ص فرمود که هر که چهار
فرزند برای او بوجود آید و هیچیک را بنام من مسمی نسازد بمن جفا کرده است و از امام موسی ع منقولست
که فقر و بینوائی داخل خانه نمیشود که در آن خانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا
عبد الله یا فاطمه بوده باشد و از حضرت رسول ص منقولست که هر گروهی که جمع شوند برای مشورتی و در میان
ایشان کسی باشد که نامش محمد یا محمود یا احمد باشد البته انچه خیر است رای ایشان بر آن قرار گیرد
و فرمود که فرزندی را که نامش محمد کنند او را گرامی دارید و جا از برای او در مجلس بگشائید و بروی او
ترش مکنید و فرمود هر اهل بیتی که در میان ایشان نام پیغمبری باشد البته حق تعالی هر صبح و پسین
ملکی میفرستد که دعا کند برای ایشان از جمله اعمالی که در وقت ولادت سنت مؤکدست اول (غسل دادن طفل)
غسل دادن طفل است و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که نیت کند که غسل میدهم این طفل را
از برای رضای خدا و سرش را اول بشوید و بعد از آن جانب راستش و بعد از آن جانب چپ را
دویم اذان در گوش راستش بگوید و اقامه در گوش چپش مطلب دویم در آنکه عقیقه فرزند سنت (ذکر عقیقه)
مؤکد است و بعضی که قادر بر او باشند و اکثر علما واجب میدانند و بهتر آنست که در روز هفتم واقع
شود و اگر تاخیر کند تا بلوغ طفل بر پدر سنت است و بعد از بلوغ طفل تا آخر عمر بر خودش سنت است

ومشهور میان علما آنست که عقیقه شتر یا گوسفند باید ذبح نمود و از حضرت امام رضا منقولست
که حضرت رسول در روز ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام اذان و اقامه در گوش ایشان
گفتند و حضرت فاطمه در روز هفتم عقیقه ایشان را کردند و بقابله پای گوسفند را دادند با یک
اشرفی و باید که اگر شتر باشد پنجساله باید در شش و اگر بز باشد یکساله باید در دو باشد و اگر گوسفند باشد اقلا
شش ماهه باید در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است و از حضرت صادق منقولست که عقیقه
از باب قربانی نیست هر گوسفندی که باشد خوبست غرض گوشت است هرچند گوسفند فربه تر باشد
بهتر است و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند و بلکه بهتر آنست که از دیگی که گوشت پخته باشند
طعام نخورند و استخوانهای را سنت است که نشکنند بلکه از بندها جدا کنند و سنت است که بپزند و خام
تصدق نکنند و اقلش آنست که بآب و نمک بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد و اگر خام تصدق
کنند هم خوبست و اگر حیوان قربانی عقیقه بهم نرسد قیمتش را تصدق کردن فایده ندارد بلکه باید صبر کنند
تا بهم رسد و شرط نیست که جماعتی که بخوردن عقیقه حاضر میشوند فقیر باشند اما صلحا و فقرا طلبیدن
بهتر است و در حدیث وارد شده است که سر تراشیدن و عقیقه کشتن و موی سر را بطلا و نقره کشیدن
و تصدق کردن در یکجا و یکوقت میباید کرد و در سر تراشیدن سنت است که همه را بتراشند و در بعضی
و کاکل نگذارند و در روایتی وارد شده است که طفلی را نزد حضرت رسول آوردند که برای
او دعا کنند و طفل کاکل داشت آنحضرت دعا نکردند و فرمودند که کاکلش را بتراشند اما در روایت
وارد شده است که حضرت رسول برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو گیسو در جانب
چپ سر ایشان گذاشتند و در روایت دیگر در میان سر ایشان بود و ممکن است که این مخصوص
ایشان باشد یا آنکه در تراشیدن اول داشته باشند و احادیث بسیار وارد شده است که کراهیت
دارد مالیدن خون عقیقه بر سر طفل که آن از اعمال جاهلیت است و در روایت معتبر مرویست از حضرت
صادق که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا بخوانند بسم الله وبالله عقیقة عن فلان بن فلان
پس نام او را بگوید لحمها بلحمه ودمها بدمه وعظمها بعظمه اللهم اجعلها

بگوئی

دعا در ذبح گوسفند عقیقه

وقاء

۲۰۶

لآل محمد علیه وآله الصلوة والسلام و اگر پسر باشد بگوید اللهم انك وهبت ذكرا وانت
اعلم بما وهبت ومنك ما اعطيت وكل ما صنعنا فتقبله منا على
سنتك وسنة نبيك ورسولك واخسأ عنا الشيطان الرجيم
لك سفكت الدماء لا شريك لك والحمد لله رب العالمين اللهم
لحمها بلحمه ودمها بدمه وعظمها بعظمه وشعرها بشعره
وجلدها بجلده اللهم اجعلها وقاء لفلان ابن فلان در روز هفتم سنت
مؤکد است ختنه کردن پسران و اگر در هفتم ختنه نکنند تا نزدیک بلوغ بر پدر واجبست و بعد از بلوغ
بر خودش واجبست و ختنه کردن دختران نیز سنت است و از حضرت امیرالمؤمنین منقولست
که ختنه نکنند زنان را اگر بعد از هفت سال و از حضرت صادق منقولست که در وقت ختنه کردن
پسر این دعا بخوانند و اگر در آنوقت میسر نشود تا بالغ نشده طفل هر وقت که میسر شود برآن طفل بخوانند
که از وحرارت آهن را از کشتن و غیر آن رفع میکند اللهم هذه سنتك وسنة
نبيك صلواتك عليه وآله واتباع مثالك وكتبك بمشيتك و
ارادتك وقضائك لامر اردته وقضاء حتمته وامر انفذته
واذقته حر الحديد في ختانه وحجامته لامر انت اعرف به منا
اللهم طهره من الذنوب وزد في عمره وادفع الآفات عن
بدنه والاوجاع من جسمه وزده من الغنى وادفع عنه الفقر فانك
تعلم ولا نعلم و از حضرت صاحب الامر منقولست که اگر پسر را ختنه کنند و باز
غلاف بروید و سر حشفه را پنهان کند میباید که بار دیگر او را ختنه کنند زیرا که زمین ناله میکند
بسوی خدا تعالی از بول کسی که ختنه اش نکرده باشند و در غلاف باشد تا چهل روز و در حدیث
دیگر منقولست که اول زنی را که ختنه کردند هاجر مادر اسمعیل بود که ساره از روی غیرت او را
باعث زیادتی خوبی او شد و از آنروز سنت جاری شد که زنان را ختنه کنند و اعادۀ دفعۀ الرضا

کرد

احکام ختنه کردن فرزند

احکام سر تراشیدن

موی مذکور است که چون خواهی موی سر را بتراشی رو بقبله کن از پیش سر از جانب پیشانی و بتراش تا
دو استخوان بلند که در پهلوی گوش بلند شده اند و در حین شروع اینها بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى
مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا مِنَ
الْمُشْرِكِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً سَاطِعاً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ابد

احکام زکوة

فصل دویم در بیان مجملی از احکام زکوة و خمس و در این فصل دو مطلب است مطلب اول در بیان
زکوة و آیات و احادیث بر وجوب آن و عقاب ترک کنندهٔ آن بسیار است از آنجمله حق تعالی
میفرماید الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللهِ
فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا
جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا
مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ یعنی آنکسانی که جمع میکنند طلا و نقره را و حقوق آنرا نمیدهند
و در راه خدا صرف نمینمایند پس بشارت ده ایشانرا بعذاب دردناک در آن روزی که سرخ کنند این طلا
و نقره را در آتش دوزخ و داغ کنند بآنها پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشانرا و بایشان گویند
اینست آنها که از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب آنها را و از حضرت صادق ع منقولست
که هر که ندهد قیراطی از زکوة را که بیست یک دینار است او نه مؤمن است و نه مسلمان و در وقت مردن
استغاثه میکند که مرا برگردانید بدنیا تا زکوة را بدهم چنانچه حق تعالی فرموده است حَتَّىٰ إِذَا
جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ
یعنی تا وقتی که بیاید احدی از ایشانرا مرگ گوید پروردگارا برگردان مرا بدنیا شاید عمل شایسته بکنم در آن
تا که بعد نخود گذاشته ام و از حضرت سید المرسلین و ائمة الطاهرین ع بطرق صحیحه منقول است
که کسی که طلا و نقره داشته باشد و زکوة آنرا ندهد حق تعالی در روز حشر خواهد شود زمین لغزنده که
پا بند شود و بر آن مسلط سازد ماری را که زهرش از مارهای دیگر عظیم تر است و از عقب او در رود
او از وی گریزد تا چون او برسد داند که از دست او خلاصی ندارد دست خود در دهان او در آورد پس بدندان

٣

بگیرد او را مانند شتر نری که بر چیزی فرو برد پس طوق گردد بر گردن او و اینست معنی قول خدا تعالی
سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ یعنی بزودی طوق کرده شوند در گردن
ایشان آنچیز را که بخل ورزیدند در دنیا بآن و در راه خدا ندادند در روز قیامت پس هر که شتر یا گاو
یا گوسفند داشته باشد و زکوة او را ندهد حق تعالی حبس کند او را در صحرای لغزنده و پامال کنند
او را هر حیوانی که سم شکافته دارند بسم خود و گزند او را بدندان و هر صاحب نیشی بنیش خود پس هر که
زراعت داشته باشد یا باغ خرما و انگور داشته باشد و زکوة آنها را ندهد آن قطعه زمین را طوق
کنند تا طبقه هفتم و بر گردن او اندازند و او هم آتش گردد تا روز قیامت و بروایت معتبر دیگر در روز
حق تعالی او و مال را اژدهائی گرداند او و مار دماغش را خورد و گوشتش بدندان کنده تا از حساب خلایق فارغ
شوند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف نمیشود مگر بندادن
زکوة و حق تعالی میفرماید مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللهِ كَمَثَلِ
حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللهُ يُضَاعِفُ
لِمَنْ يَشَاءُ یعنی مثل جماعتی که صرف مینمایند مالهای خود را در راه خدا از زکوة و خمس و حج و جهاد
و غیر آنها مانند دانه ایست که برویاند از آنها هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه بوده باشد که مجموع هفتصد
دانه برابر میشود و حق تعالی مضاعف میگرداند باضعاف این از برای هر که خواهد و آیات و اخبار در این باب
بسیار است و آنچه مذکور شد برای کسی که ایمان بخدا و رسول خدا داشته باشد کافیست و اما اجناسی

ذکر زکوة اجناس و حیوانات و نصاب آنها

که در آنها زکوة واجب میشود نه جنس است اول طلا هرگاه بمقدار بیست اشرفی سکه دار داشته باشد
و یکسال بماند که بدل نکند و تغییر ندهد نیم مثقال یعنی چهل یک آنرا زکوة باید داد و بعد از آن هر چهار
اشرفی که زیاده شود بعد از یکسال چهل یک میباید داد دویم نقره است هرگاه بدویست درهم برسد
که تخمیناً دوازده هزار و ششصد دینار عجمی است موافق زر ده دانگی و سکه داشته باشد و یکسال
بماند بعد از یکسال چهل یک میباید داد و همچنین هر چهل درهم که زیاده شود که دو هزار و پانصد
بیست دینار باشد چهل یک آنرا میباید داد سیوم شتر است و نصاب زکوة آن دوازده است اول پنج

شتر است و در آن یک گوسفند است دوم ده شتر است و در آن دو گوسفند است سیوم پانزده شتر است
و در آن سه گوسفند است چهارم بیست شتر است و در آن چهار گوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است
و در آن پنج گوسفند است و گوسفندی که دهند بهتر آنست که هفت ماهه یا در بیشتر باشد و کمتر نباشد و اگر بز دهند
یکساله یا در دو باشد ششم بیست و شش شتر است باید که یک شتر ماده یکساله یا در دوم بدهند و اگر نداشته
باشد شتر نر دو ساله یا در سه بدهد هفتم سی و شش شتر است باید که ماده دو ساله یا در سه بدهند هشتم
چهل و شش شتر است و باید که شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهند نهم شصت و یک شتر است باید شتر ماده چهار
ساله یا در پنج بدهند دهم هفتاد و شش شتر است باید دو شتر ماده دو ساله یا در سه بدهند یازدهم
نود و یک شتر است باید دو شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهند دوازدهم صد و بیست و یک شتر است و هر چند
زیاده شود بر هر پنجاه شتر یک شتر ماده سه ساله می باید داد و در هر چهل شتر یک شتر ماده دو ساله میدهند
چهارم زکوة گاو است در هر سی گاو یک گاو ماده یا نر یکساله یا در دو میدهند پنجم گوسفند در هر چهل گوسفند
یک واجب و در صد و بیست و یک دو و در دویست و یک سه واجب است و در سیصد و یک چهار و چون
به چهارصد برسد هر چند زیاده شود در هر صد گوسفند یک گوسفند میدهند ششم و هفتم و هشتم و نهم
گندم و جو و خرما و مویز است و شرط است که هر یک که بنصاب رسیده باشد و نصاب او سیصد و شصت
من و پنجاه درم است بسنگ تبریز و انگور هر گاه صد و بیست و یک من است واحوط که زکوة بدهند و شرط است که این
غلات در ملک او بحد نصاب رسیده باشد پس اگر جو و گندم را بعد از درو کردن بخرد زکوة او
بر فروشنده واجب است و اگر زمین را باجاره گرفته باشد زکوة او بر مستاجر واجب است و اگر مزارعه کرده
و با نصف یا ثلث یا ربع یا ده چهار مثلا زکوة آن حصه مالک بر مالک واجب است و حصه عامل بر عامل اگر
هر یک بتنهایی بنصاب رسیده باشد پس اگر زراعت از آب باران یا آب روان یا آب قنات یا آب
دلیشه خورده باشد ده یک میدهند و اگر آب دست یا گاو یا شتر یا چرخ آب خورده باشد بیست یک میدهند
و اگر از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد و اگر هر دو مساوی باشد پانزده یک میدهند و احوط و اقوی آنست
که بعد از خراج پادشاه چیزی از جزیه زراعت را جدا نکنند در دادن زکوة و چون اکثر علما بر آنند که تعلق

زکوة بانگور در وقت غوره شدن است پس احوط آنست که اهل خبرت را بیاورند که تخمین کنند میوه باغ را
که مقدار است و خود مقرر سازد که با آن نسبت زکوة خواهم داد تا آنچه خورد از غوره و انگور حلال باشد
یا آنچه بردارد ببخشد و حساب نگاه دارد یا آنچه بردارد عشر آنرا بدهد از غوره و انگور و همچنین جو و گندم و غیره
که دانه بندد و اما بعضی از علما گفته اند زکوة واجبست در حبوبات مثل برنج و ماش و نخود و عدس و
امثال اینها هرگاه بنصاب رسد و گندم بهمان شرایط و مقداری که گذشت و مشهور آنست که زکوة اینها
سنت است و اما مادیان که در علف مباح چرا کند و سال براو بگذرد زکوة سنت است اگر پدر و مادر عربی
باشد در سالی دو اشرفی چهار دانگ و نیمی میدهند و اگر مابو باشد که یکی از پدر و مادر عربی باشد یک اشرفی
میدهند و اما زکوة تجارت جمعی بوجوب قایل شده اند و مشهور آنست که سنت است و اولیت که مالک
شود او را بعنوان معاوضه و در وقت مالک شدن قصد اکتساب و تجارت بآن داشته باشد
و می باید آن بیکی از نصاب طلا و نقره برسد و در تمام سال بر نصاب باقی باشد و از مایه کم نشود و اگر چند
سال بگذرد که مایه در کمی باشد سنت نیست که زکوة یکساله را بدهد و اگر مایه باقی باشد هر سال چهل یک را
میدهند و اگر معاوضه کند بقصد تجارت خلاف است و احوط آنست که باز بدهند و سنت است و اگر در وقت
حصاد کردن فقرا حاضر باشند هر فقیر را دسته گندم بدهند هر قدر که در دستش درآید و در وقت چیدن
انگور و خرما یکمشت بدهند و بزکوة حساب نکنند و بعضی واجب دانسته اند و احوط آنست که ترک نکنند
و اما مستحقین زکوة هشت طایفه اند اول و دوم فقرا و مساکین و ایشان کسانی اند که قوت سالیانه خود و
عیال خود نداشته باشند و قادر بر کسبی نباشد که معاش خود و عیال خود را بآن توانند گذرانید و احوط
آنست که صالح باشد و گدا و سایل بکف نباشند سیوم عاملین و آن کسیست که امام علیه السلم نصب میکند
برای گرفتن زکوة و حصه با و میدهند و در این اوقات معدوم است غالبا و همچنین چهارم مؤلفة قلوبهم
او نیز در این زمان غایب است پنجم فی الرقاب یعنی صرف کردن در آزادی بندگان مثل آنکه آقایی
غلام خود را مکاتب کرده است که مالی بدهد و آزاد شود و او عاجز باشد از دادن و دیگر بر آقا زکوة
واجب شده باشد باید که قدری از مال زکوة را بمال کتابت او حساب کند و دیگران از زکوة حصه

باو بدهند که با آقا بدهد تا آزاد شود یا غلامی که از دست آقا در شده و تعب باشد از مال زکوة بخرد و آزاد کند
ششم غارمین یعنی قرض داران که قرض کرده باشند و در معصیت صرف نکرده باشند در ادای قرض
میتوان داد **هفتم** فی سبیل الله یعنی صرف راههای خوب مانند جهاد فی سبیل الله و امداد حجاج و زوار
ائمه معصومین علیهم السلام و بنای مساجد و مدارس و پلها و امثال اینها و بعضی گفته اند مخصوص جهاد است در زمانی
که جهاد حق باشد و این احوط است **هشتم** ابن سبیل است و او کسیست که بغربت افتاده باشد و خرج رفتن
بخانه خود نداشته باشد آن مقدار باو میدهند که بخانه خود برسد اگر سفرش معصیت نباشد و باید کسی
که باو زکوة میدهند غیر مؤلفه شیعه اثنی عشریه باشد و احوط آنست که اجتناب از گناهان کبیره کند
خصوصاً شراب خوردن و دیگر شرط است که واجب النفقه مالک نباشند مثل پدر و مادر و جد و جده هر چند
بالا روند و فرزندان و فرزندزادگان هر چند پائین روند و زن و بنده و بهتر آنست که زکوة را
بر خویشان پریشان بدهند غیر آنها که مذکور شد اگر شرایط را داشته باشند و غیر سید بسید
زکوة نمیتواند داد اما سید بسید زکوة خود را بسید و غیر سید هر دو میتواند داد و غیر
احوط آنست که بشریف هم ندهد و بهتر آنست که زکوة را نزد مجتهد عالمی که مصارف زکوة را
داند ببرند که او بمصرف برساند **مطلب دویم** در بیان خمس است بدانکه در هفت چیز واجب میشود **اول**
غنیمتی که از کافران در جنگ بگیرند خواه در خیمه گاه و خواه در بیرون **دویم** معادن است مانند طلا
و نقره و مس و سرب و یاقوت و زبرجد و سرمه و عنبر و نفط و قیر و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون
کنند پنجیک او را باید داد مشهور آنست که نصابی ندارد و بعضی گفته اند که نصابش یکدینار
است تا بیکدینار نرسد خمس واجب نمیشود و بعضی بیست دینار گفته اند یعنی بیست اشرفی که نصاب
طلاست و اکثر متأخرین باین قایل شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر چند کس شریک باشند باید حصه
هر یک بحد نصاب برسد **سیوم** گنج است یعنی مالی که در زمین پنهان کرده باشند پس اگر گنج را
در بلاد کفار بیابند که در آنجا مسلمانی نباشد هر چند سکه اسلام داشته باشد یا در دار الاسلام نداشته
باشد و به بیست دینار یعنی بیست اشرفی برسد اگر طلا باشد خمس او را میدهد باقی از او است و اگر

حکم خمس

نقره باشد و به دویست درهم برسد که موافق نرخ ده دانگی دوازده هزار و ششصد دینار است و اگر غیر
طلا و نقره باشد قیمت او بیکی از این مقدار برسد و اگر سکه اسلام نباشد یا دلالت کند بر آنکه از مسلمانی
بوده است مشهور میان علما آنست که حکم لقطه دارد میباید یکسال تعریف کند اگر صاحبش پیدا شد
بصاحبش بدهد و الا مخیر باشد میان تملک شدن و تصدق کردن و بامانت نگاه داشتن و اگر در
هر دو صورت اول صاحبش پیدا شود و راضی نباشد عوض بدهند و ظاهر اخبار آنست که اگر از روی
زمین یافته است لقطه است و اگر در زیر زمین بوده گنج است خواه اثر اسلام داشته باشد و خواه
نداشته باشد و جمعی قایل باین شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر گنج در زیر زمین خود بیابد که از پدر باو رسیده
باشد از او است و خمس او را میدهد و اگر زمین را خریده باشد تعریف میکند بایع نزدیک و دور اگر نشناسد
بدهند که تصدق ایشان حاصل شود بایشان میدهد علی المشهور و الا از دست یابد خمس او را بدهد
و همچنین اگر حیوانی بخرد چون شتر و گاو و در شکم ایشان چیزی بیابد تعریف میکند بایع و اگر نشناسد
از او است و احوط اخراج خمس است و اگر در شکم ماهی بیابد خمس میدهد احتیاطاً و باقی از او است و ملحق
کرده اند حیوانات شکاری را مانند آهو و اگر محتمل باشد که در خانه مالک سابق خورده باشد احوط آنست که
تعریف بایع بکنند **چهارم** چیزیست که از دریا بعوض بیرون آورند مانند مروارید و مرجان و
نصاب در آن معتبر است و مشهور آنست که نصابش یکدینار است یعنی یک اشرفی تمام وزن و بعضی
بیست دینار گفته اند و اگر چند مرتبه در آورد همه را در نصاب باهم حساب میکند هر چند در میان ترک
عوض کرده باشد علی الاحوط و اگر چند کس شریک باشند حصه هر یک باید بنصاب برسد و اگر عنبر را
از دریا بعوض بیرون آورند حکم مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند مشهور آنست
که حکم معدن دارد و احوط آنست که بهر حال خمس او را بدهد و رعایت نصاب در او نکند **پنجم** فاضل
مؤونه سنه است از ارباح تجارتها و زراعتها و کسبها و مشهور آنست که در میراث و بخشش و هدیه خمس نمیباشد
و خرج سالیانه را بیرون میکنند و قدر وسط مناسب حال آن شخص را اعتبار کرده اند پس اگر اسراف کرده
باشد خمس آنچه اسراف کرده بیرون میکند و اگر بر خود تنگ گرفته باشد آنرا هم بیرون میکنند

علی المشهور احوط آنست که از هرچه زیاده آمده باشد بدهند بلکه نهایت احتیاط آنست که هرچه حاصل شود
و خرج بکند در زیادتی را امروز بروز خمس بدهند و اگر در اثنای سال اخراجات ضروریه واقع شود مثل
حج که خدا نصیب او کند و حج بیت الله الحرام و زیارت رسول و ائمه صلوات الله علیهم و امثال اینها همه را بقدر وسط
بیرون میکنند و همچنین تعدیات و زیادتیها که ظلمه کنند جمیع را بیرون میکنند و خمس بقیه را
میدهند و ابو الصلاح قایل شده است که در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجبست و در حدیث صحیح وارد
شده است که اگر از شخصی جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی از جائی که گمان نداشته باشد باو برسد
یا مالی از دشمنان دین باو برسد خمس میباید داد و عمل باین روایت احوط است ششم زمینی است که
یهودان و نصرانیان و مجوسیان از مسلمانان بخرند خمس آن زمین را یا خمس قیمت او برضای ذمی میگیرند
و اگر خانه یا باغ بخرند مشهور میان علما آنست که خمس زمین آنها را میگیرند و اکثر قدمای علما متعرض
این نوع خمس نشده اند هفتم مال حلالیست که مخلوط شده باشد بحرام و صاحب حرام را نداند و حرام
آنرا میدهند بفقرای سادات و غیر ایشان بهر دو میتوان داد و اگر بشریف بدهند بهتر است و اگر مقدار
حرام را داند و صاحبش را نیز داند آن مقدار را واجبست که بصاحبش برسانند و اگر صاحبش را داند و مقدار را
نداند با صاحبش میباید صلح کند و بعضی گفته اند که در این صورت خمس را بصاحبش میدهند و بعضی گفته اند
آن مقدار را که علم دارد بصاحبش میدهند و باقی را بصاحبش صلح میکنند احتیاطاً و این احوط است و اگر
مقدار را داند و صاحبش را نداند سعی میکنند تا صاحبش را بهم رسانند و اگر بهم نرسد از برای او تصدق میکنند
و این صورت و صورت اول مسمی است برد مظالم و اگر خمس را بدهند یا تصدق کنند کل را یا بعض را و
بعد از آن صاحبش بهم رسد خلافست که آیا باید بصاحبش بدهند یا نه احوط آنست که بدهند و اما
مستحق خمس مشهور میان علما آنست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیه کریمه است حصه خدا و رسول
خدا و ذوی القربی که نصف خمس است بعد از رسول خدا از امام زمان است و نصف حصه
دیگر که یتیمان سادات و مسکینان سادات و ابن سبیل سادات میدهند و مراد از سید موافق
مشهور کسی است که منسوب باشد از جانب پدر بعبد المطلب و تفسیر مسکین و ابن السبیل در زکوة

گذشت و در یتیم احوط آنست که پریشان باشد و ابن سبیل را آنقدر میدهند که بشهر خود برسد و از احادیث
معتبره ظاهر میشود که در زمان امام جمیع خمس را بخدمت آنحضرت میبردند و آنحضرت خود بر میداشته اند و نصف را
بآن سه فرقه سادات میداده اند که مذکور شد و هریک بقدر کفایت ایشان در یکسال میداده اند و آنچه
زیاد می آمده خود بر میداشته اند و اگر وفا نمیکرده تتمه را از حصه خود میداده اند و ایشان بمنزله عیال امام
بوده اند و در زمان غیبت امام احوط آنست که حصه سادات را بعالم عادل اثنی عشری بدهند که بسادات
برساند بقدر احتیاج ایشان و اما نصف دیگر خمس که حصه آنحضرت است در زمان غیبت خلافست و مشهور
آنست که بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه بنیابت آنحضرت بسادات بدهد و اگر ضرری نیاید حفظ
کند و بعد از خود بعالم دیگر که اگر سید پریشانی را بیابد بدهد و الا از برای آنحضرت ضبط کنند و این فرض
در این زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان بسیارند و خمس دهندگان کم اند و جمعی گفته اند
که در زمان غیبت ائمه علیهم السلام این حصه را بر شیعیان حلال کرده اند و این سخن بی وجه است زیرا که از حضرت
صاحب الامر علیه السلام روایت صریحی نرسیده است که بر شیعیان حلال کرده باشند بلکه خلافش ظاهر است زیرا که
در زمان غیبت صغری که هفتاد سال و کسری بود نایبان آنحضرت عثمان عمری و پسرش محمد و حسین بن
روح و علی بن محمد سمری رضی الله عنهم حصه آنحضرت را بلکه جمیع خمس را از شیعیان میگرفته اند و بفرموده آنحضرت بمردم
میداده اند و ظاهر آنست که در این زمان نیز نایب عام آنحضرت که علمای ربانی و حاملان و محدثان
علوم ایشان اند باید که بگیرند و بسادات که عیال آنحضرت اند بدهند و الا باید که سادات که اشرف
خلق اند نباید که از گرسنگی بمیرند یا سایل شوند و از همه کس ذلیلتر باشند زیرا که زکوة و صدقات واجبه بر
ایشان حرام است و خمس را بعوض او بایشان داده اند و بسبب خلاف که میان علما بهمرسیده است و بعضی
از علما اغنیا را اجازت داده اند بر منع خمس باعث این شده اند که اکثر سادات بفقر و فاقه میگذرانند
و حقوق ایشان و جد ایشان در گردن اغنیا میماند و بر تقدیری که امام علیه السلام بر ایشان رحم کرده باشند
در زمانهای تقیه و خوف و تعدیات که از خلفای جور بر ایشان واقع میشد حلال کرده باشند ایشان
چگونه بر خود هموار میکنند که عیال و اقارب امام خود را در فقر و اضطراب ببینند و بر ایشان

رحم نکنند باز در قیامت امید شفاعت از ایشان داشته باشند و حال آنکه فرموده اند که بدترین احوال
مردم در روز قیامت وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم و
حضرت صادق فرمود که من بگیرم خمس را از شما میگیرم و حال آنکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است
میگیرم از برای آنکه شما پاک شوید از گناهان و از حقوق ما و حضرت رسول الله فرمود هر که احسانی بکسی کند
از اهل بیت من مکافات میدهم آن را در روز قیامت و اکثر علما بر آنند که اگر صاحب مال خود حصه
امام را بسادات بدهد بری الذمه نمیشود مگر آنکه دستش بعالم مجتهد عادل نرسد که آن فقیر همه
خمس همین حکم دارد **فصل سیوم** در بیان آداب و شرایط سفر کردن و سفر چهار نوع است **اول** جهت
زیارت کعبه معظمه و تحصیل علم و جهاد **دویم** زیارت رسول خدا و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین
سیوم بجهت تحصیل روزی است و درین فصل چهار مطلب است **مطلب اول** آنکه چون روزی
تنگ شود باید سفر کند چنانکه حق تعالی در قرآن مجید فرموده است که هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ
ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ یعنی اوست
خداوندی که گردانید برای شما زمین را نرم و منقاد تا آسان باشد بر شما پس بروید اطراف و جوانب
زمین و بخورید آن روزی که خدا تعالی برای شما مقرر کرده و بسوی او است بازگشت شما پس شکر کنید او را
و سپاس دارید و باز فرموده است که وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ یعنی بتحقیق گرامی کردیم فرزندان آدم را و برداشتیم
ایشان را یعنی سوار کردیم ایشان را در بیابان بر چهارپایان و در دریا بر کشتیها و روزی دادیم ایشان را از
طعامهای پاکیزه و باز فرموده است وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا یعنی افزونی
دادیم ایشان را بر بسیاری از آنچه آفریده ایم و افزونی دادیم علما را در تکریم انسان و باز فرموده
است رَّبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ
كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ
فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنسَانُ كَفُورًا یعنی پروردگار شما

آنست که بقدرت کامله میراند در آن و میگرداند برای شما کشتی را در دریا تا جویند از فضل او یعنی روزی
خویش را و گویند که فضل سود است که امتعه بدان احتیاج افتد و بی عبور دریا بدست نیاید بدرستی که او است
بشما مهربان که کارهای مشکل بر شما آسان میگرداند و اسباب احتیاج شما مهیا میسازد و چون رسد شما را سختی
یعنی خوف و غرقه شدن و اختلاف امواج در دریا گم شود و نبود از خاطرهای شما هر که او را میخوانید و میپرستید
مگر او که خداوند است و یگانه که در آن محل جز او را نمیخوانید و نجات بر حضرت او میخواهید پس آن هنگام
که برهانید شما را از خوف و غرقه شدن و برساند بسوی بیابان و برگشتید از توحید و اخلاص در آن و باز
روی بر تابان خود آورید و هست آن بیشک ناسپاس مر نعمت خدا را که در شداید تمسک برحمت او
مینماید و در رخا اعراض میکند و مراد از بتان در اینجا آنست که بنی آدم بهر چیزی محبت بیشتر دارد غیر از
حق تعالی پس او بت او است بمضمون حدیث نبوی که در دنیا محبت هر چیزی که در دل کس بیشتر باشد
هر آینه در قیامت با او محشور میگردند و در تفصیل این حدیث سخن بسیار است مجملی از آن ذکر شد
مطلب دویم در بیان در سوار شدن و پیاده رفتن و بازار رفتن و چهارپایان نگاه داشتن و استادگی
شدن اسب و استر و انواع هر یک از اینها از حضرت رسول منقولست که از سعادت آدمی است
که چهارپایی رهوار داشته باشد و از حضرت صادق منقولست که چهارپایان نگاه دارید که زینت شماست
و کارهای شما با او ساخته میشود و روزیش بر حق تعالی است و از حضرت امام محمد باقر منقول است که فرمود
یونس بن یعقوب که الاغ نگاه دار که بار تو را برداشته باشد بدرستی که روزیش بر خداست راوی گوید که الاغی
خریدم چون سال حساب خرج خود کردم هیچ زیاده نشده بود و در روایت دیگر منقول است که حضرت
امام موسی از ابن طیفور پرسید که بچه چیز سوار میشوی گفت بالاغ فرمود بچند خریده گفت بسیزده
اشرفی حضرت فرمود که این اسراف است که الاغی با این قیمت بخری یا بوتی بخری گفت خرج یابو بیشتر است
فرمود آنکس که الاغ را میبرد خرج یابو را هم میبرد مگر نمیدانی که هر که اسبی نگاه دارد و انتظار خروج اهل بیت
بکشد و دشمنان را بخشم آورده نگاه داشتن آن اسب حق تعالی روزیش بر او وسیع میکند و باو دهد
و آرزوهایش را بر آورد یا بالا برد و برآورده شود حوایج او و در روایت دیگر منقول است که هر که نگاه دارد اسب را بجهت مومنی در

پیشانیش سفیدی بسیار کم باشد اگر سفیدی پیشانیش تا بینی آمده باشد و چهار دست و پایش سفید باشد بهتر است
نزد من پس خانه که چنین اسپی در آن باشد فقر و پریشانی داخل نمیشود و مادام که آن اسپ در ملک شخص
باشد ظلم داخل نمیشود و اما در آداب نگاه داشتن و رعایت حقوق چهارپایان در حدیث از حضرت
رسول صلعم منقولست که چهارپا [illegible] شش حقست اول آنکه ابتدا کند بعلف دادن او چون
فرود آید دویم هرگاه بآب بگذرد آب را بر او عرض کند اگر خواهد بخورد سیوم بر رویش چیز نزند که تسبیح
پروردگار میکند چهارم آنکه بر روی او سواره نایستد مگر وقتی که جهاد کند در راه حق تعالی پنجم زیاده از
توانائی آن در بارش نکند ششم تکلیف رفتار آن قدر بکند که طاقت داشته باشد و از حضرت صادق ع
منقولست که فرمود بر روی چهارپا داغ نکنند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که چهارپا را
بسفر برد چون فرود آید از آب و علف بدهد پیش از آنکه خود چیزی خورد و حضرت رسول صلعم فرمود که سه
کس بر چهارپای ردیف سوار نشوند که یکی از آنها ملعونست یعنی آنکه میان نشسته است و در احادیث معتبر منقولست
که حضرت امام زین العابدین ع بیست حج کردند بر شتری و یک تازیانه بر او نزدند و در احادیث معتبره منقولست
که هیچ صاحب روحی چیزی بر رویش نزنید که تسبیح پروردگار میگوید هر چیز را حرمتی است و حرمت
حیوانات در روی ایشانست و از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی ع منقولست که هر دابه که صاحبش
خواهد بر او سوار شود او در آنوقت میگوید اللّٰهم اجعله لی رحیما یعنی خداوندا او را بمن
مهربان گردان و از حضرت علی ابن الحسین ع منقولست که حیوانات از چهار چیز غافل نیستند پروردگار
خود را میشناسند و چراگاه خود را میدانند اما آداب خریدن و نگاه داشتن حیوانات در حدیث
معتبر از حضرت موسی ابن جعفر ع مرویست که هر که چهارپائی را بخرد بر جانب چپ او بایستد و موی
پیشانیش را بدست راست بگیرد و بر سرش بخواند سوره حمد و سوره اخلاص و معوذتین و آیه آخر سوره
حشر و آخر سوره بنی اسرائیل و آیة الکرسی و چون چنین کند آن چهارپا ایمن باشد از جمیع آفتها و در حدیث
موثق از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که چون کنیزی خواهی بخری بگو اللّٰهم انی
استشیرک واستخیرک و چون حیوانی بخری بگو اللّٰهم قدر لی اطولهن

حیوة واکثرهن منفعة وخیرهن عاقبة و اما در ادعیه و آداب سواری بسند معتبر
از حضرت رسول صلعم منقولست که چون کسی بر چهارپائی سوار شود بسم الله بگوید ملکی ردیف او میشود
و او را نگاه میدارد تا فرود آید و اگر در وقت سوار شدن بسم الله نگوید شیطان ردیف او
سوار میشود و باو میگوید خوانندگی بکن و اگر نتواند خواند میگوید آرزوهای باطل بکن پس او پیوسته در
آرزوست تا پائین آید و فرمود که هر که در وقت سواری بگوید بسم الله لا حول ولا قوة
الا بالله الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان
هدانا الله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین
وانا الی ربنا لمنقلبون البته محفوظ باشد خود و چهارپایش تا فرود آید و از حضرت
رسول صلعم منقولست که هر که سوار شود آیة الکرسی بخواند پس بگوید استغفر الله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه اللهم اغفر لی ذنوبی
فانه لا یغفر الذنوب الا انت حق تعالی بملک خطاب فرماید که گناهان او را
آمرزیدیم و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که لازم است بر سواره که با خبر کند پیاده
که باعث آزار نرسد و فرمود که روزی حضرت امیر المؤمنین ع سوار شدند جمعی پیاده بخدمت روان
شدند فرمود که آیا کاری دارید گفتند نه ولیکن میخواهیم که در رکاب شما راه رویم آنحضرت فرمود
که برگردید که راه رفتن پیاده با سواره باعث غرور سواره و موجب مذلت و خواری پیادهاست
و در حدیث دیگر از عطاء بن عبدالله مرویست که گفت روزی بخدمت حضرت امام محمد
باقر ع رفتم فرمود که دو چهارپا برای ما زین کن رفتم الاغی را و استری زین کردم و استر را پیش
بردم که آنحضرت سوار شود فرمود که الاغ را پیش بیاور که بهترین چهارپایان نزد من الاغست و استر را
خود سوار شو پس الاغ آوردم و رکاب را گرفتم آنحضرت سوار شدند و گفتند الحمد لله
الذی هدانا للاسلام وعلمنا القرآن ومن علینا بمحمد صلی الله
علیه وآله والحمد لله الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین

وَاِنَّا اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ پس وارد شدند
و درا شنای راه دیدم که الاغ شوخی در رفتار میکرد حضرت خود را به پیش زین چسپانیدند عرض کردم
که یا ابن رسول الله مگر شما را آزاری هست فرمود که نه رسول خدا الاغی داشتند که او را عفیر
مینامیدند چون سوار او میشدند دیدند که آنحضرت بر آن سوار شده است شوخی در رفتار میکرد
که دوش‌های آنحضرت را حرکت می‌آورد و آنحضرت خود را در پیش زین میچسپانید و میفرمودند
اللّٰهُمَّ لَیْسَ مِنِّی وَلٰکِنْ ذَا مِنْ عَفِیرٍ یعنی خداوندا این از من نیست ولیکن این اخلاق
تبختر از عفیر است من نیز چنین کردم ای عزیزان تفکر کنید که آن بزرگواران دین از خیلاء
و نخوت از رفتار الاغ اندیشه داشته‌اند و بدرگاه خدا عذر میطلبیده‌اند پس آنانکه بر
اسپهای تازی نژاد خوش رفتار با آن نخوت سوار میشوند و بر آسمان و زمین بر رفتار خود منت
مینهند و غیر خود کسی را موجود نمیشمارند چگونه عذر خواهند خواست و در حدیث معتبر از
حضرت صادق منقولست که آیا شرم نمیکنید شما که بر روی چهارپای خود خواندکی میکنید و
او در زیر شما تسبیح پروردگار خود میگوید و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که فرمود که چهارپای
من هرگز بسر در نیاید زیرا که من بر روی او و بزراعت کسی نرانده‌ام و کشت زار کسی را پایمال
نکرده‌ام **در آداب پیاده** در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که تند راه رفتن
حسن مؤمن را میبرد و در حدیث حسن از حضرت رسول منقولست که زنان باید در کنار
راه بروند و در میان راه نروند و سواره در میان پیاده رفتن از پیاده و پای برهنه احق است بمیان
راه از کسی که کفش پوشیده است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین چنان بهموار
راه میرفتند که گویا مرغ بر سر آنحضرت نشسته است و میترسند که پرواز کند و دست راست
آنحضرت بر دست چپ پیشی نمیگرفت و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که هرکه
راه رود بر روی زمین از روی خیلاء و تکبر لعنت کند بر او زمین و آنچه در زیر زمین است و در حدیث
دیگر فرمود که مراکاه کرکوش کنند از من از سایلان در وقتی که از ایشان چیزی طلبند و از روی

تبختر راه روند پروردگار من بعزت خود سوگند خورده است که ایشان را عذاب کند و در حدیث دیگر
فرمود که هرگاه امت در رفتار تبختر کنند و خدمت ایشان کنند غلامان فارس و روم در میان ایشان
فتنه و فساد باشند و بر یکدیگر شمشیر کشند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه با عصا راه رود از روی
تواضع و شکستگی در سفر و حضر هر گامی برای او هزار حسنه نوشته شود و هزار گناه از او محو شود و هزار
درجه برای او بلند شود و در حدیث دیگر فرمود که عصا بدست بگیرید که او از سنتهای پیغمبران است
و بنی اسرائیل صغیر و کبیر و جوان و پیران عصا در دست میگرفتند تا آنکه خیلاء و تکبر نکنند در راه
رفتن و فرمود که برداشتن عصا پریشانی را از بر طرف میکند و شیطان نزدیک او نمی‌آید و از حضرت
رسول منقولست که ملعون است کسی که بار عیال خود را بر مردم اندازد و در حدیث حسن منقول است
که اگر عاقلی باید که بهر جانب متوجه شوی اول نیت خود را و غرض صحیحی برای خود قرار دهی و کنی
نفس خود را از آنکه امر نامشروع و غیر منظور داشته باشد و باید که در راه رفتن پیوسته در
فکر و اندیشه باشی در هر قدمی از عجایب صنع الهی عبرتی بگیری و در رفتار تبختر نکنی و پیوسته
مشغول ذکر خدا باشی و در راه با مردم سخن بسیار مگو که خلاف ادب است و اکثر راههای کمین
گاه شیطانست از ذکر او غافل مباش و چنان کن که رفتن و برگشتن تو در طاعت
خدا باشد و رفتار تو برای چیزی باشد که موجب خشنودی خداست و بدرستی که
جمیع حرکات تو در نامه اعمالت نوشته میشود **و اما در آداب و فضیلت تجارت کردن**
و طلب حلال نمودن در احادیث معتبره از حضرت رسول منقولست که نیکو یاوریست
بر پرهیزکاری زمان خدا توانگری و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که خیری نیست
کسی را که نخواهد که مالی از حلال جمع کند که با و مال آبروی خود را از سؤال حفظ کند و قرض خود را
ادا کند و بخویشان خود احسان کند فرمود که استعانت بجوئید بدنیا برای آخرت و مردم
مشوید و دیگر از حضرت صادق پرسیدند که ما طلب دنیا میکنیم و دوست میداریم که با ما
دنیا باز رو کند فرمود که برای چه میخواهی آن را گفت اگر از برای خرج عیال خود و صله رحم و

و عمره تصدق بکنم که مال را برای آنها کسب کردن طلب دنیا نیست طلب آخرتست و در حدیث
دیگر فرمود که توانگری ترا از ظلم منع نماید بهتر است از پریشانی که ترا بر گناه بدارد و در حدیث
معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که حق تعالی خطاب فرمود بحضرت داود ع که نیکو بنده
بودی اگر تو از بیت المال نمیخوردی و بدست خود کسب میکردی چون این خطاب رسید حضرت
داود ع چهل روز گریست پس حق تعالی باهن وحی فرمود که نرم شو برای بندهٔ من داود پس آهن
در دست آنحضرت نرم شد مانند موم پس هر روز یک زره بدست خود میساخت و بهزار درهم میفروخت
تا آنکه سیصد و شصت زره بدست خود ساخت و از بیت المال مستغنی شد و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت صادق ع احوال عمر ابن مسلم را پرسید گفتند که ترک تجارت
کرده است آنحضرت سه مرتبه فرمودند که عمل شیطان است مگر نمیدانند که رسول خدا ص تجارت
فرمود و حق تعالی مدح میفرماید جماعتی را که مردانی چند اند که غافل نمیگردند از یاد خدا و ایشان جماعتی
بودند که تجارت میکردند و چون وقت نماز میشد مشغول نماز میشدند و این بهتر است از کسی که
تجارت نکند و نماز را در وقت خود بکند و در حدیث موثق منقولست که بآنحضرت
عرض کردند که شخصی هست که میگوید در خانه می نشینم و نماز میکنم و روزه میدارم و روزی
من البته برای من می آید حضرت فرمود که این مرد یکی از سه کس است که دعای ایشان
مستجاب نمیشود و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرد که میخواهم دعا کنید
که خدا مرا روزی بدهد براحت فرمود که طلب روزی بکن چنانچه خدا ترا امر کرده است
من دعا نمیکنم و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که بر منبر میفرمود که ای گروه سوداگران
اول یاد گیرید مسایل تجارت را پس بعد از آن مشغول تجارت شوید والله که ربا در این امت
مخفی تر است از جای پای مورچه بر روی سنگ سخت و قسم دروغ میخورید براستی که تاجر
فاجر است و فاجر در جهنم است مگر کسی که حق بگیرد و حق بدهد و از حضرت رسول ص منقولست
که هر که خرید و فروش کند از پنج چیز اجتناب کند از سود خوردن و قسم خوردن

و عیب متاع را پوشیدن و مدح کردن چیزی که فروشد و مذمت کردن چیزی که خرد و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که در بامداد و پیشین بازار رود و چون پا در
بازار گذارد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَخَيْرِ اَهْلِهَا حق تعالی
ملکی با او موکل گرداند که آنرا و متاعش را محافظت نماید تا بخانه برگردد و پس ملک باو
گوید که امروز امان یافتی از شر این بازار بفرمان خدا پس چون در دکان بنشیند بگوید
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا حَلَالًا
طَيِّبًا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ وَيَمِينٍ كَاذِبَةٍ چون این دعا بخواند
ملکی که موکل است میگوید که بشارت باد ترا که امروز کسی در این بازار از تو بهره اش فراوان
تر نیست تعجیل کردی در جمیع ثوابها و محو کردی از خود گناهانرا و بزودی می آید بسوی تو آنچه خدا
روزی تو کرده است حلال طیب و مبارک اما دعا برای محفوظ ماندن مال در فقه الرضا ع
مذکور است که چون خواهی متاع را ببندی و نگاهداری آیة الکرسی را بخوان و این دعا را با آیة الکرسی
بنویس و در میان متاع بگذار وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ
سَدًّا فَاَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ لَا ضَيْعَةَ عَلَى مَا حَفِظَ اللّٰهُ
فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ
رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ چون چنین کنی آن متاع از همه آفتها محفوظ ماند و اگر اسب
بتندی نماید هفت مرتبه سورهٔ قدر بخواند و بر گوش راست او بدمد از تندی فرو نشیند و چون
این دعا نوشته در گردن اسب ببندد اسب و راکب هر دو در امان حق سبحانه
باشند هذا الدعاء الفرس بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اُعِيذُ مَنْ عَلَّقَ
عَلَيْهِ كِتَابِي هٰذَا مِنَ الْخَيْلِ وَالدَّوَابِّ كُمَيْتِهَا وَشُقْرِهَا وَ
بُلْقِهَا اَغَرِّهَا وَاَحْوَاهَا سَمِيدَعِهَا وَدُرُودِهَا وَاَعْسَابِهَا

ومحجلها واصفرها وما اختلف من الوانها اعوذ وامنع وازجر
اعقد واحبس عمن علق عليه كتابي هذا من جميع الخيل والبهايم والحيوان
من الكلام والصدام ومضغ اللجام وفرض الاسنان والارسان
والعشرة والنظرة والسكرة والحصاة والنقدليه ووجع الكبد
والزنبر والطحال والانتشار والعنا والكبوة والفزع والعدن
والحكة والجرب والخلد والعصر والحمرة والهدة في الظهر والزوا
والنفاخ والعلاق والزباب في الزنابير والارتعا والارتهاش و
الظلم والبغل والودم والجدري والطبوع من الجمع ومن الرمح
ومن الفا والقولنج والخراج وقيام العين والدمعة عند الجري و من
التعسر والتحيل ومن قطط شعر الناصية ومن الامتناع من العلف
ومن البرص وبلع الريش ومن الذدب من قصر الارساغ ومن النكبة والنملة
ومن الامتناع من الانية والعلف والسرج واللجام حصنت جميع
ما علق عليه كتابي هذا بالله العظيم من كل سبع وضبع واسد
واسود ومن السراق والطراق بخير قل من يكلؤكم بالليل والنهار
من الرحمن بل هم عن ذكر ربهم معرضون بل هو الله الواحد القهار
تحصنت بذي العزة والجبروت وتوكلت على الحي الذي لا يموت
منور النور ومقدر النور نور الانوار ذلك الله الملك القهار فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم بسم الله الرحمن الرحيم اللهم احفظ
على ما حفظه غيرك لضاع واستر على ما لو ستره غيرك لشاع
واحمل على ما لو حمله غيرك لكاع واجعل على ظلا ظليلا توقني بر كل
من رامني بسوء او نصب لي مكرا او هيا لي مكروها حتى يعود وهو

غير ظافر بي ولا قادر على اللهم احفظني بما حفظت به كتابك
المنزل على قلب نبيك المرسل انت قلت وقولك الحق انا نحن نزلنا
الذكر وانا له لحافظون بسم الله الرحمن الرحيم لا الاء الا الاؤك
يا الله محيط بعلمك كع س لهم ون وبالحق انزلناه وبالحق انزلناه
وبالحق نزل وما ارسلناك الا رحمة للعالمين تبخيح قبصور توجه
حيث شئت فانك منصور ابا تراب يا تراب ابا تراب يا حفيظ
يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ
يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ
يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ كراسپان سنجر بمير ندهمه بسنجر بكجي
باحمد بسمي بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله وبالله والله اكبر رب
الملائكة والروح رب العرش العظيم ورب الانبياء والمرسلين
احفظ من كل شدة وبلاء الراكب والمركوب عن العظام والعلة
ودفع البطن والعظام وبحق انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون
بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله وصلى الله
على خير خلقه محمد واله اجمعين الله الله الله الله على
مشيت الله بحق محمد واله اجمعين ١١٩٩٨٠٥٣٨٩ بسم الله
الرحمن الرحيم اعيذك ايها الفرس وراكبك بالله العزيز الوهاب
ومعتق الرقاب ومنزل الكتاب ومسير الحساب ومسبب
الاسباب غافر الذنب لمن تاب خالق الخلق من التراب لا
اله الا هو اليه المآب اعيذك بالله العلي العظيم من تصادم
الفرسان بحق سورة النحل وسبحان من طوارق الليل والنهار

ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم و
الحمد لله رب العالمين بسم الله الرحمن الرحيم احفظ فرسي من
شر عين الخلائق ومن شر الجن والانس ومن شر ما بين
السماء والارض احفظ فرسي بحق وان يكاد الذين كفروا
ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذكر ويقولون انه لمجنون
وما هو الا ذكر للعالمين برحمتك يا ارحم الراحمين بسم الله الرحمن
الرحيم اعيذ هذا الفرس الفارس من كل عين ناظرة والسن
ناطقة وراكبة بالله الذي خلق فسوى والذي قدر فهدى و
الذي اخرج المرعى فجعله غثاء احوى سنقرئك فلا تنسى
الا ما شاء الله انه يعلم الجهر وما يخفى ونيسرك لليسرى
فذكر ان نفعت الذكرى سيذكر من يخشى يا ذا الجلال والاكرام
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم پس بنویسد سوره قل یا ایها الکافرون
و قل هو الله احد و معوذتین و العادیات و عوذه مذکور در حدیث بسیاری ذکر شده و مجربست
مطلب سیوم در بیان دعائی که در وقت بیرون رفتن بسفر باید خواند و اعمال آن اول از حضرت
امام رضا ع منقولست که چون از خانه بیرون روی این دعا را بخوان بسم الله الرحمن
الرحیم بسم الله آمنت بالله و توکلت علی الله ما شاء الله لا حول
و لا قوة الا بالله پس در وقت داخل شدن بخانه خود بر اهلش سلام کند و اگر اهلی
نداشته باشد بگوید السلام علینا من ربنا و چون داخل خانه شود قل هو الله احد
بخواند که فقر و پریشانی را برطرف میکند دویم در احادیث معتبره منقولست که هر که اراده سفر
داشته باشد یا جائی که خوف عظیم باشد مثل سفر دریا یا خواهد بجنگ رود سوره قل هو الله
احد را هفت بار بنویسد و از میان مقراض کند نصف اول را در دستار محکم کند و

و نصف دیگر را در خانه بگذارد بعنایت الهی با سلامت و عافیت بخانه خود مراجعت نماید و مجربست
سیوم بسند معتبر [illegible]
مرویست که در وقت [illegible]
سوار شدن این دعا بخواند از جمیع بلیات محفوظ باشد وانا الی ربنا
لمنقلبون چهارم مرویست که بجهت سلامتی راه و مراجعت این آیه را بگوش راست
مسافر بخواند ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد پنجم
بسند معتبر منقولست که چون سوار شود روی بقبله صلوات بر محمد و آل او بفرستد و این دعا
بخواند سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین ششم بسند
معتبر از ائمه علیهم السلم مرویست که چون براه افتد در عرض راه بجهت خوف راه حمد
و آیة الکرسی و سوره قدر و چهار قل و تسبیح سیدة النسا فاطمه زهرا ع بخواند هفتم بسند معتبر
منقولست که در وقتی که براه افتد با وضو باشد هشتم بسند معتبر مرویست که چون بمنزلی وارد
و در آن مقام کند بجهت مبارکی منزل این آیه بخواند رب انزلنی منزلا مبارکا و انت
خیر المنزلین نهم بسند معتبر مرویست که اگر کسی ببلائی صعبی گرفتار شود یا در بیابان راه
گم کند این دعا بخواند حضرت صاحب الامر ع او را از آن بلاها برهاند و راه را بنماید این دعا اینست
یا فارس الحجاز ادرکنی ادرکنی یا صالح المهدی ادرکنی ادرکنی ادرکنی
یا ابا القاسم ادرکنی ادرکنی بحمدک و آبائک الطاهرین دهم روایتست
از سلمان فارسی رض که حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که هر کس در جائی درماند یا در بیابان هر چه بخواهد
طلب نماید و این مناجات را بخواند البته باجابت مقرون گردد یا مجیب الفقراء یا
انیس الغرباء یا معین الضعفاء یا دلیل المتحیرین یا غیاث
المستغیثین یا حنان یا منان یا حی یا قیوم یا بدیع السموات
والارض یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد

وَآلِهِ اَجْمَعِينَ پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَحْمَدُكَ عَلٰى كُلِّ ذَنْبٍ وَاَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ
خَيْرٍ وَاَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَبَلَاءٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ طریقهٔ دانستن ستارهٔ سکز یولدوز که در حالت سفر رفتن باید که مقابل و بجانب
راست نباشد یکم یازدهم بیست یکم دویم دوازدهم بیست و دویم سیوم سیزدهم بیست سیوم
(مشرق — میان مشرق و جنوب — جنوب)
چهارم چهاردهم بیست چهارم پنجم و پانزدهم و بیست پنجم ششم و شانزدهم و بیست ششم
(میان جنوب و مغرب — مغرب — میان مغرب و شمال)
هفتم و هفدهم بیست و هفتم هشتم و هجدهم و بیست و هشتم نهم و نوزدهم و بیست نهم
(شمال — میان شمال و مغرب — تحت الارض)
دهم و بیستم و سیم یازدهم در آداب سفر دریا مرویست از اهل بیت که چون کسی خواهد که داخل
کشتی شود بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْاَرْضُ (در آسمان باشد)
جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِيّٰتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ
وَتَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٰيهَا وَمُرْسٰيهَا اِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ
رَحِيمٌ امانست از غرق شدن و چون داخل کشتی شود صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالْعَنْ ظَالِمِيهِمْ بگوید پس اگر متلاطم شود
بگوید يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ
الظَّالِمِينَ پس آیة الکرسی بخواند و در روایت دیگر وارد شده که روی بدست راست
کند و اشاره بموجها نماید و بگوید قَرِّي بِقَرَارِ اللّٰهِ جَلَّ وَعَزَّ وَاسْكُنِي بِسَكِينَةِ
اللّٰهِ جَلَّ وَعَزَّ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ راوی گوید که من در
دریا بودم همین که موجها پیدا شد من چنین کردم کشتی چنانکه اول بود و ایضاً
مرویست از حضرت ص که فرمود هرگاه باد آید بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ
مَا هَاجَتْ لَهُ الرِّيَاحُ وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا عَلَيْنَا رَحْمَةً وَعَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ وایضاً فرمود که چون رعد و صواعق شود بگوید اَللّٰهُمَّ لَا

آداب سفر دریا

تَقْتُلْنَا بِغَضَبِكَ وَلَا تُهْلِكْنَا بِعَذَابِكَ وَعَافِنَا قَبْلَ ذٰلِكَ وَارْحَمْنَا
بِحُرْمَةِ كَمَالِكَ وَفَضْلِ جَلَالِكَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي يَا
اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و در هر وقت که باد و رعد و صواعق شد بگوید دوازدهم اگر تنگ
شود روزی مداومت نماید و مرویست که حضرت رسول ص تعلیم حضرت فاطمه ع فرمودند يَا مُشْبِعَ
الْجَوْعَةِ يَا دَافِعَ الْوَضْعَةِ لَا تُجِعْ فلان بن فلان بِجَاهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و بجای فلان بن فلان نام خود و پدر خود را بگوید سیزدهم
هر روز صد مرتبه لعن بر ظالمان اهل بیت باین طریق بخواند اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَعْدَاءَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَظَالِمِيهِمْ وَجَدِّدْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ وَالنَّكَالَ چهاردهم جهت
فروختن متاع این دعا بنویسد در میان متاع بگذارد که مجربست دعا اینست فَاسْتَبْشِرُوا
بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ باب دویم در جنگ اعدا
و دفع اعدا و فرار کردن از ایشان اول بجهت دفع اعدا دعا مرویست که چون روبروی
دشمن شوی بر سپاه ایشان هفتاد و سه مرتبه این دعا بخواند و رو بایشان اف کند که منهزم
میگردند ان شاء الله تعالی يَا قَاهِرُ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ اَنْتَ الَّذِي لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ
و بعد از آن این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ هَمِّي وَاكْشِفْ غَمِّي وَاَهْلِكْ عَدُوِّي
بِرَحْمَتِكَ مِنْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ سیوم مرویست که از جهت خوف دشمن هفت
کف خاک از زمین بردارد و هفتاد مرتبه شَاهَتِ الْوُجُوهُ بخواند و پشت بر آن کند
و بر طرف سپاه ایشان بپاشد بعون الله تعالی رعبی در دل ایشان پیدا شود و منهزم گردند چهارم
بسند معتبر منقولست که بجهت شکست دشمن در هنگامی که با دشمن برابر شود چهار سنگریزه
از زمین بردارد و هر یک از سنگریزه که بچهار طرف خود بیندازد این آیه را یکبار بخواند
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ تا آنکه سنگریزه را تمام بیندازد
و ابتدا از جانب راست کند و همچنین بطرف چپ و بعد از آن پیش رو و عقب سر بیندازد که

که بسیار مجرّبست پنجم سبب معتبر مرویست که بجهت شکست اعدا دین در هنگام جنگ بوده از جای خطر شده ایست یکمرتبه سوره تبت را هفت مرتبه بخواند بسیار مجربست ششم بسند معتبر مرویست که هرکه از اعدا خوف کند این چند آیه را بخواند بعون الله تعالی از چشم اعدا و دزد مخفی میشود و بسیار مجرب و باید با وضو باشد اَفَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهُ هَوٰیهُ وَاَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلٰی عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلٰی سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلٰی بَصَرِهِ غِشٰوَةً فَمَنْ یَهْدِیهِ مِنْ بَعْدِ اللّٰهِ اَفَلَا تَذَکَّرُوْنَ اُولٰئِكَ الَّذِیْنَ طَبَعَ اللّٰهُ عَلٰی قُلُوْبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَاَبْصَارِهِمْ وَاُولٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُوْنَ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ ذُکِّرَ بِاٰیَاتِ رَبِّهِ فَاَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِیَ مَا قَدَّمَتْ یَدَاهُ اِنَّا جَعَلْنَا عَلٰی قُلُوْبِهِمْ اَکِنَّةً اَنْ یَفْقَهُوْهُ وَفِیْ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا وَاِنْ تَدْعُهُمْ اِلَی الْهُدٰی فَلَنْ یَهْتَدُوْا اِذًا اَبَدًا هفتم مرویست که اسماء اصحاب کهف فایده بسیار دارد و اگر کسی از دست دشمن فرار کند بنویسند با خود دارند دشمن فرار کند بنویسند و با خود دارند دشمن دست بر او ندارد و بجهت پیاده رفتن بنویسند و بر ران راست ببندند هرچند بروند مانده نشوند و در آب غرق نشوند و در بیابان ایمن باشند و اگر بر گردن گوسفندان و چهارپایان ببندند از جمیع بدیها محفوظ باشند و از جهت غضب پادشاه یا حاکم با خود دارد و مهربان او گردند اگر کسی از کشتی ترسد بنویسد و در بازوی راست ببندد و نامهای ایشان قبل ازین در تولد فرزند مذکور شد مطلب چهارم در بیان نماز مسافر واجبست که هر یک از نماز ظهر و عصر و عشا را دو رکعت بگذارد به هشت شرط اوّل قصد مسافتست و آن هشت فرسخ شرعیست یا قصد چهار فرسخ بشرط اراده بازگشتن در همان روز یا در همان شب و فرسخی سه میل است و میلی چهار هزار گز است بذرع دست و ذرعی بیست و چهار انگشت است که بعرض در پهلوی هم باشند و این هشت فرسخ را در شرع برابر میدانند بیکروز راه که شتر بار دار برود بشرط آنکه آن روز معتدل باشد در بلندی و کوتاهی و آن راه معتدل باشد در آسانی و دشواری و اگر موضعی باشد که دو راه داشته

باشد یکی هشت فرسخ و دیگری کمتر در اینصورت جایز است از راه دورتر رفتن بقصد نماز قطع کردن و لازم نیست از راه نزدیک رفتن و نماز را تمام کردن و بدانکه اگر کسی قصد مسافت نکند مثل آنکه در طلب غلام گریخته خود از شهر بیرون رود بقصد آنکه هرجا غلام را یابد برگردد در این صورت آن شخص را قصر کردن نماز جایز نیست هرچند از هشت فرسخ بیشتر رود امّا در وقت برگشتن بشهر قصر کند اگر میانه او و شهر هشت فرسخ باشد یا بیشتر دوّم آنکه از موضع اقامت آن مقدار برود که اذان نشنود و دیوار شهر را نبیند و این مقدار را حدّ ترخّص گویند سیوم سفر معصیت نباشد پس غلام گریخته و زن ناشزه و شکار کننده که بمحض لهو و لعب باشد و شخصی که مقصد او از سفر امر حرام باشد هیچیک از اینها را قصر جایز نیست چهارم آنکه سفر همه وقت نماز را فرا گرفته باشد پس اگر بسفر رود بعد از آنکه از اوّل وقت مقدار طهارت و نماز تمام گذشته باشد در اینصورت این نماز را تمام بگذارد و قصر جایز نیست و همچنین هرگاه از سفر بوطن آید و از وقت نماز مقدار طهارت و یک رکعت مانده باشد نماز را تمام بگذارد پنجم آنکه کثیر السفر نباشد یعنی در عرف او را کثیر السفر گویند مثل مکاری و ملّاح و بعضی از مجتهدین بر آن رفته که وقتی کثیر السفر میشود که سه سفر کند که در مابین ده روز در وطن خود توقّف نکند پس مادام که کثیر السفر باشد او را قصر کردن نماز جایز نیست ششم آنکه در اثنای سفر بوطن خود نرسد پس اگر مسافر در اثنای سفر بوطن خود عبور کند نماز را تمام کند هرچند قصد اقامت ده روز نماید هفتم آنکه در اثنای سفر بموضعی رسد که ملکی داشته باشد اگرچه یک درخت باشد و شش ماه در آن موضع توطن کرده باشد خواه آن موضع مدت شش ماه متوالی و خواه متفرق پس هرگاه مسافر بچنین موضعی برسد واجبست که نماز را تمام کند اگرچه قصد ش این باشد که زیاده بر یکروز یا کمتر در آنجا نباشد هشتم آنکه در اثنای سفر بیکی از چهار موضع که آن مسجد مکه و مسجد مدینه و مسجد کوفه و حایر کربلاست برسد و مراد از حایر آن زمینیست که متوکل لعین آب فرات را در آن سر داده بود تا مرقد مقدس حضرت امام حسین علیه السلام خراب شود پس آب برود و آن زمین بر بالای هم ایستاده حیران و از بر گرد

ان ایستاده نتواند که داخل شود از جهت جا برگوید و آن صحن آستانه مقدسه است یا عماراتی
که در آنست پس هرگاه مسافر بیکی از آن چهار موضع رسد و قصد اقامت ده روز نکند بر او لازم
نیست که نماز را قصر کند بلکه مخیر است میانه قصر و اتمام و اگر نماز را اتمام کند ثواب او بیشتر خواهد بود
و قول مشهور آنست که تخییر میانه قصر و اتمام مخصوص مواضع اربعه است و سید مرتضی علیه الرحمه با بعضی
از مجتهدین بر آنند که فرقی میانه این چهار موضع و مشاهد مقدسه حضرات ائمه معصومین عم نیست
و ظاهر کلام ایشان اینست که نماز در همه این مواضع بر مسافر اتمام واجبست و قصر جایز نیست تتمه
هرگاه شخصی بقصد سفر از شهر بیرون رود و بموضعی رسد که از شهر تا آن موضع هشت فرسخ
باشد و در آن موضع انتظار قافله کشد و قافله دیر بهم رسد در اینصورت بر آن شخص واجبست که از روزی
که بدان موضع رسیده باشد تا سی روز نماز را قصر کند و بعد از سی روز نماز را تمام کند هرچند
داند که قافله ساعتی دیگر میرسد و همچنین هر مسافری که در اثنای سفر بموضعی رسد و در بودن ده روز در
آن موضع متردد باشد پس مادام که تردد او باقی باشد تا سی روز نماز را قصر کند و بعد از سی روز
نماز را تمام کند اگرچه یک نماز باشد و بدانکه هرگاه مسافر در موضعی قصد توقف ده روز کند و در
اثنای او از آن موضع بیرون رود بموضعی که حد ترخص است از آن موضع و تا این موضع کمتر از
هشت فرسخ باشد پس اگر در وقت بیرون رفتن از موضع اول عزم داشته که معاودت
کند و ده روز مجدد در آنجا توقف نماید در اینصورت در وقت رفتن بموضع دوم و در وقت برگشتن
و در وقت توقف نماز را تمام کند و اگر در وقت بیرون رفتن از موضع اول بعزم سفر بیرون
رفته باشد نه بعزم آنکه بعد از عود ده روز آنجا توقف نماید و عزم عدم توقف باقی باشد در اینصورت
نماز را در وقت رفتن چون بمحل ترخص رسد و در وقت برگشتن و توقف نمودن قصر کند و هرگاه مسافر
در موضع قصد اقامت ده روز نماید و بعد از آن عزم را تغییر دهد و قصد سفر کند پس اگر بعد از عزم اقامت
یک نماز را تمام گذارده باشد باقی نمازها را که در آن موضع میگذارد تمام گذارد و الا قصر کند و جایز است مسافر را
که در اثنای گذاردن نماز قصر قصد اقامت ده روز نماید پس در اینجا لازمست که آن نماز را که شروع

در آن کرده تمام بگذارد و سنت است که مسافر بعد از هر نماز قصر سی مرتبه بگوید سُبْحانَ اللهِ وَ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ و از برای ذی حق تع در کلام مجید میفرماید
وَاِنْ کانَ مَرِیضًا اَوْ عَلَی السَّفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ اَیّامٍ اُخَرَ یعنی هرگاه ماه رمضان باشد
و شما را سفری مباح پیش آید یا مرضی عارض شود که بسبب روزه شدت مرض زیاده شود در اینحالت
افطار کنید و اما حکم ملازم غیر اینست خواه ملازم سلطان باشد یا ملازم حاکم پس بر او واجبست که نماز را
تمام ادا کند و قصر نیز بگذارد و روزه را بدارد و قضای روزه نیز بجا آورد و اگر کسی را حاکم جابر طلبیده
باشد نماز او و روزه او حکم سفر مباح دارد و بعضی خلاف او گفته اند و احوط قصر و اتمام هر دو
بجا احتیاطا تتمه در بیان نماز خوف بدانکه خوف موجب قصر نماز میشود خواه در سفر باشد و خواه
در حضر حضرت رسول صلعم مکرر نماز خوف را با جماعت میکرده اند پس هرگاه خوف حاصل شود و اعدا در
غیر جهت قبله باشند و اهل اسلام اراده نمایند که نماز را بجماعت گذارند و بترسند که در اثنای نماز
اعدا بر ایشان حمله آورند دو فرقه شوند اگر احتیاج بزیاده از دو فرقه نباشد یک فرقه نماز را بجماعت
بگذارند و فرقه دیگر حراست ایشان نمایند و پیشنماز با یک فرقه یک رکعت بگذارد و چون برکعت
دوم برخیزد فرقه که اقتدا کرده اند قصد انفراد کنند و رکعت دوم را منفردا بگذارند و چون
فارغ شوند بحراست اشتغال نمایند و فرقه دیگر آیند و در رکعت اول خود برکعت دوم پیشنماز اقتدا
کنند و چون پیشنماز بتشهد بنشیند ایشان برخیزند و رکعت دوم را بانفراد بگذارند و پیشنماز
تشهد را طول دهد تا ایشان تشهد را بفعل آورده سلام دهد و اگر نماز مغرب باشد پیشنماز
مخیر است بهر یک از این دو فرقه که خواهد یک رکعت بگذارد و بفرقه دیگر دو رکعت و جایز است
که پیشنماز نماز را با یک فرقه باخر رساند و نوبت دیگر نماز را با فرقه دیگر بگذارد و این نماز دوم
پیشنماز نافله خواهد بود و اگر اعدا در جهت قبله باشند و نمایان باشند پیشنماز اهل اسلام را
دو صف سازد صفی پیش و صفی پس و هر دو صف با او برکوع روند و چون او بسجده رود صف
اول با او سجود کنند و صف دوم با او سجود نکنند بلکه ایستاده بحراست مشغول باشند

وچون پیشنماز برکعت دویم اشتغال نماید بسجود روند وصف اول بحراست اشتغال نمایند وچون
برکوع رود هر دو صف با او رکوع کنند وچون بسجود رود صف اول با او سجود کنند وصف
دویم حراست نمایند وچون صف اول بتشهد مشغول شوند صف دویم بسجود روند وبعد از تشهد
هر دو صف با پیشنماز سلام دهند وبدانکه در نماز خوف چون محل ضرورتست سلاح با خود داشتن
واجبست هرچند سلاح نجس باشد واگر کلاه خود پیشانی را بپوشد ونتوان در وقت سجود دور کردن
دور کردن او لازم نیست ونماز صحیح است **تتمه** هرگاه جنگ درگیرد در آنوقت بهر طرف که ممکن باشد
ایستاده یا سواره در حالت راه رفتن نماز بگذارد وپس اگر رو بقبله کردن در کل نماز متعذر باشد در
هر بعضی که تواند رو بقبله کند اگرچه تکبیرة الاحرام باشد وبس وسجده را بر یال اسب یا کوهه زین کند واگر
رکوع وسجود متعذر باشد اشاره بسر کافیست واگر تواند بچشم اشاره کند واگر حال بجائی رسد که اشاره
نیز ممکن نباشد عوض هر رکعت سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ
اَکْبَر بگوید پس عوض نماز مغرب سه مرتبه بگوید وعوض هر یکی از چهار نماز دیگر دو مرتبه ونیت
وتکبیرة الاحرام وتشهد وتسلیم بجا آورد **فصل چهارم** در ثواب بیماری وصبر کردن بر دردها وبیان
شدة ابتلای مؤمنان در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که روزی
رسول خدا صلعم سر بجانب آسمان بلند کرد وتبسم فرمود صحابه از سبب آن سؤال کردند حضرت
فرمود که تعجب کردم از دو ملک که بر زمین فرود آمدند وبنده صالح در جای نمازش طلب کردند
که عمل روز وشب او را بنویسند واو را در جای نمازش نیافتند بآسمان رفتند وگفتند پروردگارا
فلان بنده را در جای نمازش طلب کردیم ودر آنجا نیافتیم واو در بند بیماریست حق تعالی فرمود که
بنویسید برای بنده من مثل آنچه در حالت صحت افعال خیر در شب وروز میکرده است ودر
حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلعم منقولست که چون بر مؤمن ضعف پیری غالب شود حق تعالی
امر میفرماید که آنچه در جوانی وقوت میکرده است برای او بنویسند وهمچنین ملکی را موکل میگرداند که برای
مؤمن چنان بنویسند نیکی آنچه در حالت صحت میکرده واز برای کافر آنچه بدی که میکرده ودر حدیث

از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بدنی که بیماری نکشد طغیان بهم میرساند وخیر نیست در چنین بدنی
ودر حدیث دیگر فرمود که یکشب تب برابرست با عبادت دو سال ویک شب تب برابرست با عبادت
هفت سال ویکشب تب کفاره گناهان آینده وگذشته است ودر حدیث معتبر چند از حضرت رسول صلعم
منقولست که حق تعالی میفرماید که هرکه سه شب بیماری بکشد وبا احدی از عیادت کنندگان شکایت
نکند بدل میکنم برای او گوشتی از گوشت او بهتر وخونی بهتر از خون او پس عافیت دهم او را
از گناهان پاک میکنم واگر بمیرانم او را ببوی رحمت خود میبرم ودر حدیث حسن از حضرت صادق ع
منقولست که حد شکایت آن نیست که بگوید دیشب مرا خواب نبرد یا تب داشتم بلکه شکایت
که بگوید که ببلائی مبتلا شده ام که هیچکس مبتلا نشود وآنچه بمن رسیده بهیچکس نرسیده است ومثل اینها
ودر حدیث دیگر وارد شده است که مؤمن چون تب میکند گناهان از او میریزد مانند برگ درختان
واگر بر تخت خواب بغلتد ناله اش ثواب سبحان الله دارد وفریادش ثواب لا اله الا الله
واز پهلو به پهلو گردیدنش مانند کسی است که در راه خدا شمشیر زند واز حضرت امام رضا ع مرویست
که بیماری برای مؤمن پاک کننده است از گناهان ورحمت الهیست نسبت باو واز برای کافر
عذاب ولعنت است وفرمود که یکشب تب هر گناهی را برطرف میکند مگر گناهان کبیره را واز حضرت صادق ع
منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست دارد یکی از سه چیز تحفه برای او میفرستد یا تب یا درد سر
یا درد چشم ودر احادیث معتبر بسیار وارد است که بلای پیغمبران از همه شدیدتر است پس بعد از ایشان
اوصیای ایشان وبعد از اوصیا هرکه نیکوتر است بلایش عظیمتر است ومؤمن بقدر ایمان و
اعمال نیکش میکشد وهرکه اعمال نیکش کمتر بلایش کمترست ودر احادیث معتبره از حضرت صادق ع
منقولست که ثواب عظیم با بلاء عظیم میباشد وهیچ گروهی را خدا دوست نمیدارد مگر آنکه
ایشان را ببلا مبتلا میگرداند وفرمود که حق تعالی را بندگان خالص هست که از آسمان هیچ تحفه بزمین
نمیفرستد مگر آنکه از ایشان میگرداند از دیگران بسوی ایشان ودر حدیث حسن از حضرت صادق ع
منقولست که مؤمن چهل شب بر او نمیگذرد مگر آنکه او را امری رو میدهد که اندوهگین شود بسبب

آن متذکر و آگاه گردد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که در بهشت منزلی هست که در آن منزل
نمیرسد مگر کسی که بلاهای بدن او برسد و فرمود که اگر مومن بداند که در مصیبتها چه ثواب برای اوست
هرآینه آرزو کند که بدنش را از مقراض پاره پاره کنند و از حضرت امام محمد باقر ع فرمود که خداوند
عالمیان یاد میکند مومن را بتحفه بلا چنانچه کسی از سفر تحفه برای اهل خود بفرستد و او را پرهیز میفرماید از
دنیا چنانچه طبیب بیمار را پرهیز میفرماید از چیزهائی که بر او ضرر میرساند و از حضرت صادق ع منقولست
که شخصی حضرت رسول را بخانه خود طلبید چون آنحضرت داخل خانه او شد دید مرغی در بالای دیوار
تخم کرده و آن تخم افتاد و بر روی میخی که در میان دیوار بود بند شد و نیفتاد و نشکست آنحضرت
تعجب فرمود که آنشخص گفت ازین تعجب میفرمائی بحق آنخداوندی که ترا براستی فرستاده که
هرگز نقصان بمن نرسیده آنحضرت فرمود که هر که نقصانها بو نرسیده خیر در او نیست و بر
خواست و طعام او را تناول نفرمود و در حدیث دیگر فرمود که خداتعالی مومن را بهر بلائی مبتلا میکند
و بهر مرگی او را میمیراند اما عقلش را بر طرف نمیکند نمیدانی که شیطان بر مال و فرزندان و اهل
حضرت ایوب مسلط شد و بر عقلش مسلط نشد که با و عقل خدا را بیگانگی بشناسد و در حدیث دیگر فرمود
که حق تعالی میفرماید که اگر نه آن بود که مومن در دل خود چیزی مییافت هرآینه عصابه بر سر کافر می بستم
که هرگز درد سرها و نرسد باب در معالجه انواع تب احادیث بسیار وارد شده است که ما اهل (بعلاج امراض — برای)
علاج نمیکنیم تب را مگر بریختن آب سرد بر بدن و بدون سبب و از حضرت صادق ع منقولست که تب از بوی جهنم است
فرو نشانید حرارت او را با آب سرد و در حدیث دیگر فرمود که برای تب هیچ چیز نافعتر از دعا و
آب سرد نیست و از مفضل منقولست که بخدمت آنحضرت رفتم در ایام تابستان آنحضرت تب داشت
دیدم طبقی گذاشته پر از سیب سبز عرض کردم که این را از برای تب خریده اند فرمود که این
بو طرف حرارت را فرو می نشاند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که علاج تب بسه چیز میباشد بقی و عرق
و مسهل و از ابراهیم منقولست که بخدمت حضرت صادق ع رفتم و شکایت کردم از تب ربع
فرمود که نبات یا قند را بکوب و در میان آب بریز و ناشتا بخور و هر وقت که احتیاج بآب خوردن

شوی بجوز چنان کردم بزودی شفا یافتم و حضرت امام موسی ع فرمود که در تب غب عسل و سیاه دانه را
با هم ممزوج کن و سه انگشت از آن بخور که این هر دو مبارکست و خدا اعلی فرمود که شفاست و حضرت
رسول ص فرمود که در سیاه دانه شفای هر دردیست مگر مرگ و از حضرت امام علی نقی ع منقولست که بهترین
چیزها برای تب ربع آنست که در روز نوبه پالوده و عسل زعفران بسیار در آن بکنی و در آن روز
غیر از او چیزی نخوری و از حضرت امام رضا ع منقولست که این تعوید برای تب مفیدست یا الله (ولی)
يا رب الارباب و يا سيد السادات و يا اله الالهة و يا ملك الملوك
و يا جبار السموات و الارض اشفني و عافني من دائي هذا فاني عبدك
و ابن عبدك اتقلب في قبضتك و ناصيتي بيدك سه مرتبه این دعا را
بخوان تا خدای تعالی شفا دهد بحول و قوه خود و در روایت معتبر وارد است که حضرت رسول را تب تند
عارض شد جبرئیل آمد و این تعوید را بر آنحضرت خواند در ساعت تب زایل شد بسم الله
بسم الله اشفيك بسم الله من كل داء يعنيك بسم الله و الله شافيك
بسم الله خذها فلتهنيك بسم الله الرحمن الرحيم فلا اقسم بمواقع
النجوم و دیگر در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که دردی داشته باشد دست را
بر موضع درد بگذارد و سه مرتبه الله الله ربي حقا لا اشرك به شيئا اللهم
انت لها و لكل عظيمة ففرجها عني و در روایت معتبر دیگر فرمود که بگو بسم
الله و دست راست را بر آن موضع که درد میکند بمالد و بگوید اعوذ بعزة الله
و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ
برسول الله و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف
على نفسي و هفت مرتبه بخواند و از حضرت امیرالمومنین ع منقولست که هر که را در بدنش
دردی باشد این دعا بخواند اعوذ بعزة الله و قدرته على الاشياء اعيذ
نفسي بجبار السماء اعيذ نفسي بمن لا يضر مع اسمه داء اعيذ

١٣٠ ۲

نَفْسِی بِالَّذِی اِسْمُهُ بَرَکَةٌ وَشِفَاءٌ و دیگر بجهت تب ربع منقولست که این آیه را بنویسه و بر او بندد یَا نَارُ کُونِی بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى اِبْرَاهِیمَ و از حضرت صادق منقولست که هر که دردی بهم رساند دست را بر آن موضع بگذارد و با خلاص بگوید وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ وَلَا یَزِیدُ الظَّالِمِینَ اِلَّا خَسَارًا که بخواند البته عافیت یابد از هر علتی که باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که سوره حمد و قل هو الله احد شفا نیابد هیچ چیز شفا نمی دهد و از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر کسی زاری در خود بیابد بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِ اللهِ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى مَا یَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ و دیگر در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که درد سر داشته باشد و یا بول شبه شده باشد دست بر موضع درد بگذارد و بگوید اُسْکُنْ سَکَّنْتُکَ بِالَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ و در روایت معتبر از آنحضرت منقولست که برای دفع درد گوش دست بر گوش بمالد و هفت مرتبه این دعا بخواند و در روایت دیگر فرمود که برای دفع درد سر دست بر بالای سر بگذارد و بگوید لَوْ کَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ کَمَا یَقُولُونَ اِذًا لَابْتَغَوْا اِلَى ذِی الْعَرْشِ سَبِیلًا وَاِذَا قِیلَ لَهُمْ تَعَالَوْا اِلَى مَا اَنْزَلَ اللهُ وَاِلَى الرَّسُولِ رَاَیْتَ الْمُنَافِقِینَ یَصُدُّونَ عَنْکَ صُدُودًا و در روایت دیگر منقولست که شخصی را اختلال دماغ بهم رسیده بود حضرت صادق فرمود که هر شب در هنگام خواب این دعا را بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ آمَنْتُ بِاللهِ وَکَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِی فِی مَنَامِی وَیَقَظَتِی اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَجَلَالِهِ مِمَّا اَجِدُ وَاَحْذَرُ و از حضرت امام محمد باقر منقولست که کسی را که جن گیرد برای او سوره الحمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک ده مرتبه بخوانند و این سه سوره را در جامی با مشک و زعفران بنویسند

و با او بخوانند و بر آب وضو و غسلش داخل کنند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا شخصی را دید که صرعش گرفته است قدحی آب طلبید و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بر آن بخواند و بر سر و روی او پاشید بهوش باز آمد و از حضرت رسول منقولست که در خانه که جنیان سنگ انداز شد صاحب خانه آن سنگ را بردارد و بگوید حَسْبِیَ اللهُ وَکَفَى سَمِعَ اللهُ لِمَنْ دَعَا لَیْسَ وَرَاءَ اللهِ مُنْتَهَى و سنگ را باز پس اندازد رفع شود و در حدیث معتبر منقولست از حضرت رسول که برای درد چشم این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ مَتِّعْنِی بِسَمْعِی وَبَصَرِی وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَیْنِ مِنِّی وَانْصُرْنِی عَلَى مَنْ ظَلَمَنِی وَاَرِنِی فِیهِ ثَارِی و در حدیث معتبر منقولست از حضرت امام رضا که شفای چشم در خواندن سوره حمد و معوذتین و آیة الکرسی و کشیدن مرقط و کندر است و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر شکایت کرد از سنگینی گوش فرمود که دست بر گوش بکش و این آیه را که در اواخر سوره حشر است تلاوت کن لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ تا آخر بخواند که شفا یابد و ابو بصیر شکایت کرد بخدمت امام محمد باقر از درد دندان و گفت شبها از این درد بیدارم فرمود که هر گاه درد ظاهر شود دست بر موضع درد بگذارد و حمد و قل هو الله احد بخواند پس این دعا را بخواند و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِیَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللهِ الَّذِی اَتْقَنَ کُلَّ شَیْءٍ اِنَّهُ خَبِیرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ و از حضرت صادق منقولست که انها را بخوان تا سوره انا انزلناه و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که برای دفع درد دندان دست بر موضع سجده بمالد و بر موضعی که درد میکند بمالد و بگوید بِسْمِ اللهِ الشَّافِی اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ و در روایت معتبر منقولست که شخصی بحضرت امام رضا شکایت کرد از کندی زبان آنحضرت فرمود در سجده بگو یَا اَللهُ یَا اَللهُ یَا اَللهُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَبَّ الْاَرْبَابِ یَا سَیِّدَ السَّادَاتِ وَیَا اِلٰهَ الْآلِهَةِ

یا مالک الملک یا ملک الملوک اشفنی بشفائک من هذا الدعاء
واصرفه عنی فانی عبدک وابن عبدک اتقلب فی قبضتک و
گفت که یکمرتبه اینرا در سجود خواندم شفا یافتم و از حضرت رسول منقولست که دمیلان
از گیاه بهشت است آبش برای درد چشم نافعست و حضرت صادق فرمود که مسواک کردن و آب ریختن
چشم را زایل میکند وچشم را جلا میدهد و دیگر از علی ابن نعمان منقولست که بحضرت امام رضا
عرض کردم که ثالول بسیار در بدنم بهم رسیده و باین سبب غمگینم حضرت فرمود که برای هر
ثالولی هفت جو بگیر و بر هر جوی هفت مرتبه اذا وقعت تا هباء منبثا بخوان و هفت مرتبه
اینرا بخوان ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا
فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا و در روایت
دیگر اینرا هم سه مرتبه بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله و
محمد رسول الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم
امح عنی ما اجد پس جو را یکمرتبه بر هر ثالولی بمال و مجموع جوها را در پارچه نوی ببندد و
سنگی بران ببند و سنگی بران ببندد و در چاهی بیندازد و بهتر آنست که این کار را در تحت
الشعاع بکنی راوی گفت که چنین کردم بعد از یکهفته همه برطرف شده بود و در حدیث معتبر
مرویست که حضرت صادق هر دردی که در بدن بهم رسد و ترسد که بجائی بدی منتهی شود در وقتی
که وضو سازد برای نماز واجب پیش از نماز بخواند آیه لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر
سوره حشر که اگر چنین کند او ورم برطرف شود و دیگر در مکارم الاخلاق مذکورست که پیشی خوز
این آیات را بخواند و بنویسد باخود دارد بسم الله الرحمن الرحیم یمحوا الله ما یشاء
ویثبت وعنده ام الکتاب الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل
الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع باسم فلان بن فلان
و نام او و مادرش بنویسد و از برای دیگری بران مضمون بنویسد و ان من شیء الا عندنا

خزائنه وما ننزله الا بقدر معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او
ینفعونکم او یضرون و در روایت معتبر دیگر منقولست که شخصی بحضرت امیر المومنین
شکایت کرد از درد فرمود که آب گرم بخور و اینرا بخوان یا الله یا الله یا الله یا رحمن
یا رحیم یا رب الارباب یا اله الالهة یا ملک الملوک یا سید السادات
اشفنی بشفائک من کل داء وسقم فانی عبدک اتقلب فی قبضتک
و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بحضرت صادق شکایت کرد از درد ناف فرمود که دست
بر آن موضع بگذار و سه مرتبه اینرا بخوان وانه لکتاب عزیز لا یاتیه
الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید و در روایت
بسیار وارد شده است که برای دفع قولنج و درد شکم سوره حمد و معوذتین و قل هو الله احد را
بر جامی بمشک و زعفران بنویسد و اینرا نیز بنویسد اعوذ بوجه الله العظیم وعزته
التی لا ترام وبقدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع
ومن شر ما فیه ومن شر ما احذر و بآب باران بشوید و ناشتا بخورد و در وقت
خواب و در روایت معتبر منقولست که شخصی بحضرت امیر المومنین شکایت کرد از درد پشت فرمود
که دست بر آن موضع بگذار و سه مرتبه این آیه را و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند وما
کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتابا موجلا ومن یرد ثواب الآخرة
نوته منها وسنجزی الشاکرین و دیگر در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر
المومنین فرمود که برای دفع سحر این تعویذ را بر پوست آهو بنویسد و باخود نگاه دارد بسم الله
وبالله وما شاء الله بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله قال موسی ما
جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین
فوقع الحق وبطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالک وانقلبوا
صاغرین و در روایت دیگر فرمود که بعد از نماز خوشی الطالبی از نماز شب و پیش از تعویذ

در نماز صبح رو بجانب خانه او کن و هفت مرتبه بگو بسم الله و بالله و لا حول و لا قوة الا
بالله قال موسی ما جئتم سنشد عضدك باخيك ونجعل لكما سلطانا
فلا يصلون اليكما باياتنا انتما ومن اتبعكما الغالبون آنحضرت فرمود
که هرگاه کسی خواهد که همیشه نیکو از خانه بیرون آید سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب
الفلق بخواند و بیرون رود تا چشم بد را تاثیر نباشد و از حضرت رسول منقول است که هر که از
شیاطین و جادوگران ترسد آیه سخره را که ان ربکم الله الذی که در سوره اعراف واقعست
تا ان رحمت الله قریب من المحسنین بخواند ایمن گردد بعون الله تعالی مطلب
دویم در بیان دعاهای بیماری اول بجهت دفع تب که حضرت فاطمه علیها السلام تعلیم سلمان فارسی رضی
کرد که در این رساله در اعمال نماز صبح و مغرب ذکر شده بخواند که مجربست دویم بسند معتبر از
الامین روایت کرده است که مردی بدردی مبتلا شد که اطبا از معالجه او عجز اعتراف کردند
روزی کتابی از کتب دعا گشود در اول صفحه نظرش باین حدیث افتاد که حضرت صادق فرموده که
علتی داشته باشد بعد از نماز صبح چهل مرتبه این دعا بخواند چون چهل روز براین دعا مداومت کرد شفا
یافت و بعد از آن تجربه بسیار ازین دعا ذکر کرده اند و ابن ادریس رحمه الله در کتاب
سرایر از حضرت صادق روایت کرده که هر که هر روز این دعا را سی مرتبه بخواند هرگز ... نوع
بلا را از او دفع کند که کمتر آنها خوره باشد و شیخ طوسی رحمه الله گفته که در تعقیب
صبح سی مرتبه این دعا بخوانند و دعا بروایت شیخ و ابن ادریس رحمه الله این است بسم الله
الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين تبارك الله احسن الخالقين
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و بروایت کفعمی بعد از بسم الله
الحمد لله رب العالمين حسبنا الله ونعم الوكيل تا آخر دعا و هر دو
خوبست سیوم بسند معتبر مرویست که از جهت دفع بادها هفت مرتبه بخواند بر
... و هر مرتبه که می دمد بر کرد آن مریض ... که شفا یابد بسم الله الرحمن

الرحيم سلام على نوح في العالمين سلام على موسى وهرون سلام
على الياسين يخرج مخرج مخرج یا سرخ باد یا شاه باد یا خام باد یا حلاق باد
یا کبود باد یا زرد باد یا بنفش باد یا خودرنگ باد یا گرم باد یا معتدل باد یا هر بادی که
هستی بیرون انداز سر و گوش و چشم و گردن و دست و پهلو و هفت اعضا و اندام
فلان بن فلان بحق توریه موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد و بحق سلیمان بن داود
بحق بسم الله الرحمن الرحيم آمین یا رب العالمین چهارم از حضرت صادق مرویست
که این دعا عظیم را بر گردن هر بیماری ببندند البته شفا یابد بسم الله الرحمن الرحيم
يا من اسمه دواء وذكره شفاء يا من يجعل الشفاء فيما يشاء من
الاشياء صل على محمد وال محمد واجعل شفائي من هذا الدعاء
في اسمك يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا
الله يا رب يا رب يا رب يا رب يا رب يا ارحم الراحمين يا ارحم
الراحمين يا ارحم الراحمين پنجم بسند معتبر از حضرت امام موسی مرویست که هر
بیمار صعب که اطبا از معالجه او عاجز باشند باید که بیمار بر قفا بخوابانند و قدری کرباس بگیرند
و در بالای بیمار بیندازند از طرف سر تا پنجه پا و بعد از آن یکصاع گندم که عبارت از یکمن تبریز
باشد از سر تا قدم بیمار در کرباس بریزند و این دعا را بخوانند و دست در آن برآرد تا دعا را
بخوانند و بعد از آن چهل بشمارند و گندمها را جمع کنند و دو مرتبه دیگر دعا را بخوانند تا سه مرتبه که تمام
کرباس را چهار قسمت کنند و هر قسمتی در میان پارچه کرباس کنند و به چهار مستحق بدهند که ان شاء الله شفا یابد
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسئلك باسمك الذي اذا سئلك
به المضطر كشفت ما به من ضر ومكنت له في الارض وجعلت له
خليفتك على خلقك ان تصلي على محمد وال محمد وان تعافيني من علتي
ششم بسند صحیح مرویست از شیخ ابو جعفر کلینی رحمه الله که چون کسی را مرضی صعب عارض شود

که اطبّا و عقلا از مداوای او عاجز شوند در شب یکشنبه یا چهارشنبه یا در شبهای دیگر در این چهار هفت
عدد زر بگذارند در فراخور احوال خود و آن زر را بر هفت نفر از کسانی که زایر امام موسی کاظم ع باشند
بدهند و بعد از آن این دعا برا و بخوانند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اللّٰهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ
الْعَبْدِ الصَّالِحِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَاظِمِ لِغَيْظِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِلَّا عَافَيْتَنِي
بِهِ مِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُهُ عَلَى بَصَرِي وَفِي جَمِيعِ سَائِرِ جَسَدِي وَفِي جَوَارِحِ بَدَنِي
مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ مِنْ جَمِيعِ الْاَسْقَامِ وَالْاَمْرَاضِ وَالْعِلَلِ وَ
الْاَوْجَاعِ بِقُدْرَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بحرمة آنحضرت شفا بیابد و این مجربست
هفتم بسند معتبر از حضرت صادق ع مرویست که هر علتی که حادث شود بتربت امام حسین ع
مداوا کنید که البته شفا یابید مگر آنکه علت مرگ باشد و اول تربت آنحضرت را بر چشم کشد و صلوات
بر محمد و آل محمد بفرستد و بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ
الْمُبَارَكَةِ الطَّاهِرَةِ وَرَبَّ النُّورِ الَّذِي اُنْزِلَ وَرَبَّ الْجَسَدِ الَّذِي سَكَنَ
فِيهِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُوَكَّلِينَ بِهِ اِجْعَلْهُ شِفَاءً مِنْ دَاءِ كَذَا وَكَذَا و نام آن را
ذکر کند پس تربت را بخورد و بجرعه آب بیاشامد و بگوید اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا
وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّٰهُمَّ رَبَّ
التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَرَبَّ الْوَصِيِّ الَّذِي وَارَتْهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
اِجْعَلِ الطِّينَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَاَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ مشهور میان
علما آنست که تربت آنحضرت را بقصد شفا بقدر نخودی میتوان خورد و از بعضی احادیث
بقدر عدس ظاهر میشود و احوط آنست که زیاده از عدس نخورد و بعد از آن صد مرتبه بگوید اللّٰهُمَّ
الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ البته مجربست فصل پنجم در بیان احکام
اموات و سؤال قبر و احتضار بر داشتن میت و بعد از آن و در این فصل پنج مطلب است
مطلب اول در بیان اموات و سؤال قبر روایتست از خواجه کاینات و خلاصه موجودات محمد

مصطفی ص که پرسیدند بهترین مردمان کدامند فرمود آنند که روی از دنیا بگردانند و دست در عقبی
زنند و ترک دنیا کنند چنانچه حق تعالی فرموده کُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ
رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ یعنی هر کس در روی زمین بمرگ خواهد رسید باز فرموده
كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ یعنی هر تنی چشنده مرگست و در جای دیگر فرموده كُلُّ شَيْءٍ
هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ یعنی همه چیزها هلاک شدنیست مگر ذات پاک خود سبحانه و تعالی حدیث
دویم مرویست از سید کونین و فخر عالمین محمد مصطفی ص که روزی حضرت فاطمه زهرا بخدمت
آنحضرت رفت و خندان آنحضرت فرمود که ای نور دیده من این شادی و نشاط از چیست مگر
فراموش کرده دیدار ملک الموت را و جواب منکر و نکیر را و تلخی شربت مرگ که بدتر است
از زخم هزار شمشیر و تنگی گور ای فرزند عزیز گور مرغزاریست از مرغزارهای بهشت یا حفره ایست
از حفرهای دوزخ و بدانکه گور سختترین منزلست از منزلهای آنجهان آیا نمیدانی که آنجا خانه و بیم ایمنیست
که اینجهان سرای غفلت در این سرا شادی کسی کند که او را عقل نیست فراموش مکن دوزخ را
و فراموش مکن بهشت را در این سرا شادی نکند مگر نادان و آبادانی نکند مگر زیانکار ای
فرزند عزیز من حلال خور و حلال پوش و صبر کن بر قضای حق تعالی تا از تو خشنود باشد در این سرا
نه توانگر ماند نه درویش و نه شاه و نه گدا و نه شادی و نه غم و نه راحت و نه زحمت و نه پیر و نه جوان
و نه بیمار و نه تن درست و نه صالح و نه طالح و نه عاشق و نه معشوق و نه آشنا و نه بیگانه و
نه بنده و نه آزاد که جمله بپنجه مرگ خواهند رسید و طپنچه مرگ خواهند چشید اَلدُّنْيَا قَذِرَةٌ
فَاعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا حدیث سیوم روایت شده است بسندی که متصل است
بشیخ بزرگوار محمد بن یعقوب کلینی از علی بن ابراهیم از پدر او و از عمرو بن عثمان و بعضی
از اصحاب ما از سهل بن زیاد از احمد بن محمد بن ابی نصیر و حسن بن علی از مفضل بن صالح از جابر بن
عبد الله از سوید بن غفله که حضرت امیر المؤمنین ع حدیثی فرمود که خلاصه او اینست که بدرستی
که فرزند آدم را چون برسد روز آخر ایام دنیای او و اول ایام آخرت او پس ممثل شود یعنی

بصورت مثال در آورده میشود در نظر او مال او و فرزندان او و عمل او که در ایام زندگانی از او وا قعشده
است باز نگرد بسوی مال خود و میگوید بخدا قسم که بتو رغبت تمام داشتم و بواسطه حصول تو حرص و
بخل بسیار می ورزیدم اکنون مرا بر تو چیست و چه مدد بمن میتوانی رسانید پس او بگوید بگیر از من کفن
خود را که ترا زیاده از این بر من چیزی نیست آنحضرت فرمود که باز نگرد بجانب فرزندان او و بگوید بخدا
قسم که من شما را دوست میداشتم و همیشه حامی شما بودم در رفع آزار و ایذا از شما مینمودم در برو
بر شما چیزی است و چه مدد از شما بمن میتواند رسید ایشان در جواب او بگویند که میرسانیم ترا بقبر و
پنهان میکنیم ترا در آن که آنچه از ما می آید در باره تو همینست آنحضرت فرمودند که باز گردد بجانب
عمل خود و بگوید بخدا قسم که بتو بی رغبت بودم و با آنکه بر من گران بود قیام مینمودم اکنون مرا
بر تو چیست بگوید در جواب که من قرین تو و مصاحب توام در قبر و در روز حشر و با تو خواهم بود
تا من و تو بموقف عرض پروردگار تو در آئیم و آنحضرت فرمودند اگر حق تعالی را دوست باشد در برابر او
می آید عمل او که بصورت بهترین مردم باشد بحسب بوی خوش آینده ترین ایشان بحسب صورت و
حسن منظر و نیکوترین ایشان بحسب لباس فاخر و میگوید بشارت باد ترا براحت ابدی و روی نیکو و
بهشت پر نعمت هر آینه مقام تو بهترین مقامهاست و آمدن تو بهترین آمدنهاست پس او دوست خدا
بگوید بصورت که تو کیستی که این بشارت میدهی و باین عنایت در مقام خیر خاطر ما حیرت زدگان در
می آئی او در مقابل گوید که من عمل صالح توام که باین صورت در آمده ام حال رحلت کن از دنیا بسوی
بهشت عنبر سرشت پس او از دنیا رحلت نماید و قبض روح او بشود و حال آنکه او میشناخته باشد
غاسل خود را و سوگند میداده باشد حاملان خود را که او را بشتاب میبرده باشند پس چون بقبر در
آید بیز او فرشتگان قبر یعنی منکر و نکیر در حالتی که میکشیده باشند از دنبال خود مویهای خود را
از نهایت درازی و میشکافته باشند زمین را از شدت زدن بپای خود بر آن و آواز ایشان
مثل رعد غرنده باشد و چشمهای ایشان مانند برق درخشنده پس بگویند با او که کیست پروردگار
تو و چیست دینی که اختیار کرده و کیست پیغمبر تو که با وی ایمان آورده او بگوید که خدای سزاوار پرستش

پروردگار منست و دین من اسلام است و پیغمبر من محمد است صلی الله علیه و آله پس دعا کنند فرشتگان او را و بگویند
ثَبَّتَكَ اللهُ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى یعنی برقرار دارد خدای تعالی ترا بآنچه دوست میدارد
آنرا و رضای او باشد و این مقرونست و این قول ایشان ماخوذ است از قول الهی در کلام مجید
يُثَبِّتُ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ یعنی ثابت و برقرار
میدارد حضرت عزت آنانی را که ایمان آورده اند بقول ثابت در زندگانی دنیا و در آخرت
بعد از آن وسیع میسازند از برای او قبر او را آنقدر که نظر او کار کند پس میگشایند برای
راحت او دری از قبر او بسوی بهشت و میگویند بجواب آسایش در آی با دیده خنک و خواب
کن بخواب جوانان بنعمت پرورده شده که حضرت عزت فرموده است أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا پس آنحضرت فرمودند که اگر بوده باشد و
حق تعالی را دشمنی یا اهل جهل بدرستی که خواهد آمد عمل او بصورتی که بدترین صورتها باشد که
حق تعالی آفریده است آنرا بحسب هیات و زشت ترین مردم باشد بحسب تن و بوی ناخوش
پس بگوید باواز روی سخریت و استهزا که بشارت باد ترا بطعام و شرابی که از حمیم است آب جوشیده
آتش که عبارت از نار جحیم است پس او میشناخته باشد غاسل خود را و سوگند میداده باشد حاملان
خود را که او را نگاه دارند و بشتاب نمیبرده باشند او را و چون بقبر در آید بیایند نزد او نباش
کنندگان قبر یعنی منکر و نکیر و بیفکنند کفن او را و بگویند با او که کیست پروردگار تو و چه
چیز است دین تو و کیست پیغمبر تو پس او اعتراف بجهل خود نموده پس ایشان در مقام نفرین او در آمده
بگویند لَا دَرَيْتَ وَلَا هُدِيتَ یعنی هرگز ندانی و هرگز راه دانستن او نیابی بعد از آن بزنند
بر سر او بعصای آهنین که با ایشان باشد ضربتی که حضرت عزت جمیع حیوانات را اگر آنکه بفزع و اضطراب آیند
از شنیدن آواز آن غیر جن و انس که حکمت الهی مقتضی شنیدن ایشان نیست بعد از آن
بگشایند از برای زیادتی عذاب او دری از قبر او بسوی دوزخ و بگویند بجواب بزشت ترین حالی پس تسلط
دهد حق تعالی مارها و عقربها و دیگر گزندگان زمین را که میگزیده باشند آنرا تا وقتی که برانگیزاند خدا

باد معروم
دنیت

اورا از قبر او و امّا بسیاری از احادیث وارد است که از امام او نیز سؤال میکنند و اینکه حضرت امیر
المؤمنین ع ذکر او نکردند بنابر شهرت آنست اشاره باینکه شهرت او بمرتبه ایست که احتیاج بذکر نیست
و بواسطهٔ رعایت کسر نفس اقدس خود سلام الله علیه و روایت کرده اند از اصحاب ما رضوان
الله علیهم که در وقت دفن فاطمه بنت اسد والدهٔ حضرت امیر المؤمنین ع که حضرت رسول ص بنفس اقدس
مباشر تلقین او بودند بعد از آن فرمودند ابنُكِ ابنُكِ چون اصحاب از علم آن پرسیدند آنحضرت
فرمودند که از امام او سؤال نمودند او عیدا انت جواب او چه گوید من بیاد او آوردم و گفتم پسر تو
پسر تو یعنی بگو امام من پسر من علی ابن ابی طالب است حدیث چهارم کلینی در ضمن حدیث که از امام
جعفر صادق ع روایت شده این کلام را بر این وجه وارد است که فَیَقُولُ لَهُ یَا عَبْدَ اللّٰهِ مَنْ اَنْتَ فَمَا
رَاَیْتُ شَیْئًا اَقْبَحَ مِنْكَ فَیَقُولُ اَنَا عَمَلُكَ السَّیِّئُ الَّذِی كُنْتَ تَعْمَلُهُ وَ رَاْیُكَ
الْخَبِیثُ یعنی میگوید بصورت که ای بندهٔ خدا تو کیستی که من ناخوش تر از تو کسی ندیدم او در
جواب میگوید که من عمل توام که بدان اقدام نمودهٔ و عقیدهٔ زشت توام که بر آن بودهٔ و ذکر نزل
و التشدید یا بمعنی هیئت و صورت است کبشّر بنزل من حمیم است اینجا بر سبیل تهکم و استهزا
اینجا نکه در آیهٔ کریمهٔ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِیمٍ بر آن وجه واقعست و نزل بالضم نون و زای
نقطه دار چیزیست که بواسطهٔ مهمان مهیا میکنند از طعام و شراب و امثال آن و این نیز چنانچه مخفی نیست
بر سبیل التهکم و استهزاست و حمیم آب بسیار گرمیست که اهل دوزخ وقتی که تشنه میشوند باین مبتلا میشوند
که رفع تشنگی از خوردن آن نمیشود و آن آب دوزخیان بدل خود را بآن مشوینده حدیث پنجم
روایت شده است در کتاب کافی از زید ثابت که گفت وقتی رسول خدا احمد مصطفی ص در محوطهٔ
بنی نجاریه با استر خود سوار بودند و ما با آنحضرت بودیم که ناگاه استر شوخی کرد و در هم کردید
چنانچه نزدیک بود که آنحضرت را بیندازد که در بین اثنا نظر ما بر قبری چند افتاد که عدد آن شش یا پنج
بود پس آنحضرت از صاحبان قبرها استفسار کردند فرمودند که میشناسید ایشان را مردی گفت
من میشناسم ایشان را او پرسید که در چه زمان مرده اند اینجا گفت در زمان شرک و کفر

آنحضرت فرمودند بدرستی که این گروه مبتلا اند در قبرهای خود بعذاب اگر نمیبود خوف اینکه شما
از دفن یکدیگر باز ایستاده در مقام سوختن و بدریا انداختن یا بسباع و بهایم دادن یکدیگر خود درآیید
از ترس اینکه مبادا توبیخ و سرزنش هم کرده شماتت یکدیگر میکرده باشید که پدر فلان مثلا بفلان عذاب
گرفتار است یا خویش فلان در دنیا عملش این بود که برین وجه در قبر عذاب میکنند هر آینه دعا میکردم
بدرگاه احدیت که بشنواند شما را الم عذاب قبری که من میشنوم از آن وَ لَیُسَلِّطُ اللّٰهُ
حَیَّاتِ الْاَرْضِ وَ عَقَارِبَهَا حدیث ششم روایت شده است در کتاب کافی از حضرت صادق ع
که فرمودند بدرستی که حق تعالی مسلط میسازد بر کافر نود و نه مار بزرگ را که اگر یکی از آن ماران نفس بر زمین
دمد هرگز از گیاه نروید و اهل سنت نیز روایت کرده اند همین عدد را از رسول خدا محمد مصطفی
و امّا بسیار شد که بخاطر خطور کند که بر سر قبر میایستیم بعد از دفن میت و گوش می نهادیم اصلا خبر
از سؤال و جواب مذکور نمیشود و خطاب و عتاب ملکین نمیشنویم و بسیار هست که قبر را میشکافیم
و می بینیم میت را در قبر همچنانکه گذاشته ایم بی آنکه ظاهر شود که او را نشانیده اند و از آن حال تغیر
داده اند و اصلا ماری و عقربی نمی بینیم که در گرد و پیش او جمع باشند چون تصدیق توانیم کرد امری را
که مشاهدهٔ عیان دلالت بر خلاف او داشته باشد پس باید دانست که نشنیدن سؤال و جواب قبر را
و ندیدن حیات و عقارب مذکور را در عالم ملک یعنی عالم مشاهده و عیان مانع نمیآید از تصدیق بحقیقت
تحقق آنها مذکور در عالم ملکوت یعنی عالم غیب و این گوش و چشم را قابلیت آن نیست که استماع و
مشاهدهٔ امور ملکوتی نماید بلکه ادراک مذکور بحس دیگر است غیر این حواس نمی بینی که صحابه رضوان الله
علیهم که بسعادت خدمت رسول خدا اعتقاد داشته ایمان آورده بودند باینکه جبرئیل ع بر آنحضرت
نازل میشود و ادعا نکرده باینکه حضرت هم مشاهدهٔ آن میکنند و با هم مکالمه مینمایند و حال آنکه ایشان حاضر بودند
او را نمیدیدند و از مکالمهٔ او نمیشنیدند پس اگر ایمان بر این معنی نیاورده و تصحیح اصل ایمان و تصدیق مکنند
وحی و نزول جبرئیل ع پس واجبست از تصحیح ایمان بعذاب قبر گوش کن که آنرا بدست آری و اگر ایمان آورده
و تجویز آن کرده که انبیا ع مشاهدهٔ چیزی نمایند که دیدهٔ امت را قابلیت مشاهدهٔ آن نباشد و چیزی را شنوند که

امت آن را نتوانند شنید پس ایمان بعذاب قبر بیاورد و تجویز آن نیز بکن که میت چیزی را ببیند و بشنود که ما نبینیم و نشنویم و از جمله اموری که صورت علامت فَاِنَّ النَّاسَ نِیَامٌ فَاِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است یعنی همه کوئی بخفتگان باشند در غفلت چون بمیرند آنگاه بیدار شوند حدیث هفتم شیخ بزرگوار محمد بن یعقوب کلینی در کتاب کافی از طرق اهل بیت علیهم السلام روایت کرده اند مثل قوله تعالی کَیْفَ تَکْفُرُونَ بِاللّٰهِ وَکُنْتُمْ اَمْوَاتًا فَاَحْیَاکُمْ ثُمَّ یُمِیتُکُمْ ثُمَّ یُحْیِیکُمْ ثُمَّ اِلَیْهِ تُرْجَعُونَ یعنی چگونه کافر میشوید بخدا ایتعالی و ایمان نمی آورید بوحدانیت او و حال آنکه شما بودید مردگان یعنی اجسامی که او را حیات نبود پس زنده کرد و دمید شما را بنفخ روح در بدنهای شما و پس آن بمیراند شما را چون اجلهای شما در رسد بعد از آن باز زنده کرداند شما را پس بسوی او باز کردانیده شوید خود هم در این آیه دو رجوع باز گشت فرموده است البته یکدر قبر و یک در قیامت است و هر کس قایل شده است بزنده شدن در قبر قایل شده است بعذاب قبر و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هٰذَا فِی نَارِ الْبَرْزَخِ قَبْلَ یَوْمِ الْقِیٰمَةِ اِذْ لَا غُدُوٌّ وَلَا عَشِیٌّ فِی الْقِیٰمَةِ یعنی عرض بامداد و شبانگاه بر آتش در برزخ خواهد بود پیش از قیامت حدیث هشتم روایت شده است بسندی که متصل است بشیخ ابو جعفر طوسی رحمه الله و دیگران از حماد بن ابی بصیر که گفت سؤال کردم از امام جعفر صادق علیه السلام از ارواح مؤمنان فرمودند ارواح مؤمنان در بهشت بصورتهای ایشان که اگر به بینی آنها را هر آینه خواهی شناخت و خواهی گفت این فلانیست با نامی که داشته است خواهی خواند و خواهی گفت کای فلان علی الآثالیز و اما باید دانست که اینحدیث دلالت بر آن دارد که علما در آن نشأ بصورت جسم در آمده اند و در قبر و حشر قرین و جلیس صاحبان خود میباشند در بسیاری از احادیث ظاهر است و وارد از طریق مخالف و مؤالف از آنجمله حدیثیست که اصحاب ما رضوان الله علیهم روایت کرده اند از قیس بن عاصم که گفت وارد شدم با جماعتی از طایفه بنی تمیم بر رسول خدا پس در آمدیم بخدمت آنحضرت و صلصال بن دلهمس در خدمت آنحضرت بود پس گفتم ای رسول خدا موعظه کن ما را و پندی ده که از آن نفع یابیم چه ما جماعتیم بادیه نشین که در بیابانها بسر میبریم و همیشه نمیتوانیم بخدمت شما استعداد یافت رسول خدا فرمود

یا قیس بدرستی که با هر عزتی خواریست و با هر زیستنی مردنی هست و بدرستی که دنیا را آخرتی هست و بدرستی که هر چیزی را که حق تعالی آفریده است نگاهبانی مقرر است و بر هر چیزی بزرگواری نوکل است بدرستی که اجلی را که از برای امری مقرر شده نوشته است بر طبق آن از لوح محفوظ که تغیری با در راه نمیابد و بدرستی که ناچار است مرد را ای قیس از مصاحبی که با تو بزیر خاک در آید و حال آنکه او زنده باشد و تو مرده باشی و تو با او بزیر خاک در آئی پس اگر آن مصاحب بزرگوار باشد بزرگوار میکند ترا و اگر ناکس باشد ناکس میکند ترا و محشور نمیشود در قیامت مگر با تو و تو نیز محشور نمیشوی مگر با او و از تو سؤال نمیکنند مگر از نیکی و زشتی او پس مگردان او را مگر صالح و پسندیده زیرا که اگر پسندیده باشد با او موانست خواهی گرفت و از صحبت او محفوظ خواهی بود و اگر فاسد و ناپسندیده باشد وحشت و رمندگی تو خواهد بود مگر از او و کردار تست در دنیا حدیث نهم و در بعضی احادیث سابق نیز در باب مجسم شدن اعمال در آن نشأ و سخنان مذکور شد پس از احادیث همچنین ظاهر میشود که ارواح غیر مؤمنان در برزخ دنیا خواهد بود تا روز حساب بروایت شیخ بزرگوار محمد بن یعقوب کلینی از حسن بن بشیر که گفت سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام از حقیقت بهشت حضرت آدم علیه السلام آنحضرت فرمودند که جَنَّةٌ مِنْ جَنَّاتِ الدُّنْیَا تَطْلُعُ فِیهَا الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَلَوْ کَانَتْ جَنَّاتِ الْآخِرَةِ لَمَا خَرَجَ مِنْهَا اَبَدًا یعنی بهشت حضرت آدم باغی بود از باغهای دنیا که در آن آفتاب و ماه طلوع میکرد و اگر بهشت آخرت بود هرگز از او بیرون نمی آمد حدیث دهم روایت کرده است شیخ بزرگوار محمد بن یعقوب کلینی در آخر کتاب جنایز از کتاب کافی از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمودند بدرستی که روحهای مؤمنان بصفت جسدهای ایشان در حجرهای بهشت اند و از طعامهای بهشت تناول مینمایند و شرابهای بهشت را می آشامند و میگویند پروردگارا قایم گردان بر ما قیامت را و وفا کن بوعده که با ما کرده و ملحق ساز آخر ما را با اول ما پس چون روحی از بدن مفارقت کرده بر ایشان وارد شد نزد خود میخوانند و در اقسام مینمایند چه آنکه از هول عظیمی خلاص شده و ویشان در دست پس از او میپرسند که فلانی چه کرد و فلانی بچه عمل اقدام نمود پس اگر در جواب ایشان گوید که آن مرد

که نخواستم امید بودن او داده‌اند و اگر گوید که هلاک شد میگویند هو هوی نفیر فرو رفت کنایه از آنکه
بجهنم واصل شد اگرچه چنانچه اهل بهشت میسر و ملحق میشده و در باب ارواح غیر مؤمنان برخلاف
این روایت شده است که آنها در حجره‌های دوزخ خواهند بود و خورش از طعام و شراب
دوزخیان خواهد بود تا روز قیام قیامت **حدیث یازدهم** روایت شده است بسندی متصل
بشیخ بزرگوار محمد بن یعقوب الکلینی از علی بن ابی حمزه راوی گوید دوستی داشتم از نویسندگان
سلاطین بنی امیه بمن گفت روزی که اراده ملاقات امام جعفر صادق ع دارم سعادت آنحضرت
فایز گردم پس من بخدمت آنحضرت رفتم و بجهت او اذن طلبیدم و آنحضرت اذن دادند
چون بخدمت رسید زمین خدمت بوسیده سلام کرد و در مجلس آنحضرت نشست بعد از آن
گفت جان من فدای تو باد بدرستی که من از عمال دیوان این جماعت بودم و از دنیای ایشان بسیار بمن
عاید شده است و ملاحظه حلیت و حرمت آن نکرده‌ام آنحضرت فرمودند اگر نه این بود که بنی امیه بواسطه
خود ارباب عمل پیدا کنند و کسی نمی‌یافتند که مرتکب دیوان ایشان شود و از جانب بنی امیه با مردم
جدال کنند و مجمع ایشان حاضر شود هر آینه در مقابل اخذ حق ما که امامت و خلافت پیغمبر است نمیشدند
اگر مردم امداد ایشان در نمی‌آمدند مالک چیزی نمیشدند سوی آنچه در دست ایشان بود و قدرت
بر حق ما نداشتند پس چون آن جوان این جواب شنید و گفت جان من فدای تو باد ای فرزند رسول خدا
آیا مرا خلاص ازین عمل هست و میتواند بود که گناه من آمرزیده شود آنحضرت فرمودند اگر تو
بگویم که بواسطه استخلاص ازین ورطه ترا چه باید کرد بعمل خواهی آورد گفت بلی ای فرزند رسول
خدا آنحضرت فرمودند از جمیع آنچه از دیوان در ایام عمل ایشان بدست آورده جدا شو بعد از
آن بخاطر آور آنچه از آنها تعلق بجمیع داشته باشد که ایشان را شناسی پیدا کن مال ایشان را تسلیم
نمای و آنچه صاحب آن را نشناسی و ندانی که از کجا بهم رسانیده از جانب صاحبش بفقرای مؤمنان
و مسلمانان تصدق کن و بعد از آنکه چنین کرده باشی من ضامنم که حضرت عزت جل ذکره گناهان
ترا در معرض عفو و مغفرت خود در آورد و بهشت را بتو ارزانی دارد **پس** آن جوان زمانی طویل

سر در پیش افکنده تأمل نمود و بعد از آن سر برداشت و گفت بکنم آنچه فرمودی جان من فدای تو باد ای
فرزند رسول خدا **پس** راوی گوید که آن جوان نویسنده از خدمت آنحضرت مرخص شد و چون
ما عازم مراجعت کوفه بودیم با ما رفیق شده بکوفه آمد و جمیع آنچه داشت حتی لباسی که پوشیده
بود از خود جدا کرد آنچنانکه مأمور شده بود بعضی را بصاحبان خودش رسانید و بعضی را که معرفت
صاحبانش نداشت بفقرا و ارباب استحقاق تقسیم نموده چنانکه از برای او وجهی نماند که صرف
کسوه و نفقه او شود راوی گوید پس ما جمعی که بر احوال او مطلع بودیم صرف نفقه و لباس برای
او فرستادیم اندک ماهی بر او نگذشت که بیمار شد تا آنکه روزی بعیادت او رفتیم دیدیم که
در حال نزع است چون دانست که ما آمدیم چشم را باز کرد و چون چشمش بر من افتاد گفت ای علی
بخدا قسم که آنچه صاحب تو امام بمن وعده فرموده بود وفا باو کرد یعنی بهشتی که بجهت من ضامن
شده بود بمن ارزانی داشته بعد از آن جان شیرین بقابض ارواح تسلیم نمود و ما در مقام تجهیز
و تکفین او بیرون آمده بخدمت آنحضرت شتافتیم چون چشم مبارک آنحضرت بر من افتاد
سبقت بکلام کرده فرمودند که ای علی بخدا قسم که آنچه صاحب تو که با خود آورده بودی وعده
کرده بودیم وفا بآن کردیم و از عهده ضمان خود برآمدیم راوی گوید گفتم جان من فدای تو باد
بخدا قسم که او نیز ازین دنیا نرفت تا شکر این نعمت بجای آورد و بما گفت آنچه وعده کرده
فرمودی **حدیث دوازدهم** روایت شده از ابو ایوب صحابه انصاری که سوال کرد از حضرت
رسالت پناه از این معنی که حق سبحانه و تعالی فرموده است یَوْمَ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ فَتَأْتُونَ
أَفْوَاجًا آنحضرت سخت بگریست و فرمود که از کار عظیم سوال کردی بروز قیامت گناهکاران را
ده نوع حشر کنند بعضی را بصورت خوکان و بعضی را بصورت بوزینگان و بعضی را پایها بالا
و رویها بر زمین و بعضی کور باشند و بعضی زبانها از دهان بیرون آمده باشند و بر سینه افتاده
و زبانهای خود را میخایند و بعضی پایها و دستها بریده باشند و بعضی لباس قطران پوشیده
باشند و بعضی بر درختان آتش کرده باشند و بعضی بوی گند از ایشان آید بدتر از مردار

راوی گوید اینها کیانند و این عذابها از برای چیست آنحضرت فرمود که آنها بصورت خوکان خمر
خوارانند و حرام خواره و رشوه گیرنده و آنها که بصورت بوزینگان‌اند سخن‌چینانند و آنها که
نگون در دوزخند رباخوارانند و آنها که کورانند قاضیانند که حکم بناحق کرده باشند و آنها که
زبان خود میخایند عالمانند که بدانچه گفته باشند عمل نکنند و نکرده‌اند و آنها که دست و پای بریده
باشند آنانند که همسایگان را رنجانیده باشند و آنها که بر درخت آتشین باشند غمازانند و آنها که
لباس قطران پوشیده باشند متکبرانند و آنها که بوی گند از ایشان آید غمازان میباشند که غمازی
کرده باشند و کسانیکه بشهوات دنیا مشغول باشند إِنَّ لَدَيْنَا أَنكَالًا وَجَحِيمًا وَطَعَامًا
ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا حق تعالی میفرماید که ما ساخته‌ایم از برای دوزخیان بندهای آتشین
بر دست و پای ایشان زند و دوزخیست تافته و آتشیست افروخته طعامیست با غصه و طعامهای
ایشان چه باشد زقوم و ضریع و غسلین و غساق گفت چه باشد فرمود که چرک و ریم و زرداب
که از تن دوزخیان رود حدیث سیزدهم روایت شده است در کتاب کنز الفواید که روزی
حضرت امیرالمؤمنین ع بسجده رفت و صدای گریهٔ آنحضرت بلند شد چون سر از سجده برداشت اصحاب
گفتند یا امیرالمؤمنین دلهای ما را بدرد آوردی از گریه و اندوهناک کردی ما را و حال چنین گریه
مشاهده نکرده بودیم آیا سبب آن چه بود حضرت [illegible] دند که در سجده بودم و دعای خیرات را
میخواندم ناگاه مرا خواب ربود خواب هولناکی دیدم در خواب دیدم که رسول خدا نزد من آمده است
و میگوید ای ابوالحسن غیبت تو از ما بطول انجامید و مشتاق لقای تو گردیده‌ام و آنچه حق تعالی مرا
در باب تو وعده داده بود همه آنها را وفا نمود گفتم یا رسول الله آنچه برای من عطا کرده است
کدامست فرمود که جای ترا و زوجهٔ تو و دو فرزند تو و سایر امامان از فرزندان تو را در علی
علیین مقرر ساخته است و جای شما از جمیع مقربان بالاتر گردانیده است من گفتم پدر و مادرم
فدای تو باد یا رسول الله شیعیان ما در کجا خواهند بود فرمود که در قصرهای محاذی قصرهای ما
خواهند بود و منزلهای ایشان در برابر منزلهای ما خواهد بود گفتم یا رسول الله شیعیان ما را در دنیا

چه ثواب خواهد بود فرمود که ثواب ایشان اینست ایمنی از گمراه شدن و عافیت از فتنه‌ها گفتم یا
رسول الله حال ایشان در وقت مرگ چه خواهد بود فرمود که آنرا مخیر میگردانند در وقت مرگ میان
ماندن در دنیا و رفتن بسرای عقبی و ملک موت را امر میکنند که او را اطاعت کند گفتم طریق قبض
روح ایشان چگونه خواهد بود فرمود که آنانکه در محبت ما سختند بیرون رفتن جان ایشان مانند
آنست که یکی از شما در روز گرمی آب بسیار سردی بخورد که دلش را خنک گرداند و سایر شیعیان
ما چنان از دنیا بیرون میروند که کسی با نهایت استراحت در رخت خواب خود بخواب رود
و دیده‌اش بر دیدن روشن گردد حدیث چهاردهم روایت شده است بسندهای که اتصالش ثقه
است بشیخ بزرگوار محمد بن یعقوب کلینی از جمعی از اصحاب که در حدیث از حضرت امام علی
نقی ع و او از اصحاب امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق ع که فرمودند که عیسی بن مریم ع بقریه‌ای رسید
دید که اهل او همه بر جای خود مرده‌اند و کسی مباشر دفن ایشان نشده و از مرغان و سایر حیوانات
و دواب ایشان نیز اثری نمانده رو بر اصحاب خود کرده گفت بدرستی که اینها نمرده‌اند مگر
بغضب الهی بسبب گناهی که ایشانرا فرا گرفته است چه اگر متفرق و جدا جدا فوت میشدند یکدیگر را
دفن میکردند پس حواریان که صفات ایشان پیش ازین رفت گفتند ای روح الله دعا کن بدرگاه
الهی که ایشانرا زنده گرداند تا از برای ما خبر دهند که عمل ایشان چه بوده و بچه عمل مستوجب
این عقوبت شده‌اند تا ما پرهیز نمائیم از آن عمل و از آن مجتنب باشیم پس عیسی ملتمس ایشانرا
در معرض انجاح در آورده دعا کرد بدرگاه احدیت و احیای ایشانرا از خدای خود درخواست کرد پس
دعای او را در معرض اجابت در آورده ندا در رسید که طلب کن ای عیسی ایشانرا که جواب
خواهند گفت پس حضرت عیسی ع در اثنای شب و وقت تصفیه هوا از کدورات انفاس خلایق
برخواست و بر جای بلندی از هوا بر آمد و گفت ای اهل ده شخصی از ایشان در جواب او نمود
گفت لبیک یا روح الله و کلمته عیسی گفت ای رحمت بر شما باد خبر دهید مرا که اعمال شما
در دنیا چه بوده است و بچه سبب مستوجب این عقوبت شده‌اید آن شخص گفت عمل ما عبادت

بود و دوستی دنیا با ترس اندک و امید بسیار و نهایت غفلت و در گرفتاری بلهو و لعب عیسی
فرمود دوستی شما بدنیا چه بود گفت مانند دوستی طفل بود بمادر خود هر گاه روی بما می‌آورد خوشحال
میشدیم و هر گاه روی از ما میتافت میگریستیم و غمگین میشدیم عیسی گفت عبادت شما طاغوت را
چون بود گفت اطاعت میکردیم ارباب معاصی را و آنچه ما را بدان میداشتند بعمل می‌آوردیم
عیسی گفت آخر کار شما چون شد گفت خوابیدیم شبی بعافیت بدن و رفاهیت حال و صبح خود را
در هاویه دیدیم عیسی گفت که هاویه چه چیز است گفت سجین پرسید که سجین چه چیز است
گفت کوههای آتشین که بجهت سوختن بر می‌افروزند و شعله میکشد از برای سوختن ما تا روز قیامت
عیسی گفت شما در آنوقت چه گفتید و بشما چه گفتند گفت گفتیم ما را باز فرستید بدنیا تا بزهد و
پرهیزکاری قیام نمائیم و تلافی کنیم تقصیری که از ما بوجود آمده جواب گفتند دروغ میگوئید چون بدنیا باز
گردید بقول خود عمل نخواهید کرد عیسی گفت چونست که غیر تو کسی از اینها با من بسخن در نیامد و این مرتبه
اختصاص یافت گفت زیرا که ایشان را زیر لجامهای آتشین در آورده‌اند و سرها را بدست ملائکه غلاظ
و من اگر چه در میان ایشان بودم اما از ایشان نبودم و عمل ایشان از من صادر نشده بود پس چون عذاب
بر ایشان نازل شد مرا با ایشان فرا گرفت پس مرا بموئی در آویخته بر کنار دوزخ باز داشته‌اند و مشرف
بر افتادن در آن چنانچه نمیدانستم که بر روی در خواهم افتاد در آتش یا نجات از آن خواهم یافت پس حضرت
عیسی روی مبارک بجانب حواریان کرد و گفت ای دوستان خدا معاش کردن بنان خشک و نمک
نیم کوفته و خوابیدن در مزبله‌ها عاقبت بسیار خوب است هر گاه بعاقبت دنیا و آخرت باشد حدیث پانزدهم
روایت شده است بسند که معتبر است شیخ صدوق محمد بن بابویه و دیگران از حضرت صادق که آنحضرت
از آبای خود روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین حدیثی از حضرت رسول خدا فرمودند که خلاصه
آن اینست که هر کس عالم شود بر گناه کسی که بشنود از او فاحشه صادر شده است و در مقام افشای او
در آمده بر مردم ظاهر سازد مثل آن باشد که خود بآن اقدام نموده است و کسی که نیکی کند و منت نهد بر برادر
مؤمن خود بسبب یا ذکر دادن غیبت او در مجلس شود بر گرداند از او حق تعالی هزار باب از بدی

در حالتی که قدرت بر او داشته باشد که مقتضای او را بعمل آورد بیابد از جانب خدا تعالی ثواب شهید باو دهد
و هر کس سعی کند در برآوردن حاجت بیماری خواه بر آمده شود و خواه نشود بیرون آید از گناهان مانند
روزی که از مادر متولد شده و هر کس اندوهی از خاطر برادر مؤمن خود رفع کند حق تعالی از او هفتاد و
دو اندوه از اندوههای دنیا او را مرتفع سازد و کسی که نماز گذارد بر میتی بر او نماز کنند هفتاد هزار
فرشته و بیامرزد حق تعالی گناهان او را پس اگر مقام کند در سر قبر او تا او را دفن کنند و بر خاک
سازند قبر او را هر آینه باشد مر او را بهر قدمی که برداشته است قیراطی از ثواب که آن قیراط همسنگ کوه
احد باشد و هر کسی که نگاهدارد و بتعویق اندازد حقی را که در ذمه او باشد در حالتی که قدرت بر ادای او
داشته باشد برای او مینویسند بازای هر روز که بر او بگذرد گناه کسی که او روز صرف گرفتن عشار
کرده باشد حدیث شانزدهم ابن بابویه بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین
فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که خدا تعالی خلق نکرده است خلقی را که از من بهتر و گرامی‌تر باشد نزد او گفتم
یا رسول الله تو افضلی یا جبرئیل فرمود یا علی خدا انبیای مرسل را افضل گردانیده است از ملائکه مقرب و مرا
بر جمیع پیغمبران تفضیل داده است و بعد از من ترا و ائمه را که بعد از تو بر همه تفضیل و زیادتی داده و ملائکه
خدمتکاران ما و خدمتکاران دوستان مایند یا علی آنها که حاملان عرشند و بر دور عرش باشند و تسبیح و
تحمید خداوند خود میکنند و استغفار میکنند از برای دوستان ما که ایمان بولایت ما آورده‌اند یا علی
اگر ما نبودیم خدا نه آدم را خلق میکرد و نه حوا و نه بهشت و نه دوزخ را و نه آسمان و نه زمین را
و چگونه ما افضل از ملائکه نباشیم و حال آنکه ما پیش از ایشان خدا را شناختیم و تسبیح و تقدیس و تنزیه
خدا کردیم زیرا که اول چیزی را که خدا خلق کرد ارواح ما بود پس ما را گویا گردانید بتوحید و تحمید
خود که او را بیگانگی یاد کنیم و حمد او کنیم بعد از آن ملائکه را خلق کرد و ارواح ما یکنور بود و چون ارواح
ما را ملائکه دیدند بسیار عظیم نمود در نظر ایشان پس گفتیم سبحان الله تا ملائکه بدانند که
ما خلق آفریده خدائیم و خدا منزه است از آنکه با ما شباهتی داشته باشد یا آنکه صفات ممکنات در او باشد
پس ملائکه چون تسبیح کردند و خدا را منزه از صفات ما دانستند و چون بزرگواری شأن ما را دیدند

نمودند لا اله الا الله گفتیم تا بدانند ملائکه که خدا شریک در بزرگواری و عظمت ندارد و ما بندگان خداییم
و در عظمت خداوندی او شریک نیستیم پس ایشان گفتند لا اله الا الله و چون رفعت محل و درجه
ما را دیدند الله اکبر گفتیم تا بدانند ملائکه که خدا از آن عظیم‌تر است که کسی بدون توفیق و تأیید او به درجه
و مرتبه و منزلت تواند رسید آنگاه گفتند الله اکبر پس چون قوت و قدرت و غلبه ما را مشاهده
کردند گفتیم لا حول و لا قوة الا بالله تا بدانند که قوت و قدرت و توانایی ما از خداوند است
پس دانستند که خدا چه نعمتها با کرامت فرموده و اطاعت ما را بر جمیع خلق لازم گردانیده ما گفتیم
الحمد لله تا بدانند ملائکه که خداوند از جانب ما مستحق حمد و ثناست بر این نعمتهای عظیم که بما انعام فرموده
پس ملائکه الحمد لله گفتند پس به برکت ما هدایت یافتند ملائکه به تسبیح و تهلیل و تحمید و توحید و
تمجید خدا پس حق تعالی آدم را خلق فرمود و ما در صلب آدم بودیم و سجود ایشان سجده بندگی خدا
و سجده تکریم و اطاعت آدم بود چون ما در صلب آدم بودیم چگونه ما از ملائکه افضل نباشیم و حال آنکه جمیع
ملائکه سجده آدم از برای تکریم ما کردند و بدرستی که چون مرا به آسمانها عروج فرمودند جبرئیل اذان و
اقامت گفت و گفت یا محمد پیش بایست تا ما با تو نماز کنیم من گفتم که یا جبرئیل من بر تو تقدم جویم گفت
آری زیرا که خدا پیغمبرانش را بر جمیع ملائکه تفضیل داده است و ترا بالخصوص بر جمیع خلق تفضیل داده است
پس من مقدم شدم و با من نماز کردند و فخر نمی‌کنم پس به حجابهای نور رسیدم جبرئیل گفت که پیش رو
یا محمد که من در اینجا میمانم گفتم در چنین جایی مرا تنها میگذاری گفت یا محمد این نهایت اندازه است که
خدای تعالی برای من مقرر ساخته است و اگر از اینجا درگذرم بالهای من بسوزد پس فرو رفتم در دریاهای
نور و رسیدم به جایی که خدا میخواست از اعلای درجات ملکوت پس ندا بمن رسید که یا محمد
گفتم لبیک ربی و سعدیک تبارکت و تعالیت پس ندا رسید که یا محمد تو بنده منی و من پروردگار
توام مرا عبادت کن و بر من توکل کن در جمیع امور بدرستی که تو نور منی در میان بندگان من و فرستاده
منی بسوی خلق و حجت منی بر جمیع خلایق از برای تو و متابعان تو بهشت را خلق کرده‌ام و از برای مخالفان
تو جهنم را خلق کرده‌ام و از برای اوصیای تو کرامت خود را واجب گردانیده‌ام و از برای شیعیان ایشان

ثواب خود را لازم ساخته‌ام گفتم خداوندا اوصیای من کیستند ندا رسید که ای محمد اوصیای تو آنهایند
که بر ساق عرش من نام ایشان نوشته است چون نظر به ساق عرش کردم دوازده نور دیدم بر هر نوری سطری
سبز بود که بر او نام وصیی از اوصیای من نوشته بود اول ایشان علی بن ابی طالب و آخر ایشان مهدی
من گفتم خداوندا اینها اوصیای منند بعد از من ندا رسید که یا محمد اینها اولیا و دوستان و اوصیای
منند و حجتهای منند بعد از تو بر جمیع خلایق و ایشان اوصیا و خلیفه‌های تو اند و بهترین خلق منند
بعد از تو بعزت و جلال خودم سوگند که به ایشان دین خود را ظاهر گردانم و کلمه خود را به ایشان بلند گردانم
و به آخرین ایشان زمین را از دشمنان خود پاک گردانم و او را بر مشرق و مغرب زمین مسلط گردانم
و بادها را مسخر او گردانم و ابرهای صعب را ذلیل او گردانم و او را به آسمانها بالا برم و او را به لشکرهای خود
یاری کنم و ملائکه را مددکار او گردانم تا آنکه دین حق غالب شود و جمیع خلق به یگانگی من اقرار کنند
پس ملک پادشاهی او را دایم گردانم و دولت حق را در ذریت او از دوستان من [illegible]
نمود و به سند معتبر از حضرت صادق روایت است که چون جبرئیل نزد حضرت رسول می‌آمد در صحبت
آنحضرت مانند بندگان می‌نشست و تا رخصت نمیفرمود آنحضرت داخل نمیشد و از حضرت امام حسن عسکری
روایت کرده است که از حضرت رسالت پناه پرسیدند که علی بن ابی طالب افضل است یا ملائکه فرمود
که ملائکه شرف نیافتند مگر به محبت علی و قبول ولایت ایشان و هر کس از محبان علی که دل خود را از غش
و غل و کینه و حسد دشمنان پاک کند او افضلست از ملائکه و به سند معتبر از حضرت صادق روایت
کرده است که یهودی بخدمت حضرت رسول آمد و گفت تو افضلی یا موسی بن عمران حضرت
فرمود که خوب نیست که آدمی تعریف خود کند ولیکن مرا ضرور است میگویم چون حضرت آدم را ترک اولی
صادر شد توبه‌اش این بود که خداوندا از تو سؤال میکنم بحق محمد و آل محمد که مرا بیامرزی پس خدا
توبه‌اش را قبول فرمود و نوح چون به کشتی نشست و از غرق ترسید گفت خداوندا از تو
سؤال میکنم بحق محمد و آل محمد که مرا از غرق نجات دهی پس خدا او را نجات داد و ابراهیم چون او را
به آتش افکندند گفت خداوندا سؤال میکنم بحق محمد و آل محمد که مرا از آتش نجات دهی خدا آتش را

براو مهر دولایت کرد اینکه موسی چون عصای خویش را انداخت ترسید گفت خداوند اگر محمد و آل او را
که مرا ایمن کردانی پس خدا فرمود که مترس که تو برایشان غالبی ای یهودی اگر موسی مرا دریافتی و ایمان
به پیغمبری من نمی آورد ایمان او هیچ نفع نمیداد او را و پیغمبری نفع نمیکرد او را ای یهودی یکی از
فرزندان من مهدی است که چون بیرون آید عیسی بن مریم از آسمان برای یاری او فرود آید و او را در
عقب او نماز کند و ایضاً بسند معتبر روایت کرده است که رسول خدا به حضرت امیر المؤمنین گفت
یا علی خدا تعالی مرا از میان جمیع مردمان برگزید و بعد از من ترا بر جمیع مردان عالم اختیار کرد پس ائمه
فرزندان ترا از جمیع مردمان عالم اختیار کرد پس فاطمه را از جمیع زنان عالم اختیار کرد و در احادیث
معتبره وارد شده است که در روزی که از ذریت آدم پیمان میگرفتند از جمیع ملئکه و پیغمبران و سایر خلق
بلیّن نحو پیمان گرفتند که آیا من پروردگار شما نیستم و محمد پیغمبر شما نیست و علی امام شما نیست
و امامان از فرزندان او امامان شما نیستند همه گفتند بلی و هر که سبقت گرفت باین اقرار و عزم
نمود که داشتن این پیمان بیشتر از پیغمبران اولو العزم شدند و هر ملکی که قبول بیشتر کرد مقرب و
در باب وصیت یا باذر احفظ اوصیک بهٖ تکن سعیداً فی الدنیا والاخرة
یا باذر نعمتان مغبون فیهما کثیر من الناس الصحة والفراغ یا باذر اغتنم
خمساً قبل خمس شبابک قبل هرمک وصحتک قبل سقمک وغناک قبل فقرک
وفراغک قبل شغلک وحیاتک قبل موتک یا باذر ایاک والتسویف
بأملک فانک بیومک ولست بما بعده فان یکن غدٌ لک فکن فی الغد کما
کنت فی الیوم وان لم یکن غد لک لم تندم علی ما فرطت فی الیوم یا باذر کم
مستقبلٍ یوماً لا یستکمله ومنتظر غداً لا یبلغه یا باذر لو نظرت الی الاجل
ومسیره لابغضت الامل وغروره یا باذر کن کانک فی الدنیا غریب
او کعابر سبیل وعد نفسک من اصحاب القبور یا باذر اذا اصبحت فلا
تحدث نفسک بالمساء واذا امسیت فلا تحدث نفسک بالصباح وخذ

صحتک قبل سقمک ومن حیاتک قبل موتک فانک لا تدری ما اسمک
غداً یا باذر ایاک ان تدولک الصرعة عند العثرة فلا تمکن من الرجعة
ولا یحمدک من خلفت بما ترکت ولا یعذرک من تقدم علیه بما
اشتغلت به یا باذر ما رأیت کالنار نام هاربها ولا مثل الجنة
نام طالبها یا باذر کن علی عمرک اشح منک علی درهمک ودینارک یا باذر
هل ینتظر احدکم الا غنی مطغیاً او فقراً منسیاً او مرضاً مفسداً
او هرماً مفنیاً او موتاً مجهزاً او دجالاً فانه شر غائب ینتظر والدجال او
الساعة ینتظر والساعة ادهی وامر ای ابوذر حفظ کن آنچه من ترا بآن وصیت
میکنم و عمل نما تا سعادتمند گردی در دنیا و آخرت ای ابوذر دو نعمت است که غبن دارند در آن دو نعمت
بسیاری از مردم یکی صحت بدن و اعضا و جوارح و یکی فراغ و وسعت و مجال یعنی دو نعمت
فریب میخورند و غنیمت نمیشمارند و میگذارند که از دستشان میرود و بعد از آن حسرت میخورند
و فایده ندارد و در احادیث دیگر مغبون بغا وارد شده است یعنی باعث فتنه ایشان است و ایشانرا
از خدا غافل میکرداند ای ابوذر غنیمت شمار و قدر بدان پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار جوانی را
پیش از پیری که چون پیر شدی بندگی نمیتوانی کرد و حسرت خواهی خورد و غنیمت دان صحت و تندرستی را
پیش از بیماری که چون بیمار شوی عبادت نمیتوانی کرد چنانچه در صحت میتوانی کرد و قدر بدان
توانگری را پیش از آنکه فقیر شوی که آنچه خواهی در راه خدا نمیتوانی داد و حسرت توانگری را
بعلت فقر از عبادت باز مانی و غنیمت دان فارغ بودن را پیش از آنکه مشغول شوی بچیزی چند
که فرصت عبادت نداشته باشی و غنیمت دان زندگی را پیش از مرگ که بعد از مرگ هیچ
چاره نتوانی کرد ای ابوذر زنهار که تأخیر کارها خیر مکن بطول امل و آرزوها که بعد از این خواهم کرد
بدرستی که این روز که در دست تست همین را داری و بعد از این را نمیدانی که خواهی داشت
پس امروز را صرف کار خود کن که اگر فردا زنده باشی در فردا همچنان باش که امروز بودی

فردا از عمر خود نباشد نادم و پشیمان باشی که چرا امروز را ضایع کردی و حال آنکه آخر عمر بود ای ابوذر
چه بسیار کسی که روزی در پیش داشته باشد و آنروز را تمام نکرده بمیرد و چه بسیار کسی که انتظار
فردا برد و بآن نرسد ای ابوذر اگر بهبینی اجل خود و تندی رفتار آنرا که زود می آید و بعجله و بسرعت
میکند هر آینه دشمن خواهی داشت آرزوهای دور و دراز خود را و فریب آنها نخواهی خورد ای ابوذر
مانند غریبی باش در دنیا که بغریبی در آید و آنرا وطن خود نشمارد یا مسافری که بمنزلی در آید و قصد
اقامت نماید و خود را از اصحاب قبور بشمارد و قبر را منزل خود دان و در تعمیر و آبادانی آن همت
بگمار ای ابوذر چون صبح کنی در خاطر خود فکر شام را راه مده و شام را از عمر خود حساب مکن و چون شام کنی
خیال صبح را و اندیشه او را در خاطر مگردان و از صحت خود توشه بگیر پیش از بیماری و از زندگی بهره
بردار پیش از مردن که نمیدانی چه نام خواهی داشت نام زندگانی خواهی داشت یا نام مردگان یا آنکه
در روز قیامت نمیدانی که نام سعدا خواهی داشت یا نام اشقیا ای ابوذر ببین پیش که مبادا از
یاد آنی و بمیری در هنگام غفلت در جمیع دنیا پس ترا رخصت برگشتن نباشد که کار خود درست کنی
و وارث تو ترا مدح نکند از برای آنچه از برای او گذاشته و آن خداوندی که بنزد او رفته ترا معذور
ندارد در آنچه هائی که مشغول آن شده و بندگی او را برای آنها ترک کرده ای ابوذر ندیده که چون
آتش جهنم که گریزنده از آن خواب کند و غافل باشد زیرا که کسی از امر سهلی که گریزان است از خوف
او خواب نمیکند و آتش جهنم با این عظمت جمعی که دعوای خوف از آن میکنند بخواب میروند بلکه
همیشه در خوابند و ندیدم مثل بهشت چیزی را که طلب کننده و خواهان او خواب کند زیرا که مردم
از برای لذتهای سهل دنیای فانی خواب را بر خود حرام میکنند و سعی در تحصیل او مینمایند و طالبان بهشت
ابدی و نعیم نامتناهی پیوسته در خوابند ای ابوذر قدر عمر را بدان و بر عمر خود بخیل تر باش که ضایع نشود
از دینار و درهم ای ابوذر هر یک از شما یکی از چند چیز را انتظار میبرید و در پیش دارید توانگری که بهم رسانید
و طغیان کنید و بسبب آن از سعادات ابد محروم شوید یا فقر و بیچیزی که بسبب آن خدا را فراموش کنید
یا بیماری که شما را فاسد گرداند و از صلاح باز دارد یا پیری که شما را از کار بیندازد یا مرگی که بسرعت در رسد

و مهلت ندهد یا فتنهٔ دجال که شر غایبی است که میرسد یا قیامت قایم شود و قیامت از همه چیز عظیم تر و تلخ تر است
توضیح این کلمات شریفه و مواعظ لطیفه مبین شد حدیث هفتم اهتمام در عمل و احتراز از طول امل
از امهات صفات ذمیمه است و مورث چهار خصلت اول کسل و ترک طاعت زیرا که شیطان او را
از این راه فریب میدهد که فرصت بسیار است و عمر دراز و در هنگام پیری عبادت میتوان کرد ایام
جوانی را صرف عیش و طرب میباید کرد دویم آنکه باعث ترک توبه میشود و تأخیر میکند توبه را بگمان
آنکه مهلت خواهد یافت تا مرگ او را ناگاه بگیرد و مهلت ندهد سیوم آنکه باعث حرص بر جمع مال
و تحصیل امور لازمه او میشود برای آنکه چون گمان عمر بسیار بخود دارد باندازه آن تحصیل محتاج خود
میکند چون اعتماد بخداوند خود ندارد و نمیداند که اگر خدا خواهد او را زود فقیر میکند و آنچه تحصیل
کرده است بکار او نمی آید و اگر خدا مصلحت داند بکار خدا باشد او را توانگر میکند چهارم آنکه باعث
قساوت قلب و فراموشی آخرت میگردد و این صفات ذمیمه مایه شقاوت ابدیست چنانچه از حضرت
امیرالمؤمنین ع باسانید معتبره منقولست که فرمود خصلتی که از آن بیشتر بر شما میترسم دو خصلت است
یکی خواهشهای نفس کردن و یکی طول امل اما متابعت هواهای نفس پس آدمی را از قبول حق و متابعت
او منع میکند و باز میدارد و اما طول امل پس موجب فراموشی آخرت میگردد و ایضا از آن حضرت
منقول است که صلاح اول این امت بزهد و یقینست و فساد آخر ایشان ببخل و طول املست و ایضا
از آنحضرت منقول است که بحضرت امیرالمؤمنین ع فرمود یا علی چهار خصلت است که از شقاوت ناشی میشود
خشکی دیده و سنگینی دل و درازی امل و محبت بقای بسیار در دنیا و در حدیث دیگر فرموده که پیر میشود فرزند
آدم و جوان میشود در آن دو خصلت حرص و طول امل باید که معالجه این دو مرض به بسیاری یاد مرگ
و شداید بعد از مرگ و تفکر در عدم اعتبار عمر و سرعت انقضا آن میشود چه ظاهر است که مرگ با پیر و
جوان یک نسبت است بلکه بجوانان نزدیکتر است و هر روز شخص از همسایان اینکس میمیرد و در حال او
تفکر نمینماید هر ساعت که ممکن بود من بجای او مرده باشم و اکنون حسرتهای عظیم داشته باشم و در بدن خود تفکر
نماید که هر ساعت در خرابی و انهدام است و هر روز یک قوتی از قوی و عضوی از اعضای او ضعیف و باطل میشود

وهر لحظه چندین یک مرگ باو میرسد مطالعه نماید در مواعظ و نصایحی که از رسول و ائمه صلوات الله علیهم رسیده
وبدیده ایمان نظر نماید و بسمع یقین قبول کند زیرا که ایشان بنفوس خلایق و مواعظ و حکمی که از ایشان رسیده
نسخهای معالجه دردهای نفوس خلایقست و بمقابر برود و از احوال ایشان پند گیرد چنانچه منقولست از عتبه
بن ربعی که جوانی بود از انصار بسیار می آمد بمجلس عبدالله بن عباس و عبدالله او را گرامی میداشت و نزدیک
خود مینشانید روزی بعبدالله گفتند که تو این جوان را اینقدر گرامی میداری گفت دیدم که شبها میرود
و قبرها را میشکافد و کفن مردها میدزدد عبدالله شبی برای استعلام این حال بقبرستان رفت و پنهان
دید که این جوان آمد و قبر کهنه داخل شد و در لحد خوابید و آواز بلند کرد که وای برمن در روزی که تنها داخل
این لحد شوم و زمین از زیر من گوید که ترا وسعت مباد و خوش مباد منزل تو و تو که بر روی من راه میرفتی
ترا دشمن میداشتم پس چون ترا خواهم که در میان من درآمده وای برمن در روزی که از قبر بیرون آیم
و پیغمبران و ملائکه در صفها ایستاده باشند و در آن روز مرا از عدالت تو کی نجات خواهد داد و از دست
جماعتی که برایشان ظلم کرده ام که خواهد کرد مکرر با او عهد کردم که گناه نکنم و از من راستی و وفا
ندید و امثال این سخنان مکرر میگفت و میگریست چون از قبر بیرون آمد عبدالله او را در بر گرفت و دست
در گردنش کرد و گفت که نیکو باشی تو و چه خوب گناهان و خطاهای ایشان میکنی و میشکافی و از هم جدا شدند و
از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که بسیار یاد کنید مرگ را و بیرون آمدن از قبرها و ایستادن در نزد
خداوند خود در مقام حساب تا مصیبتهای دنیا برشما آسان شود و فرمود که هرکه فردا از اهل خود حساب کند
مصاحبت هرکرا نیکو نکرده است و او را نشناخته است و در وصیتی که در هنگام وفات فرمود گفت ای اولاد آرزوهای
خود را کوتاه کنید و مرگ را یاد کنید و دنیا را ترک کنید بدرستی که تو در گرو مرگی و نشانه بلاهای دنیایی و مغلوب دردها
... و با اهل مصر نوشته که ای بندگان خدا کسی از مرگ نجات نمی یابد پس حذر کنید از آن پیش از
آنکه بشما رسد و تهیه آن را درست کنید بدرستی که بر همه حاکم کرده است اگر می ایستید میگیرد شما را و اگر
میگریزید در می یابد و از سایه شما بشما نزدیکتر است و مرگ به پیشانیهای شما بسته است و دنیا از عقب
شما برهم می پیچد عنقریب تمام شده است پس هرگاه که شهوات نفسانی با شما منازعه کنند بسیار یاد کنید مرگرا

ومرگ را زبرای موعظه و پند کافیست و رسول خدا بسیار وصیت میفرمود اصحاب خود را بیاد مرگ و میگفت که بسیار
بخاطر آورید مرگرا بدرستی که او شکننده لذات و حایلست میان شما و خواهشهای نفس و از حضرت رسول
منقولست که اگر حیوانات آنقدر از مرگ میدانستند که شما میدانید یک گوشت فربه از ایشان نمیخوردید
از یاد مرگ لاغر میشدند و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که فرزند آدم چون آخر روز دنیا
و اول روز آخرت میرسد مثال اهل و مال و فرزندان و عمل او در نظر او حاضر میگردد و هیچیک بکار او نمی آیند بغیر
عمل چنانچه مذکور شد از عمل نیک نیکی و از عمل بد بدی عاید میشود و حضرت باقر میفرمود که حضرت رسول
میفرمود که من گوسفندان میچرانیدم و هیچ پیغمبری نیست مگر آنکه گوسفند چرانیده پس من گاهی میدیدم
گوسفندان بی سببی خایف میشدند و از چرا می ایستادند چون جبرئیل نازل شد از سبب آن پرسیدم
فرمود که کافر را در قبر ضربتی میزنند که بغیر جن و انس جمیع مخلوقات صدای آن را میشنوند و ترسان میشوند و
بسند معتبر از حضرت رسول منقولست که چون دشمن خدا را برمیدارند و بجانب قبر میبرند ندا
میکند حاملان خود را که ای برادران بشنوید که شکایت میکنم بشما برادر شقی شما دشمن خدا شیطان
جن و انس مرا فریب داده و ببلا انداخت و احوال بفریاد من نمیرسد و قسم میخورد که خیرخواه منست و مرا
داد و شکایت میکنم بشما دنیا را که مرا مغرور کرد و چون برو اعتماد کردم و دل بر او بستم مرا بر زمین
انداخت و شکایت میکنم بشما دوستان را که بخواهش نفس یار خود کرده بودم مرا امیدها دادند امروز از
من بیزار شدند و تنها گذاشتند و شکایت میکنم بشما فرزندان خود را که حمایت ایشان کردم و ایشان را
بر جان خود اختیار کردم و مالم را خوردند و مرا واگذاشتند و شکایت میکنم بشما مالی را که حق خدا از آن
ندادم و وبال عذابش از منست و نفعش را دیگران میبرند و شکایت میکنم بشما خانه را که مایه خود را
صرف تعمیر آن نمودم و دیگران در آن ساکنند و شکایت میکنم بشما بسیار ماندن در قبر را که ندا میکند که منم
خانه که بدنها در آن کرم میشود منم خانه تاریکی و وحشت و تنگی ای برادران تا میتوانید مرا نگاه دارید
و دیر بجوئید و شما حذر کنید از آنچه من بآن مبتلا شده ام بدرستی که مرا بشارت داده اند باتش جهنم
و خواری و مذلت و بدی غضب خداوند جبار و حسرتا بر آنچه تقصیر کردم در فرمان خدا و دوستان

پس تنها و غریب گذاردی که در پیش دارم نه شفاعت کننده که بخشش را شنوند و نه دوستی که مرا رحم کنند
کاشکی مرا بر میگردانیدند تا داخل مؤمنان میشدم و از حضرت صادق ع منقولست که قبر هر روز مردم را
ندا میکند که منم خانهٔ غربت و منم خانهٔ وحشت و تنهایی منم خانهٔ کرم و جانوران منم قبر که باغیم از باغهای
بهشت یا گودالی از گودالهای جهنم و از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که رسول خدا فرمود زنهار زنهار
مرگ را یاد کنید که چاره از مرگ نیست اینک مرگ رسید با روح و راحت و نعمت ابدی برای هر که
از برای بهشت سعی کرده با شقاوت و ندامت و عذاب بد برای آنکه فریب دنیا خورد و برای آنکه سعی کرد
کسی که دوستی خدا برای او سعادت ابد لازم شده است اجل او در میان دو چشم اوست و امل او
در پس پشت او و کسی که دوستی شیطان و شقاوت ابد از جهای او واجب گردیده آرزوهای او در میان
دو چشم اوست و اجل او در پس پشت او و از حضرت پرسیدند که کدام یک از مؤمنان زیرک‌ترند
فرمود که آنکس که یاد مرگ بیشتر کند و تهیهٔ آن را بیشتر گیرد و از ابی صالح منقولست که حضرت صادق ع
فرمود که ای ابو صالح هر وقت که جنازه را برداری چنان باش که گویا تو در میان جنازهٔ و از خدا
میطلبی که ترا بدنیا برگردانند که تدارک گذشتها بکنی و خدا طلب ترا قبول کرد و برگردانید در اینکار
چه خواهی کرد اکنون چنین کن که آن تدارک خود بکن بعد از آن فرمود که عجب دارم از جمعی که ایشان را
بردند و برنگردانیدند و بقیه را ندای رحیل در میان ایشان زدند که روانه میباید شد و باز مشغول لهو و لعب
و بازیند و منقولست از جابر جعفی که از حضرت امام محمد باقر ع پرسیدم از نظر کردن ملک موت
به بنی آدم فرمود که نمی بینی که جماعتی در مجلسی نشسته اند و همه یکمرتبه خاموش میشوند آن وقتیست که ملک موت
بایشان نظر میکند و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت عیسی بر سر قبر یحیی آمد و دعا کرد که خدا او را
زنده کند چون زنده شد و از قبر بیرون آمد بعیسی گفت که از من چه میخواهی گفت میخواهم که در دنیا
مونس من باشی چنانچه پیشتر بودی گفت یا عیسی هنوز حرارت و شدت مرگ از من برطرف نشده است
میخواهی که مرا بار دیگر بدنیا آری که مرتبهٔ دیگر سختی جان کندن را بکشم پس او را گذاشت بقبر و برگشت
و از امام محمد باقر ع منقولست که جوانی چند از پادشاه زادهای بنی اسرائیل متوجه عبادت شده بودند و در عبادت

ایشان این بود که در زمین سیر میکردند و عبرت میگرفتند روزی بر قبری رسیدند بر سر راهی که گورش
مندرس شده بود و خاک بر روی او نشسته بود بغیر از علامتی از آن باقی نمانده بود گفتند بیایید دعا کنیم شاید
خدا این میت را زنده گرداند و از آن بپرسیم که چه چشیده است مزهٔ مرگ را پس دعا کردند و دعای ایشان
این بود که تو الهی ای پروردگار ما و ما را بجز تو خالقی و معبودی نیست تو پدید آورندهٔ چیزهایی و
همیشه هستی و هرگز غافل نمیشوی و زندهٔ و هرگز ترا مرگ نمیباشد و هر روز ترا شانی و کاریست غریب
و همه چیز را میدانی و محتاج بتعلیم نیستی زنده کن این میت را بقدرت خود پس از آن قبر میتی سر بیرون
آورد موی سر و ریشش سفید و خاک از سرش فرو میریخت ترسان و دیده بسوی آسمان باز کرده بایشان
گفت برای چه بر سر قبر من ایستاده اید گفتند دعا کردیم که ترا زنده کند که از تو سؤال کنیم که چون
یافته مزهٔ مرگ را با ایشان گفت که نود و نه سال است که درین قبر ساکنم و هنوز الم [illegible]
موت از من برطرف نشده است و هنوز تلخی جان کندن از گلوی من بیرون نرفته است او
پرسیدند که روزی که مردی موی‌هایت چنین سفید بود گفت نه اما چون آن حال صدا شنیدم که بیرون
بیا و خاکها و ریزهای بدنم جمع شدند و روح در آن داخل شد و ترسان و با این سرعت بیرون آمدم
از هول قیامت موی سر و ریشم سفید شد و از امام جعفر صادق ع منقولست که هر که کفن او در
خانه‌اش مهیا باشد او را از غافلان نمینویسند و هر وقت که نظر میکند بآن او را ثواب میدهند و
از امام محمد باقر ع منقولست که منادی هر روز فرزند آدم را ندا میکند که متولد شو برای مردن و جمع شو
برای فانی شدن و بنا کن برای خراب شدن و از امام جعفر صادق ع منقولست که بندهٔ مؤمن را سعی
در امر او هست تا چهل و چون سن او بچهل رسید حق تعالی وحی میفرماید بآن دو ملک که بر آن موکلند که من
این بنده را از برای عبرت مدتی عمر دادم اکنون کار را بر او سخت گیرند و نیکو اعمالش را ضبط کنید
اندک و بسیار و خورد و بزرگ اعمالش را بنویسید و از امام محمد باقر ع منقولست که چون چهل سال
بر بنده گذشت باو میگویند که باخبر باش و تهیهٔ خود را درست کن که دیگر تو معذور نیستی و از حضرت
امیرالمؤمنین ع منقولست که هر روز که داخل میشود فرزند آدم را ندا میکنند که ای فرزند آدم من روز

تازه‌ام و بر تو گواهم پس از من خیر بگو و عمل خیر بکن که برای تو گواهی دهم در روز قیامت بدرستی که مرا بعد از این
نخواهی دید و منقولست که قیس بن عاصم بخدمت حضرت رسول صلعم آمد و گفت یا رسول الله ما را موعظه بگو
که در بیابان میباشیم و احتیاج بموعظه داریم فرمود یا قیس بدرستی که با هر عزتی در دنیا ذلتی هست و
با هر زندگانی مردنی هست و هر حسنه را ثوابی هست و هر گناهی را عقابی هست و هر اجلی را اندازه
هست ای قیس همانا که البته با تو قرینی خواهد بود قرین خوب بعمل نیکو برای خود تحصیل کن و از حضرت صادق ع
بجابر جعفی گفت سلام مرا بشیعیان برسان و بایشان بگو که میان ما و خدا خویشی نیست و تقرب بخدا
نمیتوان جست مگر بطاعت ای جابر هر که اطاعت ما کند و محبت ما را داشته باشد او شیعه ماست و کسی که معصیت
خدا کند محبت ما باو نفع نمیدهد و حضرت امیر المومنین ع فرمود که هر که خواهد بدون قوم عزیز باشد و بی
سلطنت و حکم صاحب مهابت باشد و بی مال و غنی و بی نیاز باشد و مردم اطاعتش کنند بدون آنکه
مالی بایشان دهد پس باید که از ذلت معصیت خدا بیرون آید و بعزت اطاعت و فرمان برداری داخل
شود که اینها همه برای او حاصل است و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که قدمهای هیچ بنده
در روز قیامت حرکت نمیکند تا سوال نکنند از او چهار چیز از عمرش که در چه چیز فانی کرده است
و از جوانیش که در چه چیز کهنه کرده است و از مالش که از کجا بهم رسانیده و در چه چیز صرف کرده است
و از محبت ما اهل بیت و از حضرت صادق ع منقولست که فرمود که در توریه نوشته است که ای فرزند
آدم خود را برای عبادت من فارغ ساز تا دل ترا پر کنم از غنا و بی نیازی از خلق و ترا بسعی و طلب تو
وا نگذارم و بر منست که دفع احتیاج تو بکنم و خوف خود را در دل تو جا دهم و اگر خود را برای عبادت
من فارغ نسازی دل ترا پر کنم از شغل دنیا و دفع احتیاج تو نکنم و ترا بسعی خود بگذارم و از حضرت
علی بن الحسین ع منقولست که فرمود بدرستی که دنیا بار کرده است و پشت کرده است و میرود و
آخرت بار کرده است و رو کرده است و می آید و هر یک از دنیا و آخرت را اصحاب و فرزندان هست
پس شما از فرزندان آخرت باشید نه از فرزندان دنیا ای گروه زاهدان در دنیا
و بسوی آخرت رغبت نمایید بدرستی که زاهدان در دنیا زمین را بساط خود میدانند و ... خود را

میشویند و خوشبو نمیسازند و خود را جدا کرده‌اند و بریده‌اند از دنیا بدرستی که مشتاق بهشت از شهوتهای
دنیا را فراموش میکند و کسی که از آتش جهنم میترسد البته مرتکب محرمات نمیشود و کسی که ترک دنیا
کرد مصیبتهای دنیا براو سهل میشود و بدرستی که خدا را بندگان هست که در مرتبه یقین چنانند که گویا
اهل بهشت را در بهشت دیده‌اند که مخلداند و گویا اهل جهنم را در جهنم دیده‌اند که معذبند مردم از
شر ایشان ایمنند و دلهای ایشان پیوسته از غم آخرت محزونست و نفسهای ایشان عفیفست
از محرمات و شبهات و کارهای ایشان سبکست و بر خود دشوار نکرده‌اند چند روزی اندک
صبر کردند پس در آخرت راحتهای دور و دراز غیر متناهی برای خود مهیا کردند چون شب میشود
و نزد خداوند خود برپای می‌ایستند و آب دیده ایشان بر روی ایشان جاری میگردد و تضرع و زاری
و استغاثه بپروردگار خود میکنند و سعی میکنند که بدنهای خود را از عذاب الهی آزاد کنند و
چون روز شد بردباراند حکیمانند دانایانند نیکوکارانند پرهیزکارانند از بسیاری تیر باریک شده‌اند
از خوف الهی بعبادت ایشان را تراشیده‌اند و نحیف گردانیده چون اهل دنیا بایشان نظر میکنند
که ایشان بیمارند و ایشان را بیماری نیست بلکه بیماری خوف و عشق و محبت شده و بعضی گمان میبرند
که عقل ایشان بدیوانگی مخلوط شده است و چنین نیست بلکه بیم آتش جهنم در دل ایشان جا کرده و از
حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که حضرت عیسی ع بر قریه گذشت که همه هلاک شده بودند
و حکایت او مذکور شد و از حضرت صادق ع منقولست که چون حضرت داود ترک اولی از او صادر شد
چهل روز در سجده ماند که در شب و روز میگریست و سر از سجده بر نمیداشت مگر وقت نماز تا آنکه پیشانی
او شکافته شده و خون از چشمهایش جاری گردید بعد از چهل روز ندا باو رسید که ای داود چه میخواهی
آیا گرسنه‌ای ترا سیر گردانم یا تشنه‌ای ترا سیراب کنم یا عریانی ترا بپوشانم یا ترسانی ترا ایمن گردانم
گفت پروردگارا چگونه ترسان نباشم و حال آنکه میدانم که تو خداوند عادلی و ظلم ظالمان از تو نمیگذرد
خدا وحی فرمود که ای داود توبه کن پس روزی داود بیرون رفت بجانب صحرا و زبور میخواند در هر گاه
که آنحضرت زبور میخواند هیچ سنگ و درختی و کوهی و مرغی و درنده نمیماند مگر آنکه با او موافقت میکردند در فغان و

کریه تا آنکه بکوهی رسید در آن کوه غاری بود که در آنجا پیغمبر عابدی بود که او را خرقیل میگفتند چون صدای کوهها
و حیوانات را شنید دانست که حضرت داود است و گفت ای خرقیل رخصت میدهی که من بالا آیم گفت
نه تو گناه کاری داود گریست بخرقیل وحی آمد که سرزنش مکن داود را بر ترک اولی و از من عافیت را
طلب کن که هر که را من بخود واگذارم البته بخطائی مبتلا میشود پس خرقیل دست داود را گرفت
و بنزد خود برد داود گفت ای خرقیل هرگز اراده گناهی بخاطر گذرانیده گفت نه گفت هرگز بدنیا
میل کرده و شهوات او در خاطرت خطور کرده است گفت بلی گاه هست که این خیال در دل من در
می آید گفت که او را چه علاج میکنی گفت بدرون این شکاف کوه داخل و از آنچه در آنجا است عبرت میگیرم
داود با او داخل شعب شدند دیدند که تختی از آهن گذاشته و بر روی آن تخت استخوانهای
پوسیده ریخته است و لوحی از آهن نزد او تخت گذاشته است داود لوح را خواند نوشته
بود که منم اروای بن شلم هزار سال پادشاهی کردم و هزار شهر بنا کردم و هزار دختر را بکارت
بردم و آخر کار من این شد که خاک فرش من شد و سنگ بالش و تکیه گاه من شد و مارها و کرمها همسایگان
من و مصاحبان من شدند پس کسی که مرا ببیند فریب دنیا نخورد حدیث هشتم در بیان دجال بد آنکه یکی
از فتنه های آخر الزمان خروج دجال است که قبل از ظهور حضرت صاحب الامر ع خروج خواهد کرد چنانچه
در احادیث عامه وارد شده است که او در زمان حضرت رسول ص متولد شده حضرت بنزد او رفت
و با حضرت سخن گفت و حضرت او را تکلیف اسلام کرد و قبول نکرد و گفت تو به پیغمبری از من سزاوارتر
نیستی و هرزها گفت و دعواهای بزرگ کرد حضرت گفت او را که دور شو که از اجل خود تجاوز نخواهی کرد
و بآرزوی خود نخواهی رسید و غیر آنچه از برای تو مقرر شده است نخواهی یافت پس حضرت باصحاب
فرمود که هیچ پیغمبری مبعوث نشده است مگر آنکه قوم خود را از فتنه دجال حذر فرموده است
و خدا آنرا تاخیر فرموده و در این امت ظاهر گردانیده پس اگر دعوی خدائی کند و در نظر شما امر او
مشتبه شود یقین بدانید که خدای شما اعور و یکچشم نیست و بیرون خواهد آمد و بر خری سوار
خواهد شد که ما بین دو گوش الاغ او یک میل باشد یعنی ثلث فرسخ و با او بهشتی و دوزخی و کوهی از

در بیان دجال

نان و نهری از آب خواهد بود و اکثر اتباع او یهودان و زنان و بادیه نشینان و کردان خواهند بود
و گرد عالم خواهد گشت و داخل آفاق زمین خواهد شد بغیر از مکه و مدینه و دو شهرستان مدینه که
داخل آنها نتوانند شد و ابن بابویه علیه الرحمه از نزال بن سبره روایت کرده است که روزی حضرت
امیر المومنین ع در خطبه فرمود سه مرتبه که ای مردم بپرسید از من پیش از آنکه
مرا نیابید پس صعصعة بن صوحان برخواست و گفت یا امیر المومنین چه وقت دجال خروج میکند
حضرت فرمود که خروج او را علامتها و صفتها چند هست که از پی یکدیگر ظاهر میگردد علامتش آنست که مردم
نماز را ضایع کنند و امانتها را خیانت کنند و دروغ را حلال دانند و ربا خورند و رشوه گیرند و
بناهای عالی سازند و دین را بدنیا فروشند و کارها را بسفیهان فرمایند و بمشورت زنان عمل نمایند
و قطع رحم کنند و از پی خواهشهای نفس روند و خون مردم را سهل شمارند و حلم و بردباری را ضعف
و ناتوانی دانند و ظلم کردن را فخر خود شمارند و امیران ایشان فاجر و بدکردار باشند و وزیران جور
و امرا ظالم باشند و دانایان ایشان خائن باشند و قاریان فاسقان باشند و گواهی حق در میان ایشان
فاش باشد و زنا و بهتان و گناه و طغیان را اعلانیه بجا آورند و مصحفها را زیور کنند و مسجدها را
زینت دهند و منارهای بلند سازند و بدان را گرامی دارند و صفهای ایشان پر باشد اما دلهای ایشان
مختلف باشد و پیمانها را بشکنند و زنان با شوهرها شریک شوند در تجارت برای حرص دنیا و صدای فاسقان
بلند شود و سخن ایشان شنوند و بزرگ هر قومی پست ترین ایشان باشد و از فاجران تقیه کنند از ترس ضرر
ایشان و دروغ گو را تصدیق نمایند و خائنان را امین گردانند و کنیزان خواننده و سازها برای خود نگاه
دارند و گذشتگان را لعنت کنند و زنان بر زین سوار شوند و زنان بمردان شبیه باشند و مردان
در زی زنان در آیند و گواهان گواه نشده گواهی دهند و گواهی بقرض دهند و علوم غیر دین را یاد
گیرند و کار دنیا را بآخرت ترجیح دهند و پوست میش را بر دلهای مانند گرگ کشند و دلهای ایشان از مردار
گندیده تر باشد و از صبر تلختر باشد و در این هنگام قیامت بسیار نزدیک باشد پس برخواست اصبغ بن نباته
و گفت یا امیر المومنین دجال کیست فرمود که صاید بن الصید است و شقی آن کسیست که آنرا تصدیق

نماید و سعادتمند کسیست که تکذیب او نکند از شهری خروج کند که او را اصفهان گویند از دهی که مشهور به یهودیه
باشد چشم راستش کور باشد و چشم چپش در پیشانی او باشد و مانند ستاره صبح درخشنده و میان چشمش مانند پاره
خونی باشد و در میان دو چشمش نوشته باشد هذا کافر که همه کس تواند خواند و بر روی دریاها رود و در پیش
رویش کوهی از دود باشد و در پس پشتش کوهی باشد که مردمان گمان کنند که خوردنیست و در سالی خروج کند
که قحط عظیم در میان مردم باشد و بر خر سفیدی سوار باشد که هر گامش یک میل باشد و زمین از زیر پایش پیچیده شود و بهر
آبی که بگذرد آن آب فرو رود و به آواز بلند ندا کند که همه کس بشنود که ای دوستان من نزد من آئید منم
آن خدائی که شما را خلق کرده ام و اعضای شما را درست کرده ام و شما را به نهار راه نموده ام منم پروردگار بزرگوار
شما دروغ میگوید و دشمن خدا است یک چشم است و طعام میخورد و جسم است و راه میرود و خداوند عالمیان از این
صفات منزه است و اکثر متابعان او در آن زمان فرزندان زنا و صاحبان طالسانهای سبز خواهند بود خدا او را
خواهد کشت در گردن کاهی که او را عقبه افیق گویند بعد از سه ساعت از روز جمعه بر دست آنکسی که عیسی در عقب
او نماز خواهد کرد و بعد از آن بلیه عظیم خواهد بود گفتند چه چیز خواهد بود یا امیرالمؤمنین فرمود که بیرون
خواهد آمد دابة الارض از پیش کوه صفا و با خود خواهد داشت انگشتر سلیمان و عصای موسی را انگشتر را بر پیشانی
میگذارد و نقشش میگیرد که هذا مؤمن حقا و بر پیشانی کافر میگذارد و نقشش میگیرد که هذا کافر حقا حتی آنکه
مؤمن میگوید وای بر تو ای کافر و کافر میگوید خوشا حال تو ای مؤمن کاش من امروز مثل تو بودم و
بسعادت عظیم فایز میشدم پس در آن هنگام دابه سر خود را بلند میکند که همه کس او را می بینند بهر
آلهی و این بعد از آن است که آفتاب از مغرب طلوع نماید و در این هنگام توبه نفع ندهد و هیچ عملی قبول
نمیشود و کسی که پیشتر ایمان نیاورده باشد ایمان او فایده نمیکند پس آنحضرت فرمود که از دجال بعد از این
مپرسید که حضرت پیغمبر عهد فرموده که بغیر اهل بیت خود بدیگری نگویم نزال میگوید که من از صعصعه
پرسیدم که آنکه عیسی در عقب او نماز میکند کیست گفت نهم از فرزندان امام حسین است و امام
دوازدهم است و او آفتابیست که از مغرب [illegible] میگردد و در میان رکن و مقام ابراهیم ظاهر
خواهد شد و زمین را از کافران پاک خواهد کرد و ترازوی عدالت را بر پا خواهد کرد که هیچکس بر کسی ظلم

نکند و بدانکه از احادیث معتبره ظاهر میشود که دابة الارض حضرت امیرالمؤمنین است و بعد از انقضاء ملک حضرت
صاحب الامر صلوات الله علیه ظاهر میشود و متصل بقیام قیامت خواهد بود **حدیث نوزدهم** در بیان مجملی از معاد
و ذکر بعضی از احوال او که این حدیث اشاره بآن دارد بدانکه معاد عبارتست از زنده گردانیدن حق تعالی
خلایق را در روز قیامت از برای مکافات و این معاد ضروری دین جمیع پیغمبران است و از راه آیات صریحه قرآنی
و احادیث متکثره نبوی و اجماع امت بنحوی بظهور رسیده که قابل شک نیست و شبهه در آن راه ندارد و انکار کردن
او یا تأویل کردن که روح لذتها میدارد و اما این بدن بر نمیگردد کفر و زندقه است و بر هر مکلف
واجبست که اعتقاد کند و یقین بداند که آخر تزلزل در بنای آسمان و زمین راه خواهد یافت و آسمانها بقدرت
آلهی در نورد دیده خواهد شد و کوهها از یکدیگر خواهد پاشید و حق تعالی بدنها همه را از اجزای خود ساختن چنانچه
بود خواهد ساخت و اجزای پوسیده متفرق شده از هم پاشیده را جمع خواهد کرد و بقدرت کامله خود
حیات خواهد بخشید و ارواح خلایق را با آن بدنها آمیزش خواهد داد و محشور خواهد گردانید زیرا که
این امور مجملست و آیات متکثره و احادیث متواتره از وقوعش خبر داده بنحوی که اصلا قابل تأویل نیست
و ایمانش باید داشت که خصوصیات قیامت از صراط و میزان و سنجیدن نامهای اعمال و امثال اینها محقق
خواهد گشت و بعد از آن حق تعالی بمقتضای وعده و وعید خود بهشتی را بهشت جاودان ساکن خواهد
داشت و حور و قصور و باغستان و غلمان و غیر اینها از آنچه آدمی از آن لذت میبرد و دوزخی را بعذاب الیم
دوزخ که مشتملست بر آتش و مار و عقرب و زقوم و حمیم و امثال اینها از معذبات و مولمات گرفتار
خواهد کرد و جمیع اینها از آیات و احادیث محقق و ثابت گردیده قابل تأویل نیست و دیگر باید دانست
که بمقتضای آیات و احادیث خصوصیات بعد از موت از عذاب قبر و سوال منکر و نکیر و امثال اینها
حقست و نفوس در زمان بعد از موت و پیش از ظهور قیامت که آنرا برزخ گویند موجودند و در ساعت
اول بهمین بدن تعلق میگیرند و منکر و نکیر در همین سوال میکنند و ضغطه و سوال قبر که اکثر مومنان میباشد و در همین
بدنست و بعد از آن ارواح مومنان در بدنهای مثالی که در میان هوا طیران میکنند در بهشت دنیا میباشند
و از نعمتهای آن وادی السلام که صحرای نجف اشرفست حاضر میشوند و بر قبر خود زیارت کنندگان خود

در بیان معاد

اطلاع دارند و روح کافران در بدنهای مثالی معذب میباشند و در وادی برهوت یا غیر آن ایشانرا
عذاب میکنند تا هنگامی که محشور شوند و شبههای ملاحده درین باب گوش نباید کرد بعد از خبر دادن مخبر
صادق که موجب ضلالت و راه ویل را در هر باب نباید بست که بزودی انکس را بالحاد میرساند
چنانچه منقولست از حبه عرنی بسند معتبر که شبی در خدمت حضرت امیرالمؤمنین ع بصحرای نجف رفتیم
که آنرا وادی السلم گویند حضرت در آنجا ایستادند که گویا با جماعتی سخن میگویند من هم ایستادم آنقدر که
ماندم پس نشستم آنقدر که دلگیر شدم پس برخاستم و ایستادم آنقدر که بتنگ آمدم باز نشستم
آنقدر که دلتنگ شدم پس برخاستم و ردای خود را جمع کردم و گفتم یا امیرالمؤمنین میترسم که از
بسیار ایستادن آزار بکشی اندک استراحتی بفرما فرمود که با مؤمنان صحبت میدارم و با ایشان انس
میگیرم گفتم یا امیرالمؤمنین ایشان بعد از مرگ چنین هستند که با ایشان گفتگو توان کرد فرمود
بلی اگر برای تو ظاهر شوند خواهی دید که ایشان حلقه حلقه نشسته اند و با یکدیگر سخن میگویند گفتم بدنهای
ایشان در اینجا حاضرست یا روح ایشان فرمود که روحهای ایشان و هیچ مؤمنی نیست که بمیرد در بقعه از
بقعهای زمین مگر آنکه روحش را میگویند که ملحق شو بوادی السلم و این وادی بقعه ایست از جنت
عدن و منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که برادرم در بغداد است و میترسم
که در آنجا بمیرد حضرت فرمود که چه باک داری هر جا که خواهد بمیرد بدرستی که هیچ مؤمنی در مشرق و مغرب
زمین نمیماند مگر آنکه خدا آنرا بوادی السلم میرساند راوی گفت وادی السلم کجاست فرمود که پشت کوفه
گویا می بینم ایشانرا که در آنصحرا حلقه حلقه نشسته اند و با یکدیگر صحبت میدارند و بسند معتبر از
ابی ولاد منقولست که بخدمت حضرت صادق ع عرض کردم که چنین روایت میکنند که ارواح مؤمنان در حوصلهٔ
مرغان سبز است که در دور عرش میباشند فرمود که مؤمن نزد خدا عزیزتر است از آن که روحش را
در حوصلهٔ مرغ کنند ولیکن روح ایشان در بدنهاییست مثل همین بدنها که داشتند و از ابوبصیر منقولست
که حضرت صادق ع فرمود که ارواح بصفت بدنهای خود در درخت بهشت اند که با یکدیگر سخن میگویند
و آشنائی میکنند پس روحی تازه بر ایشان وارد شد میگویند که ساعتی آنرا مهلت دهید که از هول

عظیم رها شده است پس از احوال یاران و آشنایان او سؤال میکنند هر کرا میگوید که زنده
گذاشتیم امیدوار میشوند که چون بمیرد بنزد ما آید و هر کرا میگوید که مرد میدانند که حالش بد بوده
که نزد ایشان نیامده میگویند که هوا یعنی بزیر رفت و بجهنم واصل شد و بسند معتبر از ابوبصیر مرویست
که از حضرت صادق ع سؤال کردم از ارواح مؤمنان فرمود که در حجرهای بهشتند و از طعام و شراب
بهشت میخورند و میگویند خداوندا قیامت را برای ما برپا کن و آنچه وعده فرمودهٔ بما کرامت
فرما و مؤمنانی که بعد از ما مانده اند بما ملحق ساز و بسند معتبر از ضریس کناسی منقولست که از
حضرت امام محمد باقر ع پرسیدم که مردم میگویند که فرات ما از بهشت بیرون می آید این چگونه
است فرمود که خدا را بهشتی هست که در مغرب خلق کرده است و آب فرات از آنجا بیرون می آید
و هر شام ارواح مؤمنان از قبر خود بآنجا میروند و از میوهای آن میخورند و تنعم میکنند در آنجا و با
یکدیگر ملاقات میکنند و یکدیگر را میشناسند و چون صبح میشود در میان زمین و آسمان پرواز میکنند
و می آیند و میروند و از قبر خود خبر میگیرند و خدا را آتشی هست در مشرق که ارواح کفار در آنجا
معذب [illegible] از زقوم او میخورند و از حمیم او می آشامند در شب و چون صبح شود ایشانرا
بوادی برهوت که در یمن است میبرند و در آنجا حرارت بیش از آن آتش بایشان میرسد و باز شب
ایشانرا بآتش میبرند و در اینحال هستند تا روز قیامت و علی بن ابراهیم بسند معتبر از ثویر بن
ابی فاخته روایت کرده است که از حضرت علی بن الحسین ع سؤال کردند از کیفیت نفخ صور فرمود
که اما نفخهٔ اولی پس خدا امر میفرماید اسرافیل را که بزمین می آید و صور را با خود دارد و صور او
دو شعبه و دو طرف دارد و دوری هر طرفی از طرف دیگر مثل ما بین آسمان و زمین و چون ملائکه
می بینند که اسرافیل بزیر می آید با صور میگویند که فرمان الهی شده است که اهل آسمان و زمین همگی
بمیرند پس فرود می آید اسرافیل بر حظیرهٔ بیت المقدس و رو بکعبه میکند و چون اهل زمین او را
می بینند میگویند که خدا رخصت فرموده است بهلاک اهل زمین پس یک مرتبه صدا بلند میدهد که
بجانب اهل زمین است بیرون می آید هیچ صاحب روحی در زمین نیست مگر آنکه میمیرد و صدا از طرفی

٥٩ ٢٠ که بجانب آسمان آیهرون میرود پس هر صاحب حیاتی که در آسمانهاست میمیرد پس خداوند عالمیان باسرافیل میفرماید
که بمیران نیز میمیرد و در اینجا میمانند آنقدر که خدا خواهد پس امر میفرماید آسمانها را که مضطرب شوند
و از یکدیگر بپاشند و امر میفرماید کوهها را که دوان شوند و ریزه شوند و بر هوا روند مانند غبار و
زمین را بدل میکند بزمین دیگر که بر روی او گناه نشده باشد و کشاده و کوهی و عمارتی و جایی و گیاهی
بر روی او نباشد چنانچه در روز اول پهن کرده بود و عرش را بر روی آب قرار میدهد چنانچه اول
کرده بودند و بجای او را بقدرت خود نگاه میدارد و در این هنگام ندا میفرماید خداوند جبار
در اطراف آسمان و زمین که از کیست امروز ملک و پادشاهی پس هیچکس نباشد که جواب دهد پس خود میفرماید
که پادشاهی از خداوند یگانه قهار است منم که همه خلایق را قهر کردم و بعدم بردم و میراندم منم خداوندی که
بجز من خداوندی نیست و شریک و وزیر ندارم بدست قدرت خود جمیع خلایق را خلق کردم و بمشیت
و اراده خود همه را میراندم و بقدرت خود همه را زنده میکردانم پس خداوند عالمیان بقدرت چنان میکند که
صدایی از صور بیرون می آید که اهل آسمانها زنده میشوند و میکائیل میدمد همه اهل زمین زنده میشوند
و حاملان عرش را بر میدارند و ملائکه بهشت و دوزخ را حاضر میکردانند و خلایق ... میشوند
این ... و مشغول گریه شد و در حدیث دیگر از حضرت رسول خدا منقول است که چون روز
قیامت شود خداوند عالمیان بملک موت فرماید که ای ملک موت بعزت و جلال خودم سوگند که مزه مرگرا
بتو بچشانم چنانچه بهمه بندگان چشیدی و از حضرت صادق منقول است که چون خداوند عالمیان خواهد
که مبعوث کرداند خلق را فرماید که آسمان چهل روز بر زمین ببارد پس بندها به پیوندد و گوشت بروید
و از حضرت امام محمد باقر منقولست بسند معتبر که فرمود در تفسیر این آیه فرمود که هٰذَا يَوْمَ
يَنْفَعُ الصّٰادِقُونَ صِدْقُهُمْ که چون روز قیامت میشود و مردم را برای حساب محشور میگردانند
میکذرند بر احوال قیامت تا بعرصه حساب میرسند در این مقام از کثرت و ازدحام و شدت مشقت عظیم
میکشند پس اول ندا میکنند بندایی که جمیع خلایق بشنوند و میطلبند محمد بن عبد الله پیغمبر عربی قرشی را
و چون می آید او را بجانب راست عرش میدارند پس حضرت امیر المؤمنین و ائمه معصومین را میطلبند

١٤٦ در دست چپ حضرت رسول میدارند پس آنحضرت را میطلبند و در جانب چپ عرش باز میدارند پس
اول مرتبه قلم را در صورت شخصی می آورند و در برابر عرش بمقام حساب میدارند پس ندا میفرماید حق تعالی
که ای قلم آنچه گفتیم و ترا الهام کردیم و بسوی تو وحی کردیم در لوح نوشتی قلم گوید بلی خداوندا تو
میدانی که آنچه فرمودی در لوح نوشتم پس فرماید که برای تو کواهی میدهد گوید پروردگارا تو میدانی
و گواهی بر از مخفی تو مطلع نبود دیگری فرماید که حجت خود را تمام کردی پس لوح را طلبند بصورت
آدمیان و با ایشان بایستد بنزد عرش و از او پرسد حق تعالی که آیا قلم ثبت کرد در تو آنچه ما باو الهام
کردیم و وحی نمودیم گوید پروردگارا و آنچه در من نقش کرد من باسرافیل پس آید بصورت آدمیان رسانیدم
و با ایشان بایستد و از او سوال نماید که لوح بتو رسانیده بود از وحی من گوید بلی خداوندا من بجبرئیل
رسانیدم همه را پس جبرئیل را طلبند و بیاید در پهلوی اسرافیل بایستد و خداوند عالمیان از او پرسد
که اسرافیل تمام وحیهای مرا بتو رسانید گوید بلی ای پروردگار من و آنچه بمن رسید بجمیع پیغمبرانت
رسانیدم و آنچه از ... تو بمن رسید تبلیغ کردم و ادای رسالت تو بهر پیغمبری کردم و تمام کتابها
و وحیها و حکمتها ... بهر یک یک از ایشان خواندم و آخر کسی که وحی رسالت و حکمت و علم و کتاب
و کلام ترا خواندم محمد بن عبد الله بود حبیب تو پس اول کسی که از فرزندان آدم را بسوال طلبند
محمد بن عبد الله باشد و خدا آنرا در آنروز در مرتبه قرب و کرامت از همه کس بالاتر بدارد و از
او سوال نماید که یا محمد جبرئیل رسانید آنچه من وحی بسوی تو کرده بودم و بر تو فرستاده بودم از کتاب و حکمت
و علم خود حضرت فرمود بلی خداوندا جمیع را بمن رسانید فرماید که همه را بامت خود رسانیدی حضرت فرماید
که همه را بایشان رسانیدم و در راه دین تو جهاد کردم و زحمت کشیدم پس خطاب رسد که کی از برای تو
کواهی میدهد حضرت فرماید پروردگارا تو گواهی که من تبلیغ رسالت ترا کردم و ملائکه تو گواهند و نیکو
کاران امتم گواهند و گواهی تو مرا کافیست پس ملائکه را طلبند و گواهی بر تبلیغ رسالت بدهند پس
آنحضرت را طلبند و سوال کنند که آیا محمد رسالتهای مرا بشما رسانید و کتاب و حکمت و علم مرا بر شما خواند
پس همه گواهی دهند آنگاه ندا آنحضرت رسول آید رسد که چون از میان ایشان رفتی خلیفه در میان ایشان

کذاشتی که حکمت و علم و کتاب مرا برای ایشان بیان کند و هر چه ایشان در آن اختلاف کنند برای
ایشان ظاهر سازد و حجت من باشد بعد از تو حضرت فرماید که بلی علی بن ابی طالب را در میان ایشان
کذاشتم که برادر من و وزیر من بود و وصی بهترین امت من بود و در حیات خود آنرا برای ایشان نصب
کردم و مردم را بطاعت او خواندم و خلیفه خود کردم آنرا در میان امت خود که پیروی او نمایند پس علی
بن ابی طالب را بطلبند و ندا فرماید که آیا محمد ترا وصی خود کردانید و خلیفه خود کرد و در حیات خود ترا
نصب کرد و تو بعد از آن در میان امت بامر امامت قایم شدی علی کوید خداوندا محمد مرا وصی
و خلیفه خود کردانید در حیات خود مرا نصب کرد پس چون آنحضرت را بجوار رحمت خود بردی امت
انکار امامت من کردند و با من مکر کردند و مرا ضعیف کردانیدند و نزدیک شد که مرا بکشند و جمعی را
که سزاوار تقدیم نبودند بر من مقدم ساختند و سخن مرا نشنیدند و اطاعت من نکردند پس من شمشیر
کشیدم و در راه تو جهاد کردم تا کشته شدم پس ندا فرماید که آیا علی خلیفه برای خود نصب کردی
در میان امت محمد که بندکان مرا بدین من بخواند و براه من هدایت نماید کوید بلی خداوندا حسن که فرزند
من بود و فرزند دختر پیغمبرت بود نصب کردم و همچنین هر امامی را طلبند و اهل عالمش را و جمیع پیغمبرانرا
تا حجت همه بر امتش تمام شود بعد از آن حق تعالی فرماید که امروز نفع میکند راستی کویان را راستی ایشان
و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که چون حق تعالی خلایق را برای حساب جمع کند نوح را طلبند
و بپرسند که آیا تبلیغ رسالت ما کردی کوید بلی کویند برای تو که کواهی میدهد کوید که محمد بن عبد الله کواه
منست پس نوح آید بنزد حضرت رسالت و آنحضرت بر بلندی با حضرت امیر المؤمنین ایستاده باشند
کوید که یا محمد خداوند عالمیان از من کواه بر تبلیغ رسالت طلبیده حضرت فرماید که ای حمزه و ای جعفر
بروید و برای نوح کواهی دهید که او تبلیغ رسالت کرده پس در آن روز حمزه و جعفر جمیع پیغمبرانرا خواهند
بود راوی عرض کرد که فدای تو کردم علی در کجاست که ایشان کواهی میدهند فرمود که رتبه او از این
عظیم تراست که تکلیف این شهادت باو کنند و از حضرت امام جعفر منقولست که فرمود که حساب
نفس خود را بکنید پیش از آنکه شما را حساب کنند بدرستی که در قیامت پنجاه موقف در هر

موقفی هزار سال جمع را میدارند چنانچه حق تعالی میفرماید که در روزی که مقدار آن پنجاه هزار سالست و حضرت
امام محمد باقر فرمود که چون این آیه نازل شد که وجیء یومئذ بجهنم از رسول خدا تفسیر او را پرسیدند
فرمود که جبرئیل مرا خبر داد که چون خداوند عالمیان اولین و آخرین را در محشر جمع نماید بفرماید که جهنم را
بمحشر در آورند و او را کشند بهزار مهار و هر مهاری را صد هزار ملک داشته باشند از ملایکه غلاظ
شداد و جهنم فریاد کند بر کناه کاران و حمله کند پس چون با آن صحرا در آید دفیری کند که اکر نه خدا حفظ
کند همه کس از شدت او هلاک شوند پس کردنی بکشد که جمیع محشر را فرا کیرد و در آنحال هیچ بنده از بندکان
خدا نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل مکر اینکه فریاد برآورد که نفسی نفسی یعنی خداوندا الفریاد من برس و
جان مرا از عذاب آزاد کن و صراط را بر روی جهنم کذارند تیز تر از دم شمشیر و در آن سه قنطره باشد یکی
صله رحم و امانت دویم نماز سیوم عدالت خدا در مظالم بندکان پس مردم را تکلیف کنند که
از صراط بکذرند اما چون بکذرند پاره امانت نکاه دارد که اکر قطع رحم کرده است یا امانتها آلوده
بیامانتهای او را شکسته باشند در اینجا بمانند و آنچه از آنجا نجات یابند نماز ایشان را نکاه دارد و هر که
از نماز تقصیر نکرده از آنجا بکذرد در مظالم عباد بدارندش چنانچه میفرماید که ان ربک لبالمرصاد
پروردکار تو در کمینکاه صراطست و ایشانرا در آنجا باز میدارند و سؤال میکنند و مردمان
بر صراط میروند یعنی بعضی چسپیده اند و بعضی قدمهای ایشان میلغزد و بعضی یکقدم میلغزد و یکقدم بند
میشود و ملایکه در دور ایشان فریاد میکنند که ای خداوند حلیم بر دبار ببیامرز ایشانرا و از کناه
ایشان درکذر و بعضی خود با ایشان سرکن و ایشانرا ابسلامت بکذران و مردم را ریزند از صراط بجهنم
مانند پروانه پس چون کسی برحمت الهی نجات یابد و بکذرد از صراط کوید الحمد لله که خدا مرا نجات داد
بعد از آنکه مایوس شده بودم بفضل و احسان خود بدرستی که پروردکار ما آمرزنده و مزد دهنده است
و حضرت صادق فرمود که کذشتن مردم بر صراط مختلفست و صراط از مو باریکتر و از شمشیر تیز تراست پس
بعضی هستند که مانند برق میکذرند و بعضی مانند اسب تند نیکرو و بعضی مانند پیاده که راه رود و بعضی بدست
و پا مانند طفلی که خود را بر زمین کشد و بعضی آویخته باشند که پاره از ایشانرا آتش کیرد و پاره نکیرد

و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که چون بنده را بمقام حساب باز دارند خداوند عالم فرماید که بسنجید
نعمتهای مرا با عملهای او پس نعمتها عملها فرا گیرد فرماید که نعمتها را ببخشیدم نیک و بدش را با هم بسنجید
پس اگر مساوی باشد فرماید که بهشتش برند و اگر خیر زیاده باشد خدا تفضلها و احسانها نسبت باو فرماید
اگر بدیش زیاده باشد اگر از اهل ایمان باشد و شرک نیاورده باشد او محل رحمت و مغفرت الهی است اگر خواهند
تفضل میفرماید و می بخشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که پرسیدند از تفسیر آیه که ترجمه اش
اینست که این گروه را خدا بدل میکند سیئات ایشانرا بحسنات و خدا آمرزنده و مهربانست فرمود
که روز قیامت مؤمن گناهکار را بمقام حساب بیاورند پس خداوند عالم خود متکفل حساب او
شود که دیگری بر بدیهای او مطلع نشود پس چون بگناهان خود اقرار کند حق تعالی بکاتبان اعمال امر فرماید
که بعوض بدیهای او نیکی بنویسید بر مردم ظاهر گردانید پس چون مردم نامه اعمال او را ببینند
گویند که این بنده هیچ گناه نداشته پس خدا امر فرماید که او را به بهشت برند و همینست تأویل این
آیه و فرمود که این آیه مخصوص گناهکاران شیعیان ماست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون روز
قیامت شود دو بنده مؤمن را بنزد حساب بدارند که هر دو از اهل بهشت باشند و یکی در دنیا فقیر باشد
و دیگری توانگر پس فقیر گوید که خداوندا برای چه چیز باز میداری بعزت تو قسم که مرا ولایتی و حکومتی
نداده بودی که عدل یا جور کرده باشم و مال نداده بودی که حقی در آن مال واجب شده باشد و عطا یا منع
کرده باشم روزی مرا همیشه بقدر کفاف میدادی حق تعالی فرماید راست میگوید بنده من بگذارید که
به بهشت برود و آن توانگر را آنقدر نگاه میدارند که از او آنقدر عرق میریزد که اگر چهل شتر بخورند سیر
شوند پس او را به بهشت برند پس فقیر باو گوید که چرا اینقدر ماندی گوید که درازی حساب و بسیاری
آن مرا اینقدر نگاه داشت فرمود در هر ساعت یک چیزی پیش می آمد که مستحق عذاب بودم و خدا می بخشید دیگر
از چیز دیگر میپرسید همچنین تا خدا مرا برحمت خود فرا گرفت و بتوبه کاران ملحق گردانید و آمرزید
پس پرسد که تو کیستی گوید که منم آن فقیر که با تو همراه در مقام حساب ایستاده بودم گوید که نعیم بهشت ترا
تغییر کرده است که من ترا نشناختم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خداوند عالمیان خلایق را جمع کند

و در روز قیامت نامه عمل هر کس را بدست او دهد پس جمعی از اشقیا انکار کنند که ما این عملها را نکرده ایم
چنانچه حق تعالی میفرماید که یَوْمَ یَبْعَثُهُمُ اللهُ جَمِیعًا فَیَحْلِفُونَ لَهُ کَمَا یَحْلِفُونَ لَکُمْ
یعنی روزی که خدا همه ایشانرا مبعوث کرداند پس سوگند خورند برای او چنانچه سوگند دروغ برای شما
میخورند و حضرت فرمود که اینها جماعتی اند که حق حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را غصب کرده اند پس در این هنگام
خدا تعالی مهر بر زبانهای ایشان نهد و اعضا و جوارح ایشانرا گویا کند پس گوش گواهی دهد بانچه
از چیزهای حرام شنیده است و چشم گواهی دهد بانچه حرام دیده است و دستها گواهی دهند بانچه بحرام گرفته
است و پاها گواهی دهند بانچه بحرام سعی کرده اند و فرج گواهی دهد بانچه بحرام مرتکب شده است پس خدا
زبان ایشانرا گویا کند و باعضای خود گویند که چرا بر ما گواهی دادید آنها گویند که گویا کرد ما را خداوندی
که همه چیزها را گویا کرده است و شما را اول مرتبه خلق کرده است و بازگشت شما بسوی اوست و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون قیامت بر پا شود خداوند عالم جمیع خلایق اولین و آخرین را
در یک زمین جمع کند عریان و پا برهنه و بر راه محشر ایشانرا آنقدر بدارند که عرق از ایشان بریزد
و نفسهای ایشان تنگ شود و مدتی چنین بمانند پس منادی از جانب رب العزت از پیش عرش ندا
کند که کجاست پیغمبر امی امین پس بار دیگر ندا کند که کجاست پیغمبر رحمت محمد بن عبد الله انگاه آنحضرت
برخیزد و در پیش جمیع مردم روان شود تا بیاید بحوض کوثر که طولش از میان ایله که موضعیست در
حوالی شام و صنعای یمن باشد و بر سر آن حوض بایستد پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بیاید و در پهلوی آنحضرت
بایستد و مردم را بعضی آب دهند و بعضی را ملائکه دور بندد و دور کنند پس حضرت رسول چون ببیند
که جمعی از دوستان ما اهل بیت را نیز دور میکنند بجفاهای ایشان حضرت بگریه در آید و گوید خداوندا
ایشان شیعیان علی بن ابی طالب اند پس حق تعالی ملکی را بفرستد و گوید یا محمد چرا گریه میکنی فرماید که چگونه
گریه نکنم که می بینم جمعی از شیعیان برادرم علی ابن ابی طالب را از حوض کوثر منع میکنند و بسوی جهنم
میبرند پس ندا رسد که یا محمد من ایشانرا از برای تو بخشیدم و از گناهان ایشان درگذشتم و ایشانرا
بتو و بان جمعی از فرزندان تو که ایشان ولایت آنها را داشتند ملحق ساختم و ایشان را در زمره شما

داخل گردانیدم و رخصت حوض کوثر دادم و شفاعت ترا در حق ایشان قبول کردم پس حضرت امام محمد
باقر ع فرمود که در آنوقت چه بسیار مرد و زن که گریان شوند پس جمیع دوستان و شیعیان ما را
بخشند و از ابو ایوب انصاری منقولست که از حضرت رسالت پناه ص پرسیدند از حوض کوثر فرمود
آن حوضیست که خدا بمن اکرام فرموده و مرا بآن زیادتی بخشیده است بر جمیع [illegible] و آن
حوض از مابین ایله و صنعاست و در کنار او ظرفها بعدد ستارگان آسمان مهیاست و دو نهر عظیم از پای
عرش در او میریزد و آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر است و سنگریزه اش از زمرد و یاقوت و در گِلش
از مشک خوشبوتر است و گیاهش زعفرانست و خدا با من شرط کرده است که وارد آن حوض نشوند
گروهی که دلهای ایشان از شرک و نفاق خالی باشد و نیتهای ایشان صحیح باشد و اعتقاد و متابعت وصی
علی بن ابی طالب کرده باشند و دور خواهد بود غیر شیعیانش را از حوض همچنانکه شتر صاحب جرب را از
میان شتران دور میکنند و هر که از آن بخورد دیگر هرگز تشنه نشود و در اخبار متواتره از رسول خدا
منقولست که فرمود هر که ایمان بحوض کوثر نداشته باشد خدا آب آن حوض بر او نرساند و هر که ایمان بشفاعت
من نداشته باشد خدا او را بشفاعت من فایض نگرداند و فرمود که شفاعت من برای اصحاب
گناهان کبیره است از امت من و اما نیکوکاران پس بر ایشان اعتراضی نیست و از حضرت صادق ع
منقولست که مردم را در شدت قیامت چنان کار تنگ شود که عرق بدهان ایشان برسد پس گویند
که بیائید نزد حضرت آدم رویم شاید ما را شفاعت کند چون بیایند گوید من هم گناه کرده‌ام بروید نزد
حضرت نوح و همچنین نزد هر پیغمبری که آیند ایشان را نزد دیگری فرستند تا نزد حضرت عیسی آیند
گوید نزد پیغمبر آخر الزمان روید چون بخدمت آنحضرت آیند فرماید که با من بیائید و بیاورد
ایشان را بدر بهشت و رو بدرگاه رحمت بسجده در آید پس ندا رسد که سر بردار و
شفاعت کن که شفاعت تو مقبولست و اینست تفسیر این آیه که عَسٰى رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا
و بسند معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت باقر ع آمد و گفت که شما حرف شفاعت
بسیار میگوئید و مردم را مغرور میکنید فرمود که کافی نیست که شکم و فرج خود را از حرام

نگاه داشته و احتیاج بشفاعت نداری و الله که اگر فزعهای روز قیامت را ببینی محتاج بشفاعت خواهی شد
و شفاعت از برای جماعتیست که مستحق آتش شده باشند و هیچکس از اولین و آخرین نیست مگر آنکه بشفاعت
آنحضرت محتاجست در روز قیامت پس فرمود که حضرت رسول ص برای امت خود شفاعت خواهد کرد
و ما برای شیعیان خود شفاعت خواهیم کرد و شیعیان ما برای اهالی و دوستان خود شفاعت خواهند کرد و گاه
عظیم ع باشد که مومنی شفاعت کند مثل عدد ربیعه و مضر را که دو قبیله اند و مومن شفاعت میکند حتی خدمتکار
خود را و میگوید خداوندا حق خدمت بر من دارد و مرا از سرما و گرما نگاهداشته و از حضرت رسول ص
منقولست که سه طایفه در روز قیامت شفاعت خواهند کرد اول پیغمبران و دیگر علما و دیگر شهیدان
و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع از حضرت رسول ص پرسید از تفسیر این آیه
که يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا که ترجمه اش اینست که روزی که محشور گردانیم
پرهیزکاران را بسوی خداوند بسیار بخشنده ایشان حالکونی که وارد شوندگان باشند بر خداوند
یا سواران باشند حضرت فرمود یا علی این گروه نیستند مگر سواره ایشان جماعتی اند که پرهیزکاری از
معاصی الهی کرده اند پس خدا ایشان را دوست داشته و مخصوص خود گردانیده و اعمال ایشان را پسندیده
و ایشان را متقیان نام کرده یا علی بحق آنخدائی که حبه را شکافته و گیاه را از او بیرون آورده و خلایق را خلق
کرده که ایشان از قبرها بیرون خواهند آمد و روبهای ایشان سفید برف سفید و نورانی خواهد بود
و جامهای سفید پوشیده باشند از شیر سفیدتر و نعلین های طلا در پا داشته باشند و بند آن نعلینها از مروارید
درخشان تر باشد و ملائکه باستقبال ایشان بشتابند و آورند ناقهای بهشتی را که جهاز آنها طلا
باشد و بمروارید و یاقوت مرصع کرده باشند و جلهای آن شتران را استبرق و سندس بهشت باشد و
مهارشان از زبرجد سبز و این شتران ایشان را برگرفته و در صحرای محشر پرواز کنند و با هر یک از ایشان
هزار ملک همراه باشند از پیش رو و جانب راست و چپ و ایشان را در نهایت حرمت و اکرام بیاورند
تا درگاه بزرگ بهشت و بر آن درگاه درختی باشد که هر برگی از آن صد هزار کس را سایه کند و از جانب
راست درخت چشمه باشد مطهره پاکیزه از آن چشمه شربتی بایشان دهند که خدا دلهای ایشان را از حسد

وکینه پاک کرداند و از بدنهای ایشان موهای ناخوش بریزد چنانچه خدا میفرماید که وسقیهم ربهم
شرابا طهورا آن شراب پاک کننده را از ین چشمه میآشامند که ظاهر و باطن ایشانرا از بدیها مصفا
میکرداند پس می آیند بر سر چشمه دیگر از دست چپ آن درخت و در آن چشمه غسل میکنند و این چشمه زندگانی
است که چون در آن غسل کردند هرگز نمیرند پس ایشانرا نزدیک عرش می آورند و حالا که از جمیع دردها
و بلاها و سرما و گرما ایمن شده اند پس حق تعالی بملائکه ندا میفرماید که دوستان مرا بهشت برید و
ایشانرا با سایر خلایق بازمدارید که من همیشه از ایشان خوشنود بوده ام و رحمت من برای ایشان لازم
گردید پس ایشان را ملائکه بهشت آورند پس چون بدر بهشت رسند ملائکه حلقه بر در زنند
آوازی از آن بلند شود که جمیع حوریان که خدا برای ایشان خلق کرده است بشنوند ناگاه حوریان
شادی کنند و یکدیگر را بشارت دهند که دوستان خدا آمدند پس در را بگشایند و ایشان
داخل بهشت شوند زنان ایشان از حوریان و آدمیان از قصرها مشرف شوند و گویند خوش آمدید
و چه بسیار مشتاق شما بوده ایم پس دوستان خدا نیز مثل این سخنها جواب ایشان گویند پس
حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود یا رسول الله ایشان چه جماعتند فرمود که شیعیان خالص تو اند و تو
امام و پیشوای ایشانی و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که در روز
قیامت منادی از جانب رب العزت ندا کند که جمیع اهل محشر بشنوند که کجایند اهل صبر که گروهی
از مردم برخیزند ملائکه استقبال ایشان کنند و گویند چگونه بود صبر شما جواب گویند که نفس
خود را بر مشقت طاعت و ترک معصیت صبر فرمودیم پس منادی ندا کند که راست میگویند بگذارید
که بی حساب داخل بهشت روند پس منادی دیگر ندا کند که کجایند اهل فضل پس گروهی برخیزند ملائکه
ایشانرا استقبال کنند و پرسند که چه فضیلت است که شما را باین کرامت رسانیده
گویند که بر ما سفاهت و بیخردی میکردند و حلم میکردیم و بدی نسبت بما میکردند و برای خدا عفو میکردیم
ندا رسد که راست میگویند بگذارید که بی حساب به بهشت روند و دیگر منادی ندا کند که کجایند
همسایگان خدا پس گروهی برخیزند و ملائکه استقبال ایشان کنند و گویند چه بود عمل شما که

امروز خدا شما را بجوار رحمت خود نسبت داد گویند که ما برای خدا برادران مؤمنان دوستی میکردیم
و خالصا لوجه الله بایشان عطاها میکردیم و مدد و اعانت ایشان میکردیم ندا رسد که راست میگویند
بگذارید که بجوار رحمت و قرب من در آیند بی حساب پس حضرت فرمود که ایشان همسایگان انبیا و اوصیا
و مقربان خدایند مردم میترسند از اهوال قیامت و ایشان نمیترسند و مردم را حساب میکنند و
ایشانرا حساب نمیکنند و حضرت صادق ع فرمود که خداوند عالمیان در روز قیامت چنان رحمت خود را
پهن کند که شیطان هم طمع میکند در آن رحمت و بسند معتبر از رسول خدا منقولست که فرمود یا علی
تو اول کسی که داخل بهشت میشود و در دست تو خواهد بود علم و لوای حمد و آن هشتاد شقه است
که هر شقه از آفتاب و ماه بزرگتر است و در حدیث دیگر وارد شده است که آنحضرت فرمود که اول
مرتبه یا علی ترا می طلبند در روز قیامت و بتو میدهند علم مرا که آن لوای حمد است و دو صف
می ایستند اهل محشر و تو از میان ایشان میروی و آدم و جمیع خلایق در زیر علم من خواهند بود و
طولش هزار ساله راه است سرش از یاقوت سرخ و چوبش از نقره سفید است و تهش از در
سبز است و سه زاویه دارد یکی در مشرق و یکی در مغرب و یکی در میان دنیا و بر آن سه سطر نوشته اول
بسم الله الرحمن الرحیم دویم الحمد لله رب العالمین سطر سیوم لا اله الا الله محمد رسول الله و
طول هر سطری هزار ساله راهست و عرضش هزار ساله پس تو یا علی علم را بر میداری و در دوان میشوی و حضرت
امام حسن از دست راست و حضرت امام حسین از دست چپ تو اند و می آئی نزد من و ابراهیم در
سایه عرش آنگاه پس حله سبزی در تو میپوشانند پس منادی از جانب رب العزت مرا ندا میکند که نیکو پدریست
برای تو ابراهیم و نیکو برادریست برای تو علی بن ابیطالب ع و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که حضرت رسالت پناه ص میفرمود که هرگاه از برای من چیزی از خدا طلب نمائید وسیله را برای من بطلبید
پس از حضرت سؤال کردند از وسیله که چه چیز است فرمود که آن درجه منست در بهشت و آن هزار
پایه دارد و از هر پایه تا پایه هزار سال راه بدویدن اسب تندرو و پایهها یکی از جوهر است و یکی از زبرجد
و یکی از یاقوت و یکی از زمرد و یکی از طلا و یکی از نقره پس آنها را بیاورند در روز قیامت و با درجه پیغمبران نصب

کنند او درمیان درجهٔ پیغمبران بمثابهٔ ماه باشد درمیان ستارکان پس جمیع پیغمبران و شهیدان و
صدیقان کویند خوشا حال آن بنده که این درجهٔ او باشد پس منادی از جانب رب العزت ندا کند
که جمیع خلایق بشنوند که این درجهٔ محمد است پس بیایم من و جامه از نور در خود کرده باشم و تاج ملک
و پادشاهی و اکلیل کرامت و بزرکواری بر سر داشته باشم و علی بن ابی طالب در پیش من رود و علم
من لوای حمد در دست او باشد و بر آن علم نوشته باشند که لا اله الا الله محمد رسول الله
المفلحون هم الفائزون بالله پس بیایم تا بران درجه بالا رویم و من بر پایه بالا باشم
و علی یکپایه بعد از من پس جمیع پیغمبران و صدیقان و شهیدان کویند که خوشا حال این دو بنده
و چه بسیار کرامی اند نزد خدا پس ندا رسد که اینک حبیب منست محمد و این ولی و دوست منست
علی خوشا حال کسی که او را دوست دارد و وای بر حال کسی که او را دشمن دارد و دروغ بر او بندد
انکاه حضرت رسول فرمود که هیچ مؤمنی نماند که ترا دوست دارد مکر اینکه از این ندا راحت یابد و
روی او سفید باشد و دل او شاد کردد و نماند کسی که دشمن تو باشد یا با تو حرب کرده باشد یا انکار
حق تو کرده باشد مکر انکه روی او سیاه شود و پاهای او بلرزه درآید پس در اینحال دو ملک بیایند
یکی رضوان خازن بهشت و دیکر مالک خازن جهنم پس رضوان بیاید و بکوید السلام علیکم
یا احمد من کویم السلام علیک ای ملک تو کیستی چه بسیار خوش رو و خوشبوی
کوید که من رضوان خازن بهشتم و اینست کلیدهای بهشت جناب رب العزت برای تو فرستاده بکیر
ای احمد من کویم که قبول کردم از پروردکار خود او راست حمد بر انکه مرا بر همه خلق زیادتی و فضیلت
داد باین کرامت بده ببرادرم علی بن ابی طالب پس رضوان برکردد و مالک بیاید و بکوید السلام علیک
ای احمد من کویم السلام علیک ای ملک تو کیستی چه بسیار مهیب و عجیبی کوید منم مالک
خازن جهنم و اینست کلیدهای جهنم رب العزه برای تو فرستاده بکیر کویم که قبول کردم و او را حمد میکنم
براین کرامت بده ببرادرم علی بن ابی طالب پس مالک بر میکردد و علی متصرف میشود بکلیدهای بهشت و دوزخ
و می آید بکنار جهنم و می ایستد در حالتی که شررهای او در پرواز است و فریاد میکند و بسیار تند شده زبانه اش بلند

کردیده و علی مهار او را بدست میکیرد جهنم میکوید که بکذر یا علی که نور تو آتش مرا خاموش کرد علی میکوید
قرار کیر ای جهنم و آنچه میکویم بشنو این را بکیر که دشمن منست و این را بکذار که دوست منست
پس حضرت رسول فرمود والله که جهنم در آن روز اطاعت علی زیاده میکند از غلامان شما نسبت بشما
اکر خواهد جهنم را بجانب راست میفرماید و اکر خواهد بجانب چپ میفرستد و جهنم اطاعت و فرمان
بردار اوست زیاده از جمیع خلایق در آنچه او را فرماید یا اباذر ان شر الناس منزلة عند الله یوم القیمة
عالم لا ینتفع بعلمه و من طلب علما لیصرف به وجوه الناس الیه لم یجد ریح الجنة یا اباذر من
ابتغی العلم لیخدع به الناس لم یجد ریح الجنة یا اباذر اذا سئلت علما لا تعلمه فقل لا اعلمه تنج
من تبعته و لا تفت الناس بما لا علم لک به تنج من عذاب الله یا اباذر یطلع قوم من اهل
الجنة الی قوم من اهل النار فیقولون ما ادخلکم النار و قد دخلنا الجنة بفضل تادیبکم
و تعلیمکم فیقولون انا کنا نامر بالخیر و لا نفعله ای ابوذر بدترین و پست ترین مردم نزد خداوند
عالمیان در قیامت عالمیست که مردم از علم او منتفع نشوند یا خود از علم خود منتفع نشود و
کسی که طلب علم کند برای انکه روی مردم را بسوی خود بکرداند و مرجع ایشان باشد بوی بهشت را
نشنود ای ابوذر انکه طلب علم کند برای انکه مردم را فریب دهد در دنیا بوی بهشت را
ای ابوذر اکر از تو پرسند از علمی که ندانی بکو که نمیدانم تا نجات یابی از کناه انکه بر خلاف واقع
چیزی بیان کنی و فتوی مده مردم را چیزی که علم بآن نداشته باشی تا نجات یابی از عذاب الهی در روز قیامت
ای ابوذر مشرف میشوند و نظر میکنند جماعتی از اهل بهشت بسوی کروهی از اهل جهنم پس از ایشان میپرسند
که چه چیز باعث این شد که شما بجهنم رفتید و حال انکه ببرکت تعلیم و تادیب شما داخل بهشت شده ایم
کویند که ما مردم را امر بخوبیها میکردیم و خود آنها نمی آوردیم مطلب دوم در بیان غافل شدن از مرک
مومن آنست که همیشه در یاد حق تعالی باشد آدمی چه داند در صبح که تا شام حیات دارد یا نه و چون شب
شود چه داند که فردا چون شود از مردکان حساب شود یا از زندکان بلکه امید ساعت بساعت دیکر از نفسی
تا نفس دیکر بهر حال ای بنی آدم باید از ذکر حق تعالی غافل نشوی که شیطان دشمن بزرکست و نفس سرکش

حق تعالی میفرماید اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَیْکُمْ یَا بَنِی آدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّیْطَانَ اِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبِینٌ
یعنی اطاعت شیطان نکنید که شما را دشمن است و از عبد الله عباس در تفسیر وسواس خناس گوید
دو دیواست در دل بنی آدم که چون غافل شود از ذکر خدا ایشانرا وسوسه کنند و چون خدا را یاد کند
خاموش شود و چون معصیت کند شاد گردد و آن فرشته که بر دل است غمناک گردد و جهد کند تا
حق تعالی او را توفیق دهد تا از آن معصیت باز آید پس مومن را چهار حصار است حصار اول ذکر
حق تعالی کردن دویم قران خواندن سیوم سجده برای رضای خدا کردن چهارم همیشه مرگ در
نظر او باشد و هر روز اقرار بوحدانیت و نبوت و امامت و معاد کند و این را بیاد دهد و دعای
عدیله که از ائمه معصومین علیهم السلام وارد هر صبح و شام بخواند که فواید و آثار بسیار دارد
ثبوت ایمانت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
بنام خداوند بخشاینده مهربان گواهی داد خدا آنکه نیست خدا جز
هُوَ وَالْمَلٰئِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ
او [illegible] و ملائکه و صاحبان علم در حالتی که ایستاده است بعدالت نیست آلهی جز او که عزیز
الْحَکِیمُ اِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَاَنَا الْعَبْدُ الضَّعِیفُ الْمُذْنِبُ
حکیم است بدرستی که دین نزد خدا مسلمانی است و منم بنده ضعیف گناه کار
الْعَاصِی الْحَقِیرُ الْفَقِیرُ الْمُحْتَاجُ اَشْهَدُ لِمُنْعِمِی وَرَازِقِی وَخَالِقِی
نافرمان خوار بیمقدار بی چیز گواهی میدهم برای منعم خود و روزی دهنده و آفریننده خود
وَمُکْرِمِی کَمَا شَهِدَ لِذَاتِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ الْمَلٰئِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا
و کرامی دارنده خود چنانچه گواهی داده بر ذات خود و گواهی داده اند برای او فرشتگان و صاحبان علم
مِنْ عِبَادِهِ بِاَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ذُو النِّعَمِ وَالْاِحْسَانِ وَالْکَرَمِ وَ
از بندگانش با آنکه نیست معبودی جز او صاحب نعمتها و احسان و سخاوت و
الْاِمْتِنَانِ قَادِرٌ اَزَلِیٌّ عَالِمٌ اَبَدِیٌّ حَیٌّ اَحَدِیٌّ مَوْجُودٌ سَرْمَدِیٌّ
منت و نعمت قادر است [illegible] داناست دائم است زنده است و شریک ندارد موجود است همیشه است

سَمِیعٌ بَصِیرٌ مُرِیدٌ کَارِهٌ مُدْرِکٌ صَمَدِیٌّ یَسْتَحِقُّ هٰذِهِ الصِّفَاتِ وَ
شنواست بیناست اراده کننده است با خوش دارنده است دریابنده است سزاوار است این صفتها را و
هُوَ عَلٰی مَا هُوَ عَلَیْهِ فِی عِزِّ صِفَاتِهِ کَانَ قَوِیًّا قَبْلَ وُجُودِ الْقُدْرَةِ
آنجناب بر آنچه او بر اوست در بزرگی صفتهای او بود توانا پیش از وجود قدرت
وَالْقُوَّةِ وَکَانَ عَلِیمًا قَبْلَ اِیجَادِ الْعِلْمِ وَالْعِلَّةِ لَمْ یَزَلْ سُلْطَانًا
و قوت و بود دانا پیش از ایجاد علم و علت همیشه صاحب سلطنت بود
اِذْ لَا مَمْلَکَةَ وَلَا مَالَ وَلَمْ یَزَلْ سُبْحَانًا عَلٰی جَمِیعِ الْاَحْوَالِ وُجُودُهُ
در وقتی که نبود ملکی و نه مالی و همیشه پاک بوده است از عیبها بر همه احوال وجود او
قَبْلَ الْقَبْلِ فِی اَزَلِ الْآزَالِ وَبَقَاؤُهُ بَعْدَ الْبَعْدِ مِنْ غَیْرِ
پیش از پیش است در ازل ازلها و بقای او بتر است بعد از همه از بدون
اِنْتِقَالٍ وَلَا زَوَالٍ غَنِیٌّ فِی الْاَوَّلِ وَالْآخِرِ مُسْتَغْنٍ فِی الظَّاهِرِ
انتقالی و نه زوالی بی نیاز بود در اول و آخر مستغنی بود در ظاهر
وَالْبَاطِنِ لَا جَوْرَ فِی قَضِیَّتِهِ وَلَا مَیْلَ فِی مَشِیَّتِهِ وَلَا ظُلْمَ فِی
و باطن نیست جوری در حکم او و نه میلی در خواستهای او و نه ستم در
تَقْدِیرِهِ وَلَا مَهْرَبَ مِنْ حُکُومَتِهِ وَلَا مَلْجَأَ مِنْ سَطَوَاتِهِ وَلَا
تقدیر و نه گریزگاهی در حکومت او و نه پناهی از سطوت و نه
مَنْجَا مِنْ نَقِمَاتِهِ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ وَلَا یَفُوتُهُ اَحَدٌ
گریزگاهی از انتقام او پیشی گرفت رحمت او بر غضب [illegible] فوت نشده احدی
اِذَا طَلَبَهُ اَزَاحَ الْعِلَلَ فِی التَّکْلِیفِ وَسَوَّی التَّوْفِیقَ بَیْنَ
هرگاه بطلبد او را برطرف کرده علتها در تکلیف [illegible] کرده توفیق را میانه
الضَّعِیفِ وَالشَّرِیفِ مَکَّنَ اَدَاءَ الْمَاْمُورِ وَسَهَّلَ سَبِیلَ
ضعیف و شریف و تمکن [illegible] سرها را و آسان کرده راه

اجتناب المحظور لم يكلف الطاعة الا بقدر الوسع والطاقة
اجتناب محظوران تکلیف نکرده است بطاعت مگر بقدر استطاعت وگنجایش
سبحانه ما ابين كرمه واعلى شأنه سبحانه ما اجل نيله
منزه است او چه ظاهرست کرم او وبلند است شان او منزه است او چه بزرگست نیل او
واعظم احسانه بعث الانبياء ليبين عدله ونصب
وعظیم است احسان او مبعوث ساخته انبیا را برانکه بیان کند عدل او را ونصب کرده
الاوصياء ليظهر طوله وفضله وجعلنا من امة الانبياء
اوصیا را برانکه اظهار کند طول او وفضل او را وگردانیده ما را از امت بزرگترین پیغمبران
وخير الاولياء وافضل الاصفياء واعلى الازكياء محمد
وبهترین دوستان وفاضلترین اصفیا وبلندترین پاکیزها محمد
صلى الله عليه وآله امنا به وبما دعانا اليه وبالقرآن
رحمت خدا بر او وبر آل او ایمان آوردیم بو وبانچه خوانده است ما را بوی قرآن
الذي انزله عليه وبوصيه الذي نصبه يوم الغدير و
که فرو فرستاده است آنرا وبوصی او آنکه نصب کرد آنرا در روز غدیر و
اشار بقوله هذا علي اليه واشهد ان الائمة الابرار
اشاره کرد بقول خود اینست علی بسوی آن وگواهی میدهم انکه امامان نیکوکار
والخلفاء الاخيار بعد الرسول المختار علي قامع الكفار
وخلیفهای پسندیده بعد از رسول مختار حضرت علیست کننده وبیخ کافران
ومن بعده سيد اولاده الحسن بن علي ثم اخوه السبط
وبعد از آنحضرت بزرگ اولاد او حسن پسر علی وبعد از او برادرش سبط
التابع لمرضات الله الحسين ثم العابد علي ثم الباقر
پیرو رضای خدا حضرت امام حسین پس عبادت کننده علی پسر شکافنده علمها

محمد ثم الصادق جعفر ثم الكاظم موسى ثم الرضا علي ثم
شکافنده علمها محمد بعد از آن جعفر بعد از آن خورنده خشم موسی بعد از آن پسندیده علی بعد از آن
التقي محمد ثم النقي علي ثم الزكي العسكري الحسن ثم
پرهیزکار محمد بعد از آن پاکیزه علی بعد از آن پاکیزه عسکری امام حسن بعد از آن
الحجة الخلف الصالح القائم المنتظر المهدي المرجى الذي
حجت خلف صالح قایم انتظار کشیده هدایت یافته امید کرده شده که بسبب
ببقائه بقيت الدنيا وبيمنه رزق الورى وبوجوده ثبتت
بقای او باقی مانده دنیا وبیمن او روزی داده شده اند عالمیان وبوجود او ثابت در جا
الارض والسماء به يملأ الله الارض قسطا وعدلا بعد
مانده زمین وآسمان آن حضرت پر میسازد حق تعالی زمین را از عدل وداد او بعد از انکه پر
ما ملئت ظلما وجورا واشهد ان اقوالهم حجة وامتثالهم فريضة
شده باشد از ظلم وجور وگواهی میدهم بانکه اقوال امامان حجت است وفرمان برداری ایشان فرض است
وطاعتهم مفروضة والاقتداء بهم منجية ومخالفتهم مردية
وطاعت ایشان فرض کرده شده واقتدا کردن بایشان باعث نجاتست ومخالفت ایشان هلاک کننده است

ومودتهم لازمة مقضية
وحکم کرده شده

وهم سادات اهل الجنة اجمعين وشفعاء يوم الدين وائمة
وایشان بزرگان اهل بهشتند همه وشفیعان روز جزا وپیشوایان
اهل الارض على اليقين وافضل الاوصياء المرضيين واشهد
اهل زمین اند بیقین وفاضلترین جانشینان پسندیده شدگان وگواهی میدهم
ان الموت حق ومسئلة منكر ونكير في القبر حق والبعث حق
بانکه مرگ حقست وسؤال منکر ونکیر در قبر حقست وبعث ونشور حقست
والنشور حق والصراط حق والميزان حق والحساب حق
وصراط حقست ومیزان حقست وحساب حقست

والکتاب حق والجنة حق والنار حق وان الساعة آتیة لاریب
و نامه عمل حقست و بهشت حق است و دوزخ حق است و شهادت میدهم اینکه قیامت آینده است نیست شکی
فیها وان الله یبعث من فی القبور اللهم فضلک رجائی وکرمک
در آن و اینکه الله تعالی برمی انگیزاند هر که در قبر است خداوندا فضل تو امید من است و کرم
ورحمتک املی لا عمل لی استحق به الجنة ولا طاعة لی استوجب
و رحمت تو امید من است نیست عملی برای من که مستحق شوم بسبب بهشت و نیست طاعتی برای من که مستوجب
بها الرضوان الا انی اعتقدت توحیدک وعدلک وارتجیت
رضوان شوم الا آنکه من عقد داده ام توحید و یگانگی ترا و عدل ترا و امید دارم
احسانک وفضلک وتشفعت الیک بالنبی وآله واوصیائه
احسان تو و فضل ترا و شفیع خود میسازم بسوی تو پیغمبر و آل پیغمبر و اوصیای پیغمبر
واحبتک وانت اکرم الاکرمین وارحم الراحمین وصلی الله علی
و دوستان او و تویی کریم ترین کریمان و رحم کننده ترین رحم کنندگان و درود خدا بر
سیدنا ونبینا محمد وآله اجمعین الطیبین وسلم تسلیما
محمد و آل همه که طیبند و سلام بفرست سلام
الطاهرین
کثیرا کثیرا یا ارحم الراحمین اللهم انی اودعتک یقینی هذا و
بسیار بار خدایا ارحم کننده ترین بار خدایا بدرستی بود که یقین دارم و
ثبات دینی وانت خیر مستودع وقد امرتنا بحفظ الودائع
ثبات دین خودم و تو بهترین کسی بتحقیق امر کرده را بحفظ ودیعها
فرده علی وقت حضور موتی یا ارحم الراحمین اشهد ان لا اله
پس رد وقت حضور موت ای ارحم الراحمین گواهی میدهم اینکه نیست معبودی
الا الله واشهد ان محمدا رسول الله وان علیا ولی الله رضیت
غیر الله تعالی و گواهی میدهم بدرستی که محمد فرستاده خداست و بدرستی که علی ولی خداست راضی ام

بالله ربا وبالاسلام دینا وبمحمد صلی الله علیه وآله نبیا و
بپروردگاری خدا و بدین اسلام و باینکه محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر است و باینکه
بالقرآن کتابا وبالکعبة قبلة وبعلی اماما وبالحسن والحسین
قرآن کتاب است و باینکه کعبه قبله است و علی بن ابیطالب امام من است و حضرت امام حسن و امام حسین
وعلی بن الحسین ومحمد الباقر وجعفر الصادق وموسی
و علی بن الحسین و حضرت محمد باقر و حضرت جعفر الصادق و حضرت موسی
الکاظم وعلی الرضا ومحمد الجواد وعلی الهادی والحسن العسکری
الکاظم و حضرت علی بن موسی الرضا و حضرت محمد تقی و حضرت علی النقی و حضرت حسن العسکری و
والحجة القائم المنتظر المهدی بن الحسن صاحب الزمان
حضرت امام قایم منتظر المهدی بن حسن صاحب عصر و زمان که
صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین یا الله یا ارحم الراحمین
رحمتهای خدای تعالی و سلام او بر آنحضرت و بر ایشان باد همه یا الله ارحم کننده ترین رحم کنندگان
اللهم انی اودعتک هذا الاقرار بک وبالنبی والائمة علیهم السلام
بار خدایا بدرستی که من بودیعه میگذارم این اقرار بتو و بحضرت پیغمبر و امامان علیهم السلام
وانت خیر مستودع وقد امرتنا بحفظ الودائع فرده علی
و تو بهترین کسی ودیعه تو آن گذاشت بتحقیق امر کرده بحفظ کردن ودیعها پس آن بر من
فی القبر عند مسئلة منکر ونکیر برحمتک یا ارحم الراحمین
در قبر نزد سؤال منکر و نکیر برحمت خودت ارحم کننده رحمان

با ترجمه در این رساله ایراد نمود که در وقت خواندن متذکر معانی باشند تا فایده اش بسیار و ثواب
عظیم تر باشد و ایضاً در ایام بیماری هر روز این دعا را باید خواند و مداومت نمود بسم الله
الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد

اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَرْسَلَهُ بِالْهُدٰى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى
الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ وَاَشْهَدُ اَنَّ اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ ابْنَ
اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِمَامٌ حَقٌّ نَصٌّ مَعْصُومٌ مِنْ قِبَلِ اللهِ تَعَالٰى
وَقِبَلِ رَسُولِهِ وَمِنْ بَعْدِهِ اَوْلَادُهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى ابْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُوسٰى
وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْخَلَفُ
الصَّالِحُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ بْنُ الْحَسَنِ صَاحِبُ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ صَلَوَاتُ
اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ هُمْ اَئِمَّتِي وَاَشْهَدُ اَنَّ الْمَوْتَ
حَقٌّ وَالْقَبْرَ حَقٌّ وَسُؤَالَ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبَعْثَ
حَقٌّ وَالنُّشُورَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْكِتَابَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ
حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّ
اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ پس کلمات فرج را بخواند لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ سُبْحَانَ
اللهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا
بَيْنَهُنَّ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَصَلَوَاتُ اللهِ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِينَ و بگوید يَا اَللهُ يَا اَللهُ
يَا اَللهُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ
النَّصِيرُ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيرُ مطلب سیوم در بیان آداب احتضار
و برداشتن میت است باید که چون در بیماری آثار موت ظاهر شود متوجه احوال خود گردد و از
گناهان توبه کند و از کرده‌ها نادم و پشیمان گردد و عازم گردد که اگر زنده باشد مرتکب معصیت
الهی نگردد پس وصیت کند و حقوق خویشتن و ظلم آنچه بر ذمت او باشد ادا کند و بدیگران نکذا

پس بقدر ثلث مال خود وصیت کند که بخویشان پریشان و فقرا و مساکین و بر دجوه بر صرف نمایند و
ابرای ذمه از برادران مؤمن بطلبد و هر کرا غیبت کرده باشد اذیتی رسانیده باشد اگر حاضر باشد از حاضر
التماس نماید که این را از او راضی کرداند و از برای ایشان استغفار نماید پس بلطف و عیال خود را
بعد از توکل بر جناب اقدس الهی با مینی بگذارد و وصی از برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را
حاضر سازد و شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلم و ادعیه که وارد شده است سنت است که بر کفن نوشته
شود و دعا که از حضرت امیر المؤمنین منقول است و بر کفن سلمان نوشته اند که وَفَدْتُ
عَلَى الْكَرِيمِ بِغَيْرِ زَادٍ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَالْقَلْبِ السَّلِيمِ فَحَمْلُ الزَّادِ اَقْبَحُ
كُلِّ شَيْءٍ اِذَا كَانَ الْوُفُودُ عَلَى الْكَرِيمِ بهمه را بتربت حضرت امام حسین بنویسد بر کفن
اگر پیشتر کفن را مهیا نکرده باشد اما مؤمن را سنت است که کفن پیوسته با او باشد چنانچه
از حضرت صادق منقول است که هر که کفنش با او باشد او را از غافلان ننویسند و هر گاه که
نظرش بر کفن افتد برای او حسنه نوشته شود و باید که در آن وقت امید وار برحمت حق تعالی
و شفاعت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین بوده باشد پس دعای عدیله و دعا
بعد از او که ذکر شد هر دو را بخواند و بسند معتبر از رسول خدا منقول است که هر که در وقت
مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت و مردی او است گفتند یا رسول الله چگونه وصیت
کند فرمود که چون نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند و اینه عار را اگر تواند بخواند و اگر
نتواند تلقین او نمایند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ اِنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ اَنِّي اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ عَبْدُكَ
وَرَسُولُكَ وَاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي
الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللهُ تَعَالٰى مِنَ
النَّعِيمِ وَالْمَاْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَاَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْاِيمَانَ

حَقٌّ وَاَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَاَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَاَنَّ الْقَوْلَ كَمَا
وَاَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْاٰنَ كَمَا اَنْزَلْتَ وَاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ
الْمُبِينُ وَاَنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا اَنِّي رَضِيتُ بِكَ رَبًّا وَبِالْاِسْلَامِ
دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ اِمَامًا وَبِالْقُرْاٰنِ كِتَابًا
وَاَنَّ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَئِمَّتِي اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِي
عِنْدَ شِدَّتِي وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَعُدَّتِي عِنْدَ الْاُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي
وَاَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَاِلٰهِي وَاِلٰهُ جَمِيعِ اٰبَائِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَلَا
تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا وَاٰنِسْ فِي قَبْرِي وَحْشَتِي وَاجْعَلْ لِي
عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ اَلْقَاكَ مَنْشُورًا پس حضرت رسول ص فرمود که این عهد
پیمان میت است با حق تعالی و روزی که میخواهد وصیت کند و وصیت لازم و واجب است بر هر مسلمان
و صحیفهٔ اعتقادات را چنانچه در کتاب حلیة المتقین ذکر شده درست کند
و بمهر گواهان برساند و در میان کفن او بگذارند اما چون او را احتضار ظاهر شود بعد از آنکه
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ
تا جان کندن بر او آسان گردد و باید که اولاد و خویشان و برادران مؤمن در اینجا او را
تنها نگذارند و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سوره یس و سوره والصافات بخوانند و اعتقاد
بوحدانیت حق تعالی و صفات کمالیهٔ الهی و رسالت حضرت رسول و امامت ائمهٔ هدی ع بتفصیل
و اعتقاد بمعاد و بهشت و دوزخ و سؤال قبر و سایر اعتقادات حقه را مکرر تلقین او نمایند و اگر
نتواند خواند نزد او بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند و اگر عربی نداند مضامینش را بر او
القا کنند که درین وقت شیطان بر او دست نیابد که او را از دین برگرداند و باید که کلمهٔ طیبه
لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بسیار بگوید و مکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر وارد است
که هرکه آخر سخن او کلمهٔ طیبه باشد داخل بهشت شود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع مروی است

که تلقین کنید مردگان خود را لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بدرستی که گناهان را درهم میشکند و بمؤمن
مؤمن است در حال حیوة و نزد مبعوث شدن و هرکه در هنگام مردن کلمهٔ طیبه را بگوید داخل
بهشت گردد پس در اینحال پاهای او را بجانب قبله بگردانند تا ملائکهٔ رحمت بر او رو آورند و در این وقت
حایض و جنب نزد او نیایند که ملائکه از او نفرت میکنند و کوبیدن غیر ایشان کسی نباشد جایز است که برای او دور
پرستاری او بنشیند و چون نزدیک شود که جانش بیرون آید بیرون روند و اما در احادیث معتبره
وارد است که اگر جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند بجائی که همیشه نماز میکرده است یا بجا نمازی که
بر روی او نماز میکرده است بخوابانند که اگر امید شفا هست شفا می یابد و الا جانش به آسانی بر می آید و
از حضرت امام رضا ع مرویست که زنهار در حالت احتضار دست بر او مگذارید و گر نه حرکت دهید تا نعش
شود چنانکه جاهلان میکنند و نزد قبر او قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر رسول و آل
او بفرستید و ایضا دیگر مرویست که فرزندی از حضرت صادق ع در احتضار بود و حضرت امام
با قرم در کنار خانه نشسته هرکه نزدیک او میرفت منع میکرد و میفرمود که دست بر او مگذارید که
او درین حال در نهایت ضعف و ناتوانیست و هرکه دست بر او بگذارد چنان است که او را کشته است و ایضا
از حضرت امیرالمؤمنین ع مرویست که در وقت جان کندن کلمات فرج را تلقین او کنید که رسول
این کلمات را تلقین شخصی کرد و چون او خواند آنحضرت فرمود که الحمد لله که حق تعالی او را از آتش جهنم
نجات داد و کلمات فرج پیش ازین مذکور شد و از حضرت صادق ع مرویست که هیچکس نیست که
آنکه شیطان در وقت مردن جمعی از شیاطین را موکل میکرداند بر او که او را بشک اندازند در
دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر مؤمن کامل باشد غلبه نتوانند بر او دست یافت پس در اینجا تلقین
ایشان بکنید کلمات فرج و شهادت بوحدانیت حق تعالی و اقرار بحضرت رسالت ص و ائمهٔ طاهرین
یکیک بالخصوص از سخن گفتن باز ماند و چون روح او مفارقت کند سنت است که دهان او را برهم
گذارند و دستهایش را بر پهلوهایش بکشند و او را بچادر شبی یا جامهٔ بپوشند و قرآن نزد او
بخوانند و دود و ش بردارند مگر بقدر جمع شدن مؤمن اگر اشتباه در موت او نباشد و گر مشتبه باشد

تا یقین نشود مرکش برند اذ اکر شب باشد چراغ نزد او روشن کنند احکام برداشتن میت از حضرت
صادق ع مرویست که سزاوار آنست که برادران مؤمن را خبر کنند بردن او که بجنازه او حاضر
کردند براو نماز کنند و از برای او استغفار کنند تا که میت و ایشان همه ثواب برند وایضاً
از آنحضرت مرویست که چون مؤمن را بقبر میگذارند او را ندا میکنند که اول عطائی که ترا دادیم بهشت
و اول عطائی که دادیم آنها که با جنازه تو آمدند آمرزش گناهان است اما باید که جنازه را چهار کس
بردارند و بهتر آنست که برای کسی که تشییع جنازه کند اول دست راست میت را که جانب چپ
جنازه است بدوش خود بردارد و پس از پشت جنازه برود و پای چپ میت را بدوش چپ خود
بردارد و پس دست میت را بدوش چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تربیع کند از پیش
جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجا آورد و افضل آنست
که در عقب جنازه یا پهلوها راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر احادیث آنست که اگر جنازه مؤمن
باشد پیش او راه رفتن خوبست و اگر جنازه خلاف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه عذاب او را
استقبال میکنند و با جنازه سواره رفتن مکروهست و از حضرت رسول ص مرویست که هر که جنازه را
ببیند این دعا را بخواند اللّٰهُ اَکْبَرُ اللّٰهُ اَکْبَرُ هٰذا ما وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَ
صَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ زِدْنا اِیماناً وَتَسْلِیماً اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی
تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ الْعِبادَ بِالْمَوْتِ هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کنند
از برای ترحم براو و از حضرت صادق ع مرویست که در حال برداشتن جنازه این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ
لِلْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ پس زنان را تشییع جنازه سنت نیست و بعضی گفته اند که
جنازه را بسیار تند بردن مکروهست و مجمره با جنازه بردن کراهت دارد و در روز چراغ بردن
خوب نیست و در شب خوبست و مکروه است کسی را که بجنازه حاضر شود خنده و حرف باطل گفتن مطلب
چهارم در بیان غسل دادن و کفن کردن میت است و اما غسل دادن واجب است که عورتین میت را

بپوشانند و اما مرد را مرد بشوید و زن را زن مگر شوهر زن را و زن شوهر را و آقا کنیز خود را اما در غسل
دادن کنیز آقا را بعضی توقف کرده اند بجهت آنکه بملک وارث انتقال یافته و اما مرد دختر سه ساله
و زن پسر سه ساله را نیز میتوانند غسل دادن و واجب پوشیدن عورتین نیست و هرگاه زن یافت
نشود که زن را غسل دهد شخصی را از اقوام آن زن که محرم او باشد از بیرون پیراهن او را غسل دهد و مرد نیز
بهمین طریق و بعد از ازاله نجاست او را با آب سدر غسل دهند و نیت چنین کند که غسل میدهم این میت را
با آب سدر برای آنکه واجبست قربةً الی الله و مقارن نیت سر و گردن میت را بشوید و بعد از
آن جانب راست او را و بعد از آن جانب چپ او را بطریق غسل جنابت و آنرا بعد از آب سدر با آب
کافور بهمان دستور بشویند و آنرا بعد از آب کافور با آب خالی بهمان طریق بشویند و در وقت غسل دادن
روی میت بجانب قبله باشد بطریق وقت احتضار اگر سدر و کافور یافت نشود عوض او دو مرتبه با آب
خالی بشویند و اگر آب متعذر باشد او را سه تیمم دهند عوض هر غسل یک تیمم و در تیمم اول نیت چنین کند
که تیمم میدهم این میت را عوض آب سدر قربةً الی الله و در نیت تیمم دوم بدل از آب سدر و
کافور بگوید و در سیوم عوض آب خالی بجا آورد و مقارن نیت دو کف دست خود را بر خاک زنند و پیشانی
میت را با آن مسح نمایند و مرتبه دیگر هر دو کف دست را بر خاک زنند و پشت کف دست راست او را
مسح نمایند و بعد از آن پشت کف دست چپ او را و باید که آب غسل طاهر باشد و آب مضاف نباشد
و غصبی نباشد و زمین و تخته که میت را بر آن غسل میدهند غصبی نباشد احکام غسل میت سنت است
که چون خواهند که میت را غسل دهند گریبان پیراهن او را تا زانو بدرند اما برخصت وارث اگر وارث
بالغ و عاقل باشد و اگر طفل یا مجنون باشد دریدن پیراهن میت جایز نیست و در وقت کندن پیراهن
او را بپهلو نگردانند بلکه چنان بر پشت خوابیده پیراهن را از زیر او بکشند و انگشتان او و نیز هر
بمالند و بجهت آبی که از غسل جدا میشود گوری علیحده بکنند و در وقت غسل دادن بطریق حالت احتضار
رو بقبله باشد و در میانه میت و آسمان حایلی مثل سقف یا سایبان یا غیر آن و میت را قبل از
غسل یا بعد از غسل وضو دهند و درین وضو مضمضه و استنشاق سنت نیست و غسال در وقت

غسل دادن در جانب راست میت بایستد و قبل از هر یک از سه غسل دو دست خود را تا مرفق
بشوید و آب سدر را برهم زنند تا کف کند و بکف آن سر میت را بشویند و عورتین او را قبل از غسل
سه مرتبه باشنان بشویند و در هر غسلی از آن سه غسل هر یک از سر و جانب راست و جانب چپ میت را
سه مرتبه بشویند و در غسل اول و دویم آهسته دستی بر شکم بکشند و اگر میت جنب باشد او را بعد از
غسل میت غسل جنابت دهند و اگر ندانند که جنب است فیه است چنین کند که غسل میدهم این میت را
سنت قربة الی الله و چون از غسلها فارغ شوند بدن میت را خشک کنند و اما آنچه مکروه است

مکروهات غسل

میت را بآب گرم غسل دادن و ناخن او را چیدن و محاسن او را شانه کردن و موی سر او را تراشیدن و
چیزی از آب غسل میت در طهارت خانه سر دادن و اما امری که حرامست آنست که اگر میت احرام حج یا

محرمات غسل

احرام عمره داشته باشد حرامست که او را بکافور غسل دهند و همچنین حرامست که او را حنوط کنند
و اما آنچه بعد از غسل دادن میت واجبست حنوط کردن میت یعنی کافور رسانیدن بهفت عضو
که بر آن سجده واقع میشود و آن پیشانی و دو کف دست و دو زانو و دو انگشت بزرگ پاهاست
و کفن سه پارچه باشد لنگ و پیراهن و چادر که میت را سرتاپا فرا گیرد و آنرا لفافه گویند و هیچیک از
این سه پارچه حریر نباشد خواه میت مرد باشد خواه زن و طلاباف و نقره دوز نباشد و طاهر باشد و غصبی
نباشد و بسیار تنک نباشد بحیثیتی که بدن میت از زیر آن نمایان شود و قماشی باشد لایق بحال میت
پس نسبت ببعضی کرباس واجبست و نسبت ببعضی قماش باریک بلند قیمت اما اگر قرض میت
مساوی ترکه او باشد یا کمتر قرض خواهان را میرسد که مانع شوند از کفن کردن او در قماش بلند قیمت
و هر چند زن مالدار باشد کفن او بر شوهر واجبست به شرط اول آنکه زن دائمی باشد نه متعه
دویم آنکه ناشزه نباشد سیوم آنکه مرد را قدرت بر کفن کردن بوده باشد پس اگر مرد بی چیز باشد
زن را از مال خودش کفن باید کرد اما اگر مرد بمیرد کفن او بر زن واجب نیست و اما آنچه سنت است
آنست که کافور حنوط میت سیزده درهم شرعی باشد و دو دانگ درهم و اگر این مقدار نباشد
چهار درهم و اگر نباشد یکدرهم و کافور را در کف دست نرم سازند نه در هاون و غیر آن و آنچه از

کافور حنوط زیاده آید بر سینه میت نهند و جریدتین با میت گذارند یعنی دو چوب تر از نخل خرما و اگر
نباشد از درخت کنار و اگر نباشد از درخت انار و اگر نباشد از درخت بید و اگر نباشد از درخت
دیگر و میباید که هر یک از آن دو چوب بدرازی ساق میت باشد یکی را بر پهلوی راست میت گذارند
و دیگری را بر پهلوی چپ و آنکه بر پهلوی راست است میباید که میان او و بدن میت کفن حایل نباشد و
آنکه بر پهلوی چپ است میباید که میان او و بدن میت پیراهن حایل باشد و باید سر جریدتین بچنبر گردن
میت برسد و کفن از پنبه باشد نه از جنس دیگر و سفید باشد نه رنگین و ریسمانی را که کفن با او میدوزند
از کفن بیرون آورند و مرد را عمامه بر سر پیچند که تحت الحنک داشته باشد و دو سر عمامه
از زیر تحت الحنک بیرون کنند و بر سینه او اندازند و پارچه که طول آن سه ذرع و نیم باشد
بعرض دست بر رانهای میت بطریق به پیچند که اول سر دو پارچه را شق کنند آنقدر که بر
جانب شق بر کمر میت توان بست بطریق کمربند و سر دیگر پارچه را از عقب از میان دو پای او
بیرون آورند و از زیر کمربند او بیرون کنند و بر رانهای او پیچند و زن را بجای عمامه مقنعه بر سر
کنند و لته بر پستان و سینه زن به بندند که پستانهای او را بگیرد و دو طرف آن لته را بر پشت
گره زنند و پنبه بسیار بر عورتین میت گذارند و اگر چیزی بیرون آید که موجب نقص وضو
زندگان باشد لازم نیست که مرتبه دیگر او را غسل دهند و همچنین اگر آنرا وضو داده باشند لازم

مکروهات

نیست که مرتبه دیگر آنرا وضو دهند و اما آنچه مکروه است کفن را باهن یا فولاد بریدن و پیراهنی که
جهت کفن میت قطع کنند آستین گذاشتن اما اگر میت را در پیراهن خودش کفن کنند
آستین داشتن او مکروه نیست اما مکروهست که تکمه داشته باشد و ریسمانی را که کفن را بآن میدوزند
بآب دهان تر ساختن و کفن او را بخور کردن و در کتان کفن کردن و در قصب و قطنی و غیر آن کردن و سیاهی
چیزی نوشتن و کافور در چشم و گوش میت گذاشتن و اما اگر زن آبستن بمیرد و فرزندی که در شکم
دارد زنده باشد واجبست که شکم او را از جانب چپ برند و فرزند را بیرون آورند و شکم او را بدوزند
و اگر فرزند در شکم بمیرد و مادر زنده باشد و نتوان درست بیرون آورد زنی دست بشکم او برد

احکام نماز میت

وطفل را پاره کنند و بیرون آورد و اگر طفل چهار ماهه باشد او را بطریق مقرر غسل دهند و در سه پارچه
بدستوری که گذشت کفن کنند و دفن نمایند و اگر کمتر از چهار ماهه باشد در لته پیچند و بی غسل
دفن کنند مطلب پنجم در بیان آنچه بمیت متعلق است از وقتی که از کفن کردن او فارغ
شوند تا وقتی که او را بخاک بسپارند در بیان نماز میت و این نماز واجب کفائیست یعنی
هرگاه یکشخص بگذارد از همه کس ساقط میشود و نماز کردن بر میت وقتی واجبست که آن میت مسلمان
باشد یا در حکم مسلمان باشد مثل اطفال مسلمانان بشرط آنکه شش سال تمام کرده باشد و اگر کمتر
از شش سال داشته باشد نماز برایشان سنت است وکیفیت این نماز آنست که مصلی بعد از
نیت تکبیرة الاحرام بجا آورد و بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
له واشهد ان محمدا عبده ورسوله پس تکبیر دویم بجا آورد و بگوید اللهم
صل على محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد وترحم على محمد وال
محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت على ابراهيم وال ابراهيم
انك حميد مجيد پس تکبیر سیوم بجا آورد و بگوید اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات
والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات تابع اللهم بيننا
وبينهم بالخيرات انك مجيب الدعوات وولي الباقيات الصالحات
انك على كل شيء قدير پس تکبیر چهارم بجا آورد اگر میت مؤمن باشد بگوید اللهم هذا عبدك
وابن عبدك وابن امتك نزل بك وانت خير منزول به اللهم انا لا نعلم
منه الا خيرا وانت اعلم به منا اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه
وان كان مسيئا فتجاوز عنه واحشره مع من كان يتولاه من
الائمة الطاهرين پس میت زن باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید اللهم هذه امتك
وبنت عبدك وبنت امتك نزلت بك وانت خير منزول به اللهم
انا لا نعلم منها الا خيرا وانت اعلم بها منا اللهم ان كانت محسنة

فزد في احسانها وان كانت مسيئة فتجاوز عنها واحشرها مع من
كانت تتولاه من الائمة الطاهرين اگر میت طفل باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید
اللهم اجعله لنا ولابويه سلفا وفرطا واجرا و اگر میت مخالف و معاند
باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید اللهم املأ جوفه نارا وقبره نارا وسلط عليه الحيات
والعقارب و اگر میت مستضعف باشد یعنی مذهب حق را نداند و عناد نداشته باشد بعد
از تکبیر چهارم بگوید اللهم اغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم عذاب
الجحيم و اگر اعتقاد میت را مطلقا نداند بعد از تکبیر چهارم بگوید اللهم هذه النفس
انت احييتها وانت امتها اللهم ولها ما تولت واحشرها مع
من احبت پس آخر نماز میت تکبیر پنجم است و بآن ختم نماز میشود واما آنچه باین نماز تعلق
دارد و بعد از نیت و پنج تکبیر و دعا واجبست که در وقت نماز کردن سر میت را بجانب راست
مصلی بگذارند پس اگر خلاف این ظاهر شود اعاده نماز واجبست و میت را در آن وقت بر پشت
بخوابانند به پهلو و اگر خلاف واقع شود اعاده نماز واجبست و مصلی از تابوت میت دور نباشد
و نماز گذاردن بعد از غسل و کفن باشد بدانکه آنچه در این نماز مجزیست و کمترین مجزیست
آنست که بعد از نیت و تکبیر احرام اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا
رسول الله بگوید و بعد از تکبیر دویم اللهم صل على محمد وال محمد و بعد از تکبیر سیوم
اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات و بعد از تکبیر چهارم دعای میت را بجا آورد
و تکبیر پنجم نماز را ختم کند واما آنچه در این نماز سنت است آنست که مصلی متطهر باشد و پیشنماز
محاذی کمر میت ایستد اگر میت مذکر باشد و اگر مؤنث باشد محاذی سینه او بایستد و کفش از پا
بیرون کردن و نزدیک ایستادن بجنازه بحیثیتی که اگر باد وزد دامن مصلی بتابوت رسد و مصلی در هر یک
از پنج تکبیر دستها را نزدیک دوش بلند سازد و باید که نماز را بجماعت گذارند و اگر ماموم همین یک
کس باشد در پس پیشنماز ایستد و ایستادن در صف آخر جماعت ثواب و بهتر است و نماز

گذاردن بر طرف که کمتر از شش ماه داشته باشد بشرط آنکه زنده از رحم جدا شده باشد پس اگر در رحم
زنده بود و مرده جدا شده نماز بر او سنت نیست و نماز میت را در روز گذارند اگر عذری نباشد و مرد را
بجانب مصلی گذارند و زن را بجانب قبله اگر جمع شوند بنوعی گذارند که سینه میت محاذی کمر مرد شود
و اگر طفلی کمتر از شش سال داشته باشد با ایشان جمع شود از زن موخر گذارند و بر هر سه یک نماز
جایز است و دعا جهت هر یک بطریقی که مذکور شد بعمل آورند و اگر هر سه را در یکدعا شریک سازند هم
جایز است مثل آنکه بگوید اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ هٰؤُلَاءِ الْاَمْوَاتِ و چون از نماز فارغ شوند پیشنماز در
مکان خود بایستند تا تابوت را بردارند و آنچه مکروه است در نماز میت خواندن فاتحه و سوره همراه
تعقیبات [illegible] و سلام دادن در آخر نماز میت بدون تقیه و این نماز را جنب و زن حایض میتوانند
گذارد اما سنت است که وضو داشته باشد آداب دفن کردن بعد از نماز واجبست نقل کردن او
بجانب قبر اگر در دریا بمیرد و خشکی متعذر شد در خم یا صندوقی گذارند و سر او را محکم سازند و اگر خم
و صندوق نباشد چیز سنگی بر او بندند و در [illegible] و صورت بطریقی که در لحد میگذارند رو بقبله در
دریا اندازند اما در قبر [illegible] و در [illegible] بطریق احتضار که مذکور شد
اما اگر زنی ذمیه بمیرد و [illegible] در شکم داشته باشد و آن فرزند نیز مرده باشد چون او را
دفن نمایند پشت او در [illegible] لکه روی طفل بپشت او راست و قبر را بنوعی بپوشند که
بدن میت از جانوران محفوظ باشد و بوی عفونت او بیرون نیاید و زمین قبر مباح باشد پس اگر
ظاهر شود که در زمین غصبی دفن شده صاحب زمین بان راضی نشود واجبست که میت را بجای دیگر
نقل نمایند اما آنچه سنت است آنست که مقبره نزدیکرا ترجیح دهند بر مقبره دور مگر آنکه در مقبره دور
شخصی از صلحا و اکابر دین مدفون باشد و عمق قبر [illegible] قد آدمی باشد یا تا چنبر گردن آدمی باشد سنت
بعمل آید و لحد در قبر کندن بهتر است مگر آنکه زمین او بسیار نرم باشد و ترسند که فرو ریزد و لحد جانب
قبله باشد و فراخ باشد آنقدر که در آن توان نشست و میت را در جانب پای قبر لحد بگذارند بعد از آن
دو قدم نزدیک قبر گذارند [illegible] بگوید اَللّٰهُمَّ هٰذَا عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ

خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ و اگر میت مرد باشد اول سر او را داخل قبر سازند و بعد از آن باقی بدن او اگر
زن باشد بیکنوبت در قبر نهند و شخصی که داخل قبر میشود که میت را در قبر گذارد سر و پای برهنه باشد و اگر میت
زن باشد آنشخص که داخل قبر میشود باید محرم او باشد و باید که آنشخص بیگانه نباشد و چون میت را بردارد که بقبر
برد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ اِلٰى
رَحْمَتِكَ لَا اِلٰى عَذَابِكَ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ
الثَّابِتِ وَقِنَا وَاِيَّاهُ عَذَابَ الْقَبْرِ و چون در قبر بگذارد بندهای کفن را بگشاید و روی
میت را باز کند و طرف راست روی میت را بر زمین نهند و زیر سر او را از خاک بلند کنند و
خشتی بر پشتش بگذارند که بر پشت نیفتد و مهری از تربت امام حسین در برابر روی او بگذارند و تربت
آنحضرت را بر کفن بگذارد و بگوید اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ یس و سوره فاتحه و قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و اگر حاضران هم بخوانند
بهتر است و این دعا نیز بخوانند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ
اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهَا فِي قَبْرِهَا وَاَلْحِقْهَا بِنَبِيِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا اِلَّا خَيْرًا
وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهَا مِنَّا پس عقاید حق را باو تلقین کنند خصوصا ولایت ائمه معصومین علیهم السلام
و بهتر آنست که بدست راست دوش راست میت را بگیرد و بدست چپ دوش چپ او را حرکت
دهد و تلقین کند او را باین نحو که اِسْمَعْ وَافْهَمْ يَا عَبْدَ اللّٰهِ اُذْكُرِ الْعَهْدَ الَّذِي خَرَجْتَ
عَلَيْهِ مِنْ دَارِ الْغُرُورِ اِلٰى دَارِ السُّرُورِ شَهَادَةَ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا صَمَدًا فَرْدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا
وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّ عَلِيًّا اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَاِمَامُ الْمُتَّقِينَ
عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ وَلِيُّ اللّٰهِ وَوَصِيُّ رَسُولِ اللّٰهِ بِلَا فَصْلٍ وَاَنَّ الْحَسَنَ وَ
الْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسٰى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا

باشد و شوهر و لیت از محارم و اگر مرد باشد باید

دعا در وقت [illegible] در قبر

والحسن والحجة القائم المنتظر المهدی صلوات الله علیهم اجمعین
حجج الله علی خلقه وائمتنا بهم نتولی ومن اعدائهم نتبرأ فی
الدنیا والآخرة ثم افهم یا عبد الله اذا جاءک الملکان الموکلان
المسمیان بمبشر وبشیر ویسئلانک عن ربک وعن دینک وعن
نبیک وعن کتابک وعن قبلتک وعن امامک لا تخف ولا تحزن وقل
فی جوابهما بافصح اللغات الله ربی ومحمد نبیی والاسلام دینی والقرآن
کتابی والکعبة قبلتی وعلی امامی والحسن امامی والحسین امامی وعلی بن
الحسین امامی ومحمد بن علی الباقر امامی وجعفر بن محمد الصادق امامی
وموسی بن جعفر الکاظم امامی وعلی بن موسی الرضا امامی ومحمد بن
علی الجواد امامی وعلی بن محمد الهادی امامی والحسن بن علی العسکری
امامی والحجة القائم المنتظر المهدی امامی ثم اشهد بان الموت
حق والقبر حق والسؤال حق والجواب حق والجنة حق والنار حق
والصراط حق والمیزان حق والحساب حق والکتاب حق والبعث
حق والنشور حق ونظایر الکتب یمینا وشمالا حق وان شفاعة
نبینا صلی الله علیه واله لاهل الحق حق هذا ما وعدنا الله ورسوله
وصدق الله ورسوله وما زادنا الا ایمانا وتسلیما پس بگوید ثبتک الله
بالقول الثابت وهداک الله الی صراط مستقیم عرف الله بینک وبین
اولیائک فی مستقر من رحمته پس بگوید اللهم جاف الارض عن جنبیه
واصعد بروحه الیک ولقه منک برهانا اللهم عفوک عفوک
پس خشت بر لحد بگذارد و آجر پخته نیز خوبست و خشت خام بهتر است اگر خشت خام باشد و آن را
بگذارند و بر رخنهٔ خشتها خشت دیگر بگذارد و بگل رخنهٔ آنها را بگیرند پس در چیدن خشت اینده عا

بخوانند اللهم صل وحدته وانس وحشته وامن روعته واسکن الیه
من رحمتک رحمة تغنیه بها عن رحمة من سواک فانما رحمتک
للظالمین و مکروهست فرش قبر را بچوب و تخته کردن و میت را در تابوت گذاردن مگر آنکه
زمین آب بر آورد یا نم بسیار داشته باشد و چون از پیش پا قبر بیرون آید بگوید انا لله وانا الیه
راجعون والحمد لله رب العالمین اللهم ارفع درجته فی اعلی علیین
واخلف علی عقبه فی الغابرین وعندک نحتسبه یا رب العالمین
پس حاضران به پشت دست خاک بر قبر بریزند و اگر بشکم دست ریزد کفها را پر کنند و بریزند
که بهتر است و سه مرتبه بریزند پس در ریختن خاک بگویند اللهم ایمانا بک وتصدیقا
بکتابک هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما
زادنا الا ایمانا وتسلیما و در حدیث دیگر مرویست که هر که چنین کند و این دعا بخواند
خویشان م — خدا بعد د هر ذره از خاک حسنه از برای او بنویسند و مکروهست که میت خاک بر قبر بریزند که موجب
قساوت قلب است و دوری از رحمت الهی و از غیر خاک قبر بر میت نریزند که بالاست بر میت
احکام بعد از دفن — احکام بعد از دفن سنت است که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند و قبر را چهار گوشه کنند و دو شر
پهن کنند و خرپشته نکنند و رو بقبله بایستد و آب بر قبر بریزند و ابتدا از پیش سر کنند و بر یک جانب
قبر بریزند تا پیش سر و باز را در میان قبر بریزد و آب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود و مرویست که تا
تری در قبر هست میت را عذاب نمیکنند و مستحب است که بعد از آب ریختن دست بر قبر گذارند در حالتی
که رو بقبله باشند و انگشتان ایشان گشاده باشد و قوت کنند تا اثر انگشتان در قبر بماند و هفت
مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوانند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که مذکور شد ضمیرها را مونث
بیاورد چنانچه ببر حرف نوشته است پس ولی میت یعنی خویشان نزدیک او بعد از آنکه مردم برگردند
نزد سر میت بنشیند و با آواز بلند تلقین کند او را و اگر دیگری را نایب کند نیز مجزیست و مرویست که
چون تلقین آخر را بگوید منکر و نکیر میگویند بیا برویم که تلقین حجتش کردند احتیاج بپرسیدن او نیست

پس بر میگردند و سؤال نمیکنند **باب هفتم** در بیان آنچه نهی شده و آنچه سنت است از برای میت
حقوق والدین و زوج و زوجه و نهی از اعمال بد و کفاره و در این باب چهار فصل است **فصل اول**
در بیان حقوق میت بر خویشان اقرب خود و بر مؤمنان و در این فصل دو مطلب است **مطلب اول** در
بیان آنچه نهی شده و آنچه سنت است از برای میت بدانکه مکروهست عمارت بر سر قبر ساختن و بسیار
بلند و کج مالیدن مگر قبور انبیا و ائمه صلوات الله علیهم و بعضی گفته اند که قبور علما و صلحا نیز این
حکم دارد و مکروهست تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن و مرویست که حق تعالی دوست میدارد
دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده را و مکروهست که در حال اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن
و میت از بلدی که در آنجا مرده است بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مقدسه مشرفه ائمه ع و بعضی
استثنا کرده اند نقل کردن بمقبرهٔ علما و صلحا و شهدا و مکروهست بر روی قبر نشستن و راه رفتن
مگر بواسطهٔ زیارت قبور و جایز نیست شکافتن قبور مگر در چند وقت یکی آنکه در قبرها چیزی قیمتی افتاده
باشد یا در زمین غصبی یا در کفن و آب غصبی غسل داده باشند و جایز نیست گریبان چاک کردن برای غیر پدر
و برادر و برای ایشان جایزاست و جایز نیست خراشیدن رو و کندن و بریدن مو و طپانچه بر رو و زانو زدن
و غیر اینها یا زنی که موی سر خود را بکند یا ببرد یا رو بخراشد که خون بر آید یا مردی در مرگ فرزند و یا زن خود جامه
چاک کند واجبست که کفاره بدهند چنانچه ذکر خواهد شد انشاء الله تعالی و اما لازمست اصحاب
مصیبت را که صبر کنند بلکه بقضای الهی راضی باشند که حق تعالی صابرانرا دوست میدارد و اجر بیحساب کرامت
میفرماید و بسیار بگوید اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ تا گناهان گذشته او آمرزیده شود و ایضا
بسند معتبر مرویست که هر که مصیبتی بخاطر آورد اگرچه بعد از زمانی باشد بگوید اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیْهِ
راجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِینَ اَللّٰهُمَّ اْجُرْنی عَلی مُصِیبَتی وَاَخْلِفْ عَلَیَّ
اَفْضَلَ مِنْها ثواب همان مصیبت را بار دیگر باو داده شود و سنت است که دیگران تعزیه ایشان
بکنند و بصبر و شکیبائی امر کنند و منقولست از حضرت رسول که هر که صبر نماید در اندوهها در روز
محشر که همه کس برهنه اند حق تعالی او را حله نیکو از حلهای بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و مستحبست

که صاحب تعزیه تغییر وضع خود کنند تا او را بشناسند و جایزاست ندبه و گریه کردن که نیکیهای میت را بشمارد
و نوحه کردن بحق جایزاست که دروغ نگوید و چیزهای بد را از برای میت اظهار نکنند و مستحبست که تا سه روز
همسایگان برای صاحب تعزیه طعام بفرستند و زیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن که چهار ماه و ده روز
از برای شوهر ماتم میگیرد بآنکه جامه های رنگین بپوشد و زینت نکند **بیان زیارت قبور** سنت مؤکد است
زیارت قبر مؤمنان خصوصا خویشان و چون داخل قبرستان شود بگوید اَلسَّلامُ عَلی اَهْلِ
الدِّیارِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُسْلِمِینَ اَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ وَنَحْنُ اِنْ شاءَ اللّٰهُ بِکُمْ لاحِقُونَ
و در احادیث بسیار وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود دست بر قبر گذارد و رو بقبله
سورهٔ قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی هر یک سه مرتبه بخواند و سورهٔ انا
انزلناه را هفت مرتبه از ترس بزرگ قیامت ایمن گردد و حق تعالی او را و صاحب قبر را بیامرزد و
سنت است که این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ جافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَصاعِدْ اِلَیْکَ اَرْواحَهُمْ
وَلَقِّهِمْ مِنْکَ رِضْواناً وَاَسْکِنْ اِلَیْهِمْ مِنْ رَحْمَتِکَ ما تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ
وَتُونِسُ بِهِ وَحْشَتَهُمْ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و ایضا از رسول خدا مرویست که هر که
در قبرستان بگذرد و سورهٔ قل هو الله احد یازده مرتبه آیة الکرسی بخواند و ثوابش را هدیه کند اهل قبور را
حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح گویند برای او تا روز قیامت و در حضر روز پنجشنبه و جمعه زیارت
اهل قبور مستحبست و در احادیث معتبره وارد شده است بر هر که مصیبتی وارد شود مصیبت رسول خدا
و اهل بیت ص را بیاد آورد که صعب ترین مصیبتهاست و هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود
زند ثوابش حبط میشود و نباید که شیون و فریاد کند و واویلاه بگوید و در حدیث معتبر مرویست که
هر که یک فرزند از او برود و صبر کند بهتر است از برای او تا آنکه هفتاد فرزندی باشد که همه سوار شوند و در
راه خدا جهاد کنند **مطلب دویم** در بیان اعمال خیر از برای میت بسند معتبر مرویست و باید که
مردگانرا فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده از جانب خویشان و فرزندان و
برادران مؤمن امید دارند و احسان ایشان را چشم براه اند خصوصا در دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازها

فریضه و مشاهده مشرفه و با در دوازده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان بعمل آورد که در ضرب است
که بسیار فرزند که در حالت حیات پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار کردند بسبب عملهای
خیر که از برای ایشان بعمل آورد و بسیار فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار بوده باشد و بعد از ایشان عاق
کردد بسبب انکه اعمال خیر برای ایشان کم بعمل آورده و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آنست
که قرض ایشان را ادا کنند و ایشان را از حقوق حق تعالی و خلق بری کردانند و حج و سایر عبادات که از ایشان فوت
شده باشد سعی کنند با ستیجار یا تبرع بعمل آورد خصوصاً نماز و روزه که بر پسر بزرکتر واجبست که بعد از
فوت پدر نماز و روزه که از او فوت شده قضا کند بدو شرط اول انکه میت را پسر بزرکتر از او نباشد
که اکر بزرکتر باشد بر پسر کوچک واجب نیست اما اکر میت دو پسر داشته باشد یا زیاده که همه در سن
برابر باشند واجبست که نماز و روزه پدر را بالسویه قضا کنند و در حدیث صحیح منقول است که حضرت
صادق ع در هر شب برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند و در
رکعت اول بعد از حمد انا انزلناه و در رکعت دوم بعد از حمد انا اعطیناک میخواندند و ایضاً
از انحضرت منقول است که بسیار باشد که میت در تنکی و شدتی بوده باشد و حق تعالی بر او وسعت
دهد تنکی را از او باز دارد پس با و کویند که این فرجی که ترا روداد بسبب نماز است که فلان برادر مومن
برای تو کرد پس او را کویند که دو میت را در دو رکعت شریک میتوان کرد انحضرت فرمود که میت شاد
میشود و فرج مییابد بدعا و استغفاری که برای او میکنند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه که برای او برند
و فرمود بر میت داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و سایر عملهای خیر و دعا و ثواب آن
اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته میشود و ایضاً در روایتی دیکر وارد شده است که هرکاه
شخصی بنیت میتی تصدق کند حق تعالی جبرئیل را امر میکند با هفتاد هزار ملک نزد قبر او میروند و هر یک
طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک با و میکویند السلام علیک ای دوست خدا این
هدیه فلان مومن است برای تو پس قبر او روشن میشود و حق تعالی هزار شهر در بهشت با و کرامت
میفرماید و هزار حور با و تزویج مینماید و هزار حله با و میپوشد و هزار حاجت او را روا میکرداند و در حدیث

چون ... بجهت آمرزش والدین بعد از هر نماز خصوصاً نماز ... بکوید رَبِّ ... یا عَلِیمُ یا قَدِیرُ اِغْفِرْ لِی وَلِوَالِدَیَّ اِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

معتبر منقولست که شش چیز بمومن میرسد بعد از وفات اول فرزندی که بجهت او استغفار کند دوم
مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او بماند و مردم او را بخوانند سیوم درختی که بنشاند و مردم از او
منتفع شوند چهارم آبی جاری سازد پنجم چاهی که حفر نماید و خلق خدا منتفع کردند ششم سنتی که مردم آن
عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا تصنیف کتابی نماید و مانند آن فصل دوم در بیان حقوق والدین
و زوج و زوجه و غیره و در این فصل چهار مطلب است اول در بیان حقوق والدین بسیار است قدری از آن
ذکر میشود انشاء الله وَقَضَى رَبُّكَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا اِلَّا اِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا
حضرت صمدیت عز و شانه میفرماید که خداوند پروردکاری بر شما باد که نباید که غیر جناب
کبریا را بندکی بکنید و در حق مادر و پدر نیکو باشید قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ يَقُولُ اَلْوَالِدُ
وَلَسْتَ اَبْوَابَ الْجَنَّةِ فَاِنْ شِئْتَ فَحَافِظْ عَلَى الْبَابِ اَوْ ضَيِّعْ ابو درداء کفت
از رسول خدا شنیدم که فرمود رضای پدر و مادر بزرکترین درهای بهشت است اکر بهشت میخواهی در
این محافظت نمای اکر نخواهی آنرا فرو کذار قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَلْجَنَّةُ يُوجَدُ
رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ وَلَا يُوجَدُ رِيحُهَا عَاقٌّ وَلَا قَاطِعُ رَحِمٍ
فرمود رسول خدا که از رحمت خدا تعالی دور باشد در قیامت و بپانصد سال راه از بهشت انکه
عاق والدین باشد در اخبار آمده وَفِي الْخَبَرِ اَنَّ اللّٰهَ تَعَالَى اِلَى مُوسَى مُدَبِّرٌ وَالِدَهُ وَ
عُقُوقٌ كُتِبَتْ بَاتِرًا وَمَنْ رَبِّي وَعَقَّ وَالِدَيْهِ كُتِبَتْهُ عَاقًّا حق جل و علا میفرماید بموسی
که یا موسی هرکه با دای حقوق بندکی بجا آورد و در حقوق مادر و پدر تقصیر کند ما او را از بدکاران
نویسیم پس علما کفته اند احتساب بر پنج مرتبه است اول تعریف دوم مرتبه نصیحت سیوم منع بر
چهارم عنف و سب پنجم ضرب و فرزند از دو مرتبه که تعریف و نصیحت است بوعظ و بر پدر و مادر
احتساب جایز نیست در مرتبه چهارم و پنجم که دشنام و زدن آن روا نیست و مرتبه سیوم آن منع است
بفعل که علما را نظر است اکرچه فرزند را فعلی صادر شود که سبب زبرای او کرده چنانچه عود و رباب
و چنک و طنبور و الات مناهی ایشان بشکند یا خمر ایشان را بریزد یا جامه حرام زن ایشان بکند

ذکر حقوق والدین

و بخداوند دهند یا مال غصب از خانه ایشان بیرون آرد و بستیج برسانند اگر ایشان بدین افعال خشمگین
اصح آنست که فرزند بدین افعال عاق نشود و خشم ایشان را اعتبار ننماید زیرا که وجوب در حقوق
فرمان صمدیت بر حقوق ایشان مقدم است چنانکه حق تعالی در قرآن میفرماید که یَا أَیُّهَا الَّذِینَ
آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى
الْإِيمَانِ یعنی ای آنکسانی که ایمان آورده اید مگیرید پدران و برادران خود را چون باطل را بر حق اختیار
کنند خدای سبحانه و تعالی کردن بر تابند اما والدین چون مطیع فرمان حق باشند مخالفت شرع روا
ندارند پس طلب رضای ایشان افضل طاعت چنانچه رسول خدا فرموده است که بِرُّ الْوَالِدَيْنِ
أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَوةِ وَالصَّوْمِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ وَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللهِ یعنی نیکوئی
با مادر و پدر فاضلتر است از نماز و روزه و حج و عمره و جهاد در راه حق تعالی و چون والدین در تربیت وجود
فرزندان اول مصدرند که وجود حقیقی فرزندان بمصدر تعالی منسوب صادر میگردد لاجرم حضرت صمدیت
عزت طاعت خود کردانید و قرین طاعت خود ساخته بعد از آن ادای شکر نعمت آن احدیت شکر ایشان را بر فرزندان
واجب کردانید مطلب دویم در بیان ادای نکاح و حقوق زوجه بر زوج و حقوق زوج بر زوجه قال الله
تعالی لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا بِالْبَيِّنَاتِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً یعنی هر که
زن خواهد برای خدای تعالی تا دین خود را در حصار آورد و نفس خود را از ارتکاب حرام محفوظ دارد و قال
رسول الله مَنْ نَكَحَ لِلهِ وَأَنْكَحَ لِلهِ اسْتَحَقَّ وِلَايَةَ اللهِ آنحضرت فرمود که آنکس مستحق قرب و
دوستی صمدیت گردد وَقَالَ رَسُولُ اللهِ مَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي وَالنِّكَاحُ
سُنَّتِي وَمَنْ أَحَبَّنِي فَلْيَسْتَنَّ بِسُنَّتِي آنحضرت فرمود که هر که از سنت من روی برتابد
او از من نیست و نکاح سنت من است هر که مرا دوست میدارد در سنت من ثابت باشد و رسول خدا
باز فرموده است حدیثی که هرگاه کسی را بر دین و امانت شما اعتماد بود نزد شما و طلب نکاح کنید و را یعنی
اگر کسی درویش بود و از درویشی او ننگ مدارید و تقوی و امانت او را غنیمت شمرید اگر نکنید فتنه در
زمین انگیخته باشید و فساد بزرگ کرده باشید و چون امر نکاح از محاسن امور دین و مصارف جند شیاطین

و ابقای وجود انام و تکثیر سواد اسلام است اما جمیع مسلمانان اهل اسلام معرفت شرایط و حقوق و احکام
مقاصد و آداب واجبست انچه طالب حور را غایت حقوق نکاح دانستن و عمل کردن بر آن جانب نیت
هفت شرط است اول معاشرت دویم سیاست سیوم غیرت چهارم نفقه پنجم تعلیم ششم قسمت هفتم
تادیب شرط اول معاشرت قال الله تعالی عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ حق جل و علا میفرماید
با زنان زندگانی کنید بنیکی و خلق خوش اما آخرین وصیتی که رسول خدا فرمود در حالت وفات
این بود که الصَّلَوةَ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَتَقْوَى اللهِ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّهُنَّ عَوَانٍ
فِي أَيْدِيكُمْ یعنی بر شما باد که نماز بپای دارید بر بندگان شفقت کنید و از خدای تعالی بترسید حقوق زنان
رعایت کنید که ایشان اسیرانند در دستهای شما پس از حقوق معاشرت اهل بر مردی آنست که اهل
خود بخشونت قول و فعل ایذا نرساند بلکه بدخوئی و سبکی و افعال ناقصه ایشان را بقوت حلم و صبر تحمل
کنند و ترش روی نباشد شرط دویم سیاست مومن غیور باید که در احتمال حسن خلق متابعت ایشان را بکنار
کشد هرگاه که چیزی نامشروع از ایشان بیند در زجر و تهدید و آداب تقصیر ندارد و ایشان را بقوت سیاست
و صولت حمیت مقهور و زیردست خود گرداند و تا مول ایشان کرداند خاصه بر امور بی بشاورت ایشان
کار نکنید و بر قول ایشان عمل نکنید قال الله تعالی شَاوِرُوهُنَّ وَخَالِفُوهُنَّ
فَإِنَّ خِلَافَهُنَّ الْبَرَكَةُ یعنی با ایشان مشورت کنید دلهای ایشان بدان شاد و خوش گردد
پس مخالفت رای ایشان کنید بسند معتبر مرویست از سید انبیا که هرگز نجات نیابند آن قوم که بر حکم
زنان کار کنند شرط سیوم غیرت حضرت رسالت پناه فرموده است بدرستی که حق تعالی غیرت میکند
بر مومن غیرت کند و غیرت حق جل و علا بر آنکس که فعل کند که او فعل بر او حرام گردانیده شده است و شرط
غیرت مومن آنست که دخول غیر محرم در حرم خود روا ندارد و از زیارت گورستان و مساجد و مجالس
معاودت که مردان و زنان در یک مجلس جمع شوند منع کنند و مع ذلک بدگمانی در حق ایشان از حد در نگذرانند
و در تجسس اخبار نهانی ایشان مبالغه نکند و عیبهای ایشان را نجوید حضرت خواجه عالم فرموده نصیحت ایشان را
راغب بحق گردانند چنانچه در گرفتاری آخرت در خلاصی نفس خود میکوشد در خلاصی ایشان کوشش نماید

از خطرها آن جهان کرد اند شرط چهارم نفقه است قال الله تعالی وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا
لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا یعنی اهل نجات و ارباب درجات کسانی اند که در نفقه حد اعتدال
رعایت کنند و چنان تنگ نگیرند که بجوع انجامد و چنانچه نکنند که به تبذیر بطر و طغیان کشد
و تحصیل نفقه و کسوه عیال از جمیع حرام و شبهات احتراز کند و هرچه زیاده بود بمستحقان و محتاجان
ایثار کند و اگر در تحصیل نفقه و کسوه در بعضی از شبهات مبتلا شود و از آن چاره نباشد حلال
خود را در وجه نفقه صرف کند و شبهه را در وجه کسوه نهد هرچه کوشش که از شبهات رسته شود
مستحق عذاب آتش شود شرط پنجم تعلیم است قال الله تعالی وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ
فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا
حق تعالی میفرماید که آن زنانی که بزرگ منشی میکنند شما اول ایشان را وعظ گوئید و اگر از آن فایده
نکند از ایشان دوری کنید و اگر از آن هم فایده نکند ایشان را زیادتی نکنید ذکر کرده روز
یا یکماه با زوجه خود بجهت مصلحت دینی سخن نگوید و او را مهجور کند روا باشد و مرویست از حضرت
سید کاینات و خلاصه موجودات محمد مصطفی و در خانه یکی از ازواج بودند و طعام آوردند آنحضرت
از آن طعام پیش عایشه فرستاد و عایشه آن را باز داد و آن زن گفت عایشه ترا اهانت کرد آنحضرت
در خشم شد فرمود که شما نزد خدای تعالی از آن خوارترید که مرا اهانت کنید پس یکماه با زنان مهجور کردید
و با هیچیک از ازواج سخن نگفت و این حق زوجه است بر زوج شسم و هفتم در بیان حق زوج بر زوجه
بسیار است و مرویست که تحمیل جهاد به چهار گروه است مخلوق بر خالق و مبتدع بر متشرع و ولد
بر والد و زوجه بر زوج چنانکه طاعت خالق بر بنده واجب است اطاعت زوج بر زوجه نیز واجب
قال رسول الله لو امرت احدا ان یسجد لاحد لامرت المراة ان تسجد لزوجها
عظم حقه علیها رسول خدا فرموده است که اگر بغیر از حق تعالی بر کسی سجده روا بود در امت من میفرمودم
که زن بر شوهر خود سجده کردی از بزرگی حق شوهر بر او و مرویست که شخصی بسفر رفت و زوجه خود را
امر کرد که تا آمدن او از بالاخانه بزیر فرود نیاید و پدر آن زن در زیر خانه بود و بیمار شد آن زن نزد

رسول خدا فرستاد و اجازت خواست که از بالاخانه بزیر آید آنحضرت فرمودند که فرمان شوهر خود را
بجا آور پس آن شخص فوت شد و دفن کردند آن زن از بالا فرود نیامد آنحضرت فرمودند بدرستی که امرزید
حق تعالی پدر او را از برکت اطاعت داشتن او زن شوهر خود را و بدانکه حقوق زوج بر زوجه ده است
اول انکه هرگاه زوج را رغبت او باشد بهر حاله که باشد منع مباشرت نکند مگر در وقت حیض دویم انکه
بی اذن شوهر از خانه او چیزی بکسی ندهد سیوم انکه روزه سنت بی اذن او ندارد چهارم انکه بی اجازت
شوهر از خانه بیرون ننهد پنجم غیبت شوهر خود پیش خویشان خود و غیر نکند ششم زیاده از قدر
خود حاجت از شوهر طلب نکند هفتم انکه بشب در شوهر خود با شاد باشد و اندوهناک هشتم انکه در شوهر
خود بسیار غیرت نبرد نهم انکه پیوسته خود را تازه دارد و وضعی که شوهر را اکراه باشد نکند دهم
انکه بر فرزندان او دعای بد نکند تا رستگار باشد از عذاب حق تعالی این حقوقها که ذکر کردیم اگر زوج و
زوجه و ولد بجا نیاورند هر سه در آتش جهنم باشند مطلب سیوم در بیان حقوق فرزند بر والدین مرویست
از جابر انصاری که شخصی نزد رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله بیع با که کنم آنحضرت فرمود که با پدر و
مادر گفت ندارم فرمودند با فرزند خود چنانکه مادر و پدر در حق تو کردند فرمودند که فرزند را از روز هفتم
عقیقه کنید چنانکه در ولادت فرزند مذکور شد و چون بشش سالگی برسد او را ادب کنید
چون هفت شود جای خواب او را جدا کنید و نماز تعلیم او کنید چون سیزده ساله شود علم و ادب
او را تعلیم نمایند چون شانزده ساله شود از برای او زن بخواهید پدر دست فرزند بگیرد و بگوید که ترا ادب
کردم و تعلیم دین خدا و رسول خدا کردم و ترا تزویج کردم پناه میگیرم بخدای تعالی از فتنه و عذاب
دنیا و آخرت و در نقل صحیح و اخبار فصیح آمده است از او کیا کبار رضی که روزی در خدمت رسول خدا
بودم که شخصی در آمد و سلام کرد و گفت یا رسول الله ضرده را اجر و ثواب چه باشد انکس که فرزند خود را
قرآن بیاموزد آنحضرت فرمودند که کلام پاک خدای تعالی است و ثواب آن را بجز حق تعالی کسی دیگر نداند و نتوان
بیان کردن آنحضرت در این سخن بود که جبرئیل از نزد رب جلیل در رسید و گفت یا رسول الله حق تعالی ترا سلام
سلام میرساند و میفرماید که هر که فرزند خود را قرآن بیاموزد چنان باشد که هزار حج کرده باشد و هزار عمره بجا

آورده باشد و ده هزار بنده آزاد کرده باشد از فرزندان اسماعیل و ده هزار بغز او کفار رقبه باشد
و هزار مسکین را اطعام داده باشد و هزار برهنه را پوشیده باشد و بنویسند بهر حرفی در دیوان
عمل او نیکی و از آنجا محو کنند بدی از او و گران کردانند میزان او را و بگذرانند او را از صراط چون
برق جهنده و هرگز از او جدا نشود تا به بهشت رسد ان شاء الله تعالی پس ای عزیز من فرزند امانت حق است
نزد مادر و پدر و مطالبه حقوق این امانت در رجوع قیامت خواهد بود و این امانت آئینه است
که صورت جمیع نقایص و کمالات را قابلیت و جوهر حقیقت است و او را هر چه میل دهند ترا و بار کرد
و اگر مادر و پدر و استاد و معلم او از اهل خیر و صلاح باشند آثار صلاحیت ایشان در او راسخ کردد
و از دیاد علم و تقوی نتیجه او شود و نیک بخت دو جهان کردد و در پدر و استاد و معلم در ثواب او
شریک باشند و اگر مادر و پدر و استاد و معلم فاجر و فاسق و جاهل و غافل باشند آثار رذیلهٔ ایشان در او
فرزند مستحکم کردد و مبادی شرارت نفس و ظلم و فتنه و عجب و کبر طبع او شود و بد بخت دو جهان شود و در
پدر و استاد و معلم در آن جهل با او شریک باشند مطلب چهارم در بیان اکرام و حقوق خادم و بنده
و زیردستان بدانکه همسایه را عزیز و مکرم باید داشت و نباید رنجانید زیرا که خواجهٔ کونین و فخر عالمین
محمد مصطفی ص فرمود که مَنْ أَكْرَمَ جَارَهُ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ آذَى جَارَهُ فَعَلَيْهِ
لَعْنَةُ اللهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ یعنی هر که بزرگ و گرامی دارد همسایهٔ خود را واجب
میشود او را بهشت و چنان باشد که گرامی داشته باشد همشاد پیغمبر را والله آنحضرت فرمودند مَنْ
آذَى جَارَهُ بِغَيْرِ حَقٍّ حَرَّمَ اللهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ یعنی هر که برنجاند
همسایه را بغیر حق حرام گرداند حق تعالی بر او بهشت را و جای او در آتش دوزخ باشد بیان در حقوق
کلینی و ابن بابویه و دیگران از امام موسی کاظم ع روایت کرده اند که چون حضرت امیر المؤمنین ع اراده
وصیت نمود جمیع فرزندان و اهل بیت را و سر کردهای شیعه خود را جمع کرد و حضرت امام
حسن ع را وصی و خلیفه خود گردانید و بعد از وصیت نامه فرمودند که من شنیدم از رسول خدا
که اصلاح کردن در میان مردم بهتر است از نماز و روزه و بدرستی که فساد کردن در میان

حقوق همسایه

مردم دین از ایل میکرداند و هلاک کننده خلق است وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
و نظر کنید خویشان خود را و احسان کنید نسبت بایشان خو که حق تعالی قرابت را بر شما آسان
کردانند و حق تعالی را بیاد آورید در باب یتیمان که ایشان گرسنگی نیفتند و ضایع نکردند در حضور شما
بدرستی که شنیدم از رسول خدا ص که هر که یتیمی را در عیال خود داخل کرداند تا مستغنی شود حق تعالی
بهشت را بر او واجب کرداند چنانچه خورنده مال یتیم را جهنم واجب کردانیده است و خدا را بیاد
آورید در حق همسایگان خود بدرستی که رسول خدا ص آنقدر در باب ایشان را وصیت کرد که گمان
کردم که میراثی از برای ایشان مقرر خواهد فرمود و خدا را بیاد آورید در باب خانه پروردگار خود که
هرگز از شما خالی نباشد تا هستید زیرا که اگر ترک کنند مهلت نخواهید یافت و بزودی عذاب خدا
بر شما نازل خواهد شد و کمتر ثوابی که میدهند حاجیان بیت الله الحرام را آنست که گناهان گذشته
ایشان را می آمرزد و خدا را بیاد آورید در باب زکاة که آن بهترین عملهاست و ستون دین شماست و خدا را
بیاد آورید در باب فقرا و مساکین و ایشان را شریک کردانید با خود در معاش خود و خدا را بیاد آورید
در باب جهاد کردن در راه خدا با مالهای خود و زبانهای خود و بدانید که جهاد نمیتوانند کرد در راه خدا مگر دو
مرد یکی آنکه امامی که پیشوای راه هدایت باشد یا کسی که اطاعت کننده آن امام باشد و بهدایت او
هدایت یافته باشد و خدا را بیاد آورید در باب ذریهٔ پیغمبر شما که ستم بر ایشان نکنند در حضور شما
و حال آنکه قادر باشید که دفع ظلم از ایشان بکنید و از خدا بترسید در باب اصحاب پیغمبر خود و
رعایت نمائید آنها را که بدعتی در دین خدا نکرده اند و صاحب بدعتی را پناه نداده اند بدرستی که رسول
خدا ص فرمود و وصیت نمود در حق این گروه از صحابهٔ خود و غیر صحابه و لعنت کرد کسی را که در دین
بدعتی کند و کسی که صاحب بدعتی را پناه دهد و یاری کند و از خدا بترسید در باب زنان و کنیزان و غلامان شما
پس مرتبه فرمود که نماز را رعایت کنید در راه خدا و مترسید از ملامت کنندگان که حق تعالی کفایت
کند از شما شر هر که اینچنین باشد نسبت بشما و ستم کند بر شما و با مردم سخن نیک بگوئید چنانچه حق تعالی شما را
با و امر نموده است و ترک مکنید امر به نیکیها و نهی از بدیها را که اگر ترک کنید حق تعالی بدان شما را بر

والی سیکرداند و چون دعا کنید دعای شما مستجاب نخواهد شد از عذاب الهی بپرهیزید که عذاب حق تعالی
شدید است و مرویست که شخصی نزد رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله چند مرتبه عفو کنیم از
بندگان آنحضرت فرمود که در روزی هفتاد مرتبه ایشانرا عفو کنید فرمود که بنده را با خواجه
شش حق است اول انکه در خوردن و پوشیدن او را با خود برابر دارد دویم انکه او را زیاده از قدر
طاقت کار نفرماید سیوم انکه آنچه از خدا احکام شرع بر وی واجبست او را تعلیم کند چهارم انکه چون در
روز خدمت خود بجای آورده باشد شب آنرا دیگر کار نفرماید پنجم انکه بنظر حقارت او را نبیند ششم
انکه در وقت ادای فرایض او را کار نفرماید که بسبب آن کار فریضه او قضا شود فصل سیوم در بیان
نهی از اعمال روایت شده است بسند که متصلست بشیخ صدوق ثقة الاسلام محمد بن بابویه
وغیر او از امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق ع از امیر المومنین علی بن ابی طالب که فرمود انکه نهی کرده است
رسول خدا از خوردن چیزی در حال جنابت بواسطه انکه موجب فقر است و در ویشی می آورد و نهی کرده است
از گرفتن ناخن بدندان و فرموده اند که دایند مسجدها را راه خود مگر انکه بگذارید در آن دو رکعت نماز
و نهی کرده است از انکه بول کنند در زیر درختان میوه دار یا بر میان جادها راه که محل عبور مردم است
یا در میان آب و نهی کرده است از انکه بول کند شخصی و عورت او پیدا باشد بجانب قرص آفتاب یا ماه
فرموده است که هرگاه داخل طهارتخانه شوید باید که از جهت قبله بیکجانب بگردید چنان مکنید که رو یا
پشت بقبله باشید و نهی کرده است از انکه داخل شود شخصی در سوم برادر مومن خود برانوجه که اراده نماید
خریدن چیزی را که دیگری در مقام خریدن آن در آمده است یا فروختن چیزی بمشتری که قرار خریدن آنچیز
از شخص دیگر داده است و نهی کرده است از سخن کردن بسیار در هنگام مجامعت کردن که باعث گنگی فرزند
میشود و نهی کرده است از انکه زنی غیر شوهر خود یا کسیکه نامحرم او باشد سخن کند زیاده از پنج کلمه
نا چار باشد او را تکلم با آن و نهی کرد از خوردن و آشامیدن در ظرف طلا و نقره و نهی کرده است
مردانرا از پوشیدن حریر و دیبا و کج و اما زنان را مرخص است در پوشیدن آنها فرموده است
در رسول خدا لعنت کرده است از جهة خود دور داشته است حضرت عزت شراب خوار و کسی

که شراب را می افشرد و کسی را که درخت انگور بقصد شراب میکارد و کسیرا که بهای او را صرف معیشت خود
مینماید و بردارنده او را و کسی که بجهت او میدارند قبول نمیشود از او تا چهل روز و اگر بمیرد در شکم او
چیزی از شراب باشد بر حق تعالی لازم میشود که بخوراند به او از درد و ریم شراب دوزخ را که عبارت از ریم
دوزخیان باشد و آنچه از زنان زانیه برمی آید و جمع مینمایند آنرا در دیگهای دوزخ که چون اهل دوزخ
تشنه شوند آنرا بجای آب بیاشامند و گداخته شود بسبب آن جمیع آنچه در شکمهای ایشانست و پوستهای
بدن ایشان و نهی کرده است از دویدن روی چهارپایان و نهی کرده است از انکه بگوید شخصی بشخصی که لا
وحیوتک و حیات فلان یعنی قسم خورد بر نفی چیزی بر این وجه که بگوید که چنین نیست بزندگی تو یا بزندگی
فلان و نهی کرده است از سخن کردن در روز ادینه وقتی که خطبه بخوانند و خطیب قیام داشته باشد
و نهی کرده است از انکه مزدور را کار فرمایند تا بداند که مزدوری چند است یعنی اول قرار مزد او
باید داد و بعد از آن باید کار فرمود و نهی کرده است از انکه تکبر نماید در رفتار خود بطریق ارباب
تجبر براه روند رسول خدا فرموده است که کسی که کار بدی او را پیش آید که از جانب شرع تجویز او
نشده باشد مثل شهوتی دست دهد آنرا بواسطه ترس حق تعالی از آن اجتناب نماید حرام میکرداند خدا
بر او آتش دوزخ را و ایمن میسازد آنرا از فزع اکبر که عبارت از روز عرض اعمال یا وقت انقطاع
اجالست و وفا میکند باو آنچه وعده کرده است در کتاب خود که وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ
جَنَّتَانِ یعنی از برای کسی که بترسد از موقف پروردگار که بندگان آنجا برابر او میدارند
یا ایستادن نزدیک پروردگار خود تا کردار خود را بعرض رساند علی اختلاف التفسیرین دو
بهشت آماده است بهشت نعیم که یکی را بسبب ایشان عطا نماید در دست مستحق میشود و دیگر را
بسبب قیام باعمال صالحه و کردار نیک و دیگر را بسبب اجتناب مناهی و ترک معصیتها یا داد در بدل
عملها و میدهند و دیگر را بمحض تفضل و موهبت یا یکی بجهت التذاذ روح او میدهند و دیگر را
بواسطه آسایش جسم که عبارت از جنت روحانی باشد علی اختلاف التفاسیر و کسیکه پر کند چشمهای
خود را از حرام و بر چیزی که دیدن او آنرا روا نیست نظر کار د پر میکند حق تعالی در روز قیامت چشم او را

از آتش مگر آنکه توبه کند و از آن رجوع نماید و نهی کرده است از غیبت و فرموده است که کسی که غیبت
کند مسلمانی را هر آینه باطل میشود روزهٔ او و وضوی او و میشکند آنرا و در می‌آید بعرصهٔ قیامت با بوی
دهان زشت‌تر از تن مرده که گندیده که اهل عرصات از آن نهایت ایذا داشته باشند و فرموده است
رسول خدا صلعم که کسی که پر شود چشمهای او از اشک از ترس حق تعالی هر آینه بوده باشد آنرا بهر قطره که
از اشک او حاصل شود قصری در بهشت مرصع بجواهر که چشم هیچ بنده مثل او ندیده باشد و گوش
هیچ شنونده نشنیده باشد و ادراک هیچ بشری بآن نبرده باشد و فرموده است رسول خدا
که حقیر مدارید شر را اگرچه در چشم شما خرد و کم نماید و بسیار مدانید خیر را اگرچه در چشم شما بسیار
نماید و فرموده است رسول خدا صلعم که نیست کبیره با استغفار و نیست صغیره با اصرار یعنی هر کبیره که بعد از
ارتکاب او توبه و استغفار نمایند مغفور و آمرزیده است و هر صغیره که بر او اصرار نمایند و مکرر بعمل آورند
کبیره میشود دویم روایت شده است بسندی که متصل است بشیخ بزرگوار محمد بن یعقوب کلینی
از جمع از اصحاب از امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق ع که فرمودند که آمد مرد دولتمندی بنزد رسول خدا
که رخت پاکیزه پوشیده بود و نزد آنحضرت نشست پس مرد مفلسی که رخت او چرکین بود آمد و در پهلوی
او قرار گرفت چون مرد دولتمند چنان مطلع شد رخت خود را جمع کرد بزیر رانهای خود در آورد که بر رخت
او نخورد رسول خدا از روی رحمت با او خطاب کرده فرمودند ترسیدی که چیزی از فقر و پریشانی او دامن گیر
تو شود گفت نه فرمودند ترسیدی که از غنا و ثروت تو چیزی با او عاید گردد گفت نه فرمودند ترسیدی
که رخت تو چرکین شود گفت نه فرمودند پس چه چیز ترا براین داشت که خاطر او را آزرده کردی گفت ای
رسول خدا بدرستی که مرا همراهی است که در نظر من هر قبیحی را زینت میدهد و خوب وا مینماید و
هر خوبی را قبیح میسازد و بد وا مینماید و من بیزارم از این قباحتی که باغوای او از من سرزده نصف مال خود را
باو دادم پس رسول خدا بمرد مفلس فرمودند قبول میکنی آنچه بتو میدهد گفت نه مرد دولتمند گفت چرا
گفت میترسم که آنچه در نفس تو در آمده است که باعث اقدام این عمل شد در نفس من در آید سیوم
روایت شده است بسندی که اتصال دارد بشیخ بزرگوار محمد بن یعقوب کلینی از جمع از اصحاب از امام

رضا و امام موسی کاظم و امام محمد باقر و امام زین العابدین علیهم السلام که آنحضرت فرمود آن شبی که رسول خدا
بجانب آسمان عروج فرمود چون بموقف مکالمه پروردگار جل برهانه رسید گفت ای پروردگار من
چیست حال مؤمن نزد تو و قدر و منزلهٔ او پیش تو تا بچه مرتبه است از جانب حضرت خطاب در رسید
که ای محمد صلعم کسی که خوار سازد بدرستی که مثل آنست که بیرون آمده باشد برمن بقصد جنگ و شتاب من
در یاری دادن دوستان خود را از همه کس بیشتر است و تردد نکرده‌ام هرگز در چیزی که من فاعل
او باشم [illegible] تردد در که در وقت وفات مؤمن مرا دست میدهد زیرا که او از ناخوشی میداند
مردن و مرا ناخوش می‌آید از ناخوش آمدن او بدرستی که از بندگان بنده هست که صلاح حال
او نیست مگر در توانگری اگر بگردانیم آنرا از آنحال او درویش سازم هرآینه هلاک میشود و بدرستی که از
بندگان من بنده هست که صلاح حال او نیست مگر در درویشی اگر بگردانیم آنرا از آن و توانگر سازم
آنرا از آن و توانگر سازم آنرا هرآینه هلاک میشود و نزدیک نمیشود بنده من بسبب چیزی که دوستر دارم
از چیزهای که واجب گردانیده‌ام براو اقدام بآنرا یعنی اقدام بواجبات از همه چیز دوستر
میدارم و از همه چیز بیشتر باعث نزدیکی بمن میشود بدرستی که او باید که نزدیکی جوید بمن باعمال سنتی
نیز تا من دوستر دارم آنرا پس چون دوست داشتم او را هرآینه گوش او خواهد بود که باو
میشنوند و چشم او خواهم بود که باو می‌بیند و زبان او خواهم بود که بآن سخن میکند و دست
او خواهم بود که باو میگیرد چیزها را اگر دعا کند بمن اجابت میکنم دعای آنرا و اگر چیزی از من طلبد
باو میدهم فصل چهارم در بیان کفاره است بدانکه کفاره بر دو نوع است اول کفارهٔ احرام
حج و عمره است و آنها را در کتاب حج ذکر کرده‌اند دویم سایر کفاره است و آنها بسیار است بعضی
متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت و بعضی بترتیب و بعضی بتخییر و همه را
بایکدیگر بسبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادات ابدی و محصلان نجات عقوبات اخروی بیان مینماید
اول کفارهٔ افطار روزهٔ مبارک رمضان است و آن واجب است بخوردن و آشامیدن چیزی که خوردن
یا آشامیدن او متعارف و معتاد بوده باشد اتفاقا در غیر معتاد خلاف است و اشهر و اقوی وجوب

احکام کفارات

و جماع کردن در قبل زن اتفاقاً و در دبر زن علی الاقوی و باقی ماندن بر جنابت عمداً تا طلوع صبح
علی الاقوی و خوابیدن با جنابت بی نیت غسل تا صبح علی الاحوط و خوابیدن بعد از بیدار شدن یک مرتبه
یا زیاده تا صبح علی الاحوط و برسانیدن غبار غلیظ بر حلق بنا بر قول جمعی و تطلب منی کردن
و دست بازی کردن یا مکرر نظر کردن بزنی تا منی بیاید علی الاحوط و قی کردن عمداً بنا بر قول بعضی و حقنه
کردن و شیاف عمل کردن بنا بر قول بعضی و به دروغ نسبت بخدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السلم
بنا بر قول بعضی و سر فرو بردن عمداً در آب بنا بر قول بعضی هرگاه یکی ازین امور را بعمل آورد عمداً و مسئله
داند کفاره باید داد و در بعضی اجماعاً و در بعضی احتیاطاً و اگر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله
نداند در کفاره خلافست و احوط کفاره است و اگر افطار بحلال باشد کفاره یک بنده آزاد کردن است
یا دو ماه متوالی روزه گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن است و بعضی بترتیب قایل شده اند بعضی اگر قادر
باشد بر بنده آزاد کردن آن مقدم است والا دو ماه روزه و اگر ازین عاجز باشد شصت مسکین ...
قول اول اقوی است و ثانی احوط و اگر افطار بحرام کرده باشد مانند شرب و لحم خنزیر و ...
و زنا و لواط و بعضی از علما قایل شده اند که سه کفاره بر او واجب میشود و بعضی مانند افطار بحلال
میدانند و اول احوط است و دویم هرگاه در قضای واجب روزه رمضان بعد از زوال افطار کند
مشهور است که کفاره واجب و بعضی سنت میدانند و اشهر و اقوی آنست که کفاره طعام دادن ده مسکین است
و اگر عاجز شود سه روز روزه میگیرد و بعضی مخیر میان این دو میدانند و بعضی کفاره قسم و بعضی کفاره
ماه رمضان لازم میدانند سیوم کفاره ظهار است که کسی بزن خود بگوید انتِ علیّ کظهر اُمّی یعنی تو
بر من مانند پشت مادر منی یا خواهر یا سایر محارم علی الاشهر اگر این را بگوید در وقتی که زن حیض نباشد
و در آن طهر با او جماع نکرده باشد و در حضور دو عادل بگوید پس اگر خواهد که جماع کند باید کفاره بدهد
و اگر بدون کفاره جماع کند بر او دو کفاره است بنا بر مشهور کفاره یک بنده آزاد کردن است و اگر عاجز شود دو ماه
پی در پی روزه گرفتن و با عجز شصت مسکین را اطعام کردن است چهارم کفاره ایلا است یعنی قسم خوردن
که زوجه دائمه خود را چهار ماه یا زیاده وطی نکند و زن او را نزد حاکم برد و حاکم شرع حکم کند که او را

طلاق بگوید و یا اختیار وطی کند باید که کفاره بدهد و کفاره اش کفاره قسم است بدانکه قسم خوردن
باسماء مقدسه خدا بکردن فعلی که فعلش رجحان نداشته باشد یا نکردن فعلی که رجحان نداشته باشد و مخالفت
آن قسم نماید کفاره اش آنست که یک بنده آزاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده مسکین را طعام دهد
و اگر از هر سه عاجز شود سه روز پی در پی روزه بدارد پنجم کفاره مخالفت نذر است با آنکه نذر کند فعل
امری را که راجح باشد یا ترک امری را که مرجوح باشد و مخالفت نماید و کفاره اش بعضی گفته اند کفاره
قسم است و بعضی گفته اند مانند کفاره افطار شهر رمضان است ششم کفاره عهد است که با خدا
عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی را بعمل آورد یا ترک کند امر غیر راجح یا امر مرجوحی را و مخالفت
آن عهد نماید و در کفاره اش مانند کفاره نذر خلافست و احوط آنست که در نذر مذکور شد
هفتم قسم خوردن بعنوان بیزاری از خدا و ائمه هدی علیهم السلام است و در حرام بودن چنین
قسمی خلافی نیست ولیکن در وجوب کفاره بچنین قسمی خلافست بعضی گفته اند کفاره اش کفاره
ظهار است اول بنده آزاد کردن و با عجز آن دو ماه روزه داشتن و با عجز آن شصت مسکین را اطعام کردن
و اگر عاجز شود ده مسکین را طعام یا کسوه بدهد و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد و در حدیث
صحیح وارد شده است که صفار بخدمت حضرت امام حسن عسکری نوشت که مردی سوگند یاد کرده بیزاری از
خدا و رسول خدا و مخالفت کرد توبه و کفاره آن چیست آنحضرت فرمود که ده مسکین را طعام بدهد و هر یک
یک مد و طلب آمرزش از حق تعالی میکند هشتم بعضی از علما قایل شده اند که زنی در مصیبتی موی سر خود را
ببرد کفاره افطار ماه رمضان میدهد بعضی تراشیدن مو را الحاق کرده اند به بریدن در وجوب کفاره نهم
هرگاه زنی در مصیبتی موی خود را بکند یا روی خود را بخراشد یا مردی جامه خود را در مرگ فرزند خود یا زوجه خود پاره
کند کفاره قسم بر او لازم میشود دهم مردی که زن یا متعه یا کنیز خود را در ایام حیض جماع کند در قبل بعضی
کفاره واجب دانسته اند و بعضی سنت و مشهور میان علما آنست که اگر در اول حیض باشد یک اشرفی
تصدق کند و اگر در وسط باشد نیم اشرفی و اگر در آخر باشد ثلث اشرفی یازدهم کسی که بخواب رود و
نماز خفتن نکرده باشد تا نصف شب بگذرد بعضی گفته اند واجب است روزش را روزه بدارد

استحبابست دوازدهم کفارهٔ قتل عمد است که دانسته کسی را بکشد یا کاری که غالباً کشنده باشد
نسبت بکسی واقع سازد و او کشته شود که قصد کشتن نداشته باشد کفاره اش آنست که یک بنده
آزاد کند و دو ماه متوالی روزه بدارد و شصت مسکین را طعام دهد سیزدهم کفارهٔ قتل خطاست که کسی را
بنادانی بکشد بآنکه قصد قتل نداشته باشد و کاری کند که غالباً کشنده نباشد و او کشته شود مانند آنکه
طفلی را برای تادیب بزند و بمیرد یا تیری بسوی آهوی بیندازد و بشخصی خورد و کشته شود یا در راه بر کسی
بخورد و او بیفتد و بمیرد و اگر خود مباشر قتل او نشود و کاری کند که از او سبب قتل شود مثل آنکه
چاهی در راهی بکند و کسی در او بچاه افتد و بمیرد و یا سنگی بر سر راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود مشهور آنست
که کفاره لازم نمیشود هر چند دیت لازم شود و کفاره بنده آزاد کردنست و بعد از عاجز شدن از دو ماه
متوالی روزه داشتن است و بعد از عجز از آن شصت مسکین را دادنست چهاردهم اگر کسی زنی را در
عدهٔ دیگری تزویج کند میباید از آن مفارقت کند و بقول بعضی از علما پنج صاع آرد تصدق کند و احوط
آنست که اگر زن دیگری را عقد کند نیز این کفاره را بدهد پنج درهم تصدق کند پانزدهم کسی که مملوک
خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از علما گفته اند موافق بعضی از روایات که واجب است که
او مملوک را بکفارهٔ آن عمل آزاد کند و این احوط است و اگر آنرا بکشد عمداً کفارهٔ جمع میدهد و اگر خطا
بکشد کفارهٔ قتل خطا میدهد و واجبست که قیمت غلام را تصدق کند بنا بر مشهور شانزدهم کسی
که روزهٔ ماه رمضان را افطار کند بسبب پیری اگر تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد اشهر و اقوی آنست
که قضا ساقط میشود و برای هر روز یکمد یا دو مد طعام میدهد علی الخلاف و بعضی گفته اند که قضا میکند
و ابن جنید رحمه الله گفته است احتیاط آنست هر دو را میکند و اگر در مابین دو رمضان آزارش برطرف شود
و قادر باشد و بدون عذر تاخیر کند تا آنکه رمضان دیگر بیاید اشهر و اقوی آنست که بعد از ماه رمضان هم
قضا میکند و هم برای هر روز یکمد یا دو مد میدهد و بعضی کفاره را واجب ندانسته اند و بعضی گفته اند
کفاره در صورتیست که عزم بر قضا نداشته باشد و اگر عازم بر قضا باشد و بعد از تنگ شدن وقت
بیمار یا عذر دیگر عارض شود قضا باید کرد و کفاره نیست و قول اول اقویست هفدهم نوادر

کفاراتست از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کفارهٔ عمل سلطان قضای حوائج مومنانست و کفارهٔ غیبت آنست
که برای آن شخص که او را غیبت کرده است استغفار کند و کفارهٔ مجلس آنست که چون از مجلس برخیزد
بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و کفارهٔ خنده آنست که بگوید اللَّهُمَّ لَا تَمْقُتْنِي یعنی
خداوندا مرا دشمن مدار و بر من غضب مکن و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین منقول است
که هر کس بدیگری بگوید لَا أَبَا لَكَ وَلَا أُمَّ لَكَ یعنی ترا پدر مباد یا ترا مادر مباد باید که چیزی تصدق کند
و کسی که بگوید بحق پدرم یا بجان پدرم کفاره اش آنست که بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ و خلافست
درین نوع از قسم مثل بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام دانسته اند و اشهر کراهتست
و احوط ترکست واما احکام کفارات مذکوره در چند مطلب مذکور میشود اول هرگاه بنده باید
آزاد کرد در کفارهٔ قتل میباید آن بنده مؤمن باشد و در باقی کفارات خلافست و احوط رعایت ایمان است
و در کفارهٔ قتل احوط آنست که بالغ باشد و در غیر آن مرد و زن بالغ و نابالغ مجزیست و باید
که او بنده کور نباشد و زمینگیر نباشد و مولی جراحتی باو نرسانیده باشد که موجب عتق او باشد و بعضی
گفته که باید خصی و شل و کر نباشد و ولد الزنا نباشد و مشهور اجزاست و احوط ترکست و غلام
گریخته را مشهور آنست که آزاد میتوان کرد تا علم بمرگش بهم نرسیده و بعضی شرط کرده اند که ظن
حیات او باشد دویم در کفارهٔ مرتبه است تا از بنده آزاد کردن عاجز نشود بروزه منتقل نمیشود
و هر جا که روزهٔ دو ماه باشد میباید که متوالی بگیرد و توالی بیکماه و یکروز که متصل بآن باشد بعمل میآید یعنی
که اگر بعد از آن بدون عذر افطار کند نباید از سر بگیرد و با تفریق جایزست بیعذر حرامست
اول اظهرست و ثانی احوطست و اگر پیش از یکماه و یکروز بیعذر افطار کند از سر میگیرد و اگر بعذری
باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری و سفر ضروری بعد از زوال عذر بنا میگذارد و تمام میکند
و همچنین اگر مجبور شود در افطار روزی بنا بر اقوی و هر جا که کفارهٔ دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده
بنده باشد نصف در پی میگیرد علی الاقوی سیوم هر جا که اطعام لازم شود مشهور آنست که هر گدا را یک مد طعام

طعام بخوراند که سیر شوند و بهتر آنست که نان خورش با آن ضم کنند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته‌اند
چاشت و شام هر دو میباید مسکین بخوراند آنقدر که سیر شود و احوط اینست اگرچه اظهر آنست که بیکوقت
اکتفا توان نمود و اگر خواهد طعام را بمسکین میتواند داد و در مقدار او خلافست بعضی یکمد گفته‌اند و بعضی
دو مد و احوط دو مد است و بهتر آنست که با آن نیز نان خورش بدهند چنانچه بعضی واجب دانسته‌اند
و در طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط آنست که حصه اطفال را بولی شرعی ایشان
بدهد و اگر طعام خوراند ظاهر اصغیر و کبیر را با هم توان ضم کرد و اگر دو طفل را بجای یکی حساب
کند احوط است و در یک کفاره دو حصه را بیک مسکین نمیتوان داد مگر آنکه مستحق یافت نشود و احوط آنست
که تا ممکن باشد بغیر مؤمن ندهد و به پریشان ندهد که بسیار پریشان باشد که مسکین بر او صادق باشد
و مد چهار صاع است و صاع یکمن تبریز و چهارده مثقال و ربعی است بنابر مشهور و چون در احادیث اختلافی
در تحدید صاع و مد هست احوط آنست که بجای دو مد یکمن شاه تقریبا بدهد **چهارم** در جنسی که کسوه باید داد در
زن پیراهن و مقنعه با هم مجزیست و در مرد بعضی یکجامه مانند پیراهن اکتفا کرده‌اند و بعضی دو جامه
لازم میدانند و بهتر آنست که پیراهن و قبا و بالاپوش باشد و بهتر آنست که نو باشد و جامه طفل را
بهتر آنست که بحضرت ولی او بپوشند **پنجم** هرگاه از عتق رقبه عاجز شود و شروع کند در روزه و
بعد از آن قادر بر بنده شود آزاد کردن روزه او مجزیست و بهتر آنست که ترک کند روزه را و بنده
آزاد کند خصوصا هرگاه کمتر از یکماه و یکروز روزه داشته باشد و جمعی از اصحاب قایل شده‌اند که
هرگاه بر کسی دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز باشد از گرفتن او هشتده روز روزه بدارد
و اگر نتواند برابر هر روز یک مدی از طعام میدهد و اگر نتواند استغفار میکند و اشهر و اقوی آنست
که از هر کفاره که عاجز شود استغفار بدل او میشود مگر کفاره ظهار که بعضی گفته‌اند تا کفاره ندهد
وطی زن بر او حلال نمیشود هرچند عاجز باشد و اگر بعد از عجز و استغفار بر کفاره قدرت بهم رساند
احوط آنست که باز کفاره بعمل آورد و چون اکثر مردم جاهلند بر کفارات و احکام آنها و بر ایشان
لازم میشود و نمیدانند و مشغول الذمه میباشند قدری از احکام آنها در این رساله ذکر نموده

ایراد نمود والله الموفق و المعین **خاتمه در بیان ساعات استخاره و اختیارات شهور و اسبوع
و احکام خوفین و معرفت قمر در عقرب و ایرب و حاجات اول** در شناختن ساعات استخاره
از شیخ شهید قدس سره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم

یوم السبت — **یوم الاحد**

خوبست تا چاشت منع است تا ظهر خوبست — خوبست تا ظهر منع است تا عصر خوبست
تا عصر منع است تا وقت خواب — تا مغرب منع است تا وقت خواب

یوم الاثنین — **یوم الثلثاء**

خوبست تا طلوع آفتاب منع است — منع است تا چاشت خوبست تا ظهر منع است
تا چاشت خوبست تا ظهر منع است — تا عصر خوبست تا وقت خواب
یکساعت خوبست تا وقت خواب

یوم الاربعاء — **یوم الخمیس**

خوبست تا ظهر منع است تا عصر خوبست — خوبست تا طلوع آفتاب منع است تا ظهر خوبست
تا وقت خواب — تا وقت خواب

یوم الجمعه

خوبست در طلوع آفتاب منع است تا چاشت خوبست تا عصر منع است تا مغرب خوبست تا وقت خواب

طریق استخاره تسبیح منقولست از مصباح العلامه غفر الله عنه که حضرت صاحب الامر علیه السلم
منقول است که اول سوره حمد را ده مرتبه بخواند و ده مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و بعد از آن
این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُكَ لِعِلْمِكَ بِعاقِبَةِ الْاُمُورِ وَاَسْتَشیرُكَ
لِحُسْنِ ظَنّی بِكَ فِی الْمَاْمُولِ وَالْمَحْذُورِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كانَ الْاَمْرُ الْفُلانِیُّ
وَتُسَمّیهِ مِمّا قَدْ نيطَتْ بِالْبَرَكَةِ اَعْجازُهُ وَبَوادیهِ وَحُفَّتْ بِالْكَرامَةِ
اَیّامُهُ وَلَیالیهِ فَخِرْ لی اَللّٰهُمَّ خیرَةً تَرُدُّ شُمُوسَهُ ذَلُولاً وَتَقْعَصُ

آیامهٔ سروراً اللهم اما امر فأتمر وانما نهی فانتهی اللهم انی
استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة وبعد از آن اظهار حاجت خود کند و
قبضهٔ تسبیح بگیرد دو جفت جفت بشمارد اگر طاق آید خوبست و اگر جفت است بد است
دوئیم در بیان اختیارات شهور و اسبوع آنچه از احادیث معتبرهٔ اهل بیت رسالت معلوم میشود
از سعادت و نحوست ها و جهت آن بجهت ارتکاب اشغال و اعمال بر وجه اختصار مرقوم میگردد
تا آنکه جمعی از خلص شیعیان که در جمیع امور متابعت پیشوایان لازم میدانند این رساله رجوع نموده
محتاج باختیارات ساعات نجومیه که بحسب شرع مذموم است نباشند و علیه التوکل و هو حسبی
و نعم الوکیل اما در بیان ایام هست چنانکه سید جلیل علی بن طاوس و غیره از حضرت امام بحق ناطق
جعفر بن محمد الصادق ع روایت کرده اند که روز اول حضرت آدم ع در آن مخلوق گردیده و روز
مبارکیست از برای طلب حاج و رفتن بنزد پادشاهان و طلب علم و زن خواستن و سفر کردن و
خرید و فروخت و گرفتن چهارپایان و اگر شیء حیوانی گم شود تا هشت روز بدست مرآید و هر که
در این روز بیمار شود برود شفا یابد و فرزندی که درین روز متولد شود و فراخ روزی و با برکت باشد
و بروایت دیگر این روز شادی و سرورست و برای حوایج و مطالب نزد سلاطین و امرا بردد و سخن بگوید که بخشش
بر آورده میشود بتوفیق حق تعالی و هرچه در این روز گم شود برود در رسیده شود و برای همه کارها خوب است
خصوصاً زراعت کردن و درخت نشانیدن و عمارت بنا کردن و سفر کردن روز دوم که درین روز
حضرت حوا مخلوق شده است و شایسته است برای زن خواستن و خانه بنا کردن و نسخها و کتابها
نوشتن و حاجات طلب کردن و اختیار کارها نمودن و هر که در اول این روز بیمار شود بیماریش سبک
باشد بخلاف آخر روز و فرزندی که درین روز متولد شود نیکو تربیت یابد و بروایت دیگر شایسته است
برای بزرگی خصوصاً ... بخانه داخل شدن و بسفر رفتن و خرید و فروش و طلب حوایج روز
سیوم نحسیست و آدم و حوا را درین روز از بهشت بیرون کردند پس بهترین کارها ترک درین روز
که مشغول اصلاح امور خانه خود کردن تا ممکن باشد برای کاری بیرون نرود و بپرهیزید درین روز

از رفتن بنظر پادشاهان و خرید و فروش و دیگر کارها و هر بنده که درین روز بگریزد بدست آید و هر که درین
روز بیمار شود بمشقت افتد و فرزندی که متولد شود روزیش فراخ بود و عمرش دراز بود و در حدیث
سلمان وارد شده است که روز گرانیست و برای هیچ کار شایسته نیست و بروایت دیگر حضرت صادق ع
فرمود که بپرهیزید درین روز از جمیع اعمال و نزد پادشاهان مروید و حاجتی از کسی مطلبید و کابین
سفر مائید و تصدق بسیار کنید برای دفع نحوست آن هر که درین روز سفر کند بیم آن هست که دزدان
راه او را بزنند روز چهارم نیست برای ... کردن و شکار کردن در دریا و صحرا و زن خواستن
و عمارت بنا کردن و چهارپایان گرفتن و مکروه است در آن روز سفر کردن پس هر که سفر کند بیم آنست
که کشته شود و مالش ببرند یا بلائی از آنها عارض شود و درین روز هابیل متولد شده و فرزندی که درین
روز متولد شود شایسته و مبارک باشد تا زنده است و مردم آنرا دوست دارند و هر که درین روز
بگریزد یا فتنش دشوار باشد و پناه بجائی برد که او را بدست نتوان آورد و هر که درین روز بیمار شود زود بر
عافیت یابد روز پنجم روز نحسیست که در آن روز قابیل ملعون متولد شده و در همین روز برادر
خود را کشت پس هیچ کار اختیار مکن و از خانه بیرون مرو و بنزد پادشاهان و از شتر درندگان و آهن
حذر کن و هر که درین روز سوگند دروغ بخورد زود جزای خود را بیابد و هر که درین روز متولد شود
حالش نیکو باشد و در حدیث سلمان وارد شده که درین روز اختیار کاری مکن و بنزد پادشاهان مرو
روز ششم روزیست که شایسته است برای بر آوردن حاجات و زن خواستن و هر که سفر کند
درین روز در دریا یا صحرا برگردد بسوی اهلش با آنچه خواهد در دست دارد و نیک است برای خرید
چهارپایان و هر حیوانی که گم شود برود در رسیده شود و فرزندی که درین روز متولد شود نیکو تربیت
یابد و از آفتها سالم باشد و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که شایسته است برای شکار و
طلب معاش و هر حاجتی و در روایت سلمان وارد شده که خوابی که درین روز دیده شود بعد از دو یا
دو روز تعبیرش ظاهر شود روز هفتم برای همه کار شایسته است هر که درین روز ... و بکتابت
نماید بسیار بکار رسند و هر که ابتدا کند درین روز بعمارتی ... نیکو باشد و برطلب که

در این روز متولد شود تربیتش نیکو باشد و روزیش فراخ باشد و در حدیث دیگر چنان است که شایسته است
برای شکار و طلب روزی و درخت نشاندن و زراعت کردن و تخم افکندن و نزد پادشاهان رفتن و سفر کردن
روز هشتم شایسته است برای هر حاجتی از خریدن و فروختن و شکار کردن هر که در این روز نزد پادشاهان
رود حاجتش برآورده شود و مکروه است در این روز بدریا نشستن و سفر خشکی کردن و بجنگ رفتن و
هر طفل که متولد شود ولادتش شایسته باشد و هر که بگریزد بر او ظفر نتوان یافت مگر بتعب بسیار
و هر که راه گم کند در این روز راه یابد مگر بمشقت و هر که در این روز بیمار شود تعب بسیار کشد و در
روایت دیگر آنکه شایسته است این روز برای هر کاری مگر سفر کردن و هر که بیمار شود بزودی عافیت یابد
و سلمان رضی الله عنه فرمود که برای هر کاری شایسته است **روز نهم** روز مبارکیست و از اول تا آخر
روز مبارک است و نیکست برای هر امری که اراده نمائی پس ابتدای کارها در این روز بکن و قرض کن
و زراعت کن و درخت بکار و هر که در این روز با دشمن جنگ کند غالب آید و هر که سفر کند از آنجا
روزی شود و خیر بیند و هر که درین روز از دشمن بگریزد نجات یابد و هر که بیمار شود بیماریش سنگین
شود و هر که گم شود بزودی شود و هر فرزندی که متولد شود شایسته باشد و در همه حال توفیق یابد و در روایت
دیگر آن فرزند فراخ روزی باشد و بروایت سلمان خوابی که درین روز دیده شود اثرش در آخر روز
ظاهر شود **روز دهم** حضرت نوح درین روز متولد شده است و هر طفل که درین روز متولد شود بسیار
پر و معتبر شود و فراخ روزی باشد و نیکست برای خرید و فروش و سفر کردن و گمشده در آخر روز
یافت شود و گریخته زود بدست آید و هر که درین روز بیمار شود سزاوار است که وصیت کند و بروایت
دیگر برای تخم کردن و زراعت کردن و سلف خریدن نیکوست و بروایت دیگر برای هر کار خوبست و بنظر
پادشاهان و هر که بیمار شود عافیت یابد و بروایت سلمان خوابی که در این روز دیده شود تا بیست روز
اثرش بظهور رسد **روز یازدهم** حضرت شیث درین روز متولد شده شایسته است برای ابتدای
کارها و خرید و فروخت و سفر کردن و باید که احتراز نماید از رفتن بنزد پادشاهان و هر که درین بگریزد
بزودی باز نگردد از دور طاعت و هر که بیمار شود امید است که بزودی شفا یابد و هر طفل که متولد شود نیک

زندگانی نیابد و لیکن نمیرد تا آنکه پریشان شود و از پادشاهی بگریزد و در روایت دیگر هرگز پریشان نشود و
بروایت سلمان خوابی که ببیند تا بیست روز اثرش بظهور آید **روز دوازدهم** شایسته است
برای زن خواستن و دکان گشودن و شریک شدن و بدریا سفر کردن درین روز واسطه میان
دو کس نباید شد و بیمار را امید شفا در او هست و فرزندی که متولد شود باسانی تربیت یابد و در روایت
دیگر گریخته بدست آید و فرزند بسیار عمر یابد و پریشان نشود و بروایت دیگر برای همه حاجات
در اول روز بنظر پادشاهان بروید و در آخر روز مروید **روز سیزدهم** نحس است بپرهیزید در آن روز از همه
کارها خصوصا منازعه کردن و بنظر پادشاهان و امرا رفتن و روغن بر سر مالیدن و سر تراشیدن
و هر کاری و هر که بگریزد بر او دست نیابند و هر که بیمار شود بتعب افتد و فرزندی که متولد شود چندان
زندگانی نکند و بروایت سلمان خوابی که ببیند تا نه روز بعمل آید **روز چهاردهم** نیکست برای
هر کاری و فرزندی که متولد شود ظالم باشد و نیکست برای طلب علم و خرید و فروش و سفر کردن و قرض
گرفتن و بدریا نشستن و گریخته بدست آید و بیمار صحت یابد انشاء الله تعالی و بروایت دیگر فرزندی
که متولد شود عمرش دراز باشد و بطلب علم راغب و در آخر عمر مالش فراوان گردد و بروایت دیگر گفته شده
است در این روز دیدن اشراف علما و طلب حوایج و بروایت سلمان نیکست برای هر امری و برای
دیدن پادشاهان و فرزندی که بهم رسد خوشنویس و دانا گردد و خوابی که دیده شود بعد از بیست روز
بعمل آید **روز پانزدهم** نیکست برای همه امور مگر قرض دادن و قرض گرفتن و کسی که بیمار شود بزودی صحت
یابد و هر که بگریزد بزودی بدست آید و فرزندی که متولد شود لال باشد یا در زبانش عیبی باشد و بروایت
دیگر شایسته است برای هر عمل و هر حاجت و بروایت سلمان خواب بعد از سه روز اثرش ظاهر شود **روز
شانزدهم** روز نحسیست برای هیچ کار خوب نیست مگر عمارت بنا کردن و پی گذاشتن و هر که سفر
کند در این روز هلاک شود و هر که بگریزد بزودی بر نگردد و هر که راه گم کند سالم ماند و هر که بیمار شود بزودی
شفا یابد و فرزندی که متولد شود پیش از زوال دیوانه باشد و بعد از زوال حالش نیکو باشد و بروایت
دیگر بسیار نحس و مذموم است پس هیچ حاجت در آن مطلبید و سفر مکنید و تصدق بسیار دهید

و فرزندی که متولد شود در این روز دیوانه شود و هرکه بیمار شود تلف گردد تا تواند متوجه کار شود
و بروایت سلمان خواب بعد از دو روز اثرش ظاهر شود روز هفدهم روز میانه ایست پرهیز در
آن روز از منازعه کردن و قرض دادن و قرض گرفتن پس هرکه قرض بدهد باو ندهند و هرکه قرض
بگیرد پس ندهد و فرزندی که متولد شود حالش نیکو باشد و بروایت دیگر برای هر کار شایسته است خصوصاً
تزویج و خرید و فروش و عمارت و زراعت و رفتن بنظر سلاطین و اول آفتاب و در روایت دیگر
وارد شده که حجامت در این روز سبب شفاست روز هشتدهم روز مبارکیست و برای هر کاری
نیکست از خرید و فروش و زراعت و سفر و تزویج و طلب حوایج و کسی که با دشمن خصمی کند براو
غالب آید و اگر مالی بقرض دهد باو برگردد و بیمار شفا یابد و فرزند حالش نیکو باشد روز نوزدهم
روز مبارکیست در آن روز حضرت اسحق متولد شده است برای سفر و طلب روزی وسیع و کارها
و آموختن علم و بد است برای بنده و چهارپایان خریدن و گم شده و گریخته بعد از پانزده روز
برگردد و فرزندی که متولد شود در این روز توفیق خیرات بیابد و بابرکت باشد و بروایت دیگر اگر با کسی
خصمی کند براو ظفر یابد بقدرت حق تعالی و برای هر کار شایسته است روز بیستم میانه است و نیکوست
برای سفر کردن و برآوردن حاجتها و بنا کردن بناها و داربست کردن درختان و گرفتن چهار
پایان و کسی که بگریزد زود دست براو یافتن و کسی که راه گم کند خوف هلاکت براو هست
و کسی که بیمار شود بیماریش صعب باشد و فرزندی که بوجود آید با مشقت زندگانی کند و بروایت
دیگر روز نیکیست برای هر کار خصوصاً طلب حوایج و سفر کردن و عمارت و تزویج و درخت کاشتن و نزد
پادشاهان رفتن روز بیست و یکم روز بسیار نحسیست روز ریختن خونهاست پس در آن حاجتی
طلب مکن و با کسی منازعه مکن و پرهیز در آن روز از پادشاهان و کسی که سفر کند خوف هلاکت براو هست
و فرزندی که بهم رسد فقیر و پریشان باشد و بروایت دیگر روز نحسیست و همین برای کشتن حیوانات
نیکست روز بیست و دویم شایسته است برای برآوردن حاجتها و بیع و شرا و رفتن نزد پادشاهان
و تصدق در آن روز مقبول است [illegible] و بیمار بزودی شفا یابد و مسافر بعافیت برگردد و

در روایت دیگر هر فرزندی که درین روز متولد شود مبارک است و محبوب باشد و هرکه نزد پادشاهان
رود بمطلب رسد روز بیست و سیوم درین روز حضرت یوسف متولد شده است نیکست برای
هر کار خصوصاً طلب حوایج و تجارت و زن خواستن و نزد سلاطین رفتن و کسی که درین روز سفر کند
غنیمت یابد و خیر بسیار بیند و فرزندی که متولد شود نیکو تربیت یابد و مبارک و شایسته باشد روز بیست و
چهارم روز بسیار نحسیست فرعون در این روز بوجود آمده پس هیچ کار در این روز اراده
مکن و فرزندی که متولد شود روزگار برنج گذراند و توفیق خیری نیابد و در آخر عمر یا کشته شود یا غرق
شود و هرکه در این روز بیمار شود بیماریش بطول انجامد و بروایت دیگر هرکه سفر کند در آن سفر بمیرد
روز بیست و پنجم روز نحسیست پس خود را درین روز حفظ کن و پی کاری مرو که درین روز حق تعالی
اهل مصر را با فرعون بآیات عذاب خود مبتلا گردانید و بیمار حالش بد میباشد و هرکه درین
روز سفر کند خطر یابد و فرزند مبارک و فراخ روزی و نیکوکار میباشد اما ببلای سختی مبتلا شود
و آخر نجات میابد و در روایت دیگر هرکه در این روز بیمار شود تا آخر روز بهوش نیاید و بروایت
سلمان از شر این روز پناه برخدا برید و بدعا و نماز و اعمال خیر روز بیست و ششم شایسته است برای
هر امری که اراده کنی مگر زن خواستن که هرکه درین روز تزویج نماید میان او و زوجه اش جدائی
افتد زیرا که درین روز دریا شکافته شد برای حضرت موسی و اگر از سفر برگردی درین روز
بخانه خود داخل مشو و بیمار را درین روز حالش نیکو باشد و فرزندی که درین روز بوجود آید
عمرش دراز باشد و بروایت دیگر هرکه مسافر شود درین روز سود نبیند و شاید برنگردد و تصدق
بسیار بکنید که درین روز فواید بسیار است روز بیست و هفتم برای همه کار نیکست و فرزندی
که درین روز متولد شود خوش خو و خوش رو و طویل العمر و با خیر فراوان و محبوب دلهای مردمان
باشد و بروایت دیگر برای عمارت و زراعت و خرید و فروش و رفتن بمجلس پادشاهان و سعی در
حوایج نیکست روز بیست و هشتم برای جمیع کارها خوبست خصوصاً سفر کردن و درین روز حضرت
یعقوب متولد شده است پس هر فرزندی که متولد شود در این روز روزی فراوان یابد و محبوب

مردم باشد واحسان کننده بسوی اهل خود باشد ولیکن غمهای عظیم باو برسد در آخر عمر بمرضی بضعف
چشم مبتلا شود و بروایت سلمان خواب در همان روز اثرش ظاهر گردد روز بیست و نهم نیکست
برای هر کار و فرزندی که درین روز متولد شود بردبار باشد و هر که سفر کند مال بسیار یابد و هر که
بیمار شود زود صحت یابد و درین روز وصیت نامه نویسند و برای همه کس خوبست مگر برای
کاتبان که متوجه کاری نشوند خصوصا سفر و گریخته درین روز زود برگردد و گمشده زود بدست
بدست آید و در روایت دیگر شایسته است برای همه کار خصوصا ملاقات پادشاهان و دیدن برادران
و دوستان و بروایت سلمان خوابی که دیده شود در همان روز اثرش ظاهر گردد روز سی ام
نیکست برای فروختن و خریدن و تزویج کردن و فرزندی که درین روز بوجود آید بردبار
مبارک و راست گو و وفادار و عالیشان و جلیل القدر باشد و هر که بگریزد بدست آید و هر که
چیزی گم کند بیابد و هر که مالی قرض کند بزودی زود باز دهد و بروایت دیگر روزیست که حضرت ابراهیم علیه السلام
در آن روز متولد شده است و برای هر کار نیکست خصوصا درخت نشانیدن و زراعت و عمارت کردن
و از حضرت امام موسی کاظم منقول است که ترک مکن حجامت را در هفتم حزیران روم و اگر نکنی
در چهاردهم البته بکن روایت است از رسول خدا که نبرد درخت را در روز یکشنبه که
میرسد باو غم و غیبا شده از برای او مبارک و اگر قطع کند در روز دوشنبه پیدا شد برکت اگر قطع کند در روز
سه شنبه یا او لباس سوخته میشود یا دزد او را میبرد یا صاحب او در دریا غرق میشود و اگر قطع کند
درخت در روز چهارشنبه روزی میشود او را مال بسیاری بدون مشقت و زحمت و اگر قطع کند در
روز پنجشنبه روزی میشود او را علم و اگر قطع کند در روز جمعه باعث طول عمر است و اگر قطع
کند در روز شنبه دایم که او لباس پوشیده مریض باشد مگر آنکه آنرا ببخشد بفقرا اما در اختیارات
ایام هفته روز جمعه مبارک روزها و بهترین عیدهاست و سنت است در آن بحمام رفتن و سر
تراشیدن و ناخن و شارب گرفتن و پیش از نماز ظهر سفر کردن خوب نیست و حجامت کردن در
بعضی احادیث وارد شده است که نباید کرد که در آن روز ساعتی هست که در آن ساعت اگر حجامت

واقع شود هلاک میشود و در روایت دیگر نهی واقع شده از حجامت در وقت زوال و در چند حدیث
دیگر وارد شده که قصور ندارد مطلقا و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقول است
که هر گاه در شب یا روز زیادتی خون در خود بیابی آیة الکرسی بخوان و حجامت کن و در حدیث دیگر
وارد است که حضرت رسول چون هوا سرد میشد از بیرون باندرون خانه نقل میفرمودند در روز
جمعه میکردند و در حدیث دیگر آنکه در وقتی که هوا گرم میشد باز در روز جمعه به بیرون نقل میفرمودند
و در بعضی روایات وارد شده است که نوره کشیدن در روز جمعه مورث پیسی است و در چند حدیث
دیگر تجویز واقع شده است بلکه بعضی روایات دلالت بر استحباب دارد و در روایت دیگر
وارد است که روز جمعه روز خواستگاری و نکاح کردن است و مستحب است موی سر و ریش را
شانه کردن و بو خوش کردن و جامه نو و جامهای پاکیزه پوشیدن و میوه تازه بخانه آوردن
و سر را بدرود خطمی شستن و برای همه کارها مبارک است روز شنبه روز مبارکیست حضرت رسول
فرمود که خدا مبارک گردانیده است برای امت من در بامداد روز شنبه و پنجشنبه برای جمیع کارها
خوبست خصوصا سفر کردن که در حدیث معتبر وارد شده است که اگر سنگی در روز شنبه حرکت کند
از جای خود البته حق تعالی او را بجای خود بر میگرداند و ناخن و شارب گرفتن نیز خوبست و در حدیث
وارد شده است که هر که ناخن و شارب در روز شنبه بگیرد از درد دندان و درد چشم عافیت یابد و در
روایتی وارد شده است که حجامت کردن در روز شنبه مورث ضعف است روز یکشنبه میانه
است برای اکثر کارها موافق حدیث معتبر حجامت کردن در طرف عصر روز یکشنبه بیماریهاست و در
حدیث دیگر وارد است که برای عمارت بنا کردن و عروسی کردن بسیار خوبست روز دوشنبه
نحس ترین روزهاست در ایام سال روز عاشورا که از همه روزها نحس تر است و در ایام هفته
روز دوشنبه و این منسوب به بنی امیه است که ایشان عید کردند در آنها بسبب شهادت حضرت امام
حسین علیه السلام و درین روز حضرت رسول از دنیا مفارقت نمود و برای هیچ کار مبارک
نیست و در بعضی روایات مطلق وارد شده است که در طرف عصر حجامت کردن خوبست

ودر بعضی روایات مطلق نهی وارد شده است از سفر کردن درین روز و پی مهمی و حاجتی رفتن و در حدیث
معتبر وارد شده از حضرت امام علی نقی ع که هر که خواهد که او را از شر روز دوشنبه نگاهدارد دو رکعت
نماز بگذارد در رکعت اول نماز صبح روز دوشنبه سورهٔ هَلْ اَتی عَلَی الانسان بخواند روز سه شنبه
میانه است برای اکثر کارها و در حدیث دیگر وارد است که سفر کن در روز سه شنبه که درین روز خداوند عالمیان
آهن را برای حضرت داود علیه السلام نرم کرد و در روایتی از حضرت رسول ص منقول است که هر که در روز
سه شنبه چهاردهم و هفدهم یا بیست و یکم ماه حجامت کند شفا یابد از دردهای سال و در حدیث دیگر وارد
شده که در روز سه شنبه ساعتی هست که اگر حجامت در آن ساعت اتفاق افتد خون نمی ایستد تا او را
هلاک کند و در حدیث معتبر وارد است که هر که حاجتی بر او دشوار شود او را طلب نماید در روز سه شنبه و
در حدیث دیگر وارد است که روز جنگ است و خون گرفتن و در روایتی دیگر وارد شده است که ناخن بگیرید
در روز سه شنبه روز چهارشنبه روز نحسیست و برای اکثر کارها شایسته نیست و نهی واقع شده است
از حجامت کردن و نوره کشیدن و سفر کردن در این روز و در بعضی روایات حجامت و سفر وارد
شده و در حدیث دیگر نهی واقع شده از حجامت در روز چهارشنبه هر گاه ماه در عقرب باشد و در روایت
معتبر وارد شده است که بحمام بروید در روز چهارشنبه و در حدیث معتبر وارد است که روز خوردن
مسهل روز دوا است روز پنجشنبه روز مبارکیست برای جمیع کارها خوبست خصوصاً حجامت کردن موافق احادیث
بسیار و بهتر است که پیش از زوال واقع سازد و برای ناخن گرفتن خوبست و بهتر آنست که یک
ناخن را برای جمعه بگذارد و در روایتی وارد شده است که حضرت رسول ص چون هوا گرم میشد و به بیرون
شهر میرفتند در روز پنجشنبه سفر میفرمودند و در حدیث دیگر وارد است که هر که روز پنجشنبه آخر در اول
روز حجامت کند دردها از بدنش بیرون کند و در روایت دیگر وارد است که روز پنجشنبه روز داخل شدن
بامیر و برآوردن حاجتهاست و بدانکه سفر کردن و تزویج کردن در قمر در عقرب کراهیتی دارد و در روزهای
ماه در روزهای هفته در سعادت و نحوست با یکدیگر معارض شوند و ضرور باشد اختیار کردن رعایت
نیکی و بدی ایام هفته اولی است زیرا که احادیث آنها معتبر است اما در بیان امری چند که موجب رفع

نحوست ایام و ساعات میشود بدانکه توکل و تفویض و اعتماد بر جناب مقدس الهی نمودن در جمیع امور
واستمداد از حضرات ائمهٔ معصومین علیهم السلام نمودن هر نحوستی را بسعادت مبدل میگرداند
و توسل بآیات کریمهٔ قرآن و دعا نمودن و تصدق تدارک هر یک از اینها میکند چنانچه در حدیث
معتبر وارد شده است که آیة الکرسی بخوان و هر روز که خواهی حجامت بکن و تصدق بکن و هر گاه خواهی سفر
بکن و در احادیث وارد شده است که تصدق و دعا رد میکند بلاهای مبرم را و در حدیث معتبر منقول است
از سهل بن یعقوب که بخدمت حضرت امام علی نقی ع رفتم و حدیثی که از حضرت امام جعفر صادق ع
منقول است در باب اختیارات روزها بر آنحضرت عرض کردم و تصحیح نمودم پس گفتم که در اکثر
روزها چیز چند هست که مانع رفتن بطلب حوایج است و بسیار است که مرا ضرور میشود درین روزها
حرکت نمودن و متوجه مطالب شدن حضرت فرمود که یا سهل ولایت و محبت ما اهل بیت نگاه دارنده
و حافظ شیعیان است از جمیع بلاها اگر با ولایت ما بلجهٔ دریاها یا صحراها و بیابانها در میان حیوانات درنده
یا دشمنان جن و انس بروند هر آینه ایمن اند از شر ایشان ببرکت ولایت ما پس اعتماد کن بر خدا و
خالص گردان ولایت خود را از برای ما و بهر جانب که خواهی متوجه شو و چون صبح کنی سه مرتبه بگو
بخوان أَصْبَحْتُ اللّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِكَ الْمَنيعِ الَّذي لا يُطاوَلُ وَلا
يُحاوَلُ مِنْ كُلِّ طارِقٍ وَغاشِمٍ مِنْ سائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَما خَلَقْتَ مِنْ
خَلْقِكَ الصّامِتِ وَالنّاطِقِ في جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِباسٍ سابِغَةٍ وَلاءِ
أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحْتَجِباً مِنْ كُلِّ قاصِدٍ لي إِلى أَذِيَّةٍ بِجِدارٍ حَصينِ الإِخْلاصِ
فِي الاعْتِرافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ مُوقِناً أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ
وَفيهِمْ وَبِهِمْ أُوالي مَنْ والَوْا وَأُجانِبُ مَنْ جانَبُوا فَصَلِّ
عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِذْني اللّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ ما أَتَّقيهِ يا عَظيمُ حَجَزْتُ
الأَعادِيَ عَنّي بِبَديعِ السَّماواتِ وَالأَرْضِ إِنّا جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْديهِمْ
سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ و در شام نیز سه مرتبه

اینه عار ابخواند پس اگر امان خواهی بود از هرچه حذر مینمایی از آن و در قلعه حفظ و حمایت الهی
خواهی بود از هرچه از آن میترسی و اگر در روز نحسی خواهی پی کاری بروی پیش از متوجه شدن سوره
حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی و انا انزلناه بخواند و این
آیات از سوره آل عمران بخواند إن في خلق السموات والأرض واختلاف
الليل والنهار لآيات لأولي الألباب الذين يذكرون الله قياما
وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون في خلق السموات والأرض ربنا
ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب النار ربنا إنك
من تدخل النار فقد أخزيته وما للظالمين من أنصار ربنا إننا
سمعنا مناديا ينادي للإيمان أن آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر
لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الأبرار ربنا وآتنا
ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة پس اینه عار ابخواند اللهم
بك يصول الصائل وبقدرتك يطول الطائل وبقدرتك لكل ذي
حول إلا بك ولا قوة يمتازها ذو قوة إلا منك بصفوتك من خلقك
وخيرتك من بريتك محمد نبيك وعترته وسلالته عليه وعليهم
السلام صل عليهم واكفني شر هذا اليوم وضره وارزقني خيره و
يمنه واقض لي في متصرفاتي بحسن العافية وبلوغ المحبة والظفر
بالأمنية وكفاية الطاغية الغوية وكل ذي قدرة لي على أذية حتى
أكون في جنة وعصمة من كل بلاء ونقمة وأبدلني من المخاوف فيه
أمنا ومن العوائق فيه يسرا حتى لا يصدني صاد عن المراد
ولا يحل بي طارق من أذى العباد إنك على كل شيء قدير والأمور
إليك تصير يا من ليس كمثله شيء وهو السميع البصير و از حضرت

امام محمد جواد ع منقولست که چون ماه نو در آید در روز اول دو رکعت نماز بکن در رکعت اول
بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دویم بعد از حمد سی نوبت سوره انا انزلناه فی لیلة القدر
بخوان پس تصدق بکن و از سلامتی تمام آن ماه را از خدا و از خود بخر در بیان خسوف و کسوف در
حدیث شریفی که مشتمل بر احکام کسوف و خسوف و حوادث هر سال شیخ بزرگوار قطب الدین
راوندی در کتاب قصص الانبیا روایت کرده است بسند صحیح از شیخ صدوق محمد بن بابویه
قمی و سند را مختصر گردانیدم بحضرت مبین الحقایق امام جعفر صادق ع که آنحضرت فرمود که در
کتاب حضرت دانیال پیغمبر علیه السلم نوشته است که هرگاه اول محرم روز شنبه باشد در آن سال
زمستان سرد گذرد و باد در آن بسیار باشد و یخ فراوانی باشد و گندم گران باشد و طاعون و مرگ
کودکان بسیار باشد و تب بسیار بهم رسد و عسل کم باشد و مبتلان بسیار باشد و زراعتها از آفت
مبتلا باشند و بعضی از درختان میوه و انگور آفت رسد و ارزانی باشد و در روم طاعون باشد و عرب
با ایشان جنگ کند و اسیر و غنیمت بسیار از ایشان بدست عرب در آید و پادشاه را در جمیع مواضع
غلبه باشد بمشیت حق تعالی و بروایت دیگر مرگ در میان چارپایان بهم رسد و اسپان را قولنج عارض
شود و در مردمان درد گلو و زکام و ورمها و دردها بسیار باشد و در آن سال ترس و جنگ و غارت
بسیار باشد و در هر بلدی مرگ پیران و زنان بسیار باشد خصوصا در عراق و در روم کارزار افتد و عرب
بر روم غالب آیند و نعمت و امنیت در بابل بوده باشد و در بحرین و نواحی آن اختلاف بسیار در میان
مردم بدید آید و قحط در ایشان بهم رسد و از عرب ترسان باشند و عمال ایشان بر ایشان بغدر کنند
و گیاه در مراعی عرب فراوان باشد و در آخر سال جمعی بر پادشاه خروج کنند و پادشاه بر ایشان
غالب آید و در آن سال دملها و آبلها و گری بسیار باشد و مرغان بسیار باشند و روغن و گوشت
و عسل و پنبه و کتان گران باشد و خرما در درخت فاسد گردد و انگور و میوه ها در بلاد همدان و فارس
نیکو باشد و بر درختان بلاد بصره و روم و اطراف آن آفت برسد و میوه در اکثر بلاد گران باشد
و کنجد بسیار و در زمستان باران بسیار ببارد و در آن سال غارت بسیار باشد و اندک آفت بانهار رسد

وظروف مس واشباه آن گران باشد و پشم و موی گران باشد و مرغ خانگی کم باشد و مرغان شکاری بسیار
بمیرند و در بلاد یمن اختلاف عظیم ظاهر گردد و شاید به نهب و غارت منتهی شود و شاید یکی از آفتاب
و ماه منخسف گردد و در یکگاه آن خون بسیار ریخته شود و گویند که چنین سال نحس است و قابیل
ناپیدا گشت و آخرش نیک است و هر سال که اول محرم روز یکشنبه باشد زمستان نیکو گذرد و
زراعتها آفت برسد و دردهای مختلف و مرگهای صعب شایع گردد و عسل کم بعمل آید و در هوا اثر
طاعون و وبا بهم رسد و در آخر سال اندک گرانی در خوردنیها حادث شود و در آخر سال پادشاه را
غلبه روی دهد و بروایت دیگر در این سال زمستان سرد و تابستان معتدل گذرد و میوه و حبوب
و زراعتها در اکثر بلاد عراق نیکو باشد و آفتی بمیوههای بحرین و لحسا و قطیف و حوالی آنها برسد
و در بلاد جبل ارزانی باشد و در شتران دیوانگی و سستی بهم رسد و آبله برای کودکان بسیار باشد
و زائیدن زنان دشوار و در گاوها مرگی بهم رسد و در یکجا او درد بسیار بمردم عارض شود و در
آخر سال گرانی بهم رسد بسبب اختلاف سلاطین در غیر بلاد یمن و در بلاد هند اطفال بسیار بمیرند
و جو و روغن بسیار باشد و اختلاف و جنگها در میان پادشاهان بشود و دروغ و اختلاف
میان عامه ناس بسیار باشد و کارزار میان عرب و عجم واقع شود و میان عامه ناس و خویشان
ایشان فتنهها حادث گردد و در شام حروب و فتنهها بدید آید و حاکم بعضی از اهل فساد را بقتل
رساند و در زمین جبل که همدان و نواحی آن باشد کشش بسیار شود و مرد جلیل القدری از ایشان
کشته شود و پادشاه بابل بر مردم مستولی گردد و در بعضی وزرای ملوک اختلاف ظاهر شود و
بر پادشاه بشورد و بگریزد یا کشته شود و گروهی مغلوب گردند و کوکبی در آسمان ظاهر شود از ناحیه
مشرق که دنباله داشته باشد و این سبب حدوث قتل و غارت و گرانی گردد و این علامت
فساد بسیار شود و مرد صاحب شانی کشته شود و آن ستاره بسبب وزیدن بادها سخت و دو روز
امراض و بسیاری دزدان در دریا و صحرا گردد و عسل گران شود و جاهای غارت کنند و تمام
ماه بعضی از آن منخسف گردد و هر سال که اول محرم روز دوشنبه باشد زمستان نیکو گذرد و

و تابستان بسیار گرم باشد و باران در وقتش بسیار ببارد و گاو و گوسفند بسیار بوجود آید و عسل
بسیار باشد و نرخ خوردنیها در بلاد جبل یعنی شهرهائی که در میان آذربایجان و عراق عرب و خوزستان
و فارس است و بعضی گویند یعنی همدان و حوالی آن نازل باشد و میوه بسیار باشد و زنان بسیار
بمیرند و در آخر سال کسی بر پادشاه خروج کند و در نواحی مشرق و بعضی از فارس اغم و دلگیر بجز
و زکام در بلاد جبل بسیار باشد خصوصاً عدس و ماش و باقلا و نرخها ارزان و عسل فراوان
باشد خصوصاً در فارس و همدان و ارزن و ذرت در هند و فرنگ بسیار شود و سیب
و زردآلو و سایر میوهها در بلاد فارس و بصره و شام نیک بعمل آید و خربزه و خیار در ولایت مشرق
و عمان نیکو باشد و در آن سال خرما و میوهها و گوشت و روغن فراوان باشد و لیکن زر در میان
مردم کم باشد و در بلاد مشرق و اطراف هند و اسکندریه مرگ بسیار باشد و مرض سودا و
دیوانگی بسیار باشد و در زمستان زفاف و تزویج زنان بسیار واقع شود و دریا طغیان و بعضی از
بلاد را غرق کند و آب فرات و نیل کم باشد و این سبب در مدت دو ماه در مصر قحط عظیم بدید
و مواشی و چهارپایان در صحرا نیک باشند و اسپ و شتر و گاو در هر جا فربه باشند و زکام در بلاد جبل
و اطراف دریا بسیار باشد و لیکن فساد در آن بلد طیبه بهم رسد و در آخر سال اهلاک در گوسفندان بهم
و در میان شیخ عرب فتنه حادث شود و خارجی از نواحی مشرق بیرون آید و در بلاد عجم و هر اثر
عظیم از بعضی سلاطین حادث شود و قلعه در اطراف مشرق و یا جنوب از تصرف صاحبش بیرون
رود و محتمل است که یکی از آفتاب یا ماه منخسف گردد و در مردم اضطراب بدید آید و بر پادشاه مشرق
کسی خروج کند و حاجیان کسالت باشند و در شبی دزدی بایشان برسد و آسیبی از و بیابند و هر سال
که اول محرم روز سه شنبه باشد زمستان بسیار سرد باشد و برف و یخ بسیار باشد و در بلاد
جبل و در ناحیه مشرق گوسفند و عسل بسیار باشد و بعضی از درختان میوه و انگور آفت برسد
و در ناحیه مغرب و شام حادثه در آسمان ظاهر شود که از آن خلق بسیار بمیرند و بر پادشاه صاحب
خروج قوی خروج کند و پادشاه بر او غالب آید و در زمین فارس بعضی از غلهها آفت یابد و در آخر

سال نرخها گران شود و بروایتی دیگر زراعت بسیار بعمل آید و باران بسیار بیارد و آب فرات طغیان
کند و شاید در تابستان باران بیارد و فصلها نیز نیکو گذرد و میوه‌ها در بلاد جبل و هند بسیار باشد و
گندم و جو و عدس فراوان باشد و در بصره لوبیا و ماش و باقلا فراوان باشد و خرما کم بعمل آید
و در ارزن آفتی بهم رسد در بلاد هند و شام و روم بدرختان آفتی برسد از سرما و در بلاد فارس از
ملخ آفتی برسد بزراعت و میوه در این سال بسیار باشد و گردکان و بادام و مویز بسیار باشد و نرخها در
اکثر بلاد ارزان باشد و پنبه گاه گران باشد و گاه ارزان و عسل فراوان باشد و بخربزه و خیار آفتی برسد
و شکار دریا بسیار باشد و آفتی از سرما یا گرما بغلات بلاد مغرب برسد و در بعضی از شهرها کسی بر پادشاه
خروج کند و بر پادشاه عجم و ترک اضطرابی حاصل شود و در میان عرب و عجم و اهل عراق قتالی بدید آید
و شیخی از مشایخ عرب کشته شود و در میان عربان و مواشی ایشان در آخر سال مرگی بهم رسد
و در آسمان ستاره دم دار پدید آید که علامت جنگ و گرانی باشد یا سرخی عظیمی ظاهر شود که علامت
هلاک بعضی از وزرا باشد و در مصر و شام طاعونی بهم رسد و هر سال که اول محرم روز چهارشنبه باشد زمستان
وسط باشد و در بهار بادهای نافع بهار آید و غلات و میوه‌ها در بلاد جبل و بلاد مشرق بسیار باشد اما
مردمان بسیار بمیرند و در آخر سال در زمین بابل و بلاد جبل آفت بمردم برسد و نرخها ارزان
باشد و پادشاه بر دشمنان غالب باشد و بروایت دیگر عسل در این سال بسیار باشد و آب دجله
طغیان کند و در [illegible] بسیار باشد و اکثر اطفال بمیرند و ملخ مزروعات ایشان را تلف کند و در
[illegible] در میان بهم رسد و باران در این سال بسیار بیارد که بسیاری از خانها و عمارتها منهدم
گردد و درختان خرما ضایع شود و در آخر سال خرما گران شود و برق و رعد عظیم ظاهر گردد و بادهای تند
بوزد و بیماری بسیار باشد و زنان آبستن بسیار بمیرند و در آخر سال در ناحیه فارس مرگ بسیار باشد
و وحشیان صحرا و مرغان شکاری بسیار باشد و برده و گاو نیکو باشد و بیع و شری و معاملات بسیار واقع شود
و در شتران کره بهم رسد و شاید مرگی در چهارپایان بدید آید و در فصلها نیز بیماری بسیار باشد و در اطراف
مدینه جنگ عظیم رود و در هند مشایخ علما بمیرند و بلاد مغرب از خوف و قتل و غارت خراب شود و بکلی مجهود

شود و در میان عربان بادیه کشش بسیار شود و باد شمال بسیار بوزد و متاعها و پنبه گران شود
و کتان ارزان باشد و ابریشم و حریر ارزان و نیکو باشد و پادشاه روم بمیرد و بزرگی از عرب نیز
بمیرد و در فصلها نیز مرض زحیر بسیار باشد و اختلاف در میان سلاطین هند بهم رسد و فتنها در بصره و
ولایات فارس بهم رسد و هر سال که اول محرم روز پنجشنبه باشد زمستان ملایم گذرد و در جمیع نواحی
مشرق گندم و میوه‌ها و عسل بسیار باشد و در اول و آخر سال تب بسیار حادث شود و در
زمین بابل در آخر سال تب بسیار بهم رسد و روم بر مسلمان غلبه بهم رسد پس عرب بر
ایشان غالب شوند و در ناحیه مغرب و زمین سند محاربات واقع شود و پادشاهان عرب
مظفر باشند و بروایت دیگر در اول سال بارش و سرما کم باشد و ابر و رعد و باران بسیار
باشد و در آخر سال بسیار شود و غلات و میوه‌ها در همه بلاد ارزان و فراوان باشد و سفر دریا در این
سال نیکو باشد و شکار ماهی بسیار باشد و روغن و نان گران شود و آب نیل طغیان کند و روم
بر مسلمانان حمله آورند و مسلمانان بر ایشان غالب شوند و در بادیه جنگ بسیار شود و شاید یکی از
مشایخ ایشان بقتل رسد و در بادیه و بعضی از شهرها کسی بر پادشاه خود خروج کند و منهزم گردد
و کارزار در اکثر بلاد خصوصاً در بلاد فارس بسیار شود و دزدان و راه‌زنان دست
برآورند و حکام بر رعایا ستم کنند و بادهای تند بوزد که درختان را برکند و در لحسا و قطیف
و نواحی آنها فتنه میان عربان و پادشاه ایشان حادث شود و پادشاه غالب گردد و در بلاد حبشه و
اطراف آنها کارزار بسیار شود و در بلاد فارس در آخر سال میان سه طایفه فتنه حادث شود و
بسیار در آن بلاد بآن سبب ظاهر گردد و در ناحیه دریا نیز فتنها حادث شود و در آن سال مرگ و
زکام بسیار باشد و لیکن گوسفند فراوان گردد و شاید ماه منخسف گردد و هر سال که اول محرم روز جمعه
باشد در زمستان سرما نباشد و باران کم بیارد و آب چشمها و رودخانها کم باشد و در بلاد جبل صد فرسخ
غله کم باشد و مرگ در میان همه مردمان بسیار باشد و در ناحیه مغرب گرانی باشد و بعضی از درختان
آفت رسد و در دریا بر فرس غلبه عظیم بهم رسد و بروایت دیگر غلات مصر و حبشه و شام کم بعمل آید

وگرانی در بلاد مغرب و بلاد فرنگ و اطراف اندلس حادث شود و ارزانی بسیار در بلاد فارس و جزیره
و غلات بصره و عراق نیکو شود و لیکن از جهت سلاطین و عمال ستمها بایشان برسد و غلات جبل عامل
و نواحی آن کم بعمل آید و انگور در بصره و شام بسیار بعمل آید و مرد صاحب شانی در بصره کشته شود
با گروه بسیار از اتباع او و میوه ها در نیل نیک باشد و آب دجله بحدی طغیان کند که بغداد
مشرف بر غرق گردد و پادشاهی از پادشاهان هند بمیرد از اول ماه ربیع الاول تا آخر ماه جمادی
الثانی و دردها بسیار در میان مردم پیدا شود خصوصاً در گلو و در پشت و ورمها در حلق
و امراض شکم و کلف و قوبا و جرب و دملها و بسیاری از زنان آبستن فرزند بیندازند و بسیاری
از ایشان در وضع حمل بمیرند و امیری از شام ظاهر شود و بر مدینه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
مستولی گردد و ملخ بر بعضی از بلاد غالب گردد و اگر ستاره دم دار ظاهر شود فتنهای عظیم از آن
بظهور رسد و کسی بر پادشاه روم خروج کند و کردان عجمان قور کردند و در زمین عراق خوف
و اضطراب و اختلاف بسیار پیدا شود و مرد بزرگی در شام بقتل رسد و در بلاد خراسان فتنه عظیم
حادث شود و در اطفال دردها پیدا شود و فتنه بحاجیان برسد و آب چشمها بسیار باشد و اما
احکام گرفتن آفتاب در ماهها بر حولنقه کانه پس در هر سال که در محرم آفتاب بگیرد در آن سال ارزانی
باشد و در آخر سال دردها و بیماریها در مردم حادث شود و پادشاه بر دشمنان ظفر یابد و زلزله حادث
شود و بعد از آن بسلامت باشند و هر سال که در ماه صفر آفتاب بگیرد در ناحیه مغرب ترس و گرسنگی
مردم را دهد و جنگ و کشش بسیار در مغرب بظهور آید پس در ماه ربیع صلح واقع شود
و پادشاه ظفر یابد و هر سال که در ماه ربیع الاول آفتاب بگیرد در میان مردم صلح پدید آید و
اختلاف کم شود و پادشاه مغرب ظفر یابد و گاو و گوسفند کم باشد و در آخر سال فراوان
باشد و در بادیه در میان شتر وبا بهم رسد و هر سال که در ماه ربیع الآخر آفتاب بگیرد در
میان مردم اختلاف بسیار باشد و خلق بسیار بقتل رسد و کسی بر پادشاه خروج کند و هم
ترس و کشش حادث شود و مرگ بسیار باشد و هر سال که در ماه جمادی الاول آفتاب بگیرد در روز

مردم فراخی باشد و در ناحیه مغرب و مشرق پادشاه برعیت در مقام شفقت باشد و با ایشان
احسان نماید و پاس خاطر ایشان بدارد و هر سال که در ماه جمادی الآخر آفتاب بگیرد مرد عظیمی در جانب
مغرب بمیرد و در بلاد مصر جنگهای عظیم و کشش بسیار واقع شود و در بلاد مغرب در آخر سال گرانی
بهم رسد و هر سال که در ماه رجب آفتاب بگیرد در زمین آبادان شود و در کوهستانها و ناحیهای
مشرق باران بسیار بباردد و در ناحیه فارس فرود آید و استضراری بایشان رساند و هر سال
که در ماه شعبان آفتاب بگیرد در میان مردم از شهرهای شام سالم باشند و پادشاه بر دشمنان
در مغرب ظفر یابد و در بلاد جبل در آخر سال مرگ در میان مردم بسیار باشد و برودت
و لطافت شود و هر سال که در ماه رمضان آفتاب بگیرد مردان جنگی پادشاه فارس اطاعت
کنند و مردم روم را بر عرب غلبه عظیم روی دهد پس ایشان بر روم غالب شوند و غنیمت و
اسیر بسیار از ایشان بگیرند و هر سال که در ماه شوال آفتاب بگیرد بلاد هند رنج و کشش
بسیار شود و گیاه زمین در شهرهای مشرق بسیار شود و هر سال که در ماه ذیقعده آفتاب
بگیرد باران بسیار ببارد و خرابی در ناحیه فارس بظهور رسد و هر سال که در ماه ذیحجه آفتاب
بگیرد باد بسیار بوزد و درختان بکشد و در شهری از شهرهای مغرب خرابی پدید آید و گندم
و جو کم و گران باشد و کسی بر پادشاه خروج کند و آزار بسیار از او بپادشاه برسد در
فارس خود و بها گران شود و در سال دیگر ارزان شود و اما در احکام گرفتن ماه پس در هر سال
که در ماه محرم ماه بگیرد در مغرب بزرگی بمیرد و میوه در بلاد جبل کم باشد و در میان مردم خارش بسیار
باشد و در زمین بابل درد چشم بهم رسد و مرگ بسیار باشد و نرخها گران باشد و کسی
بر پادشاه خروج کند و پادشاه بر او ظفر یابد و عاقبت او را بقتل رساند و هر سال که در ماه صفر ماه
بگیرد قحط و بیماری در شهرهای بابل پدید آید بحدی که بسیم هلاک باشد بعد از آن باران
بسیار ببارد و گیاه زمین بسیار شود و احوال مردم نیکو شود و در بلاد جبل میوه بسیار
باشد و هر سال که در ماه ربیع الاول ماه [illegible] باد مغرب کشتی [illegible] ض [illegible] ان

در مردم بهم رسد و در ناحیهٔ شهرها میوه بسیار باشد و در بلاد جبل گرم در سبزهای ایشان بهم رسد و فراخی بسیار در شهرها بدید آید و هر سال که در ماه ربیع الآخر ماه بگیرد آب در کوهها بسیار باشد و نعمت فراوان باشد و آن سال مبارک باشد و پادشاه در مغرب ظفر یابد و هر سال که در ماه جمادی الاول ماه بگیرد خون بسیار در بادیه ریخته شود و پادشاه را بلای عظیمی برسد و کسی بر پادشاه خروج کند و پادشاه ظفر یابد و هر سال که در ماه جمادی الآخر ماه بگیرد باران کم آید و آب کم باشد و در نوعی که حوالی کوفه است با بو صل در آن محال جزع عظیم گرانی باشد و پادشاه بابل را بلای عظیمی روی دهد و هر سال که در ماه رجب ماه بگیرد در ناحیهٔ مغرب طاعون و وبا و قحط پیدا شود و در بلاد باران بسیار بارد و در همه شهرها درد چشم بسیار شود و در هر سال که در ماه شعبان ماه بگیرد پادشاه و بعضی از نواحی کشته شوند و یا بمیرند و پیر پادشاه شود و تسعیر بالا رود و قحط در میان مردم پیدا شود و هر سال که در ماه رمضان ماه بگیرد در بلاد جبل سرما سخت شود و برف و باران بسیار بارد و آب بسیار باشد و در زمین فارس در تندکان بسیار بهم رسد و در شهرهای کنار اطراف او زنان بسیار باشد و هر سال که در ماه شوال ماه بگیرد پادشاه بر دشمنان غالب شود و در میان مردم بلا و فتنه بسیار باشد و هر سال که در ماه ذی القعده ماه بگیرد در شهرها رعظیم فتح شود و کیمیا در بعضی از زمینها و کوهها پیدا شود و هر سال که در ماه ذی الحجه ماه بگیرد مرد بزرگ در مغرب بمیرد و مرد فاجر فاسق دعوی پادشاهی کند و بالله التوفیق سیوم در بیان رجال الغیب چنانچه از حکما ترک منقول است که ستاره سکز یولدوز تحت الست و در آداب سفر در این رساله بجا ذکر شده که هرگاه اراده مهمی یا سفر داشته باشند باید که بدور و جانب رجال الغیب با آن جهت ... شند که سمت داده و بعکس او استقبال رجال الغیب است و در سمت ... چنانکه ... از امام ... الصادق ... که رجال الغیب که قیام

عالم بوجود ایشانست و هر روز از ماه عرب در جهتی میباشند و امداد ایشان بعالم رسند چون کسی را مهمی عظیم پیش آید که در حصول یا دفع آن چاره نداند روی بجانب ایشان رفته صلوات فرستد و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا رِجَالَ الْغَیْبِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَرْوَاحَ الْقُدْسِ اَغِیثُونِی بِغَوْثَةٍ وَانْظُرُونِی بِنَظْرَةٍ یَا رُقَبَاءُ یَا نُجَبَاءُ یَا نُقَبَاءُ یَا اَبْدَالُ یَا اَوْتَادُ یَا قُطْبُ اَغِیثُونِی وَاَطِیعُونِی وَاَجِیبُونِی بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ و از ایشان استمداد و استعانت طلب نموده متوجه آن مهم شود که بمهو بحصول موصول گردد و بودن ایشان در جهات بدین نحو است مشرق اول نهم هفدهم بیست و پنجم میانه دوم دهم هشتدهم بیست ششم شمال سیوم یازدهم نوزدهم بیست هفتم میانه چهارم دوازدهم بیستم بیست هشتم مغرب پنجم سیزدهم بیست یکم بیست نهم میانه ششم چهاردهم بیست دوم سیام جنوب هفتم پانزدهم بیست سیوم میانه جنوب و مشرق هشتم و شانزدهم و بیست و چهارم



چهارم در معرفت قبله و احکام آن و شکل او است طلوع ... و جب ... است

روایت کرده است ابو سعید خدری از رسول صلی الله علیه و آله و صیتهای بسیاری در
آداب تزویج که وصیت کرده است بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام و ما ذکر میکنیم در اینجا بعضی از آنچه
منسوب باوقات و روزها است آنچه دخل در مقصود ندارد بعضی از ساعات نیکوست و
و بعضی بد است و بعضی از روزها بد است و بعضی خوب و از آنجمله بعضی شبها بد است و
بعضی خوب ساعات خوب نزد زوال روز پنجشنبه است بجهت قول رسول در وصیت
بعلی کرم الله وجهه که یا علی اگر جماع کنی در روز پنجشنبه نزد بودن آفتاب در وسط السماء پس ولد حاصل
شود شیطان با و نزدیکی نتواند کرد تا پیر شود و بوده باشد تند فهم و روزی کند خدای تعالی
آن را سلامتی در دین و دنیا و همچنین بعد از عصر روز جمعه بجهت قول رسول در وصیت او
بعلی که اگر جماع کنی در روز جمعه بعد از عصر پس ولد بهم رسد آن ولد معروف و مشهور آفاق
و عالم باشد و همچنین بعد از عشاء آخر از شب جمعه بجهت قول رسول در وصیت بعلی که اگر
جماع کنی در شب جمعه بعد از عشاء آخر و ولد بهم رسد امید است که آن ولد از ابدال باشد ان شاء الله
تعالی و از ساعات بد بعد از ظهر است چون در قول رسول است در وصیت بعلی که جماع مکن
بعد از ظهر که اگر بهم رسد فرزند در آن وقت باشد احول و شیطان با احول مسرور شود و همچنین
اول ساعت از شب بجهت قول رسول در وصیت بعلی یا علی جماع مکن در اول شب که اگر فرزند
بهم رسد ایمن نیست از آنکه اختیار کند دنیا را بر آخرت و فخر کند یا علی حفظ کن وصیت مرا
چنانکه من فرا گرفتم از جبرئیل و همچنین ساعت گرم نیمه روز بجهت قول امام رضا که با آنحضرت
رسید که بعضی تزویج کرد در نصف روز وقت گرم هوا آنحضرت فرمودند که گمان نیست
که آنها موافقت کنند پس زودی جدا خواهند شد و همچنین از طلوع صبح تا طلوع آفتاب
از غروب تا غروب آفتاب تا غایب شدن سرخی بجهت قول امام رضا که پرسیده شد از آنحضرت
که آیا بد است جماع در وقتی از زن حلال خود فرمودند بلی از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از
شمس تا غایب شدن سرخی و همچنین در ... زایل شدن آفتاب در وقت طلوع بجهت قول





پنجم در بیان آنکه ... وارد شده در ... احوال حوائج با تمام ساعات جدول تزویج

رسول صلعم که فرمودند بدست جنب شدن در وقتی که آفتاب زرد شود و در وقتی که طلوع کند
و او زرد شده و از روزهای بد اول ماه و وسط ماه و آخر ماه بجهت قول رسول صلعم در وصیت بعلی ع
یا علی جماع مکن با زن خود در اول ماه و وسط ماه و آخر ماه بجهت آنکه جنون و جذام و صرع میرسد
زود بسوی او و بسوی ولد او و همچنین مضمون حدیثی از حضرت صادق ع منقول است و
همچنین روز نیمه شعبان بجهت قول رسول صلعم در وصیت بعلی یا علی جماع مکن زنت را در نصف
شعبان که اگر فرزندی بهم رسد شوم و صاحب علامتی بد خواهد بود و همچنین دو روز آخر ماه که
آنرا محاق گویند و او وقتیست که میباشد قمر در تحت شعاع شمس بجهت قول رسول در وصیت بعلی ع
یا علی جماع مکن با زن خود هرگاه باقی مانده باشد از ماه دو روز که اگر ولدی بهم رسد میباشد خون خوار
و معین ظالم و میباشد هلاک قومی بدست او و قول کاظم ع که فرمود که کسی که تزویج کند در محاق
ماه پس فرزندی که بهم رسد پس از تمام سقط شود و نقل شده حدیثی از باقر ع مثل این حدیث
نهایت آنکه صریحیست در جماع و همچنین روزی که کسوف میشود بجهة قول باقر ع که سؤال کردند
از آنحضرت که آیا بدست جماع در وقتی از اوقات با زن حلال خود فرمود بلی در روزی که
در آن روز آفتاب میگیرد و همچنین در روزی که باد سیاه و سرخ و زرد بوزد و زلزله شود
بجهة قول آنحضرت باقر ع که پرسیدند آیا بدست جماع در وقتی از حلال خود گفت آری در روزی
که در آن باد سیاه و سرخ و زرد بوزد و روزی که زلزله بدید آید و همچنین وقتی که ماه در برج
عقرب باشد نیک نخواهد بود و از شبهای نیکو شب سه شنبه است بجهة قول نبی صلعم در وصیت
که یا علی اگر جماع کنی اهلت را در شب سه شنبه و ولدی بهم رسد روزی میشود شهادت بعد از
شهادت ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و عذاب کرده نمیشود با مشرکین
و میباشد خوش بود و خوش بو و رحیم دل و سخی الطبع و خوش زبان و پاک زبان و از دروغ و غیبت
و بهتان و همچنین شب جمعه بجهة قول رسول صلعم در وصیت ع یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه
و ولدی بهم رسد میباشد خطیب و واعظ و همچنین شب اول از ماه رمضان بجهة روایت

از حضرت امیرالمؤمنین ع که فرمود که سنت است از برای مردان که جماع کنند با حلال خود در
اول ماه مبارک رمضان و از شبهای مذموم شب عید اضحی است بجهة قول رسول صلعم در وصیت
بعلی یا علی جماع مکن با زن خود در شب عید اضحی که اگر فرزندی بوجود آید انگشت او شش عدد
باشد و همچنین بدست جماع در شب چهارشنبه بجهة قول صادق ع که فرمود جایز نیست مرد را
که جماع کند با حلال خود در شب چهارشنبه و همچنین بدست جماع در شبی که در آن شب ماه بگیرد
بجهة قول باقر ع در حینی که سؤال کردند از آنحضرت که آیا بدست جماع هرچند از حلال خود باشد در وقتی
فرمودند بلی در شبی که ماه بگیرد و همچنین بدست در شبی که در آن شب باد سرخ و سیاه و زرد بوزد
و زلزله شود بجهة قول باقر ع که پرسیدند از آنحضرت که آیا بدست جماع در وقتی از اوقات با حلال
خود فرمود بلی در شبی که در آن شب زلزله آید بجهة آنکه این امور از جمله غضبهای الهیست و جماع
کننده غضب خدا را سهل شمرده احکام اوقات چیز خوردن خوردن چیز در میان چاشت
و شام مذموم است چون روایت شده از شهاب که گفت شکوه کردم بسوی ابی عبدالله ع که چه بسیار
مبتلا میشوم به دردها و آزارها پس فرمود بمن چاشت بکن و چیز مخور در بین آنها که در آن
است فساد بدن آیا نشنیده که خدای تعالی فرموده رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا
و ترک کردن غذای شام مخرب بدن آدم است روایت شده از حضرت امیرالمؤمنین ع که عشای پیغمبران
بعد از عتمه است پس ترک مکنید شام کردن که در ترک او خرابی بدن است و روایت حدیثی از
ابی الحسن الرضا ع که در جسد رگی است که هرگاه کسی شام را ترک کند میگوید آن رگ تا صبح که گرسنه
بدارد خدای تعالی ترا چنانچه مرا گرسنه گذاشتی پس ترک مکنید هیچیک از شما عشا را اگر چه
بیک لقمه نان یا جرعه آبی بوده باشد و در سن کهولت که از چهل سالگی تا شصت سالگی است که
که بخورد چیزی در شب که معین خواب و خوبی نکهت است و همچنین بدست ترک شام کردن در
شنبه و شب یکشنبه متوالی که روایت شده از ابی عبدالله ع که هرکه ترک کند چیز خوردن در
شب شنبه و شب یکشنبه متوالی میرود از آن قوتی که هرگز نمیگردد باو تا چهل روز

سبع دانه عجوه وقت خواب میکشد کرم شکم را که روایت شده از صادق ع که هر که بخورد هفت
دانه خرمای عجوه در وقت خواب میکشد کرم شکم او را و خوردن بیست و یکدانه مویز سرخ در
صبح دفع میکند امراض بدن را که روایت شده از امیرالمؤمنین ع که هر که صبح کند و بخورد بیست و
یکدانه مویز سرخ مریض نشود مگر بمرض موت **وخوردن انار** در روز جمعه روشن میکند دل را
تا چهل روز که روایت شده از ابی الحسن الرضا ع که هر که بخورد یک انار در روز جمعه بنا شتا روشن میشود
دل او چهل روز و اگر دو انار بخورد تا هشتاد روز و اگر سه انار بخورد تا صد و بیست روز و هر که روشن
شود دل او بر داشته میشود از او وسوسه شیطان محفوظ باشد گناهی نمیکند و هر که گناه از
صادر نشود داخل بهشت میشود **و خوردن پنیر** در اول هر ماه نیکوست و حدیثها در اول ماهها
مذکور شده **احکام سفر کردن در روز شنبه** سفر کردن نیکوست و روایت شده از صادق ع
که هر گاه اراده سفر داشته باشی پس باید سفر کنی در روز شنبه که اگر سنگی از کوه در روز
شنبه بغلطد هر آینه خدا تعالی بر گرداند آنرا بمکان خود و نیز روایت شده از آنحضرت
در تفسیر قول خدا عز و جل که فَاِذَا قُضِيَتِ الصَّلٰوةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْاَرْضِ وَ
ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ فرمودند نماز در روز جمعه است و انتشار در روز شنبه و در روز
جمعه بد است سفر و در شب جمعه خوب است چون روایت شده از آنحضرت که هر که سفر کند در روز جمعه
نمیکند آنرا ملکی که بر گرداند خدا تعالی ترا و ایضا روایت شده از آنحضرت ع که با کی نیست سفر کردن
در شب جمعه و در روز چهارشنبه آخر ماه نیکوست چنانچه نوشتند بعضی از مردم بغداد در بیرون
لیفرا ... چهارشنبه که خوب نیست پس نوشت آنحضرت ع باین ... مَنْ خَرَجَ يَوْمَ
الْاَرْبِعَاءِ ... دُ وُ خِلَافًا عَلٰى اَهْلِ الطِّيَرَةِ وُقِيَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعُوفِيَ مِنْ كُلِّ
عَاهَةٍ ... بعضی ... دلالت میکند بر کراهیت سفر در روز چهارشنبه والمراد بیوم الاربعاء
لایدور آخر ... الشهر **در بیان جدول ساعات روز** آنچه وارد شده در ساعات روز
کانه روز که هر یک منسوب ... یکی از ائمه اطهار علیهم السلم است و هر

ع

... (marginal note, illegible)

مابین طلوع فجر تا طلوع شمس منسوب است بحضرت امیرالمؤمنین ع و توسل جستن باو از جهة
انتقام از دشمن نیکوست و از برای این ساعت و ساعتی که منسوب است بحضرت امام حسن ع دعائیست
که در مفتاح الفلاح مذکور است و دعاء مذکور بعد از ساعت ثانیه که منسوب بآنحضرت است
مذکور میشود و سزاوار است در این ساعت تصدق کردن بهر چه میسر شود هر چند اندک باشد
چون روایت شده از صادق ع که گفت رسول الله ص فرموده که مبادرت کنید
بصدقه در ساعت اول روز تا دفع کند خدا تعالی از شما شر آنچه فرود می آید از آسمان
بزمین در این روز در آن ساعت و دعای خود را بگلاب مشک یا چه در حدیث وارد است
از طلوع شمس تا ذهاب سرخی از بحضرت امام حسن ع منسوب است و توسل بآنحضرت علیه السلم
باید جست در آن ساعت در انجاح امور دنیا و آخرت نیکوست و آنرا دعای
مخصوصی است که در زیارات یومیه توسل بآن ذکر شده و دعاء جهة توسل که در مفتاح
مذکور است و از برای هر دو ساعت مجربست اینست اَللّٰهُمَّ يَا خَالِقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
وَمَالِكَ الْبَسْطِ وَالْقَبْضِ وَمُدَبِّرَ الْاِبْرَامِ وَالنَّقْضِ وَمَنْ لَا يُجِيبُ
الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوْءَ يَا مَالِكُ يَا جَبَّارُ يَا وَاحِدُ
يَا قَهَّارُ يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ يَا مَنْ لَا تُدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ
الْاَبْصَارَ يَا مَنْ لَا يُمْسِكُ خَشْيَةَ الْاِنْفَاقِ وَلَا يَفْتُرُ
خَوْفَ الْاِمْلَاقِ يَا كَرِيمُ يَا رَزَّاقُ يَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ
الْاِسْتِحْقَاقِ يَا مَنْ يُنَزِّلُ الرُّوحَ مِنْ اَمْرِهِ عَلٰى مَنْ يَشَاءُ
مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ كَبُرَتْ نِعْمَتُكَ عَلَيَّ وَ
صَغُرَ فِي جَنْبِهَا شُكْرِي وَدَامَ غِنَاكَ عَنِّي وَعَظُمَ اِلَيْكَ
فَقْرِي اَسْئَلُكَ يَا عَالِمَ سِرِّي وَجَهْرِي يَا مَنْ لَا يَقْدِرُ

سِواءُ عَلىٰ كَشْفِ ضُرّي اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ
اَلْمُخْتارِ وَحُجَّتِكَ عَلَى الْاَبْرارِ وَالْفُجّارِ وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ
الطّاهِرينَ الْاَخْيارِ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِالْاَنْزَعِ الْبَطينِ
عِلْماً وَبِالْاِمامِ الزَّكِيِّ الْحَسَنِ الْمَقْتُولِ سَمّاً فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ
بِهِمْ اِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ اَمامي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوائِجي اَنْ تَزيدَني
مِنْ لَدُنْكَ عِلْماً وَتَهَبَ لي حُكْماً وَتَجْبُرَ كَسْري وَتَشْرَحَ
بِالتَّقْوىٰ صَدْري وَتَرْحَمَني اِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيا اَثَري وَتَذْكُرَني
اِذا نُسِيَ ذِكْري بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

الساعة الثالثة	از رفتن سرخی آفتاب تا بلند شدن آفتاب بحضرت امام حسین منسوب است و توسل جستن بآنحضرت بجهة انجاح امور دنیویه و اخرویه نیکوست و دعای او مذکورست در مفتاح الفلاح و غیر او از کتابهای دعا
	تتمه جدول ساعات
الساعة الرابعة	از بلند شدن آفتاب تا زوال آفتاب منسوبست بسید العابدین علیه السلم و توسل جستن بآنحضرت در آن ساعت بجهة ایمنی از سلاطین و شیاطین و چون این ساعت بآنکه در این وقت متوجه باکل و شرب باشند و دعای آنها مذکورست در کتب ادعیه
الساعة الخامسة	از زوال آفتاب تا گذشتن مقدار چهار رکعت و این ساعت منسوبست بحضرت باقر و توسل جستن بآنحضرت در امور متعلقه بآخرت و آنچه تا بعست باو از عبادات نیکوست و آنرا دعائیست مخصوص مذکور در کتب ادعیه
الساعة السادسة	از گذشتن از زوال است چهار رکعت تا نماز ظهر و این ساعت منسوبست بحضرت صادق علیه السلم و توسل جستن بآنحضرت در این ساعت بجهت آمرزش ... مذکور است و آنرا دعای محمود است در کتب ادعیه
الساعة السابعة	از نماز ظهر تا گذشتن مقدار چهار رکعت پیش از عصر و این ساعت منسوبست بحضرت کاظم و توسل جستن بآنحضرت بجهة التماس عافیت از خدا و تمهید اجابت داشتن و آنرا دعائیست مخصوص مذکور در مفتاح الفلاح و غیره کتب ادعیه
الساعة الثامنة	از گذشتن چهار رکعت قبل از عصر تا نماز عصر منسوبست بحضرت رضا و توسل جستن بآنحضرت در این ساعت بجهة طلب سلامتی در سفر دریا و صحرا بسیار نیکوست و آنرا دعائیست که ذکر شده در کتب ادعیه
الساعة التاسعة	از نماز عصر تا آنکه بگذرد دو ساعت منسوبست بحضرت جواد علیه السلم در این ساعت التماس طلب وسعت رزق مقرون باجابت است و آنرا دعائیست مذکور در کتب ادعیه
الساعة العاشرة	از دو ساعت بعد از نماز عصر تا قبل از زرد شدن آفتاب منسوبست بحضرت هادی و توسل جستن بآنحضرت در قضای حوائج دنیوی نیکوست و آنرا دعائیست در مفتاح الفلاح و غیره کتب ادعیه
الساعة الحادی عشر	پیش از زرد شدن آفتاب تا زرد شدن او منسوبست بآنحضرت عسکری علیه السلم و توسل جستن بآنحضرت در التماس تمشیت امور آخرت نیکوست و آنرا دعائیست که مذکور است در محل خود
الساعة الثانی عشر	از زرد شدن آفتاب تا غروب شدن او بحضرت خلف حجت قائم علیه السلم منسوبست و توسل جستن بآنحضرت در ایمنی از ترسها و سلامتی در حروب از آلات حرب مجرب است و آنرا دعائیست در کتب ادعیه

در بیان دعای ساعات شب و روز چنانچه بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

منقولست که حق تعالی در ساعت شب و در ساعت روز خود را بمجد و بزرگواری یاد میکند و ساعت روز از وقت چاشت تا اول ظهر و ساعت شب آخر شب است تا صبح هر بنده مومن که این تمجید را بخواند دلش با خدا باشد البته حق تعالی حاجت او را برآورد و اگر شقی و بدبخت باشد امید دارم سعادتمند و نیکوبخت گردد و مؤلف گوید که اگر در این ساعتها روز و شب اینده عا بخواند مناسب خواهد بود بسم الله الرحمن الرحیم انت الله لا اله الا انت رب العالمین انت الله لا اله الا انت الرحمن الرحیم انت الله لا اله الا انت العلی الکبیر انت الله لا اله الا انت ملک یوم الدین انت الله لا اله الا انت الغفور الرحیم انت الله لا اله الا انت العزیز الحکیم انت الله لا اله الا انت منک بدء کل شیء والیک یعود انت الله لا اله الا انت لم تزل ولا تزال انت الله لا اله الا انت خالق الخیر والشر انت الله لا اله الا انت خالق الجنة والنار انت الله لا اله الا انت الاحد الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد انت الله لا اله الا انت الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون انت الله الخالق البارئ المصور لک الاسماء الحسنی یسبح لک ما فی السموات والارض وانت العزیز الحکیم انت الله لا اله الا انت الکبیر المتعال والکبریاء رداؤک و دیگر از آنحضرت مرویست که هر که هر روز هفت مرتبه بگوید الحمد لله علی کل نعمة کانت او هی کائنة ادای شکر نعمتهای گذشته و آینده کرده باشد والله اعلم بالصواب

جدول در بیان آنکه در هر ماه از ماههای قمری دو روز آن نحس است و در هر کار مرتکب نباید شد مگر ضرورت

روایت شده از امیرالمؤمنین علیه السلام که در سالی بیست و چهار روز نحس است تمام نمیشود امری که در آن روز شروع شود و زنده نمیماند طفلی که در آن روز متولد شود و ظفر بهم نمیرسد اگر در آن روز جنگ و قتل و دعوا واقع شود و درخت ترقی نمیکند اگر در آن روزها غرس شود در هر ماه دو روز

محرم	یازدهم	و بیست و چهارم
صفر	اول	و بیستم
ربیع الاول	دهم	و بیستم
ربیع الثانی	اول	و یازدهم
جمادی الاول	دهم	و یازدهم
جمادی الثانی	اول	و یازدهم
رجب	یازدهم	و سیزدهم
شعبان	چهارم	و بیستم
رمضان	سیوم	و بیستم
شوال	ششم	و هشتم
ذی القعده	ششم	و دهم
ذی الحجه	هشتم	و بیستم

ایام النصف الاول

براانکه نقل شده از حکماء یونان فصد و حجامت در نصف اول ماه عربی مضر بدن است نهایت نفع و از ین جدول استعلام هر دو میشود بدین دستور که مرقوم است

اول	مضر عروق است	[illegible]	مورث فرح ونشاط
دوم	مورث بیخوابی است	مفسد [illegible]	مورث صحت بدن است
سیوم	ضعیف میکند دماغ را	[illegible]	تقویت بدن میکند
چهارم	مورث صداعست	[illegible]	دفع میکند وجع چشم
پنجم	مورث زرد رنگیست	[illegible]	مورث صحت است
ششم	مورث رعشه اعصابست	[illegible]	نور قلب را زیاد میکند
هفتم	مورث موت مفاجات است	[illegible]	تقویت قلب میکند
هشتم	مورث صداعست	[illegible]	تفریح قلب و تقویت میکند
نهم	مورث وجع اعصابست	[illegible]	دفع میکند زرد رنگ
دهم	مورث دلو و الم است	[illegible]	صفا خاطر بهم میرسد
یازدهم	مورث خبط دماغ است	[illegible]	خلاص از مرض است
دوازدهم	مورث ضعف بدنست	[illegible]	ایمن میشود از خوف
سیزدهم	مورث ملولت است	[illegible]	تقویت قلب میکند
چهاردهم	مورث خارش است	[illegible]	خلاصی از مرض است
پانزدهم	مورث قولنج است	[illegible]	مثبت حکم آنرا

این جدول اختیارات از انخونات [illegible] مشتمل [illegible] احکام [illegible] منقول از [illegible]

حمل	نیکوست سفر و دیدن امرا و پوشیدن جامه سفید و تیر انداختن و ابتدا امور و فصد و حجامت بد است وضع بنا و زراعت
ثور	نیکوست بجهة عقد نکاح و درخت نشاندن و کتابت سوبری و خط نوشتن و دیدن و دوستان و کرکفتن از خصم و فرح و نشاط و شرکت و فروختن کنیزان و غلامان بد است و حمام و فصد
جوزا	نیکوست بیع نبدکان حبشی و خطا و ابتدا کتابت و دیدن امرا و تیر انداختن و پوشیدن جامه نو و سفر بد است ناخن چیدن و فصد و حجامت
سرطان	نیکوست پوشیدن جامه و سفر و شرب مسهل و کتابت خطوط و رفتن حمام بد است تزویج و بنای عمارت و فصد
اسد	نیکوست بستن عهدها و پیمانها و سر در عمل و فصد و اشتغال باعمال آتش کردن و طلب حاجات از سلاطین و نشستن در جلوس سلطنت و بیع نبدکان حبشی و خطا بد است پوشیدن جامه و سفر
سنبله	نیکوست سفر بر و بریدن جامه و تعلیم و تعلم و امر زراعت و بیع عبید ترک بد است تزویج و علاج و فصد و امر بصیاغت
میزان	نیکوست سفر و عقد و بیع جواهر و پوشیدن جامه و شرب آشامیدنیها تا آنکه بگذرد ماه هجده درجه و چون گذشت از هجده درجه بزینت در آن امر که کار [illegible] بد است
عقرب	نیکوست خوردن دارو و [illegible] مداوا جراحت و ساختن معجونها و رفتن بجانب و حمله بسوی دشمن بد است بجهة غیر این امور مذکور
قوس	نیکوست تزویج و تعلیم و فصد و شکار کردن بد است بیع جواهر و حیوانات و پوشیدن جامه و قرض کردن و سر تراشیدن و مسهل خوردن
جدی	نیکوست کار قنوات و پوشیدن جامه و سفید و بنا بجهة ابتغاء نظر از سحر خصوص هر وقت عطارد ناظر باشد بقمر و مکر و غدر بد است دیدن سلاطین و تزویج و فصد
دلو	نیکوست زراعت و گرفتن عهدها و پیمانها و خریدن بنده هندیه و غرس و تعمیر قلعها بد است نقل کردن از خانه و تزویج و فصد
حوت	نیکوست فصد و ناخن گرفتن و دیدن اشراف و دعوت

باب

در بیان احکام نجوم چون بحسب شرع معتبر نیست و بعضی از آنها چون خالی از قوتی نیست ذکر میشود

منسوبات زحل

بدانکه منسوبات زحل دهقانان و اهل دهات و صحرا نشینان و اهل قلاع و کوتوالان و گوشه نشینان و مشایخ و ارباب خاندان قدیم و دور فلک او در سی سال طی کند و در هر برجی در دو سال و نیم قطع کند و منسوب باقلیم هفتم است

منسوبات مشتری

بدانکه منسوبات مشتری علما و سادات و اشراف و امرا و عمال و قاضیان و صلحا و دانشمندان و اهل فتوی و مفسران و محدثان و کسانی که کار علوم شرعی کنند و دور او در دوازده سال تمام کند و در هر برجی یک سال قطع کند و منسوب باقلیم ششم است

منسوبات مریخ

بدانکه منسوبات مریخ کمانداران و جلادان و قصابان و قورچیان و جمله اهل سلاح و تیغ زنان و لشکریان و سرداران و سپهسالاران و دور او در دو سال و نیم تمام کند و در هر برجی در چهل و پنج روز قطع کند و منسوب باقلیم پنجم است

منسوبات شمس

بدانکه منسوبات شمس پادشاهان و سلاطین و بزرگان و امرا و فرمان روایان مملکت و دور فلک او در مدت یک سال طی کند و در هر برجی در یکماه قطع نماید و از اقلیمها اقلیم چهارم منسوب باوست

منسوبات زهره

بدانکه منسوبات زهره زنان و خواجه سرایان و اهل طرب و قوالان و رقاصان و مغنیان و ساده رخان و مردان و ارباب عیش و طرب و دور او در یک سال تمام کند و در هر برجی در یکماه قطع نماید و منسوب باقلیم سوم است

منسوبات عطارد

بدانکه منسوبات عطارد وزرا و دبیران و کتاب دفتر و عمال و متصرفه و کافه اهل قلم و علما علوم دقیقه و اطبا و منجمین و شعرا و نقاشان و متصرفه و دور او در یکسال طی کند و قطع بروج بترتیب بیکماه نماید و منسوب باقلیم دوم است

منسوبات قمر

بدانکه منسوبات قمر رسولان و پیکان و تاجران و ایلچیان و ملاحان و کشتی بانان و جاسوسان و شبانان و دزدان و فقرا و زرگران و عیاران و دور او در بیست و هفت روز و نیم تمام کند و در هر برجی در دو روز و نیم قطع نماید و منسوب باقلیم اول است

زحل با مشتری	که بهم رسند قران علویین گویند	زحل و مریخ	که بهم رسند قران نحسین گویند
زهره و عطارد	که بهم رسند قران سفلیین گویند	زهره و مشتری	که بهم رسند قران سعدین گویند
شمس و قمر	که بهم رسند آن اجتماع گویند	شمس با یک از اینها	غیر قمر که بهم رسند احتراق گویند
قمر با هر یک از اینها	غیر شمس که بهم رسند مقارنه گویند	قمر با راس چون برسد آن‌را	مجاسده گویند
اگر سه کوکب بهم رسند	قران ثلاثی گویند	اگر چهار کوکب بهم رسند	قران رباعی گویند
اگر پنج کوکب بهم	رسند قران خماسی گویند	اگر شش کوکب بهم رسند	قران سداسی گویند
اگر آفتاب با این شش کوکب باشد احتراق شش کوکب باشد			



آنچه از ماه شد منفی کن پنج دیگر قاطع
فزاید بر آن پس بهر پنج از آن ز موضع شمس خانه بگیرد ماه بود

ششم در بیان تعیین ساعات سعد بجهت اموری که در بعضی اوقات ضرور میشود سیما
در سفر که معلوم شود که قمر در برج عقرب نباشد بدانکه چون کسی خواهد که بداند که ماه کدام
برجست اولا باید دانست که آفتاب در کدام برجست و سیر آفتاب در بروج دوازده گانه
چند است اول برج حمل است که ابتدای آن نوروز سلطانیست که اول فصل بهار است و سه ماه
بهار است و سه ماه تابستان و سه ماه پاییز و سه ماه زمستان است بدین دستور حمل ٣١ روز
ثور جوزا سرطان اسد سنبله میزان عقرب قوس
٣١ روز ٣٢ روز ٣١ روز ٣١ ٣١ ٣١ ٣٠ ٣٠ ٢٩
جدی دلو حوت بدانکه حمل و ثور و جوزا سه ماه بهار است و نود و چهار روز است
٢٩ ٣٠ ٣٠
سرطان و اسد و سنبله سه ماه تابستان است و نود و سه روز است میزان و عقرب و قوس سه ماه پاییز
است و هشتاد و نه روز است جدی و دلو و حوت سه ماه زمستان است و آن نیز هشتاد و نه روز است چنانچه سیصد و
شصت و پنج روز است وچون دانستی که آفتاب در کدام برجست مثلا آفتاب حالا در برج سرطانست و دهم
ماه است ده دیگر بر آن بیفزاید تا بیست شود و پنج دیگر که خمسه مسترقه گویند بر آن بیفزایند که بیست و پنج شود
و بعد از آن پنج پنج طرح نمایند و ببینند که چند پنجست مثلا همین بیست و پنج طرح کنند ده پنج
بر دهند ابتدا از برج آفتاب نمایند که آن برج سرطانست چنانچه پنج بسرطان دادیم و پنج باسد و پنج بسنبله و
پنج بمیزان و پنج بعقرب چون پنج پنج تمام شود قمر در آن برجست اگر چنانچه از پنج آخر یکی کم باشد یا دو یا سه
کم هم بحساب پنج آمده اند مثلا یازدهم ماه است یازده دیگر داخل کردیم تا بیست و دو روز شد و
پنج داخل نمودیم بیست و هفت شد و همچنان آفتاب در سرطانست مجموع این حساب بیست و پنج و
پنج پنج و دو دیگر هم بحساب پنجست و پنجه شش پنج باشد هم از سرطان که خانه آفتابست بگیرد
مثلا پنج بسرطان دادیم و پنج باسد و پنج بسنبله و پنج بمیزان و پنج بعقرب و پنج بقوس پس معلوم شد که
ماه در قوس است عوض اگر سه میماند و اگر دو میماند و اگر یک میماند و اگر چهار میماند پنجست تا پنج تمام شود

جدول اختیارات نظرات قمر با کواکب سته

[illegible]	ه	بدایت جمله امور	[illegible]	ه	بدایت جمیع امور
	س	نیکست جمله مهمات		س	نیکست جمله مهمات
	ع	بدایت جمیع امور		ع	بدایت تمام کارها
	ث	نیکست جمیع مهمات		ث	نیکست جمیع امور
	ل	بدایت تمام امور		ل	بدایت جمله مهمات
[illegible]	ه	نیکست جمیع امور	[illegible]	ه	بدایت اکثر کارها
	س	بشرح لبعض		س	نیکست اکثر مهمات
	ع	شاید بعضی امور		ع	نیکست جمیع کارها
	ث	شاید اکثر امور		ث	نیکست جمیع کارها
	ل	شاید بعضی امور ضروری		ل	حذر از کارها اولی
[illegible]	ه	نیکست جمله امور صلح عقد	[illegible]	ه	شاید تعلیم و کتاب
	س	بشرح الفت		س	نیکست جمیع مهمات
	ع	شاید اکثر امور الا عقد		ع	شاید بحث علم و مناظره
	ث	نیکست جمله امور صلح عقد		ث	نیکست جمله امور
	ل	شاید اکثر امور مگر عقد		ل	شاید بعضی امور ضرورا

دعای روز اول رمضان اللهم اجعل صیامی فیه صیام الصائمین
وقیامی فیه قیام القائمین ونبهنی فیه عن نومة الغافلین وهب لی
جرمی فیه یا اله العالمین واعف عنی یا عافیا عن المجرمین روز دوم اللهم
قربنی فیه الی مرضاتک وجنبنی فیه من سخطک ونقماتک ووفقنی فیه
لقراءة آیاتک برحمتک یا ارحم الراحمین روز سیم اللهم ارزقنی فیه
الذهن والتنبیه وباعدنی فیه من السفاهة والتمویه واجعل لی نصیبا
من کل خیر تنزل فیه بجودک یا اجود الاجودین یا ارحم الراحمین روز
چهارم اللهم قونی فیه علی اقامة امرک وارزقنی فیه حلاوة
ذکرک واوزعنی فیه لاداء شکرک بکرمک واحفظنی بحفظک وسترک
یا ابصر الناظرین روز پنجم اللهم اجعلنی فیه من المستغفرین
واجعلنی فیه من عبادک الصالحین القانتین واجعلنی من اولیائک
المقربین برأفتک یا ارحم الراحمین روز ششم اللهم لا تخذلنی فیه
لتعرض معصیتک ولا تضربنی فیه بسیاط نقمتک وزحزحنی فیه من
موجبات سخطک بمنک وایادیک یا منتهی رغبة الراغبین روز
هفتم اللهم اعنی فیه علی صیامه وقیامه وجنبنی فیه من
هفواته وآثامه وارزقنی فیه ذکرک بدوامه بتوفیقک یا
هادی المضلین روز هشتم اللهم ارزقنی فیه رحمة الایتام واطعام
الطعام وافشاء السلام ومجانبة اللئام وصحبة الکرام بطولک
یا ملجأ الآملین روز نهم اللهم اجعل فیه نصیبا من رحمتک الواسعة
واهدنی فیه لبراهینک الساطعة وخذ بناصیتی الی مرضاتک الجامعة
بمحبتک یا امل المشتاقین روز دهم اللهم اجعلنی فیه من
المتوکلین علیک واجعلنی فیه من الفائزین لدیک واجعلنی
فیه من المقربین الیک باحسانک یا غایة الطالبین یازدهم
اللهم حبب الی فیه الاحسان وکره الی فیه الفسوق و

العصيان وحرم علي فيه السخط والنيران بعونك يا غياث
المستغيثين روز دوازدهم اللهم زيني فيه بالستر والعفاف
واسترني فيه بلباس القنوع والكفاف واحملني فيه على العدل
والانصاف وآمني فيه من كل ما اخاف بعصمتك يا عصمة الخائفين
روز سيزدهم اللهم طهرني فيه من الدنس والاقذار
وصبرني فيه على كائنات الاقدار ووفقني فيه للتقى وصحبة
الابرار بعونك يا قرة عين المساكين روز چهاردهم اللهم لا تؤاخذني
فيه بالعثرات واقلني فيه من الخطايا والهفوات ولا تجعلني فيه
غرضا للبلايا والآفات بعزتك يا عز المسلمين روز پانزدهم
اللهم ارزقني فيه طاعة الخاشعين واشرح فيه صدري بانابة
المخبتين بامانك يا امان الخائفين روز شانزدهم اللهم وفقني
فيه لموافقة الابرار واوني فيه برحمتك الى دار القرار بالهيتك
يا اله العالمين روز هفدهم اللهم اهدني فيه لصالح الاعمال
واقض لي فيه الحوائج والآمال يا من لا يحتاج الى التفسير
والسؤال يا عالما بما في صدور العالمين صل على محمد وآله
الطاهرين روز هيجدهم اللهم نبهني فيه لبركات اسحاره
ونور فيه قلبي بضياء انواره وخذ بكل اعضائي الى اتباع
آثاره بنورك يا منور قلوب العارفين روز نوزدهم اللهم
وفر فيه حظي من بركاته وسهل سبيلي الى خيراته ولا
تحرمني قبول حسناته يا هاديا الى الحق المبين روز بيستم
اللهم افتح فيه ابواب الجنان واغلق عني فيه ابواب النيران
ووفقني فيه لتلاوة القرآن يا منزل السكينة في قلوب
المؤمنين روز بيست يكم اللهم اجعل لي فيه الى مرضاتك
دليلا ولا تجعل للشيطان فيه علي سبيلا واجعل الجنة
لي

لي منزلا ومقيلا يا قاضي حوائج الطالبين روز بيست دويم اللهم
افتح لي فيه ابواب فضلك وانزل علي فيه بركاتك ووفقني فيه
لموجبات مرضاتك واسكني فيه بحبوحات جناتك يا مجيب دعوة
المضطرين روز بيست سيم اللهم اغسلني فيه من الذنوب وطهرني
فيه من العيوب وامتحن قلبي فيه بتقوى القلوب يا مقيل عثرات
المذنبين روز بيست چهارم اللهم اني اسألك فيه ما يرضيك واعوذ
بك مما يؤذيك واسألك فيه التوفيق لان اطيعك ولا اعصيك
يا جواد السائلين روز بيست پنجم اللهم اجعلني فيه محبا لاوليائك
ومعاديا لاعدائك مستنا بسنة خاتم انبيائك يا عاصم قلوب النبيين
روز بيست ششم اللهم اجعل سعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا
وعملي فيه مقبولا وعيبي فيه مستورا يا اسمع السامعين روز
بيست هفتم اللهم ارزقني فيه فضل ليلة القدر وصير اموري
فيه من العسر الى اليسر واقبل معاذيري وحط عني الوزر يا رؤوفا
بعباده الصالحين روز بيست هشتم اللهم وفر حظي فيه من
النوافل واكرمني فيه باحضار المسائل وقرب فيه وسيلتي
اليك من بين الوسائل يا من لا يشغله الحاح الملحين روز
بيست نهم اللهم غشني فيه بالرحمة وارزقني فيه التوفيق
والعصمة وطهر قلبي من غياهب التهمة يا رحيما بعباده المؤمنين
روز سي ام اللهم اجعل صيامي بالشكر والقبول على ما ترضاه
ويرضاه الرسول محكمة فروعه بالاصول بحق سيدنا محمد
وآله الطاهرين والحمد لله رب العالمين التماس دعا دارم

و دوست که از کسی طلبی در شب از سحر و ان سحر ندهد باید مدد او … صلی الله علی محمد و اله

اللهم هب لی الحفظة من الخطایا تیلیتیر وعلی غرمائی بها القضاء
ویلتیر لی بها منهم الاقتضاء انک علی کل شیء قدیر وصلی الله
علی محمد و اله اجمعین

از امام … حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام شکوه کرد از قرض خدای تعالی وحی کرد الله …

اللهم یا فارج الهم ومنفس الغم ومذهب الاحزان ومجیب دعوة المضطرین
یا رحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما انت رحمنی ورحمن کل شیء
فارحمنی رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک وتقضی بها عنی الدین

اگر … بقدر … هر آینه خدای تعالی ادا خواهد کرد

هر که این دعا … بخواند … در حکم
… اجل …

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الله ملء المیزان ومنتهی العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش لا ملجأ ولا منجا
من الله الا الیه عدد الشفع والوتر وعدد کلمات الله التامات ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وهو حسبی ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر وصلی الله علی خیر خلقه محمد واله اجمعین
پس ده نوبت صلوات … ده نوبت …
دعای نماز

یا فارج ذی النون یوم … یا جامع شمل یعقوب یوم … یا کاشف
ضر ایوب یوم … یا سامع دعوة
موسی وهارون یا رحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما صل وسلم علیهم
وعلی جمیع الانبیاء والمرسلین واقض حاجتی فی الدنیا والآخرة وطول
عمری فی طاعتک وعبادتک ورضاک وصلی الله علی محمد واله
اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

بسم الله الرحمن الرحیم

از امام … صلوات الله علیهم … اسم اعظم …
… عظیمه …

مجرب است

یا عدتی عند شدتی ویا غوثی عند
کربتی احرسنی بعینک التی لا تنام
واکفنی برکنک الذی لا یرام وارحمنی
یا ارحم الراحمین

6

بجهت گم شده دعا بخواند که الله [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم یا من ردت علیه الشمس رد علی ضالتی

بجهت خبر رسیدن از غایب نصف شب از خود

بر کناره خانه با استقبال و با وضو بایستد و هفتاد مرتبه بگوید یا معید و هر مرتبه [illegible] بگوید

یا معید رد علی فلان کس را [illegible]

بجهت آنکه هر گاه که دشمنی بهم رسانند و در ملاقات با او هر قدر سخن گفتن خواهند برابر او بخوانند مبهوت و لال گشته متعلق سخنی نتواند بگوید بسم الله الرحمن الرحیم

انا ارسلنا علیهم ریحا صرصرا فی یوم نحس مستمر تنزع الناس کانهم اعجاز نخل منقعر

هر که سوره کهف را در شب جمعه بخواند تا جمعه دیگر در امان خداوند بوده باشد و از جمیع آفات و بلیات محفوظ خواهد بود و ابواب رزق برو مفتوح است

تعقیب صبح

بسم الله الرحمن الرحیم الله اکبر کبیرا و سبحان الله بکرة واصیلا والحمد لله رب العالمین کثیرا لا شریک له وصلی الله علی محمد وآله بسم الله الرحمن الرحیم تعقیب صبح

اللهم انی اسئلک یا عالما بکل خفیة یا من السماء بقدرته مبنیة یا من الارض بقدرته مدحیة یا من الشمس والقمر بنور جلاله مضیئة یا من البحار بقدرته مجریة یا منجی یوسف من رق العبودیة یا من یصرف کل نقمة وبلیة یا من حوائج السائلین عنده مقضیة یا من لیس له حاجب یغشی ولا وزیر یرشی صل علی محمد وآل محمد واحفظنی فی سفری وحضری ولیلی ونهاری ویقظتی ومنامی واهلی ومالی وولدی والحمد لله وحده

هر که اول ماه مبارک رمضان سوره انا فتحنا را سه مرتبه بخواند تا آینده [illegible] رزق او گشاده گردد و اگر سوره الم نشرح را بجهت مهم و گشایش کار [illegible] مرتبه بخواند و اگر بخواند در عقب هر نماز یک مرتبه بخواند و هر که سوره قل یا ایها الکافرون را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب ده مرتبه بخواند حاجتش روا گردد

وفات مرحوم مغفور حجة الاسلام حاجی سید محمد باقر اعلی الله مقامه
در [illegible] ربیع الثانی ۱۲۶۰

وفات مرحوم مغفور حاجی محمد آباد [illegible] اعلی الله مقامه در ۱۲ [illegible] ۱۲۸۰

وفات مرحوم مغفور حاجی محمد [illegible]
در ۲۵ [illegible] ۱۲۸۱

وفات مرحوم مغفور حاجی محمد [illegible]
در ۵ رجب المرجب ۱۲۸۱

وفات مرحوم مغفور [illegible]
۳ ربیع الثانی ۱۲۵۵

وفات مرحوم مغفوره والده [illegible]
۱۳ [illegible] ۱۲۷۷

وفات مرحوم مغفور [illegible]
۲۷ محرم الحرام ۱۲۷۳

در وفات سرکار [illegible] اعلی الله مقامه
[illegible] ۲۷ ذی الحجه
۱۲۸۱

وفات مرحوم مغفور [illegible]
[illegible]
۲۹ جمادی الثانی ۱۲۹۰

فوت مرحوم [illegible]
[illegible] شوال ۱۲۸۸

فوت مرحوم و مغفور خلد آشیان
[illegible] کاظم [illegible]
۵ شوال ۱۳۱۱

فوت مرحوم مغفور خلد آشیان
[illegible] العلماء اعلی الله مقامه
۱۵ ربیع الاول ۱۳۱۵

فوت مرحوم [illegible] حسین [illegible]
در قزوین در ۲ ربیع الثانی ۱۳۱۰

فوت مرحوم مغفور خلد آشیان
[illegible] یوم [illegible]
رجب المرجب
۱۳۱۶

فوت [illegible] مرحوم [illegible] ۱۲۹۶

نمیکنم ولیکن اگر خروج نمائید و بر روی من بایستید و بیعت خلیفه خود را بشکنید پس بخدا سوگند که
تیغ کین از نیام انتقام میکشم و تا دسته شمشیر در کف منست خود را از محاربه و دفع شما معاف
نمیدارم هرچند هیچیک از شما یاری من نکنید و امید وارم که حق شناسان شما زیاده از
فتنه جویان باشند پس عبدالله بن ربیعه که هم سوگند بنی امیه بود برخواست و گفت این گونه
سخن که از تو ناشی شده دفع شری نمیکند و این کلام مردم ضعیف و سست رایست نعمان گفت
اگر ضعیف باشم و در طاعت خدا باشم نزد من بهتر است از آنکه غالب شوم در معصیت خدا
پس از منبر بزیر آمد و عبدالله بن مسلم بدین نحو نامه نوشت و در نامه درج نمود که مسلم بن عقیل بکوفه
آمده و شیعیان برای حسین بن علی با او بیعت مینمایند اگر کوفه را میخواهی کسی را بحکومت کوفه بفرست
که در امر دشمنان تو مانند تو اهتمام نماید زیرا که نعمان بن بشیر تاب مقاومت ندارد و یا دانسته
مسامحه مینماید و عمر بن سعد و دیگران نیز چنین نامها باو نوشتند چون یزید لعین بر مضامین نامها
اطلاع یافت سرجون [illegible] آزاد کرده معویه را طلبید و [illegible] درین باب مشورت کرد سرجون گفت
که من مصلحت میدانم که عبدالله زیاد علیهما اللعنه را والی کوفه گردانی که آتش فتنه در آن دیار بغیر
این بدترین اشرار کسی فرو نمیتواند نشاند چون یزید با ابن زیاد الفتی داشت اول قبول این رای
نمود سرجون گفت تو چه اعتقاد داری برای معویه گفت رای او را در هر باب متین میدانم
سرجون رقم معویه را بیرون آورد که امارت کوفه را باضافه امارت بصره برای آن لعین رقم
کرده بود چون رقم پدر خود را دید سرجون را امر کرد که رقم را برای او بفرست و نامه بعبیدالله
نوشت که دوستان من از کوفه برای من نوشته اند که مسلم بن عقیل وارد کوفه شده و لشکر
برای امام حسین جمع میکند چون نامه را بخوانی متوجه کوفه شو و او را بهر حیله که مقدور باشد بدست
آور و برای من بفرست یا بقتل آور یا از کوفه بیرون کن و نامه را بمسلم بن عمرو داد و
برای عبیدالله فرستاد چون در بصره نامه یزید بآن پلید رسید روز دیگر متوجه کوفه گردید
و عثمان برادر خود را در بصره نایب خود کردانید و ابن شهر آشوب و دیگران روایت کرده اند که چون

مسلم بن عقیل رضی الله عنه داخل کوفه شد در خانهٔ سالم بن مسیب نزول فرمود دوازده هزار کس با او
بیعت کردند و چون ابن زیاد لعین داخل شد در میان شب بخانهٔ هانی انتقال نمود و در پنهان از
مردم بیعت میگرفت تا آنکه بیست و پنجهزار نفر با او بیعت کردند و چون خواست که خروج کند هانی
او را مانع شد و گفت تعجیل مکن و شریک بن اعور همدانی با ابن زیاد از بصره آمده بود و در خانهٔ هانی نزول
کرد و بیمار شد و بر احوال مسلم مطلع گردید با مسلم گفت که عبیدالله بعیادت من خواهد آمد و چون
من او را مشغول سخن گردانم تو با شمشیر خود بیرون آی و کار او را بساز و علامت میان من و تو آنست که
آب بطلبم چون ابن زیاد بعیادت شریک آمد و شریک آب طلبید و مسلم خواست که بیرون آید
هانی او را مانع شد و گفت نمیخواهم که او در خانهٔ من کشته شود و بروایتی دیگر زنی از اهل خانهٔ هانی
او را منع شد و بروایت دیگر مسلم گفت که نخواستم که بمکر و غدر او را بکشم زیرا که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله نهی کرده است از کشتن بغدر چون بیرون آمدن مسلم تاخیر افتاد شریک شعری ادا کرد که
دلالت بر خروج او میکرد و ابن زیاد از آن شعر متوهم گردید و برخواست و بیرون رفت و
آن لعین چندانکه تفحص کرد بر احوال مسلم مطلع نشد و غلامی داشت معقل نام او را طلبید و
سه هزار درهم باو داد و او را بطلب مسلم فرستاد و گفت طلب کن شیعیان او را و هر یک
از ایشان را که بیابی اظهار محبت و ولایت اهل بیت کن و این زر را باو بده و باو بگو که این زر را
نذر کرده ام که صرف مقاتل دشمنان اهل بیت نمایم و از این راه ایشان را بازی ده و طرح آشنائی
با ایشان بیفکن و مکرر در پنهان با ایشان ملاقات کن شاید بر احوال مسلم بن عقیل مطلع گردی پس معقل
علیه اللعنة والعذاب الجحیم بمسجد در آمد و بجستجوی احوال و اوضاع مردم مینگریست ناگاه نظرش بمسلم
بن عوسجه افتاده شنید که جمعی میگفتند که این مرد برای امام حسین علیه السلام از مردم بیعت میگیرد چون این را
شنید بنزدیک ابن عوسجه آمد و در پهلوی او نشست تا از نماز فارغ شد پس گفت من مردی از
اهل شام و حق تعالی بر من منت نهاده است بمحبت اهل بیت رسالت و دوستان ایشان را دوست میدارم
و در ضمن این سخنان بسیار گریه میکرد و مبالغه در اظهار اخلاص و محبت مینمود پس گفت شنیده ام

و مخصوص گردانیده است ما اهل بیت را رحمت ای مسمع بدرستی که آسمان و زمین گریه میکنند از روزی
که امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شده است تا حال از برای ترحم بر ما و آنچه ملائکه برای ما میگریند زیاده از گریست
از روزی که ما کشته شده ایم گریه ملائکه ساکن نگردیده است و هر که گریه کند از برای ترحم بر ما
البته خدا رحمت خود را شامل حال او گرداند پیش از آنکه آب دیده او بیرون آید و چون
آب بر روی او جاری شود اگر قطرهٔ آب آن را در جهنم بریزند هر آینه حرارت آن را فرو نشاند و
کسی که دلش برای ما بدرد آید در وقت مردن چون ما را ببیند شاد گردد و آن شادی از دلش
زایل نشود تا در حوض کوثر بر ما وارد شود و چون دوستان ما نزد کوثر می آیند کوثر شاد میگردد
و از لذتهای الوان طعامها آنقدر بکام ایشان میرساند که نمیخواهند از آنجا برگردند ای مسمع هر که یک شربت
از آن آب بخورد بعد از آن هرگز تشنه نمیشود و تعب و مشقت نمی بیند و آن آب در سردی مانند
کافور است و بوی مشک از آن ساطع است و طعم زنجبیل در آن هست و از عسل شیرین تر و از مسکه نرم
تر است و از آب دیده صاف تر است و از عنبر خوشبوتر است و از چشمهٔ تسنیم بیرون می آید و در
نهرهای بهشت جاری میگردد و بر روی مروارید و یاقوت میگردد و بر کنار حوض کوثر قدحها است زیاده
از ستارگان آسمان و بوی خوش آن از هزار ساله راه بمشام مردم میرسد و قدحهای آن از طلا و نقره
و الوان جواهر است و چون کسی اراده میکند که از آن آب بیاشامد جمیع بویهای خوش را بمشام او میرسانند
و آشامنده میگوید که من راضیم که مرا همین جا بگذارید و نعمت دیگر نمیطلبم و تحویل از این مکان نمیخواهم
ای مسمع تو از آنها خواهی بود که از آن حوض سیراب میگردند و هر دیده که برای مصیبت ما گریان گردد البته
شاد میگردد بنظر کردن بسوی کوثر و همه دوستان ما از آن آب می آشامند و هر کس بقدر محبتی که با ما دارد
لذت از آن می یابد و بدرستی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر کنار کوثر ایستاده است و عصائی از چوب
عوسج در دست دارد و دشمنان ما را از آن آب میراند پس یکی از ایشان گوید که من در دنیا شهادت
بوحدانیت خدا و رسالت محمد میدادم چرا مرا آب نمیدهی حضرت در جواب او فرماید که برو نزد
امام خود ابوبکر و سوال کن که برای تو شفاعت کند گوید امام من امروز از من بیزاری میجوید حضرت

فرماید که برو نزد آنکسی که ولایت او را اختیار کرده بودی از او سؤال کن شفاعت کند زیرا که بهترین خلق
سزاوارتر است که شفاعت او رد نشود او گوید که از تشنگی هلاک شدم حضرت فرماید که خدا تشنگی
ترا زیاده گرداند راوی گفت من بخدمت حضرت عرض کردم که چنین مردی چگونه سزاوار آنست
که نزد کوثر بیاید حضرت فرمود زیرا که او پرهیزکاری نموده است از گناهان بسیار و چون ما
نزد او مذکور میشدیم ناسزا نمی گفت و حرمتهائی که دیگران در حق ما کرده اند نمیکرد و اینها نه از برای
او بوده که ما را دوست میداشته یا آنکه اعتقاد بامامت ما داشته ولیکن از بسکه مشغول عبادت
باطل خود بود نمیخواست که مشغول ذکر مردم بشود اما دلش منافق بود و دینش نصب عداوت
ما بود و متابعت اهل نصب مینمود و ولایت ابوبکر و عمر داشت و ایشان را بر همه کس تقدیم میداد
و بعضی از ثقات روایت کرده اند از سید علی حسینی که میگفت من مجاور مولای خود علی بن موسی
الرضا ع بودم چون روز عاشورا شد مردی از اصحاب ما مقتل حضرت امام حسین ع را میخواند
و باین روایت رسید که حضرت امام محمد باقر ع فرمود که هر که از دیدهای او در مصیبت امام
حسین ع بقدر پر پشه آب بیرون آید حق تعالی گناهان او را بیامرزد اگر چه مانند کف دریا
باشد و در آن مجلس جاهلی که مدعی علم بود حاضر بود و بعقل ناقص خود اعتماد تمام داشت گفت
این حدیث نمی باید که صحیح باشد و چگونه گریستن بر آنحضرت اینقدر ثواب داشته باشد
و با او مباحثه بسیار کردیم و از جهالت خود بر نگشت و برخاست چون روز شد نزد ما آمد
و زبان بمعذرت کشود و اظهار ندامت از گفتهای شب نمود و گفت چون از نزد شما رفتم
و در رخت خواب خود خوابیدم در خواب دیدم که قیامت برپا شده است و مردم را همه در یک صحرا
جمع کرده اند و ترازوی اعمال را آویخته اند و صراط را بر روی جهنم کشیده اند و دیوانهای عمل را
کشوده اند و آتش جهنم را افروخته اند و قصرهای بهشت را جلوه در آورده اند آنوقت تشنگی عظیم
بر من غالب شد چون نظر کردم بجانب راست حوض کوثر را مشاهده کردم و بر لب حوض دو مرد و یک
زن را دیدم که ایستاده اند و نور جمال ایشان صحرای محشر را روشن کرده است و جامهای سیاه

پوشیده اند و میگریند از مردم پرسیدم که اینها کیستند که بر کنار کوثر ایستاده اند گفتند که
یکی محمد مصطفی است و دیگری علی مرتضی و آن زن فاطمه زهرا است گفتم چرا سیاه پوشیده اند و میگریند گفتند
که نمیدانی که امروز روز عاشورا است و روز شهادت شهید کربلا است پس نزدیک حضرت
فاطمه علیها السلام رفتم و گفتم ای دختر رسول خدا من تشنه ام آنحضرت از روی غضب در
من نظر کرد و گفت تو نیستی که انکار فضیلت گریستن بر مصیبت فرزند پسندیده من
و نور دیده من حسین شهید مظلوم را و از دهشت این خواب بیدار شدم و از گفته خود بسیار
پشیمان شدم و اکنون از شما معذرت میطلبم که از تقصیر من در گذرید و ابن قولویه بسند معتبر از
از زراره روایت کرده است که از حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که ای زراره بدرستی که آسمان گریست
بر حسین ع چهل صباح بخون و زمین گریست چهل صباح بسیاهی و آفتاب گریست چهل صباح بسرخی
و کوهها پاره پاره شدند و از هم پاشیدند و دریاها بجوش و خروش آمدند و ملائکه چهل روز بر آنحضرت
گریستند و زنان بنی هاشم خضاب نکردند و روغن نمالیدند و سرمه نکشیدند و موی سر خود را
شانه نکردند تا سر عبیدالله بن زیاد را برای ما آوردند و ما پیوسته در گریه ایم از برای مصیبت آن
حضرت و جدم علی بن الحسین ع چون پدر بزرگوار خود را یاد میکرد آنقدر میگریست که ریش مبارکش
از آب دیده اش تر میشد و هر که آنحضرت را بآنحال میدید از گریه او میگریست و ملائکه نزد قبر امام
شهید می آیند و گریه برای او میکنند و بگریه ایشان مرغان هوا و هر که در هوا و آسمانست از ملائکه
[...]ند چون روح مقدس آنحضرت از بدن مطهرش مفارقت کرد جهنم نعره زد که نزدیک
بود دلها از هم بشکافد و چون جان پلید عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه علیهما اللعنة از بدن نحس
ایشان بدر رفت بخروش آمد و اگر حق تعالی امر نمیکرد که خزینه داران جهنم را حبس نمایند هر آینه
هر چه بر روی زمین بود از جوش و خروش ایشان میسوخت و اگر ایشان را رخصت میدادند هر آینه
هر چه بر روی زمین بود فرو میبرد ولیکن مأمورست با مر خداوند خود و خازنان او را بزنجیرها دارند
و چندین مرتبه بر خازنان خود زیادتی کرد و تاب مقاومت او نیاوردند تا آنکه حضرت جبرئیل آمد و بال

پیش داشت و زبانه او را در کرد و آنرا ساکن کردانید و بدرستی که جهنم گریه و ندبه میکند بر آنحضرت و مجروح میشد
بر قاتلان آنحضرت و اگر حجتهای خدا بر روی زمین نمیبود هر آینه زمین را سرنگون میکرد و هیچ دیده
نزد خدا محبوب تر و هیچ گریه نزد خدا پسندیده تر نیست از دیده که بر آنحضرت اشک فرو ریزد و
و هر که بر آنحضرت میگرید پس بتحقیق که بحضرت فاطمه علیها السلم کرده است و یاری آنحضرت نموده است و احسان بحضرت
رسالت پناه کرده است و حق ما اهل بیت را ادا کرده است و در قیامت هیچ بنده محشور نمیشود که دیده
او گریان نباشد مگر کسی که بر جدم حسین علیه السلام گریسته باشد از روی او ظاهر میگردد و خلایق در ترس و اندوه اند
و گریه کنندگان بر حسین علیه السلام ایمن اند و همه خلایق را بمقام حساب میبرند و ایشان در زیر عرش خدا
در خدمت آنحضرت نشسته اند و از حساب نمیترسند و ملائکه نزد ایشان می آیند و از برای ایشان تکلیف
دخول بهشت مینمایند و ایشان ابا میکنند و میگویند که مجالست و صحبت آنحضرترا ببهشت نمیدهیم و لقای آنحضرت
خوشتر است ما را از بهشت و حور و غلمان برای ایشان پیام میفرستند که ما را شوق ملاقات شما بنهایت
رسیده است و ایشان بسبب سرور و شادی که از مجالست آنحضرت دارند سر بالا نمیکنند که ایشانرا
بشنوند و دشمنان اهل بیت را می بینند که برو بسوی آتش میکشند و ایشان بعضی از ایشان میگو
کار انرا می بینند پس میگویند که نیست ما را شفاعت کننده در این روز و نه دوستی و یاری که ما را
از شدت و آزادی نجات دهد پس ملائکه پیغام از جانب زنان ایشان و خزینه داران بهشتهای
ایشان می آورند و برای ایشان وصف میکنند نعمتهای را که حق تعالی برای ایشان در بهشت مهیا
کرده است ایشان در جواب میگویند که ما خواهیم آمد انشاء الله تعالی نزد شما و چون جواب پیغام ایشان
بحوران و غلمان و خازنان بهشتهای ایشان میرسد و میشنوند که ایشان در خدمت آنحضرت در زیر
عرش نشسته اند شوق ایشان بملاقات آنها زیاده میگردد پس این همنشینان آنحضرت میگویند که
حمد و سپاس خداوندی را که فزع اکبر و اهوال این روز را از ما برداشت و ما را نجات داد از آنچه میترسیدیم
پس اسبان و شتران از بهشت با محملها از برای ایشان می آورند و ایشان سوار میشوند و مشغول
حمد و ثنای حضرت عزت و صلوات بر حضرت رسول و آل او می باشند تا داخل منازل خود گردند

مجلس دویم در بیان بعضی از کفر قاتلان آنحضرت و شدت عذاب ایشان و ثواب لعنت کردن بایشان
ابن بابویه علیه الرحمه بسندهای معتبر از حضرت امام رضا علیه السلم روایت کرده است که حضرت رسول
فرمود که قاتل حسین بن علی صلوات الله علیهما در تابوتی از آتش است نصف عذاب اهل دنیا مقرر است
از برای او و دستها و پاهای او را بزنجیرها از آتش بسته اند و او را سرنگون در قعر جهنم آویخته
اند و از گند بوی بد او استعاذه میکنند اهل جهنم بسوی پروردگار خود و آن ملعون با جمیع یاوران
خود و هر که معاونت او بر قتل آنحضرت کرده است ابد الاباد در جهنم خواهند بود و هر چند سوخته شوند پوستهای
ایشان حق تعالی بدل آن پوست تازه می رویاند تا آنکه شدت عذاب الهی را دریابند و یک ساعت
عقوبت از ایشان ساکن نباشد و حمیم جهنم در حلق ایشان میکنند پس وای بر ایشان از عذاب جهنم
و ایضاً باسانید معتبره از آنحضرت روایت کرده است که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود سوال کرد که
برادر من هرون مرده است او را بیامرز حق تعالی وحی کرد باو که ای موسی اگر شفاعت کنی در حق گذشتگان
و آیندگان هر آینه شفاعت ترا قبول کنم بغیر از قاتل حسین بن علی علیه السلام که البته از قاتل او انتقام
میکشم و ایضاً بسند معتبر از آنحضرت روایت کرده است که حضرت رسول صلعم فرمود که خواهند کشت
حسین را بدترین امت و هر که بیزاری جوید از فرزندان او کافر شده است بمن و ایضاً بسند
معتبر از آنحضرت روایت کرده است که حضرت رسول صلعم فرمود که در جهنم منزلی است که کسی مستحق نمیشود
آنرا مگر قاتل حسین بن علی و یحیی بن ذکریا علیهم السلام و ایضاً از عمر بن میسره روایت کرده است
که گفت روزی دیدم حضرت رسول صلعم را که امام حسن و امام حسین علیهما السلام را در دامان خود نشانیده
بود و گاهی این را و گاهی دیگری را میبوسید و بامام حسین علیه السلام میگفت وای بر کسی که ترا بقتل میرساند
و ابن قولویه و کلینی بسند معتبر از داود رقی روایت کرده اند که گفت روزی در خدمت حضرت
صادق علیه السلام بودم که آب طلبید چون بیاشامید آب از دیده های مبارکش ریخت و فرمود که ای داود
خدا لعنت کند قاتل حسین را پس هر بنده که آب بیاشامد و یاد کند آنحضرترا و لعنت کند
بر قاتل او البته حق تعالی صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار گناه از او دور کند و صد

هزار درجه برای او بلند کند و چنان باشد که صد هزار بنده آزاد کرده باشد و در روز قیامت با شاد و خرم
مبعوث کردد و ایضاً کلینی بسند معتبر از داود بن فرقد روایت کرده است که گفت روزی در
خدمت حضرت صادق ع نشسته بودم و کبوتر راعبی در خانهٔ آنحضرت صدا میکرد حضرت فرمود
که ای داود میدانی که این مرغ چه میگوید گفتم نه والله فدای تو شوم فرمود که نفرین و لعنت میکند
بر قاتلان امام حسین ع پس آن کبوتر را در خانه خود نگاه دارید و ایضاً باسانید صحیحه بسیار از حضرت
صادق ع روایت کرده که قاتل یحیی بن زکریا ولد الزنا بود و قاتل امام حسین ع نیز ولد الزنا بود
و آسمان بر کسی نگریست مگر بر ایشان **مطلب سیوم** در بیان چند مجلس که بعضی از وقایع آنحضرت
است **مجلس اول** در بیان انکه مصیبت آن حضرت عظیمترین مصیبتها است و بیان علت انکه چرا — مجلس اول
حق تعالی منع نکرد قاتلان آنحضرت را از قتل او و رد قول جماعتی که میگویند آنحضرت شهید نشد و در
نظر مردم چنین نمود و ابن بابویه بسند معتبر از عبد الله بن فضل روایت کرده است که گفت
بحضرت صادق علیه السلم عرض کردم که یا ابن رسول الله بچه علت روز عاشورا روز اندوه و
جزع و مصیبت و گریه است و روزی که حضرت رسالت پناه ص بعالم بقا رحلت فرمود و روزی که
حضرت فاطمه ع دار فانی را وداع نمود و روزی که حضرت امیر المؤمنین ع شهید شد و روزی که حضرت
امام حسن ع مسموم گردید در جزع و مصیبت آن روز از جمیع روزها عظیم تر است حضرت صادق علیه السلم
فرمود زیرا که اصحاب کساء و آل عبا گرامی ترین خلق بودند نزد حق تعالی و مردم ایشان را با یکدیگر
مشاهده میکردند و آیات کرامت و فضل ایشان با یکدیگر نازل میشد پس چون حضرت رسالت
پناه ص از دنیا رفت حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلم در میان مردم بودند و مردم
خود را بدیدن ایشان تسلی میدادند پس حضرت فاطمه ع چون از دنیا رفت مردم خود را بحضرت امیر
المؤمنین علیهم السلم تسلی میدادند و چون حضرت امیر المؤمنین ع شهید شد دیدن حسن و حسین علیهم — و حسن و حسین ع
السلم موجب تسلی مردم گردید چون حضرت امام حسن ع شهید شد مردم بحضرت و افر البرکات
حضرت امام حسین ع در درد و مصیبت مفارقت و اندوه آن بزرگواران [illegible] میکردند و مردم د...

که زودتر بمنزل خود برسند و بنعیم ابدی متنعم گردند و ایضاً بسند معتبر از ابو حمزهٔ ثمالی روایت کرده است که
روزی حضرت علی بن الحسین ع نظر کرد بسوی عبید الله پسر عباس بن علی بن ابی طالب و آب از دیده مبارکش
روان شد و فرمود که هیچ روز بر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله سخت تر از روز احد نبود که
عم او شیر خدا و رسول حمزه بن عبد المطلب را در آن روز شهید شد و بعد از آن روز بود که پسر
عم او جعفر بن ابی طالب شهید شد پس حضرت فرمود که روزی بروز امام حسین ع نمیرسد که
سی هزار نامرد دعوی میکردند که ازین امت اند آن امام مظلوم را در میان گرفتند و هر یک
تقرب میجستند بسوی خدا بخون او و آنحضرت ایشان را موعظه میکرد و خدا را بیاد ایشان می آورد و پند
پذیرا نشدند و دست از او بر نداشتند تا انکه او را بجور و ستم و عدوان شهید کردند پس
فرمود که خدا رحمت کند عباس را که جان فشانی و مردانگی کرد و جان خود را فدای برادر خود
گردانید تا انکه دستهایش را بریدند پس حق تعالی بعوض دستهای او دو بال با و کرامت کرد که با و با
ملائکه در بهشت پرواز میکند چنانچه جعفر بن ابی طالب را دو بال داده اند بدرستی که عباس را
نزد خداوند عالمیان منزلتی هست که جمیع شهدا در روز قیامت آرزوی منزلت او میکنند و ابن
قولویه بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که هیچ شهیدی نیست مگر انکه آرزو
میکنند که کاش با امام حسین ع شهید شده بودم و با آنحضرت داخل بهشت میشدم **مجلس سیوم** در — مجلس سیوم
بیان فرستادن سید جلیل و نوبادهٔ بوستان کرامت و تبجیل حضرت مسلم بن عقیل را بجانب
کوفه و شهادت آن بزرگوار چون رسل و رسایل کوفیان بی وفا از حد گذشت حضرت امام حسین ع
مسلم بن عقیل پسر عم خود را که بوفور عقل و علم و تدبیر و صلاح و سداد و شجاعت و سخاوت و متانت
از همگنان ممتاز بود طلبید و برای بیعت گرفتن از اهل کوفه با قیس بن مسهر صیداوی و عمارة
بن عبد الله سلولی و عبد الرحمن بن عبد الله ازدی متوجه آن صوب گردانید و امر کرد او را بتقوی و
پرهیزکاری و کتمان امر خود از مخالفان و حسن تدبیر و لطف و مدارا فرمود که اگر اهل کوفه بر بیعت من
اتفاق نمایند بزودی حقیقت حال را بمن عرض نما پس مسلم رضی الله عنه حضرت را وداع نمود ...

رفت و در مسجد مدینه نماز کرد و حضرت رسالت صلی الله علیه و آله را زیارت کرده بخانهٔ خود در آمد و
اهل و یاران خویشان خود را وداع نمود و دو دلیل از قبیلهٔ قیس گرفته متوجه کوفه شد ایشان
راه گم کردند و آبی که برداشته بودند باخر رسید و تشنگی بر ایشان غالب گردید و آن دو مرد از
شدت عطش هلاک شدند مسلم بمشقت بسیار خود را بسر آب رسانید و از آنجا نامه بخدمت حضرت
امام حسین ع نوشت و حقیقت حال خود را و مردن آن دو مرد را از تشنگی در آن نامه درج کرده و نوشت
که من ابتدا این سفر این واقعه را بفال برای خود نیکو ندانستم اگر مصلحت دانید مرا ازین سفر معاف
دارید و نامه را بقیس بن مظهر داده بخدمت حضرت فرستاد حضرت در جواب آن نوشتند که
گمان من آنست که خوف و ترس ترا باعث شده است که از من استعفا مینمائی از رفتن این سفر چون
نامهٔ آنحضرت باو رسید روانه شد و در اثنای راه مردی را دید که تیری بسوی آهوئی افکند و آهو بر زمین
افتاد و هلاک شد مسلم گفت ان شاء الله دشمن خود را خواهم کشت بظاهر چنین گفت اما در خاطر
شریفش از مشاهدهٔ آن حال پریشانی بهم رسید و چون داخل شهر کوفه شد در خانهٔ مختار بن
عبیده ثقفی نزول اجلال فرمود مردم کوفه از استماع قدوم مسلم اظهار سرور و بشاشت نمودند و
فوج فوج بخدمت او می آمدند و او نامهٔ حضرت امام حسین را برایشان میخواند و ایشان از استماع آن
نامه گریه میکردند و بیعت میکردند تا آنکه بر دست مسلم هشتده هزار نفر از اهل کوفه بشرف بیعت
آنحضرت سرافراز گردیدند پس مسلم عریضه بخدمت آنحضرت نوشت که حال هشتده هزار نفر
از اهل کوفه به بیعت شما در آمده اند اگر متوجه اینصوب گردید مناسب است و چون تردد شیعیان
بخدمت مسلم بسیار شد نعمان بن بشیر که از جانب معویه و یزید حاکم و والی بود بر حقیقت حال
مطلع شد و بمسجد در آمد و بر منبر بر آمد و بعد از حمد و ثنای الهی و درود حضرت رسالت پناهی گفت
اما بعد ای بندگان خدا از خدای تعالی بترسید و بسوی فتنه و افتراق امت مبادرت منمائید که موجب
کشته شدن مردان و ریختن خون مسلمانان و نهب و غارت اموال ایشان میگردد و کسی که با من جنگ کند
من با او در مقام جنگ نمی آیم و تا شما در آرمید شما را بشورش در نمی آورم و بتهمت و گمان کسی را العقوبت

یکی از اهل بیت در این شهر آمده است که برای فرزند رسول خدا از مردم بیعت بگیرد و از ترس مخالفان
پنهان گردیده است و سه هزار دینار برای او بنذر آورده ام و کسی مرا راهنمائی نمیکند که باو برسانم
در این مسجد متحیر بودم در کار خود ناگاه شنیدم که جماعتی میگفتند که این مرد بر احوال اهل بیت
رسالت مطلع است و بسوی تو اشاره میکردند باین سبب بنزدیک تو آمده ام که این مال را از من
بگیری و مرا بشرف ملازمت فرستادهٔ امام مشرف گردانی و امیدوارم که ازین شرف محروم
نگردانی که من از محبان ایشانم و اگر خواهی از من بیعت بگیر و آخر مرا بخدمت او برسان ابن
عوسجه از او بازی خورده و گفت خدا را حمد میکنم بر آنکه دوستی از دوستان اهل بیت را ملاقات
کردم و از دیدن تو شاد شدم و لیکن آزرده شده ام از آنکه مردم بر احوال من مطلع گردیده اند
آن محیل ملعون گفت آزرده مباش که آنچه برای شما میشود خیر است و اکنون بزودی از من بیعت
بگیر که میخواهم داخل بیعت امام خود شوم آن ساده لوح بیچاره کلمات دروغ او را بر صدق حمل
کرده از او بیعت گرفت و بایمان مغلظه از او عهد گرفت که در مقام خیرخواهی باشد و افشای این
راز ننماید پس آن ملعون چند روز بخانهٔ ابن عوسجه میرفت تا آنکه ابن عوسجه بر او اعتماد کرد و او را
بخدمت مسلم بن عقیل برد و بیعت را تازه کرد و مال را سپرد و هر روز بخدمت مسلم میرفت و
بر خفایای احوال شیعیان مطلع گردید و ابن زیاد لعین را خبر داد و چون هانی از ابن زیاد مستوهم بود
ببهانهٔ بیماری بمجلس آن ملعون حاضر نمیشد روزی ابن زیاد پرسید که چرا هانی بنزد ما نمی آید گفتند
او بیمار است گفت شنیده ام که بهتر شده است و بر در خانهٔ خود می نشیند پس محمد بن اشعث و اسماء بن
خارجه و عمرو بن الحجاج را طلبید و دختر عمرو در حبالهٔ هانی بود ایشان را فرستاد بنزد او و گفت او را
تکلیف کنید که بمجلس ما در آید زیرا که او از اشراف عرب است و نمیخواهم که میان من و او غباری و
کدورتی مرتفع گردد پس ایشان بنزد هانی آمدند و او را بار داده بمجلس آن ملعون در آوردند و
هانی در راه با ایشان میگفت که من ازین ملعون خایفم و ایشان او را تسلی میدادند که بدی از تو
در خاطر ندارد چون نظر ابن زیاد لعین بر هانی افتاد گفت بپای خود بمحل قصاص آمدی چون داخل

مجلس شد با او شروع بعتاب کرد و گفت این چه فتنه است که در خانه خود برپا کرده و با یزید در
مقام خیانت درآمده و مسلم را در خانه خود جا داده و لشکر و سلاح برای او جمع میکنی هانی
انکار کرد پس ابن زیاد معقل را طلبید چون نظر هانی بر معقل افتاد دانست که آن ملعون جاسوس
ابن زیاد بوده است و آن لعین را بر خفایای اسرار ایشان مطلع گردانیده است دیگر نتوانست
انکار کرد گفت بخدا سوگند که من او را بخانه خود نیاورده‌ام و او بیخبر شبی بخانه من آمد و
از من امان طلبید و من نتوانستم او را بیرون کنم اکنون سوگند یاد میکنم که اگر مرا رخصت
دهی بروم و او را از خانه خود بیرون کنم و باز بنزد تو آیم و اگر خواهی گروکانی میدهم که نزد
تو باشد تا من برگردم ابن زیاد گفت بخدا سوگند که دست از تو برنمیدارم تا او را نزد من
حاضر گردانی هانی گفت بخدا سوگند که هرگز نخواهد شد که من دخیل و مهمان خود را بدست تو بسپارم
که او را بقتل رسانی پس ابن زیاد مبالغه کرد در آوردن او و او مضایقه مینمود چون سخن میان
ایشان بطول انجامید مسلم بن عمرو باهلی برخواست و گفت ایها الامیر بگذار تا من در خلوت
با او سخن بگویم و دست او را گرفت و بکنار قصر برد و گفت ای هانی خود را بکشتن مده و قبیله
خود را ببلا میفکن و میان مسلم و ابن زیاد و یزید رابطه قرابت و خویشی است و او را
نخواهد کشت تو مسلم را باین بده و خود را از بلا رهائی ده هانی گفت بخدا سوگند که این ننگ را
بر خود نمی‌پسندم که مهمان خود را بدست دشمن دهم تا آنکه صحیح و سالم و اعوان و یاوران دارم
بخدا سوگند که اگر هیچ یاور نداشته باشم تا کشته نشوم مسلم را باو نگذارم چون ابن زیاد لعین
این سخن را شنید هانی را بنزد خود طلبید و گفت بخدا سوگند که اگر الحال مسلم را حاضر نکنی گردنت را
میزنم هانی گفت که اگر اراده این امر نمائی شمشیرها از غلاف کشیده شود و آتش حرب مشتعل گردد
ای ابن زیاد تو با این سخنان مرا میترسانی پس چوبی که در دست داشت برد و بر روی و بینی او بسیار زد
تا آنکه چوب شکست و خون بر ریش و سینه او جاری شد پس هانی دست بقائمه شمشیر کرد که
از غلاف بکشد ابن زیاد ببانک بر غلامان خود زد که او را گرفتند و در خانه افکندند و در

و در حدیث دیگر فرمود که چون جدم امام حسین ع شهید شد آسمان خاک و خون سرخ بارید گر بر آنحضرت آنقدر
گریه کنی که آب دیده بر روی تو جاری گردد حق تعالی جمیع گناهان کوچک و بزرگ ترا بیامرزد پس فرمود
که اگر خواهی که چون بمیری هیچ گناه بر تو نباشد زیارت کن امام حسین ع را و اگر خواهی که در غرفهای
بهشت با رسول خدا ص و آل او باشی لعنت کن قاتلان آنحضرت را و اگر خواهی که ثواب شهدای کربلا
داشته باشی هر وقت که مصیبت آنحضرت را بیاد آوری بگو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا
عظیما یعنی کاشکی میبودم با ایشان پس رستگاری مییافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات
عالیه بهشت با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد باش و ابن قولویه بسند معتبر
روایت کرده است از ابن خارجه که گفت روزی در خدمت حضرت امام جعفر صادق ع بودیم و حضرت
امام حسین ع را یاد کردیم حضرت گریست و ما گریستیم پس حضرت سر برداشت و فرمود که حضرت
امام حسین ع میفرمود که منم کشته شده بگریه و زاری و هیچ مؤمنی مرا یاد نمیکند مگر آنکه گریان
میگردد و شیخ مفید بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده است که هر جزع کردن و گریستن مکروه است
بغیر از جزع کردن و گریستن بر حضرت امام حسین ع و ایضا از آنحضرت روایت کرده است که روزی حضرت
امیر المؤمنین ع نظر کرد بسوی حضرت امام حسین ع و فرمود که سبب گریه هر مؤمنی پس حضرت امام
حسین ع فرمود که من چنینم ای پدر حضرت فرمود که بلی ای فرزند گرامی و ابن بابویه و ابن قولویه
بسندهای معتبر از ابو عماره روایت کرده‌اند که گفت روزی بخدمت حضرت صادق ع رفتم
حضرت فرمودند که شعری چند در مرثیه امام حسین ع انشا کن چون شروع کردم حضرت گریان
شد و من مرثیه میخواندم و حضرت میگریست تا آنکه صدای گریه از خانه آنحضرت بلند شد
و در روایت دیگر حضرت فرمود که با آن روشی که در پیش خود میخوانید و نوحه میکنید بخوان
چون خواندم حضرت بسیار گریست و صدای گریه زنان آنحضرت از پشت پرده بلند شد و چون
فارغ شدم حضرت فرمود که هر که شعری در مرثیه امام حسین ع بخواند و پنجاه کس را بگریاند بهشت
او را واجب گردد و هر که سی کس را بگریاند بهشت نیز او را واجب گردد و هر که پنج کس را بگریاند

اِلَیْکَ فَاقْبَلْهُ مِنِّی وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِی مِنْکَ یَا کَرِیمُ **فصل سیوم** در بیان اول ماه محرم و ثواب گریستن بر مصیبت سید الشهدا امولای و مولی الکونین ابی عبد الله الحسین ع و ماتم داشتن و برای مصیبت آنحضرت و اندوهناک بود برآنحضرت و ثواب لعنت کردن بر قاتلان آنحضرت خصوصا در روز عاشورا و ذکر بعضی از وقایع آنحضرت و اعمال روز عاشورا و در این فصل چهار مطلب است **مطلب اول** در بیان اعمال اول ماه بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول ص در اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا بر میداشتند و این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاِلٰهُ الْقَدِیمُ وَهٰذِهِ سَنَةٌ جَدِیدَةٌ فَاَسْاَلُکَ فِیهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ وَالْقُوَّةَ عَلَی النَّفْسِ الْاَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغَالَ بِمَا یُقَرِّبُنِی اِلَیْکَ یَا کَرِیمُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ یَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ یَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ یَا غِیَاثَ مَنْ لَا غِیَاثَ لَهُ یَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ یَا کَنْزَ مَنْ لَا کَنْزَ [لَهُ] یَا حَسَنَ الْبَلَاءِ یَا عَظِیمَ الرَّجَاءِ یَا مُعِینَ الضُّعَفَاءِ یَا مُنْقِذَ الْغَرْقٰی یَا مُنْجِیَ الْهَلْکٰی یَا مُنْعِمُ یَا مُجْمِلُ یَا مُفْضِلُ یَا مُحْسِنُ اَنْتَ الَّذِی سَجَدَ لَکَ سَوَادُ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ وَدَوِیُّ الْمَاءِ وَحَفِیفُ الشَّجَرِ یَا اَللّٰهُ لَا شَرِیکَ لَکَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا خَیْرًا مِمَّا یَظُنُّونَ وَاغْفِرْ لَنَا مَا لَا یَعْلَمُونَ وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا یَقُولُونَ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ اٰمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا یَذَّکَّرُ اِلَّا اُولُوا الْاَلْبَابِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهَّابُ فرمود که چون حضرت سید الشهدا علیه السلام در دهم این ماه بسعادت شهادت فایز گردیده و در اکثر این دهه محزون و غمگین بودند و جفاها از دشمنان بایشان میرسید باید که شیعیان ایشان در مجموع این ده روز بلوازم تعزیت آنحضرت قیام نمایند

او را واجب گردد و هر کرا گریه نیاید خود را بگریه دارد بهشت او را واجب شود و در روایت دیگر فرمود که هر که آنحضرت را بیاد آورد و از دیده او بقدر پر مگسی آب بیرون آید ثوابش بر خداست و خدا راضی نشود از برای او بثوابی بغیر از آنکه بهشت را کرامت فرماید و شیخ مفید بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت امام حسین ع نزد پروردگار خود است و نظر میکند بلشکرگاه خود و محل قبر خود و شهدائی که نزد او مدفونند و نظر میکند بسوی زیارت کنندگان خود و او بهتر میشناسد نامهای ایشان و پدران ایشان و درجات و منازل ایشان نزد خداوند عالمیان از شناختن یکی از شما فرزندان خود را و می بیند کسی را که بر او گریه میکند طلب آمرزش میکند برای او و سوال میکند از پدران خود که برای او طلب آمرزش کنند و میگوید که اگر بداند زیارت کننده من آنچه خدا برای او مهیا کرده است هر آینه فرح او زیاده از جزع او خواهد بود و چون زیارت کننده او بر میگردد بر او هیچ گناهی نمانده است و بسند معتبر از مسمع بن عبد الملک روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که ای مسمع تو از اهل عراقی آیا بزیارت قبر امام حسین ع میروی گفتم نه من مردی مشهورم از اهل بصره و نزد ما جماعتی هستند که تابع خلیفه اند و دشمنان بسیار داریم از اهل قبایل از ناصبیان و غیر ایشان و ایمن نیستیم که احوال ما را بوالی بگویند و از ایشان ضررها بمن رسد حضرت فرمود که آیا هرگز بخاطر می آوری آنچه با آنحضرت کردند گفتم بلی فرمود که جزع میکنی برای مصیبت آنحضرت گفتم بلی بخدا سوگند که جزع میکنم و میگریم تا آنکه اهل من اثر اندوه در من مییابند و امتناع میکنم از خوردن تا از حال من آثار مصیبت ظاهر میشود حضرت فرمود که خدا رحم کند گریه ترا بدرستی که تو شمرده میشوی از آنها که جزع میکنند از برای ما و شاد میشوند برای شادی ما و اندوهناک میشوند برای اندوه ما و خایف میگردند از برای خوف ما و ایمن میگردند برای ایمنی ما و زود باشد که ببینی در وقت مرگ خود که پدران من حاضر شوند نزد تو و سفارش کنند ملک موت را از برای تو بآنها که دهند ترا دیده تو روشن گردد و شاد شوی و ملک موت بر تو مهربانتر شود از مادر مهربان نسبت بفرزند خود پس حضرت گریست و من نیز گریستم و فرمود که حمد میکنم خداوندی را که فضل داده است ما را بر خلق خود برحمت

ومحزون وغمگین واندوهناک باشند واحادیث که مشتمل بذکر مصایب ایشان باشد بخوانند وعلما گفته اند
که ترک از لذات بکنند وابن بابویه بسند حسن از ریان بن شبیب روایت کرده است که در روز
اول محرم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم فرمود که ای پسر شبیب روزه تو گفتم نه فرمود
که این روزیست که حق تعالی دعای حضرت زکریا را مستجاب کرد در وقتی که از حق تعالی فرزند طلبید ملیکه
او را ندا کردند در محراب که خدا بشارت میدهد ترا به یحیی ع پس هر که این روز را روزه دارد دعا او
مستجاب گردد و روز سیوم محرم حضرت یوسف ع از چاه بیرون آمد هر که آن روز را روزه دارد حق تعالی
کار صعب را براو آسان گرداند وغمها او را زایل گرداند و روز نهم ودهم را روزه ندارد زیرا
که بنی امیه این دو روز را برای برکت وشماتت وقتل آنحضرت روزه میداشته اند واحادیث
بسیار در فضیلت روزه مذکور بر حضرت رسول صلعم بسته اند واز طریق اهل بیت ع احادیث
بسیار در مذمت این روز خصوصا روز عاشورا وارد شده است مطلب دوم در بیان ثواب
گریستن بر مصیبت آنحضرت وثواب لعنت کردن بر قاتلان آن امام سید الشهدا خصوصا
در روز عاشورا واین مطلب در دو مجلس ذکر میشود مجلس اول در بیان ثواب گریستن بر مصیبت آن
حضرت ابن بابویه بسند معتبر از حضرت امام رضا ع روایت کرده که ماه محرم ماهی بود که اهل جاهلیت
قتال را در اینماه حرام میدانستند ومنافقان این امت خون ما را حلال دانستند وهتک حرمت
ما کردند وزنان وفرزندان ما را اسیر کردند وآتش در خیمهای ما زدند واموال واسباب ما را
غارت کردند وحرمت حضرت رسول صلعم را در حق ما رعایت نکردند بدرستی که مصیبت حضرت امام حسین ع
چشمهای ما را مجروح کرد وآب دیدهای ما را جاری ساخت وعزیزان ما را ذلیل گردانید واقعه کربلا کرب و
بلای ما را میراث کرد تا روز قیامت پس باید که بر مصایب آنحضرت گریه کنند بدرستی که گریه بر آنحضرت
گناهان بزرگ را بریزد پس فرمود که پدرم صلوات الله علیه چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را
خندان نمیدید واثر حزن واندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع دهه اول ماه وچون روز دهم
روز مصیبت وگریه واندوه آنحضرت بود میفرمود که امروز روز شهادت امام حسین است

روی او بستند چون حسان بن اسما این حالت را مشاهده کرد گفت تو ما را فرستادی که این مرد را
بجیله آوردیم واز جانب تو امان دادیم اکنون با او غدر مینمایی ابن زیاد بانک برو زد ودشنام داد
وگفت او را گردن زدند واو در کناری نشست دراینحالت محمد اشعث لعین گفت مرا از امیر است
وآنچه با او میکند بکرده او راضیم خبر بعمرو بن حجاج رسید که هانی کشته شد عمرو قبیله مذحج را جمع
کرد ودار الاماره آن لعین را احاطه کرد وفریاد زد که منم عمرو بن حجاج واینک شجاعان قبیله مذحج
جمع شده اند وطلب خون هانی مینمایند ومیگویند که از او چیزی صادر نشده بود به چه سبب او را بقتل
آوردی ابن زیاد لعین از اجتماع ایشان متوهم گردید وشریح قاضی را گفت که برو وهانی را
ببین ومردم را خبرده که او زنده است چون شریح نزد هانی رفت دید که خون از روی هانی جاری است
ومیگوید که کجا اند خویشان ویاوران من چند نفر از ایشان بقصر درآیند ومرا از شر این ملعون
نجات دهند پس شریح بیرون آمد واز بالای قصر صدا زد که هانی زنده است وآسیبی بوی نرسیده
وچون اهل قبیله او شنیدند که او در حیات است پراکنده شدند وابن زیاد بمسجد درآمد با اتباع
وملازمان خود واشراف کوفه بر منبر رفت ومردم را از تفرق ومخالفت ترسانید ومطیعان را بنوازش
وبخشش امیدوار گردانید دراینحالت جمعی بمسجد دویدند وخبر آوردند که مسلم خروج کرده است
ومتوجه دار الاماره است ابن زیاد مضطرب گردیده از منبر بزیر آمد وخود را بدار الاماره افکند
ودرها را بر روی خود بست عبد الله بن حازم روایت کرده که من در مجلس ابن زیاد بودم که
هانی را طلب کرد وامر کرد بحبس او وچون آنحالت را مشاهده کردم بنزد مسلم آمدم وقضیه را
باو نقل کردم چون اصحاب مسلم در خانه هانی جمع شده بودند مسلم مرا امر کرد که ندا کنم ندا کردم
در میان ایشان که بیرون آیند ومنادیان را فرمود که ندا کردند که یا منصور امت وچون بی
وفایان اهل کوفه ندای مسلم را شنیدند بر در خانه هانی جمع شدند ومسلم بیرون آمد وبرای هر
علمی ترتیب داد واندک وقتی مسجد وبازارها پر شد از اصحاب او وکار بر ابن زیاد تنگ
شد وزیاده از پنجاه نفر در دار الاماره با او نبودند وبعضی از یاران او که در بیرون بودند راهی

یافته که بنزد او روند پس اصحاب مسلم رضی الله عنه قصر آن ملعون را در میان گرفتند و سنگ می افکندند
و دشنام میدادند ابن زیاد و مادرش را ابن زیاد کثیر بن شهاب را طلبید و گفت تو بیرون رو
با هرکه ترا اطاعت نماید از قبیلهٔ مذحج و مردم را عقوبت یزید و سوء عاقبت حرب شدید بترسان
و در معاونت مسلم سست گردان بعد از او محمد پسر اشعث را فرستاد که قبیلهٔ کنده را بر سر
خود جمع کند و رایت امان بگشاید و ندا کند که هرکه در تحت این رایت در آید بجان و مال و عرض
در امان باشد و همچنین قعقاع ذهلی و شبث ربعی و حجار بن ابجر و شمر ذی الجوشن را برای این کار فریب
دادن آن بیوفایان غدار بیرون فرستاد و پسر اشعث علمی طلب کرد و جمعی بر سر او جمع شدند
و آن گروه دیگر بوساوس شیطانی مردم را از موافقت مسلم پشیمان میکردند و جمعیت ایشان را
بتفرق مبدل گردانیدند تا آنکه گروه بسیار از آن گروه غدار گرد آوردند و از راه عقب
قصر دار الاماره در آمدند و چون آن ملعون کثرتی در اتباع خود مشاهده کرد علمی برای شبث
ربعی ترتیب داد و او را با گروهی از منافقان بیرون فرستاد و ابن زیاد اشراف کوفه را امر کرد که
بر بام قصر بر آمدند و اتباع مسلم را ندا کردند که ای گروه بر خود رحم کنید و پراکنده شوید که اینک
لشکرهای شام میرسند و شما را تاب مقاومت ایشان نیست و اگر اطاعت کنید امیر متعهد است
که عذر شما را از یزید در خواهد و عطاهای شما را مضاعف گرداند و سوگند یاد کرده است که اگر متفرق
نشوید چون لشکرها برسند مردان شما را بقتل آورند و بیگناه را بجای گناهکار بکشند و زنان
شما را بر اهل شام قسمت کند و مردم از استماع این سخنان متفرق میشدند تا آنکه چون شام شد
زیاده از سی نفر با مسلم نمانده بود چون اینحالت را مشاهده کرد بر غدر و مکر اهل کوفه مطلع گردید
داخل مسجد شد و نماز شام را ادا کرد چون از نماز فارغ شد ده نفر با او مانده بودند خواست که
از مسجد بیرون رود چون از در کنده بیرون رفت هیچکس با او نمانده بود آن غریب مظلوم در
کار خود متحیر گردید چون پاره راه رفت بدر خانهٔ طوعه رسید و آن کنیز اشعث بن قیس بود
که او را آزاد کرده بود و اسید حضرمی او را تزویج نموده بود و از او پسری بهمرسانیده بود که او را

خود را بدیدن او تسلی میگردانیدند و چون حضرت امام حسین ع شهید شد کسی از آل عبا نماند که مردم خود را
بدیدن او تسلی دهند پس رفتن آنحضرت مثل رفتن همهٔ ایشان بود و ماندن آنحضرت مثل ماندن همه
ایشان بود و باین سبب روز مصیبت آنحضرت بدترین روزهاست راوی گفت یا ابن رسول الله
آیا دیدن حضرت علی بن الحسین ع موجب تسلی مردم نمیگردید حضرت فرمود که بلی علی بن الحسین علیه
السلام سید عابدان و پیشوای مردان و حجت خداوند عالمیان بود بعد از پدران بزرگوار
خود لیکن حضرت رسالت را ملاقات نکرده بود و از او حدیث نشنیده بود و علمش بمیراث از پدر
و جد باو رسیده بود و مردم حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلم را با
با حضرت رسالت دیده بودند و در مجالس و مشاهد متعدده ایشان را با یکدیگر دیده بودند و از آنحضرت
فضایل و مناقب ایشان را شنیده بودند و هر یک از ایشان را که میدیدند همه را بخاطر می آوردند و متذکر
آن احوال و اقوال میگردیدند و چون حضرت امام حسین ع که رفت هیچکس نماند که بدیدن او متذکر آن
مشاهد و مواقف شوند و آن فضایل و مناقب را بیاد آورند پس گویا در آن روز همه ایشان رفته اند
و باین سبب مصیبت آنحضرت عظیم ترین مصیبتهاست راوی گفت یا ابن رسول الله پس چگونه سنیان
روز عاشورا را روز برکت میشمارند حضرت گریست و فرمود که چون جدم حسین ع شهید شد
مردم در شام تقرب جستند بسوی یزید پلید علیه اللعنة و العذاب الشدید و احادیث را برای او وضع
کردند و اموال و جوایز گرفتند و از جملهٔ احادیثی که از برای او وضع کردند احادیث برکت و فضیلت
آن روز بود مردم عدول نمایند از جزع و گریه و مصیبت و اندوه بسوی فرح و شادی و تبرک و تهیه کردن
امور و مهیا کردن آذوقه خدا حکم کند میان ما و ایشان پس حضرت فرمود که ای پسر عم
این احادیث بر اهل اسلام کمتر است از آنچه وصف میکنند جماعتی که محبت ما را بر خود بسته اند و
دعوی میکنند که اعتقاد بامامت ما دارند و مع ذلک دعوی میکنند که حسین ع کشته نشده و در
نظر مردم چنین نمود که او کشته شده و در واقع کشته نشده پس بنا بر گفتهٔ این مردم باید که
عقابی و شنعتی بر بنی امیه نباشد ای پسر عم هرکه دعوی کند که حسین ع کشته نشده پس تکذیب کرد

خدا کرده است و ائمه هدی بدروغ نسبت داده اند در خبرهای که ایشان نقل از حضرت داده
و هر که ایشان را تکذیب کند کافر است بخداوند عظیم و خونش مباحست برای هر که بشنود
این سخن را از او پس راوی گفت یا بن رسول الله چه میفرمائی در باب جماعتی از شیعیان شما که این اعتقاد
دارند حضرت فرمود که آنها از شیعیان ما نیستند و من از ایشان بیزارم پس حضرت فرمود که
خدا لعنت کند غالیان را که در حق اهل بیت غلو میکنند و از حد بدر میروند و مفوضه میگویند حق تعالی کار
عالم را بایشان گذاشته است زیرا که ایشان صغیر شمردند معصیت خدا را و کافر شدند بخدا و شرک
از برای خدا اقرار داده اند و گمراه شده اند و مردم را گمراه کرده اند برای آنکه اقامت فرایض خدا نکنند
و حقوق خدا و خلق را ادا نمایند **مجلس دویم** در بیان فضیلت شهدا که با آنحضرت شهید شدند ابن بابویه
بسند معتبر روایت کرده است که مردی از حضرت صادق ع پرسید که یا بن رسول الله چه سبب داشت
که اصحاب حضرت امام حسین ع با آنکه میدانستند که کشته میشوند اقدام بر جهاد مینمودند و بی باکانه
خود را در دریای جنگ می افکندند حضرت فرمود که پرده از پیش چشم ایشان برداشته بودند و
منزلهای خود را در بهشت دیده بودند پس مبادرت مینمودند که کشته شوند و بمنزلهای خود برسند و حوریهای
خود را در بر گیرند قطب راوندی بسند صحیح از ابوحمزه ثمالی روایت کرده است که حضرت علی بن الحسین
صلوات الله علیه فرمود که من با پدرم در شبی که صبحش شهید شد در آن شب با اصحاب خود فرمود که اینک
شب در آمد و راه گریختن بر شما گشوده شد پس در این شب بگریزید که آن گروه جفا کار مرا می طلبند
و با دیگری کار ندارند و اگر مرا بکشند از پی شما نخواهند آمد و من بیعت خود را از گردن شما گشودم
ایشان گفتند بخدا سوگند که این هرگز نخواهد شد حضرت فرمود که فردا کشته خواهید شد و یکی از
شما بدر نخواهد رفت ایشان گفتند حمد میکنیم خدا را که ما را مشرف کرده است باین کرامت که با تو
شهید شویم پس ایشان دل بر شهادت گذاشتند و حضرت دعا کرد ایشان را و فرمود که سرها بالا کنید
چون نظر کردند درجات و منازل خود را در بهشت دیدند پس حضرت منزل هر یک را نشان داد که همه
منزل خود را و قصور و نعمتهای و حور خود را دیدند و باین سبب آن صحرا و به نیزه و شمشیر میرفتند

فرموده است که بزودی با آن مکان خواهم رسید و گویا می بینم که در این زودی اعضای من پاره پاره خواهد
شد در صحرای کربلا و چاره نیست از دریافتن روزی که مقدر گردیده است برای این امر و ما اهل بیت
بقضای الهی رضا داده ایم و در بلای آن صبر مینمائیم تا عطا کند ما را بهترین جزای صبرکنندگان
و بزودی پاره پاره در حظیره قدس نزد حضرت رسالت مجتمع خواهد گردید و حق تعالی دیده او را
روشن خواهد گردانید و وعدهای خود بعمل خواهد آورد و هر کرا آرزوی شهادت باشد و خواهد
که جان در راه نصرت ما در بازد و بسعادت ابدی فایز گردد با ما رفیق شود که فردا روانه ایم ان شاء الله
تعالی و ایضاً روایت کرده اند از زراره بن صالح که گفت بخدمت حضرت امام حسین ع
رسیدم سه روز قبل از توجه آنحضرت بجانب عراق و عرض کردم که مردم کوفه دلهای ایشان
با تست و شمشیرهای ایشان با بنی امیه است پس حضرت بدست مبارک خود بجانب آسمان اشارت
کرد ناگاه آسمان گشوده شد و از افواج ملائکه آنقدر بزیر آمدند که عدد ایشان بغیر از خدا کسی
نمیتواند کرد حضرت فرمود که اگر نه آرزوی سعادت شهادت و شوق ملاقات حضرت رسالت ص
و رضا بقضای جناب احدیت میبود هر آینه با این لشکرها با اعدا جهاد میکردم لکن بیقین میدانم
که من و اهل بیت و اصحاب من در آنجا شهید خواهیم شد و از فرزندان من بغیر از امام زین
العابدین کسی از نسل من رهائی نخواهد یافت و ایضاً بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده اند که
در شبی که سید شهدا عازم گردید که در صبح متوجه کوفه گردد محمد بن حنفیه بخدمت آنحضرت
و گفت ای برادر تو دانستی غدر و مکر اهل کوفه را نسبت بپدر و برادر خود و میترسم که با تو نیز
کنند اگر در مکه بمانی که حرم خداست عزیز و مکرم خواهی بود و کسی در مکه متعرض تو نمیتواند
حضرت فرمود که ترسیدم یزید پلید مرا در مکه شهید گرداند و نمیخواهم که [illegible] حرمت بسبب من ضایع

چرا متوجه سفر کردیدی حضرت فرمود که چون تو حضرت رسالت نزد من آمد و فرمود که ای حسین بیرون
رو که حق تعالی میخواهد که ترا در راه خود کشته ببیند محمد گفت اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ
هرگاه تو با این عزم میروی زنان خود را چرا با خود میبری حضرت فرمود که حق تعالی میخواهد که ایشان را
اسیر ببیند پس محمد حنفیه رضی الله عنه با دل بریان و دیده گریان آن امام عالیمقام را وداع کرده
جدا شد و عبد الله بن عباس بخدمت آنحضرت آمد و مبالغه در ترک آن سفر کرد حضرت فرمود که حضرت
رسول مرا امری فرموده و مخالفت امر آنحضرت هرگز نخواهم کرد پس ابن عباس بیرون آمد
میگریست و فریاد و احسینا میکرد محمد بن ابی طالب روایت کرده است که چون ولید والی مدینه شنید
حضرت امام حسین متوجه عراق شده است نامه به پسر زیاد نوشت که شنیدم که حسین متوجه عراق
است و او فرزند فاطمه دختر رسول خداست متعرض و مشو که آسیبی و مران که تا دنیا باقیست باشد
لعنت دوست و دشمن کردی چون نامه با و رسید تاثیری در وی نکرد مجلس هفتم در بیان
شهادت حر و اصحاب کبار آنحضرت بسند معتبر منقول است که بعد از فرستادن
ضایع اصحاب آنحضرت با آن اشقیا مرویست که آنحضرت بجهت اتمام حجت ندا کرد در میان
مخالفان که ای شبث بن ربعی و ای حجار و ابن یزید بن الحذری و ای قیس بن اشعث
یزید بن حارث آیا شما ننوشتید بسوی من که میوها رسیده و صحرا سبز شده و لشکرها برای تو
گردیده بزودی بیا که همه ترا یاری میکنیم قیس بن اشعث جواب گفت که اکنون این
فایده ندارد دست از جنگ بدار و بحکم پسران عم خود راضی شو که ایشان نسبت بتو بدی
نکرد حضرت فرمود که نه بخدا که سوگند که خود را بدست شما دهم و ذلیل و نامرد نکردم
مانند بندگان طوق اطاعت در گردن نیفکندارم پس با آواز بلند ندا کرد که یا عِبادَ اللهِ

و بسید زجد خود بزرگوار خود ملحق گردید بروایت امام محمد باقر حرمله بن کاهل لعین عبد الله را بدرجه شهادت
رسانید و شهادت او بروایت دیگر بعد ازین مذکور خواهد شد پس ابو بکر فرزند حضرت امام حسن بمعرکه
قتال شتافت و گروهی از مخالفان را برخاک هلاک انداخت تا آنکه بضربت عبد الله عقبه غنوی لعنه الله
باهل بیت بزرگوار خود ملحق گردید و رخت از سرای فانی به بهشت جاوید کشید مجلس هشتم در بیان مقتل و شهادت
اولاد حضرت امیر المؤمنین که چون نوبت بایشان رسید مرویست که برادران بزرگوار آن امام اخیار
رخصت جهاد طلبیدند اول عبد الله فرزند امیر المؤمنین او را ابو بکر میگفتند قدم در میدان کارزار
نهاد و گروهی از کفار را بسرای جحیم فرستاد و بتیغ عبد الله عقبه غنوی یا زجر بن بدر لعنهما الله شربت
شهادت نوشید بروایت امام محمد باقر بضربت نامردی از قبیله همدان بریاض جنان انتقال نمود و بعد از
آن بزرگوار عمر بن علی عزم میدان کرد اول قاتل برادر خود را بجهنم فرستاد پس جرخوانان خود را
برصف منافقان زد و بسیاری از ایشان را بخاک هلاک انداخت تا آنکه بپدر بزرگوار خود ملحق گردید
پس عثمان پسر امیر المؤمنین پای در میدان نهاد و خرمن عمر بسیاری از آن کافران بر باد داد تا
آنکه خولی اصبحی لعین تیری بر جبین مبین آن سید کمین زد که از اسب در گردید و سر مبارکش را نامردی از
فرزندان ابان بن دارم جدا کرد و در آنوقت از عمر شریف او بیست و یک سال گذشته بود پس جعفر
پسر امیر المؤمنین که جوان نوزده ساله بود بعزم شهادت رو بمیدان آورد و بروایت امام محمد باقر
خولی اصبحی تیری بر شقیقه یا دیده آن سید عدیم النظیر زد که با آن تیر بوالد کبیر خود ملحق شد
بروایت دیگر بضربت هانی پسر خضرمی بسرای باقی شتافت و بعد از او عبد الله پسر امیر المؤمنین بیاری
برادر بزرگوار بمعرکه کارزار در آمد و گروهی از شقاوت بتیغ آبدار شربت ناگوار چشانید و در آخر
بتیغ هانی پسر ثبیت علیه اللعنه خلعت بابرکت شهادت پوشید و بسایر شهدای اهل بیت رسالت
ملحق گردید گویند که در آنوقت از عمر شریفش بیست و پنج سال گذشته بود پس محمد پسر حضرت امیر بکوی
رو بلشکر مخالف آورد و بتیغ نامردی از قبیله بنی تمیم بنعیم ابدی رسید و از امام محمد باقر و امام
جعفر صادق روایت کرده اند که مادر عباس بن جعفر و عثمان و عمر اولاد حضرت امیر المؤمنین که در صحرای

کربلا شهید شدند ام البنین دختر حزام کلابیه بود چون در مدینه خبر شهادت آن بزرگواران باو رسید
هر روز بقبرستان بقیع میرفت و بر فرزندان شهید خود نوحه میکرد و اهل مدینه بصدای گریه و نوحه
او میگریستند حتی مروان با آن شقاوت و عداوت که با اهل بیت رسالت داشتند از ندبه او
بیتاب میشد و میگریست و عباس رضی الله عنه از همه برادران خود بزرگتر بود و بحسن و جمال و صباحت
و شجاعت و قوت و شوکت و تنومندی و بلندی قامت از اهل زمان خود ممتاز بود و چون بر اسپان
بلند سوار میشد پاهای او بر زمین میکشید و او را ماه بنی هاشم میگفتند و در آن روز آن بزرگوار علم دار
حضرت سید الشهدا بود و چون عباس دید که کسی بغیر از آن امام مظلوم و فرزندان معصوم و زنان
بخدمت برادر نماند آمد و گفت ای برادر مرا رخصت فرما که جان خود را فدای تو کنم و خود را بذروه
رفیعه شهادت رسانم حضرت از استماع سخنان جانسوز آن برادر در هجران سیلاب اشک خونین از دیده
حق بین خود روان کرد و گفت ای برادر تو علم دار منی و از رفتن تو لشکر من از هم بپاشد عباس گفت
ای برادر بزرگوار سینه من از کشته شدن برادران و یاران و دوستان تنگ شده است و از زندگی
ملول شده ام و آرزومند لقای حق تعالی گردیده ام دیگر تاب دیدن مصیبت دوستان ندارم میخواهم
بطلب خون برادران و خویشان خود از مخالفان برآورم آن امام غریب فرمود که اگر البته عازم
سفر آخرت گردیده آبی برای این کودکان بهم رسان که عصمت کودکان اهل بیت رسالت تحصیل کن که
از تشنگی بیتاب گردیده اند عباس نزدیک آن سنگین دلان بیحیا رفت و گفت ای گروه نادان
اگر بگمان شما گناه کاریم زنان و اطفال چه گناه کرده اند که ایشان را تشنه میکشید شربت آبی
بایشان رسانید چون دید که نصیحت و پند در آن کافران اثر نمیکند بخدمت حضرت برگشت
ناگاه از خیمهای حرم صدای العطش بگوش او رسید بیتاب شد و بر اسپ خود سوار شد و نیزه
و مشک برداشت و متوجه شط فرات شد چون نزدیک نهر رسید چهار هزار نامرد که بر آب موکل
بودند آن غریب مظلوم را در میان گرفتند و بدن شریفش را تیرباران کردند آن شیر بیشه شجاعت
خود را بر آن سپاه بیقیاس زد و هشتاد نفر از ایشان را با تیغ جانستان بر زمین افکند و خود را به آب

رسانید و چون کفی از آب برگرفت که بیاشامد تشنگی آن امام مظلوم و اهل بیت او را بیاد آورد و آب را
ریخت و مشک را پر کرد و بر دوش خود کشید و جنگ کنان متوجه خیمهای حرم گردید و آن کافران بیحیا
سر راه بر او گرفتند و بر دور او احاطه کردند با ایشان محاربه میکرد و راه می پیمود ناگاه یزید بن
ورقا لعنه الله از کمین در آمد و حکیم بن طفیل نیز او را مدد کرد و ضربتی بر آن سید بزرگوار زد
و دست راست او را جدا کردند آن شیر بیشه شجاعت و نهال حدیقه امامت مشک را بر دوش چپ
کشید و شمشیر را بدست چپ گرفت و جهاد میکرد و راه میرفت ناگاه حکیم بن طفیل حرامزاده ضربتی بر
آن زد و دست چپش را جدا کرد آن فرزند شیر خدا مشک بدندان گرفت و میدوانید که آب را بآن
تشنگان برساند ناگاه تیری بر مشک خورد و آب بزمین ریخت و تیر دیگر بر سینه بیکینه اش
آمد و از اسپ در گردید پس ندا کرد که ای برادر بزرگوار مرا دریاب و بروایت دیگر نوفل بن ارزق علیه اللعنه
عمودی بر سر آن زد که ببال سعادت بریاض جنت پرواز کرد و آب کوثر از دست پدر بزرگوار
خود نوشید چون امام حسین ع صدای آن برادر نیکو کار را شنید خود را باو رسانید و چون ورا بآن حال
مشاهده کرد آه حسرت از دل پر درد کشید و قطرات اشک خونین از دیده بارید و فرمود الآن
انکسر ظهری یعنی در اینوقت پشت من شکست و بروایت حضرت امام جعفر صادق ع حق تعالی
بعوض دو دست دو بال باو کرامت کرد که در ریاض جنت با آن بالها سعادت پرواز میکند
چون عباس شهید شد و کسی از اهل بیت رسالت بغیر اولاد کرام آنحضرت نماند مجلس هشتم در بیان
مقتل و شهادت اولاد سید شهدا امام حسین ع که چون نوبت بایشان رسید زمین و آسمان
طپیده و مرویست که علی اصغر که بعلی اکبر مشهور است نزد پدر بزرگوار آمد و آهنگ میدان کرد و آن
خورشید فلک امامت در آنوقت هشت سال از عمر شریفش گذشته بود و بیست و پنج سال نیز گفته اند
و اول اصح است و در حسن و جمال و فضل و کمال عدیل نداشت و بصورت شبیه ترین مردم بود بحضرت
رسالت و هرگاه اهل مدینه مشتاق لقای آنحضرت میشدند نزد آن امامزاده عالی مقام می آمدند و
بجمال با کمالش نظر میکردند و حضرت امام زین العابدین ع فرمود که چون آن امامزاده عالی تبار

بعد متوجه میدان کارزار شد حضرت امام اخیار آب از دیدهای مبارک فرو ریخت و رو بجانب آسمان کرد و
فرمود که خداوندا گواه باش بر ایشان که فرزند بحضرت رسالت و شبیه‌ترین مردم در کمال صورت و
سیرت بآنحضرت بسوی ایشان میرود و هرگاه مشتاق لقای پیغمبر تو میشدیم بسوی جمال او نظر میکردیم خداوندا
برکتهای زمین را از ایشان منع کن و ایشان را پراکنده گردان و والیان را از ایشان راضی مگردان که ایشان
ما را طلب کردند که یاری کنند الحال شمشیر کین بر روی ما کشیدند پس حضرت بر عمر نحس لعین بانگ زد که
چه میخواهی از ما ای بدترین اشقیا خدا رحم ترا قطع کند و هیچ کار ترا بر تو مبارک نگرداند و بعد از من
بر تو مسلط گرداند کسی را که ترا در میان رخت خواب ذبح نماید چنانچه رحم مرا قطع کردی و قرابت حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله را در حق من رعایت نکردی پس بآواز بلند این آیه را که در شان اهل بیت نازل شده
است تلاوت نمود إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى
الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ پس آن [illegible] زاده نامدار
و امامزاده عالی‌تبار مانند خورشید تابان از افق میدان طالع گردید و عرصهٔ نبرد را بنور جمال خود
منور گردانید و جمیع لشکر مخالف حیران جمال آن آفتاب اوج عزت و جلالت گردیدند و چون
بمیان میدان رسید چندانکه مبارز طلبید کسی جرات مبارزه او ننمود آن شیر بیشهٔ هیجا تیغ از
نیام کشیده آن لئیمان شقاوت انجام را طعمهٔ شمشیر آتشبار خود گردانید و بهر طرف که حمله میکرد گروهی را
برخاک هلاک می افکند و بهر جانب که متوجه میشد از کشته پشته بلند میکرد بروایت امام زین العابدین ع
چهل و پنج کس را طعمهٔ شمشیر خود گردانید و بروایت معتبر دیگر صد و بیست نفر از آن بیدینان بد اختر را
بسوی عذاب سقر فرستاد پس نزد پدر بزرگوار خود آمد و گفت ای پدر مهربان از تشنگی بجان
آمدم اگر شربت آبی بیابم دمار از دشمنان بر می آورم حضرت امام حسین ع سیلاب اشک از دیده
بارید و فرمود که ای فرزند ارجمند سعادتمند بر حضرات محمد مصطفی و علی مرتضی علیهما السلام دشوار است
که ترا باینحالت تشنه ببینند و شربت آبی بتو نتوانند رسانید پس زبان جگر گوشهٔ خود را در دهان
مبارک خود گذاشت و مکید و انگشتری خود را بآن فرزند دلبند داد که در دهان گذاشت

و فرمود که ای نور دیده برو بجنگ دشمنان دین که در این زودی از دست جد بزرگوار خود از حوض کوثر سیراب
خواهی شد پس آن جگر گوشهٔ سید شهدا و سبط شیر خدا خود را بر قلب لشکر اعدا زد و شصت نفر
از ایشان را بدرک اسفل نیران فرستاد و در آخر کار منقذ بن مره عبدی ضربتی بر سر آنسرور زد که بروی
زمین در افتاد و بر گردن اسب چسپید و اسب او را بمیان لشکر مخالف برد و آن بیرحمان بر آن جگر
گوشهٔ رسول خدا را بضرب شمشیر پاره پاره کردند پس فریاد کرد که ای پدر بزرگوار اینک جد عالیمقدارم
را از کاسهٔ حوض کوثر سیراب گردانید که هرگز تشنه نخواهم شد و کاسهٔ دیگر برای تو در کف گرفته و
انتظار تو میکشد و بروایت دیگر تیری بر حلق مبارکش آمد و سیلاب خون جاری شد و در خون خود
میغلطید ناگاه فریاد زد که ای پدر بزرگوار مهربان بر تو باد سلام و اینک جد من رسول الله ترا سلام میرساند
و انتظار تو میکشد پس نعره زد و مرغ روحش بریاض جنان پرواز کرد و چون سید شهدا بر سر
آن شهید تشنه ستم دیده آمد او را بآنحال مشاهده کرد قطرات عبرات از دیدها ریخت و آهی جانسوز
از سینهٔ پر غم بر کشید و [illegible] خدا بکشد گروهی که ترا چنین کشتند و بکشتن تو بی جرات کردند خدا
و رسول و بر هتک حرمت رسول خدا بعد از تو خاک بر سر دنیا و زندگی دنیا راوی گفته چون علی اکبر
شهید شد دیدم زنی مانند آفتاب تابان بیتابانه از خیمهٔ حرم محترم آنحضرت بیرون دوید و فریاد
وا ویلاه و وا ثبوراه بر کشید و میفرمود ای نور دیدهٔ اخیار و ای میوهٔ دل فگار و ای حبیب قلوب
برادر بزرگوار پس آمد و جسد مطهر آن امامزاده را در بر کشید پرسیدم که این زن کیست
گفتند زینب خواهر امام حسین ع است ناگاه حضرت آمد و دست او را گرفت و بسوی خیمه برگردانید
و فرزند دلبند خود را بر داشت و در میان سایر شهدا گذاشت و راوی گفت که در اینحال دیدم کودکی
از سرادق عصمت و جلال بیرون آمد مانند خورشید تابان و دو گوشواره در گوش او بود و از
دهشت و حیرت بجانب راست و چپ مینگریست و گوشوارهای او از بیم و اضطراب میلرزید
هانی بن ثبیت حرامزادهٔ سنگین دل از لشکر عمر جدا شد و ضربتی بر سر آن طفل معصوم زد
و او را شهید کرد و چون دیگر کسی از اهل بیت رسالت بغیر از آن امام مظلوم و امام زین العابدین ع

نماند و امام زین العابدین ع بیمار بود و قدرت بر شمشیر برداشتن نداشت و با آن حال چون پدر غریب خود را تنها
دید شمشیر برداشت و خواست که بجانب معرکه روان شود ام کلثوم فریاد برآورد که ای نور دیده بکجا میروی
امام زین العابدین ع فرمود که ای عمه بزرگوار بگذار که جان خود را فدای پدر نامدار خود کنم چون امام حسین ع
آن را دید فرزند گرامی خود خبر یافت فرمود ای ام کلثوم او را مگذار که بمیدان رود که نسل من از او بهم
خواهد رسید و ذریت حضرت رسالت ص باو باقی میماند خلیفه و جانشین من او خواهد بود پس امام شهیدان
برای اتمام حجت خدا فریاد زد که آیا کسی هست که فریاد رسی ما از خدا امید ثواب داشته باشد چون
حرم محترم آنحضرت صدای استغاثه آن امام غریب را شنید صدای شیون و گریه و زاری از سراپردهای
عصمت و طهارت بلند شد پس امام حسین ع بدر خیمه حرم آمد و فرمود که فرزند کوچک من عبدالله را
بدهید که او را وداع کنم و بعضی او را علی اصغر مینامند چون آن طفل معصوم را بدست آن امام
مظلوم دادند او را بوسید و فرمود وای بر این کافران در هنگامی که جد تو محمد مصطفی ص خصم ایشان
باشد ناگاه حرمله بن کاهل لعین تیری از کمان کین رها کرد و بر [illegible] آن امام زاده معصوم آمد و در
دامن پدر بزرگوار خود شهید شد و مرغ روحش بشاخ سدرة المنتهی پرواز نمود پس حضرت کف
مبارک خود را بزیر آن خون میداشت که پر میشد و بسوی آسمان می افکند و میفرمود که چون در راه خداست
این همه آزارها سهل است و امام محمد باقر ع فرمود که از آن خون قطره بر زمین نیامد پس حضرت فرمود
خداوندا این فرزند دلبند من از ناقه صالح کمتر نبود خداوندا اگر در این وقت مصلحت
در یاری ندانستی این آزارها را موجب تضاعف ثواب آخرت گردان پس آن طفل معصوم را
در میان شهدا گذاشت و بروایتی در همان موضع دفن کرد مجلس نهم در بیان وقایع جانکاه
و مصایب محنت پرداز و شهادت سید الشهدا که دل مستمعان را میگدازد چون یکی از
اهل بیت رسالت بغیر از آن امام مظلوم و امام زین العابدین ع نماند سید الشهدا عزم معرکه شهادت
فرمودند که جان را فدای دوست کنند و پرده کیان سرادق عصمت را طلبید و دختران و خواهران را
در بر کشید و هر یکرا بثوابهای حق تعالی بخشید و صدای شیون از خیمهای حرم بلند شد و

صدای الوداع الوداع و ناله الفراق الفراق از زمین تا آسمان میرسید پس سکینه دختر آنحضرت مقنعه
از سر کشید و فرمود ای پدر بزرگوار تن بمرگ داده و ما را بکه میگذاری آن امام مظلوم گریست و
فرمود که ای نور دیده هر که یاوری ندارد یقین مرگ را بر خود قرار میدهد ای دختر یاور همه کس خداست
و رحمت خدا در دنیا و عقبی از شما جدا نخواهد شد صبر کنید بر قضاهای خدا و شکیبایی ورزید که زود
دنیای فانی منقضی میگردد و نعیم ابدی آخرت زوال ندارد پس امام زین العابدین ع را طلبید و اسرار امامت
و خلافت را باو سپرد و او را خلیفه و جانشین خود کرد و او را وصیتها نمود و چون حضرت از شهادت
خود خبر داشت پیش از توجه عراق کتابها و ودایع انبیا و اوصیا را بزوجه طاهره حضرت
رسالت ص سپرد که چون امام زین العابدین ع از کربلا برگردد باو تسلیم نماید و امام زین العابدین ع بیمار بود
وصیت نامه را بفاطمه دختر خود سپرد که بآن حضرت برساند پس سید الشهدا کمر شهادت بر بست
[illegible] یقین و ایمان و از روی شوق لقای خداوند عالمیان رو بکافران و منافقان آورد
بمفاخر و مناقب خود [illegible] دا نمود و مبارز میطلبید و [illegible] در برابر فرزند اسد الله الغالب می آمد او را
بر خاک هلاک می انداخت و چون دیگر کسی جرأت نمیکرد که بمبارزت در برابر آنحضرت در آید آن شیر
خدا بر میسره و میمنه آن اهل کفر و دغا حمله میکرد و در هر حمله جمع کثیری بسوی بئس المصیر میفرستاد و بهر جانب
که حمله میکرد آن گروه انبوه مانند مگس و ملخ از پیش او میگریختند و از حمله که بر میگشت لحظه توقف مینمود و
میفرمود لا حول و لا قوة الا بالله و تشنگی بر آنحضرت غالب شده بود و هر چند آب از آن کافران
میطلبید مضایقه میکردند پس عمر نحس لعین گفت این فرزند انزع بطین است و این فرزند کشنده
عرب است شما در مبارزت او مقاومت نمیتوانید کردن همه جانب او را در میان گیرید و او را تیر باران
کنید پس لشکر آن کافران آن امام را در میان گرفتند و راه آنحضرت را از خیمها سد کردند حضرت
ایشانرا ندا کرد ای کافران اگر دین ندارید حمیت عرب چه شده با من کار دارید متوجه خیمهای
حرم چرا میشوید شمر لعین مردم را منع کرد و نزدیک حرم نروید و گفت کار او را بسازید و بسبب تشنگی
آن گونه است که کشتن از تیغ او نتوان گریخت چون تشنگی بر آنجناب غالب شد بجانب نهر فرات روان شد

بنزدیک آب رسید سواران پیادگان آن کافران سر راه بر آن جگر گوشه خیر البشر و نور دیده ساقی
کوثر گرفتند و ایشان زیاده از چهار هزار مرد بودند آن شیر خدا با لب تشنه بسیاری از آن کافران را
بسوی جهنم فرستاد و صف لشکر را شکافت و اسب در میان آب راند و با اسب خطاب فرمود که تو
اول آب بخور تا من آب بخورم اسب دهان از آب برداشت و انتظار میکشید که اول آن امام تشنه لب مظلوم
آب بنوشد چون امام کفی از آب برگرفت که بیاشامد لعونی فریاد زد که تو آب می‌آشامی و لشکرهای مخالف
در خیمه‌های حرم در آمده اند حضرت آب را ریخت و در خیمه‌ها روانه شد دید که آن خبر اصلی نداشت که مقدر
شده است که روزه آن روز را از آب کوثر بدست خیر البشر افطار نماید پس بار دیگر اهل بیت رسالت
و پرده کیان سرادق عصمت و طهارت را وداع نمود و ایشان را بصبر و شکیبائی امر فرمود و بوعده
مثوبات غیر متناهی الهی تسکین داده فرمود که چادرها بر سر کشید و آماده لشکر مصیبت و بلا
گردید و بدانید که حق تعالی حافظ و حامی شماست و شما را از شر اعدا نجات میدهد و عاقبت بخیر و
نیکو میگرداند و دشمنان شما را بانواع بلاها مبتلا میسازد و شما را عوض این بلاها در دنیا و عقبی بانواع
نعمتها و کرامتها بنوازد زنهار که دست از شکیبائی بر مدارید و کلام ناخوشی بر زبان مرانید که موجب نقص
ثواب شما گردد پس آن شیر خدا بار دیگر روی بمیدان هیجا آورد و بر صف لشکر مخالف تاخت و میزد
و میکشت و می انداخت و با لب تشنه و بدن خسته از کشتگان پشته‌ها ساخت و مانند برگ خزان
سرهای کافران بر زمین میریخت و بضرب شمشیر آبدار خون اشرار و فجار بر خاک معرکه می‌ریخت
روایت کرده اند که در آن روز [illegible] خود هزار و هفتصد و پنجاه نفر از آن اشقیا را بخاک هلاک انداخت
و بروایتی دو هزار و ششصد نفر را بسوی عذاب سقر فرستاد پس عمر نحس لعین تیراندازان را حکم کرد
که آن سرور شهدا را تیرباران کنند یکدفعه چهار هزار کافر تیر کین بسوی آن جناب [illegible] لعین انداختند
و آن سید شهدا در راه حق تعالی آن تیرهای اهل جفا و جور را بر روی سینه و گلو میخرید در جهاد اعدا
[illegible]

رسید پس حضرت فرمود که خدا ترا از رحمت خود دور گرداند و قاتلان ترا بدترین عذابها در دنیا
و عقبی معذب گرداند و بعد از او حبیب بن مظاهر اسدی قدم در میدان جهاد نهاد و سی و یکنفر از
آن اشقیا را بسقر فرستاد و بروایت دیگر شصت و دو نفر از آن بدبختان را بدرکات نیران
فرستاد تا آنکه حصین بن نمیر لعنة الله علیه او را بدرجه شهادت رسانید و پس مالک بن انس
کاهلی قدم سعادت در میدان شهادت گذاشت و هشتده نفر از آن سنگین دلان را بسرای نیران
فرستاد و خود سرخ رو بریاض بهشت شتافت و بعد از او زیاد بن مهاجر کندی بر آن
طاغیان حمله آورد و نه نفر از ایشان را بقتل رسانید و خود را بریاض جنان کشید و بعد از آن هلال
بن حجاج در امواج حرب غوطه خورد و سیزده کس را بتیغ آبدار باسفل درکات نار فرستاد و خود را
بسایر شهدا ملحق گردانید و بعد از او نافع بن هلال بیرون رفت و جمعی از ایشان را بقتل آورد و
و مزاحم بن حریث علیه اللعنه او را شهید کرد و چون در هر حمله بسیاری از آن اشقیا نابود میشدند
عمرو بن حجاج با عمر نحس گفت که مصلحت در مبارزت نیست میباید که یکدفعه حمله آورید عمر علیه اللعنه
رای او را پسندید و حکم کرد که بمبارزت بیرون نروند و همه یکدفعه حمله آوردند پس شمر لعین با اصحاب
خود بر میسره لشکر سعادت اثر حمله کرد و در لشکر آنحضرت سی و دو سوار دیگر پیش نمانده بود و ایشان
قدم ثبات استوار داشتند و بر هر طرف لشکر مخالف که حمله میکردند ایشان میگریختند پس عمر بن سعد
حصین بن نمیر را با پانصد تیرانداز بمدد شمر لعین فرستاد و نایره حرب مشتعل گردید و تا ظهر جنگ کردند
و چون خیمه‌های حرم محترم بیکدیگر متصل بود و از یکجانب بیشتر حمله نمیتوانستند آورد عمر علیه اللعنه
حکم کرد که سرادقات عصمت را از پا در آورند چون متوجه این جرات و جسارت می‌شدند اصحاب حضرت
از میان خیمه‌ها در آمده و بسیاری از ایشان را بجهنم فرستادند بعد از آن این جاهل عمر علیه اللعنه
حکم کرد که آتش در خیمه‌ها زنند حضرت فرمود که بگذارید که آتش بخیمه‌ها زنند چون چنین کنند راه ایشان
از آن جانب مسدود میشود و چنان شد و پیوسته اصحاب کبار اخیار آنحضرت در مقاتله آن اشرار کفار
میکوشیدند و یکنفر از ایشان که شهید میشد در لشکر آنحضرت مینمود و ده صد نفر که از جنود نامعدود عمر دور

کشته میشد هیچ نمیشنود چون اصحاب آنحضرت بسیار شهید شدند و خیر کی مخالفان زیاده شد ابو
ثمامه صایدی بخدمت امام شهدا آمد و گفت یا ابن رسول الله جانم فدای تو باد لشکر مخالف نزدیک
شدند میخواهم که جان خود را فدای تو کنم و میخواهم نماز ظهر را با تو دریابم که نماز وداع است چون حضرت
سید شهدا اسم نماز را شنید آهی سرد از دل پر درد بر کشید و سر به آسمان بلند کرد و فرمود که نماز را
بیاد ما آوردی خدا ترا از نمازگذارندگان گرداند بلی اول وقت نماز است از این کافران مهلتی
بطلبید که ما را مهلت دهند که نماز را بجا آوریم چون التماس کردند حصین بن نمیر گفت که نماز شما مقبول
نیست حبیب بن مظاهر گفت ای غدار مکار نماز فرزند سید ابرار مقبول نیست و نماز چون تو منافق
نابکار مقبول است ابن نمیر در خشم شد و بر حبیب حمله کرد حبیب شمشیری بر روی اسب او زد و آن
ملعون از اسب افتاد حبیب خواست که او را بقتل آورد اصحاب او هجوم آوردند و آن لعین را بردند
و زهیر بن قین و سعید بن عبدالله حنفی در پیش روی آنحضرت ایستادند و جان خود را فدای آن جان
عالمیان کردند و حضرت با بقیه اصحاب خود نماز جماعت گذارد و بعنوان نماز خوف و هر تیر و نیزه که از
جانب لشکر عمر بسوی آنحضرت می آمد آن دو بزرگوار بجان قبول میکردند تا آنکه سعید سعادتمند از بسیاری
جراحت تیر و نیزه بر زمین افتاد و میگفت خداوندا لعنت کن ایشان را مانند لعنت عاد و ثمود خداوندا
سلام مرا به پیغمبر خود برسان و او را اعلام نما آنچه از الم یافتم در نصرت فرزند دلبند او خداوندا من
یاری فرزند پیغمبر تو کردم مرا برحمت خود امیدوار گردان و چون شهد شهادت نوشید سیزده تیر
در بدن او بود بغیر از جراحتهای شمشیر و نیزه و بعضی گفته اند که حضرت را فرصت نماز جماعت ندادند
و هر یک جدا جدا نماز گذاردند پس عبدالله بن عبدالرحمن بن عبدالله یزنی با معرکه مردانگی داشت
و قتال کرد تا شهید شد و بعد از آن عمرو بن قرظه انصاری جان خود را فدای سید شهدا کرد
و در پیش روی آنحضرت ایستاد و جهاد میکرد و هر شمشیر و تیر و نیزه که متوجه آن امام کبیر میگردید
بجان میخرید و نمیگذاشت که به آنحضرت برسد چون از پا درآمد گفت یا ابن رسول الله آیا وفا بعهد
خود کردم حضرت فرمود بلی و چون داخل بهشت شوم تو در پیش روی من خواهی بود اکنون رسول

خدا را از من سلام برسان و بگو که من بزودی میرسم پس جون آزاد کرده ابوذر غفاری که غلام
سیاهی بود بخدمت آن حضرت آمد و رخصت جهاد طلبید حضرت فرمود که من ترا رخصت
میدهم که بر گردی گفت یا ابن رسول الله من در نعمت و رخا در خدمت شما بر فاهیت گذرانیدم
اکنون که هنگام محنت و بلاست از شما جدا نمیشوم یا ابن رسول الله میخواهی که من با این روی سیاه
و حسب تیره و بوی بد شهید شوم بخدا سوگند که از شما جدا نمیشوم تا خون سیاه خود را با خونهای
شما مخلوط گردانم پس رخصت جهاد یافت و مردانه بمقاتله اعدا شتافت و داد مردانگی داد
تا شهید شد و بعد از شهادت او آنحضرت بر سر او آمد و گفت خداوندا روی او را سفید گردان
و بوی او را نیکو گردان و او را با نیکوکاران محشور ساز و میان او و محمد و آل محمد جدائی مینداز و از
حضرت امام زین العابدین منقول است که مردم آن قبیله که شهیدان را دفن میکردند بعد از ده
روز چون او را دریافتند بوی مشک از آن ساطع بود و بعد از او عمرو بن خالد
صیداوی بخدمت آنحضرت آمد و گفت یا ابن رسول الله مرا دستوری ده که با اصحاب خود ملحق شوم
و شهادت ترا نبینم حضرت فرمود که برو که در همین ساعت ما نیز بتو ملحق میشویم آن سعادتمند جان
گرامی را در کف نهاد و بعد از مقاتله بسیار بشهدا ابرار پیوست پس حنظله بن اسعد شامی آمد و
وار در پیش روی امام اخیار ایستاد و تیر و نیزه و شمشیر آن کافران را بر رو و سینه خود خرید و بآواز
بلند میگفت يا قوم اني اخاف عليكم مثل يوم الاحزاب مثل دأب قوم نوح
وعاد وثمود والذين من بعدهم وما الله يريد ظلما للعباد ويا قوم اني
اخاف عليكم يوم التناد يوم تولون مدبرين ما لكم من الله من عاصم
يا قوم لا تقتلوا حسينا فيسحتكم الله بعذاب وقد خاب من افترى
و اینها نصیحت چند است که مومن آل فرعون بقوم فرعون میگفت یعنی ای قوم میترسم بر شما از
آن عذابها که بر امتهای گذشته وارد شد مانند عذاب قوم نوح و عاد و ثمود و آنها که بعد از ایشان
بودند و خدا نمیخواهد ستمی برای بندگان خود ای قوم من میترسم بر شما از عذاب روز قیامت در

که روز محشر بگردانید بسوی جهنم وشما را از عذاب خدا نگاه دارنده نباشد ای قوم میکشید امام حسین را
پس مستاصل گرداند خدا شما را بعذاب عظیم وبتحقیق که ناامید است کسی که بر خدا افترا بندد
پس امام حسین ع فرمود ای پسر سعد خدا ترا رحمت کند ایشان مستوجب عذاب شدند در هنگامی
که نصیحت ترا قبول نکردند وترا واصحاب ترا دشنام دادند واکنون چگونه مستحق عذاب الیم
نباشند که بزرگان دین را بقتل آوردند حنظله گفت فدای تو شوم آیا بثواب خدا نمیرسیم وبه
برادران خود ملحق نمیشوم حضرت فرمود که برو که برای تو در آخرت مهیا کرده است آنچه بهتر است
از دنیا وآنچه در دنیاست ومیروی بسوی ملکی که زوال ندارد حنظله گفت السلام علیک ای
فرزند رسول خدا صلوات بر تو باد وبر اهل بیت تو وخدا جمع کند میان ما ومیان شما در بهشت
جاوید حضرت گفت آمین وآن سعادتمند در دریای حرب غوطه خورد وبسعادت شهادت فایز
گردید واز مهالک دنیا خود را بساحل نجات کشید پس سوید بن عمرو که بشرافت حسب وکثرت نماز
وعبادت معروف بود قدم در میدان نبرد گذاشت ومقاتله بسیار کرد تا آنکه از بسیاری
جراحت در میان کشتگان افتاد چون شنید که آن امام مظلوم شهید شد کاردی از موزه خود
بیرون آورد وبقیه جانی که داشت جهاد کرد تا شهید شد پس یحیی بن سلیم مازنی بپای مردی در معرکه
دوید ورخت زندگانی فانی بجهت جاوید کشید بعد از او قرة بن ابی قرة غفاری قدم جلادت
در میدان سعادت نهاد وبعد از محاربه بسیار شهید شد وبعد از او عمر بن مطاع جعفی باب
تیغ آبدار آتش در خرمن حیات مخالفان انداخت وجان خود را در راه پیشوای اهل ایمان در باخت وبعد از
او حجاج بن مسروق پای جلادت در میدان سعادت نهاد وبسیاری از کافران را باسفل درک نیران
فرستاد وخلعت سعادت پوشید وشربت شهادت نوشید وبعد از او جنادة بن حارث
رو بمیدان آورد وبعد از مجادله بسیار بشهدا ملحق شد وبعد از او عمرو بن جناده بشرف شهادت
فایز گردید وبعد از او عبدالرحمن بن عروه شربت شهادت چشید وبعد از او عابس بن شبیب شاکری
با شوذب مولای خود گفت که ای شوذب چه در خاطر داری گفت مقاتله خواهم کرد تا آنکه کشته شوم

عابس گفت من نیز بتو این گمان داشتم چون این سعادت یافتی برو بخدمت امام علیه السلم واز او رخصت
گیر وعهد خود را تازه کن ومهیای سفر آخرت شو که امروز روزیست که حسب المقدور در تحصیل اجر
آخرت سعی نمائیم زیرا که بعد از این عملی نخواهد بود وحساب وجزا را در پیش داریم پس عابس بقدم اخلاص
ویقین وایمان بخدمت امام مؤمنان آمد وگفت یا ابن رسول الله امروز هیچکس از خویش وبیگانه
نزد من از تو عزیزتر نیست واگر میتوانستم که رفع نمایم کشتن ترا از تو بچیزی که نزد من از جان عزیزتر
باشد هر آینه میکردم وبر تو سلام میکنم وترا وداع مینمایم وترا گواه میگیرم که بر طریقه حق تو وپدر تو
باشم این را گفت وشمشیر را از غلاف کشید ومانند شیر رو باهل خلاف آورد ربیع بن تمیم گفت
که چون من دیدم که او با تیغ برهنه خشمناک رو بلشکر ما می آید ومکرر شجاعت او را در معرکه ها مشاهده
کرده بودم گفتم ایها الناس این پسر شبیب است وشیر بیشه شجاعت است که بسوی شما می آید مبادا کسی
در برابر او رود پس آن نامردان بترسیدند وهر چند مبارز طلبید هیچکس جرات نکرد که بیرون رود
چون عمر لعین دید که کسی جرات مبارزت ونمینماید گفت او را سنگباران کنید چون عابس نامردی
ایشان را مشاهده نمود تن بکشتن داد وخود وزره خود را انداخت وبا تن برهنه بر آن
روباه صفتان حمله کرد وبهر طرف که رو می آورد زیاده از دویست [illegible] میگریختند
تا آنکه آن نامردان بیحیا بسنگ جور وجفا بدنش را خسته کردند وچون از مجادله عاجز شد سرش را
بتیغ کین جدا کردند وچندین کس بر سر او نزاع کردند که هر یک میگفت که من کشته ام عمر
علیه اللعنه گفت او را یک کس نمیتوانست کشت بجراحت همه لشکر کشته شد پس عبدالله
وعبدالرحمن غفاری بخدمت شاه شهیدان آمدند وگفتند السلم علیک یا اباعبدالله بخدمت
شما آمده ایم که جان خود را فدای تو کنیم حضرت فرمود که مرحبا پیش آئید ومهیای شهادت شوید
نزدیک آمدند وقطرات اشک حسرت از دیدها باریدند حضرت فرمود که ای فرزندان و
برادران سبب گریه شما چیست بخدا سوگند که امید دارم که بعد از یک ساعت دیگر دیده شما روشن
ودل شما شاد باشد گفتند فدای تو شویم بر حال خود گریه نمیکنیم ولیکن بر حال غریبی شما میگریم

که مخالفان از همه طرف بتو احاطه کرده‌اند و نمیتوانیم دفع شر ایشان از تو بکنیم حضرت فرمود که خدا خیر
شما را بدهد و هیچ کم بر حال من دارید بهتر جزاهای پرهیزکاران پس آنحضرت را وداع کردند و بمیدان روان
شدند و سرهای خود را در راه آنسرور باختند و سر عزت را باوج رفعت افراختند و چون اکثر اصحاب
آنحضرت شهید شدند آنحضرت غلام ترکی داشت در نهایت صلاح و سداد و قاری قرآن بود از حضرت رخصت
شد و خود را بر صف سپاه مخالفان زد و بسیاری از آن سیاه رویان بر خاک هلاک افکند آخر تیغ
ظلم و عدوان بر زمین افتاد چون حضرت بر سر او آمد بر او گریست و روی مبارک خود را بر روی آن
سعادتمند گذاشت او چشم گشود و نظر بر روی نورانی آن امام عالمیان افکند و تبسمی کرد و مرغ روحش بریاض
جنان پرواز نمود پس یزید بن شعثا بمیدان تاخت و هشت تیر که داشت بسوی لشکر مخالفان
انداخت و باین تیرها پنج منافق را بجهنم فرستاد و هر تیری که می‌انداخت حضرت میفرمود که خداوندا
تیرش را برنشانه آشنا گردان و در عوض آن بهشت او را عطا کن پس ابو عمر نهشلی که از عباد
و زهاد و قاری قرآن بود خود را بر صف مخالفان زد و جماعت بسیار از ایشان هلاک کرد و عامر
نهشل علیه اللعنه او را شهید کرد پس سیف بن ابی الحارث و مالک بن عبدالله بخدمت آنحضرت آمدند
و رخصت جهاد یافتند و بسوی بهشت شتافتند مجلس ششم در بیان قتل و شهادت اهل بیت و
اولاد آنحضرت است مرویست که چون بغیر از اولاد و امجاد حضرت امیر المؤمنین و اولاد امام حسن
و اولاد جعفر بن ابی طالب و اولاد عقیل علیهم السلام دیگر کسی نماند ایشان جمع شدند و اول کسی که از ایشان
ابتدا بمقاتله کرد عبدالله پسر مسلم بن عقیل از ابن عم بزرگوار خود دستوری خواست و پا در میدان
نهاد و رجز چند ادا کرد و بروایت حضرت امام زین العابدین سه نفر از کافران بقتل آورد و بروایت
دیگر در سه حمله نود و هشت نفر از اشقیا را بسقر فرستاد تا آنکه لعین عبدالله بن صبیح و عمرو بن مالک
علیهما اللعنه او را شهید کردند و بروایت دیگر دستی بر سر مبارک خود گذاشته بود که نامردی تیری بسوی او
انداخت که دست و پیشانی نورانی آن سید بزرگوار بر هم دوخت و ابو الفرج روایت کرده که مادر
عبدالله رقیه صبیه حضرت امیر المؤمنین بود و بعد از او بروایت حضرت امام محمد باقر محمد برادر او بجنگ آمد

بطلب خون برادر جمعی از آن بدبختان را بقتل آورد و بضرب ابو جرهم اسدی و لقیط بن ایاس جهنی شربت
شهادت نوشید پس جعفر پسر عقیل رض رجز خوانان بمعرکه درآمد و پانزده نفر از مخالفان را بر خاک هلاک
افکند و بروایت امام محمد باقر ع عروة بن عبدالله خثعمی لعنه الله او را شهید کرد پس عبدالرحمن پسر عقیل رض
پا در میدان سعادت نهاد و هفده نفر از آن کافران غدار را بدرک اسفل فرستاد و بضرب عثمان
بن خالد جهنی علیه اللعنه خلعت شهادت پوشید و بروایت دیگر بعد از او عبدالله پسر عقیل بمعرکه درآمد و
جمعی را بقتل رسانید و بضرب عثمان بن خالد و بشیر بن حوطه علیهما اللعنه بمنزله شهادت رسید پس محمد پسر ابو
سعید بن عقیل بمیدان درآمد و بعد از کشتن جمعی بضرب لقیط بن یاسر جهنی عمر شریفش بسر آمد
و بعضی روایت کرده‌اند که علی پسر عقیل نیز در آن صحرا بدرجه شهادت ملحق شد و چون نوبت باولاد جعفر
طیار رض رسید اول محمد پسر عبدالله بن جعفر قدم شجاعت در میدان سعادت نهاد و ده نفر از
آن اشقیا را بجهنم فرستاد و بتیغ پدر زیغ عامر بن نهشل تمیمی علیه اللعنه شربت شهادت چشید
پس عون برادر بزرگوار او بمعرکه درآمد و سه سوار و هشتده پیاده را از هر ممات چشانید و بتیغ
عبدالله بن قطبه شهید شد و بروایتی عبدالله برادر ایشان نیز در آن صحرا بدرجه شهادت رسید
مجلس هفتم در بیان قتل و شهادت اولاد امام حسن علیه السلم مرویست که چون نوبت باولاد
حضرت امام حسن رسید اول قاسم قدم شجاعت در میدان سعادت نهاد که چهره مبارکش مانند
آفتاب تابان میدرخشید و هنوز بحد بلوغ نرسیده بود نزد عم بزرگوار خود آمد و رخصت
جهاد طلبید امام شهید او را در بر کشید و آنقدر گریست که نزدیک شد که مدهوش گردد هر چند آن امام
بزرگوار در طلب رخصت جهاد مبالغه مینمود حضرت مضایقه میفرمود تا آنکه بر پای عم بزرگوار افتاد و چندان
بوسید و گریست و استغاثه کرد که از حضرت امام حسین ع رخصت حاصل کرد و بمیدان درآمد و غرّه
سید ابرار را از نور جمال خود زینت داد و با آن خردسالی در یک حمله سی و پنج نفر از آن سنگدلان بیحیا را بجهنم
فرستاد راوی گوید که من در میان لشکر عمر نحس علیه اللعنه بودم دیدم که کودکی از لشکر امام حسین
علیه السلم جدا شد و متوجه لشکرگاه گردید و نور از جبین او میتابید و پیراهن دراز پوشیده بود

و دو نعل در پا کشیده بود و بند نعل راست او گسیخته بود در آنحال عمر پسر سعد ازدی گفت که بخدا سوگند
که میروم تا او را بقتل آورم گفتم سبحان الله آیا دل تو تاب آن دارد که بر او ضربت زنی بخدا سوگند
که اگر بر من تیغ حواله کند دست نمیگشایم بدفع آن این کرده که او را در میان گرفته اند او را کافیست
پس آن ملعون بدگهر اسپ تاخت و ضربتی بر سر مبارک آن امام زاده مظلوم زد که برو
درافتاد و فریاد کرد که وا عماه مرا دریاب ناگاه دیدم که امام حسین ع مانند عقاب آمد و صفها را شکافت
و چون شیر خشمناک بر آن کافران بیباک حمله کرد و تیغی حواله عمر قاتل آن امام زاده مظلوم کرد
آن لعین دست پیش آورد آنحضرت دست او را جدا کرد آن ملعون فریاد زد و لشکر اهل نفاق
جمع شدند که آن ملعون را از دست حضرت رها کنند جنگ در پیوست و آن ملعون کشته شد و آن
طفل معصوم در زیر سم اسپان مخالفان کوفته شد و چون حضرت آن کافران را دور کرد و بر سر
فرزند گرامی برادر خود آمد دید بر زمین میساید و عزم پرواز اعلا علیین دارد جوی اشک حسرت
از دیدهای مبارکش جاری شد و گفت بخدا سوگند که بر عم تو گرانست که تو او را بیاری خود طلبی
و یاری تو نتواند کرد و خدا دور گرداند از رحمت خود آنها که ترا بقتل آوردند و وای بر گروهی که
پدر و جد تو خصم ایشان باشند پس حضرت آن شهید معصوم را برداشت و سینه اش بر سینه خود
گذاشت و پاهای او بر زمین میکشید و او را برد و در میان کشتگان اهل بیت خود انداخت و گفت
خداوندا کشندگان ما را بکش و جمعیت ایشان را پراکنده گردان و احدی از ایشان را مگذار و هرگز
ایشان را میامرز پس فرمود که ای پسر عمان من و ای اهل بیت من برادران من صبر کنید که بعد از
این روز مذلت و خواری نخواهید دید و بعزت و سعادت ابدی خواهید رسید بروایت حضرت امام
زین العابدین ع آن امام زاده شهید سه نفر از آن کافران پلید را بعذاب شدید فرستاد و زیاده نیز
روایت کرده اند و قصه دامادی او در کتب معتبره بنظر نرسیده است پس عبد الله پسر امام حسن ع
قدم در معرکه نهاد و بتیغ آبدار چهارده نفر از آن کافران غدار را بدرک سفل فرستاد و
بعد از مقاتله بسیار هانی بن ثبیت حضرمی بر آن امام زاده عالیمقدار ضربتی زد و شربت شهادت

حسرت از دل پر درد برکشید و سیلاب اشک از دیدهها بریخت و گفت انا لله و انا الیه راجعون
عبید الله پسر عباس بن مروان گفت ای مسلم چرا گریه میکنی آن مقصد بزرگی که تو در نظر داری این
آزارها در تحصیل آن بسیار نیست مسلم گفت گریه من برای خود نیست ولیکن بر احوال امام حسین
علیه السلم و اصحاب او میگریم که بفریب این منافقان غدار از دیار خود جدا شده اند و رو باین
جانب آورده اند و نمیدانم که چه بر سر ایشان خواهد آمد پس متوجه ابن اشعث گردید و گفت
میدانم که بر امان شما اعتمادی نیست و مرا بقتل خواهید آورد و التماس دارم که از جانب من
کسی بفرستی بسوی حضرت امام حسین ع که او بمکر کوفیان و وعدهای دروغ ایشان ترک یار و
دیار خود ننماید و بر احوال پسر عم غریب مظلوم خود مطلع گرداند و اگر میدانم که او امروز یا فردا
متوجه اینجانب میگردد باو بگویند که برگرد پدر و مادرم فدای تو باد که من در دست ایشان اسیر شدم
و مترصد قتلم و اهل کوفه چنان گروهند که پدر تو آرزوی مرگ میکرد که از نفاق ایشان رهائی
یابد ابن اشعث لعین تعهد این امور نموده مسلم را بدر قصر ابن زیاد لعین آورد و احوال او را
بعرض آن ولد الزنا رسانید ابن زیاد لعین گفت ترا با امان چکار بود کی ترا فرستادم
که او را امان بدهی چون او غریق محنت و بلا را بر در قصر آن ولد الزنا باز داشتند تشنگی بر
او غالب شد و اکثر اعیان کوفه بر در قصر نشسته انتظار دستوری میکشیدند مسلم گفت ای
منافقان بیوفا جرعه آبی بمن بدهید مسلم بن عمرو لعین گفت که یکقطره آب نخواهی یافت تا جحیم
جهنم را بیابی مسلم گفت مادرت بعزای تو نشیند ای سنگین دل جفاکار و ای معاون کفار و اشرار
سزاوارتری از من بشرب حمیم و خلود در جحیم پس مسلم از غایت ضعف و تشنگی بر دیوار
افتاد چون عمرو بن حریث آن حالرا از آن سید بزرگوار مشاهده کرد غلام خود را فرمود که
آب برای او آورد و چون خواست بنوشد قدح پر خون شد آن آب را ریخت دیگر طلبید
خون شد و در مرتبه سیوم که خواست بیاشامد دندانهای مبارکش در قدح ریخت
گویا مقرر نشده است که آب از دنیا بیاشامم درین حال رسول ابن زیاد آمد و او را طلبید

چون داخل مجلس آن ملعون شد سلام نکرد ملازم ابن زیاد گفت چرا سلام نکردی مسلم گفت اگر
مرا خواهید کشت چرا او را سلام کنم و اگر مرا نخواهید کشت سلام بسیار براو خواهم کرد بعد از
آن ابن زیاد گفت البته ترا خواهم کشت خواه سلام بکنی و خواه نکنی مسلم گفت اگر مرا بکشی بدتر
از تو بهتر از مرا کشته است ابن زیاد لعین ازین سخن در خشم شد و زبان پلید خود را بناسزا
کشود و گفت ای عاق و ای پراکنده اهل نفاق بر امام خود خروج کردی و جمعیت مسلمانان را
به پراکندگی مبدل گردانیدی و آتش فتنه را مشتعل ساختی مسلم گفت دروغ گفتی بلکه
... و یزید جمعیت مسلمانان را پراکنده کرده اند و رخنه در دین خدا افکنده اند و تو
پدر تو که ولد ... بوده اند ... فتنه و فساد در میان اهل اسلام افروخته
و من امید دارم که سعادت شهادت ... خدا و بابای کرام خود
بنجی شوم و آمدن من درین شهر برای آن بود که اهل این دیار بما نوشتند
... خدا احداث کردید و نیکان را بیگناه کشتید و اعمال کسری و قیصر را در میان
مسلمانان جاری کردید ما آمدیم که مردم را بکتاب خدا و سنت رسول خدا امر فرمائیم و بعد از آن
در میان ایشان سلوک نمائیم خدا حکم کند در میان ما و شما بحق و راستی که او بهترین حکم کنندگانست
ابن زیاد لعین گفت که خدا شما را اهل این امر ندانسته مسلم گفت کدام کس سزاوار تر است
بخلافت و امامت ابن زیاد لعین گفت یزید مسلم گفت راضی شده ایم بحکم خدا در میان ما و شما
سخنان بسیار در میان ایشان گذشت و آن ملعون ناسزای بسیار بحضرت امیر المؤمنین و امام
حسین صلوات الله علیهما و عقیل رض گفت پس مسلم گفت که چون مرا خواهی کشت بگذار که یکی از
حاضران را وصی خود کرده ام که بوصیتهای من عمل نماید ابن زیاد لعین گفت بگو آنچه خواهی مسلم رو
بعمر بن سعد علیه اللعنة آورد و گفت میان من و تو قرابتی هست وصیت مرا قبول کن آن ملعون
برای خوش آمد ابن زیاد لعین گوش بسخن او نداد ابن زیاد گفت که با تو رابطه قرابت دارد
چرا او قبول وصیت او استماع نمینمائی عمر چون از ابن زیاد دستوری یافت دست

گرفته بکنار قصر برد مسلم گفت وصیت اول من آنست که درین شهر هفتصد درهم قرض دارم شمشیر
و زره مرا بفروش و قرض مرا ادا کن وصیت دویم آنست که چون مرا بقتل آورند بدن مرا
از ابن زیاد رخصت بطلب و دفن نمائی وصیت سیوم آنست که بحضرت امام حسین بنویسی که بما
بیوفائی کردند و پسر عم ترا یاری نکردند بر وعدهای ایشان اعتماد مکن و باین صوب میا ابن
زیاد چون وصیتهای او را شنید گفت با او بر مال او کاری نیست هرچه گفته است چنان کن
اما چون او را بقتل آوریم در دفن کردن او مضایقه نخواهیم کرد و امام حسین اگر اراده ما نماید ما
اراده او نمی نمائیم پس ابن زیاد لعین بکر بن حمران را طلبید که در آن روز ضربتی بر سر او زده بود
مسلم را بر بام قصر و او را گردن بزن و سرش را ... هم رضی الله
گفت که اگر ... بغیر عشق من نمیکردی پس آن ملعون دست
آن ... گرفت و بر بام قصر برد و در اثنای راه زبان آن مقرب اله بحمد و ثنا و تکبیر و
تهلیل و تسبیح حق تعالی و صلوات بر سید انبیا و اهل بیت آنحضرت جاری بود و با حق تعالی زبان
بمناجات کشوده میگفت خداوندا تو حکم کن میان ما و میان گروهی که ما را فریب داده اند و دروغ
گفتند و بوعده خود وفا نمودند چون آن لعین بدکردار آن زبده ابرار و نقاده اخیار را
بر بام قصر برآورد و شهد شهادت بکام آن سعادتمند رسانید و سر و بدن شریفش را از بام
قصر بزیر افکند و خود لرزان نزد ابن زیاد آمد ابن زیاد لعین گفت سبب تغیر حال تو چیست
گفت چون مسلم را بقتل آوردم مردی سیاه مهیب دیدم که در برابر من ایستاده انگشتهای خود را بگزد
دیگر ... از کشتن انحال ... هراس نمود و دستش خشک شد چون خبر به پسر زیاد ...
او را طلبید و بعد از استعلام حال آن شقی تنبیه کرد و گفت چون میخواستی بخلاف عادت کاری
بکنی دهشت بر تو مستولی گردید و خیال در نظر تو آمد پس آن ملعون دیگر بر بام قصر فرستاد
چون او اراده قتل مسلم کرد صورت حضرت رسالت پناه را دید و از بیم آنحضرت ...
شد و در ساعت بمرد پس ابن زیاد شامی ملعونی را فرستاد که بکار او پرداخت و ...

مجلس چهارم

بریاض جنان انتقال نمود ابن زیاد هانی را طلب کرد و هرچند محمد اشعث و دیگران برای او شفاعت
کردند فایده نبخشید بقتل او فرمان داد و غلام ابن زیاد او را از قصر بیرون برد و ضربتی برو
زد اثر نکرد هانی گفت إِلَى اللهِ الْمَعَادُ اللّٰهُمَّ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ یعنی بازگشت
همه بسوی خداست خداوندا مرا بسوی رحمت و خشنودی خود پس ضربتی دیگر برو زد و او را
برحمت الهی واصل گردانید مجلس چهارم در بیان توجه آن امام مظلوم بسوی عراق و آنچه
رسید از اهل کفر و نفاق بآن امام آفاق اما بعد شیخ مفید و سید بن طاوس و شیخ ابن نما
و سید محمد بن ابی طالب رضی الله عنهما در بیان این قصه جانسوز و واقعه هایله غم اندوز
که جان قدسیان مجروح و دلهای مقربان مقروح گردانیده چنین ایراد نموده اند که حضرت
سید شهدا صلوات الله علیه در سیوم شعبان سال شصت و هشت از هجرت از بیم آسیب مخالفان
مکه معظمه را بنور قدوم خود منور گردانیدند و در بقیه آن ماه و ماه رمضان و شوال و ذی قعده
در آن بلد محترمه بعبادت حق تعالی قیام مینمودند و در آن مدت جمعی از شیعیان اهل حجاز و بصره
و سایر بلاد نزد آن حضرت جمع شدند و چون ماه ذی حجه درآمد حضرت احرام حج بستند و چون
یزید پلید جمعی را فرستاده بود به بهانه حج که آنحضرت را گرفته نزد او برند یا بقتل آورند حضرت
احرام حج را بعمره عدول نمود و اعمال عمره را بعمل آورد و محل شده متوجه عراق گردید و در
چند حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که چون آنحضرت میدانست که نخواهند گذاشت
که حج را تمام کند احرام بعمره مفرده بست و عمره را بتمام رسانید و در روز هفتم ماه ذی الحجه از مکه بیرون
رفت و بعضی گفته اند که در روز عرفه بیرون رفت که چون عزم توجه عراق فرمود خطبه ادا
نمود بعد از حمد و ثنای حق تعالی و درود بر سید انبیا و آل و اهل بیت اطهار فرمود که آنچه حق تعالی
مقدر فرموده بعمل می آید و حول و قوت [illegible] بتحقیق که مرگ را مانند قلاده بر گردن
جمیع فرزندان آدم لازم گردانیده اند بسیار خواهانم و مشتاق لقای اسلاف کرام
خود گردیده ام مانند اشتیاق یعقوب بسوی یوسف و برای دفن من حق تعالی بقعه شریفی اختیار

عمر سعد علیه اللعنه آمد و گفت ای عمر با این مرد جنگ خواهی کرد گفت بلی چنان جنگ خواهم کرد که سرها
جدا شود و دستها بریده شود حر گفت آیا بآنچه میگوید دست از او بر دارید راضی نمیشوید عمر گفت
اگر اختیار با من بود راضی میشدم ولیکن امیر تو راضی نمیشود پس حر بجای خود برگشت و با قره بن
قیس گفت که اسپ خود را آب داده گفت بلی قیس گفت که روانه شد و گمان کردم که میرود که اسپ
خود را آب دهد و اگر میدانستم که میخواهد بخدمت آنحضرت رود من نیز با او رفیق میشدم ناگاه دیدم
که بجانب لشکر امام حسین رفت پس مهاجر بن اوس رسید دید که لرزه بر اندامش واقع شده حر
گفت که من ترا شجاع ترین اهل کوفه میدانستم این چه حالتست که در تو مشاهده مینمایم حر گفت که
چنان نیست که تو گمان کرده ولیکن خود را در میان بهشت و جهنم متردد کرده ام و بهشت را اختیار
کردم که اگر مرا پاره پاره کنند یا بسوزانند جهنم را اختیار نخواهم کرد پس مردانه اسپ تاخت و بجناب
سید [illegible] ن و دست بر سر گذاشت و گفت خداوندا توبه میکنم توبه مرا قبول کن
بدرستی که دلهای دوستان ترا ترسانیدم و فرزندان پیغمبر ترا در بیم افکندم پس گفت یا بن
رسول الله منم که نگذاشتم که برگردی و ترا باین مکان آوردم ولیکن نمیدانستم که ایشان با تو چنین
خواهند کرد آیا توبه من قبول میشود حضرت فرمود که بلی اگر توبه کنی ترا خدا قبول میکند گفت
یا بن رسول الله پس رخصت ده که اول من بجنگ این کافران بروم چون رخصت یافت
رجز خوانان بمعرکه درآمد و لشکر مخالف را ندا کرد که ای اهل کوفه مادران شما بماتم شما گرفتار
شوند این بنده شایسته بزرگوار را بوعده های دروغ خود طلبیدید و اکنون شمشیر بر روی او
کشیده اید و او را رخصت برگشتن نمیدهید و آب فرات که یهود و نصاری و مجوس و سگ و
خوک می آشامند و اهل بیت او را وا میدارید چنین تشنه پیغمبر خود را دادید خدا شما را
از تشنگی روز قیامت نجات ندهد چون آن کافران او را نشانه تیرهای خود کردند بخدمت حضرت
برگشت که وداع کند پس عمر سعد نجس تیری در کمان کرد و بجانب عسکر امام انداخت و گفت
گواه باشید که اول کسی که تیر بسوی ایشان انداخت من بودم پس یکدفعه آن کافران تیر

از کان نفاق بسوی آن امام آفاق انداختند و کم کسی از اصحاب آنحضرت ماند که در این حمله مجروح
نشد و بروایتی در این حمله پنجاه نفر شربت شهادت از جام سعادت چشیدند و بریر شهدا
و سعدا ملحق گردیدند حضرت فرمود که مردانه باشید که این تیرها رسولان این گروه غدار است
بسوی شما پس حر گفت یا ابن رسول الله چون اول من بر سر راه تو آمدم میخواهم دستوری دهی که
اول من در راه تو کشته شوم چون رخصت یافت بمعرکه قتال شتافت و رجز میخواند و شجاعان
معرکه نبرد را بر خاک هلاک می افکند تا آنکه چهل نفر از ایشان را بجهنم فرستاد و بروایتی امام زین
العابدین ع هشتاد و نه نفر از آن اشقیا را بجهنم فرستاد و چون اسپش را پی کردند جنگ کرد تا
او را از پا در آوردند و اصحاب حضرت او را از معرکه در آورده بخدمت آنحضرت آوردند و هنوز
رمقی از حیات در او باقی بود و خون از رگهای او میریخت و امام حسین ع دست مبارک بر روی او
کشید و فرمود که چنانچه مادر ترا حر نام کرده است در دنیا و عقبی آزادی و گویند که ابو ایوب بن
سرح علیه اللعنه او را شهید و بعد از آن یک یک از اصحاب آنجناب می آمدند و رخصت جهاد
میطلبیدند و آن امام مظلوم را وداع میکردند و میگفتند السلام علیک یا ابن رسول الله حضرت
میفرمود و علیک السلام برو که ما نیز از عقب تو می آییم و این آیه میخواند فمنهم من قضی نحبه
ومنهم من ینتظر وما بدلوا تبدیلا پس بعضی مرگ خود را دریافتند و بعضی انتظار
میکشیدند و بدل نکردند دین خود را و در دین خود ثابت قدم ماندند و موافق روایات معتبره
بسیار در آن روز میان آسمان و زمین پر شد از ملائکه که بنصرت آنحضرت آمده بودند و حضرت
قبول نکرد و اختیار شهادت نمود و بروایت دیگر جنیان آمدند و عرض نصرت نمودند حضرت
ابا فرمود پس بریر بن خضیر همدانی که از عباد و زهاد و بندگان شایسته رب العباد بود و قاری
قرآن بود بعزم جهاد بیرون رفت و رجز خواندن در برابر لشکریان ایستاد و گفت
نزدیک من بیایید ای کشندگان مؤمنان و ای قاتلان اولاد پیغمبران پس سی نفر از ایشان را [illegible]
معرکه انداخت و سرخ رو بروضه رضوان شتافت و گویند که یزید بن معقل در برابر او آمد

وگفت گواهی میدهم که تو از نماز گذارندگانی بریر گفت بیا مباهله کنیم که هر یک از ما و تو که دروغ گوییم
بتیغ دیگری کشته شویم پس یزید ضربتی بر بریر زد و اثر نکرد و بریر ضربتی بر سر آن لعین زد که
خودش شکافت و بمغز سرش رسید و بر زمین افتاد و بجهنم واصل شد پس بحیر بن اوس از
اصحاب سپه زیاد بر بریر حمله آورد و او را شهید کرد و بعد از آن پشیمان شد و پشیمانی سودی نداشت
پس وهب بن عبد الله رخصت مبارزت طلبید و زن و مادر او همراه بودند و در سعادتمندی او در
محاربه و مقاتله او را ترغیب میکردند چون بعرصه کارزار آمد گروهی از آن اشرار را طعمه شمشیر خود ساخت
و بسوی مادر و زن خود برگشت و گفت ای مادر از من راضی شدی آن نیک زن گفت ای فرزند از
تو وقتی راضی میشوم که در یاری امام حسین کشته شوی زنش گفت مرا بیکس و غریب مگذار مادر گفت
ای فرزند سخن زن را [illegible] فدای امام حسین کن تا در روز قیامت بنزد جد خود شفیع تو باشد
پس برگشت و دلیری جنگ کرد [illegible] نوزده سوار و دوازده پیاده از آن
اشقیا بجهنم فرستاد پس دستهای او را قطع کردند مادرش چون او را بآنحال مشاهده کرد
عمود خیمه را گرفت و متوجه معرکه شد و میگفت پدر و مادرم فدای تو باد برای حرم محترم حضرت
رسالت جنگ کن تا شهید شوی و سعادت ابدی دریابی آن پسر نیک هر چند مبالغه میکرد که مادرش بر
گردد قبول نمیکرد حضرت امام حسین ع چون آن حال را مشاهده کرد فرمود که خدا ترا جزای خیر دهد که
در یاری اهل بیت رسالت دقیقه فرو نگذاشتید ای زن صالحه برگرد که بر زنان جهاد نیست چون
وهب شربت شهادت چشید مادرش بیتاب شد و بنزد او دوید و رو در روی او گذاشت و خاک
از روی او پاک میکرد شمر لعین در آن حال غلام خود را امر کرد که عمودی بر سر آن بیچاره زد و او را
بشوهرش ملحق ساخت و در حدیث حضرت امام زین العابدین ع وارد شده است که این زن
اول قتیلی بود و او و مادرش بر دست حضرت امام حسین ع مسلمان شدند و چون بمعرکه رفت
هفت هشت نفر از آن ملاعین بقتل آورد و بروایت دیگر بیست و چهار پیاده و دوازده سوار
از آن منافقان بکار را طعمه تیغ آبدار گردانید پس عمرو بن خالد ازدی متوجه جنگ گاه شد

و مقاتله کرد تا کام خود را بشهد شهادت شیرین کردانید و بعد از او پسر و خاله پسر و دین رفت
وجهاد کرد تا شهید شد و بعد از او سعد بن حنظله تمیمی بشوق ریاض رضوان متوجه قتال آن کافران
کردید و بسیاری از آن منافقان را بسرای جحیم فرستاد تا آنکه بدرجه شهادت رسید و بعد از او عمر
بن عبدالله مذحجی شمشیر کشیده مردانه رو بمعرکه کارزار آورد و بسیاری از آن کافران از جهت
حیات بیرون کرد تا آنکه بضربت مسلم جنابی و عبدالله بجلی بسعادت شهادت فایز کردید پس مسلم
بن عوسجه که از اکابر زهاد و علما و بزرگ اصحاب سید شهدا بود بمعرکه کارزار و بعزم شهادت
پا در میدان سعادت گذاشت و قتال بسیار کرد و گروهی از آن تیره بختان را بجهنم فرستاد
چون بر زمین افتاد حضرت امام حسین خود را بر سر او و حبیب بن مظاهر رسانیدند و هنوز رمقی از
حیات او باقی بود حضرت فرمود که خدا رحمت کند ترا ای مسلم و تو بسعادت شهادت فایز کردیدی
و آنچه بر تو بود بجا آوردی و اینک ما از عقب تو می آییم و حبیب با و گفت که بر ما دشوار است دیدن
تو باین حال و بشارت باد ترا بهشت مسلم با صدای ضعیف گفت خدا ترا بخیر بشارت دهد حبیب
گفت اگر نه آن بود که من نیز بزودی بتو ملحق میشوم هر آینه میکفتم که آنچه خواهی وصیت کنی مسلم گفت
وصیت من آنست که دست از یاری این بزرگوار بر نداری تا جان خود را فدای او کردانی
این را بگفت و روح شریفش ببال شهادت بسوی آشیانه قدس پرواز کرد پس کنیزک مسلم
شیون برگرفت که یا سیداه یا ابن عوسجه چون صدای شیون او بگوش عمر نحس رسید از شادی
خروش بر آوردند شیث بن ربعی با ایشان گفت مادرهای شما بمرگ شما نشینند بدست خود بزرکان
خود را میکشید و عزت خود را بذلت بدل میکنید پس مردانگیها در جهاد کافران کرده و
مسلمان دارد و بروایت حضرت امام زین العابدین پس زهیر بن قین بجلی قدم در میدان
شهادت نهاد و زجر خوانان داد مردی داد و نوزده نفر از آن کافران بجهنم فرستاد تا آنکه
شربت شهادت نوشید و با علای درجات سعادت رسید و بروایت دیگر صد و بیست نفر
آن منافقان از اعقاب رسانید تا آنکه بضربت کثیر بن عبدالله شعبی و مهاجر بن اوس تمیمی بدرجه شهادت

سعادت خود میدانم وای بر شما که حق تعالی در هر دو جهان انتقام مرا از شما خواهد کشید حصین بن مالک
ملعون گفت بچه نحو از ما انتقام خواهد کشید حضرت فرمود که چنان خواهد کرد که خود شمشیرها بروی
یکدیگر بکشید و خونهای خود را بریزید و از دنیا منتفع نشوید و با مید های خود نرسید و چون بسرای
آخرت روید عذاب بدی از برای شما مهیاست و عذاب شما بدترین عذابهای کافران خواهد بود
چندان جراحت بر بدن شریف آن امام شهدا زدند که تاب حرکت در او نماند و بروایت معتبر
از امام محمد باقر منقول است که زیاده از سیصد و بیست جراحت در جسد محترم آن امام مظلوم یافتند
و بروایت دیگر مجموع جراحتها که از تیر و نیزه و شمشیر که بجسد شریف آن امام بزرگوار رسیده بود هزار و نهصد
جراحت بود و چندان تیر در زره آنحضرت نشسته بود که گویا برای پرواز از اوج سعادت پر و بال او را
و جمیع آن زخمها در پیش روی آنحضرت بود که پشت بایشان نکردانید و روی از آن بیدینان نتافت
تا بدرجه رفیعه شهادت شتافت و چون از بسیاری جراحت آنحضرت از نشستن مانده
مانده شد لحظه توقف نمود ناگاه ابو الحتوف تیری انداخت و بر پیشانی نورانی آن امام مظلوم
چون تیر را کشید خون بر روی مبارکش فرو ریخت فرمود خداوندا تو میدانی که در راه رضای
دشمنان چه میکشم تو در دنیا و عقبی جزای ایشان را بایشان برسان پس جامه برداشت که خون از جبین
جبین خود پاک کند ناگاه تیر زهر آلودی که سه شعبه داشت آمد و بر سینه بی کینه اش که صندوق
ربانی بود آمد در آنحال فرمود بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله پس بجانب آسمان کردانید
خداوندا تو میدانی که ایشان کسی را میکشند که امروز بر روی زمین فرزند پیغمبری بغیر از او
شقی آن تیر را کشید خون مانند ناودان روان شد خون را بکف خود میگرفت و بجانب آسمان می
افشاند یک قطره از آن خون بزمین بر نمیگشت و از آن روز حمره شفق در آسمان زیاد شد پس
خون را گرفت و بر سر و روی مبارک خود مالید و فرمود که با خون خود خضاب کرده جد
بزرگوار خود را ملاقات خواهم کرد پس سید شهدا و نور دیده شهسوار لافتی روانه شد
... نزدیک آنحضرت میآمد بعضی از بیم و بعضی از شرم کناره میکردند تا آنکه مالک

وضربتی بر سر مبارکش زد که عمامه پر از خون شد حضرت فرمود که هرگز با این دست نخوری و نیاشامی با

ظالمان محشور شوی پس آن ملعون منفورین آنحضرت بیدترین احوال مرد و دستهای او خشک شد

و در تابستان مانند چوب بیشه و در زمستان خون از آنها میرفت و بر این حال بود تا بجهنم واصل

شد و بروایت شیخ مفید و سید ابن طاوس عبدالله پسر امام حسن کودکی بود چون عم بزرگوار خود را

بآنحال مشاهده کرد از خیمه محترم بیرون آمد و دوید تا بنزدیک عم بزرگوار خود زینب خاتون خواست

خواست که او را برگرداند قبول نکرد و در آن وقت حرمله بن کاهل و بروایت دیگر ابجر بن کعب شمشیر

ر د آن طفل معصوم فرمود وای بر تو ای ولد الزنا میخواهی عم مرا بکشی و آن طفل

ت خود را پیش داشت که شمشیر بر آن امام کبیر نیاید آن خارجی تیغ را فرود آورد و دست

... را جدا کرد آن طفل فریاد یا عماه بر آورد حضرت او را در بر کشید و فرمود که ای

برادر صبر کن که در همین ساعت در ... جنان به پدران بزرگوار خود میرسی

... حرام زاده تیری بر آن طفل معصوم زد و او را در دامن امام مظلوم شهید

... شبانه فرس بر او از کرد پس صالح بن وهب مزنی

... آنحضرت زد که بر رو در افتاد در آنحال زینب خاتون از خیمه

... و فریاد و اخاه و اسیداه بر آورد و میگفت کاش در این وقت آسمان

... سپهر کو بهم پاره پاره میشد پس با عمر لعین گفت که ای پسر سعد امام حسین را

... ایستاده نظر میکنی در آن وقت آب از دیدهای آن سنگین دل

... شد و رو گردانید و آن مظلوم خون خود را بسر و رو میمالید و میگفت

... ت ... نیام خدا را ستم کشیده و بخون خود طپیده ... شمر ... و امرا

... میکشید و چرا کار او را تمام نمیکنید پس آن کافران ... هجوم

... تیری بر دهان معجز بیانش زد و ابوایوب غنوی تیری

... زد ... ضربتی بر دست چپ او

عرب زد و ضربت دیگر ... ش مبارکش زد و سنان ملعون ... نیزه ...

... امام علیه السلام را از ... خولی را گفت که سرش را جدا کن

چون نزدیک آمد دستش لرزید و جرات نکرد پس سنان ملعون خود پیش آمد ...

مبارکش را جدا کرد و میگفت سر ترا جدا میکنم و میدانم که تو فرزند رسول خدائی

... مادر و پدر تو بهترین خلق اند از حضرت امام زین العابدین علیه السلام

چنین روایت شده که قاتل آنحضرت سنان بن انس ابجی بود و ...

گر ... حرامزاده لعین از اسب فرود آمد و ... که ...

حضرت فرمود که میدانستم که کشنده من تو خواهی بود زیرا که ... دیدم

که سگان بر من حمله کردند ... و در میان ایشان سگ ابلق

بر من بیشتر حمله میکرد و جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد ...

آن حرام زاده در خشم شد و گفت مرا بسگ تشبیه میکنی و در آن ...

بنهایت ... رسیده بود و زبان ... را ...

که ای فرزند ابوتراب تو دعوی میکنی که ... کوثر ...

آب ده حضرت فرمود که آیا مرا میکشی ... که من کیستم ...

نیک میشناسم مادر تو فاطمه زهراست و پدر تو علی مرتضی است

... ترا میکشم و پروا نمیکنم پس ... زاده ...

جدا کرد و اظهر آنست که ... ملعون شمر ... و ...

پس اسب آنحضرت چون مولای خود را ... دید ...

حمله کرد و چهل نفر را هلاک کرد و سر خود را بخون آنحضرت ...

... فریاد کنان بجانب خیمهها روان شد و فریاد میکرد ...

خود را شهید کردند و از حضرت امام زین العابدین

بحمد تو اکثر ... وعزت وجاه اند ایات قران ... مداومت نما بدالله مجرب ...

بسم الله الرحمن الرحیم قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا

۱۳۱۰

... ۲۹ صلوات ... رسول صلی الله ...

... در خواب دیدم

در ورق ۲۱۴ ... رشید

... ورق ۲۳۱

... کلثوم را شهید کردند ... انحضرت بیشانه خود را برچون انحضرت کذا...

... ایشان سوی خیمهای حرم دویدن چون مخدرات خیام حرم عصمت و جلال

... را شنیدند سرهای برهنه از خیمها بیرون دویدند و چون اسب را دیدند

و آن شهسوار میدان خلافت را ندیدند فریاد واحسیناه و واماماه برکشیدند

و ام کلثوم دختر انحضرت دست بر سر میزد و نوحه میکرد و میگفت وا محمداه

... حسین تو است ... در ... کشته به تیغ اهل جفا در صحرای کربلا افتاده است

... چون جواهر انحضرت ... ده این حسین گرامی تو است که

... کرده ... اعضایش از یکدیگر جدا شده است و دختران تو

... شکایت میکنیم حال خود ... مصطفی و تیمار مرتضی

... اند و اینجاه این حسین تو است که ... اولاد در نا شهید شده

در صحرای کربلا افتاده ... واگریا ... پیغمبر شما ... کرده

... در روایت ... وارد شده است چون

... عظیم ... دیدن ... سپاهی برخواست

... کرده ... کردند که ...

... نازل کرده ... چون

... زین العابدین علیه السلام ...

... ان ...

... علامه الحضر المحتاج

الی عفو ربه الباری ابن محمد ...

... الفارز ... شهر ذی

۱۱۶۴

...

یو بوست
بجهت [illegible] مزاج را رفع [illegible] میکند شب وقت خواب
بقدر یک لخت بخورند نافع است

مقل ازرق	صبر زرد	مرمکی	مصطکی
۵ مثقال	۵ مثقال	۵ مثقال	۵ مثقال

اجزاء را نرم سائیده با اب تره حب نماید

بجهت معالجه ادرار [illegible] ادرار [illegible] نگاه ندارند
روغن فندق باید کمر را چرب کند و اما زرده تخم مرغ
با چرک کوره اهن کرن نرم [illegible] روزی دفعه بکمر بمالد

فوت مرحوم والد رحمه الله علیه
جمعه ۱۸ [illegible]
۱۳۱۸

فوت مرحوم والده رحمه الله علیها
یکشنبه ۲۲ شهر ذی حجه الحرام ۱۳۲۸

فوت مرحوم [illegible] مرحوم [illegible]
[illegible] ۲ ج ۱۹ ۱۳۱۹

فوت مرحوم [illegible] خادم
۲۹ ج ۱ ۱۳۴۱

فوت مرحوم خدیجه [illegible] مرحوم
[illegible] ۲۴ شهر [illegible] ۱۳۳۶

فوت مرحوم [illegible] فاطمه [illegible]
[illegible] مرحوم [illegible] عبدالرحیم [illegible]
۲۳ شهر رجب ۱۳۵۷

فوت مرحوم [illegible]
۲۴۳
۱۳۴۴

۱۳۱۱ [illegible]